

جامع الاحكام

مجمع عالیقدر حضرت آیت العظمی

آقای حاج شیخ الطائف صاحب کلیانکافی

جلد اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامع الاحكام

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۷۰	جامع الاحکام جلد ۱
۱۷۰	مشخصات کتاب
۱۷۰	[مقدمه ناشر]
۱۷۱	احکام تقلید
۱۷۱	وجوب تقلید
۱۷۱	س ۱
۱۷۱	اشاره
۱۷۱	ج
۱۷۲	س ۲
۱۷۲	اشاره
۱۷۲	ج
۱۷۲	س ۳
۱۷۲	اشاره
۱۷۲	ج
۱۷۲	س ۴
۱۷۲	اشاره
۱۷۲	ج
۱۷۳	س ۵
۱۷۳	اشاره
۱۷۳	ج
۱۷۳	تقلید از مجتهد
۱۷۳	س ۶

۱۷۳ اشاره

۱۷۳ ج

۱۷۳ س ۷

۱۷۳ اشاره

۱۷۳ ج

۱۷۴ س ۸

۱۷۴ اشاره

۱۷۴ ج

۱۷۴ س ۹

۱۷۴ اشاره

۱۷۴ ج

۱۷۴ س ۱۰

۱۷۴ اشاره

۱۷۴ ج

۱۷۴ س ۱۱

۱۷۵ اشاره

۱۷۵ ج

۱۷۵ س ۱۲

۱۷۵ اشاره

۱۷۵ ج

۱۷۵ تبعیض در تقلید

۱۷۵ س ۱۳

۱۷۵ اشاره

۱۷۵ ج

۱۷۵	س ۱۴
۱۷۵	اشاره
۱۷۶	ج
۱۷۶	س ۱۵
۱۷۶	اشاره
۱۷۶	ج
۱۷۶	س ۱۶
۱۷۶	اشاره
۱۷۶	ج
۱۷۶	س ۱۷
۱۷۶	اشاره
۱۷۶	ج
۱۷۷	عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر
۱۷۷	س ۱۸
۱۷۷	اشاره
۱۷۷	ج
۱۷۷	س ۱۹
۱۷۷	اشاره
۱۷۷	ج
۱۷۷	بقا بر تقلید میت
۱۷۷	س ۲۰
۱۷۷	اشاره
۱۷۷	ج
۱۷۸	س ۲۱

۱۷۸	اشاره
۱۷۸	ج
۱۷۸	س ۲۲
۱۷۸	اشاره
۱۷۸	ج
۱۷۸	س ۲۳
۱۷۸	اشاره
۱۷۸	ج
۱۷۸	س ۲۴
۱۷۹	اشاره
۱۷۹	ج
۱۷۹	س ۲۵
۱۷۹	اشاره
۱۷۹	ج
۱۷۹	س ۲۶
۱۷۹	اشاره
۱۷۹	ج
۱۷۹	س ۲۷
۱۷۹	اشاره
۱۸۰	ج
۱۸۰	س ۲۸
۱۸۰	اشاره
۱۸۰	ج
۱۸۰	س ۲۹

۱۸۰	اشاره
۱۸۱	ج
۱۸۱	س ۳۰
۱۸۱	اشاره
۱۸۱	ج
۱۸۱	س ۳۱
۱۸۱	اشاره
۱۸۱	ج
۱۸۱	س ۳۲
۱۸۱	اشاره
۱۸۲	ج
۱۸۲	س ۳۳
۱۸۲	اشاره
۱۸۲	ج
۱۸۲	س ۳۴
۱۸۲	اشاره
۱۸۲	ج
۱۸۲	س ۳۵
۱۸۲	اشاره
۱۸۳	ج
۱۸۳	س ۳۶
۱۸۳	اشاره
۱۸۳	ج
۱۸۳	س ۳۷

۱۸۳ اشاره

۱۸۳ ج

۱۸۳ س ۳۸

۱۸۴ اشاره

۱۸۴ ج

۱۸۴ س ۳۹

۱۸۴ اشاره

۱۸۴ ج

۱۸۴ س ۴۰

۱۸۴ اشاره

۱۸۴ ج

۱۸۴ س ۴۱

۱۸۵ اشاره

۱۸۵ ج

۱۸۵ س ۴۲

۱۸۵ اشاره

۱۸۵ ج

۱۸۵ س ۴۳

۱۸۵ اشاره

۱۸۵ ج

۱۸۶ مسائل متفرقه تقلید

۱۸۶ س ۴۴

۱۸۶ اشاره

۱۸۶ ج

۱۸۶	س ۴۵
۱۸۶	اشاره
۱۸۶	ج
۱۸۶	س ۴۶
۱۸۶	اشاره
۱۸۶	ج
۱۸۷	س ۴۷
۱۸۷	اشاره
۱۸۷	ج
۱۸۷	س ۴۸
۱۸۷	اشاره
۱۸۷	ج
۱۸۷	س ۴۹
۱۸۷	اشاره
۱۸۷	ج
۱۸۷	س ۵۰
۱۸۷	اشاره
۱۸۸	ج
۱۸۸	س ۵۱
۱۸۸	اشاره
۱۸۸	ج
۱۸۸	س ۵۲
۱۸۸	اشاره
۱۸۸	ج

۱۸۸	احکام طهارت
۱۸۸	اشاره
۱۸۸	اسامی متبرکه
۱۸۸	س ۵۳
۱۸۸	اشاره
۱۸۹	ج
۱۸۹	س ۵۴
۱۸۹	اشاره
۱۸۹	ج
۱۸۹	س ۵۵
۱۸۹	اشاره
۱۸۹	ج
۱۸۹	س ۵۶
۱۸۹	اشاره
۱۸۹	ج
۱۹۰	س ۵۷
۱۹۰	اشاره
۱۹۰	ج
۱۹۰	س ۵۸
۱۹۰	اشاره
۱۹۰	ج
۱۹۰	س ۵۹
۱۹۰	اشاره
۱۹۰	ج

س ۶۰	۱۹۰
اشاره	۱۹۰
ج	۱۹۱
س ۶۱	۱۹۱
اشاره	۱۹۱
ج	۱۹۱
س ۶۲	۱۹۱
اشاره	۱۹۱
ج	۱۹۱
س ۶۳	۱۹۱
اشاره	۱۹۱
ج	۱۹۱
س ۶۴	۱۹۲
اشاره	۱۹۲
ج	۱۹۲
س ۶۵	۱۹۲
اشاره	۱۹۲
ج	۱۹۲
س ۶۶	۱۹۲
اشاره	۱۹۲
ج	۱۹۲
س ۶۷	۱۹۲
اشاره	۱۹۳
ج	۱۹۳

۱۹۳	س ۶۸
۱۹۳	اشاره
۱۹۳	ج
۱۹۳	س ۶۹
۱۹۳	اشاره
۱۹۳	ج
۱۹۴	س ۷۰
۱۹۴	اشاره
۱۹۴	ج
۱۹۴	احکام آبها
۱۹۴	س ۷۱
۱۹۴	اشاره
۱۹۴	ج
۱۹۴	س ۷۲
۱۹۴	اشاره
۱۹۴	ج
۱۹۴	س ۷۳
۱۹۴	اشاره
۱۹۴	ج
۱۹۵	س ۷۴
۱۹۵	اشاره
۱۹۵	ج
۱۹۵	س ۷۵
۱۹۵	اشاره

۱۹۵	ج
۱۹۵	س ۷۶
۱۹۵	اشاره
۱۹۵	ج
۱۹۶	آب کشیدن و تطهیر چیزهای نجس
۱۹۶	س ۷۷
۱۹۶	اشاره
۱۹۶	ج
۱۹۶	س ۷۸
۱۹۶	اشاره
۱۹۶	ج
۱۹۶	س ۷۹
۱۹۶	اشاره
۱۹۶	ج
۱۹۶	س ۸۰
۱۹۷	اشاره
۱۹۷	ج
۱۹۷	س ۸۱
۱۹۷	اشاره
۱۹۷	ج
۱۹۸	س ۸۲
۱۹۸	اشاره
۱۹۸	ج
۱۹۸	س ۸۳

۱۹۸	اشاره
۱۹۸	ج
۱۹۸	س ۸۴
۱۹۸	اشاره
۱۹۸	ج
۱۹۸	س ۸۵
۱۹۸	اشاره
۱۹۸	ج
۱۹۹	س ۸۶
۱۹۹	اشاره
۱۹۹	ج
۱۹۹	س ۸۷
۱۹۹	اشاره
۱۹۹	ج
۱۹۹	س ۸۸
۱۹۹	اشاره
۱۹۹	ج
۲۰۰	وضو
۲۰۰	س ۸۹
۲۰۰	اشاره
۲۰۰	ج
۲۰۰	س ۹۰
۲۰۰	اشاره
۲۰۰	ج

س ۹۱	۲۰۰
اشاره	۲۰۰
ج	۲۰۰
س ۹۲	۲۰۰
اشاره	۲۰۰
ج	۲۰۱
س ۹۳	۲۰۱
اشاره	۲۰۱
ج	۲۰۱
س ۹۴	۲۰۱
اشاره	۲۰۱
ج	۲۰۱
س ۹۵	۲۰۱
اشاره	۲۰۱
ج	۲۰۱
س ۹۶	۲۰۲
اشاره	۲۰۲
ج	۲۰۲
س ۹۷	۲۰۲
اشاره	۲۰۲
ج	۲۰۲
س ۹۸	۲۰۲
اشاره	۲۰۲
ج	۲۰۲

س ۹۹	۲۰۳
اشاره	۲۰۳
ج	۲۰۳
س ۱۰۰	۲۰۳
اشاره	۲۰۳
ج	۲۰۳
س ۱۰۱	۲۰۳
اشاره	۲۰۳
ج	۲۰۳
س ۱۰۲	۲۰۳
اشاره	۲۰۴
ج	۲۰۴
س ۱۰۳	۲۰۴
اشاره	۲۰۴
ج	۲۰۴
س ۱۰۴	۲۰۴
اشاره	۲۰۴
ج	۲۰۴
س ۱۰۵	۲۰۴
اشاره	۲۰۴
ج	۲۰۴
س ۱۰۶	۲۰۵
اشاره	۲۰۵
ج	۲۰۵

س ۱۰۷	۲۰۵
اشاره	۲۰۵
ج	۲۰۵
غسل	۲۰۵
امسائلی در باره غسل	۲۰۵
س ۱۰۸	۲۰۵
اشاره	۲۰۵
ج	۲۰۶
س ۱۰۹	۲۰۶
اشاره	۲۰۶
ج	۲۰۶
س ۱۱۰	۲۰۶
اشاره	۲۰۶
ج	۲۰۶
س ۱۱۱	۲۰۶
اشاره	۲۰۶
ج	۲۰۷
س ۱۱۲	۲۰۷
اشاره	۲۰۷
ج	۲۰۷
س ۱۱۳	۲۰۷
اشاره	۲۰۷
ج	۲۰۷
س ۱۱۴	۲۰۷

- ۲۰۷ اشاره
- ۲۰۸ ج
- ۲۰۸ س ۱۱۵
- ۲۰۸ اشاره
- ۲۰۸ ج
- ۲۰۸ س ۱۱۶
- ۲۰۸ اشاره
- ۲۰۸ ج
- ۲۰۹ غسل جنابت
- ۲۰۹ س ۱۱۷
- ۲۰۹ اشاره
- ۲۰۹ ج
- ۲۰۹ س ۱۱۸
- ۲۰۹ اشاره
- ۲۰۹ ج
- ۲۰۹ س ۱۱۹
- ۲۰۹ اشاره
- ۲۰۹ ج
- ۲۱۰ س ۱۲۰
- ۲۱۰ اشاره
- ۲۱۰ ج
- ۲۱۰ س ۱۲۱
- ۲۱۰ اشاره
- ۲۱۰ ج

س ۱۲۲	۲۱۰
اشاره	۲۱۰
ج	۲۱۱
س ۱۲۳	۲۱۱
اشاره	۲۱۱
ج	۲۱۱
س ۱۲۴	۲۱۱
اشاره	۲۱۱
ج	۲۱۱
س ۱۲۵	۲۱۱
اشاره	۲۱۲
ج	۲۱۲
س ۱۲۶	۲۱۲
اشاره	۲۱۲
ج	۲۱۲
غسله‌های باتوان	۲۱۲
س ۱۲۷	۲۱۲
اشاره	۲۱۳
ج	۲۱۳
س ۱۲۸	۲۱۳
اشاره	۲۱۳
ج	۲۱۳
س ۱۲۹	۲۱۳
اشاره	۲۱۳

۲۱۳	ج
۲۱۳	س ۱۳۰
۲۱۴	اشاره
۲۱۴	ج
۲۱۴	س ۱۳۱
۲۱۴	اشاره
۲۱۴	ج
۲۱۴	س ۱۳۲
۲۱۴	اشاره
۲۱۴	ج
۲۱۵	س ۱۳۳
۲۱۵	اشاره
۲۱۵	ج
۲۱۵	س ۱۳۴
۲۱۵	اشاره
۲۱۵	ج
۲۱۵	س ۱۳۵
۲۱۵	اشاره
۲۱۵	ج
۲۱۶	تیمم
۲۱۶	س ۱۳۶
۲۱۶	اشاره
۲۱۶	ج
۲۱۶	س ۱۳۷

۲۱۶ اشاره

۲۱۶ ج

۲۱۶ س ۱۳۸

۲۱۶ اشاره

۲۱۷ ج

۲۱۷ نجاسات

۲۱۷ س ۱۳۹

۲۱۷ اشاره

۲۱۷ ج

۲۱۷ س ۱۴۰

۲۱۷ اشاره

۲۱۷ ج

۲۱۷ س ۱۴۱

۲۱۷ اشاره

۲۱۷ ج

۲۱۸ س ۱۴۲

۲۱۸ اشاره

۲۱۸ ج

۲۱۸ س ۱۴۳

۲۱۸ اشاره

۲۱۸ ج

۲۱۸ س ۱۴۴

۲۱۸ اشاره

۲۱۸ ج

س ۱۴۵	۲۱۹
اشاره	۲۱۹
ج	۲۱۹
س ۱۴۶	۲۱۹
اشاره	۲۱۹
ج	۲۱۹
س ۱۴۷	۲۱۹
اشاره	۲۱۹
ج	۲۱۹
س ۱۴۸	۲۱۹
اشاره	۲۱۹
ج	۲۱۹
س ۱۴۹	۲۲۰
اشاره	۲۲۰
ج	۲۲۰
الکل صنعتی	۲۲۰
س ۱۵۰	۲۲۰
اشاره	۲۲۰
ج	۲۲۰
س ۱۵۱	۲۲۰
اشاره	۲۲۰
ج	۲۲۰
س ۱۵۲	۲۲۰
اشاره	۲۲۱

۲۲۱	ج
۲۲۱	س ۱۵۳
۲۲۱	اشاره
۲۲۱	ج
۲۲۱	غسل مس میت
۲۲۱	س ۱۵۴
۲۲۱	اشاره
۲۲۱	ج
۲۲۱	س ۱۵۵
۲۲۱	اشاره
۲۲۲	ج
۲۲۲	س ۱۵۶
۲۲۲	اشاره
۲۲۲	ج
۲۲۲	س ۱۵۷
۲۲۲	اشاره
۲۲۲	ج
۲۲۲	س ۱۵۸
۲۲۲	اشاره
۲۲۲	ج
۲۲۲	س ۱۵۹
۲۲۳	اشاره
۲۲۳	ج
۲۲۳	س ۱۶۰

۲۲۳	اشاره
۲۲۳	ج
۲۲۳	س ۱۶۱
۲۲۳	اشاره
۲۲۳	ج
۲۲۳	غسل میت
۲۲۳	س ۱۶۲
۲۲۳	اشاره
۲۲۴	ج
۲۲۴	س ۱۶۳
۲۲۴	اشاره
۲۲۴	ج
۲۲۴	س ۱۶۴
۲۲۴	اشاره
۲۲۴	ج
۲۲۴	س ۱۶۵
۲۲۴	اشاره
۲۲۵	ج
۲۲۵	س ۱۶۶
۲۲۵	اشاره
۲۲۵	ج
۲۲۵	نماز میت
۲۲۵	س ۱۶۷
۲۲۵	اشاره

۲۲۵	ج
۲۲۵	س ۱۶۸
۲۲۵	اشاره
۲۲۶	ج
۲۲۶	س ۱۶۹
۲۲۶	اشاره
۲۲۶	ج
۲۲۶	س ۱۷۰
۲۲۶	اشاره
۲۲۶	ج
۲۲۶	س ۱۷۱
۲۲۶	اشاره
۲۲۶	ج
۲۲۷	س ۱۷۲
۲۲۷	اشاره
۲۲۷	ج
۲۲۷	س ۱۷۳
۲۲۷	اشاره
۲۲۷	ج
۲۲۷	دفن میت
۲۲۷	س ۱۷۴
۲۲۷	اشاره
۲۲۷	ج
۲۲۸	س ۱۷۵

۲۲۸	اشاره
۲۲۸	ج
۲۲۸	س ۱۷۶
۲۲۸	اشاره
۲۲۸	ج
۲۲۸	س ۱۷۷
۲۲۸	اشاره
۲۲۸	ج
۲۲۸	س ۱۷۸
۲۲۸	اشاره
۲۲۹	ج
۲۲۹	مراسم ترحیم و یادبود
۲۲۹	س ۱۷۹
۲۲۹	اشاره
۲۲۹	ج
۲۲۹	س ۱۸۰
۲۲۹	اشاره
۲۲۹	ج
۲۲۹	س ۱۸۱
۲۲۹	اشاره
۲۳۰	ج
۲۳۰	س ۱۸۲
۲۳۰	اشاره
۲۳۰	ج

۲۳۱	احکام بلوغ
۲۳۱	س ۱۸۳
۲۳۱	اشاره
۲۳۱	ج
۲۳۱	س ۱۸۴
۲۳۱	اشاره
۲۳۱	ج
۲۳۱	س ۱۸۵
۲۳۱	اشاره
۲۳۱	ج
۲۳۱	س ۱۸۶
۲۳۱	اشاره
۲۳۱	ج
۲۳۲	س ۱۸۷
۲۳۲	اشاره
۲۳۲	ج
۲۳۲	س ۱۸۸
۲۳۲	اشاره
۲۳۲	ج
۲۳۲	س ۱۸۹
۲۳۲	اشاره
۲۳۲	ج
۲۳۳	س ۱۹۰
۲۳۳	اشاره

۲۳۳	ج
۲۳۳	احکام نماز
۲۳۳	اشاره
۲۳۳	اذان
۲۳۳	س ۱۹۱
۲۳۳	اشاره
۲۳۳	ج
۲۳۴	وقت نماز
۲۳۴	س ۱۹۲
۲۳۴	اشاره
۲۳۴	ج
۲۳۴	س ۱۹۳
۲۳۴	اشاره
۲۳۴	ج
۲۳۴	س ۱۹۴
۲۳۴	اشاره
۲۳۴	ج
۲۳۴	س ۱۹۵
۲۳۵	اشاره
۲۳۵	ج
۲۳۵	قبله
۲۳۵	س ۱۹۶
۲۳۵	اشاره
۲۳۵	ج

۲۳۵	س ۱۹۷
۲۳۵	اشاره
۲۳۵	ج
۲۳۶	لباس نمازگزار
۲۳۶	س ۱۹۸
۲۳۶	اشاره
۲۳۶	ج
۲۳۶	س ۱۹۹
۲۳۶	اشاره
۲۳۶	ج
۲۳۶	مکان نمازگزار
۲۳۶	س ۲۰۰
۲۳۶	اشاره
۲۳۶	ج
۲۳۷	س ۲۰۱
۲۳۷	اشاره
۲۳۷	ج
۲۳۷	س ۲۰۲
۲۳۷	اشاره
۲۳۷	ج
۲۳۷	س ۲۰۳
۲۳۷	اشاره
۲۳۷	ج
۲۳۸	س ۲۰۴

۲۳۸	اشاره
۲۳۸	ج
۲۳۸	تکبیرة الاحرام
۲۳۸	س ۲۰۵
۲۳۸	اشاره
۲۳۸	ج
۲۳۸	س ۲۰۶
۲۳۸	اشاره
۲۳۸	ج
۲۳۹	قیام
۲۳۹	س ۲۰۷
۲۳۹	اشاره
۲۳۹	ج
۲۳۹	س ۲۰۸
۲۳۹	اشاره
۲۳۹	ج
۲۳۹	قرائت
۲۳۹	س ۲۰۹
۲۳۹	اشاره
۲۳۹	ج
۲۳۹	س ۲۱۰
۲۴۰	اشاره
۲۴۰	ج
۲۴۰	س ۲۱۱

۲۴۰	اشاره
۲۴۰	ج
۲۴۱	س ۲۱۲
۲۴۱	اشاره
۲۴۱	ج
۲۴۱	س ۲۱۳
۲۴۱	اشاره
۲۴۱	ج
۲۴۱	س ۲۱۴
۲۴۱	اشاره
۲۴۱	ج
۲۴۱	س ۲۱۵
۲۴۱	اشاره
۲۴۲	ج
۲۴۲	س ۲۱۶
۲۴۲	اشاره
۲۴۲	ج
۲۴۲	س ۲۱۷
۲۴۲	اشاره
۲۴۲	ج
۲۴۲	س ۲۱۸
۲۴۲	اشاره
۲۴۲	ج
۲۴۲	س ۲۱۹

۲۴۲	اشاره
۲۴۳	ج
۲۴۳	س ۲۲۰
۲۴۳	اشاره
۲۴۳	ج
۲۴۳	س ۲۲۱
۲۴۳	اشاره
۲۴۳	ج
۲۴۳	س ۲۲۲
۲۴۳	اشاره
۲۴۴	ج
۲۴۴	س ۲۲۳
۲۴۴	اشاره
۲۴۴	ج
۲۴۴	قنوت
۲۴۴	س ۲۲۴
۲۴۴	(الف)
۲۴۴	اشاره
۲۴۴	ج- الف)
۲۴۴	س- ب)
۲۴۴	اشاره
۲۴۵	ج- ب)
۲۴۵	س- ج)
۲۴۵	اشاره

۲۴۵	ج-ج)
۲۴۵	س ۲۲۵
۲۴۵	اشاره
۲۴۵	الف)
۲۴۵	اشاره
۲۴۵	ج-الف)
۲۴۵	س-ب)
۲۴۶	اشاره
۲۴۶	ج-ب)
۲۴۶	سجده و رکوع
۲۴۶	س ۲۲۶
۲۴۶	اشاره
۲۴۶	ج
۲۴۶	س ۲۲۷
۲۴۶	اشاره
۲۴۶	ج
۲۴۶	س ۲۲۸
۲۴۶	اشاره
۲۴۷	ج
۲۴۷	س ۲۲۹
۲۴۷	اشاره
۲۴۷	ج
۲۴۷	س ۲۳۰
۲۴۷	اشاره

۲۴۷	ج
۲۴۷	س ۲۳۱
۲۴۷	اشاره
۲۴۷	ج
۲۴۷	س ۲۳۲
۲۴۷	اشاره
۲۴۸	ج
۲۴۸	س ۲۳۳
۲۴۸	اشاره
۲۴۸	ج
۲۴۸	س ۲۳۴
۲۴۸	اشاره
۲۴۸	ج
۲۴۸	س ۲۳۵
۲۴۸	اشاره
۲۴۸	ج
۲۴۹	س ۲۳۶
۲۴۹	اشاره
۲۴۹	ج
۲۴۹	س ۲۳۷
۲۴۹	اشاره
۲۴۹	ج
۲۴۹	س ۲۳۸
۲۴۹	اشاره

۲۴۹	ج
۲۴۹	س ۲۳۹
۲۵۰	اشاره
۲۵۰	ج
۲۵۰	س ۲۴۰
۲۵۰	اشاره
۲۵۰	ج
۲۵۰	س ۲۴۱
۲۵۰	اشاره
۲۵۰	ج
۲۵۰	س ۲۴۲
۲۵۰	اشاره
۲۵۰	ج
۲۵۱	س ۲۴۳
۲۵۱	اشاره
۲۵۱	ج
۲۵۱	س ۲۴۴
۲۵۱	اشاره
۲۵۱	ج
۲۵۱	س ۲۴۵
۲۵۱	اشاره
۲۵۱	ج
۲۵۱	تشهد و سلام
۲۵۱	س ۲۴۶

۲۵۱	اشاره
۲۵۲	ج
۲۵۲	س ۲۴۷
۲۵۲	اشاره
۲۵۲	ج
۲۵۲	احکام نماز
۲۵۲	س ۲۴۸
۲۵۲	اشاره
۲۵۲	ج
۲۵۲	س ۲۴۹
۲۵۲	اشاره
۲۵۳	ج
۲۵۳	س ۲۵۰
۲۵۳	اشاره
۲۵۳	ج
۲۵۳	س ۲۵۱
۲۵۳	اشاره
۲۵۳	ج
۲۵۳	س ۲۵۲
۲۵۳	اشاره
۲۵۳	ج
۲۵۳	س ۲۵۳
۲۵۴	اشاره
۲۵۴	ج

۲۵۴	س ۲۵۴
۲۵۴	اشاره
۲۵۴	ج
۲۵۴	س ۲۵۵
۲۵۴	اشاره
۲۵۴	ج
۲۵۴	س ۲۵۶
۲۵۴	اشاره
۲۵۴	ج
۲۵۵	س ۲۵۷
۲۵۵	اشاره
۲۵۵	ج
۲۵۵	س ۲۵۸
۲۵۵	اشاره
۲۵۵	ج
۲۵۵	س ۲۵۹
۲۵۵	اشاره
۲۵۵	ج
۲۵۵	س ۲۶۰
۲۵۵	اشاره
۲۵۶	ج
۲۵۶	احکام شک و خلل در نماز
۲۵۶	س ۲۶۱
۲۵۶	اشاره

۲۵۶	ج
۲۵۷	س ۲۶۲
۲۵۷	اشاره
۲۵۷	ج
۲۵۷	س ۲۶۳
۲۵۷	اشاره
۲۵۷	ج
۲۵۷	س ۲۶۴
۲۵۷	اشاره
۲۵۷	ج
۲۵۸	س ۲۶۵
۲۵۸	اشاره
۲۵۸	ج
۲۵۸	س ۲۶۶
۲۵۸	اشاره
۲۵۸	ج
۲۵۸	س ۲۶۷
۲۵۸	اشاره
۲۵۸	ج
۲۵۹	س ۲۶۸
۲۵۹	اشاره
۲۵۹	ج
۲۵۹	س ۲۶۹
۲۵۹	اشاره

۲۵۹	ج
۲۵۹	س ۲۷۰
۲۵۹	اشاره
۲۵۹	ج
۲۵۹	س ۲۷۱
۲۵۹	اشاره
۲۶۰	ج
۲۶۰	س ۲۷۲
۲۶۰	اشاره
۲۶۰	ج
۲۶۰	س ۲۷۳
۲۶۰	اشاره
۲۶۰	ج
۲۶۰	نماز قضا
۲۶۰	س ۲۷۴
۲۶۰	اشاره
۲۶۰	ج
۲۶۱	س ۲۷۵
۲۶۱	اشاره
۲۶۱	ج
۲۶۱	س ۲۷۶
۲۶۱	اشاره
۲۶۱	ج
۲۶۱	س ۲۷۷

۲۶۱	اشاره
۲۶۱	ج
۲۶۱	س ۲۷۸
۲۶۱	اشاره
۲۶۲	ج
۲۶۲	س ۲۷۹
۲۶۲	اشاره
۲۶۲	ج
۲۶۲	س ۲۸۰
۲۶۲	اشاره
۲۶۲	ج
۲۶۲	س ۲۸۱
۲۶۲	اشاره
۲۶۲	ج
۲۶۳	س ۲۸۲
۲۶۳	اشاره
۲۶۳	ج
۲۶۳	س ۲۸۳
۲۶۳	اشاره
۲۶۳	ج
۲۶۳	نماز قضاى پدر و مادر
۲۶۳	س ۲۸۴
۲۶۳	اشاره
۲۶۳	ج

۲۶۳	س ۲۸۵
۲۶۴	اشاره
۲۶۴	ج
۲۶۴	س ۲۸۶
۲۶۴	اشاره
۲۶۴	ج
۲۶۴	س ۲۸۷
۲۶۴	اشاره
۲۶۴	ج
۲۶۴	س ۲۸۸
۲۶۴	اشاره
۲۶۵	ج
۲۶۵	س ۲۸۹
۲۶۵	اشاره
۲۶۵	ج
۲۶۵	س ۲۹۰
۲۶۵	اشاره
۲۶۵	ج
۲۶۶	س ۲۹۱
۲۶۶	اشاره
۲۶۶	ج
۲۶۶	س ۲۹۲
۲۶۶	اشاره
۲۶۶	ج

۲۶۶	نماز استیجاری
۲۶۶	س ۲۹۳
۲۶۶	اشاره
۲۶۶	ج
۲۶۶	س ۲۹۴
۲۶۷	اشاره
۲۶۷	ج
۲۶۷	س ۲۹۵
۲۶۷	اشاره
۲۶۷	ج
۲۶۷	س ۲۹۶
۲۶۷	اشاره
۲۶۷	ج
۲۶۸	س ۲۹۷
۲۶۸	اشاره
۲۶۸	ج
۲۶۸	نماز جماعت
۲۶۸	احراز عدالت امام جماعت
۲۶۸	س ۲۹۸
۲۶۸	اشاره
۲۶۸	ج
۲۶۸	س ۲۹۹
۲۶۸	اشاره
۲۶۹	ج

۲۶۹	س ۳۰۰
۲۶۹	اشاره
۲۶۹	ج
۲۶۹	س ۳۰۱
۲۶۹	اشاره
۲۶۹	ج
۲۷۰	س ۳۰۲
۲۷۰	اشاره
۲۷۰	ج
۲۷۰	س ۳۰۳
۲۷۰	اشاره
۲۷۰	ج
۲۷۰	س ۳۰۴
۲۷۰	اشاره
۲۷۰	ج
۲۷۱	س ۳۰۵
۲۷۱	اشاره
۲۷۱	ج
۲۷۱	امامت غیر روحانی
۲۷۱	س ۳۰۶
۲۷۱	اشاره
۲۷۱	ج
۲۷۱	س ۳۰۷
۲۷۱	اشاره

۲۷۱	ج
۲۷۲	امامت ناقص العضو
۲۷۲	س ۳۰۸
۲۷۲	اشاره
۲۷۲	ج
۲۷۲	س ۳۰۹
۲۷۲	اشاره
۲۷۲	ج
۲۷۲	س ۳۱۰
۲۷۲	اشاره
۲۷۳	ج
۲۷۳	س ۳۱۱
۲۷۳	اشاره
۲۷۳	ج
۲۷۳	امامت زن
۲۷۳	س ۳۱۲
۲۷۳	اشاره
۲۷۳	ج
۲۷۳	س ۳۱۳
۲۷۳	اشاره
۲۷۴	ج
۲۷۴	امام راتب
۲۷۴	س ۳۱۴
۲۷۴	اشاره

۲۷۴	ج
۲۷۵	س ۳۱۵
۲۷۵	اشاره
۲۷۵	ج
۲۷۵	متابعت از امام جماعت
۲۷۵	س ۳۱۶
۲۷۵	اشاره
۲۷۵	ج
۲۷۵	س ۳۱۷
۲۷۵	اشاره
۲۷۶	ج
۲۷۶	س ۳۱۸
۲۷۶	اشاره
۲۷۶	ج
۲۷۶	س ۳۱۹
۲۷۶	اشاره
۲۷۶	ج
۲۷۶	س ۳۲۰
۲۷۶	اشاره
۲۷۷	ج
۲۷۷	س ۳۲۱
۲۷۷	اشاره
۲۷۷	ج
۲۷۷	س ۳۲۲

۲۷۷	اشاره
۲۷۷	ج
۲۷۷	س ۳۲۳
۲۷۷	اشاره
۲۷۸	ج
۲۷۸	س ۳۲۴
۲۷۸	اشاره
۲۷۸	ج
۲۷۸	س ۳۲۵
۲۷۸	اشاره
۲۷۸	ج
۲۷۸	اختلاف امام و مأموم
۲۷۸	س ۳۲۶
۲۷۸	اشاره
۲۷۹	ج
۲۷۹	س ۳۲۷
۲۷۹	اشاره
۲۷۹	ج
۲۷۹	س ۳۲۸
۲۷۹	اشاره
۲۷۹	ج
۲۷۹	س ۳۲۹
۲۸۰	اشاره
۲۸۰	ج

س ۳۳۰	۲۸۰
اشاره	۲۸۰
ج	۲۸۰
س ۳۳۱	۲۸۰
اشاره	۲۸۰
ج	۲۸۰
س ۳۳۲	۲۸۰
اشاره	۲۸۰
ج	۲۸۱
صفوف جماعت	۲۸۱
س ۳۳۳	۲۸۱
اشاره	۲۸۱
ج	۲۸۱
س ۳۳۴	۲۸۱
اشاره	۲۸۱
ج	۲۸۱
س ۳۳۵	۲۸۲
اشاره	۲۸۲
ج	۲۸۲
س ۳۳۶	۲۸۲
اشاره	۲۸۲
ج	۲۸۲
س ۳۳۷	۲۸۲
اشاره	۲۸۲

۲۸۲	ج
۲۸۳	س ۳۳۸
۲۸۳	اشاره
۲۸۳	ج
۲۸۳	س ۳۳۹
۲۸۳	اشاره
۲۸۳	ج
۲۸۳	احکام متفرقه نماز جماعت
۲۸۳	س ۳۴۰
۲۸۳	اشاره
۲۸۴	ج
۲۸۴	س ۳۴۱
۲۸۴	اشاره
۲۸۴	ج
۲۸۴	س ۳۴۲
۲۸۴	اشاره
۲۸۴	ج
۲۸۴	س ۳۴۳
۲۸۵	اشاره
۲۸۵	ج
۲۸۵	س ۳۴۴
۲۸۵	اشاره
۲۸۵	ج
۲۸۵	س ۳۴۵

۲۸۵	اشاره
۲۸۵	ج
۲۸۵	س ۳۴۶
۲۸۵	اشاره
۲۸۶	ج
۲۸۶	س ۳۴۷
۲۸۶	اشاره
۲۸۶	ج
۲۸۶	س ۳۴۸
۲۸۶	اشاره
۲۸۶	ج
۲۸۶	س ۳۴۹
۲۸۶	اشاره
۲۸۷	ج
۲۸۷	س ۳۵۰
۲۸۷	اشاره
۲۸۷	ج
۲۸۷	نماز جمعه
۲۸۷	س ۳۵۱
۲۸۷	اشاره
۲۸۷	ج
۲۸۷	س ۳۵۲
۲۸۷	اشاره
۲۸۸	ج

۲۸۸	س ۳۵۳
۲۸۸	اشاره
۲۸۸	ج
۲۸۸	س ۳۵۴
۲۸۸	اشاره
۲۸۸	ج
۲۸۸	س ۳۵۵
۲۸۸	اشاره
۲۸۸	ج
۲۸۹	س ۳۵۶
۲۸۹	اشاره
۲۸۹	ج
۲۸۹	س ۳۵۷
۲۸۹	اشاره
۲۸۹	ج
۲۸۹	س ۳۵۸
۲۸۹	اشاره
۲۹۰	ج
۲۹۰	س ۳۵۹
۲۹۰	اشاره
۲۹۰	ج
۲۹۰	س ۳۶۰
۲۹۰	اشاره
۲۹۰	ج

۲۹۰	س ۳۶۱
۲۹۰	اشاره
۲۹۰	ج
۲۹۰	س ۳۶۲
۲۹۰	اشاره
۲۹۱	ج
۲۹۱	س ۳۶۳
۲۹۱	اشاره
۲۹۱	ج
۲۹۱	نماز آیات
۲۹۱	س ۳۶۴
۲۹۱	اشاره
۲۹۱	ج
۲۹۲	س ۳۶۵
۲۹۲	اشاره
۲۹۲	ج
۲۹۲	س ۳۶۶
۲۹۲	اشاره
۲۹۲	ج
۲۹۲	س ۳۶۷
۲۹۲	اشاره
۲۹۲	ج
۲۹۲	س ۳۶۸
۲۹۲	اشاره

۲۹۳	ج
۲۹۳	نماز مستحبی
۲۹۳	س ۳۶۹
۲۹۳	اشاره
۲۹۳	ج
۲۹۳	س ۳۷۰
۲۹۳	اشاره
۲۹۳	ج
۲۹۳	س ۳۷۱
۲۹۳	اشاره
۲۹۳	ج
۲۹۴	س ۳۷۲
۲۹۴	اشاره
۲۹۴	ج
۲۹۴	س ۳۷۳
۲۹۴	اشاره
۲۹۴	ج
۲۹۴	س ۳۷۴
۲۹۴	اشاره
۲۹۴	ج
۲۹۴	س ۳۷۵
۲۹۴	اشاره
۲۹۵	ج
۲۹۵	س ۳۷۶

۲۹۵	اشاره
۲۹۵	ج
۲۹۵	س ۳۷۷
۲۹۵	اشاره
۲۹۵	ج
۲۹۵	نماز مسافر
۲۹۵	قصد مسافرت
۲۹۵	س ۳۷۸
۲۹۶	اشاره
۲۹۶	ج
۲۹۶	س ۳۷۹
۲۹۶	اشاره
۲۹۶	ج
۲۹۶	وطن دوم
۲۹۶	س ۳۸۰
۲۹۶	اشاره
۲۹۶	ج
۲۹۷	س ۳۸۱
۲۹۷	اشاره
۲۹۷	ج
۲۹۷	س ۳۸۲
۲۹۷	اشاره
۲۹۷	ج
۲۹۷	اعراض از وطن

۲۹۷	س ۳۸۳
۲۹۷	اشاره
۲۹۷	ج
۲۹۸	س ۳۸۴
۲۹۸	اشاره
۲۹۸	ج
۲۹۸	س ۳۸۵
۲۹۸	اشاره
۲۹۸	ج
۲۹۸	س ۳۸۶
۲۹۸	اشاره
۲۹۸	ج
۲۹۹	س ۳۸۷
۲۹۹	اشاره
۲۹۹	ج
۲۹۹	س ۳۸۸
۲۹۹	اشاره
۲۹۹	ج
۲۹۹	س ۳۸۹
۲۹۹	اشاره
۲۹۹	ج
۳۰۰	س ۳۹۰
۳۰۰	اشاره
۳۰۰	ج

۳۰۰	س ۳۹۱
۳۰۰	اشاره
۳۰۰	ج
۳۰۱	تبعیت همسر و فرزند در سفر
۳۰۱	س ۳۹۲
۳۰۱	اشاره
۳۰۱	ج
۳۰۱	س ۳۹۳
۳۰۱	اشاره
۳۰۱	ج
۳۰۱	س ۳۹۴
۳۰۱	اشاره
۳۰۱	ج
۳۰۲	س ۳۹۵
۳۰۲	اشاره
۳۰۲	ج
۳۰۲	س ۳۹۶
۳۰۲	اشاره
۳۰۲	ج
۳۰۲	س ۳۹۷
۳۰۲	اشاره
۳۰۳	ج
۳۰۳	س ۳۹۸
۳۰۳	اشاره

۳۰۳	ج
۳۰۳	س ۳۹۹
۳۰۳	اشاره
۳۰۳	ج
۳۰۴	س ۴۰۰
۳۰۴	اشاره
۳۰۴	ج
۳۰۴	س ۴۰۱
۳۰۴	اشاره
۳۰۴	ج
۳۰۴	س ۴۰۲
۳۰۴	اشاره
۳۰۵	ج
۳۰۵	قصد اقامت
۳۰۵	س ۴۰۳
۳۰۵	اشاره
۳۰۵	ج
۳۰۵	س ۴۰۴
۳۰۵	اشاره
۳۰۵	ج
۳۰۵	س ۴۰۵
۳۰۶	اشاره
۳۰۶	ج
۳۰۶	س ۴۰۶

- ۳۰۶ اشاره
- ۳۰۶ ج
- ۳۰۶ س ۴۰۷
- ۳۰۶ اشاره
- ۳۰۷ ج
- ۳۰۷ س ۴۰۸
- ۳۰۷ اشاره
- ۳۰۷ ج
- ۳۰۷ احکام دائم السفر و سفر شغلی
- ۳۰۷ س ۴۰۹
- ۳۰۷ اشاره
- ۳۰۷ ج
- ۳۰۸ س ۴۱۰
- ۳۰۸ اشاره
- ۳۰۸ ج
- ۳۰۸ س ۴۱۱
- ۳۰۸ اشاره
- ۳۰۸ ج
- ۳۰۸ دانش‌آموزان و محصلین و معلمین
- ۳۰۸ س ۴۱۲
- ۳۰۸ اشاره
- ۳۰۸ ج
- ۳۰۹ س ۴۱۳
- ۳۰۹ اشاره

۳۰۹	ج
۳۰۹	س ۴۱۴
۳۰۹	اشاره
۳۰۹	ج
۳۰۹	س ۴۱۵
۳۰۹	اشاره
۳۰۹	ج
۳۱۰	س ۴۱۶
۳۱۰	اشاره
۳۱۰	ج
۳۱۰	س ۴۱۷
۳۱۰	اشاره
۳۱۰	ج
۳۱۱	س ۴۱۸
۳۱۱	اشاره
۳۱۱	ج
۳۱۱	س ۴۱۹
۳۱۱	اشاره
۳۱۲	ج
۳۱۲	سربازان و نیروهای مسلح
۳۱۲	س ۴۲۰
۳۱۲	اشاره
۳۱۲	ج
۳۱۲	س ۴۲۱

۳۱۲	اشاره
۳۱۲	ج
۳۱۳	س ۴۲۲
۳۱۳	اشاره
۳۱۳	ج
۳۱۳	س ۴۲۳
۳۱۳	اشاره
۳۱۳	ج
۳۱۴	س ۴۲۴
۳۱۴	اشاره
۳۱۴	ج
۳۱۴	س ۴۲۵
۳۱۴	اشاره
۳۱۴	ج
۳۱۴	س ۴۲۶
۳۱۵	اشاره
۳۱۵	ج
۳۱۵	رانندگان و ملوانان
۳۱۵	س ۴۲۷
۳۱۵	اشاره
۳۱۵	ج
۳۱۵	س ۴۲۸
۳۱۵	اشاره
۳۱۵	ج

۳۱۶	س ۴۲۹
۳۱۶	اشاره
۳۱۶	ج
۳۱۶	س ۴۳۰
۳۱۶	اشاره
۳۱۶	ج
۳۱۶	س ۴۳۱
۳۱۶	اشاره
۳۱۷	ج
۳۱۷	س ۴۳۲
۳۱۷	اشاره
۳۱۷	ج
۳۱۷	س ۴۳۳
۳۱۷	اشاره
۳۱۸	ج
۳۱۸	کارمندان و کارگران و کسبه
۳۱۸	س ۴۳۷
۳۱۸	اشاره
۳۱۸	ج
۳۱۸	س ۴۳۸
۳۱۸	اشاره
۳۱۹	ج
۳۱۹	س ۴۳۹
۳۱۹	اشاره

۳۱۹	ج
۳۱۹	س ۴۴۰
۳۱۹	اشاره
۳۱۹	ج
۳۱۹	س ۴۴۱
۳۱۹	اشاره
۳۲۰	ج
۳۲۰	س ۴۴۲
۳۲۰	اشاره
۳۲۰	ج
۳۲۰	س ۴۴۳
۳۲۰	اشاره
۳۲۰	ج
۳۲۰	س ۴۴۴
۳۲۱	اشاره
۳۲۱	ج
۳۲۱	س ۴۴۵
۳۲۱	اشاره
۳۲۱	ج
۳۲۱	س ۴۴۶
۳۲۱	اشاره
۳۲۲	ج
۳۲۲	س ۴۴۷
۳۲۲	اشاره

۳۲۲ ج

۳۲۲ مسائل متفرقه نماز مسافر

۳۲۲ س ۴۴۸

۳۲۲ اشاره

۳۲۳ ج

۳۲۳ س ۴۴۹

۳۲۳ اشاره

۳۲۳ ج

۳۲۳ س ۴۵۰

۳۲۳ اشاره

۳۲۳ ج

۳۲۴ س ۴۵۱

۳۲۴ اشاره

۳۲۴ ج

۳۲۴ س ۴۵۲

۳۲۴ اشاره

۳۲۴ ج

۳۲۴ س ۴۵۳

۳۲۴ اشاره

۳۲۴ ج

۳۲۵ س ۴۵۴

۳۲۵ اشاره

۳۲۵ ج

۳۲۵ س ۴۵۵

۳۲۵	اشاره
۳۲۵	ج
۳۲۵	احکام روزه
۳۲۵	اشاره
۳۲۵	رؤیت هلال - ثبوت ماه
۳۲۶	س ۴۵۶
۳۲۶	اشاره
۳۲۶	ج
۳۲۶	س ۴۵۷
۳۲۶	اشاره
۳۲۶	ج
۳۲۶	س ۴۵۸
۳۲۶	اشاره
۳۲۶	ج
۳۲۶	س ۴۵۹
۳۲۶	اشاره
۳۲۷	ج
۳۲۷	س ۴۶۰
۳۲۷	اشاره
۳۲۷	ج
۳۲۷	س ۴۶۱
۳۲۷	اشاره
۳۲۷	ج
۳۲۷	س ۴۶۲

۳۲۷	اشاره
۳۲۸	ج
۳۲۸	س ۴۶۳
۳۲۸	اشاره
۳۲۸	ج
۳۲۸	س ۴۶۴
۳۲۸	اشاره
۳۲۸	ج
۳۲۸	مبطلات روزه
۳۲۸	س ۴۶۵
۳۲۸	اشاره
۳۲۹	ج
۳۲۹	س ۴۶۶
۳۲۹	اشاره
۳۲۹	ج
۳۲۹	س ۴۶۷
۳۲۹	اشاره
۳۲۹	ج
۳۲۹	س ۴۶۸
۳۲۹	اشاره
۳۲۹	ج
۳۳۰	س ۴۶۹
۳۳۰	اشاره
۳۳۰	ج

۳۳۰	س ۴۷۰
۳۳۰	اشاره
۳۳۰	ج
۳۳۰	س ۴۷۱
۳۳۰	اشاره
۳۳۰	ج
۳۳۰	س ۴۷۲
۳۳۰	اشاره
۳۳۱	ج
۳۳۱	س ۴۷۳
۳۳۱	اشاره
۳۳۱	ج
۳۳۱	س ۴۷۴
۳۳۱	اشاره
۳۳۱	ج
۳۳۱	س ۴۷۵
۳۳۱	اشاره
۳۳۱	ج
۳۳۲	س ۴۷۶
۳۳۲	اشاره
۳۳۲	ج
۳۳۲	س ۴۷۷
۳۳۲	اشاره
۳۳۲	ج

۳۳۲	کفاره روزه
۳۳۲	س ۴۷۸
۳۳۲	اشاره
۳۳۲	ج
۳۳۳	س ۴۷۹
۳۳۳	اشاره
۳۳۳	ج
۳۳۳	س ۴۸۰
۳۳۳	اشاره
۳۳۳	ج
۳۳۳	س ۴۸۱
۳۳۳	اشاره
۳۳۳	ج
۳۳۳	س ۴۸۲
۳۳۴	اشاره
۳۳۴	ج
۳۳۴	س ۴۸۳
۳۳۴	اشاره
۳۳۴	ج
۳۳۴	س ۴۸۴
۳۳۴	اشاره
۳۳۴	ج
۳۳۴	س ۴۸۵
۳۳۴	اشاره

۳۳۵	ج
۳۳۵	س ۴۸۶
۳۳۵	اشاره
۳۳۵	ج
۳۳۵	س ۴۸۷
۳۳۵	اشاره
۳۳۵	ج
۳۳۵	س ۴۸۸
۳۳۵	اشاره
۳۳۶	ج
۳۳۶	س ۴۸۹
۳۳۶	اشاره
۳۳۶	ج
۳۳۶	س ۴۹۰
۳۳۶	اشاره
۳۳۶	ج
۳۳۶	س ۴۹۱
۳۳۶	اشاره
۳۳۷	ج
۳۳۷	روزه قضا
۳۳۷	س ۴۹۲
۳۳۷	اشاره
۳۳۷	ج
۳۳۷	س ۴۹۳

۳۳۷ اشاره

۳۳۷ ج

۳۳۷ س ۴۹۴

۳۳۷ اشاره

۳۳۷ ج

۳۳۸ س ۴۹۵

۳۳۸ اشاره

۳۳۸ ج

۳۳۸ س ۴۹۶

۳۳۸ اشاره

۳۳۸ ج

۳۳۸ س ۴۹۷

۳۳۸ اشاره

۳۳۸ ج

۳۳۹ س ۴۹۸

۳۳۹ اشاره

۳۳۹ ج

۳۳۹ س ۴۹۹

۳۳۹ اشاره

۳۳۹ ج

۳۳۹ کسانی که به واسطه بیماری نمی‌توانند روزه بگیرند

۳۳۹ س ۵۰۰

۳۳۹ اشاره

۳۳۹ ج

۳۴۰	س ۵۰۱
۳۴۰	اشاره
۳۴۰	ج
۳۴۰	س ۵۰۲
۳۴۰	اشاره
۳۴۰	ج
۳۴۰	س ۵۰۳
۳۴۰	اشاره
۳۴۰	ج
۳۴۱	س ۵۰۴
۳۴۱	اشاره
۳۴۱	ج
۳۴۱	س ۵۰۵
۳۴۱	اشاره
۳۴۱	ج
۳۴۱	س ۵۰۶
۳۴۱	اشاره
۳۴۱	ج
۳۴۲	س ۵۰۷
۳۴۲	اشاره
۳۴۲	ج
۳۴۲	س ۵۰۸
۳۴۲	اشاره
۳۴۲	ج

۳۴۲	س ۵۰۹
۳۴۲	اشاره
۳۴۳	ج
۳۴۳	س ۵۱۰
۳۴۳	اشاره
۳۴۳	ج
۳۴۳	س ۵۱۱
۳۴۳	اشاره
۳۴۳	ج
۳۴۳	س ۵۱۲
۳۴۳	اشاره
۳۴۳	ج
۳۴۳	اعتکاف
۳۴۴	س ۵۱۳
۳۴۴	اشاره
۳۴۴	ج
۳۴۴	س ۵۱۴
۳۴۴	اشاره
۳۴۴	ج
۳۴۴	س ۵۱۵
۳۴۴	اشاره
۳۴۴	ج
۳۴۴	س ۵۱۶
۳۴۴	اشاره

۳۴۴	ج
۳۴۵	احکام زکات
۳۴۵	اشاره
۳۴۵	زکات غلات
۳۴۵	س ۵۱۷
۳۴۵	اشاره
۳۴۵	ج
۳۴۵	س ۵۱۸
۳۴۵	اشاره
۳۴۵	ج
۳۴۵	س ۵۱۹
۳۴۵	اشاره
۳۴۶	ج
۳۴۶	س ۵۲۰
۳۴۶	اشاره
۳۴۶	ج
۳۴۶	س ۵۲۱
۳۴۶	اشاره
۳۴۶	ج
۳۴۶	س ۵۲۲
۳۴۶	اشاره
۳۴۶	ج
۳۴۶	س ۵۲۳
۳۴۷	اشاره

۳۴۷ ج

۳۴۷ س ۵۲۴

۳۴۷ اشاره

۳۴۷ ج

۳۴۷ س ۵۲۵

۳۴۷ اشاره

۳۴۷ ج

۳۴۷ س ۵۲۶

۳۴۷ اشاره

۳۴۸ ج

۳۴۸ س ۵۲۷

۳۴۸ اشاره

۳۴۸ ج

۳۴۸ س ۵۲۸

۳۴۸ اشاره

۳۴۸ ج

۳۴۸ س ۵۲۹

۳۴۸ اشاره

۳۴۹ ج

۳۴۹ س ۵۳۰

۳۴۹ اشاره

۳۴۹ ج

۳۴۹ س ۵۳۱

۳۴۹ اشاره

۳۴۹	ج
۳۴۹	س ۵۳۲
۳۴۹	اشاره
۳۵۰	ج
۳۵۰	س ۵۳۳
۳۵۰	اشاره
۳۵۰	ج
۳۵۰	س ۵۳۴
۳۵۰	اشاره
۳۵۰	ج
۳۵۰	س ۵۳۵
۳۵۰	اشاره
۳۵۱	ج
۳۵۱	زکات حیوان (چهارپایان)
۳۵۱	س ۵۳۶
۳۵۱	اشاره
۳۵۱	ج
۳۵۱	س ۵۳۷
۳۵۱	اشاره
۳۵۱	ج
۳۵۲	زکات طلا
۳۵۲	س ۵۳۸
۳۵۲	اشاره
۳۵۲	ج

۳۵۲	س ۵۳۹
۳۵۲	اشاره
۳۵۲	ج
۳۵۲	س ۵۴۰
۳۵۲	اشاره
۳۵۲	ج
۳۵۳	س ۵۴۱
۳۵۳	اشاره
۳۵۳	ج
۳۵۳	س ۵۴۲
۳۵۳	اشاره
۳۵۳	ج
۳۵۳	س ۵۴۳
۳۵۳	اشاره
۳۵۳	ج
۳۵۴	س ۵۴۴
۳۵۴	اشاره
۳۵۴	ج
۳۵۴	مصرف زکات
۳۵۴	س ۵۴۵
۳۵۴	اشاره
۳۵۴	ج
۳۵۴	س ۵۴۶
۳۵۴	اشاره

۳۵۴	ج
۳۵۴	س ۵۴۷
۳۵۵	اشاره
۳۵۵	ج
۳۵۵	س ۵۴۸
۳۵۵	اشاره
۳۵۵	ج
۳۵۵	س ۵۴۹
۳۵۵	اشاره
۳۵۵	ج
۳۵۵	س ۵۵۰
۳۵۵	اشاره
۳۵۶	ج
۳۵۶	س ۵۵۱
۳۵۶	اشاره
۳۵۶	ج
۳۵۶	س ۵۵۲
۳۵۶	اشاره
۳۵۶	ج
۳۵۶	س ۵۵۳
۳۵۶	اشاره
۳۵۶	ج
۳۵۷	س ۵۵۴
۳۵۷	اشاره

۳۵۷	ج
۳۵۷	س ۵۵۵
۳۵۷	اشاره
۳۵۷	ج
۳۵۷	س ۵۵۶
۳۵۷	اشاره
۳۵۸	ج
۳۵۸	س ۵۵۷
۳۵۸	اشاره
۳۵۸	ج
۳۵۸	س ۵۵۸
۳۵۸	اشاره
۳۵۸	ج
۳۵۸	س ۵۵۹
۳۵۸	اشاره
۳۵۹	ج
۳۵۹	زکات فطره
۳۵۹	س ۵۶۰
۳۵۹	اشاره
۳۵۹	ج
۳۵۹	س ۵۶۱
۳۵۹	اشاره
۳۵۹	ج
۳۵۹	س ۵۶۲

۳۵۹	اشاره
۳۶۰	ج
۳۶۰	س ۵۶۳
۳۶۰	اشاره
۳۶۰	ج
۳۶۰	س ۵۶۴
۳۶۰	اشاره
۳۶۰	ج
۳۶۰	س ۵۶۵
۳۶۰	اشاره
۳۶۱	ج
۳۶۱	س ۵۶۶
۳۶۱	اشاره
۳۶۱	ج
۳۶۱	س ۵۶۷
۳۶۱	اشاره
۳۶۱	ج
۳۶۱	س ۵۶۸
۳۶۱	اشاره
۳۶۱	ج
۳۶۲	س ۵۶۹
۳۶۲	اشاره
۳۶۲	ج
۳۶۲	س ۵۷۰

۳۶۲	اشاره
۳۶۲	ج
۳۶۲	س ۵۷۱
۳۶۲	اشاره
۳۶۲	ج
۳۶۲	س ۵۷۲
۳۶۲	اشاره
۳۶۳	ج
۳۶۳	س ۵۷۳
۳۶۳	اشاره
۳۶۳	ج
۳۶۳	س ۵۷۴
۳۶۳	اشاره
۳۶۳	ج
۳۶۳	رد مظالم
۳۶۳	س ۵۷۵
۳۶۳	اشاره
۳۶۳	ج
۳۶۴	س ۵۷۶
۳۶۴	اشاره
۳۶۴	ج
۳۶۴	س ۵۷۷
۳۶۴	اشاره
۳۶۴	ج

۳۶۴	مسائل متفرقه زکات
۳۶۴	س ۵۷۸
۳۶۴	اشاره
۳۶۴	ج
۳۶۵	س ۵۷۹
۳۶۵	اشاره
۳۶۵	ج
۳۶۵	س ۵۸۰
۳۶۵	اشاره
۳۶۵	ج
۳۶۵	س ۵۸۱
۳۶۵	اشاره
۳۶۵	ج
۳۶۵	س ۵۸۲
۳۶۵	اشاره
۳۶۶	ج
۳۶۶	س ۵۸۳
۳۶۶	اشاره
۳۶۶	ج
۳۶۶	س ۵۸۴
۳۶۶	اشاره
۳۶۶	ج
۳۶۶	س ۵۸۵
۳۶۶	اشاره

۳۶۷	ج
۳۶۷	خمس
۳۶۷	احکام خمس
۳۶۷	س ۵۸۶
۳۶۷	اشاره
۳۶۷	ج
۳۶۷	س ۵۸۷
۳۶۷	اشاره
۳۶۷	ج
۳۶۸	س ۵۸۸
۳۶۸	اشاره
۳۶۸	ج
۳۶۸	س ۵۸۹
۳۶۸	اشاره
۳۶۸	ج
۳۶۸	س ۵۹۰
۳۶۸	اشاره
۳۶۸	ج
۳۶۹	س ۵۹۱
۳۶۹	اشاره
۳۶۹	ج
۳۶۹	س ۵۹۲
۳۶۹	اشاره
۳۶۹	ج

۳۶۹	س ۵۹۳
۳۶۹	اشاره
۳۷۰	ج
۳۷۰	س ۵۹۴
۳۷۰	اشاره
۳۷۰	ج
۳۷۰	س ۵۹۵
۳۷۰	اشاره
۳۷۰	ج
۳۷۰	س ۵۹۶
۳۷۰	اشاره
۳۷۱	ج
۳۷۱	س ۵۹۷
۳۷۱	اشاره
۳۷۱	ج
۳۷۱	س ۵۹۸
۳۷۱	اشاره
۳۷۱	ج
۳۷۱	س ۵۹۹
۳۷۱	اشاره
۳۷۲	ج
۳۷۲	س ۶۰۰
۳۷۲	اشاره
۳۷۲	ج

۳۷۲	س ۶۰۱
۳۷۲	اشاره
۳۷۲	ج
۳۷۲	س ۶۰۲
۳۷۲	اشاره
۳۷۲	ج
۳۷۲	سال خمسی و خمس سرمایه
۳۷۲	س ۶۰۳
۳۷۳	اشاره
۳۷۳	ج
۳۷۳	س ۶۰۴
۳۷۳	اشاره
۳۷۳	ج
۳۷۳	س ۶۰۵
۳۷۳	اشاره
۳۷۳	ج
۳۷۳	س ۶۰۶
۳۷۳	اشاره
۳۷۴	ج
۳۷۴	س ۶۰۷
۳۷۴	اشاره
۳۷۴	ج
۳۷۴	س ۶۰۸
۳۷۴	اشاره

۳۷۴	ج
۳۷۴	س ۶۰۹
۳۷۴	اشاره
۳۷۵	ج
۳۷۵	س ۶۱۰
۳۷۵	اشاره
۳۷۵	ج
۳۷۵	س ۶۱۱
۳۷۵	اشاره
۳۷۵	ج
۳۷۵	س ۶۱۲
۳۷۵	اشاره
۳۷۵	ج
۳۷۶	س ۶۱۳
۳۷۶	اشاره
۳۷۶	ج
۳۷۶	س ۶۱۴
۳۷۶	اشاره
۳۷۶	ج
۳۷۶	س ۶۱۵
۳۷۶	اشاره
۳۷۶	ج
۳۷۷	س ۶۱۶
۳۷۷	اشاره

۳۷۷	ج
۳۷۷	س ۶۱۷
۳۷۷	اشاره
۳۷۷	ج
۳۷۷	س ۶۱۸
۳۷۷	اشاره
۳۷۷	ج
۳۷۸	س ۶۱۹
۳۷۸	اشاره
۳۷۸	ج
۳۷۸	س ۶۲۰
۳۷۸	اشاره
۳۷۸	ج
۳۷۸	خمس مالی که انسان به کسی قرض داده
۳۷۸	س ۶۲۱
۳۷۸	اشاره
۳۷۸	ج
۳۷۸	س ۶۲۲
۳۷۸	اشاره
۳۷۹	ج
۳۷۹	خمس طلا
۳۷۹	س ۶۲۳
۳۷۹	اشاره
۳۷۹	ج

س ۶۲۴ ۳۷۹

اشاره ۳۷۹

ج ۳۷۹

س ۶۲۵ ۳۷۹

اشاره ۳۷۹

ج ۳۸۰

س ۶۲۶ ۳۸۰

اشاره ۳۸۰

ج ۳۸۰

س ۶۲۷ ۳۸۰

اشاره ۳۸۰

ج ۳۸۰

س ۶۲۸ ۳۸۰

اشاره ۳۸۰

ج ۳۸۰

خمس هدیه ۳۸۱

س ۶۲۹ ۳۸۱

اشاره ۳۸۱

ج ۳۸۱

س ۶۳۰ ۳۸۱

اشاره ۳۸۱

ج ۳۸۱

س ۶۳۱ ۳۸۱

اشاره ۳۸۱

۳۸۱	ج
۳۸۱	س ۶۳۲
۳۸۱	اشاره
۳۸۲	ج
۳۸۲	س ۶۳۳
۳۸۲	اشاره
۳۸۲	ج
۳۸۲	س ۶۳۴
۳۸۲	اشاره
۳۸۲	ج
۳۸۲	س ۶۳۵
۳۸۲	اشاره
۳۸۲	ج
۳۸۲	س ۶۳۶
۳۸۲	اشاره
۳۸۳	ج
۳۸۳	س ۶۳۷
۳۸۳	اشاره
۳۸۳	ج
۳۸۳	س ۶۳۸
۳۸۳	اشاره
۳۸۳	ج
۳۸۳	س ۶۳۹
۳۸۳	اشاره

۳۸۴	ج
۳۸۴	س ۶۴۰
۳۸۴	اشاره
۳۸۴	ج
۳۸۴	س ۶۴۱
۳۸۴	اشاره
۳۸۴	ج
۳۸۴	س ۶۴۲
۳۸۴	اشاره
۳۸۴	ج
۳۸۵	خمس سرقفلی و مغازه
۳۸۵	س ۶۴۳
۳۸۵	اشاره
۳۸۵	ج
۳۸۵	س ۶۴۴
۳۸۵	اشاره
۳۸۵	ج
۳۸۵	س ۶۴۵
۳۸۵	اشاره
۳۸۵	ج
۳۸۶	س ۶۴۶
۳۸۶	اشاره
۳۸۶	ج
۳۸۶	س ۶۴۷

۳۸۶	اشاره
۳۸۶	ج
۳۸۶	س ۶۴۸
۳۸۶	اشاره
۳۸۶	ج
۳۸۶	س ۶۴۹
۳۸۶	اشاره
۳۸۷	ج
۳۸۷	س ۶۵۰
۳۸۷	اشاره
۳۸۷	ج
۳۸۷	س ۶۵۱
۳۸۷	اشاره
۳۸۷	ج
۳۸۷	س ۶۵۲
۳۸۷	اشاره
۳۸۸	ج
۳۸۸	س ۶۵۳
۳۸۸	اشاره
۳۸۸	ج
۳۸۸	خمس ابزار کار و ماشین‌آلات
۳۸۸	س ۶۵۴
۳۸۸	اشاره
۳۸۸	ج

۳۸۹	س ۶۵۵
۳۸۹	اشاره
۳۸۹	ج
۳۸۹	س ۶۵۶
۳۸۹	اشاره
۳۸۹	ج
۳۸۹	س ۶۵۷
۳۸۹	اشاره
۳۸۹	ج
۳۸۹	س ۶۵۸
۳۹۰	اشاره
۳۹۰	ج
۳۹۰	س ۶۵۹
۳۹۰	اشاره
۳۹۰	ج
۳۹۰	س ۶۶۰
۳۹۰	اشاره
۳۹۰	ج
۳۹۱	س ۶۶۱
۳۹۱	اشاره
۳۹۱	ج
۳۹۱	خمس زراعت و زمین زراعی
۳۹۱	س ۶۶۲
۳۹۱	اشاره

۳۹۱	ج
۳۹۱	س ۶۶۳
۳۹۱	اشاره
۳۹۲	ج
۳۹۲	س ۶۶۴
۳۹۲	اشاره
۳۹۲	ج
۳۹۲	س ۶۶۵
۳۹۲	اشاره
۳۹۲	ج
۳۹۲	س ۶۶۶
۳۹۲	اشاره
۳۹۲	ج
۳۹۳	س ۶۶۷
۳۹۳	اشاره
۳۹۳	ج
۳۹۳	س ۶۶۸
۳۹۳	اشاره
۳۹۳	ج
۳۹۳	س ۶۶۹
۳۹۳	اشاره
۳۹۳	ج
۳۹۴	س ۶۷۰
۳۹۴	اشاره

۳۹۴	ج
۳۹۴	س ۶۷۱
۳۹۴	اشاره
۳۹۴	ج
۳۹۴	خمس باغداری
۳۹۴	س ۶۷۲
۳۹۴	اشاره
۳۹۴	ج
۳۹۵	س ۶۷۳
۳۹۵	اشاره
۳۹۵	ج
۳۹۵	س ۶۷۴
۳۹۵	اشاره
۳۹۵	ج
۳۹۵	س ۶۷۵
۳۹۵	اشاره
۳۹۵	ج
۳۹۵	س ۶۷۶
۳۹۵	اشاره
۳۹۶	ج
۳۹۶	خمس چوب
۳۹۶	س ۶۷۷
۳۹۶	اشاره
۳۹۶	ج

۳۹۶	س ۶۷۸
۳۹۶	اشاره
۳۹۶	ج
۳۹۶	س ۶۷۹
۳۹۶	اشاره
۳۹۷	ج
۳۹۷	س ۶۸۰
۳۹۷	اشاره
۳۹۷	ج
۳۹۷	خمس دامداری
۳۹۷	س ۶۸۱
۳۹۷	اشاره
۳۹۷	ج
۳۹۷	س ۶۸۲
۳۹۸	اشاره
۳۹۸	ج
۳۹۸	س ۶۸۳
۳۹۸	اشاره
۳۹۸	ج
۳۹۸	خمس مال به ارث رسیده
۳۹۸	س ۶۸۴
۳۹۸	اشاره
۳۹۸	ج
۳۹۹	س ۶۸۵

۳۹۹ اشاره

۳۹۹ ج

۳۹۹ س ۶۸۶

۳۹۹ اشاره

۳۹۹ ج

۳۹۹ س ۶۸۷

۳۹۹ اشاره

۳۹۹ ج

۴۰۰ س ۶۸۸

۴۰۰ اشاره

۴۰۰ ج

۴۰۰ س ۶۸۹

۴۰۰ اشاره

۴۰۰ ج

۴۰۰ س ۶۹۰

۴۰۰ اشاره

۴۰۰ ج

۴۰۰ س ۶۹۱

۴۰۰ اشاره

۴۰۱ ج

۴۰۱ خمس درآمد زن

۴۰۱ س ۶۹۲

۴۰۱ اشاره

۴۰۱ ج

۴۰۱	س ۶۹۳
۴۰۱	اشاره
۴۰۱	ج
۴۰۱	س ۶۹۴
۴۰۱	اشاره
۴۰۲	ج
۴۰۲	س ۶۹۵
۴۰۲	اشاره
۴۰۲	ج
۴۰۲	س ۶۹۶
۴۰۲	اشاره
۴۰۲	ج
۴۰۳	خمس مال صغير
۴۰۳	س ۶۹۷
۴۰۳	اشاره
۴۰۳	ج
۴۰۳	س ۶۹۸
۴۰۳	اشاره
۴۰۳	ج
۴۰۳	س ۶۹۹
۴۰۳	اشاره
۴۰۳	ج
۴۰۳	خمس فیش حج
۴۰۳	س ۷۰۰

۴۰۴	اشاره
۴۰۴	ج
۴۰۴	س ۷۰۱
۴۰۴	اشاره
۴۰۴	ج
۴۰۴	س ۷۰۲
۴۰۴	اشاره
۴۰۴	ج
۴۰۴	س ۷۰۳
۴۰۴	اشاره
۴۰۴	ج
۴۰۵	خمس کتاب
۴۰۵	س ۷۰۴
۴۰۵	اشاره
۴۰۵	ج
۴۰۵	خمس منزل و مسکن
۴۰۵	خمس پولی که برای تهیه مسکن پس انداز شده
۴۰۵	س ۷۰۵
۴۰۵	اشاره
۴۰۵	ج
۴۰۶	س ۷۰۶
۴۰۶	اشاره
۴۰۶	ج
۴۰۶	س ۷۰۷

- ۴۰۶ اشاره
- ۴۰۶ ج
- ۴۰۶ س ۷۰۸
- ۴۰۶ اشاره
- ۴۰۶ ج
- ۴۰۷ س ۷۰۹
- ۴۰۷ اشاره
- ۴۰۷ ج
- ۴۰۷ خمس پولی که از فروش خانه بدست آمده
- ۴۰۷ س ۷۱۰
- ۴۰۷ اشاره
- ۴۰۷ ج
- ۴۰۷ س ۷۱۱
- ۴۰۷ اشاره
- ۴۰۸ ج
- ۴۰۸ س ۷۱۲
- ۴۰۸ اشاره
- ۴۰۸ ج
- ۴۰۸ س ۷۱۳
- ۴۰۸ اشاره
- ۴۰۸ ج
- ۴۰۹ س ۷۱۴
- ۴۰۹ اشاره
- ۴۰۹ ج

۴۰۹	خمس خانه و مسکن اضافی
۴۰۹	س ۷۱۵
۴۰۹	اشاره
۴۰۹	ج
۴۰۹	س ۷۱۶
۴۰۹	اشاره
۴۰۹	ج
۴۱۰	س ۷۱۷
۴۱۰	اشاره
۴۱۰	ج
۴۱۰	س ۷۱۸
۴۱۰	اشاره
۴۱۰	ج
۴۱۰	خمس زمین و مصالح ساختمانی
۴۱۰	س ۷۱۹
۴۱۰	اشاره
۴۱۱	ج
۴۱۱	س ۷۲۰
۴۱۱	اشاره
۴۱۱	ج
۴۱۱	س ۷۲۱
۴۱۱	اشاره
۴۱۱	ج
۴۱۲	س ۷۲۲

۴۱۲ اشاره

۴۱۲ ج

۴۱۲ خمس تهیه مسکن برای فرزند

۴۱۲ س ۷۲۳

۴۱۲ اشاره

۴۱۲ ج

۴۱۲ س ۷۲۴

۴۱۲ اشاره

۴۱۳ ج

۴۱۳ س ۷۲۵

۴۱۳ اشاره

۴۱۳ ج

۴۱۳ خمس شخصی که وام گرفته و بدهکار است.

۴۱۳ س ۷۲۶

۴۱۳ اشاره

۴۱۳ ج

۴۱۴ س ۷۲۷

۴۱۴ اشاره

۴۱۴ ج

۴۱۴ س ۷۲۸

۴۱۴ اشاره

۴۱۴ ج

۴۱۴ س ۷۲۹

۴۱۴ اشاره

۴۱۴	ج
۴۱۵	س ۷۳۰
۴۱۵	اشاره
۴۱۵	ج
۴۱۵	س ۷۳۱
۴۱۵	اشاره
۴۱۵	ج
۴۱۵	س ۷۳۲
۴۱۵	اشاره
۴۱۵	ج
۴۱۵	خمس لوازم مورد احتیاج زندگی
۴۱۶	تزیینات منزل
۴۱۶	س ۷۳۳
۴۱۶	اشاره
۴۱۶	ج
۴۱۶	س ۷۳۴
۴۱۶	اشاره
۴۱۶	ج
۴۱۶	س ۷۳۵
۴۱۶	اشاره
۴۱۶	ج
۴۱۷	س ۷۳۶
۴۱۷	اشاره
۴۱۷	ج

س ۷۳۷ ۴۱۷

اشاره ۴۱۷

ج ۴۱۸

س ۷۳۸ ۴۱۸

اشاره ۴۱۸

ج ۴۱۸

س ۷۳۹ ۴۱۸

اشاره ۴۱۸

ج ۴۱۸

لوازمی که مورد استفاده قرار نمی‌گیرد ۴۱۸

س ۷۴۰ ۴۱۸

اشاره ۴۱۹

ج ۴۱۹

س ۷۴۱ ۴۱۹

اشاره ۴۱۹

ج ۴۱۹

س ۷۴۲ ۴۱۹

اشاره ۴۱۹

ج ۴۱۹

خمس مخارج تحصیل فرزندان ۴۱۹

س ۷۴۳ ۴۱۹

اشاره ۴۱۹

ج ۴۲۰

مخارج عروسی فرزند ۴۲۰

س ۷۴۴ ۴۲۰

اشاره ۴۲۰

ج ۴۲۰

س ۷۴۵ ۴۲۰

اشاره ۴۲۰

ج ۴۲۰

س ۷۴۶ ۴۲۰

اشاره ۴۲۰

ج ۴۲۱

خمس جهیزیه ۴۲۱

س ۷۴۷ ۴۲۱

اشاره ۴۲۱

ج ۴۲۱

س ۷۴۸ ۴۲۱

اشاره ۴۲۱

ج ۴۲۱

س ۷۴۹ ۴۲۱

اشاره ۴۲۱

ج ۴۲۱

س ۷۵۰ ۴۲۲

اشاره ۴۲۲

ج ۴۲۲

س ۷۵۱ ۴۲۲

اشاره ۴۲۲

۴۲۲	ج
۴۲۲	س ۷۵۲
۴۲۲	اشاره
۴۲۲	ج
۴۲۳	پرداخت و مصرف خمس
۴۲۳	س ۷۵۳
۴۲۳	اشاره
۴۲۳	ج
۴۲۳	س ۷۵۴
۴۲۳	اشاره
۴۲۳	ج
۴۲۳	س ۷۵۵
۴۲۳	اشاره
۴۲۳	ج
۴۲۳	س ۷۵۶
۴۲۴	اشاره
۴۲۴	ج
۴۲۴	س ۷۵۷
۴۲۴	اشاره
۴۲۴	ج
۴۲۴	س ۷۵۸
۴۲۴	اشاره
۴۲۴	ج
۴۲۴	س ۷۵۹

۴۲۵	اشاره
۴۲۵	ج
۴۲۵	س ۷۶۰
۴۲۵	اشاره
۴۲۵	ج
۴۲۵	س ۷۶۱
۴۲۵	اشاره
۴۲۵	ج
۴۲۵	س ۷۶۲
۴۲۵	اشاره
۴۲۶	ج
۴۲۶	س ۷۶۳
۴۲۶	اشاره
۴۲۶	ج
۴۲۶	س ۷۶۴
۴۲۶	اشاره
۴۲۶	ج
۴۲۶	س ۷۶۵
۴۲۶	اشاره
۴۲۶	ج
۴۲۶	س ۷۶۶
۴۲۶	اشاره
۴۲۷	ج
۴۲۷	س ۷۶۷

۴۲۷ اشاره

۴۲۷ ج

۴۲۷ س ۷۶۸

۴۲۷ اشاره

۴۲۷ ج

۴۲۷ س ۷۶۹

۴۲۷ اشاره

۴۲۸ ج

۴۲۸ س ۷۷۰

۴۲۸ اشاره

۴۲۸ ج

۴۲۸ س ۷۷۱

۴۲۸ اشاره

۴۲۸ ج

۴۲۸ دستگردان

۴۲۸ س ۷۷۲

۴۲۸ اشاره

۴۲۹ ج

۴۲۹ س ۷۷۳

۴۲۹ اشاره

۴۲۹ ج

۴۲۹ س ۷۷۴

۴۲۹ اشاره

۴۲۹ ج

س ۷۷۵ ۴۳۰

اشاره ۴۳۰

ج ۴۳۰

س ۷۷۶ ۴۳۰

اشاره ۴۳۰

ج ۴۳۰

تصرف در مالی که خمس آن پرداخت نشده ۴۳۰

س ۷۷۷ ۴۳۰

اشاره ۴۳۰

ج ۴۳۰

س ۷۷۸ ۴۳۰

اشاره ۴۳۱

ج ۴۳۱

س ۷۷۹ ۴۳۱

اشاره ۴۳۱

ج ۴۳۱

س ۷۸۰ ۴۳۱

اشاره ۴۳۱

ج ۴۳۱

س ۷۸۱ ۴۳۲

اشاره ۴۳۲

ج ۴۳۲

س ۷۸۲ ۴۳۲

اشاره ۴۳۲

۴۳۲	ج
۴۳۲	س ۷۸۳
۴۳۲	اشاره
۴۳۲	ج
۴۳۳	س ۷۸۴
۴۳۳	اشاره
۴۳۳	ج
۴۳۳	س ۷۸۵
۴۳۳	اشاره
۴۳۳	ج
۴۳۳	نذر
۴۳۳	از بین رفتن موضوع نذر
۴۳۳	س ۷۸۶
۴۳۳	اشاره
۴۳۳	ج
۴۳۴	س ۷۸۷
۴۳۴	اشاره
۴۳۴	ج
۴۳۴	س ۷۸۸
۴۳۴	اشاره
۴۳۴	ج
۴۳۴	س ۷۸۹
۴۳۴	اشاره
۴۳۵	ج

۴۳۵	تغییر دادن مصرف نذر
۴۳۵	س ۷۹۰
۴۳۵	اشاره
۴۳۵	ج
۴۳۵	س ۷۹۱
۴۳۵	اشاره
۴۳۵	ج
۴۳۶	س ۷۹۲
۴۳۶	اشاره
۴۳۶	ج
۴۳۶	س ۷۹۳
۴۳۶	اشاره
۴۳۶	ج
۴۳۶	س ۷۹۴
۴۳۶	اشاره
۴۳۷	ج
۴۳۷	س ۷۹۵
۴۳۷	اشاره
۴۳۷	ج
۴۳۷	س ۷۹۶
۴۳۷	اشاره
۴۳۷	ج
۴۳۷	نذر زن
۴۳۸	س ۷۹۷

۴۳۸	اشاره
۴۳۸	ج
۴۳۸	س ۷۹۸
۴۳۸	اشاره
۴۳۸	ج
۴۳۸	س ۷۹۹
۴۳۸	اشاره
۴۳۸	ج
۴۳۹	س ۸۰۰
۴۳۹	اشاره
۴۳۹	ج
۴۳۹	س ۸۰۱
۴۳۹	اشاره
۴۳۹	ج
۴۳۹	مسائل متفرقه نذر
۴۳۹	س ۸۰۲
۴۳۹	اشاره
۴۳۹	ج
۴۴۰	س ۸۰۳
۴۴۰	اشاره
۴۴۰	ج
۴۴۰	عهد و قسم
۴۴۰	س ۸۰۴
۴۴۰	اشاره

۴۴۰	ج
۴۴۰	س ۸۰۵
۴۴۰	اشاره
۴۴۰	ج
۴۴۱	احکام وقف
۴۴۱	اشاره
۴۴۱	متولی وقف
۴۴۱	س ۸۰۶
۴۴۱	اشاره
۴۴۱	ج
۴۴۱	س ۸۰۷
۴۴۱	اشاره
۴۴۱	ج
۴۴۱	س ۸۰۸
۴۴۲	اشاره
۴۴۲	ج
۴۴۲	س ۸۰۹
۴۴۲	اشاره
۴۴۲	ج
۴۴۲	س ۸۱۰
۴۴۲	اشاره
۴۴۲	ج
۴۴۳	س ۸۱۱
۴۴۳	اشاره

۴۴۳	ج
۴۴۳	خرید و فروش موقوفه
۴۴۳	س ۸۱۲
۴۴۳	اشاره
۴۴۳	ج
۴۴۳	س ۸۱۳
۴۴۳	اشاره
۴۴۳	ج
۴۴۳	س ۸۱۴
۴۴۳	اشاره
۴۴۴	ج
۴۴۴	س ۸۱۵
۴۴۴	اشاره
۴۴۴	ج
۴۴۴	س ۸۱۶
۴۴۴	اشاره
۴۴۴	ج
۴۴۴	س ۸۱۷
۴۴۵	اشاره
۴۴۵	ج
۴۴۵	س ۸۱۸
۴۴۵	اشاره
۴۴۵	ج
۴۴۵	س ۸۱۹

۴۴۵	اشاره
۴۴۵	ج
۴۴۶	تصرف بر خلاف وقف
۴۴۶	س ۸۲۰
۴۴۶	اشاره
۴۴۶	ج
۴۴۶	س ۸۲۱
۴۴۶	اشاره
۴۴۶	ج
۴۴۶	س ۸۲۲
۴۴۶	اشاره
۴۴۶	ج
۴۴۶	س ۸۲۳
۴۴۷	اشاره
۴۴۷	ج
۴۴۷	س ۸۲۴
۴۴۷	اشاره
۴۴۷	ج
۴۴۷	س ۸۲۵
۴۴۷	اشاره
۴۴۷	ج
۴۴۸	س ۸۲۶
۴۴۸	اشاره
۴۴۸	ج

۴۴۸	س ۸۲۷
۴۴۸	اشاره
۴۴۸	ج
۴۴۸	س ۸۲۸
۴۴۸	اشاره
۴۴۹	ج
۴۴۹	س ۸۲۹
۴۴۹	اشاره
۴۴۹	ج
۴۴۹	س ۸۳۰
۴۴۹	اشاره
۴۴۹	ج
۴۴۹	س ۸۳۱
۴۵۰	اشاره
۴۵۰	ج
۴۵۰	س ۸۳۲
۴۵۰	اشاره
۴۵۰	ج
۴۵۰	س ۸۳۳
۴۵۰	اشاره
۴۵۰	ج
۴۵۱	تعویض موقوفه
۴۵۱	س ۸۳۴
۴۵۱	اشاره

۴۵۱	ج
۴۵۱	س ۸۳۵
۴۵۱	اشاره
۴۵۱	ج
۴۵۱	س ۸۳۶
۴۵۱	اشاره
۴۵۲	ج
۴۵۲	س ۸۳۷
۴۵۲	اشاره
۴۵۲	ج
۴۵۲	س ۸۳۸
۴۵۲	اشاره
۴۵۲	ج
۴۵۲	س ۸۳۹
۴۵۲	اشاره
۴۵۳	ج
۴۵۳	س ۸۴۰
۴۵۳	اشاره
۴۵۳	ج
۴۵۳	س ۸۴۱
۴۵۳	اشاره
۴۵۳	ج
۴۵۳	س ۸۴۲
۴۵۳	اشاره

۴۵۴	ج
۴۵۴	س ۸۴۳
۴۵۴	اشاره
۴۵۴	ج
۴۵۴	س ۸۴۴
۴۵۴	اشاره
۴۵۴	ج
۴۵۴	س ۸۴۵
۴۵۴	اشاره
۴۵۴	ج
۴۵۵	س ۸۴۶
۴۵۵	اشاره
۴۵۵	ج
۴۵۵	س ۸۴۷
۴۵۵	اشاره
۴۵۵	ج
۴۵۵	س ۸۴۸
۴۵۵	اشاره
۴۵۶	ج
۴۵۶	س ۸۴۹
۴۵۶	اشاره
۴۵۶	ج
۴۵۶	س ۸۵۰
۴۵۶	اشاره

۴۵۶	ج
۴۵۶	س ۸۵۱
۴۵۶	اشاره
۴۵۷	ج
۴۵۷	س ۸۵۲
۴۵۷	اشاره
۴۵۷	ج
۴۵۷	نزاع در وقف
۴۵۷	س ۸۵۳
۴۵۷	اشاره
۴۵۷	ج
۴۵۸	س ۸۵۴
۴۵۸	اشاره
۴۵۸	ج
۴۵۸	س ۸۵۵
۴۵۸	اشاره
۴۵۸	ج
۴۵۸	س ۸۵۶
۴۵۸	اشاره
۴۵۸	ج
۴۵۹	س ۸۵۷
۴۵۹	اشاره
۴۵۹	ج
۴۵۹	س ۸۵۸

۴۵۹	اشاره
۴۵۹	ج
۴۵۹	س ۸۵۹
۴۶۰	اشاره
۴۶۰	ج
۴۶۰	س ۸۶۰
۴۶۰	اشاره
۴۶۰	ج
۴۶۱	س ۸۶۱
۴۶۱	اشاره
۴۶۱	ج
۴۶۱	س ۸۶۲
۴۶۱	اشاره
۴۶۱	ج
۴۶۱	س ۸۶۳
۴۶۱	اشاره
۴۶۲	ج
۴۶۲	س ۸۶۴
۴۶۲	اشاره
۴۶۲	ج
۴۶۲	احکام مسجد
۴۶۲	احداث مسجد
۴۶۲	س ۸۶۵
۴۶۲	اشاره

۴۶۳	ج
۴۶۳	س ۸۶۶
۴۶۳	اشاره
۴۶۳	ج
۴۶۳	س ۸۶۷
۴۶۳	اشاره
۴۶۳	ج
۴۶۳	س ۸۶۸
۴۶۳	اشاره
۴۶۴	ج
۴۶۴	س ۸۶۹
۴۶۴	اشاره
۴۶۴	ج
۴۶۴	س ۸۷۰
۴۶۴	اشاره
۴۶۵	ج
۴۶۵	س ۸۷۱
۴۶۵	اشاره
۴۶۵	ج
۴۶۵	س ۸۷۲
۴۶۵	اشاره
۴۶۵	ج
۴۶۶	توسعه و تعمیر مسجد
۴۶۶	س ۸۷۳

۴۶۶	اشاره
۴۶۶	ج
۴۶۶	س ۸۷۴
۴۶۶	اشاره
۴۶۶	ج
۴۶۷	س ۸۷۵
۴۶۷	اشاره
۴۶۷	ج
۴۶۷	س ۸۷۶
۴۶۷	اشاره
۴۶۷	ج
۴۶۷	س ۸۷۷
۴۶۷	اشاره
۴۶۸	ج
۴۶۸	س ۸۷۸
۴۶۸	اشاره
۴۶۸	ج
۴۶۸	س ۸۷۹
۴۶۸	اشاره
۴۶۸	ج
۴۶۹	س ۸۸۰
۴۶۹	اشاره
۴۶۹	ج
۴۶۹	س ۸۸۱

۴۶۹ اشاره

۴۶۹ ج

۴۶۹ س ۸۸۲

۴۶۹ اشاره

۴۷۰ ج

۴۷۰ س ۸۸۳

۴۷۰ اشاره

۴۷۰ ج

۴۷۰ س ۸۸۴

۴۷۰ اشاره

۴۷۰ ج

۴۷۱ س ۸۸۵

۴۷۱ اشاره

۴۷۱ ج

۴۷۱ س ۸۸۶

۴۷۱ اشاره

۴۷۱ ج

۴۷۱ س ۸۸۷

۴۷۲ اشاره

۴۷۲ ج

۴۷۲ س ۸۸۸

۴۷۲ اشاره

۴۷۲ ج

۴۷۲ س ۸۸۹

۴۷۲	اشاره
۴۷۲	ج
۴۷۳	س ۸۹۰
۴۷۳	اشاره
۴۷۳	ج
۴۷۳	س ۸۹۱
۴۷۳	اشاره
۴۷۳	ج
۴۷۳	س ۸۹۲
۴۷۳	اشاره
۴۷۴	ج
۴۷۴	س ۸۹۳
۴۷۴	اشاره
۴۷۴	ج
۴۷۴	س ۸۹۴
۴۷۴	اشاره
۴۷۴	ج
۴۷۵	س ۸۹۵
۴۷۵	اشاره
۴۷۵	ج
۴۷۵	تصرف در وسایل مسجد
۴۷۵	س ۸۹۶
۴۷۵	اشاره
۴۷۵	ج

۴۷۵	س ۸۹۷
۴۷۵	اشاره
۴۷۶	ج
۴۷۶	س ۸۹۸
۴۷۶	اشاره
۴۷۶	ج
۴۷۶	س ۸۹۹
۴۷۶	اشاره
۴۷۷	ج
۴۷۷	س ۹۰۰
۴۷۷	اشاره
۴۷۷	ج
۴۷۷	س ۹۰۱
۴۷۷	اشاره
۴۷۷	ج
۴۷۷	س ۹۰۲
۴۷۸	اشاره
۴۷۸	ج
۴۷۸	س ۹۰۳
۴۷۸	اشاره
۴۷۸	ج
۴۷۸	س ۹۰۴
۴۷۸	اشاره
۴۷۹	ج

۴۷۹	س ۹۰۶
۴۷۹	اشاره
۴۷۹	ج
۴۷۹	س ۹۰۷
۴۷۹	اشاره
۴۷۹	ج
۴۷۹	س ۹۰۸
۴۸۰	اشاره
۴۸۰	ج
۴۸۰	س ۹۰۹
۴۸۰	اشاره
۴۸۰	ج
۴۸۰	س ۹۱۰
۴۸۰	اشاره
۴۸۱	ج
۴۸۱	س ۹۱۱
۴۸۱	اشاره
۴۸۱	ج
۴۸۱	س ۹۱۲
۴۸۱	اشاره
۴۸۱	ج
۴۸۲	س ۹۱۳
۴۸۲	اشاره
۴۸۲	ج

۴۸۲	تبدیل و تخریب مسجد
۴۸۲	س ۹۱۴
۴۸۲	اشاره
۴۸۲	ج
۴۸۳	س ۹۱۵
۴۸۳	اشاره
۴۸۳	ج
۴۸۳	س ۹۱۶
۴۸۳	اشاره
۴۸۳	ج
۴۸۳	س ۹۱۷
۴۸۳	اشاره
۴۸۴	ج
۴۸۴	س ۹۱۸
۴۸۴	اشاره
۴۸۴	ج
۴۸۴	س ۹۱۹
۴۸۴	اشاره
۴۸۵	ج
۴۸۵	س ۹۲۰
۴۸۵	اشاره
۴۸۵	ج
۴۸۵	س ۹۲۱
۴۸۵	اشاره

۴۸۶	ج
۴۸۶	س ۹۲۲
۴۸۶	اشاره
۴۸۶	ج
۴۸۶	س ۹۲۳
۴۸۶	اشاره
۴۸۶	ج
۴۸۶	س ۹۲۴
۴۸۶	اشاره
۴۸۶	ج
۴۸۷	س ۹۲۵
۴۸۷	اشاره
۴۸۷	ج
۴۸۷	انجام کارهای متفرقه در مسجد
۴۸۷	س ۹۲۶
۴۸۷	اشاره
۴۸۷	ج
۴۸۷	س ۹۲۷
۴۸۷	اشاره
۴۸۸	ج
۴۸۸	س ۹۲۸
۴۸۸	اشاره
۴۸۸	ج
۴۸۸	س ۹۲۹

۴۸۸	اشاره
۴۸۹	ج
۴۸۹	س ۹۳۰
۴۸۹	اشاره
۴۸۹	ج
۴۸۹	س ۹۳۱
۴۹۰	اشاره
۴۹۰	ج
۴۹۰	س ۹۳۲
۴۹۰	اشاره
۴۹۰	ج
۴۹۰	س ۹۳۳
۴۹۰	اشاره
۴۹۰	ج
۴۹۱	مسائل متفرقه مسجد
۴۹۱	س ۹۳۴
۴۹۱	اشاره
۴۹۱	ج
۴۹۱	س ۹۳۵
۴۹۱	اشاره
۴۹۱	ج
۴۹۲	س ۹۳۶
۴۹۲	اشاره
۴۹۲	ج

۴۹۲	س ۹۳۷
۴۹۲	اشاره
۴۹۲	ج
۴۹۲	س ۹۳۸
۴۹۲	اشاره
۴۹۲	ج
۴۹۲	س ۹۳۹
۴۹۳	اشاره
۴۹۳	ج
۴۹۳	س ۹۴۰
۴۹۳	اشاره
۴۹۳	ج
۴۹۳	س ۹۴۱
۴۹۳	اشاره
۴۹۳	ج
۴۹۴	س ۹۴۲
۴۹۴	اشاره
۴۹۴	ج
۴۹۴	س ۹۴۳
۴۹۴	اشاره
۴۹۴	ج
۴۹۴	س ۹۴۴
۴۹۴	اشاره
۴۹۵	ج

س ۹۴۵	۴۹۵
اشاره	۴۹۵
ج	۴۹۵
مدارس علمیه	۴۹۵
س ۹۴۶	۴۹۵
اشاره	۴۹۵
ج	۴۹۵
س ۹۴۷	۴۹۶
اشاره	۴۹۶
ج	۴۹۶
س ۹۴۸	۴۹۶
اشاره	۴۹۶
ج	۴۹۶
س ۹۴۹	۴۹۶
اشاره	۴۹۶
ج	۴۹۶
س ۹۵۰	۴۹۷
اشاره	۴۹۷
ج	۴۹۷
س ۹۵۱	۴۹۷
اشاره	۴۹۷
ج	۴۹۷
س ۹۵۲	۴۹۷
اشاره	۴۹۷

۴۹۷	ج
۴۹۸	قبرستان
۴۹۸	س ۹۵۳
۴۹۸	اشاره
۴۹۸	ج
۴۹۸	س ۹۵۴
۴۹۸	اشاره
۴۹۸	ج
۴۹۸	س ۹۵۵
۴۹۸	اشاره
۴۹۸	ج
۴۹۹	خرید و فروش قبر
۴۹۹	س ۹۵۶
۴۹۹	اشاره
۴۹۹	ج
۴۹۹	س ۹۵۷
۴۹۹	اشاره
۴۹۹	ج
۴۹۹	س ۹۵۸
۴۹۹	اشاره
۴۹۹	ج
۵۰۰	س ۹۵۹
۵۰۰	اشاره
۵۰۰	ج

س ۹۶۰	۵۰۰
اشاره	۵۰۰
ج	۵۰۰
تخریب قبرستان	۵۰۱
س ۹۶۱	۵۰۱
اشاره	۵۰۱
ج	۵۰۱
س ۹۶۲	۵۰۱
اشاره	۵۰۱
ج	۵۰۱
س ۹۶۳	۵۰۱
اشاره	۵۰۱
ج	۵۰۱
س ۹۶۴	۵۰۱
اشاره	۵۰۱
ج	۵۰۲
احداث بنا و توسعه قبرستان	۵۰۲
س ۹۶۵	۵۰۲
اشاره	۵۰۲
ج	۵۰۲
س ۹۶۶	۵۰۲
اشاره	۵۰۲
ج	۵۰۲
س ۹۶۷	۵۰۳

۵۰۳	اشاره
۵۰۳	ج
۵۰۳	س ۹۶۸
۵۰۳	اشاره
۵۰۳	ج
۵۰۳	تخریب و نیش قبر
۵۰۳	س ۹۶۹
۵۰۳	اشاره
۵۰۳	ج
۵۰۴	س ۹۷۰
۵۰۴	اشاره
۵۰۴	ج
۵۰۴	س ۹۷۱
۵۰۴	اشاره
۵۰۴	ج
۵۰۴	احکام خریدوفروش و مشاغل
۵۰۴	شغل‌های حرام
۵۰۴	س ۹۷۲
۵۰۴	اشاره
۵۰۵	ج
۵۰۵	س ۹۷۴
۵۰۵	اشاره
۵۰۵	ج
۵۰۵	س ۹۷۵

۵۰۵	اشاره
۵۰۵	ج
۵۰۵	س ۹۷۶
۵۰۵	اشاره
۵۰۶	ج
۵۰۶	س ۹۷۷
۵۰۶	اشاره
۵۰۶	ج
۵۰۶	س ۹۷۸
۵۰۶	اشاره
۵۰۶	ج
۵۰۶	س ۹۷۹
۵۰۶	اشاره
۵۰۶	ج
۵۰۶	س ۹۸۰
۵۰۶	اشاره
۵۰۷	ج
۵۰۷	س ۹۸۱
۵۰۷	اشاره
۵۰۷	ج
۵۰۷	س ۹۸۲
۵۰۷	اشاره
۵۰۷	ج
۵۰۷	س ۹۸۳

۵۰۷	اشاره
۵۰۷	ج
۵۰۸	س ۹۸۴
۵۰۸	اشاره
۵۰۸	ج
۵۰۸	س ۹۸۵
۵۰۸	اشاره
۵۰۸	ج
۵۰۸	س ۹۸۶
۵۰۸	اشاره
۵۰۸	ج
۵۰۸	س ۹۸۷
۵۰۸	اشاره
۵۰۸	ج
۵۰۹	س ۹۸۸
۵۰۹	اشاره
۵۰۹	ج
۵۰۹	س ۹۸۹
۵۰۹	اشاره
۵۰۹	ج
۵۰۹	س ۹۹۰
۵۰۹	اشاره
۵۰۹	ج
۵۰۹	س ۹۹۱

۵۰۹	اشاره
۵۱۰	ج
۵۱۰	س ۹۹۲
۵۱۰	اشاره
۵۱۰	ج
۵۱۰	س ۹۹۳
۵۱۰	اشاره
۵۱۰	ج
۵۱۰	موسیقی و آلات لهو
۵۱۰	ملاک حرمت موسیقی
۵۱۰	س ۹۹۴
۵۱۰	اشاره
۵۱۱	ج
۵۱۱	س ۹۹۵
۵۱۱	اشاره
۵۱۱	ج
۵۱۱	س ۹۹۶
۵۱۱	اشاره
۵۱۱	ج
۵۱۱	س ۹۹۷
۵۱۱	اشاره
۵۱۲	ج
۵۱۲	س ۹۹۸
۵۱۲	اشاره

۵۱۲	ج
۵۱۲	س ۹۹۹
۵۱۲	اشاره
۵۱۲	ج
۵۱۳	س ۱۰۰۰
۵۱۳	اشاره
۵۱۳	ج
۵۱۳	س ۱۰۰۱
۵۱۳	اشاره
۵۱۳	ج
۵۱۴	حرمت تمام انواع موسیقی
۵۱۴	س ۱۰۰۲
۵۱۴	اشاره
۵۱۴	ج
۵۱۵	س ۱۰۰۳
۵۱۵	اشاره
۵۱۵	ج
۵۱۵	س ۱۰۰۴
۵۱۵	اشاره
۵۱۵	ج
۵۱۵	س ۱۰۰۵
۵۱۵	اشاره
۵۱۵	ج
۵۱۶	س ۱۰۰۶

۵۱۶	اشاره
۵۱۶	ج
۵۱۶	س ۱۰۰۷
۵۱۶	اشاره
۵۱۶	ج
۵۱۶	س ۱۰۰۸
۵۱۶	اشاره
۵۱۶	ج
۵۱۷	س ۱۰۰۹
۵۱۷	اشاره
۵۱۷	ج
۵۱۷	شرکت و حضور در مجلسی که آلات لهو در آن استعمال می‌شود
۵۱۷	س ۱۰۱۰
۵۱۷	اشاره
۵۱۷	ج
۵۱۷	س ۱۰۱۱
۵۱۷	اشاره
۵۱۸	ج
۵۱۸	س ۱۰۱۲
۵۱۸	اشاره
۵۱۸	ج
۵۱۸	س ۱۰۱۳
۵۱۸	اشاره
۵۱۸	ج

۵۱۹	استفاده از آلات لهو در مجلس جشن عروسی
۵۱۹	س ۱۰۱۴
۵۱۹	اشاره
۵۱۹	ج
۵۱۹	س ۱۰۱۵
۵۱۹	اشاره
۵۱۹	ج
۵۱۹	س ۱۰۱۶
۵۱۹	اشاره
۵۲۰	ج
۵۲۰	س ۱۰۱۷
۵۲۰	اشاره
۵۲۰	ج
۵۲۰	س ۱۰۱۸
۵۲۰	اشاره
۵۲۰	ج
۵۲۰	س ۱۰۱۹
۵۲۰	اشاره
۵۲۱	ج
۵۲۱	س ۱۰۲۰
۵۲۱	اشاره
۵۲۱	ج
۵۲۱	رقص
۵۲۱	س ۱۰۲۱

۵۲۱	اشاره
۵۲۱	ج
۵۲۱	س ۱۰۲۲
۵۲۱	اشاره
۵۲۲	ج
۵۲۲	س ۱۰۲۳
۵۲۲	اشاره
۵۲۲	ج
۵۲۲	س ۱۰۲۴
۵۲۲	اشاره
۵۲۲	ج
۵۲۲	س ۱۰۲۵
۵۲۲	اشاره
۵۲۲	ج
۵۲۲	س ۱۰۲۶
۵۲۳	اشاره
۵۲۳	ج
۵۲۳	س ۱۰۲۷
۵۲۳	اشاره
۵۲۳	ج
۵۲۳	س ۱۰۲۸
۵۲۳	اشاره
۵۲۳	ج
۵۲۳	س ۱۰۲۹

۵۲۳	اشاره
۵۲۴	ج
۵۲۴	س ۱۰۳۰
۵۲۴	اشاره
۵۲۴	ج
۵۲۴	س ۱۰۳۱
۵۲۴	اشاره
۵۲۵	ج
۵۲۵	ج
۵۲۵	ج
۵۲۵	ج
۵۲۵	۱
۵۲۵	۲
۵۲۵	۳
۵۲۵	۴
۵۲۶	گفزدن
۵۲۶	س ۱۰۳۲
۵۲۶	اشاره
۵۲۶	ج
۵۲۶	س ۱۰۳۳
۵۲۶	اشاره
۵۲۶	ج
۵۲۶	س ۱۰۳۴
۵۲۶	اشاره

۵۲۶	ج
۵۲۶	شعر
۵۲۶	س ۱۰۳۵
۵۲۶	اشاره
۵۲۷	ج
۵۲۷	قمار
۵۲۷	تعریف قمار و آلات قمار
۵۲۷	س ۱۰۳۶
۵۲۷	اشاره
۵۲۷	ج
۵۲۷	س ۱۰۳۷
۵۲۷	اشاره
۵۲۷	ج
۵۲۷	س ۱۰۳۸
۵۲۷	اشاره
۵۲۸	ج
۵۲۸	س ۱۰۳۹
۵۲۸	اشاره
۵۲۸	ج
۵۲۸	شطرنج، نرد و پاسور
۵۲۸	س ۱۰۴۰
۵۲۸	اشاره
۵۲۸	ج
۵۲۸	س ۱۰۴۱

۵۲۹	اشاره
۵۲۹	ج
۵۲۹	س ۱۰۴۲
۵۲۹	اشاره
۵۲۹	ج
۵۳۰	س ۱۰۴۳
۵۳۰	اشاره
۵۳۰	ج
۵۳۰	س ۱۰۴۴
۵۳۰	اشاره
۵۳۰	ج
۵۳۰	س ۱۰۴۵
۵۳۰	اشاره
۵۳۰	ج
۵۳۱	س ۱۰۴۶
۵۳۱	اشاره
۵۳۱	ج
۵۳۱	جایزه در مسابقات
۵۳۱	س ۱۰۴۷
۵۳۱	اشاره
۵۳۱	ج
۵۳۱	س ۱۰۴۸
۵۳۱	اشاره
۵۳۲	ج

۵۳۲	س ۱۰۴۹
۵۳۲	اشاره
۵۳۲	ج
۵۳۲	س ۱۰۵۰
۵۳۲	اشاره
۵۳۲	ج
۵۳۲	س ۱۰۵۱
۵۳۲	اشاره
۵۳۳	ج
۵۳۳	بازی و سرگرمی
۵۳۳	س ۱۰۵۲
۵۳۳	اشاره
۵۳۳	ج
۵۳۳	س ۱۰۵۳
۵۳۳	اشاره
۵۳۳	ج
۵۳۴	مجسمه‌سازی و نقاشی
۵۳۴	س ۱۰۵۴
۵۳۴	اشاره
۵۳۴	ج
۵۳۴	س ۱۰۵۵
۵۳۴	اشاره
۵۳۴	ج
۵۳۴	س ۱۰۵۶

۵۳۴	اشاره
۵۳۴	ج
۵۳۴	س ۱۰۵۷
۵۳۵	اشاره
۵۳۵	ج
۵۳۵	س ۱۰۵۸
۵۳۵	اشاره
۵۳۵	ج
۵۳۵	س ۱۰۵۹
۵۳۵	اشاره
۵۳۵	ج
۵۳۵	س ۱۰۶۰
۵۳۵	اشاره
۵۳۶	ج
۵۳۶	س ۱۰۶۱
۵۳۶	اشاره
۵۳۶	ج
۵۳۶	س ۱۰۶۲
۵۳۶	اشاره
۵۳۶	ج
۵۳۶	س ۱۰۶۳
۵۳۶	اشاره
۵۳۶	ج
۵۳۶	س ۱۰۶۴

۵۳۶	اشاره
۵۳۷	ج
۵۳۷	س ۱۰۶۵
۵۳۷	اشاره
۵۳۷	ج
۵۳۷	س ۱۰۶۶
۵۳۷	اشاره
۵۳۷	ج
۵۳۸	س ۱۰۶۷
۵۳۸	اشاره
۵۳۸	ج
۵۳۸	س ۱۰۶۸
۵۳۸	اشاره
۵۳۸	ج
۵۳۸	خرید و فروش طلا
۵۳۸	س ۱۰۶۹
۵۳۸	اشاره
۵۳۹	ج
۵۳۹	س ۱۰۷۰
۵۳۹	اشاره
۵۳۹	ج
۵۳۹	س ۱۰۷۱
۵۳۹	اشاره
۵۳۹	ج

۵۳۹	س ۱۰۷۲
۵۳۹	اشاره
۵۴۰	ج
۵۴۰	س ۱۰۷۳
۵۴۰	اشاره
۵۴۰	ج
۵۴۰	س ۱۰۷۴
۵۴۰	اشاره
۵۴۰	ج
۵۴۰	س ۱۰۷۵
۵۴۰	اشاره
۵۴۱	ج
۵۴۱	س ۱۰۷۶
۵۴۱	اشاره
۵۴۱	ج
۵۴۱	س ۱۰۷۷
۵۴۱	اشاره
۵۴۱	ج
۵۴۱	س ۱۰۷۸
۵۴۲	اشاره
۵۴۲	ج
۵۴۲	س ۱۰۷۹
۵۴۲	اشاره
۵۴۲	ج

۵۴۲	س ۱۰۸۰
۵۴۲	اشاره
۵۴۲	ج
۵۴۲	س ۱۰۸۱
۵۴۲	اشاره
۵۴۳	ج
۵۴۳	س ۱۰۸۲
۵۴۳	اشاره
۵۴۳	ج
۵۴۳	س ۱۰۸۳
۵۴۳	اشاره
۵۴۳	ج
۵۴۳	خرید و فروش پول، ارز و چک
۵۴۳	س ۱۰۸۴
۵۴۳	اشاره
۵۴۴	ج
۵۴۴	س ۱۰۸۵
۵۴۴	اشاره
۵۴۴	ج
۵۴۴	س ۱۰۸۶
۵۴۴	اشاره
۵۴۴	ج
۵۴۴	س ۱۰۸۷
۵۴۴	اشاره

۵۴۴	ج
۵۴۴	س ۱۰۸۸
۵۴۴	اشاره
۵۴۵	ج
۵۴۵	س ۱۰۸۹
۵۴۵	اشاره
۵۴۵	ج
۵۴۵	س ۱۰۹۰
۵۴۵	اشاره
۵۴۵	ج
۵۴۶	س ۱۰۹۱
۵۴۶	اشاره
۵۴۶	ج
۵۴۶	س ۱۰۹۲
۵۴۶	اشاره
۵۴۶	ج
۵۴۶	س ۱۰۹۳
۵۴۶	اشاره
۵۴۶	ج
۵۴۶	س ۱۰۹۴
۵۴۷	اشاره
۵۴۷	ج
۵۴۷	س ۱۰۹۵
۵۴۷	اشاره

۵۴۷	ج
۵۴۷	س ۱۰۹۶
۵۴۷	اشاره
۵۴۷	ج
۵۴۸	س ۱۰۹۷
۵۴۸	اشاره
۵۴۸	ج
۵۴۸	س ۱۰۹۸
۵۴۸	اشاره
۵۴۸	ج
۵۴۸	س ۱۰۹۹
۵۴۸	اشاره
۵۴۸	ج
۵۴۹	احکام خبایات
۵۴۹	س ۱۱۰۰
۵۴۹	اشاره
۵۴۹	ج
۵۴۹	س ۱۱۰۱
۵۴۹	اشاره
۵۴۹	ج
۵۴۹	س ۱۱۰۲
۵۴۹	اشاره
۵۴۹	ج
۵۵۰	س ۱۱۰۳

۵۵۰	اشاره
۵۵۰	ج
۵۵۰	س ۱۱۰۴
۵۵۰	اشاره
۵۵۰	ج
۵۵۰	س ۱۱۰۵
۵۵۰	اشاره
۵۵۰	ج
۵۵۰	س ۱۱۰۶
۵۵۰	اشاره
۵۵۱	ج
۵۵۱	خيار غبن
۵۵۱	س ۱۱۰۷
۵۵۱	اشاره
۵۵۱	ج
۵۵۱	س ۱۱۰۸
۵۵۱	اشاره
۵۵۲	ج
۵۵۲	س ۱۱۰۹
۵۵۲	اشاره
۵۵۲	ج
۵۵۲	س ۱۱۱۰
۵۵۲	اشاره
۵۵۲	ج

۵۵۲	خيار عيب
۵۵۳	س ۱۱۱۱
۵۵۳	اشاره
۵۵۳	ج
۵۵۳	س ۱۱۱۲
۵۵۳	اشاره
۵۵۳	ج
۵۵۳	س ۱۱۱۳
۵۵۳	اشاره
۵۵۴	ج
۵۵۴	س ۱۱۱۴
۵۵۴	اشاره
۵۵۴	ج
۵۵۴	س ۱۱۱۵
۵۵۴	اشاره
۵۵۴	ج
۵۵۴	س ۱۱۱۶
۵۵۴	اشاره
۵۵۵	ج
۵۵۵	س ۱۱۱۷
۵۵۵	اشاره
۵۵۵	ج
۵۵۵	س ۱۱۱۸
۵۵۵	اشاره

۵۵۶	ج
۵۵۶	خسارت به هم زدن معامله
۵۵۶	س ۱۱۱۹
۵۵۶	اشاره
۵۵۶	ج
۵۵۶	س ۱۱۲۰
۵۵۶	اشاره
۵۵۶	ج
۵۵۶	س ۱۱۲۱
۵۵۶	اشاره
۵۵۷	ج
۵۵۷	س ۱۱۲۲
۵۵۷	اشاره
۵۵۷	ج
۵۵۷	احکام شرط در بیع
۵۵۷	س ۱۱۲۳
۵۵۷	اشاره
۵۵۸	ج
۵۵۸	س ۱۱۲۴
۵۵۸	اشاره
۵۵۸	ج
۵۵۸	س ۱۱۲۵
۵۵۸	اشاره
۵۵۹	ج

۵۵۹	س ۱۱۲۶
۵۵۹	اشاره
۵۵۹	ج
۵۵۹	س ۱۱۲۷
۵۵۹	اشاره
۵۵۹	ج
۵۵۹	س ۱۱۲۸
۵۵۹	اشاره
۵۶۰	ج
۵۶۰	س ۱۱۲۹
۵۶۰	اشاره
۵۶۰	ج
۵۶۰	س ۱۱۳۰
۵۶۰	اشاره
۵۶۰	ج
۵۶۱	س ۱۱۳۱
۵۶۱	اشاره
۵۶۱	ج
۵۶۱	س ۱۱۳۲
۵۶۱	اشاره
۵۶۱	ج
۵۶۲	س ۱۱۳۳
۵۶۲	اشاره
۵۶۲	ج

۵۶۲	س ۱۱۳۴
۵۶۲	اشاره
۵۶۲	ج
۵۶۲	س ۱۱۳۵
۵۶۲	اشاره
۵۶۲	ج
۵۶۳	نقد و نسیه
۵۶۳	س ۱۱۳۶
۵۶۳	اشاره
۵۶۳	ج
۵۶۳	س ۱۱۳۷
۵۶۳	اشاره
۵۶۳	ج
۵۶۳	س ۱۱۳۸
۵۶۳	اشاره
۵۶۴	ج
۵۶۴	س ۱۱۳۹
۵۶۴	اشاره
۵۶۴	ج
۵۶۴	س ۱۱۴۰
۵۶۴	اشاره
۵۶۴	ج
۵۶۴	س ۱۱۴۱
۵۶۴	اشاره

۵۶۵	ج
۵۶۵	س ۱۱۴۲
۵۶۵	اشاره
۵۶۵	ج
۵۶۵	س ۱۱۴۳
۵۶۵	اشاره
۵۶۶	ج
۵۶۶	س ۱۱۴۴
۵۶۶	اشاره
۵۶۶	ج
۵۶۶	س ۱۱۴۵
۵۶۶	اشاره
۵۶۷	ج
۵۶۷	س ۱۱۴۶
۵۶۷	اشاره
۵۶۷	ج
۵۶۷	س ۱۱۴۷
۵۶۷	اشاره
۵۶۷	ج
۵۶۷	س ۱۱۴۸
۵۶۸	اشاره
۵۶۸	ج
۵۶۸	س ۱۱۴۹
۵۶۸	اشاره

۵۶۸	ج
۵۶۸	بیع به شرط
۵۶۸	س ۱۱۵۰
۵۶۸	اشاره
۵۶۸	ج
۵۶۸	س ۱۱۵۱
۵۶۸	اشاره
۵۶۹	ج
۵۶۹	س ۱۱۵۲
۵۶۹	اشاره
۵۶۹	ج
۵۶۹	س ۱۱۵۳
۵۶۹	اشاره
۵۶۹	ج
۵۷۰	س ۱۱۵۴
۵۷۰	اشاره
۵۷۰	ج
۵۷۰	خرید و فروش و واگذاری اجزاء بدن
۵۷۰	س ۱۱۵۵
۵۷۰	اشاره
۵۷۰	ج
۵۷۰	س ۱۱۵۶
۵۷۰	اشاره
۵۷۰	ج

۵۷۱	س ۱۱۵۷
۵۷۱	اشاره
۵۷۱	ج
۵۷۱	س ۱۱۵۸
۵۷۱	اشاره
۵۷۱	ج
۵۷۱	س ۱۱۵۹
۵۷۱	اشاره
۵۷۱	ج
۵۷۲	سود عادلانه در فروش کالا
۵۷۲	س ۱۱۶۰
۵۷۲	اشاره
۵۷۲	ج
۵۷۲	س ۱۱۶۱
۵۷۲	اشاره
۵۷۲	ج
۵۷۲	س ۱۱۶۲
۵۷۲	اشاره
۵۷۲	ج
۵۷۲	س ۱۱۶۳
۵۷۲	اشاره
۵۷۳	ج
۵۷۳	س ۱۱۶۴
۵۷۳	اشاره

۵۷۳	ج
۵۷۳	س ۱۱۶۵
۵۷۳	اشاره
۵۷۳	ج
۵۷۳	نزاع در خرید و فروش
۵۷۴	س ۱۱۶۶
۵۷۴	اشاره
۵۷۴	ج
۵۷۴	س ۱۱۶۷
۵۷۴	اشاره
۵۷۴	ج
۵۷۴	س ۱۱۶۸
۵۷۴	اشاره
۵۷۵	ج
۵۷۵	س ۱۱۶۹
۵۷۵	اشاره
۵۷۵	ج
۵۷۵	س ۱۱۷۰
۵۷۵	اشاره
۵۷۵	ج
۵۷۵	س ۱۱۷۱
۵۷۶	اشاره
۵۷۶	ج
۵۷۶	س ۱۱۷۲

۵۷۶	اشاره
۵۷۶	ج
۵۷۶	س ۱۱۷۳
۵۷۶	اشاره
۵۷۷	ج
۵۷۷	س ۱۱۷۴
۵۷۷	اشاره
۵۷۷	ج
۵۷۷	س ۱۱۷۵
۵۷۷	اشاره
۵۷۷	ج
۵۷۸	س ۱۱۷۶
۵۷۸	اشاره
۵۷۸	ج
۵۷۸	مسائل متفرقه خریدوفروش
۵۷۸	س ۱۱۷۷
۵۷۸	اشاره
۵۷۸	۱
۵۷۸	اشاره
۵۷۸	ج ۱
۵۷۹	۲
۵۷۹	اشاره
۵۷۹	ج ۲
۵۷۹	۳

۵۷۹ اشاره

۵۷۹ ج ۳

۵۷۹ س ۱۱۷۸

۵۷۹ اشاره

۵۷۹ ج

۵۷۹ س ۱۱۷۹

۵۸۰ اشاره

۵۸۰ ج

۵۸۰ س ۱۱۸۰

۵۸۰ اشاره

۵۸۰ ج

۵۸۰ س ۱۱۸۱

۵۸۰ اشاره

۵۸۰ ج

۵۸۱ س ۱۱۸۲

۵۸۱ اشاره

۵۸۱ ج

۵۸۱ س ۱۱۸۳

۵۸۱ اشاره

۵۸۱ ج

۵۸۱ س ۱۱۸۴

۵۸۱ اشاره

۵۸۲ ج

۵۸۲ س ۱۱۸۵

۵۸۲	اشاره
۵۸۲	ج
۵۸۲	س ۱۱۸۶
۵۸۲	اشاره
۵۸۳	ج
۵۸۳	س ۱۱۸۷
۵۸۳	اشاره
۵۸۳	ج
۵۸۳	س ۱۱۸۸
۵۸۳	اشاره
۵۸۳	ج
۵۸۴	اجاره
۵۸۴	احکام اجاره
۵۸۴	س ۱۱۸۹
۵۸۴	اشاره
۵۸۴	ج
۵۸۴	س ۱۱۹۰
۵۸۴	اشاره
۵۸۴	ج
۵۸۵	س ۱۱۹۱
۵۸۵	اشاره
۵۸۵	ج
۵۸۵	س ۱۱۹۲
۵۸۵	اشاره

۵۸۵	ج
۵۸۵	س ۱۱۹۳
۵۸۵	اشاره
۵۸۶	ج
۵۸۶	س ۱۱۹۴
۵۸۶	اشاره
۵۸۶	ج
۵۸۶	س ۱۱۹۵
۵۸۶	اشاره
۵۸۶	ج
۵۸۶	شرط در اجاره
۵۸۷	س ۱۱۹۶
۵۸۷	اشاره
۵۸۷	ج
۵۸۷	س ۱۱۹۷
۵۸۷	اشاره
۵۸۷	ج
۵۸۷	س ۱۱۹۸
۵۸۷	اشاره
۵۸۷	ج
۵۸۸	س ۱۱۹۹
۵۸۸	اشاره
۵۸۸	ج
۵۸۸	س ۱۲۰۰

۵۸۸	اشاره
۵۸۸	ج
۵۸۹	س ۱۲۰۱
۵۸۹	اشاره
۵۸۹	ج
۵۸۹	س ۱۲۰۲
۵۸۹	اشاره
۵۸۹	ج
۵۸۹	س ۱۲۰۳
۵۹۰	اشاره
۵۹۰	ج
۵۹۰	اجاره طلا
۵۹۰	س ۱۲۰۴
۵۹۰	اشاره
۵۹۰	ج
۵۹۰	رهن و اجاره
۵۹۱	س ۱۲۰۵
۵۹۱	اشاره
۵۹۱	ج
۵۹۱	س ۱۲۰۶
۵۹۱	اشاره
۵۹۱	ج
۵۹۱	س ۱۲۰۷
۵۹۱	اشاره

۵۹۲	ج
۵۹۲	س ۱۲۰۸
۵۹۲	اشاره
۵۹۲	ج
۵۹۲	س ۱۲۰۹
۵۹۲	اشاره
۵۹۲	ج
۵۹۲	وثیقه
۵۹۲	س ۱۲۱۰
۵۹۲	اشاره
۵۹۳	ج
۵۹۳	س ۱۲۱۱
۵۹۳	اشاره
۵۹۳	ج
۵۹۳	س ۱۲۱۲
۵۹۳	اشاره
۵۹۳	ج
۵۹۳	سرقفلی و حق کسب
۵۹۴	س ۱۲۱۳
۵۹۴	اشاره
۵۹۴	ج
۵۹۴	س ۱۲۱۴
۵۹۴	اشاره
۵۹۴	ج

س ۱۲۱۵	۵۹۴
اشاره	۵۹۴
ج	۵۹۴
س ۱۲۱۶	۵۹۴
اشاره	۵۹۴
ج	۵۹۵
س ۱۲۱۷	۵۹۵
اشاره	۵۹۵
ج	۵۹۵
س ۱۲۱۸	۵۹۵
اشاره	۵۹۵
ج	۵۹۵
س ۱۲۱۹	۵۹۵
اشاره	۵۹۵
ج	۵۹۶
س ۱۲۲۰	۵۹۶
اشاره	۵۹۶
ج	۵۹۶
س ۱۲۲۱	۵۹۶
اشاره	۵۹۶
ج	۵۹۶
س ۱۲۲۲	۵۹۶
اشاره	۵۹۶
ج	۵۹۷

۵۹۷	س ۱۲۲۳
۵۹۷	اشاره
۵۹۷	ج
۵۹۷	س ۱۲۲۴
۵۹۷	اشاره
۵۹۷	ج
۵۹۷	س ۱۲۲۵
۵۹۷	اشاره
۵۹۷	ج
۵۹۷	س ۱۲۲۶
۵۹۷	اشاره
۵۹۸	ج
۵۹۸	س ۱۲۲۷
۵۹۸	اشاره
۵۹۸	ج
۵۹۸	خسارت و ضمان
۵۹۸	اشاره
۵۹۸	خسارت حمل و نقل کالا
۵۹۸	س ۱۲۲۸
۵۹۹	اشاره
۵۹۹	ج
۵۹۹	س ۱۲۲۹
۵۹۹	اشاره
۵۹۹	ج

۵۹۹	ضمان قبل از خرید
۵۹۹	س ۱۲۳۰
۵۹۹	اشاره
۵۹۹	ج
۶۰۰	س ۱۲۳۱
۶۰۰	اشاره
۶۰۰	ج
۶۰۰	خسارت حوادث و سوانح
۶۰۰	س ۱۲۳۲
۶۰۰	اشاره
۶۰۰	ج
۶۰۱	س ۱۲۳۳
۶۰۱	اشاره
۶۰۱	ج
۶۰۱	س ۱۲۳۴
۶۰۱	اشاره
۶۰۱	ج
۶۰۱	خسارت اضرار به دیگران
۶۰۱	س ۱۲۳۵
۶۰۱	اشاره
۶۰۲	ج
۶۰۲	س ۱۲۳۶
۶۰۲	اشاره
۶۰۲	ج

س ۱۲۳۷ ۶۰۲

اشاره ۶۰۲

ج ۶۰۲

س ۱۲۳۸ ۶۰۲

اشاره ۶۰۲

ج ۶۰۳

مسائل متفرقه ضمان ۶۰۳

س ۱۲۳۹ ۶۰۳

اشاره ۶۰۳

ج ۶۰۳

س ۱۲۴۰ ۶۰۳

اشاره ۶۰۳

ج ۶۰۳

س ۱۲۴۱ ۶۰۴

اشاره ۶۰۴

ج ۶۰۴

س ۱۲۴۲ ۶۰۴

اشاره ۶۰۴

ج ۶۰۴

س ۱۲۴۳ ۶۰۵

اشاره ۶۰۵

ج ۶۰۵

س ۱۲۴۴ ۶۰۵

اشاره ۶۰۵

ج ۶۰۵

س ۱۲۴۵ ۶۰۵

اشاره ۶۰۵

ج ۶۰۶

س ۱۲۴۶ ۶۰۶

اشاره ۶۰۶

ج ۶۰۶

درباره مرکز ۶۰۷

جامع الاحکام جلد ۱

مشخصات کتاب

- سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۲۹۸ -
 عنوان و نام پدید آور: جامع الاحکام / لطف‌الله صافی گلپایگانی.
 مشخصات نشر: قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی، ۱۳۸ -
 مشخصات ظاهری: ج.
 شابک: دوره ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۶۳-۶؛ ۱۶۰۰۰ ریال: ج. ۱. ۹۶۴-۶۱۹۷-۲۵-۶؛ ۱۶۰۰۰ ریال: ج. ۲. ۹۶۴-۶۱۹۷-۲۵-۶؛ ج. ۲. ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۶۴-۳؛
 یادداشت: فهرست‌نویسی بر اساس جلد دوم، ۱۳۸۵.
 یادداشت: چاپ قبلی: موسسه انتشارات حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها، ۱۴۱۸ق. = ۱۳۷۸.
 یادداشت: چاپ چهارم.
 یادداشت: ج. ۱. (چاپ چهارم: تابستان ۱۳۸۵).
 یادداشت: ج. ۲. (چاپ ۴: ۱۳۹۲) (فیفا).
 موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه
 موضوع: فتوهای شیعه -- قرن ۱۴
 شناسه افزوده: دفتر آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی
 رده بندی کنگره: BP۱۸۳/۹ /ص ۲۴ ج ۲ /۱۳۸۰ی
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۴۲۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۷۲۰۴۷

[مقدمه ناشر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تعالى:

فَسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ* [۱] خدای حکیم انسان را بی‌هدف و رها و بدون برنامه مشخص در زندگی فردی و اجتماعی نیافریده است و با توجه به این نکته که دین برای هر یک از رخدادها و پدیده‌های زندگی فردی و اجتماعی موضع و حکم مشخصی دارد عقل حکم می‌کند که باید موضع دین را در هر یک از آنها بدست آورد.

اما آیا هر کس با هر اندازه پشتوانه علمی و هر مقدار آگاهی از مبانی دین می‌تواند به این مهم نایل آید؟

بنابراین راه بدست آوردن نظرات دین چه در اصول و چه در فروع، مراجعه به منبع قرآن و عترت پیامبر (ص) است، و در زمان غیبت امام معصوم (ع) بنابر آنچه در توقیع شریف آمده است باید به حاملان علوم اهل بیت (ع) و روایات احادیث مراجعه نمود.

«و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة أحاديثنا» [۲]

روش و سیره عقلاء در هر علمی پرسش از دانشمندان و کارشناسان همان علم بوده و هست و این روش در عمل مورد تأیید و امضاء شارع نیز قرار گرفته است.

ارجاع ائمه (ع) پرسش کنندگان را به اصحاب ثقات، نظیر: یونس بن عبد الرحمن، ابان بن تغلب، ابا بصیر و زکریا بن آدم، تثبیت این روش عقلانی است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶

پدیده‌های جدید و مسائل روزافزون به مقتضای آیه شریفه: «فاسئلوا أهل الذکر»، ما را وادار به مراجعه و پرسش از فقهاء و دانشمندان دین شناس برای بدست آوردن موضع دین و شرع می‌نماید.

این روش در عصرهای متمادی جاری بوده و برخی از این سؤال و جوابها در مجموعه‌های نفیسی گردآوری و به زیور طبع مزین گشته است از آن جمله می‌توان: رسائل شریف مرتضی، جامع الشتات میرزای قمی، سؤال و جواب صاحب عروه و ... را نام برد.

بنابراین کتاب «جامع الاحکام» را می‌توان در زمره این آثار بشمار آورد. این کتاب حاوی گزیده‌ای از استفتائاتی است که طی سه سال از نقاط مختلف ایران و سایر کشورهای جهان به محضر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی - دامت برکاته - ارسال گردیده، و تماماً توسط معظم له پاسخ داده شده است، و این مؤسسه به مناسبت میلاد مسعود ولی الله الاعظم امام زمان ارواح العالمین له الفداء آن را به زیور طبع آراسته می‌گرداند.

با در نظر گرفتن کثرت و تنوع سؤالات که در ابواب مختلف فقهی در عبادات و معاملات و مسائل اجتماعی و رشته‌های گوناگون علوم اسلامی مانند: تفسیر، کلام، اصول عقائد، درایه الحدیث و اصول فقه، شده است، این مجموعه نفیس در چهار مجلد حروف چینی و آماده چاپ گردیده است. جلد اول و دوم حاوی سؤال و جواب در زمینه احکام و جلد سوم مشتمل بر سؤالاتی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی و جلد چهارم استفتائات عربی می‌باشد.

در خاتمه از تمام کسانی که در تنظیم این اثر ارزشمند صمیمانه همکاری نموده‌اند تشکر و امید است چاپ این مجموعه مرضی خداوند جلّ و علی و مقبول درگاه ملازمان آستان فرشته پاسبان حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء قرار گیرد.

بمنه و کرمه

نیمه شعبان ۱۴۱۸ ه. ق

مؤسسه انتشارات حضرت معصومه (س)

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷

احکام تقلید

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹

احکام تقلید

وجوب تقلید

س ۱

اشاره

- عمل بدون تقلید آیا مطلقاً باطل است یا بطلانش در صورتی است که مطابق با تقلید صحیح نباشد؟

- عمل بدون تقلید در صورتی محکوم به صحت است که مطابق با فتوای مجتهدی که فعلاً وظیفه تقلید از اوست.

س ۲

اشاره

- مسائلی که انسان غالباً احتیاج دارد باید یاد بگیرد حال مراد از احتیاج احتیاج فعلی است یا شأنی؟

ج

- مقصود اینست که: مسائلی را که مورد ابتلاء می‌باشد که اگر یاد نگیرد در مخالفت تکلیف واقع می‌شود یاد بگیرد. و الله العالم.

س ۳

اشاره

- جوانان مسلمانی که به واسطه گرایش به مسائل روشنفکری تقلید از مجتهدین را قبول ندارند، اعمالشان بدون تقلید چگونه است؟

ج

- عمل بی تقلید محکوم به بطلان است مگر اینکه مطابق با فتوای مجتهدی

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰

که فعلاً وظیفه آنها تقلید از او است باشد و در مورد عبادات با قصد قربت انجام گرفته باشد.

س ۴

اشاره

- این جانب ۲۷ سال سن دارم، طی این دوران از شخص بخصوصی تقلید نکرده‌ام، البته به تمام مسائل طوری عمل کرده‌ام که مطمئنم وظیفه خود را انجام داده‌ام، علت اینکه تا به حال از شخص بخصوصی تقلید نکرده‌ام اینست که معتقدم علما در بسیاری از مسائل توافق نظر دارند و در موارد اختلاف هم باید تحقیق و تفحص کرد که حق با کدامیک است، با این کار تنها به فکر و عقیده یک نفر بخصوص متکی نخواهیم بود.

این طرز فکر از موقعی در من ایجاد شد که داستان پیامبری حضرت ابراهیم را در سوره انعام خواندم، ایشان هر بار پدیده‌ای را خدای خود اعلام می‌کنند و با افول آن می‌گویند این خدای من نمی‌تواند باشد و ... و در نهایت آن افول‌ناپذیر پایدار را به عنوان پروردگار جهان برمی‌گزینند. آیا توجه به همین داستان نمی‌تواند برای ما حجت باشد که ما به جای تقلید از علمای مختلف، در زمانهای مختلف (در صورت فوت آنها) دستورات نزدیک به یقین آنها را الگوی عمل قرار دهیم؟

ج

- علماء همچنانکه در بسیاری از مسائل فرعی اتفاق نظر دارند در بعضی از مسائل نیز اختلاف نظر دارند بنابراین، روش مذکور، مبرئ ذمه نیست و داستان حضرت ابراهیم علیه السلام ربطی به مسأله تقلید ندارد بلکه مربوط به اصول دین است که بر هر فردی لازم است که به آن معتقد شود، علاوه بر اینکه آن حضرت برای الزام بت پرستان و بطلان عقیده آنها از این طریق وارد شد تا کاملاً فساد عقیده آنها را ثابت نماید نه اینکه خودش ابتداءً به چیزی معتقد بود و بعد به چیز دیگر، و شما با این روش حکم خدا را نمی‌توانید بطور یقین - که برای شما عند الله حجت باشد - بدست آورید و بهر حال وظیفه در مسائل مورد اختلاف تقلید از مجتهد اعلم زنده است. و الله العالم.

س ۵

اشاره

- آیا تقلید از مجتهد جامع الشرائط می‌بایست با اجازه وی باشد؟

ج

- اجازه لازم نیست. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱

تقلید از مجتهد

س ۶

اشاره

- تقلید از کدامیک صحیح است: اعلم عادل یا عدل عالم؟

ج

- اعلم عادل مقدم است.

س ۷

اشاره

- اگر کسی بزرگ خانه‌ای باشد و از مرجعی تقلید کند آیا میتواند اهل خویش را هم تکلیف نماید که از او تبعیت نموده و از مرجع منتخب او تقلید نمایند؟

ج

- هر کس در مسأله تقلید باید بتکلیف شرعی خود عمل کند و اجبار دیگران به تقلید صحیح نیست.

س ۸

اشاره

- کسانی که تازه بالغ میشوند و علی‌رغم تحقیق و بررسی و سؤال از اهل خبره، به نتیجه مشخصی نمی‌رسند تکلیف چنین افرادی چیست؟

ج

- اگر اعلمیت یکی از فقهاء برای چنین اشخاصی محرز نشده باشد و نیز هیچ‌یک محتمل الاعلمیه هم نباشند مخیرند از هر کسی که واجد شرائط تقلید باشد تقلید کنند.

س ۹

اشاره

- اگر در صورت تقلید از مرجعی معلوم گردد که مرجع دیگر اعلم است می‌توان به او رجوع کرد یا خیر؟

ج

- در صورت مفروضه بنابر احتیاط واجب در مسائل اختلافی به اعلم رجوع نماید.

س ۱۰

اشاره

- اگر مرجعی که شخصی از وی تقلید می‌کند فوت نماید این مرجع در زمان حیات خود تصریح به اجتهاد و عدالت فردی نموده آیا این تصریح ملزم مقلد او می‌باشد که از ایشان تقلید نماید؟

ج

- این تصریح بیش از شهادت بر اجتهاد نیست و موجب الزام شرعی مقلد او بر تقلید چنین فردی نیست چنانکه شهادت بر اعلمیت او هم نیست بلی اگر از قول مرجعی که داشته علم به اجتهاد یا اعلمیت شخصی پیدا کند آن علم حجت است به هر حال اجتهاد و اعلمیت به علم یا بینه غیر معارض و یا شیاع بشرحی که در رسائل عملیه است ثابت می‌شود. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲

س ۱۱

اشاره

- کسانی که بعد از بلوغ بدون موازین مقرر در انتخاب مرجع اعلم، از کسی تقلید نموده‌اند اکنون چه وظیفه‌ای دارند؟

ج

- در فرض سؤال فعلاً، باید از اهل خبره تحقیق کنند پس اگر اعلمیت یکی از مجتهدین حیّ برای آنها ثابت شد و یا احتمال اعلمیت یکی از آنها را معیناً بدهند باید از معلوم الاعلمیه یا محتمل الاعلمیه تقلید کنند و اگر نه علم به اعلمیت و نه احتمال آن هیچ‌یک نبود مخیرند در تقلید از هر یک از آنها.

س ۱۲**اشاره**

- اگر شخصی از مجتهدی تقلید می‌کند که برای مسائل شرعی و ارسال حقوق دسترسی بوی ندارد می‌تواند به مجتهدی که در سطح اوست و دسترسی بوی دارد عدول نماید؟

ج

- چنانچه تقلید محقق شده باشد عدول به مساوی اشکال دارد.

تبعیض در تقلید**س ۱۳****اشاره**

- اگر چند عالم زنده در یک سطح باشند (از نظر شخص مقلد پس از تحقیق) آیا شخص می‌تواند مسائلی را از یکی و مسائل دیگر را از دیگری و مسائل سومی را نیز از سومی تقلید کند؟

ج

- مانعی ندارد.

س ۱۴**اشاره**

- در فرض عدم تشخیص اعلم تبعیض در تقلید از مجتهدین جامع الشرائط بنحوی که ساده‌ترین فتوا را انتخاب نماید جایز است یا

خیر؟

ج

- در فرض سؤال تقلید و انتخاب فتوای سهل در بین فتاوی بلا اشکال است. البته بعد از انتخاب و عمل به آن دیگر نمی‌تواند در آن مسأله از دیگری خلاف آن را تقلید کند مگر اینکه اعلم باشد. یا فتوای او موافق با احتیاط باشد و الله العالم.

س ۱۵

اشاره

- اگر مجتهدین در فقهات مساوی باشند و به فتوی همه ایشان بقاء بر تقلید میت جایز باشد آیا بنده می‌توانم در مسائل احتیاطی رجوع به چند نفر از این آقایان بکنم. مثلاً در یک مسأله به یکی از ایشان و در مسأله دیگر به دیگری رجوع کنم؟

ج

- اتفاق فتوای ایشان مجوز بقاء بر تقلید میت است نه تبعیض در تقلید، جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳
که در صورت تساوی آنها در فقهات، بشرط عدم علم اجمالی بمخالفت واقع، جایز است.

س ۱۶

اشاره

- آیا یک نفر می‌تواند از دو مجتهد تقلید کند مثلاً در مسائل حج از یک مجتهد و در بقیه مسائل از مجتهدی دیگری؟

ج

- اگر دو مجتهد اعلم از دیگران و مساوی با یکدیگرند مانع ندارد. و الله العالم.

س ۱۷

اشاره

- آیا می‌شود بعضی از مسائل را از مرجع قبلی تقلید نمود؟

ج

- اگر از مجتهد میت رجوع به مجتهد حی نکرده باشد میتواند در بعض مسائل به تقلید میت باقی بماند و در بعض دیگر رجوع به

مجتهد زنده نماید. بلی اگر مجتهد میت اعلم از مجتهد زنده باشد احتیاط در تمام مسائل بقاء بر تقلید میت است. و الله العالم.

عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر

س ۱۸

اشاره

- آیا از مجتهدی می‌توان به مجتهد مساوی او عدول نمود؟

ج

- احوط در خصوص مسائلی که یاد گرفته ترک عدول به مساوی است.

س ۱۹

اشاره

- قبلاً مقلد مرجعی بوده و حال مقلد دیگری است. مورد ابتلا را در رساله مرجع دوم نیافته است آیا می‌تواند فقط همان مسأله‌ای را که یافت نشده به مرجع اولی رجوع و بعد از تقلید آن مسائل باز به دومی برگردد (هر دو مرجع زنده می‌باشند)؟

ج

- اگر مرجع اولی اعلم است بنا بر احتیاط واجب نمیتواند و لو در یک مسأله مقلد غیر اعلم باشد مگر در مسائل احتیاطی که میتواند احتیاط نکند و مراجعه به فالاعلم کند و اگر هر دو مجتهد مساوی هستند مخیر است از هر کدام تقلید کند یا در بعضی از یکی و در بعضی از دیگری، لکن در مسائلی که بر طبق تقلید یکی عمل کرده یا ملتزم به عمل شده هر چند عمل نکرده باشد بنا بر احتیاط نمیتواند در آن مسائل، از دیگری که مساوی با اوست تقلید کند. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴

بقا بر تقلید میت

س ۲۰

اشاره

- بقاء بر تقلید میت جائز است یا خیر؟

ج

- در مسائلی که بفتوای مجتهدی که در حال حیاتش عمل کرده یا یاد گرفته بقصد عمل اگر در آن مسائل بعد از مردن مجتهد بفتوای مجتهد زنده رفتار نکرده باشد می‌تواند باقی بماند بلکه جواز بقاء بر تقلید میت در سائر مسائل هم بعید نیست ولی اگر مجتهد میتی که از او تقلید می‌کرده اعلم از حی باشد بنا بر احتیاط واجب باید بر تقلید او باقی بماند.

س ۲۱

اشاره

- اینکه فرموده‌اید اگر مجتهد سابق اعلم بوده بقاء بر تقلید واجب است آیا میزان علم فعلی به اعلمیت است گرچه در زمان حیات او را اعلم نمی‌دانسته است؟

ج

- میزان این سکه فعلاً میت را اعلم از حی بدانند و بقاء بنا بر احتیاط واجب است.

س ۲۲

اشاره

- در توضیح المسائل فرموده‌اید احوط بقاء بر تقلید اعلم متوفی است آیا راهی برای عدم بقاء هست؟

ج

- اگر علم به اعلمیت میت داشته باشد می‌تواند با رجوع به مجتهدی که این احتیاط را ندارد از مجتهد مورد نظر که او را جائز التقلید می‌داند تقلید نماید. و الله العالم.

س ۲۳

اشاره

- آیا در بقاء بر تقلید میت رجوع به حی اعلم لازم است؟ در فرض لزوم آیا در صورتی که بقاء مورد اتفاق فقهاء عصر باشد نیز رجوع به حی اعلم لازم است؟

ج

- لازم است به حی اعلم مراجعه شود. بلی چنانچه همه فقهاء در خصوص مسأله و حدود و خصوصیات آن نظر متفق داشته باشند رجوع به حی اعلم در این مورد لازم نیست. و الله العالم.

س ۲۴

اشاره

- اگر ده نفر از فقهاء وقت به جواز بقاء فتوی بدهند آیا می‌تواند به فتوی آن ده نفر بدون تعیین، بر تقلید باقی بماند یا خیر؟

ج

- اگر اعلیّت در آنها محصور باشد و همه بدون قید و شرط به جواز بقاء فتوی داشته باشند بدون تعیین کافی است
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵

س ۲۵**اشاره**

- اگر مجتهد متوفی در مسأله‌ای احتیاط واجب داشته باشد آیا وجوب یا جواز بقاء بر تقلید شامل آن میشود یا اختصاص به فتوا دارد؟

ج

- مسأله بقاء بر تقلید شامل موارد احتیاط وجوبی نمی‌شود.

س ۲۶**اشاره**

- اگر شخصی مجتهدش فوت نماید و در مسأله بقاء بر تقلید از میت به مجتهد زنده رجوع نماید و مجتهد زنده نیز پس از چندی فوت نماید، حال بنا بر بقاء باید از کدام میت تقلید کند؟

ج

- در فرض سؤال با تقلید از حی می‌تواند به تقلید مجتهد اول باقی بماند و بقاء بر تقلید مجتهد دوم که در مسأله بقاء از او تقلید کرده در صورتی مفهوم دارد که نظر او در این مسأله از نظر مجتهد حی اوسع باشد بلی اگر بعد از مجتهد اول در بعض مسائل از مجتهد دوم تقلید کرده و مجتهد دوم از اول اعلم یا مساوی با او بوده در آن مسائل به تقلید او باقی بماند و در مسأله فروع دیگری نیز هست که چون زیاد مورد ابتلاء نیست به همین مقدار اکتفاء شد.

س ۲۷**اشاره**

- در عروه در بحث تقلید مسأله یک: اذا اقلد مجتهداً ثم مات فقلد غيره ثم مات فقلد من يقول بوجوب البقاء على تقلید المیت او جوازه فهل یبقی علی تقلید المجتهد الاول او الثاني؟ الاظهر الثاني و الأحوط مراعات الاحتیاط بنده اینطور می فهمم اگر تقلید کردیم از مجتهدی مثل مرحوم آیت الله العظمی خوئی و ایشان فوت شدند پس از ایشان تقلید مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی نمودیم ایشان هم فوت شدند پس از ایشان از مجتهد زنده‌ای تقلید کردیم که قائل به وجوب بقاء یا جواز بقاء است بر تقلید مجتهد اول باقی باشیم یا بر فتوای مجتهد دوم نظر صاحب عروه این است که می فرماید الاظهر الثاني یعنی فتوا می دهند که بر تقلید مجتهد دوم (که آیت الله العظمی گلپایگانی است) باقی باشید البته احتیاط مستحب مراعات احتیاط است خواهشمندم فتوای خود را در این مسأله بیان فرمائید و اگر کسی تا بحال از اول تکلیفش از ۶ مجتهد تقلید کرده و فعلاً به حضرت تعالی رجوع کرده باقی بر مجتهد چندم باشد؟

ج

- حقیر اگر میت اعلم از حی باشد بقاء را بنا بر احتیاط لازم می دانم بنابراین اگر آخرین مجتهدی که از او تقلید می کرده اعلم از سابقین بر او و از حی بوده بقاء بر تقلید او بی اشکال است و اگر مجتهد قبل از او اعلم بوده و مجتهد بعد اعلم از حی بوده جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۶

در فتوای این دو مجتهد عمل به احتیاط نماید این در صورتی است که مجتهد حی بقاء را به تفصیل مذکور احتیاطاً لازم بداند ولی اگر جزماً واجب بداند باید به تقلید هر کدام که اعلم است باقی بماند و اگر مجتهد حی بقا را جایز می داند ظاهر این است که اگر بخواهد باقی بماند به تقلید آخری باقی بماند و در صورت اول و همچنین دوم فروع دیگر نیز هست که مجال تفصیلش نیست.

س ۲۸

اشاره

- کسانی که در حال تمیز قبل از بلوغ از مجتهدی تقلید کرده‌اند بهر دلیل و پس از رحلت مرجعشان بالغ شده‌اند می توانند باقی به تقلید او باشند و اصالة الصّحة درباره طفل جاری است یا خیر؟

ج

- در صورت علم به اینکه تقلید او در حال تمیز و قبل از بلوغ، از آن مجتهد صحیح بوده جواز بقاء بر آن تقلید بعید نیست. و لکن اصالة الصّحة نسبت به عمل قبل از بلوغ خواه تقلید باشد یا عمل دیگر جاری نیست.

س ۲۹

اشاره

- شخصی پس از رسیدن به سنّ تکلیف، در میان دو مرجع تقلید (زید و عمرو)، زید را اعلم تشخیص داده و از وی تقلید نموده، ولی پس از فوت هر دو مرجع تقلید به این نتیجه رسیده که تشخیص وی در آن زمان صحیح نبوده و عمرو اعلم بوده است، مستدعی است بفرمائید بر فرض وجوب تقلید از مجتهد میت اعلم، تقلید از زید واجب است یا تقلید از عمرو (در صورتی که مقلد

در زمان حیات عمرو، از زید تقلید نموده است؟

ج

- در فرض سؤال بمجتهد حی رجوع نماید و طبق نظر حی عمل نماید.

س ۳۰

اشاره

- بعد از فوت مرجع تقلید مدتی فاصله شده تا اینکه رجوع کردم به مجتهد حی و عملم را طبق رساله اولی انجام دادم آیا به تکلیف خود عمل کرده‌ام یا خیر؟

ج

- اگر فقط در مسأله جواز بقاء به مجتهد حی رجوع کرده‌اید نسبت به اعمالی که طبق فتوای مجتهد اول انجام داده‌اید به وظیفه عمل نموده‌اید.

س ۳۱

اشاره

- این جانب مقلد حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی - رحمه الله علیه - هستم با توجه به اینکه می‌بایست در مسأله بقاء بر تقلید بنابر نظر مرجع اعلم زمان عمل شود و با وجود مقداری تفحص هنوز نتوانسته‌ام به اعلمیت کسی جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷ یقین پیدا نمایم خواهشمندم تکلیف شرعی حقیر را بیان فرمائید؟

ج

- در فرض مذکور چنانچه همه آقایانی که طرف شبهه اعلمیت هستند بقاء بر تقلید میت را جایز بدانند بقاء بر تقلید حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره الشریف جایز است.

س ۳۲

اشاره

- استفتائات جدید که از مراجع تقلید سؤال شده و جواب کتباً با مهر داده شده در صورتی که در رساله‌ها و استفتائات امام خمینی نباشد و مورد ابتلاء و نیاز مقلدین ایشان باشد می‌توانند عمل نمایند؟

ج

- در اینگونه مسائل باید با رعایت مسائل تقلید به فتوای مجتهد حی جائر التقلید عمل نمایند. و الله العالم.

س ۳۳

اشاره

- در مسائلی که حضرت آیت الله گلپایگانی احتیاط می کردند بنده رجوع به حضرت آیت الله اراکی می کردم حال در این زمان هر دو به رحمت ایزدی پیوسته‌اند چه باید کرد؟

ج

- در مسائلی که به مرحوم آیت الله آقای اراکی قدس سره رجوع نموده‌اید می توانید به تقلید ایشان باقی بمانید.

س ۳۴

اشاره

- اگر کسی از مجتهدی تقلید می کرده ایشان فوت می کنند بفتوای مجتهدی دیگر باقی میماند بر مجتهد اول بعداً او هم فوت کرده اکنون بفتوای حضرت تعالی می خواهند باقی باشد آیا بفتوای مجتهد اول باقی باشد یا به فتوای مجتهد دوم و نیز کسی از مجتهدی تقلید می کرده‌اند از دنیا رفته و تا بحال به ۴ مجتهد رجوع کرده اکنون بفتوای حضرت تعالی باقی بر مجتهد اول باشد یا چهارم؟

ج

- در فرض سؤال که بفتوای مجتهد دوم بفتوای مجتهد اول باقی مانده است در غیر مسأله بقا می تواند به تقلید مجتهد اول باشد و اگر اعلم از حی باشد احتیاط بقا بر تقلید او است و بر فرض دوم هم اگر بفتوای مجتهد دوم و سوم و چهارم باقی بر فتوای مجتهد اول بوده حکم همان است که در فرض اول بیان شد و اگر از هر یک از آنها به مجتهد بعد عدول کرده است فعلاً اگر بخواهد باقی بماند باید به تقلید مجتهد چهارم باقی بماند و در صورتی که در بین سه نفر اول یک نفر اعلم باشد در هر مسأله‌ای که فتوای او موافق با احتیاط باشد بنا بر احتیاط به فتوای او عمل نماید. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸

س ۳۵

اشاره

- این جانب از ابتداء مکلف شدن مقلد حضرت آیه الله گلپایگانی قدس الله نفسه الزکیه بودم بعد از رحلت آن بزرگوار نیت نمودم که از حضرت آیه الله اراکی رضوان الله تعالی علیه تقلید نمایم و بیش از یک مسأله از فتاوی آن مرجع که آن هم نماز

جمعه می‌باشد عمل ننموده‌ام و در رساله حضرت آیه الله بقاء بر میت را جایز مرقوم فرموده‌اید آیا ممکن است که این یک مسأله را از مرحوم آیه الله اراکی و بقیه مسائل شرعیّه را کما فی السابق از مرجع تقلید قبلی آیه الله گلپایگانی تقلید نمایم یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال در غیر مسأله نماز جمعه بقاء بر تقلید مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی مانعی ندارد و همچنین در مسأله نماز جمعه بقاء بر تقلید مرحوم آیه الله العظمی اراکی اشکالی ندارد.

س ۳۶

اشاره

- اگر شخصی از مجتهدی که تخمیس مؤونه را بعد از خروج از حاجت مطلقاً یا در صورت فروش واجب بداند تقلید کرده و بعد از فوت او به مجتهدی عدول نموده که این تخمیس را واجب نمی‌دانسته حال پس از فوت مجتهد دوم به فرض این که مجتهد اول از دوم اعلم بوده یا با شک در اعلمیت او از دوم بنا بر این که بقاء بر تقلید میت با اعلمیت میت از حی را احتیاطاً لازم می‌دانید تکلیفش نسبت به تخمیس این مورد چیست؟

ج

- اگر علم به اعلمیت مجتهد اول از دوم و از مجتهد حی دارد احتیاط تخمیس مال مذکور است و با شک در اعلمیت اول از دوم و سوم و اعلمیت دوم از سوم تخمیس واجب نیست.

س ۳۷

اشاره

- فردی از مجتهدی تقلید می‌کرده و پس از رحلت ایشان در مسأله بقاء بر تقلید میت به مجتهد حی رجوع کرده و در بقیه مسائل به فتوای مجتهد اول باقی مانده اکنون که مجتهد دوم هم رحلت نموده آیا چنین فردی می‌تواند در مسأله «کثیرالسفر» به فتوای مجتهد دوم عمل کند و در بقیه مسائل به تقلید مجتهد اول باقی باشد یا خیر؟

ج

- اگر فقط در مسأله بقاء، به مرجع بعدی رجوع کرده رجوع به او در سایر مسائل جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹
بعد از فوت او مجزی نیست و باید در مسأله بقاء بر تقلید از مجتهد اول، به مجتهد حی رجوع کند.

س ۳۸

اشاره

- کسانی که با اجازه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی بر فتاوی مرحوم آیت الله العظمی آقای خمینی (ره) باقی مانده‌اند و بعد با اجازه مرحوم آیت الله العظمی اراکی آن بقاء را ادامه داده‌اند الان چه تکلیفی دارند؟

ج

- به نظر حقیر فعلاً هم بقاء بر تقلید مرحوم آیت الله العظمی آقای خمینی (ره) جایز است.

س ۳۹

اشاره

- شخصی مقلد حضرت امام بوده بعد از آیت الله خوئی و سپس از آیت الله گلپایگانی و بعد از آیت الله اراکی - رضوان الله تعالی علیهم - تقلید نموده با توجه به این که هر یک از آقایان بقاء بر تقلید میت را جایز می‌دانستند بر تقلید از مجتهد قبلی باقی مانده در حال حاضر تکلیف او چیست؟ آیا می‌تواند به فتوای همه آنها عمل کند؟

ج

- اگر فقط در مسأله بقاء از سه مجتهد بعدی تقلید کرده نمی‌تواند از این سه مجتهد تقلید کند.

س ۴۰

اشاره

- شخصی مقلد مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (رضوان الله تعالی علیه) بوده بعد رجوع کرده به حضرت آیت الله العظمی اراکی (رض) و بعد از ایشان رجوع بحضرت عالی کرده خلاصه باقی بر تقلید می‌باشد سؤال این است که باقی بر تقلید کدام از این دو بزرگوار باشد؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه شخص مذکور بعد از درگذشت مرحوم آیه الله گلپایگانی، در مسأله بقاء بر تقلید میت رجوع به مرحوم آیه الله اراکی نموده بعد از درگذشت آیه الله اراکی چنانچه به حقیر رجوع نموده می‌تواند باقی بر تقلید از مرحوم آیه الله گلپایگانی باشد بلی اگر بعد از مرحوم آقای گلپایگانی مقلد آقای اراکی شده و باقی بر تقلید آقای گلپایگانی نمانده می‌تواند باقی بر تقلید آقای اراکی باشد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰

س ۴۱

اشاره

- کسانی که فرضاً از آیه الله العظمی خوئی تقلید می‌کرده‌اند یا از حضرت امام و پس از رحلت مرجعشان مسأله بقاء را از آیه الله العظمی گلپایگانی تقلید کرده‌اند با مسائل جدید، یا تنها در مسأله بقاء، در صورتی که بقاء بر تقلید واجب یا جایز باشد به کدام یک از مراجع قبلی باقی باشد به اولی یا دومی و در صورت بیش از دو نفر چه کند؟

ج

- در فرض سؤال می‌تواند به اولی باقی باشد مگر در مسائلی که به دومی رجوع کرده بوده.

س ۴۲

اشاره

- یکی از دوستانم مقلد آیه الله گلپایگانی بوده است و بعد از فوت ایشان به آیت الله اراکی رجوع کرده‌اند (در کل مسائل) آیا می‌توانند به شما در کل مسائل رجوع کنند؟

ج

- اگر مرجع تقلید سابق را اعلم بدانند احتیاط واجب باقی ماندن بر تقلید او است و اگر مرجع زنده را اعلم بدانند رجوع به او واجب است و اگر مساوی بدانند در بقاء و عدم بقاء مختار است.

س ۴۳

اشاره

- شخصی مقلد مرحوم آیت الله بروجردی (رض) بوده پس از فوت ایشان به مرحوم آیت الله شاهرودی (رض) رجوع نموده و چون بقاء بر تقلید را آن مرحوم جایز نمی‌دانسته به مرحوم آیت الله خوئی (رض) رجوع کرده پس از رحلت آن مرحوم مدتی بقاء بر تقلید و سپس به مرحوم آیت الله گلپایگانی (رض) مراجعه نموده است. اکنون متوجه شده که باید در مسأله بقاء بر تقلید میت مراجعه بحی نموده و با فرض اینکه مجتهد حی بقاء را جایز می‌داند بفرماید تقلید وی از آیت الله بروجردی (رض) تا کنون چه حکمی دارد و در آینده وظیفه او چیست و می‌تواند باقی بر تقلید حضرت آیت الله گلپایگانی بماند یا خیر؟

ج

- در صورتی که فقط در مسأله بقاء به مرحوم آیه الله العظمی خوئی و آیه الله العظمی گلپایگانی (رض) مراجعه کرده‌اید فعلاً هم بقاء بر تقلید مرحوم آیت الله العظمی بروجردی مانعی ندارد و چنانچه در همه مسائل به مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (رض) رجوع کرده‌اید فعلاً بقاء بر ایشان مانعی ندارد. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱

مسائل متفرقه تقلید

س ۴۴

اشاره

- آیا برای مراجع تقلید شرایطی علاوه بر آنچه که در رساله‌های عملیه قید شده است از جمله موافقت و همراهی با اساس نظام جمهوری اسلامی لازم است یا خیر؟

ج

- اساس جمهوری اسلامی حاکمیت احکام اسلام است و این معنایی نیست که شخص مسلمان با آن موافقت نداشته باشد و انتظار همه همین است که احکام اسلام حاکمیت پیدا کند و شرائط مجتهد جامع الشرائط و مرجع تقلید همان است که در رساله‌های عملیه مذکور است. و الله العالم.

س ۴۵

اشاره

- کسانی که باقی بفتوای مجتهد میت هستند جوازاً یا وجوباً در مسأله پرداخت سهم سادات که به فتوای میت مانند سهم امام علیه السلام اجازه مرجع تقلید لازم داشته می‌توانند این مسأله را بفتوای مرجع حی عمل کنند؟

ج

- در فرض مذکور با بقاء بر تقلید میت که اجازه مجتهد یا مرجع تقلید را لازم میدانسته فعلاً باید با اجازه مجتهد یا مرجعی که به او در مسأله بقاء رجوع کرده سهم سادات عظام را پردازد.

س ۴۶

اشاره

- در رساله فرموده‌اید کسی که وصیت می‌کند لازم نیست بالغ باشد حتی ده سال داشته باشد کافی است حال این ده ساله در مسأله اختلافی به فتوای کدام مجتهد عمل کند با اینکه بالغ نشده و تقلید بر او واجب نیست؟

ج

- در نفوذ وصیت طفل ده ساله تقلید او از مجتهد شرط نیست بلی وصی و وارث او در این مسأله طبق فتوای مجتهدی که از او تقلید می‌نمایند عمل می‌کنند و الله العالم.

س ۴۷

اشاره

- نظر حضرت تعالی درباره ولایت فقیه چیست؟

ج

- به نظر حقیر ولایت فقیه جامع الشرائط در زمان غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فی الجمله ثابت و مسلم است و تفصیل آن در رساله «ولایة الفقهاء فی عصر الغیبة» بیان گردید. و الله العالم.

س ۴۸

اشاره

- فرق بین حکم و فتوی چیست؟

ج

- فتوی عبارت از بیان حکم کلی است که مجتهد آن را از کتاب و سنت جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲ استفاده کرده ولی حکم انشاء و دستوری است در موضوع خاص جزئی که مجتهد جامع الشرائط صادر می کند. و الله العالم.

س ۴۹

اشاره

- حکم حاکم را تا چه حد نافذ می دانید؟

ج

- حکم مجتهد جامع الشرائط نافذ است و بر همه عمل بآن لازم است مگر آنکه کسی اشتباه و خطای او را در مبانی حکم بداند و بطور کلی نفوذ حکم او در مواردی است که اگر مکلف خودش هم عالم بآن شود، مکلف بعمل بمضمون آن حکم می باشد.

س ۵۰

اشاره

- نظر شما در مورد حد اطاعت از مرجع تقلید چیست؟

ج

- فتاوی مرجع تقلید برای مقلد واجب العمل است و اگر در موردی حکم کند آن هم واجب العمل است.

س ۵۱

اشاره

- عمل به استفتای یک مجتهد آیا تنها برای مقلدینش عمل بوظیفه است یا سایرین هم می‌توانند به استناد استفتای او عمل کنند؟

ج

- فقط برای مقلدین خود آن مجتهد حجت است.

س ۵۲

اشاره

- برای شخص محتاط آیا داخل کردن فتاوی فقهاء گذشته هم لازم است؟

ج

- بلی برای رعایت احتیاط کامل باید فتاوی علماء جامع الشرائط تقلید در گذشته نیز ملاحظه شود. و الله العالم.
جامع الاحكام، ج ۱، ص: ۲۳

احكام طهارت

اشاره

جامع الاحكام، ج ۱، ص: ۲۵
طهارت

اسامی متبرکه

س ۵۳

اشاره

- آیا در کلماتی مثل «بسمه تعالی» یا «هو» و یا کلمات فارسی مانند «خدا» و غیره، اجتناب از دست زدن بدون وضو به آن لازم است و حکم اسماء جلاله را دارد یا خیر؟

ج

- مسّ نام خداوند متعال بهر لغتی که باشد بدون طهارت از حدث جائز نیست و نسبت به ضمیری که به خداوند برمی گردد نیز احتیاط ترک است.

س ۵۴

اشاره

- آیه و یا کلمه ای از قرآن مثل الله نوشته شد و بقصد قرآنیت هم نوشته شده بعد طوری الله قیچی شده فقط که یک سوم از الف الله مانده اگر به این یک سوم از الف بدون وضو دست زده شود حرامست یا نه و اصلاً قیچی کردن بدون قصد بی احترامی چه صورت دارد و اگر الله را بقصد ننویسد حکم بالا را دارد یا نه؟

ج

- در مورد سؤال بدون وضوء احتیاط در ترک مسح حروف باقی مانده است

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶

و قیچی کردن اگر صدق اهانت کند اشکال دارد و کلمه الله بقصد قرآنیت نوشته شود یا غیر قرآنیت حکمش یکی است. و الله العالم.

س ۵۵

اشاره

- اگر قرآن نجس شود و بدانیم در صورت آب کشیدن خراب می شود چه باید کرد؟

ج

- باید آن را آب کشید اگر چه موجب محو کلمات آن شود. و الله العالم.

س ۵۶

اشاره

- چند ورق قرآن و اسم الله ریخته شده در یک ظرف آب و جوهر قرآن نوشته شده در آب ظرف حل شده آیا دست زدن بدون وضو به آب ظرف حرام است یا نه و آیا نوشتن «الله» روی دست شخص بدون وضوء جایز است؟

ج

- دست بی‌وضو زدن به آن آب اشکال ندارد و ولی نوشتن کلمه الله به بدن شخص بی‌وضو اشکال دارد. و الله العالم.

س ۵۷

اشاره

- آیا قرآنی که قابل استفاده نیست و کهنه شده را می‌توانیم دفن کنیم یا بسوزانیم؟

ج

- در محل پاکی که معرض هتک نباشد دفن کنند و سوزاندن آن حرام است.

س ۵۸

اشاره

- لفظ جلاله الله یا آیه قرآن روی سنگ‌های قبر نوشته شده عابر هم روی آنها قدم می‌گذارد اجازه می‌دهید آنها را بدون اجازه صاحب آنها که دست رسی به آنها ممکن نیست محو نمائیم؟

ج

- اگر معرض اهانت باشد و دسترسی به صاحبان قبور نباشد پاک کردن آنها واجب است.

س ۵۹

اشاره

- آیا حکاکی آیات کلام الله مجید بر روی سنگهای مزار جایز است یا خیر؟

ج

- در صورتی که سنگ مزار در معرض زیر پا قرار گرفتن و توهین باشد نباید آیات قرآنی و اسم جلاله و اسامی مقدسه بر آن حک شود. و الله العالم.

س ۶۰

اشاره

۱- اگر در آیه حکاکی شده کلمه مبارک الله را حذف و یا پاک کنند کفایت می‌کند یا باید همه آیه حذف شود؟

ج

- پاک کردن اسم جلاله اثری در حکم بقیه آیه ندارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷

س ۶۱

اشاره

- در صورتی که باید کلمه مبارکه الله و یا همه کلمات آیه پاک شود این امر بر عهده چه کسی است؟

ج

- پا گذاشتن و توهین بر آن نوشته‌ها حرام است و پاک کردن آنها بر هر کسی که متمکن باشد لازم است. و الله العالم.

س ۶۲

اشاره

- آیا مسئولین گورستان می‌توانند از حکاکی آیات مبارک کلام الله جلوگیری نموده و یا آنهایی را که قبلاً حک شده پاک کنند؟

ج

- لازم است مسئولین گورستان به اشخاص تذکر دهند که اسامی مقدسه و آیات قرآنی را در سنگهایی که ممکن است زیر پا واقع شوند ننویسند. و الله العالم.

س ۶۳

اشاره

- آیه قرآن مانند بسم الله الرحمن الرحیم را آهن بری کرده‌اند سایه آیه بر زمین یا دیوار نمودار است دست زدن بدون وضو به سایه آیه چه صورت دارد؟

ج

- اشکال ندارد.

س ۶۴

اشاره

- در عصر حاضر معمول شده که مردان بدن خود را خال کوبی می‌کنند و بعضی افراد حتی اسامی ائمه علیهم السلام را نیز در بدن خود خال می‌کوبند. اولاً بیان فرمائید اصل عمل خالکوبی چگونه است و ثانیاً اگر بعد از خال کوبی شخص جنب شود حکم مسأله چه خواهد بود؟

ج

- خال کوبی اگر برای غرض عقلائی مثل درمان باشد جایز است و در غیر این صورت چون فی الجمله مضر است حکم بجواز محلّ تأمل است ولی عدم طهارت برای شخص مذکور اشکال ندارد بلی آنچه با خال نوشته شده مس آن با فرض صدق مس در حال عدم طهارت حرام است. و الله العالم.

س ۶۵

اشاره

- نوارهایی که آیات قرآن در آنها ضبط شده اگر احیاناً مورد حریق قرار بگیرد یا در بالوعه (فاضلاب) بیفتد حفظ آن از سوختن و خارج کردن آن از بالوعه لازم است یا خیر؟

ج

- بعید نیست که چون در نظر عرف توهین محسوب می‌شود حفظ آن از سوختن و خارج کردن از بالوعه لازم باشد. جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸

س ۶۶

اشاره

- آیا کلماتی نظیر «الله»، «بسمه تعالی»، «هو الحکیم» و ... اگر به زبان خارجی بطور مثال به زبان انگلیسی نوشته شود، جزء اسماء متبرکه می‌باشند یا نه؟

ج

- احکام اسامی متبرکه بر آنها مترتب است و باید احترام آنها رعایت شود. و الله العالم.

س ۶۷

اشاره

- مستدعی است نظر مبارک را در مورد چاپ لفظ جلاله، بعض آیات قرآن کریم و اسامی معصومین علیهم الصلاة والسلام روی جا کلیدی بیان بفرمایید.

ج

- اصل چاپ و نوشتن این کلمات مبارکه بر روی جا کلیدی یا اشیاء دیگری که شخص همراه خود دارد اشکال ندارد فقط باید دارندگان این اشیاء محترمه رعایت قداست و احترام آنها را بنمایند و به طور بی‌احترامی و توهین آمیز از آن استفاده نکنند. و الله العالم.

س ۶۸

اشاره

- فروش روزنامه و مجلات که گاهی به یقین در آنها اسماء مبارکه حقتعالی و ائمه معصومین علیهم السلام یا مضامین و آیات قرآنی نوشته و چاپ شده است، بعنوان کاغذ بلا استفاده و با عدم آگاهی از چگونگی مصرف توسط خریدار چه حکمی دارد؟ آیا تحقیق اینکه این اوراق که فروخته می‌شود در چه محلی (مثلاً جهت بسته‌بندی پوشاک یا میوه و تبدیل به پاکت) مصرف خواهد شد لازم است؟

ج

- در مورد سؤال، روزنامه و هر ورقی که مشتمل بر آیات قرآنی و اسامی متبرکه انبیاء و ائمه علیهم السلام باشد دور ریختن آنها بطوری که زیر دست و پا بیفتد و باعث اهانت بشود حرام است و همچنین اگر در اختیار کسانی قرار دهند چه بعنوان فروش و یا غیر فروش که می‌دانند نحوه استفاده موجب توهین است اشکال دارد و در صورت شک در نحوه استفاده آنها فروش آن اشکال ندارد و تحقیق لازم نیست.

س ۶۹

اشاره

- با توجه به وسعت و تعداد اسماء متبرکه که در روزنامه و سایر نامه‌ها و کاغذهای باطله دور ریختن آنها چه حکمی دارد؟

ج

- دور ریختن آنها با اشتغال بر اسامی متبرکه و آیات قرآنی اشکال دارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹

س ۷۰

اشاره

- آیا نشستن بر روی روزنامه‌هایی که احتمالاً ممکن است آیات و احادیث بر روی آنها نوشته باشد چه صورتی دارد؟

ج

- اگر بدانید آیات و احادیث بر روی آنها نوشته شده نشستن بر روی آنها جایز نیست.

احکام آبها

س ۷۱

اشاره

- آبی که کمتر از کر باشد و نجس شود بمجرد اتصال با کر و یا آب جاری پاک می‌شود و یا امتزاج لازم است؟

ج

- امتزاج لازم است همانطور که در رساله مرقوم است.

س ۷۲

اشاره

- آب مضاف حتی اگر به اندازه یک رودخانه باشد (گل آلود) حکمش چیست؟

ج

- مجرد گل آلود بودن موجب مضاف بودن آب نیست بلی اگر طوری باشد که بآن آب گفته نشود مضاف است و در فرض سؤال که خیلی زیاد است اگر یک قسمت از آن با نجس برخورد کند نجس شدن قسمت دیگر محل تأمل است.

س ۷۳

اشاره

- اگر به واسطه بمب‌های باران‌زا ایجاد ابر و باران نمایند در طهارت همان حکم باران طبیعی را دارد یا خیر؟

ج

- مورد اشکال است.

س ۷۴

اشاره

- مستدعی است بیان فرمائید که اولاً پس آبهای تصفیه شده فاضلاب منازل که اثری از نجاست همراه ندارد حکمشان از جهت نجاست و طهارت چگونه است؟
اگر نجس است از چه طریقی پاک می‌شود؟

ج

- در صورت نجس بودن تصفیه آن را پاک نمیکنند باید بوسیله آب جاری و یا کر و یا باران تطهیر شود با شرائطی که در رساله عملیه ذکر شده.

س ۷۵

اشاره

- اگر از پس آبهای تصفیه شده فاضلاب منازل برای مشروب نمودن سبزیجات و پرورش آبزیان نظیر ماهی و میگو بهره‌برداری شود، در این صورت
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰
استفاده از محصولات بعمل آمده چگونه است؟

ج

- استفاده از آب مذکور در کشاورزی و پرورش آبزیان اشکال ندارد.

س ۷۶

اشاره

- مردم محله‌ای در کوچه‌ای دارای جوی باریکی هستند و آب‌های حتمام و حیاط منازل این محله به جوی می‌رود و آنهایی که بچه کوچک دارند نجاسات بچه را در حتمام یا حیاط می‌شویند آیا این گناه است و باعث ضمان است (در ضمن آب در این جوی خیلی کم جریان دارد).

ج

- اگر این کار موجب اذیت دیگران بشود گناه دارد و اگر در فاضلاب‌ها خون یا بول یا هر چیز نجسی وجود داشته باشد آن جوی نجس می‌شود بلی اگر آب جاری یا کر به مقداری که فاضلاب نجس، رنگ یا بو یا طعم آن را تغییر ندهد جریان داشته باشد جوی نجس نمی‌شود. و الله العالم.

آب کشیدن و تطهیر چیزهای نجس

س ۷۷

اشاره

- کیفیت پاک شدن چرم و چوب نجس با فرض عدم استحاله را بیان فرمائید.

ج

- بوسیله آب ظاهر چرم متنجس و چوب پاک می‌شود. و الله العالم.

س ۷۸

اشاره

- کیفیت تطهیر موکت نجس که به زمین چسبیده را بیان فرمائید.

ج

- بعد از زوال عین نجاست آن را بوسیله شلنگ متصل به آب لوله کشی تطهیر نمایند و پس از تطهیر لازم نیست غسل آن گرفته شود.

س ۷۹

اشاره

- اگر بول و نجاست بچه به قالی و از آن به سیمان کف اتاقهای آپارتمان برسد آیا با آب کشیدن سطحی سیمان نجاست بر طرف می‌گردد یا خیر (با توجه به اینکه آب تا حدودی از سیمان عبور می‌کند)؟

ج

- ظاهر آن پاک می‌شود ولی باطن آن که بواسطه نفوذ رطوبت نجس شده است بمجرد رسیدن رطوبت آب پاک نمی‌شود.

س ۸۰

اشاره

- ماشینهای لباسشویی تمام اتوماتیکی که لباسها را پس از شستشو با مواد شوینده سه الی پنج مرتبه با آب قلیل آبکشی مینماید، با توجه به اینکه در هنگام شستشوی اولیه، کف متنجس را با توجه به حجیم بودن آن به قسمتهائی از جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱

درب شیشه‌ای و لاستیک دور آن میرساند در صورتی که هنگام آبکشی آب به قسمتهای مورد نظر نمی‌رسد آیا البسه از نظر شرعی پاک میشود در صورتی که جواب منفی باشد چگونه باید عمل کرد؟

ج

- اگر بدانید قسمتهائی از شیشه یا لاستیک اطراف درب بوسیله آب قلیل پاک نمیشود و ترشحات آن به لباسهای داخل ماشین می‌رسد موجب تنجیس لباسها میگردد و باید آنها را در خارج ماشین تطهیر نمائید.

س ۸۱

اشاره

- من در منزلی زندگی می‌کنم که شخصی در این منزل رفت و آمد داشت و تصور می‌کردم ایشان کافر و نجس است. اما پس از تحقیق متوجه شدم که ایشان کافر نیست. ولی متأسفانه طی مدتی که من تصور می‌کردم ایشان نجس است و کافر، دیگر خودم را موظف به رعایت طهارت و پرهیز از نجس کردن اشیاء نمی‌دانستم زیرا ایشان را نجاستی سیار می‌دانستم که همه چیز و همه جا را نجس کرده و فکر می‌کردم دیگر بر من واجب نیست از نجس کردن اشیاء پرهیز کنم. مثلاً وقتی دستم خون می‌آمد بدون اینکه دستم را بشویم به در، دیوار، تلویزیون، یخچال، همه چیز و همه جا می‌زدم. اکنون که دانسته‌ام آن شخص نه کافر بوده و نه نجس متأسفانه نه تنها مشکلم حل نشده بلکه در حال حاضر خودم را در خانه‌ای می‌بینم که همه چیز و همه جایش نجس است من خودم با دست خودم آنها را با نجاست واقعی نجس کرده‌ام. آیا از غذای تهیه شده در این خانه که نجس است بخورم؟ و نماز را بدون طهارت که باطل می‌شود بخوانم؟ و با دیگران معاشرت کنم تا این نجاست را انتقال بدهم؟ یا اینکه وسایل خانه را در حد توان تطهیر کنم؟

ج

- اولاً در بسیاری از اشیاء و اثاث منزل مثل فرش و در و دیوار و وسائل، غیر از خوراک و نوشیدن شرط استفاده طهارت نیست ثانیاً تطهیر چیزی که شک دارید عین آن نجس شده یا نه لازم نیست و محکوم بطهارت است و ملاقی شبهه محصوره تا چه رسد به غیر محصوره محکوم بنجاست نیست می‌توانید ظرفهائی را که یقین دارید نجس شده بشوئید و غذائی را که یقین ندارید ظرف آن نجس بوده نیز

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲

می‌توانید بخورید خلاصه در حکم به نجاست بشرحی که در رساله نوشته شده علم و یقین لازم است و با عدم علم هر چیزی را شک داشته باشد نجس شده محکوم بپاکی است و در موارد شک احتیاط لازم نیست خود را به زحمت و خرج نیاندازید.

س ۸۲

اشاره

- اگر لباس یا ظرفی را شخص و سواسی چند بار آب بریزد اشکال دارد؟

ج

- در آب کر یا با آب جاری یک مرتبه شستن کافی است و وسواسی نباید به شک خود اعتناء کند و مثل متعارف مردم عمل نماید.

س ۸۳

اشاره

- آیا حائض بعد از بیرون آمدن از توالت باید دستهایش را غسل دهد یا آب کشیدن تنها کافی است؟

ج

- اگر دستش به نجاستی مانند خون یا غیر آن آلوده نشده شستن لازم نیست و اگر آلوده شده بشوید و در هر دو صورت غسل ندارد.

س ۸۴

اشاره

- اگر بخواهیم چیز نجس را آب بکشیم و در آن مانعی از آب بینم که ندانیم قبل از نجس شدن بوده یا بعد تکلیف چیست؟

ج

- در صورت مذکور مانع را بر طرف نمائید و آن چیز را بشوئید.

س ۸۵

اشاره

- کسی که طریقه طهارت با آب قلیل را نمی دانسته و بعداً متوجه شد که طهارت او صحیح نبوده آیا نمازهایی که خوانده باید قضا نماید یا خیر؟

ج

- اگر یقین دارد به خاطر ندانستن مسأله وضوی او از جهت نجس بودن مواضع وضو باطل بوده باید آن نمازها را قضا کند و همچنین اگر یقین دارد از جهت مذکوره با لباس یا بدن نجس نماز خوانده باید به احتیاط لازم آن نمازها را قضا کند. و الله العالم.

س ۸۶

اشاره

- اگر لباسی آلوده به خون حیض یا خون‌های دیگر باشد و بعد از شستن آن لباس رنگ خون بر آن بماند آیا این رنگ نجس می‌باشد یا خیر؟

ج

- اگر عین خون زایل شده و فقط رنگ خون مانده با آب کشیدن پاک می‌شود و در این جهت تفاوتی بین خون حیض و غیر آن نیست. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳

س ۸۷

اشاره

- آب اول که مرد برای تطهیر مخرج بول می‌ریزد چنانچه مسیر طرف راست عورت را طی ولی آب مرتبه دوم به مسیر طرف چپ عورت برود آیا هر دو مسیر پاک است یا یک بار دیگر آب بر هر کدام از این مسیرها برساند؟

ج

- در فرض سؤال یک مرتبه دیگر به هر یک از دو مسیر آب بریزد. و الله العالم.

س ۸۸

اشاره

- آبی که در هنگام طهارت به بدن می‌پاشد آیا پاک است یا نجس؟ اگر این آب بر روی دستشویی و بعد به بدن بیاشد حکم چیست؟ اگر ندانیم به چه صورت آب پاشیده حکم مسأله چیست؟

ج

- در مورد سؤال، اگر تطهیر بوسیله شلنگ که متصل به آب لوله‌کشی که حکم آب جاری را دارد و آبی که به بدن می‌پاشد مشتمل بر اجزاء نجس نباشد پاک است و اگر تطهیر با آب قلیل باشد از ترشحات آن اجتناب نمائید و آبی که از دستشویی ترشح

میکند اگر دستشوئی نجس شده و آبی که بآن میریزد و ترشح میکند متصل بکتر نباشد اجتناب کنید و اگر ندانید به چه صورت پاشیده محکوم بطهارت است.

وضو

س ۸۹

اشاره

- هنگام مسح سر اگر دست به پیشانی برسد آیا وضوء اشکال دارد؟

ج

- با آن قسمت از دست که به آب صورت رسیده مسح پا را نکشد. و الله العالم.

س ۹۰

اشاره

- شستن بار سوم در وضو حرام است آیا مبطل وضو نیز هست؟

ج

- اگر دست چپ را سه بار بشوید چون میخواهد بعد از شستن مسح سر و پاها را با دستها بکشد و آبی که در دستها مانده آب خارج از وضو محسوب می شود وضو باطل است.

س ۹۱

اشاره

- آیا هنگام وضو گرفتن لب هم باید شسته شود و اگر لب چرب باشد اشکال دارد؟

ج

- بلی لب هم باید شسته شود ولی اگر چربی کم باشد بطوری که عرفاً مانع محسوب نشود اشکال ندارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴

س ۹۲

اشاره

- نقاشانی که امکان تفحص زیاد برای رفع حاجب از تمام اعضاء وضو ندارند و بعد از مدتی مشاهده رنگ روی عضوی می‌نمایند تکلیف امور عبادی آنها چیست؟

ج

- باید بر اعضای وضو و غسل چیزی که جرمیت دارد و مانع از رسیدن آب به اعضاء است نباشد و الا وضو و غسل صحیح نیست. بلی اگر ازاله رنگ یا هر مانع دیگری ممکن نباشد مگر به مجروح شدن عضو در این صورت حکم جیره دارد که در توضیح المسائل مذکور است. و الله العالم.

س ۹۳

اشاره

- جوهر خودکار مانع از رسیدن آب به پوست بدن است یا نه؟

ج

- چنانچه جرمیت داشته باشد مانع است.

س ۹۴

اشاره

- بعضی‌ها می‌گویند اگر بیش از هفت قدم راه رفتید و بعد سر را مسح کشیدید این وضو باطل است آیا این سخن صحیح است یا نه؟

ج

- اگر انسان شستن وضوئی را تمام کرده باشد و قبل از مسح سر، راه برود چنانچه به مقداری که عرفاً پی‌درپی بودن وضو محفوظ باشد وضو صحیح است و اندازه معینی برای راه رفتن نیست. و الله العالم.

س ۹۵

اشاره

- هنگام وضو گرفتن برای یکی از نمازهای پنج‌گانه مسح را فراموش کرده‌ام (نمی‌دانم کدامیک بوده) تکلیف چیست؟

ج

- در فرض سؤال، یک نماز صبح و یک نماز مغرب و یک نماز چهار رکعتی بدون تعیین ظهر یا عصر یا عشاء بخوانید و اگر نماز ظهر و عصر را با یک وضو میخوانید، دو نماز چهار رکعتی لازم است.

س ۹۶

اشاره

- هنگام وضو اگر احیاناً و یا عمداً دست طوری قرار گرفت که آب وضو به طرف آرنج سرازیر شود اشکالی در وضو ایجاد می‌کند یا خیر؟

ج

- اشکال ندارد. و الله العالم.

س ۹۷

اشاره

- هنگام وضو که باید صورت و دستها را از بالا به پایین شست اگر کسی سهواً دستش از پایین به بالا رفت و یا افقی شست آیا وضویش اشکال دارد؟

ج

- سهواً دست به طرف بالا برود اشکال ندارد و مجموعاً باید در نظر عرف جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵ شستن، از بالا به پایین صدق کند هرچند گاهی افقی دست بکشد. و الله العالم.

س ۹۸

اشاره

- آیا در همه دست کشیدن در وضو، باید از ابتدای بالا دست کشید و اگر کسی مثلاً از وسط دست کشید در عین حال که بالا را شسته است آیا اشکال دارد در حالی که از اسفل به اعلی را نشسته است؟

ج

- بعد از شستن هر قسمتی می‌تواند از بعد آن قسمت، وضو را ادامه دهد بنابراین در فرض سؤال دست کشیدن از وسط مانع ندارد. و الله العالم.

س ۹۹

اشاره

- در اماکن عمومی مواجه می‌شویم با اشخاصی که موقع شستن دست و صورت چه به نیت وضو و چه غیر وضو، بارانی از آب بر اطرافیان خویش که در حال انجام وضو هستند (و مسلماً باید شستن اول و دوم را رعایت و مسلماً از آب خارج از وضو اجتناب کنند) می‌پاشند آیا وضوی این اطرافیان صحیح است؟

ج

- اگر اطرافیان وضوی خودشان را با نیت مجموع آبی که در دست آنها است چه آبی که خودشان می‌ریزند و چه آبی که از وضوی دیگری ترشح کرده ادامه دهند اشکال ندارد.

س ۱۰۰

اشاره

- اگر در هنگام وضو گرفتن برای جلوگیری از اسراف در وضو در ظرف آب ریخته و با آن آب وضو بگیریم. در حالی که اطراف ظرف را قبل از وضو بشویم آیا تری (خیسی) آب دور ظرف وضو را باطل می‌کند با توجه به اینکه هنگام وضو گرفتن ظرف آب را با دست راست یا چپ بلند می‌کنیم.

ج

- تری مذکور وضو را باطل نمی‌کند. و الله العالم.

س ۱۰۱

اشاره

- معلولینی که دست یا پای آنان مصنوعی است هنگام وضو گرفتن و غسل کردن و مواضع سجده بر زمین گذاشتن چه تکلیفی دارند؟

ج

- شستن دست و پای مصنوعی در وضو و غسل لازم نیست و همچنین گذاشتن انگشت پای مصنوعی و یا کف دست مصنوعی بر زمین در حال سجده لازم نیست.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶

س ۱۰۲

اشاره

- با کفش یا نعلین مغصوب وضو گرفتن اشکال دارد یا خیر؟

ج

- اشکال ندارد.

س ۱۰۳**اشاره**

- اگر انسان منزلی را خریداری کرده باشد و تقاضای وصل آب و برق را داده باشد ولی برای او وصل نکرده باشند و او با انشعاب از آب و برق همسایه استفاده کند آیا این آب و برق مشکلاتی برای نماز و روزه او ایجاد نمی‌کند؟

ج

- اگر مسئولین امر اجازه دهند اشکال ندارد.

س ۱۰۴**اشاره**

- استفاده از آب قنات و آبی که صاحبانش مجهول میباشند برای گرفتن وضو و شستن فرش و غیره چگونه است؟

ج

- وضو گرفتن از قناتهای بزرگ اگر چه انسان نداند که صاحبان آنها راضی هستند، اشکال ندارد، ولی شستن فرش و استفاده‌هایی نظیر آن مشکل است مگر آنکه بحسب مرسوم محلّ اینگونه استفاده‌ها معمول باشد و منعی هم از مالک نرسیده باشد.

س ۱۰۵**اشاره**

- اگر شخصی که موی سرش ریخته بخواهد باصطلاح امروزه موی سرش را ترمیم کند و بعبارت دیگر روی سرش مو بکارد در این صورت حکم وضوء و غسلش چگونه خواهد بود؟

ج

- اگر کاشتن مو بنحوی باشد که مو به بدن متصل میشود و رشد میکند مانند موی طبیعی در این صورت غسل و وضو هر دو صحیح است ولی چنانچه مو، روی حاجبی بافته شده باشد و یا آن را بوسیله چسب و غیر ذلک بسر بچسبانند جایز نیست و در صورت چسباندن اگر قابل کندن نباشد باید علاوه بر وضو و غسل جیره‌ای تیمم بدل از غسل یا وضو نیز بنماید.

س ۱۰۶

اشاره

- آیا زدن مقداری کرم به صورت و دست برای وضو اشکال دارد؟ از کجا می‌توان فهمید که این کرم مانع از رسیدن آب به پوست است یا نه؟

ج

- اگر مانع رسیدن آب به بشره نباشد اشکال ندارد و تشخیص آن با عرف است.

س ۱۰۷

اشاره

- اگر قبل از دخول وقت نماز برای نماز وضوء بگیرد، صحیح است؟

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۷

در صورتی که صحیح باشد فرقی بین اینکه وقت نزدیک باشد یا نه هست یا خیر؟

ج

- اگر وقت نماز نزدیک است میتواند بعنوان تهیؤ برای نماز وضو بگیرد و اگر خیلی قبل از وقت است وضو را بعنوان بودن بر حال طهارت بگیرد و در هر دو صورت میتواند با آن وضو نماز واجب یا مستحب را بخواند. و الله العالم.

غسل

[مسائلی در باره غسل]

س ۱۰۸

اشاره

- شخصی تاکنون غسلش را چنین انجام می‌داده (اول طرف راست بعد طرف چپ بعد سر و گردن) تکلیف نماز و روزه‌ها و همچنین حج او با این نحوه غسل چیست؟

ج

- نمازهایی که شخص مذکور با این حال خوانده قضا ولی قضاء روزه واجب نیست کند و حج او نیز باطل است و احرام او باقی است و باید با اعمال عمره مفرده از احرام خارج شود. و الله العالم.

س ۱۰۹

اشاره

- در مورد غسل وقتی به نیت غسل زیر شیر می‌ایستیم هر قسمت را چند بار باید غسل دهیم؟ آیا دست کشیدن لازم است یا خیر؟

ج

- هر قسمت را یک بار بشوید کافی است و دست کشیدن لازم نیست یعنی وقتی به نیت مثلاً سر و گردن غسل می‌کنید باید آب بهمه جای سر و گردن برسد وقتی بهمه جا رسید غسل سر و گردن تمام شده و همینطور طرف راست و طرف چپ.

س ۱۱۰

اشاره

- کسانی که بدنی چرب دارند و بدنشان چربی ترشح می‌کند مخصوصاً صورت که چربی زیادی ترشح می‌کند آیا وجود این چربی در بدن در وضو و غسل اشکالی به وجود می‌آورد یا خیر؟

ج

- اگر چربی بدن به طور متعارف باشد و مانع رسیدن آب به پوست نشود به وضو و غسل ضرر ندارد. و الله العالم.

س ۱۱۱

اشاره

- کسی که در ماه مبارک رمضان چند غسل نموده مثلاً یک غسل را در پانزدهم و یکی را در بیستم و غسل سوم را در بیست و پنجم کرده باشد و بعد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۸

یقین کند که یکی از این غسلها باطل بوده لطفاً وظیفه این شخص را نسبت به نماز و روزه بیان فرمائید.

ج

– روزه‌های شخص مذکور محکوم بصحت است و نسبت به نمازها آن مقدار را که یقین تفصیلی دارد بدون طهارت انجام داده باید قضا کند یعنی ملاحظه نماید در صورت بطلان غسل اول چند روز نماز قضا بعهده او آمده و در صورت بطلان غسل دوم چند روز و در صورت بطلان غسل سوم چند روز و هر کدام کمتر بود همان مقدار را قضا کند و اگر بعد از غسل سوم موقعی توجه ببطلان یکی از اغسال پیدا کرده که هنوز هیچ نمازی با آن نخوانده چیزی بر او نیست، فقط برای نمازهای بعد غسل بجا آورد.

س ۱۱۲

اشاره

جامع الاحکام؛ ج ۱؛ ص ۳۸
با غسل مستحبی مثل غسل جمعه می‌توان نماز خواند؟

ج

– غیر از غسل جنابت برای نماز خواندن با اغسال دیگر وضو لازم است.

س ۱۱۳

اشاره

– آیا به همان ترتیب گفته شده در رساله می‌شود غسل را زیر دوش انجام داد یا باید حتماً کاسه کاسه روی خودمان بریزیم؟

ج

– غسل زیر دوش که فعلاً در حمامها معمول است صحیح و بی‌اشکال است.

س ۱۱۴

اشاره

- در پادگان هفته‌ای یک بار بیشتر امکان رفتن به حمام را نداریم و به همین خاطر امکان غسل کردن برای انجام فریضه نماز چه باید بکنم؟

ج

- اگر مجبور به خدمت در آنجا هستید و واقعاً دسترسی به آب ندارید با تیمم نماز بخوانید و صحیح است. و الله العالم.

س ۱۱۵

اشاره

- اگر مانند فردی که از ادرار خود نمی‌تواند جلوگیری کند مرتب جنابت برای او حاصل شود وظیفه او برای نماز و غسل چیست؟

ج

- جنابت موجب غسل است و در فرض سؤال در هر دفعه که میتواند غسل کند باید برای نمازها غسل کند و هر وقت غسل ممکن نباشد باید تیمم بدل از غسل کند. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۹

س ۱۱۶

اشاره

- آیا برای غسل می‌توان با وسیله‌ای راه ادرار را مسدود نموده و غسل جبیره‌ای انجام داد؟

ج

- خروج ادرار ضرر بغسل نمیزند با همان حال غسل کنید و صحیح است لکن باید بعد از غسل برای خواندن نماز و امثال آن وضو هم بگیرید و اگر در موقع وضو هم ادرار خارج میشود چنانچه مسدود نمودن محل ادرار در حین وضو ضرر ندارد موقع وضو آنجا را مسدود کنید و اگر ضرر دارد با همان حال وضو بگیرید و بعد از وضو تیمم هم بنمائید لکن اگر موقعی هست که ادرار خارج نمیشود وضو را در آن موقع بگیرید و در این صورت احتیاج به تیمم ندارد و لازم است بتوضیح المسائل از مسأله ۳۱۳ بیعد هم مراجعه نمائید.

غسل جنابت

س ۱۱۷

اشاره

- اگر ندانیم که فرد جنب چه کسی است و خود نیز جنب باشیم و نماز بخوانیم و بعد از مدتی که نماز خواندیم معنی جنابت و فرد جنب را بفهمیم آیا باید تمام نمازهایمان را دوباره به جای آوریم؟

ج

- هر مقدار نماز که یقین دارید در حال جنابت خوانده‌اید هر چند در آن موقع معنی جنابت را نمی‌دانسته‌اید باید پس از انجام غسل جنابت قضا نمایید. و الله العالم.

س ۱۱۸

اشاره

- در غسل جنابت آیا همان نیت اول برای هر سه قسمت کافی است یا آنکه برای هر قسمت باید نیت جداگانه داشت؟

ج

- همین مقدار که توجه دارید، سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را به جهت غسل جنابت به ترتیب شستشو می‌دهید کافی است. و الله العالم.

س ۱۱۹

اشاره

- آیا فرد جنبی که غسل جنابت را به خاطر عذر بیماری نمی‌تواند انجام دهد، آیا با تیمم بدل از غسل، می‌تواند تا موقعی که عذرش در انجام دادن غسل برطرف نشده، در مساجد تردد نماید؟

ج

- بلی در فرض سؤال تا مدتی که عذر او باقی است می‌تواند امور مشروطه به طهارت از حدث اکبر را انجام دهد. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۰

س ۱۲۰

اشاره

- در رساله عملیه آمده است: آبی که از شخص مریض خارج شود همین که با شهوت خارج شده باشد حکم منی را دارد، منظور از مریض، چه نوع مرضی است؟

ج

- منظور مریضی است که مرض او از جهنده بودن منی مانع باشد.

س ۱۲۱

اشاره

- فردی بی‌دستور پزشک نوعی داروی اعصاب مصرف می‌کند که در اثر مصرف آن در دفع ادرار اختلال پیش می‌آید و نیز در طول مدت مصرف احتمالی صورت نمی‌گیرد. لیکن پس از دفع ادرار یا ضمن آن مایع سفید رنگ رقیقی دفع می‌شود. این مایع چه حکمی دارد.

ج

- اگر شک دارد منی است یا نه حکم منی را ندارد و اگر مایع با شهوت و لو بدون جستن بیرون آید، در مورد شخص مذکور که مریض است محکوم به منی بوده است البته احتیاط آن است که برای نماز وضو هم بگیرد.

س ۱۲۲

اشاره

- اگر مکانی یا اشیایی آلوده به عرق جنب از حرام باشد آیا اگر به آنها با دست مرطوب دست بزنیم برای نماز مسأله ای ایجاد می‌کند یا نه اگر اشکال دارد اگر کسی قدرت آن را نداشت که کلیه آن اشیاء را بشوید تکلیف او چیست؟

ج

- بنظر این جانب عرق جنب از حرام پاک است ولی مادامی که رطوبت آن باقی است نماز صحیح نیست بعد از خشکیدن اگر دست مرطوبی به محلی که عرق آن خشک شده برسد اشکال ندارد و نماز با رطوبت جدید محکوم به صحت است و محل پاک است و احتیاج به شستن ندارد. و الله العالم.

س ۱۲۳

اشاره

- اگر هنگام معاشقه زن و مرد؛ بدون اینکه آمیزش و دخول انجام گیرد، با تحریکات جسمی و روانی، زن به اوج لذت برسد و همان حالتی که بعد از آمیزش معمولاً در زنان روی می‌دهد مانند سستی بدن و ... پدید آید، آیا زن در این حالت جنب تلقی شده و غسل جنابت بر او لازم خواهد بود یا خیر؟

ج

- چنانچه در حالت مذکور منی از او خارج شود جنب شده و غسل جنابت بر او لازم میشود.

س ۱۲۴

اشاره

- مدت یک سال است ازدواج کرده‌ام بعد از نزدیکی با شوهرم و انجام غسل، در موقع نماز صبح ترشحاتی از من خارج می‌شود که فکر می‌کنم جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۱ مربوط به خودم نباشد آیا مجدداً باید غسل به جا آورم یا خیر و آیا این ترشحات نجس است یا نه؟

ج

- اگر می‌دانید ترشحات مذکور بول نیست و یقین به منی بودن آن هم ندارید محکوم بطهارت است و غسل ندارد و اگر یقین به منی بودن آن دارید ولی مرد است بین منی مرد و منی خودتان نجس است ولی غسل واجب نیست.

س ۱۲۵

اشاره

- در بعضی مواقع که صحنه‌هایی شهوت‌انگیز می‌بینم (مثل عکسهای برهنه) مایعی لزج از من خارج می‌شود می‌خواستم بینم آیا این مایع پاک است یا نه؟ (با استبراء یا بدون استبراء) اگر نجس است آیا تمام بدن نجس می‌شود یا فقط محل نجاست؟ (منظورم مسأله‌ای در توضیح المسائل است که در حالتی خاص عرق جنابت را نجس می‌داند).
اگر نجس است آیا جنابت است که غسل بخواند یا اینکه فقط باید محل نجاست را تطهیر کرد؟
(و آیا می‌شود مواقعی جنابت باشد و مواقعی غیر از آن).

ج

- در مورد سؤال اگر مایع لزج مذکور علامت منی نداشته باشد و بعد از استبراء باشد و احتمال اینکه بول باشد منتفی باشد پاک است و غسل هم لازم ندارد حتی وضو و غسل را هم باطل نمی‌کند ولی اگر استبراء نکرده باشید و یا احتمال بدهید که مایع مذکور بول باشد مایع مذکور محکوم به نجاست و مبطل وضو است و اگر علامت منی در آن باشد موجب غسل است ولی عرق آن نجس نیست.

س ۱۲۶**اشاره**

- اگر که در طی ماه رطوبتی از رحم خارج شود در حالی که بعضی از نشانه‌های منی را داشته با این حال بدون غسل روزه گرفته و نماز خوانده. نماز و روزه‌اش صحیح است؟

ج

- اگر یقین داشته که رطوبت خارج شده منی است باید غسل کند و نمازهائی را که با آن حال خوانده قضا کند و نسبت به روزه اگر با علم به منی بودن این را هم می‌دانسته که نباید با حال جنابت صبح کند غسل نکرده و روزه گرفته باید قضای روزه‌ها را نیز بگیرد و کفاره هم دارد ولی اگر شک دارد که رطوبت خارج شده منی است یا رطوبت دیگر نمازها و روزه‌ها صحیح است و نسبت به تشخیص منی در صورت شک به مسأله شماره ۳۵۲ توضیح المسائل مراجعه نمایید.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۲

غسلهای بانوان**س ۱۲۷**

اشاره

- در صورتی که استحاضه کثیره است و شخص از نظر جسمی توانایی سه مرتبه غسل در شبانه روز را ندارد (مبتلا به کمردرد و پادرد می‌باشد) آیا می‌تواند برای نماز بجای غسل استحاضه، تیمم بدل از غسل کند؟ و همچنین برای روزه می‌تواند تیمم کند؟ و آیا قضای روزه‌های این چند روز را باید بگیرد؟

ج

- اگر توانائی هیچ یک از سه غسل را ندارد برای نماز و روزه بجای هر غسل تیمم بدل از غسل نماید و در این صورت اگر با تیمم بدل از غسل نماز و روزه را انجام داده روزه و نماز او قضا ندارد.

س ۱۲۸**اشاره**

- در رابطه با استحاضه قلیله اگر شخصی بعد از نماز صبح پاک شد آیا برای نماز ظهر باید یک وضو و برای نماز عصر هم یک وضوی دیگر بگیرد و همچنین برای نماز مغرب و عشا؟

ج

- پس از پاک شدن یک وضو برای نماز ظهر و عصر او کافی است.

س ۱۲۹**اشاره**

- زنی ادعا دارد که هر ماه فقط یک روز یا کمتر و یا کمی بیشتر (کمتر از سه روز) خون می‌بیند و همیشه اینطور بوده است آیا باز استحاضه است یا حکم دیگری دارد.

ج

- استحاضه است.

س ۱۳۰

اشاره

- رحم زنی را طی یک عمل برداشتند خونی که بعدها می‌بیند محکوم به چیست؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه خون مذکور اوصاف خون حیض را داشته باشد و در سائر شرایط هم مانند حیض باشد مثلاً از سه روز کمتر نباشد شرعاً حکم حیض را دارد.

س ۱۳۱**اشاره**

- زنی است که ۵۰ سال او تمام شده است ولی هنوز در هر ماه هفت الی ده روز خونی از او خارج می‌شود که از نظر ظاهر تفاوتی با خون حیض او ندارد آیا این خون را باید حیض حساب کرد یا استحاضه؟

ج

- در فرض سؤال اگر زن سیده نباشد باید با آن خون معامله استحاضه بنماید
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۳
و اگر سیده است تا پایان ۶۰ سالگی آن خون حیض و آن زن احکام حائض را دارد.

س ۱۳۲**اشاره**

- آیا زن حائض و نفساء می‌تواند در حال عادت خود بیشتر از هفت آیه از قرآن مجید و یا زیارت عاشورا بخواند ولی بکلمات دست نزند.

ج

- بلی جائز است و فقط قرائت آیات سجده چهار سوره (سوره سجده و فصلت و النجم و العلق) بر زن حائض جائز نیست بلکه احتیاط مستحب اینست که سائر آیات این چهار سوره را نیز قرائت نکند چنانکه قرائت بیش از هفت آیه از آیات دیگر قرآن

کراهت دارد و در بیشتر از هفتاد آیه کراهت بیشتر است خواندن زیارت عاشورا و ادعیه مثل مواقع دیگر مستحب است.

س ۱۳۳

اشاره

- زن حامل در حال حمل گاهی یک لکه خون می‌بیند و باز ممکن است ده روز بعد هم لکه‌ای ببیند تکلیف آن زن چیست؟

ج

- اگر فقط بصورت مرقوم لک می‌بیند و خون هم در باطن قطع میشود هر دو لک حکم استحاضه دارد.

س ۱۳۴

اشاره

- آیا زنی که زایمان می‌کند غسل ۲۰ روزه یا ۴۰ روزه دارد یا خیر؟ و بعد از اینکه بچه بدنیا آمد آیا باید آن را غسل دهیم یا خیر؟

ج

- وقتی که زن زایمان کرد از همان لحظه نفاس او شروع می‌شود پس اگر قبل از روز دهم یا روز دهم زایمان، خون قطع شد یعنی مثلاً سه روز یا بیشتر و یا حدّ اکثر ده روز خون دید هم‌اش نفاس است و باید غسل نفاس کند و اگر خون ادامه داشت تا از ده روز گذشت، به تعداد روزهای عادت ماهانه‌اش نفاس است و زائد بر آن استحاضه مثلاً اگر عادت ماهانه‌اش هفت روز بوده و خون از ده روز گذشته باید بمحض گذشتن روز دهم غسل نفاس و غسل استحاضه کند و ضمناً بچه که بدنیا می‌آید غسل ندارد ولی شستن او در صورتی که ضرر نداشته باشد مستحب است.

س ۱۳۵

اشاره

- آیا زنی که قرص ضد بارداری می‌خورد که در ماه مبارک رمضان حائض نشود اگر دو یا سه روز خون در باطن باشد و بیرون نیاید آیا روزه بگیرد یا خیر؟

ج

- در حکم به حیض شدن شرط است که خون از داخل بیرون بیاید هر چند کم باشد در این صورت اگر بعد از آن تا سه روز در باطن باقی باشد که اگر پنبه‌ای مثلاً داخل کند خونی میشود حکم حیض را دارد، و در کمتر از سه روز حکم حیض جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۴

نیست اما اگر خون در داخل از محلّ خود حرکت کند ولی بیرون نیاید و تا سه روز بهمین حال باقی باشد احتیاط لازم اینست که نماز و روزه‌اش مثل زن پاک انجام دهد و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید.

تیمم

س ۱۳۶

اشاره

- اگر کسی یک دست دارد و میخواهد تیمم کند با یک دست چگونه به پیشانی بکشد عرضی یا طولی چون با یک دست تمام پیشانی را نمیتوان دست کشید و برای به پشت دست کشیدن چه کند؟

ج

- کسی که فقط یک دست دارد با همان یک دست پیشانی را مسح کند و بهر نحو دست را به پیشانی بکشد مانعی ندارد و نسبت به دست هم پشت دست را به زمین بکشد بجای مسح کافی است.

س ۱۳۷

اشاره

- آیا دخول در مسجد برای کسی که تیمم بدل از غسل جنابت نموده جایز است؟

ج

- اگر تیمم بجهت عذری غیر از تنگی وقت باشد ورود متیمم مذکور با بقاء عذر به مسجد مانعی ندارد.
و الله العالم.

س ۱۳۸

اشاره

- کسی که در تنگی وقت قبل از اذان صبح در شبهای ماه مبارک تیمم کند آیا شرعاً می‌تواند با آن یک تیمم که کرده است نماز بخواند و یا باید یک تیمم دیگری را هم بنماید؟

ج

- اگر عذر، تنگی وقت باشد باین معنی که چنانچه بخواهد غسل کند صبح میشود باید بعد از اینکه صبح شد برای نماز غسل کند و چنانچه آب نبود یک تیمم دیگر بکند و اگر عذرش در تیمم قبل از صبح، عدم وجود آب باشد و این نبود آب تا طلوع آفتاب ادامه داشته همان تیمم قبل از صبح کافی است و تیمم دیگر لازم ندارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۵

نجاسات

س ۱۳۹

اشاره

- متنجس چندم و بعد از آن دیگر نجس نمی‌کند؟

ج

- بنظر حقیر متنجس منجس است و فرقی بین تعدد واسطه و عدم تعدد آن نیست.

س ۱۴۰

اشاره

- شخصی بوسیله ضربه‌ای که بدستش خورده خون مرده و بیرون نیامده بعد از یک هفته دستش را داخل سرکه‌ای کرده دیده سوراخ شده آیا سرکه نجس است یا نه؟

ج

- اگر خون ظاهر باشد، سرکه نجس شده و اگر گوشت کوبیده شده پاک است.

س ۱۴۱

اشاره

- رطوبتی که بعضی اوقات در مخرج غائط مشاهده میشود نجس می‌باشد یا خیر؟

ج

- اگر رنگ و بوی نجاست نداشته باشد و اجزاء نجاست نیز با آن نباشد پاک است.

س ۱۴۲

اشاره

- این جانب در اثر ناراحتی غده پروستات حالت سلس البول پیدا کرده‌ام و هر بار پس از ادرار نمودن و چند بار استبراء باز چند قطره ادرار خارج می‌شود و سپس قطع می‌گردد بنده پنبه یا مشما روی آلت قرار می‌دهم و قبل از فریضه نماز تطهیر می‌کنم اما متأسفانه دستگاه ادراری بنده نسبت به آب نیز حساسیت زیاد دارد و دوباره قطرات ادرار خارج می‌گردد این حالت در زمان غسل نیز وجود دارد یعنی هنگامی که بنده غسل می‌کنم کاملاً بی‌اختیار قطراتی خارج می‌گردد برای مسأله طهارت نماز خواندن راه حل چیست؟ برای غسل کردن چطور؟

ج

- از جهت مسأله طهارت، بهمان نحوی که در سؤال نوشته‌اید عمل نمائید و خروج بول ضرری به صحت غسل نمیزند.

س ۱۴۳

اشاره

- آیا مدفوع حیوانات حلال گوشت (مثل گاو و گوسفند) نجس است یا نه؟

ج

- پاک است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۶

س ۱۴۴

اشاره

- اخیراً عده‌ای از علاقه‌مندان به کشور موجبات صدور پشم خرگوش (آنقوره) که بازار پررونقی در خارج دارد اقدام به پرورش خرگوش و توسعه آن نموده وعده دیگری نیز در این راه اقدام خواهند نمود منتها شایع است که فضله خرگوش نجس است و پشم آنقوره اگر در لباس باشد نماز ندارد و آن هم نجس است استدعا دارد نظر مبارک در این مورد ذیلاً اعلام گردد موجب تشکر خواهد شد.

ج

- خرگوش حرام گوشت است و فضله آن نجس است و پشم آن اگر به لباس و یا بدن مصلی باشد نماز باطل است ولی پشم آن نجس نیست و خرید و فروش پشم یا پوست آن اگر ذبح شرعی بشود مانند پوست روباه جهت منافع محلله اشکال ندارد. و الله العالم.

س ۱۴۵

اشاره

- آیا سگ تر و مرطوب که با لباس ما برخورد کند و همچنین با پوزه تر و نفس مرطوب، لباس ما نجس می‌شود؟

ج

- اجزاء بدن سگ و لو موی آن باشد نجس است ولی نفس آن نجس نیست.

س ۱۴۶

اشاره

- گربه‌های اهلی که در خانه‌ها هستند و غفلتاً دهان به لبنیات (شیر و ماست) بزنند آیا آن را نجس می‌کند یا نه؟

ج

- آب دهن گربه پاک است. و الله العالم.

س ۱۴۷

اشاره

- آیا اسفالت خیابان باعث پاک شدن کف کفش و طایر ماشین می‌شود با توجه به اینکه آسفالتها نوعاً خاکی هستند و ترکیبی از سنگ و ریگ با قیر می‌باشد.

ج

- اسفالت مطهر نیست و مجرد خاکی بودن و یا مخلوط بودن آن با ریگ کافی نیست. و الله العالم.

س ۱۴۸

اشاره

- اگر کسی از مرجعی تقلید می‌کند که چیزی را نجس نمی‌داندسته و مدتی این شخص استفاده می‌کرد و اجتناب نمی‌کرد بعد از وفات او از مجتهد دیگری تقلید می‌کند که آن چیز را نجس می‌داند آیا الآن باید اشیاء قبلی را تطهیر بکند یا خیر؟

ج

- در صورت تقلید از کسی که چیزی را نجس می‌داند باید چیزهائی که با آن جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۷ نجس با رطوبت ملاقات کرده تطهیر نماید.

س ۱۴۹

اشاره

- کیف و کمر بند و کفش‌های چرمی که از بلاد کفر وارد می‌شود از جهت طهارت و خرید و فروش و همراه بودن در نماز چه صورت دارد؟

ج

- احتیاط واجب اجتناب از چرم مذکور است. و الله العالم.

الکل صنعتی

س ۱۵۰

اشاره

- الکل سفید- و الکل صنعتی از نظر مصرف زخمهای روی جلد پوست بدن و تزریقات چه صورت دارد هنگام نماز شستشو شود یا با همان حال می‌شود نماز خواند؟

ج

- اگر علم به اینکه از مسکر مایع ساخته شده نداشته باشید اشکال ندارد و هر چند شستن آن برای نماز مطابق با احتیاط است.

س ۱۵۱

اشاره

- الکلهای سفید طبی رایج در بازار جهت تزریقات آیا قابل شرب است یا خیر؟

ج

- اگر مسکر باشد و یا برای بدن ضرر داشته باشد حرام است.

س ۱۵۲

اشاره

- الکل و ادکلن و غیره که نجاستشان ثابت نیست چه حکمی دارد همچنین استفاده از آنها؟

ج

- اگر مشکوک باشد که از مسکر مایع بالاصاله گرفته شده یا نه محکوم به طهارت است.

س ۱۵۳**اشاره**

- غذاها یا مایعاتی که بطور طبیعی مقداری از آن را الکل تشکیل می‌دهد مانند سرکه که در حدود یک الی سه چهار درصد الکل دارند مصرف این نوع غذاها و مایعات چه حکمی دارد؟

ج

- چیزی که مایع مسکر نباشد و یا مایع مسکر مخلوط آن نشده و با نجس و یا متنجس دیگر هم ملاقات نکرده باشد محکوم بطهارت است و مجزّد وجود درصدی از الکل طبق تجزیه و آزمایش در بعضی از غذاها مانند سرکه موجب نجاست آن نیست.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۸

غسل مس میت**س ۱۵۴****اشاره**

- شخص نابالغی که مس میت کرده برای صحت نمازش قبل از بلوغ باید غسل مس میت نماید یا لازم نیست؟

ج

- در فرض سؤال صحت نماز او موقوف به غسل مس میت است. و الله العالم.

س ۱۵۵**اشاره**

- شهیدی که در عملیات مرصاد بشهادت رسیده است آیا کسی دست بدن آن شهید بزند بر این شخص غسل واجب است یا خیر؟
و ضمناً این شخص تا بحال غسل نکرده است آیا نماز و روزه اش صحیح است یا خیر؟

ج

- شهید در معرکه غسل ندارد و دست زدن به او هم موجب غسل مس میت نمی‌شود و اگر در خارج از معرکه بشهادت رسیده باشد هرچند از اثر جراحاتی باشد که در معرکه باو رسیده غسل دارد و با دست زدن به او غسل مس میت واجب می‌شود و در صورت واجب شدن غسل مس میت روزه‌ها تمام صحیح است و نمازها هم از آن موقعی که غسل جنابت کرده هرچند غسل مس میت در نظرش نبوده صحیح است ولی باید نمازهایی را که تا قبل از انجام غسل جنابت بجا آورده قضا کند.

س ۱۵۶

اشاره

- آیا مس میت وضو را باطل می‌کند؟

ج

- بنا بر احتیاط مس میت مبطل وضو است. و الله العالم.

س ۱۵۷

اشاره

- مس میت کافر غسل لازم دارد؟

ج

- بلی با مس بدن کافر، غسل مس میت لازم می‌شود. و الله العالم.

س ۱۵۸

اشاره

- اگر میتی را به جهت عذری مثل شکستگی یا سوختگی و مانند آنها نتوانند غسل دهند و بدل از غسل تیمم داده باشند آیا بر مس کننده واجب است غسل مس میت کند یا نه؟

ج

- در مورد سؤال، غسل مس میت واجب نیست ولی تیمم دهنده باید غسل مس میت بنماید.

س ۱۵۹

اشاره

- تیم پزشکی در صورت سکتته قلبی تنفسی بیماران، موظف بانجام

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۴۹

عملیات احیاء بیماران بمدت نیم ساعت حد اقل، می‌باشد، آیا در صورتی که عمل پزشکان نتیجه‌بخش نباشد غسل مس میت بر افرادی که در این حال با بیمار در تماس می‌باشند واجب است یا خیر؟

ج

- غسل مس میت در صورتی واجب می‌شود که تمام بدن میت سرد شده باشد پس اگر هنوز تمام بدن سرد نشده چنانچه عضوی از انسان به موضع سرد شده هم برسد غسل ندارد.

س ۱۶۰

اشاره

- آیا با مسح (لمس) خون جامد شده انسان که در جنازه موجود است، غسل مس میت واجب می‌شود یا نه؟ برای اینکه جنازه خشک نشود به داخل آن ماده‌ای بنام (فرمالین) تزریق می‌کنند آیا با لمس این ماده که هنگام تشریح از بدن آن خارج می‌شود، غسل واجب می‌شود یا نه؟

ج

- در مورد هر دو سؤال اگر بدن میت مس نشده لمس خون جامد یا ماده مذکور، غسل واجب نیست.

س ۱۶۱

اشاره

- آیا غسل جمعه مجزی از غسل مس میت هست یا نه؟

ج

- غسل جمعه مجزی از غسل مس میت نیست فقط غسل جنابت مجزی است هرچند غفلت از غسل مس میت داشته باشد.

غسل میت

س ۱۶۲

اشاره

- در شهرهای بزرگ مثل تهران که تراکم جمعیت در آنها بیشتر است همه روزه عده کثیری فوت می‌شوند و با محدودیتی که غسلخانه‌ها دارند حتی گاهی سبب می‌شود جنازه‌ها چند روز در نوبت برای غسل نگهداری شوند اگر دستگاهی ساخته شود که خود دستگاه همه کارهای غسل را انجام بدهد و یا اینکه با زدن کلید برق برای هر قسمت از بدن میت دستگاه کارها را انجام بدهد آیا این نحوه غسل از نظر شرع مقدس اسلام کفایت از غسل میت می‌کند یا نه؟

ج

- در فرض سؤال باید هر یک از غسلهای سه گانه میت به مباشرت غسل دهنده انجام شود و استفاده از وسایل برقی برای باز کردن شیر آب و یا جابجائی جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۰
جسد اشکال ندارد اما اگر دستگاه خود کار باشد که مباشرت غسل دهنده در آن نباشد هر چند در یک غسل یا یک عضو هم باشد غسل صحیح نیست.

س ۱۶۳

اشاره

- اگر برای زن مثل پیدا نشود که او را غسل دهد و مردانی که به او محرمند نباشند مردان اجنبی می‌توانند او را غسل دهند؟

ج

- در فرض سؤال غسل ساقط است اگر چه احتیاط این است که با امکان غسل بدون نظر، غیر مماثل او را غسل دهد.

س ۱۶۴

اشاره

- در حال غسل میت اگر چنانچه ظرفی که با آن آب سدر و کافور روی میت میریزند با بدن میت برخورد کند آیا باید آن ظرف را آب کشید و مجدداً داخل ظرف کافور و سدر زد یا نه؟

ج

- باید ظرف مذکور آب کشیده شود سپس با آن ظرف از ظرف کافور و سدر آب کافور و سدر برداشته شود.

س ۱۶۵

اشاره

- کسی که میت را غسل می‌دهد اگر به عورت میت نگاه نکند ولی دست او هنگام غسل به عورتین میت بخورد و آنها را بشوید بدون دستکش و بدون پارچه آیا اشکال دارد یا خیر؟

ج

- اشکال دارد.

س ۱۶۶

اشاره

- اگر میت دندان مصنوعی داشته باشد و بیرون آوردن آن اسباب مجروح شدن میت شود ماندن دندان در دهان میت چه حکمی دارد؟

ج

- در فرض سؤال بیرون آوردن دندان لازم نیست بلکه در صورتی که مستلزم مجروح شدن اطراف دهن میت شود جایز نیست. و الله العالم.

نماز میت

س ۱۶۷

اشاره

- نماز میت باید متصل به تدفین باشد یا منفصل هم مانعی ندارد؟

ج

- نماز میت باید قبل از دفن میت باشد و لازم نیست متصل به دفن باشد. و الله العالم.

س ۱۶۸

اشاره

- در نماز بر میت اگر ادعیه مأثوره مقدم و مؤخر خوانده شود مثلاً بعد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۱

از تکبیر اول دعای سوم، و بعد از تکبیر سوم دعای اول خوانده شود، در صورتهای زیر چه حکمی دارد؟
در بین نماز متوجه شوند.) بعد از نماز بر میت متوجه شوند.

بعد از دفن میت متوجه شوند؟

ج

- در هر سه مورد عدم وجوب اعاده نماز بعید نیست ولی احتیاط باعاده نماز ترک نشود، البته در صورتی که میت دفن شده بقبر او نماز خوانده شود.

س ۱۶۹

اشاره

- شخصی گاهی نماز میت می‌خواند اعراب را دقت نمی‌کند ولی خودش متوجه نیست آیا نماز باطل است یا نه و نمازهایی که تا حال خوانده ولی شک دارد که اعراب را اشتباه خوانده یا نه برای این نمازها چه کار کند؟

ج

- در هر موردی که معلوم شود غلط خوانده باید نماز میت دوباره خوانده شود. و الله العالم.

س ۱۷۰

اشاره

- در روستائی که مرسوم است برای تجهیز میت مردم به مشارکت یکدیگر اقدام می‌کنند و جمعی معین و غیر معین مشغول غسل شده و یک نفر خاص نماز میت را می‌خواند آیا غسل دهندگان و یا آنکه نماز می‌خواند بازبایستی از ولی میت اذن بگیرد- یا اینکه چون این کیفیت رسم شده احتیاج به اذن نیست؟

ج

- بعید نیست اکتفاء به دلالت ظاهر حال اولیاء میت بر رضای آنها باقدام دیگران، بلی اگر ولی میت عالم به حکم اعتبار اذن او در اقدام دیگران نباشد احوط استیذان از او است اگر چه علم برضای او داشته باشند.

س ۱۷۱

اشاره

- اگر ولی نمازخوان نبود و کس دیگری خواست نماز بخواند- یا ایام دهه محرم یا ماه مبارک بود و روحانی برای تبلیغ آمده بود- آیا آنها احتیاج به اذن گرفتن دارند؟

ج

۱- اگر سیره محلی بر اقامه نماز از طرف روحانی باشد و میت را برای نماز بر آن بگذارند که روحانی بر آن نماز بخواند مثل شاهد حال دلالت بر اذن ولی دارد.

س ۱۷۲

اشاره

۱- اگر یکی از اولیاء میت در محل نباشند و یک روز یا دو روز و گاهی بیشتر طول می کشد تا مراجعت نمایند وظیفه چیست آیا بایستی صبر کنند
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۲
یا اینکه میت را تجهیز کنند؟

ج

۱- در فرض سؤال از بقیه اذن بگیرند.

س ۱۷۳

اشاره

۱- نماز خواندن بر میت در قبرستان جایز است یا خیر؟

ج

۱- جایز است.

دفن میت

س ۱۷۴

اشاره

۱- دختری ۵ یا ۶ ماهه از مادر سقط شده و والدین واقف به مسائل شرع نبوده لذا، بدون غسل و کفن او را در پارچه‌ای پیچیده و دفن کرده‌اند و اکنون ۳ سال از این جریان می گذرد تکلیف آنان چیست؟

ج

۱- در مورد سؤال که سه سال است از دفن گذشته فعلاً تکلیفی ندارید. و الله العالم.

س ۱۷۵

اشاره

- اگر از میت فقط دست و یا پا مانده باشد در دفن باید رعایت قبله شود یا هر جور می شود دفن کرد؟

ج

- در فرض سؤال وجوب مراعات قبله معلوم نیست گرچه خوب است بهمان نحوی که دست و پا در دفن بدن واقع می شود بهمان نحو قرار دهند.

س ۱۷۶

اشاره

- میت را قرار است به مشاهد مشرفه نقل دهند ولی او را در زمین دفن نمی کنند بلکه او را در بنائی می گذارند و روی او بنا می کنند جایز است یا خیر؟

ج

- واجب است میت را در زمین دفن کنند و میت را روی زمین گذاشتن و با بناء او را پوشاندن جایز نیست.

س ۱۷۷

اشاره

- شخصی را در زمین دفن می کنند که بعد به مشهد مقدس منتقل کنند بعد از یک سال و نیم آن جسد را در آوردند بوی تعفن می داد کفن از بین رفته کفن را عوض کردند و به مشهد بردند آیا این کار جایز است یا خیر؟

ج

- در صورت مرقوم با احتمال عرفی بقاء تعفن، نبش قبر معرض هتک است و جایز واقع نشده است ولی دفن آن در مشهد مقدس بی اشکال واقع شده است.

س ۱۷۸

اشاره

- مادر این جانب حدود ۱۰ روز قبل برحمت ایزدی پیوست درحالی که

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۳

بارها گفته بود مرا بهشت زهرا دفن نکنید نزد برادرم در علی بن جعفر ببرید لکن در آن شرایط غیر عادی او را در بهشت زهرا به صورت امانت سپردیم اما در آنجا او را دفن نمودند آیا می‌توانیم او را به قم انتقال دهیم؟

ج

- بطور کلی اگر وصیت کرده باشد که در مکان خاصی مثل قم او را دفن نمایند اگر خلاف وصیت عمل شده باشد و در محل دیگر دفن کرده باشد در صورتی که نبش موجب هتک میت نشود باید نبش نمایند و طبق وصیت عمل کنند.

مراسم ترحیم و یادبود

س ۱۷۹

اشاره

- زنهایی که گیسوان خودشان را در مصیبت قیچی کنند یا ببرند کفاره بر آنها واجب می‌شود اگر برای اصلاح کردن یا زینت دادن این عمل را انجام دهند کفاره تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج

- قیچی و اصلاح مو جهت زینت کفاره ندارد.

س ۱۸۰

اشاره

- پولهایی که برای برگزاری مراسم ترحیم خرج شده است از کجا تأمین شود آیا از اصل ترکه یا از ثلث (اطعام کرایه اتوبوس چاپ اعلامیه ترحیم - خرج مسجد محل برگزاری مراسم - مزد و انعام افراد خدمت‌کننده در مراسم ترحیم از قبیل: قاری قرآن موزع قرآن - چای‌ریز - آشپز - نوحه‌خوان - سخنران و ...).

ج

- اگر متوفی وصیت کرده که مراسم ترحیم برگزار کنند باید از ثلث تأمین شود ولی اگر در این خصوص چیزی نگفته و برای ثلث مصارف دیگری تعیین نموده کبار ورثه می‌توانند از اموال خودشان مصرف کنند و چنانچه میت صغیر داشته باشد نمی‌توانند از مال صغیر خرج کنند.

س ۱۸۱

اشاره

- حجله‌هایی که برای اموات می‌گذارند و گلهای طبیعی که روی جنازه و قبر می‌ریزند آیا مصداق تبذیر مال هست یا وجه شرعی دارد؟

ج

- آنچه مسلم است این سکه اگر جوهری که در این راه‌ها مصرف می‌شود صرف خیرات و دادن صدقه برای میت شود از جهات متعدد مستحسن و مستحب و موجب انتفاع میت است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۴

س ۱۸۲

اشاره

- آیا درست است یک نفر که یکی از بستگانش فوت می‌نماید زیر دیون دیگران واقع شود و مبلغی را از شخصی قرض نماید و ناچار شود زیاده از آن مبلغ را به عنوان ربا به قرض دهنده بپردازد تا در نظر مردم محترم شود؟ مستدعی است راهنمایی فرمائید.

ج

- قرض ربوی حرام و از گناهان کبیره است آنچه که برای میت نفع دارد خیرات و میراث است و در درجه اول اداء دیون او مثل خمس و زکات و بدهکاریهای او به اشخاص و کفارات و مظالم و حج نیابتی برای او اگر در ذمه داشته باشد که این امور در صورتی که میت مدیون آنها باشد همه از اصل ترکه او برداشته می‌شود و همچنین قضاء نماز و روزه او و بعد هم خیرات مستحبه مثل صدقه و احسان بفقراء و امور خیریه دیگر و اگر وصیت کرده باشد به وصیت او تا مقدار ثلث ترکه او عمل شود و در زائد بر ثلث هم اگر کبار ورثه عمل نمایند احسان به او است و راجع به مراسم معموله جهت عزای اموات و عروسیها و مجالس ضیافت و میهمانیها مقتضی است از مخارج سنگین که صاحبان عزاء یا عروسی از تحمل آن بزحمت و حرج می‌افتند و غالباً رجحان شرعی ندارد خودداری نمایند و سیره و روش حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرین علیهم السلام و راهنمائیهای اخلاقی اسلامی را سرمشق قرار دهند و به اقتصاد عمل نمایند و حتی کسانی که اهل تمکن و توانائی مالی هستند نیز مناسب است در این قبیل مراسم میانه روی را مراعات نمایند تا کسانی که متمکن نیستند بملاحظه عرف معمول گرفتار قرض و زحمت نشوند و مخصوصاً اگر این مراسم برای رقابت و همچشمی‌های دنیائی باشد هرگز موجب اجر برای زنده و مرده نخواهد شد و حال همان شخص را خواهد داشت که بر حسب بعضی اخبار در زمان حضرت امیر المؤمنین سلام الله علیه برای رقابت و اظهار ریاست نه برای خدا و اطعام فقرا سیصد شتر قربانی کرد و حضرت خوردن گوشت آنها را بر مردم تحریم نمود و احدی از آنها نخورد خداوند متعال همه را موفق به پیروی از دستورات اخلاقی اهل بیت سلام الله علیهم بنماید.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۵

احکام بلوغ

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۷

احکام بلوغ

س ۱۸۳

اشاره

- با توجه به اینکه بعضی سن بلوغ دختر را ۱۳ سالگی اعلام کرده‌اند لطفاً نظر خود را در این مورد بیان فرمائید؟

ج

- بنظر این جانب بلوغ دختر با گذشت نه سال قمری از حین تولد او حاصل می‌شود.

س ۱۸۴

اشاره

- در چه سنی پسران به بلوغ می‌رسند؟

ج

- شرایط بلوغ برای پسران یکی از سه چیز است ۱- پایان ۱۵ سال قمری ۲- محتمل شدن و خروج منی از شخص ۳- روئیده شدن موهای درشت در قسمت زیر ناف.

س ۱۸۵

اشاره

- حد بلوغ و حد رشد چیست؟

ج

- از لحاظ سن حد بلوغ مذکر پایان ۱۵ سال و مؤنث ۹ سال است و حدّ رشد در اشخاص نسبت به امور مختلف است و اجمالاً رشد نسبت به امری یعنی بطور متعارف صلاح و فساد آن امر را درک کند. و الله العالم

س ۱۸۶

اشاره

- چرا سن معین شده (سن تکلیف) دختران و پسران فرق می‌کند.

ج

- بر حسب روایات فرق بین زمان بلوغ دختران و پسران است البته در

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۸

حکمت این فرق نکات متعددی گفته شده است که بیشتر مربوط بوضع جسمانی زن و مرد است اما در احکام خدا، ما حق چون و چرا نداریم و فرق بین آنها را از احکام خدا که خالق هر دو و عالم به همه جهات و مصالح هر دو است می‌فهمیم و تسلیم هر دو هستیم همانطور که در حدیث است مردم مانند بیمارند و خداوند متعال مثل طیب تکلیف بیمار برای رسیدن به صحت و سلامتی عمل به دستور طیب است هر چند طیب دستورهایش نسبت به مبتلایان به یک نوع بیماری یکنواخت و یکسان نباشد.

س ۱۸۷

اشاره

- آیا هیچ رابطه‌ای بین بلوغ و رشد هست یا خیر؟

ج

- غالباً در پسرها رشد و بلوغ با هم حاصل می‌شود و در دخترها با رسیدن بسن بلوغ رشد حاصل نمی‌شود به هر حال چنین نیست که هر بالغی رشید باشد یا هر رشیدی بالغ باشد بلی رشید نابالغ مکلف بتکالیف شرعی نمی‌باشد. و الله العالم

س ۱۸۸

اشاره

- آیا کسی که بالغ شد رشید هم هست و آیا کسی حکم رشد او از دادگاه صادر شده است لزوماً بالغ هم هست یا خیر؟

ج

- مسأله رشد و عدم رشد در صورتی در دادگاه قابل طرح و مورد حکم قاضی واقع میشود که بلوغ شخص بسن یا باامارات شرعی دیگر ثابت باشد. و الله العالم

س ۱۸۹

اشاره

- من در یکی از ماههای رمضان سالهای گذشته چند روز از روزه‌های خود را خورده‌ام و مطمئن نیستم که در آن زمان به سن تکلیف رسیده بوده‌ام یا نه البته اگر بخوام از سال قمری حساب کنم و چون تاریخ تولد ثبت شده در شناسنامه من با تاریخ حقیقی مطابقت ندارد و من نمی‌توانم حساب کنم که به سن تکلیف رسیده بودم یا نه تکلیف من چیست؟

ج

- با اینکه تاریخ قمری ولادت خود را نمی‌دانید و تاریخ شمسی آن را هم نمیدانید تکلیفی بر شما نیست بلی اگر تاریخ شمسی را میدانید طبق تفاوت شمسی با قمری تاریخ قمری را معین نمائید و با اینکه می‌دانید شناسنامه تاریخ حقیقی نیست شناسنامه میزان

نیست. و الله العالم.

س ۱۹۰

اشاره

- اگر متوجه شود که مدتی از بلوغ او گذشته و نماز و روزه اش را در جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۵۹ این مدت بطور کامل انجام نداده آیا باید قضا کند و در روزه کفاره لازم است یا خیر؟

ج

- باید آنچه از نماز و روزه صحیح انجام نداده قضا کند. اما نسبت به کفاره اگر تقصیری در بین نباشد کفاره ندارد. و الله العالم. جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۱

احکام نماز

اشاره

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۳
نماز

اذان

س ۱۹۱

اشاره

- مؤذن نماز جمعه در موقع اذان ظهر وقتی که اذان بلند چه از طریق بلند گو یا بدون بلند گو می گوید و روبروی نماز گزاران قرار گرفته است اگر نماز گزاران در مسجد نشسته‌اند و آماده برای خطبه‌های نماز جمعه هستند هر قسمتی از اذان را که می شنوند بلافاصله دسته جمعی با صدای معمولی بگویند و این کار تا آخر اذان ادامه داشته باشد آیا این عمل مستحب است و ثوابی دارد یا نه؟

ج

- بلند حکایت کردن فصول اذان اشکال ندارد و خصوصاً در فصول آن که مشتمل بر ذکر الله است رجحان دارد ولی بقصد ورود و خصوصیت چون دلیلی بر آن در نظر نیست جایز نیست چنانکه بلند گفتن آن به هیئت اجتماعی نیز به نیت ورود جایز نیست و بدون نیت ورود نیز چون به صورت برنامه دینی ارائه می شود اولی ترک است بطور کلی سزاوار است مؤمنین در همه برنامه‌های دینی به آنچه از

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۴

دین رسیده است اکتفا نمایند و سلیقه‌ها و استحسانات شخصی را ترک کنند مبادا چیزهایی که در دین نیست به تدریج وارد دین شود و از دین شمرده شود.

وقت نماز

س ۱۹۲

اشاره

- با توجه به این که اذان صبح را با افزودن دقایقی (۷ تا ۱۰ دقیقه) به ساعت شرعی می‌گویند آیا اشکال شرعی ندارد؟

ج

- به طور کلی اذان مؤذن مورد وثوق و عارف به وقت برای هر محل معتبر و مورد اعتماد است و تا مؤذن شروع به اذان نکرده باشد و از طرق شرعی دیگر نیز احراز دخول وقت نشده باشد در روزه امساک از اکل و شرب واجب نیست و با شروع به اذان امساک واجب است چنانکه شروع به نماز نیز جایز است مع ذلک احتیاط آن است که در روزه مقدار کمی زودتر از اذان خودداری از اکل و شرب کند و حکم اذان رادیو هر شهر و محل نیز در اعتبار دائر مدار این است که مؤذن را مشخص به صفت وثوق و معرفت کامل وقت بشناسند و الا اگر بطور شرعی دخول وقت را احراز نمایند خواندن نماز مجزی نیست.

س ۱۹۳

اشاره

- آیا حکم لیالی مقمره با لیالی دیگر فرق دارد؟

ج

- فرق ندارد. و الله العالم.

س ۱۹۴

اشاره

- نسبت به تعیین نصف شب شرعی راه دقیق و مشخص کدام است؟

ج

- جهت وقت نماز عشاء بنا بر احتیاط شب را از مغرب تا اذان صبح حساب کنید. و الله العالم.

س ۱۹۵

اشاره

- آیا بعد از طلوع آفتاب تا قبل از اذان ظهر می‌شود نماز قضا خواند یا خیر؟

ج

- مانعی ندارد.

قبله

س ۱۹۶

اشاره

- اکنون که علم پیشرفت کرده است و بشر با سفینه به فضا می‌رود در

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۵

آنجا برای نماز به چه سمتی باید ایستاد، و آیا مکانی در روی زمین وجود دارد که قبله نداشته باشد؟

ج

- در روی زمین مکانی که قبله نداشته باشد نیست و چون محاذی کعبه معظمه هر چه به طرف بالا- برود قبله محسوب می‌شود بنابراین باید در فضا، نماز گزار بطرف محاذی کعبه نماز بخواند.

س ۱۹۷

اشاره

- انحراف تعمّدی از جهت دقیق قبله در نماز تا چند درجه مجاز است؟

(توضیح اینکه این شرکت در حال طراحی مسجدی برای سپاه پاسداران است، آیا می‌تواند این مسجد را با ۴ درجه انحراف از قبله

قرار دهد، اما به نماز گزاران اعلام شود که مسجد رو به قبله است؟)

ج

- انحراف عمدی از قبله اگر کم باشد مثل چهار درجه که عرفاً شخص رو به قبله شمرده شود اشکال ندارد و صدق حالت استقبال در نظر عرف کافی است، بناء مسجد نیز با این انحراف کم عرفاً رو به قبله است ولی چون مفهوم اعلام رو به قبله بودن مسجد صورت تدقیقی و حقیقی استقبال است و علاوه معروض این است که بعض نماز گزاران به گمان دقت و مراعات استقبال حقیقی در

تعیین قبله مسجد با انحراف جزئی از قبله مسجد که علی‌الغرض تدقیقی و حقیقی نیست از حدّ استقبال عرفی معتبر خارج شوند این اعلام که خلاف واقع است و مفهوم کذب دارد جایز نیست.

لباس نمازگزار

س ۱۹۸

اشاره

- لباس‌هایم نجس می‌باشد و عوض کردن آن برای من امکان‌پذیر نیست چگونه نماز بخوانم؟

ج

- چنانچه بتوانید با یک لنگ و یا چیزی شبیه به آن که بشود عورتین را مستور کند نماز بخوانید باید این کار را بکنید و اگر ممکن نشود با یک لباس نجس که عورتین را بپوشاند نماز بخوانید و لباس نجس دیگری در حال نماز بر تن شما نباشد. و الله العالم. جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۶

س ۱۹۹

اشاره

- موی خرگوش همراه با لباس نمازگزار چه حکمی دارد؟ و اگر اشکال داشته باشد تکلیف نمازهای خوانده شده به این کیفیت چیست؟

ج

- خرگوش حرام گوشت است اگر نمازگزار عمداً با موی خرگوش نماز بخواند نمازش باطل است و لو اینکه جاهل به حکم باشد و نمازهایی را که عمداً با کیفیت مذکور خوانده باید قضا کند. و الله العالم.

مکان نمازگزار

س ۲۰۰

اشاره

- در خانه‌ای که نسق زراعی بوده- زمین مربوط به اصلاحات ارضی رژیم سابق است که از زارع خریداری شده- میتوان ساکن شد و خواندن نماز در خانه مذکور صحیح است یا خیر؟

ج

- اگر عرفاً محتمل باشد که ید شخصی که فعلاً زمین در ید او است ید مشروع و غیر غاصبانه باشد تصرف غیر ذی الید با اذن ذی الید در آن جایز است و اما شخص ذی الید که عالم بوضع زمین است باید طبق علم خود عمل کند.

س ۲۰۱

اشاره

- برای اجاره خانه مؤجر مبلغی وجه نقد بعنوان قرض الحسنه و مبلغی هم ماهیانه مال الاجاره از مستأجر دریافت میکند سکونت در آن خانه مجاز، و خواندن نماز درست است یا خیر؟

ج

- اگر نحوه اجاره اینطور بوده که مؤجر خانه را به مستأجر به مال الاجاره معین و مدت معلوم اجاره دهد و در ضمن عقد اجاره شرط کند که مستأجر مبلغ معینی هم به او قرض الحسنه بدهد صحیح است و در این صورت نماز خواندن در آنجا هم جایز است.

س ۲۰۲

اشاره

- نماز خواندن در محلی که تار و موسیقی استعمال می‌کنند چه حکمی دارد؟

ج

- اگر مجلس معصیت صدق کند مثلاً داخل یک اطاق باشد اشکال دارد ولی اگر در جائی نماز بخواند که صدای موسیقی شنیده میشود و نماز گزار خارج از مجلس موسیقی باشد و قصد گوش دادن نداشته باشد هر چند قهراً بشنود اشکال ندارد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۷

س ۲۰۳

اشاره

- زمینی را که سالهای قبل تحت تصرف افراد بهائی بوده و بوسیله سازمان زمین شهری مصادره شده است به مسجد تبدیل نموده‌اند آیا نماز خواندن در آن صحیح است یا نه؟

ج

- در مورد سؤال چنانکه آن بهائی زمین مذکور را بعد از بهائی شدن مالک بوده و سپس توسط حکومت اسلامی مصادره شده تصرف و نماز خواندن در آن زمین اشکال ندارد.

س ۲۰۴

اشاره

- اگر بدانیم که مکانی از پول مجهول المالک توسط شخصی احداث شده و مجبور به ماندن در آن مکان هستیم حکم نماز خواندن و تصرفاتی که در این پول می‌شود چیست؟

ج

- اگر منظور اینست که شخص مذکور، آن مکان را با پول مجهول المالک برای خودش احداث کرده و بعد تحت اختیار دیگران گذاشته در این صورت چنانچه زمین و مصالح را با معامله کلی و ذمه‌ای تهیه نموده تصرف برای ساکنین در آن اشکال ندارد ولی اگر با معامله عین بعین تهیه کرده جواز تصرف منوط با اجازه حاکم شرع جامع الشرائط است.

تکبیره الاحرام

س ۲۰۵

اشاره

- آیا جهر و اخفات تکبیره الاحرام تابع نمازهای جهریه و اخفاتیه است و یا اینکه در تمام نمازهای یومیّه نماز گزار مخیر بین جهر و اخفات تکبیره الاحرام است و آیا در نماز جماعت چه حکمی دارد؟ آیا عدم رعایت جهر و اخفات تکبیره الاحرام سهواً چه صورت دارد؟

ج

- در نماز جماعت برای امام جهر مستحب است چه در نمازهای جهریه و چه در اخفاتیه و مأموم بهتر است اخفات کند و در نمازهای فردی حکم سایر اذکار را دارد که مصلی مختار است. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۸

س ۲۰۶

اشاره

- اگر انسان در اثر سرگیجه در حال گفتن تکبیره الاحرام، بی‌اختیار حرکت کند، با توجه به این که گفتن تکبیره الاحرام در حالت آرامش و سکون مستلزم تکرار چندین باره آن می‌باشد آیا این تکرار لازم است؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه شخص مذکور متمکن است که تکبیره الاحرام را در حال استقرار بدن بگوید و برای او مشکل نباشد باید

در حال استقرار بدن بگوید و لو به تکرار، بلی اگر حرکت کم باشد بطوری که استقرار صدق کند اشکال ندارد و نباید تکرار کند.

قیام

س ۲۰۷

اشاره

- شخصی نماز را ایستاده بجا می‌آورد ولی در رکعت آخر در اثر کمردرد، پادرد یا به علت دیگر می‌نشیند نماز را نشسته تمام می‌کند آیا اعاده لازم دارد یا خیر؟

ج

- در صورتی که عاجز از قیام بوده مجزی است و اعاده لازم نیست. و الله العالم.

س ۲۰۸

اشاره

- توضیح دهید که بعد از خواندن حمد و سوره یا بعد از قنوت آیا می‌توان بلافاصله به رکوع رفت یا بقدر یک ثانیه باید صبر کرد؟

ج

- بعد از تمام شدن سوره که تماماً در حال قیام خوانده شده باشد صبر کردن لازم نیست می‌تواند فوراً به رکوع برود و همچنین بعد از قنوت. و الله العالم.

قرائت

س ۲۰۹

اشاره

- در نماز اگر در جمله «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» بین «الشیطان و الرجیم» کلمه لعین را نیز اضافه کند اشکال دارد؟

ج

- اضافه کردن «اللّٰعین» اشکال ندارد. و الله العالم.

س ۲۱۰

اشاره

- شخصی وفات یافته و از جوانی ایشان نمازهای خود را با قرائت

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۶۹

سوره حمد با اختلاف با سایر قرائات می خوانده‌اند به این صورت که:

به جای «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، «صِرَاطَ مَنْ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» و به جای «وَلَا الضَّالِّينَ»، «وَالضَّالِّينَ» می خوانده‌اند ایشان در آن زمان توجه به مسائل شرعیه داشته و مقید بوده‌اند و این نوع قرائت را مقبول و مبری ذمه می دانستند،

۱- آیا چنین قرائتی وجود دارد؟

۲- در صورت وجود چنین قرائتی خواندن نماز با آن مجزی و مبرء الذمه است یا نه؟

۳- در صورت عدم کفایت این قرائت از نماز تکلیف ورثه این شخص چیست؟ با توجه به اینکه ایشان در این مورد وصیتی نداشته‌اند.

ج

- قرائت قرآن کریم بر حسب روایات و اتفاق فقهاء عظام رضوان الله عليهم طبق قراءات معروفه و مشهوره در عصر حضرات ائمه طاهرين عليهم السلام کافی و مجزی است که معروفترین و مشهورترین آنها قرائت ده نفر است که قرائت هفت نفر آنها شهرت و تداول بیشتر داشته و میتوان اقتصار بر قرائت این هفت نفر را موافق با احتیاط و قدر متیقن دانست، و قرائت (من انعمت) و (غیر الضالین) از هیچ یک از این هفت نفر نقل نشده و از قرائات مشهوره نیست و منحصرأً قرائت عمر بن الخطاب و عبد الله بن زبیر بوده و مع ذلك در بین اهل سنت نیز معمول بها نشده و با اینکه قرائت عمر است از قرائات متروکه است. و روایتی که در تفسیر علی بن ابراهیم است بقرینه روایات دیگر که همین قرائت مشهور را که مصاحف همه مطابق با آن است تأیید مینمایند قابل حمل بر تقیه است و به هر حال استقرار سیره شیعه اهل بیت عليهم السلام خلفاً عن سلف بر همین قرائت مشهور دلیل بر عدم جواز این قراءات شاذه است و بنابراین نهایت امر این است که شخص مذکور معذور است و انشاء الله تعالی معاقب نباشد ولی اعمالش مجزی و امثال و اطاعت امر نیست و ظاهراً ورثه و ولد اکبر او که باید قضای نمازهای فوت شده از والد را بجا آورد در مثل این صورت مکلف بقضاء نمازهای او نیست بلی اگر اصل نماز از او فوت شده باشد قضاء آن بعهده ولد اکبر است مع ذلك اگر تبرعاً قضاء نمازهای او را بجا آورند یا استیجار نمایند خیر و احسان بمیت خواهد بود. و الله العالم

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۰

س ۲۱۱

اشاره

- اگر کسی در رکعت سوم نماز مشغول حمد و سوره شد و در وسط سوره یا پایان آن ملتفت شود چه باید بکند.

ج

- در فرض سؤال، تسبیحات اربعه را بخواند.

س ۲۱۲

اشاره

- شخص مکلف از روی جهل به حکم سه سال تمام نمازها را - چه رکعت اول و دوم و چه رکعات سوم و چهارم - با تسییحات خوانده است نمازها را قضا نماید یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال بنابر احتیاط واجب نمازهائی که بصورت مذکور در سؤال خوانده قضاء نماید. و الله العالم.

س ۲۱۳

اشاره

- آیا در تلاوت قرآن مع القواعد فتحه و کسره و ضمّه لهجه هم واجب است آیا بدون لهجه اشکال دارد؟

ج

- باید کلمات به عربی صحیح تلفظ شود و ضمه و فتحه و کسره آخر هر کلمه در صورتی که وقف بر آن نشده باشد ظاهر شود. و الله العالم.

س ۲۱۴

اشاره

- در خواندن تسییحات به خاطر ندانستن مسأله بجای گفتن «... و لا اله إلا الله...» می‌گفتم «... و لا اله إلا الله...» تکلیف این جانب در مورد نمازهای گذشته‌ام چیست؟

ج

- در مورد سؤال نمازهائی که به نحو مذکور خوانده‌اید باید قضاء نمائید.

س ۲۱۵

اشاره

- آیا در نماز ظهر و عصر علاوه بر حمد و سوره باید تسییحات اربعه و اذکار دیگر را نیز باید آهسته بخواند؟

ج

- در فرض سؤال تسییحات اربعه هم مانند حمد و سوره آهسته خوانده می‌شود و در بقیه اذکار انسان مختار است آهسته بخواند یا بلند.

س ۲۱۶

اشاره

- خواندن نماز از روی کتاب در نمازهای واجب و مستحب چه حکمی دارد؟

ج

- اگر حافظ حمد و سوره باشد قرائت از روی قرآن کریم در نمازهای واجب خلاف احتیاط است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۱

س ۲۱۷

اشاره

- آیا نمازهایی که سالها با مخارج غلط حروف خوانده شده، بعد از تصحیح باید اعاده شود یا خیر؟

ج

- اگر بطوری بوده که به نظر عرف عرب غلط محسوب می‌شده باید اعاده و قضاء کند.

س ۲۱۸

اشاره

- آیا اگر کسی در نماز تجوید را رعایت نکند مثلاً در سوره توحید نون یکن را اظهار کند نماز او چه حکمی دارد آیا باطل است؟

ج

- خلاف احتیاط است ولی موجب بطلان نماز نیست.

س ۲۱۹

اشاره

- تلفظ صحیح حرف ضاد چگونه است و در صورت مشکل بودن وظیفه چیست؟

ج

- در تلفظ ضاد باید پهلوی زبان به دندانهای پهلو بخورد ولی اگر طوری ادا کند که در نظر اهل لسان عربی صحیح باشد کافی است.

س ۲۲۰

اشاره

- نمازهای یومیّه را من نمی‌توانم عربی بخوانم و نمی‌شود یاد بگیرم آیا می‌شود با زبانهای اسپانیولی و آمریکائی و غیره خواند یا نه حتماً باید عربی باشد؟

ج

- فرض اینکه شخص نتواند قرائت و اذکار واجب نماز را فرا بگیرد، بسیار نادر است و نوع مردم می‌توانند یاد بگیرند لذا بر هر کس واجب است حمد و سوره و اذکار نماز را بهمان الفاظ عربی یاد بگیرد بلی اگر کسی در تنگی وقت بخواهد نماز بخواند مثل شخصی که در تنگی وقت مسلمان شده باشد و فرصت برای فرا گرفتن نباشد باید اگر ممکن است به تلقین دیگری همان الفاظ عربی را بخواند و اگر ممکن نیست و ترجمه آن الفاظ را بزبان دیگر می‌داند ترجمه آن را بخواند به هر حال یاد گرفتن الفاظ عربی نماز واجب است و ترک آن گناه و موجب استحقاق عقاب است.

س ۲۲۱

اشاره

- اگر کسی اطلاع نداشته که باید قرائت را صحیح بخواند و نمی‌دانسته قرائت او اشتباه است و کسی هم به او نگفته و تا حال قرائت را غلط خوانده است آیا نمازهای قبلی را باید قضا نماید یا نه؟

ج

- باید نمازهایی را که جهلاً با قرائت صحیح نخوانده قضا کند. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۲

س ۲۲۲

اشاره

- کسی که نماز جمعه نخواند و می‌خواهد نماز ظهر بخواند آیا قرائت را باید با جهر بخواند یا اخفات و آیا اصلاً جهر جایز است یا نه؟

ج

- مستحب است قرائت نماز ظهر روز جمعه را جهرآ بخوانند. و الله العالم.

س ۲۲۳

اشاره

- در خواندن حمد و سوره نماز عرفاً صدا باید تا چه اندازه باشد تا اشکالی در نماز بوجود نیاید؟

ج

- در مواردی که باید جهرآ خوانده شود موقعی که کلمات را ادا می‌کند صدای او باید جوهر داشته باشد. و الله العالم.

قنوت

س ۲۲۴

(الف)

اشاره

در قنوت نمازهای واجب می‌شود به صورت فارسی دعا کرد؟

جامع الاحکام؛ ج ۱؛ ص ۷۲

ج- الف)

وظیفه قنوتی انجام نمی‌شود ولی مبطل نماز نیست.

س- ب)

اشاره

شخصی از اول تکلیف تا حدود هفت سال در قنوت نمازش «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ الْحَسَنَةَ» می‌خوانده است و الف و لام در حسنه آخر اضافه می‌کرده و خیال می‌کرده صحیح می‌خواند آیا نمازهایش باطل و قضا دارد یا نه؟

ج-ب)

در فرض سؤال، نمازهائی که خوانده صحیح است و قضا لازم نیست.

س-ج)

اشاره

آیا در ذکر قنوت رعایت اعراب و تجوید لازم است یا نه؟ تا چه حد؟

ج-ج)

رعایت تجوید واجب نیست لکن باید بنحو صحیح خوانده شود.

س ۲۲۵

اشاره

-

الف)

اشاره

در صورتی که قنوت را فراموش کند آیا قابل تدارک است یا نه؟

ج-الف)

بلی بعد از رکوع می‌تواند تدارک نماید.

س-ب)

اشاره

در صورتی که عمداً قنوت را ترک کند می‌تواند بعداً به جای آورد؟

ج-ب)

با فرض ترک عمدی، قنوت قابل تدارک نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۳

سجده و رکوع

س ۲۲۶

اشاره

- در نماز یومیه در رکوع یا سجود یک مرتبه می‌گوییم سبحان الله نماز درست است یا خیر؟

ج

- یک مرتبه سبحان الله کافی نیست نمازهایی که به صورت مذکور خوانده‌اید قضا نمائید. ولی در تنگی وقت و حال ناچاری یک سبحان الله کافی است.

س ۲۲۷

اشاره

- اگر کسی در نماز به جای ذکر رکوع و سجده بر اثر بی‌سوادی و ندانستن و تعلیم غلط صلوات بفرستد نماز صحیح است؟ و در صورت صحیح نبودن آیا باید قضاء آن را بجا آورد؟

ج

- در مورد سؤال باید نمازها را قضا کند. و الله العالم.

س ۲۲۸

اشاره

- آیا صلوات جزء اذکار است؟

ج

- بلی جزء اذکار است ولی در محلی که ذکر خاصی برای آن معین شده مثل رکوع و سجود و رکعت سوم و چهارم اکتفاء بصلوات جایز نیست و باید همان ذکر خاص خوانده شود.

س ۲۲۹

اشاره

- می‌توان در رکوع و سجود جای تسبیح صلوات بگوید؟

ج

- در رکوع و سجود نمیتوان به آن اکتفاء نمود.

س ۲۳۰

اشاره

- بعضی‌ها بعد از ذکر واجب سجده می‌گویند «وَعَجِلْ فَرَجَهُمْ وَاحْشِرْنَا مَعَهُمْ وَالْعَنْ اَعْدَائِهِمْ» آیا گفتن این ذکر و جملات در نماز جایز است یا نه؟

ج

- اگر گفتن جملات مذکوره مورد داشته باشد مثلاً بعد از صلوات گفته شود و به قصد ورود نباشد اشکال ندارد. و الله العالم.

س ۲۳۱

اشاره

- اگر اشتهاً ذکر رکوع «سبحان ربی العظیم و بحمده» را در سجده گفته یا بر عکس «سبحان ربی الاعلی و بحمده» را در رکوع گفته آیا نمازش اشکال دارد؟

ج

- اشکال ندارد.

س ۲۳۲

اشاره

۱- اگر در حال ذکر سجده انگشت ابهام پا را عمداً حرکت دهد نمازش
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۴
چه صورتی دارد؟

ج

۱- اشکال دارد و پس از اعاده ذکر و اتمام صلاة نماز را احتیاطاً اعاده نماید. و الله العالم.

س ۲۳۳

اشاره

۱- اگر در حالت رفتن به سجده پیشانی نمازگزار سهواً به مهر بخورد و بعد سر را مقدار کمی بردارد و دوباره با آرامش کامل بر مهر بگذارد اشکال ایجاد می کند یا خیر؟

ج

۱- در مورد سؤال اگر به اختیار سر را بردارد و دوباره به مهر بگذارد دو سجده محسوب است ولی اگر بدون اختیار پیشانی به محل سجده بخورد و بلند شود سجده محسوب نمی شود دوباره که سجده را با آرامش انجام دهد صحیح است. و الله العالم.

س ۲۳۴

اشاره

۱- اگر در بین نماز محلّ سجده گاه (مهر) با جوشی که روی پیشانی تر کیده نجس شود همان لحظه تکلیف در نماز چیست؟

ج

۱- اگر خون تنها باشد و کمتر از درهم و مقداری از پیشانی که نجس نشده بر روی مقداری از مهر که نجس نشده قرار بگیرد بطوری که مسمای سجده بعمل بیاید نماز صحیح است.

س ۲۳۵

اشاره

۱- سجده و تیمم بر شیشه و موزائیک چه حکمی دارد؟

ج

- سجده و تیمم بر شیشه صحیح نیست و اما نسبت به موزائیک که مخلوط از سیمان و سنگ ریزه است چنانچه بین سنگهای آن فاصله نباشد سجده و تیمم بر آن اشکال ندارد چون در واقع تیمم و سجده به سنگ است ولی اگر پودر سیمان باعث فاصله بین سنگهای موزائیک بشود تیمم صحیح نیست ولی سجده در صورتی که مقداری از پیشانی که صدق سجده کند بر سنگهای آن واقع شود صحیح است. و الله العالم.

س ۲۳۶

اشاره

- شخصی نماز می‌خواند چه ادا چه قضا ولی بین دو سجده خوب نمی‌نشیند آیا نمازش باطل است یا نه؟

ج

- بلی بین سجده‌تین نشستن با طمأنینه لازم است. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۵

س ۲۳۷

اشاره

- در آنجا که نمازگزار ناچار است اگر لباسش از پنبه و کتان باشد باید به آن سجده کند آیا اگر جانمازی یا گلیم زیر پایش از پنبه باشد می‌تواند به آنها سجده نماید یا اینکه در این صورت نیز باید به پشت دست سجده کند؟

ج

- در فرض سؤال باید به جانماز و یا گلیم که از پنبه است سجده کند.

س ۲۳۸

اشاره

- شخصی مدتی هنگام نماز در سجده دستها را روی زمین نگذاشته آیا نمازهایش صحیح است؟

ج

- اگر می‌توانسته کف دستها را به زمین بگذارد و نگذاشته باید قضاء کند. و الله العالم.

س ۲۳۹

اشاره

- مشاهده، شنیدن و یا دیدن از طریق نوار کاست و ویدئو و یا استماع از طریق پخش مستقیم رادیو و تلویزیون و نوشتن آیاتی که دارای سجده واجب می‌باشند چه حکمی دارد؟

ج

- مشاهده آیات سجده و یا نوشتن آنها موجب وجوب سجده نمی‌شود. ولی استماع آن از طریق نوار یا پخش غیر مستقیم رادیو و تلویزیون، با احتیاط واجب موجب وجوب سجده است و استماع از طریق پخش مستقیم آنها موجب وجوب سجده است. و الله العالم.

س ۲۴۰**اشاره**

- آیا سجده برای غیر خدا جائز است؟

ج

- جائز نیست.

س ۲۴۱**اشاره**

- آیا سجده در مقابل قبر امامان و امامزادگان جائز است؟

ج

- جائز نیست مگر اینکه سجده شکر باشد یعنی بخاطر اینکه خداوند او را موفق به زیارت قبر امام علیه السلام نموده سجده برای خداوند متعال بجهت شکر بجا آورد.

س ۲۴۲**اشاره**

- آیا سجده بعنوان سجده شکر و یا سجده تعظیم و غیره در مقابل قبور امامان و امامزادگان جائز است؟

ج

- سجده شکر بنحوی که در جواب سؤال قبل گفته شد اشکال ندارد.

س ۲۴۳

اشاره

- در صورتی که این سجده موجب وهن مذهب گردد یا عده‌ای جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۶ تصور کنند که سجده برای امام (ع) یا امامزادگان انجام گرفته جائز است؟

ج

- چون موارد مختلف است بستگی بمورد دارد پس اگر طوری باشد که موجب وهن مذهب باشد جائز نیست.

س ۲۴۴

اشاره

- بوسیدن زمین در مقابل حرم و عتبه مقدسه چه حکمی دارد؟

ج

- بوسیدن عتبه که عنوان سجده ندارد اشکال ندارد.

س ۲۴۵

اشاره

- در صورتی که اگر توده مردم تفاوت بین بوسیدن و سجده کردن نگذارند این بوسیدن چه حکمی دارد؟

ج

- توده مردم بین سجده و بوسیدن فرق میگذارند.

تشهد و سلام

س ۲۴۶

اشاره

- نماز گزار در حین نماز در رکعت دوم که تشهد را قرائت می کند قبل از صلوات قیام می کند آیا نماز باطل می گردد و آیا صلوات تشهد رکن نماز است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال اگر سهواً قبل از تمام شدن صلوات تشهد قیام کرده و در حال قیام متذکر شده برگردد و (منسی) فراموش شده را انجام دهد و بعد به سایر وظائف خود عمل کند نماز صحیح است و اگر بعد از رکوع متوجه شده برگردد و نماز را تمام کند بعد قضاء فراموش شده را بجا آورد و دو سجده سهو نیز بجا آورد.

س ۲۴۷

اشاره

- کسی که در سلام نماز هم ذکر «السلام علینا...» و هم ذکر «السلام علیکم...» را بگوید کدام یک را باید به نیت خارج شدن از نماز بگوید؟

ج

- نیت خارج شدن از نماز بسلام واجب نیست و «السلام علینا...» را چه به نیت خارج شدن از نماز یا بدون نیت بگوید احتیاط واجب این است که «السلام علیکم...» را هم بگوید و اکتفاء به «السلام علیکم...» بدون «السلام علینا...» جایز است.

احکام نماز

س ۲۴۸

اشاره

- نماز گزار بلافاصله بعد از گفتن «الله أكبر» به رکوع یا بعد از برخاستن جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۷
از رکوع به سجده می رود آیا قیام‌های قبل و بعد از رکوع را انجام داده؟

ج

- بعد از سر برداشتن از رکوع طمأنینه و آرام گرفتن بدن در حال قیام لازم است و رکوع بعد از گفتن الله اگر در حال قیام و طمأنینه بدون فاصله صحیح است.

س ۲۴۹

اشاره

- بلند خواندن ذکر رکوع و سجود و تشهد و سلام و قنوت در نماز ظهر و عصر چه صورتی دارد؟

ج

- اشکال ندارد.

س ۲۵۰

اشاره

- نماز ظهرین را خوانده بعد متوجه می‌شود که نماز ظهر بجهتی از جهات باطل بوده آیا اعاده ظهر کافی است یا هر دو نماز را باید بخواند؟ همچنین نسبت به عشائین.

ج

- در فرض مذکور تنها ظهر را اعاده کند و همینطور نسبت به عشائین. و الله العالم.

س ۲۵۱

اشاره

- اگر کسی سهواً نماز مغرب را در سفر دو رکعت بجا آورد آیا نماز او صحیح است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، نماز او صحیح نیست باید دوباره نماز مغرب را سه رکعت بخواند.

س ۲۵۲

اشاره

- تکلم سهواً در نماز به چیزهایی که ذکر خدا محسوب می‌شود و همچنین سهواً نام پیغمبران یا امام معصوم (ع) را بردن، سجده سهو دارد یا خیر؟

ج

- تکلم سهوی به ذکر خدا اشکال ندارد و لکن ذکر نام پیامبران و ائمه و لو سهواً سجده سهو دارد.

س ۲۵۳

اشاره

- آیا بستن چشم در حین قرائت حمد و سوره و اذکار نماز به خاطر حصول حضور ذهن بیشتر بازم مکروه است؟

ج

- در فرض سؤال، کراهت معلوم نیست. و الله العالم.

س ۲۵۴**اشاره**

- در نماز واجب اگر تلفن زنگ زد یا درب منزل را زدند و کسی داخل منزل نیست شکستن نماز واجب چه صورت دارد؟

ج

- در فرض سؤال شکستن نماز جایز نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۸

س ۲۵۵**اشاره**

- اگر شخصی در نماز عطسه کرد و سهواً گفت الحمد لله رب العالمین این مبطل نماز است اگر عمداً بگوید چطور آیا ذکر محسوب می‌شود و مبطل نیست؟

ج

- سهواً مبطل نیست بلکه عمداً هم اگر بگوید اشکال ندارد.

س ۲۵۶**اشاره**

- در نماز هنگام عطسه کردن آخر عطسه چندین حرف تولید می‌گردد آیا مبطل نماز است یا نه؟

ج

- اگر بی‌اختیار عطسه زده و چند حرف در اثر عطسه تولید شده اشکال ندارد.

س ۲۵۷

اشاره

- اگر در نماز شك كنيم كه باد از شكم خارج شده يعنى شك كنيم در همان هنگام نماز وضوى ما باطل شده حكم چه مى باشد؟

ج

- شك در خروج باد موجب بطلان نمى شود. و الله العالم.

س ۲۵۸

اشاره

- اگر انسان در نماز خون دماغ شد آیا نمازش باطل است؟

ج

- خود خون دماغ شدن موجب بطلان نماز نیست ولی از جهت نجس بودن آن مقدار خونی که به بدن یا لباس رسیده اگر کمتر از مقدار تقریباً یک بند انگشت باشد نماز صحیح است و اگر بیشتر باشد، باید نماز را قطع کند و بعد از تطهیر بخواند و این در وسعت وقت است اما اگر وقت تنگ باشد با همان حال بخواند و نمازش صحیح است.

س ۲۵۹

اشاره

- نماز خواندن با دستکش و کفش چه حکمی دارد؟

ج

- با دستکش اشکال ندارد و کفش هم اگر در سجده مانع قرار گرفتن انگشت بزرگ پا بر زمین نباشد- مانند بعضی از دمپایی‌ها- مانعی ندارد و الا جایز نیست. و الله العالم.

س ۲۶۰

اشاره

- پسری دارم نه ساله، در حدود چهار پنج سالگی نسبت به نماز خیلی علاقه مند بود، مدتی است چندان علاقه ای نشان نمی دهد و نمی خواهد نماز بخواند. گاهی با تشویق و ترغیب و ملایمت می خواند. پدرش عقیده دارند مطابق روایات پسر باید از هفت سالگی

حتماً نماز بخواند و می‌توان او را برای این امر،

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۷۹

حتی کتک زد. لذا با فشار و اجبار او را وادار به نماز خواندن می‌کند. خواهشمندم در این مورد نظر خود را مرحمت فرمائید.

ج

- در حدیث راجع به تمرین و عادت دادن فرزندان به نماز وارد شده است که «مروهم بسبع و اضربوهم بتسع» یعنی آنها را در هفت سالگی به نماز امر کنید و در نه سالگی بزنید، اما مقصود از این حدیث شریف این نیست که با امکان واداری طفل به نماز بالطف و مهربانی و ملایمت و تشویق مثل دادن جایزه‌های مناسب، او را کتک بزنید، بلکه باید مطابق درک و فهم و ذهنتیات او از نماز، جاذبه‌های خوب به طفل نشان داد که خودش رغبت به نماز پیدا کند مسلماً وضع محیط خانه، مدرسه، معلم و معاشرین بیچه، و رفت و آمدهای خانوادگی همه در ترغیب طفل به نماز و آداب و اخلاق خوب، مؤثر است. در مورد معلم گفته‌اند:

درس معلّم ار بود زمزمه محبتی

جمعه بمکتب آورد طفل گریز پای را

در احادیث شریفه است (اطرفوا اهالیکم فی یوم الجمعة بشيء من الفاکهه کی یفرحوا بالجمعه) یعنی: در روزهای جمعه برای اهل منزل و خانواده از میوه‌ها (و هر چیز که تحفه است) تحفه ببرید تا به روز جمعه فرحناک و علاقمند باشند و در تربیت اولاد باید انواع تدبیرهای لازم را بکار گرفت و آهسته آهسته و بتدریج جلو رفت نه تندی اعمال کرد و نه کندی و مسامحه نمود. مسأله کتک زدن و تأدیب مناسب، آن هم نه شدید، در بعض موارد، و در صورتی که از همه امکانات ملاطفت‌آمیز استفاده شده و اثر نکرده باشد، بحکم (آخر الدواء الکی) لازم می‌شود مع ذلک اگر بصورتی که اثر سوء باشد و طفل بلجاعت و مقاومت وادار شود نباید بآن متوسّل شد، غرض این است که طفل تربیت اسلامی و انسانی پیدا نماید، و برای این منظور پدر و مادر باید از لطائف و دقائق تربیتی مناسب استفاده کنند خصوصاً که تربیت طفل کار بسیار لطیف و دقیق است باید ظرافتها و لطافت‌هایی که لازم است همه بکار گرفته شود لازم بتذکر است که از عوامل سوء تربیت، اختلاف پدر و مادر در کیفیت تربیت فرزند است که اگر مثلاً مادر به پدر در برابر فرزند اعتراض کند که چرا او را زده است بسیار اثر سوء و منفی خواهد داشت، همه این نکات را هم مادر و هم پدر در نظر بگیرند.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۰

احکام شک و خلل در نماز

س ۲۶۱

اشاره

- شخصی در حال نماز شک می‌کند که رکعت آخر ظهر است یا اول عصر تکلیفش چیست آیا حکم وسعت و ضیق وقت متفاوت است؟

ج

- در فرض سؤال باید بنا بگذارد که رکعت آخر ظهر است بلی در ضیق وقت که اگر بخواید نماز را تمام کند یک رکعت از عصر را در وقت مختص آن درک نمی‌کند، باید این نماز را قطع کند و نماز عصر را بخواند.
و الله العالم.

س ۲۶۲

اشاره

- اگر کسی در تعداد سجده‌ها شک کند و هر چه فکر کند یادش نیاید تکلیف چیست؟

ج

- اگر محل سجده نگذشته باید بجا آورد.

س ۲۶۳

اشاره

- اگر شخصی کثیر الشک شود در اینکه این نماز چهار رکعتی که خوانده ام نماز ظهر است یا عصر و طبق قرائن و مظنه‌ای که احیاناً حاصل می‌شود از گذشتن وقت و غیره بعدها معلوم می‌شود که نماز عصر است و ظهر را قبلاً خوانده بفرمائید اگر آن شواهد و قرائن حاصل نشود و در همان حالت شک باقی بماند تکلیف چیست؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه در خصوص اینکه نماز چهار رکعتی که خوانده نماز ظهر است یا عصر کثیر الشک باشد یعنی مکرراً این شک برای او حد اقل در سه نوبت حاصل شود بنا بگذارد بر اینکه عصر است و نماز ظهر را قبلاً خوانده ولی اگر در سایر موارد کثیر الشک باشد و در این مورد اتفاقاً شک کند باید یک نماز چهار رکعتی بقصد ما فی الذمه یعنی بدون نیت ظهر یا عصر بخواند. و الله العالم.

س ۲۶۴

اشاره

- امام نماز چهار رکعتی می‌خواند مأموم نماز مغرب، در حال ایستاده مأموم را شک گرفته نمی‌داند ۳ رکعت خوانده یا چهار رکعت شک مأموم چطور می‌باشد؟

ج

- در مورد سؤال مأموم صبر کند تا امام رکوع و سجود خود را بجا آورد تا بعد از سجده دوم تکلیف روشن می‌شود و در این حالت قربه الی الله ذکر بگوید پس اگر تشهد گفت مأموم بدون رکوع و سجود بنشیند و تشهد بخواند و نماز خود را تمام کند و دو سجده سهو هم بجا آورد و اگر امام برخاست نماز مأموم فرادی جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۱ می‌شود و بطور فرادی رکوع و سجود را بجا آورد و نماز خود را تمام کند. و الله العالم.

س ۲۶۵

اشاره

- گاهی اوقات شکی از قبیل خارج شدن باد از معده و شک در درست گرفتن وضو و شک در درست گفتن تکبیره الاحرام پیش می‌آید وظیفه انسان چیست؟

ج

- در موقعی که شک در خروج باد میکند بشک خود اعتنا نکند و نسبت به وضو و تکبیره الاحرام چنانچه نحوه وضوء صحیح و تکبیر صحیح را می‌داند اگر بعد از تمام کردن وضوء شک کند درست بوده یا نه محکوم به صحت است و بعد از تکبیر هم محکوم بصحت است.

س ۲۶۶

اشاره

- بعد از اتمام نماز اگر تکلیف سجده سهو بود و نماز گزار از قبله رو برگرداند تکلیف چیست؟

ج

- هر وقت متوجه شد انجام دهد.

س ۲۶۷

اشاره

- بعد از تشهد سجده سهو آیا هر سه سلام را باید گفت یا فقط سلام آخر را؟

ج

- سلام آخر کافی است. و الله العالم.

س ۲۶۸

اشاره

- در اثر ندانستن مسأله نماز احتیاط را با سوره خوانده بعد فهمیده که باید بدون سوره خوانده شود آیا نمازهایش صحیح است یا اعاده و قضا دارد؟

ج

- نمازهایش صحیح است.

س ۲۶۹

اشاره

- در مورد شک و سواسی در نماز توضیحاتی بیان فرمائید.

ج

- در مورد شک در نماز کسی که و سواسی است و شک بسیار می‌کند به هر طرف شک که صحیح است بنا بگذارد مثلاً اگر شک میکند که یک سجده کرده‌ام، یا دو سجده بگویم دو سجده کرده‌ام یا دو رکعت بجا آورده‌ام یا سه، رکعت، اگر نماز صبح است بگویم دو رکعت، و در نمازهای دیگر بگویم سه رکعت اگر شک میکند که رکوع بجا آورده‌ام یا نه بگویم بجا آورده‌ام خلاصه در همه موارد به این صورت
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۲
عمل نمائید بی جهت کار را بر خودتان مشکل نکنید دین آسان است و با راحتی تکالیف آن انجام میشود.

س ۲۷۰

اشاره

- وجوب سجده سهو، برای قیام کامل است یا نیمه قیام؟

ج

- برای قیام نیمه تمام هم احتیاطاً سجده سهو انجام دهد ولی وجوب آن معلوم نیست.

س ۲۷۱

اشاره

- آیا کثیر الشک در شک سوّم نباید به شک خود اعتناء کند یا در شکّ چهارم یا باید احتیاط کند؟

ج

- اگر برای انسان حالتی پیدا شود که نتواند سه نماز پشت سر هم بدون شک بخواند کثیر الشکّ است پس در فرض سؤال در شکّ چهارم نباید اعتنا کند.

س ۲۷۲

اشاره

- اگر در رکعت احتیاط کسی محدث شد، اعاده رکعت احتیاط کافیهست یا باید نماز را اعاده کند؟

ج

- در فرض سؤال پس از تحصیل طهارت احتیاطاً نماز احتیاط را اعاده نماید و باید اصل نماز را هم اعاده کند. و الله العالم.

س ۲۷۳

اشاره

- شک در تعداد لعن و سلام زیارت عاشورا یا در سوره قدر نماز لیلۃ الدفن و امثال اینها خصوصاً در صورت اجاره چه کند؟

ج

- در موارد مفروضه بنا را بر اقل بگذارد و عمل را تکمیل کند.

نماز قضا

س ۲۷۴

اشاره

- نظر مبارک در مسأله مضایقه و مواسعه چیست؟

ج

- بنظر این جانب وجوب اتیان قضاء صلاه فوت شده از مکلف، فوریت ندارد بلکه وقت آن موسّع است (ما دام العمر) البته باید منجر به مسامحه و تهاون در اداء تکلیف نشود.

س ۲۷۵

اشاره

- زنی تا سن ۴۴ سالگی از اینکه غسلهای واجبش را صحیح انجام داده است یا نه بی اطلاع بوده است، تکلیف او در قبال نمازها و روزه‌هایی که انجام داده است چیست؟

ج

- اگر معلوم باشد که غسلهایش صحیح نبوده باید قضای نمازها را بجا آورد
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۳
ولی قضای روزه‌ها واجب نیست.

س ۲۷۶

اشاره

- نماز قضا بر ذمه دارم ولی چه مقدار و از کدام نماز یومیه است نمیدانم لطفاً بفرمائید چکنم و در صورت فوت چه باید کرد آیا ورثه‌ام مسئولند یا خیر؟

ج

- به هر مقدار که یقین دارید نماز از شما قضاء شده انجام دهید و حکم مسأله در پسر بزرگتر نسبت به قضاء نماز والدین همین است و اما نسبت باینکه نمیدانید از کدام نوع نماز قضا شده باید احتیاط کنید.

س ۲۷۷

اشاره

- اشخاصی که در اثر تصادف و یا بیماری دیگر و یا قبل از عمل جراحی آنان را بیهوش می‌کنند و مدتی در حال بیهوشی بسر می‌برند نسبت به نمازهای فوت شده حکم مغمی علیه را دارند یا نه؟

ج

- حکم مغمی علیه را دارند.

س ۲۷۸

اشاره

- حدود چهار سال است که به سن تکلیف رسیده‌ام و متوجه شده‌ام که بسیاری از مسائل در باب مکان و طرز وضو و نماز را رعایت نکرده‌ام و تعداد این نمازها را هم نمی‌دانم آیا قضای آنها واجب است؟ و اگر باید قضای آنها را بجا آورد به چه ترتیب؟

ج

- در فرض سؤال هر مقدار از نمازها را یقین دارید فاقد شرایط بوده قضا کنید و نسبت به زائد بر آن مقدار تکلیف یقینی ندارید مثلاً اگر می‌دانید نمازهای فاقد شرایط از بیست نماز کمتر نبود بهمان اکتفا کنید هر چند احتمال بدهید که بیشتر بوده.

س ۲۷۹

اشاره

- شخصی نماز عشاء را عمداً نخوانده باشد غیر از قضا حکم دیگری هم دارد یا نه؟

ج

- شخص مذکور، معصیت کبیره نموده و واجب است نماز را قضا کند. و الله العالم.

س ۲۸۰

اشاره

- کسی که در موقعی که سالم بود، نماز از او فوت شده آیا بعداً می‌تواند نشسته قضای نماز فوت شده را بخواند یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه سالم است و می‌خواهد قضا را نشسته بخواند

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۴

صحیح نیست و باید ایستاده بخواند و اگر فعلاً نمی‌تواند ایستاده بخواند بنابر احتیاط واجب باید قضا را تأخیر بیندازد تا رفع عذر شود و ایستاده بخواند مگر اینکه بداند عذرش تا آخر عمر باقی است یا خوف داشته باشد که به طور ناگهانی بمیرد. و الله العالم.

س ۲۸۱

اشاره

- کسی که در موقع مریضی که در حال نشسته یا در حال خوابیده نماز به عهده او بوده و قضا شده بعداً که بهبودی حاصل کرد می‌تواند در حال نشسته قضا کند یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، باید قضای نمازها را در حال ایستاده بجا آورد و نشسته مجزی نیست. و الله العالم.

س ۲۸۲

اشاره

- تکلیف فردی که مدتی قضای نماز بر گردن دارد، لیکن میزان دقیق آن را نمی‌داند، چیست؟

ج

- هر مقداری که یقین دارد نمازهای فوت شده کمتر از آن مقدار نبوده قضا کند و احتیاط آن است که به مقداری قضا کند که یقین داشته باشد بیشتر از آن فوت نشده ولی رعایت این احتیاط واجب نیست. و الله العالم.

س ۲۸۳

اشاره

- فردی دو سال نماز قضا بر عهده دارد آیا برای هر روز باید ترتیب نمازهای یومیه را رعایت کند؟

ج

- می‌تواند اول قضای نمازهای صبح را بخواند و می‌تواند اول قضای نمازهای مغرب را و یا قضای نمازهای ظهر را، لکن باید طوری بخواند که نماز عصر بعد از نماز ظهر و نماز عشا بعد از مغرب واقع شود مثلاً یک ماه قضای نماز ظهر بخواند بعد از آن یک ماه قضای عصر یا مثلاً یک ماه نماز قضای مغرب و بعد از آن یک ماه نماز قضای عشاء.

نماز قضای پدر و مادر

س ۲۸۴

اشاره

- قضای نماز و روزه فوت شده مادر بعهدہ فرزند بزرگ است یا نه؟

ج

- بلی بنابر احتیاط لازم بعهدہ اوست.

س ۲۸۵

اشاره

- پدر و مادری که قدرت بر تصحیح نماز خود از نظر قرائت ندارند

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۵

قضای آن بر پسر بزرگتر واجب است یا نه؟

ج

- اگر به جهت عدم قدرت، معذور از تصحیح نمازشان بوده‌اند قضا آن بر پسر بزرگ واجب نیست یعنی نمازشان قضا ندارد تا بر پسر بزرگ واجب باشد. و الله العالم.

س ۲۸۶

اشاره

- اگر پدر و مادر انسان از دنیا بروند و نمی‌داند که نماز قضا دارند یا نه و تا دم مرگ نیز نماز خوانده‌اند اما نتوانسته‌اند نمازشان را درست کنند تکلیف پسر بزرگتر چیست؟

ج

- اگر پسر بزرگ یقین دارد که نمازشان صحیح نبوده باید قضای آن را بجا آورد و یا کسی را اجیر کند که او بخواند و اگر نمیداند و یا شک در صحت نماز آنها دارد چیزی بر او نیست.

س ۲۸۷

اشاره

- شخصی دائماً اقامه نماز می‌نمود و اهل تدین بودند اما بعثت عدم سواد احتمال خطا و اشتباه و اشکال در نماز ایشان می‌رفت با توجه به اینکه همه ورثه راضی هستند از ماترک او نماز استجاری بخزند اولاً لازم است یا نه؟

ج

- در صورت شک در صحت نمازهای او می‌توانید حمل بر صحت نمائید و اگر یقین به باطل بودن آن دارید بر پسر بزرگتر قضا آن واجب است و اگر همه آن را تبرعاً استیجار نمایند جائز است و اگر هم یقین به باطل بودن نمازهایش ندارید و بخواهید احتیاطاً هر مقدار نماز برای او استیجار نمائید خیر و احسان است ولی واجب نیست.

س ۲۸۸

اشاره

- مادرم چند وقتی است که فوت نموده و بنده پسر بزرگ ایشان می‌باشم لازم به توضیح است که ایشان در زمان حیاتش قادر به یادگیری و عمل کردن به مسائل شرعی از جمله نماز و غیره نبود بطوری که اگر تعداد روزهای هفته یا ماه را از ایشان می‌پرسیدند نمی‌توانست جواب صحیح بدهد با توجه به موارد فوق بر بنده که پسر ارشد می‌باشم آیا لازم است واجبات شرعی مثل نماز و روزه ایشان را بصورت قضا بجا آورم یا خیر؟

ج

- اگر مادر در زمان حیات تشخیص وقت نماز را نمی‌داده و یا از یاد گرفتن نماز و روزه عاجز بوده است ولی در حد ممکن نماز را بجا می‌آورده است نسبت به جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۶ قضای نماز و روزه ایشان تکلیفی ندارید و در غیر این صورت بنا بر احتیاط قضای نماز و روزه او را بجا آورید.

س ۲۸۹

اشاره

- شخصی مدت چند سال فلج شده و بیشتر در حال استراحت بوده و افرادی که به عیادت او می‌رفتند و سلام می‌کردند برای احوال پرسی صورت خود را حرکت می‌داده و اکثر این مدت نماز نخوانده است، اکنون مرحوم شده است آیا قضاء نمازهای او بر وراثت یا پسر بزرگتر واجب است یا نه؟

ج

- در فرض سؤال اگر حواس و ادراک او بمقداری بوده که اوقات نماز را تشخیص میداده هرچند قدرت بر تکلم هم نداشته بر پسر بزرگتر واجب است نمازهای فوت شده او را قضا کند ولی اگر با همان حالی که داشته بر حسب تکلیف و توانائی خود نماز خوانده باشد بر پسر بزرگتر او چیزی نیست.

س ۲۹۰

اشاره

- پدری در حدود پنجاه سال است که نه نماز خوانده و نه روزه گرفته است و پسر بزرگ آشکارا باو اعلام می‌کند من از حالا برای تو می‌گویم که بعد از مردنت قضاء نماز و روزهات را انجام نخواهم داد آیا پسر بزرگ بعد از فوت پدرش می‌تواند بگفته خودش عمل نماید یا نه؟

ج

- در مورد سؤال بنابر احتیاط واجب پسر بزرگ باید نماز و روزه پدر را قضا کند و یا استیجار کند.

س ۲۹۱

اشاره

- پسر بزرگ که خودش نماز و روزه قضا دارد آیا باید اول قضای نماز و روزه خودش را بجا بیاورد یا نماز و روزه قضای پدر را؟

ج

- مختار است هر کدام را اول انجام دهد صحیح است.

س ۲۹۲

اشاره

- نماز و روزه قضای پدر که بر گردن پسر بزرگ است آیا به شرط وصیت پدر واجب است یا این که بدون وصیت پدر هم واجب است؟

ج

- بدون وصیت پدر هم بر عهده پسر بزرگ است.

نماز استیجاری

س ۲۹۳

اشاره

- آیا طفل ممیزی که قرائتش صحیح است می تواند نماز و روزه

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۷

استیجاری را قبول کند؟

(حد اقل برای والدین).

ج

- احتیاط واجب عدم استیجار صبی ممیز است ولی اگر برای والدین خود نماز و روزه تبرعاً بجا آورد و صحیح انجام دهد مجزی است. و الله العالم.

س ۲۹۴

اشاره

- اگر در نماز استیجاری شرط مستحبات نشود و اساساً در بند آن هم نیستند تنها منظورشان نوعاً براءت ذمه میّت است می تواند بدون مستحبات بخواند، یا با حدّ اقل مستحبات، یا مطابق معمول؟

ج

- باید بر طبق معمول انجام شود و استیجار- هر چند بدون اشتراط مستحبات باشد- از نمازی که بدون مستحبات متعارفه- که نوع مردم آن را انجام می دهند- خالی باشد، منصرف است.

س ۲۹۵

اشاره

- شخصی به خاطر اینکه آب برای چشمش ضرر دارد با تیمم نماز می خواند. ایشان حدود ۱۳ سال و بیشتر نماز استیجاری خوانده و اسامی اشخاص را نوشته اما اکنون آن اشخاص زنده اند یا مرده نمی داند حکم این نمازهای خوانده شده چیست و هم اکنون مبلغی پول تهیه کرده تا بدهد دو مرتبه آن نمازها را دیگران بخوانند چه حکمی می فرمائید؟

ج

- در فرض سؤال، که وظیفه شخص مذکور از غیر جهت ضیق وقت نماز، با تیمم بوده نمازهای استیجاری که خوانده صحیح است و ذمه کسانی که برای آنها نماز خوانده بری میشود و اما نسبت به استحقاق اجرت، اگر اجیرکننده نمی دانسته که موجر (کسی که نماز استیجاری می خواند) نماز را با تیمم خواهد خواند مشکل است و احتیاط اینست پولی که گرفته به صاحبانش و یا ورثه آنها برگرداند و اگر نمیشناسد از طرف آنها صدقه بدهد. و الله العالم.

س ۲۹۶

اشاره

- شخصی از ۳ نفر نماز استیجاری گرفته از هر کدام چهار، پنج ماه باقی مانده در اثر گرفتاری و تأخیر نام نشانی اینها را فراموش کرده در این صورت تکلیف این شخص چیست و چه جور نیت بکند؟

ج

- در فرض سؤال میتواند نیت نمازها را به ترتیب گرفتن اجرت و مانند آن قرار دهد و نسیان اسم آنها ضرر ندارد و دانستن اسم شرط صحت نماز نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۸

س ۲۹۷

اشاره

- شخصی از شخص دیگر نماز استیجاری گرفته و آن شخص بدون قید به این شخص اجازه داده است. آیا این شخص مستأجر می‌تواند نماز استیجاری را به شخص دیگر به نفع خودش اجازه دهد. مثلاً خودش ۲۵۰۰ ریال گرفته بود و به شخص دیگر ۲۰۰۰ بدهد آیا بدون اجازه موجر اول می‌تواند به شخص دیگر اجازه دهد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، اجیر اول نمی‌تواند بدون اجازه اجیرکننده آن را به دیگری بدهد مگر آنکه اجازه مطلق و منصرف به مباشرت شخص اجیر نباشد و یا اجیرکننده اجازه بدهد و در هر دو صورت نباید آن را به مقدار کمتر به دیگری بدهد مگر اینکه مقداری از آن را خود اجیر اول بجا آورد باشد. و الله العالم.

نماز جماعت

احراز عدالت امام جماعت

س ۲۹۸

اشاره

- امام جماعتی عدم صلاحیتش از جهت عدالت قبلاً محرز بوده و فعلاً بخاطر ارتباط کمتر با او گمان می‌رود که صفات گذشته‌اش را ترک کرده باشد از نظر اقتدا کردن به او آیا یقین قبلی ملاک است یا گمان فعلی؟ همچنین در عدالتی که برای امام جماعت شرط است امور سیاسی و غیره هم دخیل است؟

ج

- در فرض سؤال گمان مجوز اقتدا نیست باید حجت شرعی برای عدالت قائم شود و نسبت بمعنی عدالت به مسأله شماره ۲- توضیح المسائل مراجعه نمائید. و الله العالم.

س ۲۹۹

اشاره

- شخصی با اینکه در عدالت امام جماعت شک دارد یا اصلاً او را عادل نمی‌داند ولی برای نماز به او اقتدا می‌کند و دوباره همان

نماز را منفرداً می‌خواند این عمل شرک در عبادت حساب می‌شود یا خیر؟

ج

- عمل مذکور شرک محسوب نمیشود ولی بدون عذر این عمل را انجام ندهید.

س ۳۰۰

اشاره

- روحانیونی از طرف مراجع مختلف تقلید یا از طریق ارگانهای

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۸۹

دولتی مثلاً سازمان تبلیغات اسلامی یا اعزام مبلغ و ... به روستاها و بخشهای مختلف برای مدت موقت مثلاً یک شب جمعه یا برای چند ماه تابستان و ... اعزام می‌شوند و مؤمنین نسبت به صلاحیت و عدالت آنها هیچ‌گونه اطلاعی ندارند وظیفه مأمومین را در این مواقع چیست؟

ج

- بطور کلی بنظر مأموم امام جماعت باید واجد شرائط باشد که از جمله آن عدالت است بنابراین چنانچه از اعزام روحانی توسط دفتر مراجع یا مرکز خاصی، اشخاص علم به صلاحیت و عدالت او پیدا می‌کنند می‌توانند اقتدا نمایند، و در غیر این صورت اقتداء جایز نیست.

س ۳۰۱

اشاره

- آیا کسی که گناه کبیره انجام داده می‌تواند امام جماعت مردم شود و اگر شخصی از گناه او اطلاع داشته باشد می‌تواند به او اقتدا نماید یا خیر؟

ج

- شخص مذکور تا توبه نکرده عادل نیست و امام جماعت باید عادل باشد و کسی که اطلاع از گناه کبیره او داشته باشد تا یقین به توبه و عدالت او پیدا نکند نمی‌تواند اقتدا نماید ولی نباید گناه او را بدیگران بگوید و نیز باید صدور گناه کبیره از او قطعی باشد و خود او در صورتی که توبه کرده و حال عدالت یافته می‌تواند پیشنهاد شود.

س ۳۰۲

اشاره

- در صورتی که عده زیادی (حدود ۲۰ نفر) آشکارا به امام جماعت اقتدا نکنند آیا نشان دهنده عدم عدالت امام نیست؟

ج

- اگر مقصود ترتیب آثار فسق امام جماعت بواسطه عدم اقتداء آن اشخاص باشد بحسب موارد و اشخاص مختلف است و اگر مقصود جواز عمل آن اشخاص باشد اگر تفسیق عملی امام جماعت بر آن صادق باشد جایز نیست.

س ۳۰۳

اشاره

- امام جماعتی به صورت شوخی گاهی دروغ می گوید مثلاً سیبی در دست دارد و همه ببیند اما به شوخی می گوید سیبی در دست من نیست آیا چنین دروغی باعث سلب عدالت امام جماعت می شود؟

ج

- اگر معلوم است شوخی می کند دروغ حرام نیست.

س ۳۰۴

اشاره

- شخصی والدینش بهائی بوده و خودش تا سالیانی بعد از بلوغ بهائی جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹۰ بوده اما بعداً توبه می کند و حتی عادل هم می شود آیا شخص مذکور می تواند امام جماعت بشود؟

ج

- در صورتی که عدالت او به طریق شرعی احراز بشود اقتداء به او مانعی ندارد.

س ۳۰۵

اشاره

- آیا اقتدا کردن به افرادی که با نظام مقدس جمهوری اسلامی مخالف می‌باشند و یا با ولایت فقیه یا با مصداقش مخالفند جایز است یا نه؟

ج

- با حاکمیت اسلام و اجراء احکام اسلام هیچ مسلمانی مخالف نیست و اگر بعضی اشتباهاتی یا ایراداتی داشته باشند ممکن است موردی باشد، یا در بعض حدود و مرزهای ولایت نظرات فقهی داشته باشند که در کل اگر مغرضانه نباشد و اشتباه محض یا اجتهاد و رأی باشد مخل به عدالت نمی‌شود.

امامت غیر روحانی

س ۳۰۶

اشاره

- در بعضی از مساجد شهر ما افراد غیر معمم اقامه جماعت می‌کنند در صورتی که امام جماعت معمم در مساجد دیگر اقامه جماعت می‌نمایند آیا با دسترسی به روحانی می‌شود به غیر روحانی اقتدا کرد؟

ج

- با وجود روحانی واجد شرائط اولی اقامه جماعت توسط روحانی است.

س ۳۰۷

اشاره

- اقتدا به عادل جامع شرایط امامت که روحانی و معمم نباشد چه حکمی دارد؟

ج

- اشکال ندارد ولی مناسب‌تر است با وجود معمم جامع الشرائط معمم امامت کند.

امامت ناقص العضو

س ۳۰۸

اشاره

- این جانب روحانی جانباز هستم که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از ناحیه پای چپ زیر زانو قطع پا شده‌ام. آیا اجازه می‌فرمایید به عنوان امام جماعت، مأمومین به این جانب اقتدا نمایند یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، امامت ننمایید. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹۱

س ۳۰۹

اشاره

- نظر جنابعالی در مورد اقتدا به کسی که چهار انگشت و مقدار زیادی از کف دستش قطع شده چیست؟ و اگر امام، نماز جماعت را با امام مذکور صحیح می‌داند و مأمومین مقلد مجتهدی باشند که امامت ذوی الاعذار را جایز نمی‌داند چه حکمی دارد؟ آیا حقیر در این مسأله می‌توانم به دیگری رجوع کنم یا خیر؟

ج

- به نظر حقیر اقتدا به امام معذور جایز نیست ولی امامت او بمأمومینی که اقتداء به معذور را جایز می‌دانند اشکال ندارد و رعایت و احراز شرایط امام و صحت اقتدا با مأموم است و رجوع از مجتهدی به مجتهد دیگر در صورتی جایز است که هر دو مساوی باشند یا مجتهدی که از او تقلید می‌کند در مسأله فتوی نداشته باشد و به احتیاط نظر داده باشد.

س ۳۱۰

اشاره

- کسانی که مقطوع الید و یا مقطوع الرجل شده‌اند در صورتی که بقیه شرایط امامت جماعت را دارا می‌باشند آیا می‌توانند امامت

کنند یا خیر؟

ج

- بنابر احتیاط واجب اشخاص مذکور نمی‌توانند امامت کنند. و الله العالم.

س ۳۱۱

اشاره

- امامت جماعت برای کسی که فاقد عضوی از بدنش است چه حکمی دارد؟

ج

- اگر امام جماعت فاقد یکی از مواضع هفتگانه‌ای که از شخص سالم در موقع سجده کردن باید روی زمین قرار بگیرد باشد امامت او اشکال دارد. والله العالم

امامت زن

س ۳۱۲

اشاره

- با توجه به طرح اقامه نماز جماعت در مدارس، بمنظور اقامه فریضه جماعت در آموزشگاههای دخترانه با کمبود امام جماعت روحانی مواجهیم، از سوی دیگر برخی از خواهران مؤمنه در مورد امامت زن اشکال دارند. لذا خواهشمند است با پاسخ به استفتاء ذیل ما را در رفع این معضل یاری فرمایید.
آیا امامت زن در نماز جماعت بانوان جایز است یا خیر؟

ج

- بنظر این جانب امامت زن در غیر نماز میت برای مأمومین زن کراهت دارد.

س ۳۱۳

اشاره

- خواندن نماز جماعت در صورتی که هم امام و هم مأوموم زن باشد
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹۲
چه حکمی دارد؟

ج

- اشکال ندارد ولی مکروه است. و الله العالم.

امام راتب

س ۳۱۴

اشاره

- امام راتب به چه کسی گفته میشود؟
چه کسی می‌تواند امام راتب را نصب و یا عزل نماید؟
سازمان «رسیدگی به امور مساجد» که با حکم از سوی ولی فقیه در حال حاضر وجود دارد، آیا می‌تواند امام راتب را نصب و یا
«عزل» نماید؟

اگر عده‌ای از مردم مسجدی، امام راتب را قبول نداشتند آیا این دلیل کافی و وافی برای عزل امام راتب می‌باشد؟
آیا اگر مسئول یا مسئولین عزل امام راتب، دلیلی بر سلب عدالت وی نداشته باشند می‌توانند وی را عزل نمایند؟

ج

- «جواب کلیه سؤالات فوق»

در صحت نماز و هم چنین اقامه جماعت اذن از کسی شرط نیست مأومومین هر کس را واجد شرائط امام جماعت شناختند میتوانند
باو اقتدا کنند و امامت جماعت از مناصب انتصابی - که بدون نصب من له النصب حاصل نمی‌شود - نیست و لذا عزل هم در آن
جاری نیست و امام راتب معنایش امام ثابتی است که بطور متعارف در مسجد اقامه جماعت مینماید و اولی از دیگران بامامت است
و مزاحمت با او به منع او از امامت جایز نیست بلکه بعضی از بزرگان بنا بر احتیاط واجب تقدیم دیگران را بر او جایز نمیدانند
هر چند واجد بعض جهات مرجحه باشند مع ذلک بنظر حقیر ترک اقتداء باو و اقتدا بدیگری بلحاظ بعض جهات مرجحه بصورتی
که عنوان هتک و تفسیق امام راتب را نداشته باشد جایز است و چنانچه بعض مأومومین امام راتب را عادل ندانند نباید به او اقتدا
کنند ولی منع امامت او بر سایرین که او را عادل میدانند جایز نیست بلی در بعض موارد مثل اینکه پیشنماز فساد عقیده داشته باشد و
معرض فساد و اضلال مردم باشد، مجتهد جامع الشرائط میتواند بلکه واجب است او را از امامت منع نماید چنانکه میتواند بر اساس
این جهات حتی بعضی مأومومین را نیز از حضور در مسجد و ارتباط با دیگران ممنوع سازد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹۳

س ۳۱۵

اشاره

- احتراماً در مواردی که مسجد امام جماعت راتب دارد و سالیان متمادی است با کمال سلامت و رعایت حرمتها و احترام متقابل میان مأمومین و امام جماعت راتب، اقامه نماز جماعت انجام می‌گیرد و ممکن است به هر بهانه‌ای گروهی کم و یا زیاد بیایند و برای اقامه جماعت مانع فراهم نمایند و اغتشاش بوجود آورند اگر با اقامه نماز فرادی تفسیق و سوء ظن در ذهن افراد غیر مطلع بوجود آورند آیا نمازشان صحیح است؟

ج

- مقتضی است برادران ایمانی رعایت شئون یکدیگر را بنحو احسن نمایند و در نماز جماعت که یکی از بافضیلت‌ترین عبادات است از اموری که موجب تفرق و زمینه‌ساز بدینی و تبعات دیگر است جداً خودداری کنند و این عمل مقدس را آلوده به اغراض غیر عبادی ننمایند و اگر خواندن نماز فرادی در حین انعقاد جماعت ظهور در تفسیق امام جماعت داشته باشد اشکال دارد.

متابعت از امام جماعت

س ۳۱۶

اشاره

- شخصی در جماعت عوض قنوت به رکوع می‌رود و بعنوان متابعت به قنوت بر نمی‌گردد (چه عمداً و چه بخاطر جهل به مسأله) در این صورت نماز او به جماعت صحیح است یا باید نیت فرادی نماید؟

ج

- در فرض سؤال جماعت صحیح است گرچه عدم متابعت عمدی معصیت است. و الله العالم.

س ۳۱۷

اشاره

- شخصی در نماز جماعت از رکعت اول با امام جماعت مشغول نماز شد و در رکعت سوم خیال می‌کند امام حمد و سوره

می‌خواند ولی یکبار متوجه می‌شود که امام جماعت به رکوع رفته است او هم که فرصت هیچ چیزی را نداشته به رکوع می‌رود. آیا نماز این شخص صحیح است یا باید دوباره بخواند؟

ج

- در مورد سؤال که قبل از رکوع متوجه شده و تسیحات اربعه را نخوانده بر رکوع رفته نماز او باطل است باید دوباره بخواند.

س ۳۱۸

اشاره

- اگر مأمومین در قنوت یا ذکر رکوع یا ذکر سجده با لحن دلنشین امام جماعت هماهنگ شده به صورتی که صدای جمع‌خوانی از جماعت شنیده
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹۴
شود، آیا این کار مبطل نماز است؟

ج

- اگر مأموم اذکار نماز را طوری بگوید که صدای او را امام جماعت بشنود کراهت دارد. و الله العالم.

س ۳۱۹

اشاره

- وقتی که انسان در نماز جماعت یک رکعت از امام عقب است موقعی که امام در رکعت سوم است و تسیحات می‌خواند، وظیفه مأموم در خواندن حمد و سوره چیست؟ آیا بلند بخواند یا آهسته؟

ج

- آهسته بخواند.

س ۳۲۰

اشاره

۱- اگر امام جماعت در سوره آیه‌ای را جابجا بخواند در صورتی که انسان می‌داند وظیفه چیست؟

ج

۱- اگر امام جماعت سهواً آیه‌ای را غلط بخواند و امکان تذکر باو نباشد مأموم شخصاً آن آیه را بنحو صحیح بخواند.

س ۳۲۱

اشاره

۱- اگر امام جماعت سهواً بعضی از آیات سوره را نخواند وظیفه مأمومین چیست؟

ج

۱- اگر مأمومین حین خواندن سوره متوجه شوند باید همان مقدار را که امام جماعت نخوانده خودشان بخوانند و الا نماز مأمومین باطل است. و الله العالم.

س ۳۲۲

اشاره

۱- آیا اقتدا به امام جماعتی که در حرکت حروف دعا و یا آیه قرآن که بعنوان دعا در قنوت یا سجده می‌خواند دچار اشتباه می‌شود صحیح است؟

ج

۱- اگر اشتباه در اذکار مستحبی باشد اشکال ندارد.

س ۳۲۳

اشاره

۱- آیا اقتدا به امام جماعتی که شک در صحت قرائت او داریم جایز است یا نه؟

ج

- باید بالوجدان و یا با اصالة الصحة صحیح بودن قرائت امام محرز شود. و الله العالم.

س ۳۲۴

اشاره

- اگر مأموم در حال رکوع رفتن امام، به امام اقتدا کند نه زمانی که امام به رکوع رفته یا در حال قیام است آیا جماعت منعقد می‌شود یا نه؟

ج

- در رکعت اول و دوم اشکال ندارد و در رکعت سوم و چهارم محل اشکال است احوط اتمام و اعاده جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹۵ است. و الله العالم.

س ۳۲۵

اشاره

- اگر در نماز جماعت جلسه استراحت را فراموش کند آیا برگشتن خلاف متابعت نیست و باید قصد فرادی نماید؟

ج

- در فرض سؤال جلسه استراحت در رکعت اول و سوم بنا بر احتیاط واجب است. در رکعت سوم احتیاطاً بنشیند و جلسه استراحت را تدارک نماید و به امام ملحق شود ولی در رکعت اول احتیاطاً بنشیند و تدارک کند و اگر موجب شود قسمتی از قرائت را با امام درک نکند بقصد فرادی نماز را تمام کند و اگر احتیاطاً هم اصل نماز را اعاده کند خوب است.

اختلاف امام و مأموم

س ۳۲۶

اشاره

- افرادی به مدّت طولانی نماز جماعتی خوانده‌اند که آن نماز جماعت از نظر حضرت تعالی صحیح نیست (امام و مأموم هر دو کثیر السفر ولی یکی کامل و دیگری شکسته خوانده، چون هر کدام از مرجع تقلید جداگانه‌ای تقلید می‌کنند)، عدم صحت نماز جماعتی که این گونه برگزار می‌گردد به چه معناست؟ آیا بطلان و عدم کفایت است و باید نمازهای گذشته قضا شود یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال نماز امام صحیح است و قضا ندارد ولی مأموم باید اگر خلاف وظیفه منفرد عمل کرده قضای آن نمازها را به جا آورد. و الله العالم.

س ۳۲۷

اشاره

- اقتدا به امام جماعتی که فتوای مرجع تقلیدش با مرجع تقلید مأموم در نماز مسافر متفاوت است صحیح است یا خیر؟

ج

- اقتداء به او در نماز صبح و مغرب اشکال ندارد ولی در نمازهای چهار رکعتی مأموم باید احراز کند که در این نمازی که اقتداء می‌کند اختلاف نظر وجود نداشته باشد. و الله العالم.

س ۳۲۸

اشاره

- حکم نمازی که امام جماعت نماز قضا، و مأمومین نماز اداء به او اقتدا می‌کنند چگونه است؟ و اگر امام جماعت نماز قضای دیگری را بخواند، چطور؟

ج

- اگر نماز قضا امام نماز قضا یقینی و لو برای دیگری باشد اقتداء بلامانع
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹۶
است ولی اگر نماز قضا احتیاطی باشد چه از خودش و چه از دیگری اقتداء اشکال دارد. و الله العالم.

س ۳۲۹

اشاره

ا- اگر امام و مأوم در احکام طهاره با هم اختلاف داشته باشند مثلاً امام نماز با غسل جمعه را جائز می‌داند و صحیح ولی مأوم صحیح نمی‌داند.

ج

- در فرض سؤال اقتداء جائز نیست.

س ۳۳۰**اشاره**

ا- اگر اختلاف امام و مأوم در اصل جواز اقتداء باشد مثلاً امام به فتوای مجتهد خود دو بار جماعت را جائز می‌داند ولی مأوم خیر؟

ج

- در فرض مذکور مأوم به نمازی که دوباره امام میخواند نمیتواند اقتداء کند.
اگر اختلاف امام و مأوم در وجوب سوره باشد که امام واجب نمی‌داند ولی مأوم واجب می‌داند؟
ج- در فرض سؤال در صورتی که امام سوره را نخواند مأوم نمیتواند اقتداء کند.

س ۳۳۱**اشاره**

ا- اگر اختلاف در بقیه نماز باشد (مثلاً تسبیحات اربعه باشد)؟

ج

- حکم صور قبلی را دارد

س ۳۳۲**اشاره**

۱- اگر امام مقلد کسی است که فرادی کردن نماز را در جماعت جائز می‌داند ولی مأوموم خیر؟

ج

۱- در فرض سؤال اقتداء اشکال ندارد.

صفوف جماعت

س ۳۳۳

اشاره

۱- در مسجد جامع نماز منعقد می‌شود در صف دهم یا کمتر جائی دیواری کشیده شد به ارتفاع تقریباً چهل سانت عرض آن ۱۵ سانت بطول چهار متر برای مرد که صف جلو بغل دیوار و صف پشت دیوار که فاصله‌اش از یک گام معمولی کمتر باشد آیا حائل حساب می‌شود یا خیر؟

ج

۱- در مورد سؤال چنانچه مأومومین در حال جلوس صف جلوتر از خود را می‌بینند و فاصله بین محل سجده آنها با محل ایستادن صف جلو از یک گام کمتر است جماعت اشکال ندارد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹۷

س ۳۳۴

اشاره

۱- بنده مقلد مرجعی بودم که می‌گفت نماز جماعت کسی که پشت ستون باشد از طرف راست یا چپ اتصال داشته باشد صحیح است و اگر صفوف تا درب مسجد برسد نماز افرادی که مقابل درب هستند صحیح ولی کسانی که دو طرف درب هستند اشکال دارد. الآن مقلد مرجعی هستم که می‌گوید اشکال ندارد آیا باید نمازهای گذشته خود را اعاده نمایم؟

جامع الاحکام؛ ج ۱؛ ص ۹۷

ج

- با رجوع به مرجع فعلی در این مسأله اعاده و قضا لازم نیست. و اللّٰه العالم.

س ۳۳۵

اشاره

- ستونهای آهنی در مساجد زیاد است آیا برای صفهای جلوی نماز جماعت مانعی دارد یا خیر چون اکثراً بیست سانت یا بیست و پنج سانت است؟

ج

- مانع نیست.

س ۳۳۶

اشاره

- خانمها در پشت پرده کمی از امام جماعت عقب بایستند صحیح است یا باید بقدری عقب تر باشند که محل سجده آنها عقب تر از قدمهای پیشماز باشد.

ج

- کمی از امام جماعت عقب بایستند کافی است.

س ۳۳۷

اشاره

- اگر در نماز جماعت که زنها پشت پرده نماز می‌خوانند در وسط نماز بسبب پاره شدن طناب یا هر سبب دیگر پرده بیافتد و در نتیجه زنان و مردان بدون پرده در یک صف قرار بگیرند وظیفه چیست؟

ج

- اشکال ندارد.

س ۳۳۸

اشاره

- از عروه جلد اول فی شرائط الجماعة مسأله ۲۲ لا یضر الفصل بالصبی الممیز ما لم یعلم بطلان صلاته اینطور می فهمم که اگر بچه ممیز غیر بالغ وسیله اتصال باشد مثلاً در صف اول سه یا چهار بچه باشند تا وقتی که علم به بطلان نماز آنها نداریم اتصال حاصل و جماعت صحیح است مرحوم آیت الله گلپایگانی حاشیه دارند بدین مضمون مشکل بل الظاهر لزوم العلم بالصحة ما لم یبلغ، فتوای حضرتعالی چیست؟

ج

- در مورد سؤال، نظر این جانب با نظر مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی ره موافق است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹۸

س ۳۳۹

اشاره

- حایلی که باید بین مردان و زنان در حال نماز باشد اگر در نماز جماعت آن حایل دیوار سی سانتی یا بیشتر باشد چه طور است آیا اتصال زنان از پشت دیوار صحیح است یا نه؟

ج

- اگر منظور این است که ارتفاع دیوار سی سانت است نماز جماعت آنها اشکال ندارد و اگر منظور این است که عرض دیوار سی سانت و یا بیشتر است در این صورت هم در صورت صدق محل واحد برای جماعت و فهمیدن خانمها موقع رکوع و سجود امام جماعت را، جماعت اشکال ندارد.

احکام متفرقه نماز جماعت

س ۳۴۰

اشاره

- مؤمنی می پرسید که من وقتی که نماز خود را فرادی می خوانم حضور قلب و خشوع بهتر دارم اما در نماز جماعت آن حضور قلب

برایم پیدا نمی‌شود با این حال نماز خود را با جماعت بخوانم یا بطور فردی؟

ج

- نماز را بجماعت بخواند و از فضیلت عظیم آن خود را محروم ننماید و اگر کسی در نماز توفیق حضور قلب و خشوع داشته باشد چون منشأ آن توجه بعظمت خداوند است در جماعت هم این حالت حاصل می‌شود، بلی ممکن است ابتداءً چون عادت نکرده آن حال را پیدا نکند ولی تدریجاً محقق می‌شود انشاء الله. و الله العالم.

س ۳۴۱

اشاره

- در زمان انعقاد جماعت، منفرداً نماز خواندن چطور است و قبل از شروع نماز و یا بین صلاتین اگر موجب توهین به امام جماعت شود چطور است در امام جماعت مشکوک العداله تکلیف چیست؟

ج

- در محلی که نماز جماعت منعقد است چنانچه فردی خواندن ظهور در تفسیق امام جماعت داشته باشد نباید در آنجا نماز فردی خوانده شود.

س ۳۴۲

اشاره

- موقع اقامه نماز جماعت کسانی هستند که در جماعت شرکت نکرده به صحبت می‌پردازند و نمازشان را فردی می‌خوانند باین جهت باعث اختلاف می‌شوند آیا نماز این افراد صحیح است یا خیر؟

ج

- در محلی که نماز جماعت اقامه شده چنانچه فردی نماز خواندن ظهور در جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۹۹ تفسیق امام جماعت داشته باشد نماز فردی جائز نیست و باطل است.

س ۳۴۳

اشاره

- اگر کسی در اول وقت وارد مسجد شود، و در حالی که نماز جماعت بپاشده باشد به واسطه عذری نماز را فرادی بخواند، آیا نمازش صحیح است؟

ج

- اگر فرادی خواندن نماز در نظر کسانی که آنجا نماز جماعت می‌خوانند انتزاع تفسیق امام جماعت نشود اشکال ندارد. و الله العالم.

س ۳۴۴

اشاره

- امام جماعت تا چند نوبت می‌تواند نماز یومیه را به جماعت بخواند و تا چند نوبت می‌تواند نماز عید را به جماعت بخواند؟

ج

- تا دو نوبت در نمازهای یومیه ولی در نماز عید مشروعیت تکرار آن معلوم نیست. و الله العالم.

س ۳۴۵

اشاره

- آیا امام جماعت می‌تواند نماز قضای میّت (که حتمی بوده نه احتیاطی) را تبرّعاً بخواند و یا اجرت گرفته باشد و دیگران به او اقتداء کنند؟

ج

- در صورتی که نماز قضاء یقینی به ذمه باشد مانعی ندارد.

س ۳۴۶

اشاره

- آیا نماز جماعت را بیش از یک مرتبه می‌شود خواند یا خیر و آیا نیت آن چگونه است؟

ج

- اگر امام جماعت برای عده‌ای نماز جماعت بخواند جایز است یک بار دیگر همان نماز را برای عده دیگری بخواند و زائد بر آن محلّ اشکال است.

س ۳۴۷

اشاره

- نظر حضرت‌عالی در مورد مصافحه بعد از نماز جماعت چیست؟ آیا این کار بدعت است؟

ج

- مصافحه بعد از نماز اگر بقصد ورود نباشد اشکال ندارد.

س ۳۴۸

اشاره

- آیا برپا کردن دو نماز جماعت در مسجدی که یک امام جماعت معین دارد جایز است یا خیر؟

ج

- اگر موجب توهین و یا عناوین محرم دیگر شود اشکال دارد. و اللّٰه العالم.

س ۳۴۹

اشاره

- آیا نیت جماعت برای امام جماعت لازم است یا نه؟

ج

- نیت جماعت برای امام جماعت شرط صحت نماز خود او و یا مأمومین نیست بلکه شرط ثواب جماعت بردن اوست. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۰

س ۳۵۰

اشاره

- امام جماعت در وسط نماز عشاء وقتی تشهد را خواند برای تسیحات اربعه بلند شد، بعد فهمید که مسافر است باید نمازش را شکسته بخواند (مأمومین هم می‌دانستند که امام مسافر است) ولی نمازش را تمام خواند آیا نماز مأمومین باطل است یا نه؟

ج

- در فرض مذکور که امام بعد از تشهد فهمیده باشد که مسافر است و نماز را عمداً یا سهواً تمام خوانده باشد نماز مأمومین با او اشکال ندارد فقط رکعت سوم و چهارم آنها بطور قهری فرادی واقع می‌شود و نیت ادامه اقتدا که بواسطه جهل بحکم بوده مضر بصحت نماز آنها نیست بلی اگر در رکعت سوم و چهارم بگمان صحت اقتدا جهت متابعت رکنی را زیاد کرده باشند باید نماز را اعاده نمایند.

نماز جمعه

س ۳۵۱

اشاره

- حکم نماز جمعه در زمان غیبت حضرت ولی عصر (ارواح العالمین له الفداء) چگونه است؟

ج

- به نظر حقیر در زمان غیبت در صورت خواندن نماز جمعه احتیاط واجب خواندن ظهر است ولی نظر به اینکه در حال حاضر خلوت ماندن نماز جمعه موجب ضعف مؤمنین در حفظ مواضع اسلامی است در حدی که شوکت این مراسم محفوظ بماند مؤمنین شرکت نمایند.

س ۳۵۲

اشاره

- وقت شروع نماز جمعه از اول زوال است تا چه موقع؟

ج

- وقت نماز جمعه از اول زوال است تا مدت زمانی که مکلف با تحصیل شرائط بدون عجله آن را بتواند انجام دهد.

س ۳۵۳

اشاره

- آیا خواندن نماز ظهر بعد از امام جمعه لازم است؟

ج

- شرکت در اقامه نماز جمعه بسیار خوب است ولی بنظر این جانب نماز جمعه بنابر احتیاط واجب کفایت از ظهر نمی‌کند. و الله العالم.

س ۳۵۴

اشاره

- شرکت کنندگان در نماز جمعه نماز ظهر از آنها ساقط است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، بنابر احتیاط واجب باید نماز ظهر را هم بخوانند و چنانچه امام جمعه اکتفا به نماز جمعه کند باید نماز ظهر و عصر را خودشان بخوانند و رجاء اقتدا جایز است ولی نباید به آن اکتفا شود.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۱

س ۳۵۵

اشاره

- بنابر فتوی مرحوم آیت الله گلپایگانی قدس سره نماز جمعه کفایت از نماز ظهر نمی‌کند و مقلدین باید نماز ظهر را بنابر احتیاط واجب بخوانند همچنین در صورتی اقتداء به نماز عصر درست است که امام نماز ظهر خود را بجا آورد حال آیا باید مأمومین در صف جلو (بطوری که صف تشکیل شود) نیز بلند شوند و نماز ظهر را بخوانند تا نماز عصر مأمومین در صف بعد صحیح باشد؟

ج

- بلی اگر کسی بخواهد طبق احتیاطی که مرحوم آیت الله گلپایگانی قدس سره فرموده‌اند عمل کند باید در این جهت نیز رعایت احتیاط بنماید اگر مأمومین صف جلو نماز ظهر را احتیاطاً میخوانند در نماز عصر اقتدا بی اشکال است و اگر به مرجعی رجوع کرده که خواندن نماز ظهر را لازم نمیداند نمازش اگر چه صف جلو نماز ظهر را نخوانند بی اشکال است.

س ۳۵۶

اشاره

- در هندوستان کارکنان اداره‌ها از جهت اینکه دولت غیر اسلامی است و برای خصوص نماز جمعه تعطیل نمی‌کند نمی‌توانند در وقت شرعی در نماز جمعه شرکت نمایند، شرکت نکردن آنها جائز است؟ آیا می‌توانند بعد از تعطیل اداره یک ساعت و نیم بعد از ظهر اقامه جمعه نمایند؟

ج

- در صورت اقامه نماز جمعه باید اول وقت خوانده شود و یک ساعت و نیم بعد از ظهر وقت نماز جمعه می‌گذرد و بنظر این جانب نماز جمعه در غیبت امام زمان ارواحنا فداه واجب نیست و کفایت از ظهر نمی‌کند.

س ۳۵۷

اشاره

- امام جمعه می‌تواند مسافر باشد یا نه، در جائی که بی‌احترامی به نماز جمعه نباشد و خلاصه نز دیک نماز جمعه نباشد آیا می‌توان نماز ظهر و عصر را با جماعت خواند یا باید صبر کرد؟

ج

- امامت نماز جمعه برای مسافر محل اشکال است و نسبت بتأخیر نماز ظهر و عصر تا تمام شدن نماز جمعه اولی رعایت این جهت است لکن واجب نیست. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۲

س ۳۵۸

اشاره

- با توجه به این که تعدادی از ائمه محترم جمعه شهرستان‌ها، در قم ساکن می‌باشند و روزهای جمعه جهت برگزاری نماز جمعه، به محلی که وطن آنها نیست مراجعه نموده و نماز عصر خود را با توجه به فتوای مرجع تقلید خود کامل می‌خوانند، اگر نظر مرجع تقلید مأمومین خلاف نظر مرجع تقلید امام باشد، آیا اقتدا در این صورت صحیح است؟

ج

- در فرض سؤال، اقتداء صحیح نیست. و الله العالم.

س ۳۵۹

اشاره

- شرکت در نماز جماعت و نماز جمعهای که در عدالت امام شک دارم جهت تقیه از اداره متبوعه چه حکمی دارد؟

ج

- این مورد از موارد تقیه که موجب اکتفاء به عمل تقیه‌ای می‌شود نیست، اگر بطور صوری نماز خوانده‌اید باید خودتان نماز را فرادی یا با جماعت صحیح بخوانید. و الله العالم.

س ۳۶۰

اشاره

- سوره‌های و الضحی و الم نشرح، فیل و ایلاف که در نماز حکم سوره واحده را دارند آیا در غیر نماز مثل خطبه جمعه هم این چنین است؟

ج

- در غیر نماز این حکم را ندارند.

س ۳۶۱

اشاره

- خرید و فروش در روز جمعه مکروه است یا مباح؟ مسافرت در روز جمعه مکروه است یا مباح؟

ج

- معامله در وقت اقامه نماز جمعه و مسافرت قبل از اداء آن مکروه است.

س ۳۶۲

اشاره

- استدعا می‌شود تعیین ساعت کنید خطبه نماز جمعه را و خود نماز جمعه از اول ظهر شرعی چقدر باید بکشد چقدر از ظهر بگذرد نماز جمعه ساقط است تا تمام بشود چقدر باید از ظهر بگذرد که اگر از آن وقت گذشت نماز جمعه ساقط است اگر امام جمعه‌ای اعتناء نکرد بعد از تعیین وقت نماز جمعه خواند مردم مسأله را نمایندند امام جمعه معصیت کرده یا نه؟

ج

- اول وقت نماز جمعه زوال شمس است و هرگاه زمانی بگذرد که در آن مقدار از زمان، مکلف تمکن داشت که تحصیل شرائط نماید مانند طهارت و اجتماع و غیر اینها بحسب عادت مردم با رفاهیت بدون سستی و بدون تعجیل، وقت آن تمام شده و چون این امور بحسب موارد و اشخاص، متفاوت است نمیتوان آن را با جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۳ ساعت معین کرد یادآوری می‌شود بنظر این جانب در عصر غیبت، بنابر احتیاط واجب نماز جمعه مجزی از نماز ظهر نیست و کسی که آن را می‌خواند با احتیاط واجب باید ظهر را بخواند را نیز بخواند. و الله العالم

س ۳۶۳

اشاره

- امام در نماز جمعه رکوع را دو مرتبه انجام بدهد یا مأموم دو مرتبه اشتبهاً انجام دهد نماز باطل است یا اضافه رکوع مأموم در جمعه مثل نماز جمعه است.

ج

- اگر امام رکوع را دو مرتبه انجام دهد و یا مأموم عمداً یا اشتبهاً دو مرتبه انجام دهد، نماز جمعه باطل است بلی اگر مأموم سر از رکوع بردارد و ببیند هنوز امام در رکوع است و بقصد تبعیت مجدداً به رکوع رود و امام را در رکوع درک کند اشکال ندارد. والله العالم

نماز آیات

س ۳۶۴

اشاره

- گاهی از رادیو و تلوزیون اعلام می‌کنند در یکی از کشورهای عربی خسوف و کسوف رخ داده آیا برای ما که در ایران هستیم نماز آیات واجب است؟

ج

- واجب نیست. و الله العالم.

س ۳۶۵

اشاره

۱- اگر شخصی در حال مسافرت با هواپیما گرفتگی ماه یا خورشید را مشاهده نماید آیا نماز آیات به این شخص واجب می‌شود یا خیر؟

ج

- واجب است.

س ۳۶۶

اشاره

۱- اگر به شخصی که با هواپیما مسافرت می‌کند اطلاع بدهند که در محاذی حرکت شما زلزله بوقوع پیوسته، اگر از این مخابره برای شخص یقین حاصل شود نماز آیات در فرض سؤال واجب می‌شود یا خیر؟

ج

- واجب نمی‌شود.

س ۳۶۷

اشاره

۱- اگر زنی حائض باشد و ماه یا خورشید بگیرد آیا باید بعد از پاک شدن نماز آیات بخواند یا نه؟

ج

- بر زنی که در حال کسوف و خسوف و یا زلزله حائض یا نفساء است نماز

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۴

آیات واجب نیست بلی مستحب است بعد از پاک شدن آن را بخواند ولی بنا بر احتیاط در گرفتن ماه و خورشید نیت اداء و قضا نکند و در زلزله نیت ادا کند.

س ۳۶۸

اشاره

- در نماز آیات، همه رکوعها قیام قبل از رکوع و قیام بعد از رکوع دارد یا فقط در مورد رکوع آخر هر رکعت واجب است؟

ج

- قیام متصل برکوع برای تمام رکوعها واجب است.

نماز مستحبی

س ۳۶۹

اشاره

- رفتن زنان برای نماز عید چه صورت دارد برای تشییع جنازه چه صورت دارد؟

ج

- اولی بلکه احوط آنست که زنها در نماز عید شرکت نکنند مگر پیرزنها و تشییع جنازه برای زنها کراهت دارد. و الله العالم

س ۳۷۰

اشاره

- در نماز غفیله بعد از حمد که به جای سوره «و ذا النون إذ ذهب» یا در رکعت دوّم که به جای سوره «و عنده مفاتح الغیب» خوانده می‌شود آیا قبل از این دو آیه کلمه طّیبه «بسم الله الرحمن الرحیم» باید گفت یا نه؟

ج

- لازم نیست. و الله العالم.

س ۳۷۱

اشاره

- وقت نماز غفیله را با ساعت بفرمائید چه موقع است و اگر دیر شد می‌شود خواند یا نه؟

ج

- وقت آن بحسب فصول سال کم و زیاد می‌شود بطور کلی باید بین نماز مغرب و عشاء خوانده شود و جایز است آن را بعنوان نافله نماز مغرب بخواند و در این صورت وقت آن بمقدار وقت نماز مغرب امتداد دارد و بهتر است که بقصد رجاء بخواند

س ۳۷۲

اشاره

- آیا دعا در نمازهای نافله و نماز وتر و غفیله بزبان فارسی جایز است یا خیر؟

ج

- جایز است ولی خواندن دعاهائی که از اهل بیت علیهم السلام رسیده از جهات متعدد راجح است و فضیلت دارد و سزاوار نیست شخص خود را از فیض جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۵ خواندن آن دعاهای عالیة المضامین محروم سازد.

س ۳۷۳

اشاره

- نماز اول ماه را می شود قبل از آفتاب خواند یا نه؟

ج

- خواندن نماز اول ماه از اول طلوع آفتاب تا مغرب قطعاً بلاشکال است و بعید نیست قبل از طلوع آفتاب هم صحیح باشد و در این صورت بهتر است بقصد رجاء بخواند. و الله العالم

س ۳۷۴

اشاره

- هنگام زیارت حضرت معصومه علیها السلام دو رکعت نماز زیارت را به چه عنوان بخواند؟ (چون می گویند برای ائمه وارد شده است).

ج

- نماز را بعنوان یک دستور از طرف شرع که در این مورد وارد شده باشد نخواند بلکه نیت کند دو رکعت نماز میخوانم قربه الی الله و ثواب آن را هدیه به حضرت معصومه (ع) نماید.

س ۳۷۵

اشاره

- زیارت را که بقصد خود و نیابت دیگران می‌خواند آیا نمازش را نیز می‌تواند بهمین قصد بخواند؟ و نیز نماز طواف مستحبی را که بقصد خود و نیابت دیگران می‌خواند.

ج

- اگر برای خود می‌خواند نمازش را هم بهمین قصد بخواند و اگر به نیابت دیگران است نمازش را هم بهمان قصد بخواند و قصد خود و نیابت از دیگران در یک عمل چه در زیارت و چه در نماز محل اشکال است بلی اگر قصد نیابت نکند و نیتش این باشد که ثواب این زیارت یا نماز برای خود و دیگران باشد اشکال ندارد.

س ۳۷۶

اشاره

- آیا در نافله بعد از حمد اگر بخواند سوره‌ای بخواند باید یک سوره کامل بخواند یا بعض آن را هم می‌شود خواند؟

ج

- می‌تواند اکتفا به بعض سوره بنماید ولی در نمازهای مستحبی که در آداب آن سوره خاصی وارد شده باید آن سوره را تا آخر بخواند. و الله العالم.

س ۳۷۷

اشاره

- آیا در سفر همه نوافل غیر از نماز شب ساقط است و یا اینکه نماز غفیله و وتیره را می‌توان خواند؟

ج

- در سفر نوافل ظهر و عصر ساقط است و بقیه نوافل ساقط نیست و فقط احتیاط این است که نافله عشاء و وتیره بقصد رجاء بجا آورده شود بنابراین نافله جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۶
مغرب و صبح و شب و غفیله ساقط نیستند. و الله العالم.

نماز مسافر

قصد مسافرت

س ۳۷۸

اشاره

- شخصی از اول قصد مسافت نداشت، اول قصد سه کیلومتر داشت بعد از آن گفت برویم تا هشت کیلومتر و هكذا تا رسید به ۲۵ کیلومتر، نماز این شخص در ذهاب تمام است سؤال اینکه اگر در ۲۵ کیلومتری دو شب ماند در مدتی که مانده و در برگشت نمازش چگونه است؟

ج

- در فرض سؤال در آن دو شب نمازش تمام است و در برگشت نیز چون برگشت هشت فرسخ شرعی نیست نماز تمام است.

س ۳۷۹**اشاره**

- شخص بیهوشی که در حال بیهوشی به تهران برده می‌شود و معلوم است که از شرایط قصر قصد مسافت شرعی در حین خروج از وطن می‌باشد. اگر این شخص بمجرد رسیدن به تهران بهوش بیاید و پنج روز بیشتر قصد ماندن در تهران را نداشته باشد نماز خود را در تهران و برگشتن به وطن قصر بخواند یا تمام؟

ج

- در مورد مسأله باید نمازهایش را در تهران تمام بخواند و در بازگشت به وطنش که علی‌الفرض بحد مسافت شرعی است چون انشاء سفر می‌نماید نمازش قصر است.

وطن دوم**س ۳۸۰****اشاره**

- آیا انسان می‌تواند بیشتر از دو وطن اخذ کند؟

ج

- بلی می‌تواند. و الله العالم.

س ۳۸۱

اشاره

- می‌گویند اگر کسی در شهری مقیم شد و قصد توطن نداشته اگر مدّت مدیدی بماند که صدق کند عرفاً اهل آن بلد است نماز او تمام است سؤال اینکه از چه موقع نماز را تمام بخواند از همان اوّل یا بعد از گذشتن آن مدّت که جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۷
عرفاً صدق کند و چه مدت باید بگذرد چند ماه یا چند سال؟

ج

- حدّ معینی چند ماه یا چند سال ندارد میزان این است که بمقداری توقف کند که در نظر عرف صدق وطن کند یعنی مردمی که از وضع او باخبرند بگویند این شخص وطنش اینجا شده است.

س ۳۸۲

اشاره

- آیا حوزه برای طلبه ای که قصد اقامت مثلاً پنج سال را دارد حکم وطن حساب می‌شود؟

ج

- در صورتی که مدت توقف شما در آن شهر معین باشد حکم وطن ندارد.

اعراض از وطن

س ۳۸۳

اشاره

- اعراض با قصد محقق می‌شود و یا به اعراض قهری هم محقق می‌شود؟

ج

- باعراض قهري نیز محقق می‌شود. و الله العالم.

س ۳۸۴

اشاره

- کسی از وطن اصلی خود اعراض کرده ولی آنجا ملک دارد وقتی که به آنجا می‌رود نمازش تمام است یا شکسته؟

ج

- با فرض اعراض حکم مسافر دارد. و الله العالم.

س ۳۸۵

اشاره

- کسی از وطن اصلی اعراض نکرده و پدر و مادرش آنجا زندگی می‌کنند و سالی چند مرتبه به آنجا می‌رود وظیفه‌اش نسبت به نماز و روزه چیست؟

ج

- با فرض عدم اعراض و لو قهري نماز تمام و روزه صحیح است. و الله العالم.

س ۳۸۶

اشاره

- کسی از وطن اصلی خود اعراض نکرده ولی هر سال نمی‌تواند به آنجا برود وقتی که به آنجا می‌رود و کمتر از ده روز می‌ماند وظیفه‌اش نسبت به نماز و روزه چیست؟

ج

- با فرض عدم اعراض و لو قهري نماز تمام و روزه صحیح است. و الله العالم.

س ۳۸۷

اشاره

- این جانب حدود ۲۲ سال است از وطن اصلی به اصفهان آمده‌ام و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۸

امید دارم که اگر بازنشسته شدم برگردم وطن و آنجا زندگی خود را ادامه دهم آیا در حال حاضر نمازم در وطن تمام است یا شکسته؟ و آیا می‌توانم در اطراف وطن ۱۰ تا ۲۰ کیلومتری نمازم را تمام بخوانم یا نه؟

ج

- در فرض سؤال که از وطن اصلی اعراض نکرده‌اید نماز شما در وطن تمام و روزه صحیح است و اگر از وطن ۱۰ یا ۲۰ کیلومتر بروید و قصد مسافت شرعی نداشته باشید نماز را تمام بخوانید.

س ۳۸۸

اشاره

- شخصی ۳۰ سال خدمت خود را در استخدام یکی از وزارتخانه‌ها در یکی از شهرها که وطن او نیست و قصد توطن هم نکرده می‌گذراند و بعد از اتمام ۳۰ سال بر می‌گردد به شهر خود، در طول استخدام در آن شهر نماز و روزه‌اش چگونه است آیا همیشه باید قصد اقامه ده روز کند یا خیر؟

ج

- در شهر محل خدمت حکم مسافر دارد.

س ۳۸۹

اشاره

- پسر از خانه پدر جدا شده است. پدر در تهران زندگی می‌کند پسر در قم زندگی می‌کند اگر پسر در ماه رمضان به منزل پدر که در تهران است برود نماز و روزه‌اش تمام است یا نه؟ و همچنین اگر پدر به منزل پسر برود نماز و روزه‌اش شکسته است یا نه؟

ج

۱- اگر پسر از وطن سابق خود (تهران) اعراض کرده باشد فعلاً که به خانه پدری می‌رود حکم مسافر را دارد و همچنین است حکم پدر که بخانه فرزند می‌رود.

س ۳۹۰

اشاره

- کسی ۲ خانه دارد یکی در روستا و یکی در قم ساکن دائمی قم می‌باشد تصمیم جدی نگرفته که دیگر روستا نمی‌روم ترک علقه هم نکرده، بروم روستا نماز این شخص شکسته است یا تمام؟

ج

۱- اگر تصمیم جدی به اعراض از روستائی که قبلاً وطن او بوده نگرفته نماز و روزه او در روستای مذکور تمام و صحیح است. و الله العالم.

س ۳۹۱

اشاره

- این جانب در اداره پست میل-جرد انجام وظیفه می‌نمودم و از اهالی آنجا می‌باشم و در آن محل خانه و باغ دارم و مدت چهار سال است که به مرا اراک انتقال داده‌اند این جانب نمازم را در اراک تمام می‌خوانم و موقعی که به میل-جرد می‌روم ۲ روز و یا ۳ روز اقامت می‌کنم و آنجا هم نمازم را تمام جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۰۹ می‌خوانم آیا عمل این جانب صحیح است؟

ج

- در مورد سؤال تا موقعی که از میل-جرد که وطن فعلی شما است اعراض نکرده باشید حکم وطن باقی است نماز شما در آنجا و لو دو روز یا یک روز می‌مانید تمام و روزه صحیح است و اما در اراک چنانچه قصد توطن کرده‌اید حکم وطن دارد ولی اگر قصد توطن نکرده‌اید در صورتی که قصد اقامه ده روز نداشته باشید نماز شکسته است و روزه صحیح نیست ولی در صورتی که وضع شغلی و رفت و آمد شما به اراک طوری است که در اراک ده روز نمی‌مانید و در بین ده روز از آنجا به وطن رفت و آمد دارید باید نماز را تمام بخوانید و روزه را بگیرید، بلی اگر گاهی اتفاقاً در وطن با قصد یا بی‌قصد و یا در اراک با قصد ده روز بمانید در سفر اول بعد از آن نماز را شکسته بخوانید و روزه نگیرید.

تبعیت همسر و فرزند در سفر

س ۳۹۲

اشاره

- دختری که خانه شوهر می‌رود اگر خارج از مسافت شرعی باشد در شب اول که خانه شوهر وارد می‌شود و قبل از ۱۰ روز برمی‌گردد نماز او چه حکمی دارد؟ آیا دختر به مجرد ورود به خانه شوهر وطن او حساب می‌شود یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال به مجرد ورود به خانه شوهر وطن محسوب نمی‌شود، بنابراین در مدت توقف کمتر از ده روز، نماز شکسته است. و الله العالم.

س ۳۹۳

اشاره

- اگر دختری که شوهر رفته است به خانه پدر و برادر خودش برود نماز قصر است یا تمام؟

ج

- اگر خانه پدر و برادر در وطن شوهر نباشد نماز زن قصر است.

س ۳۹۴

اشاره

- معقوده دائمی که با وطن شوهرش مسافت شرعی فاصله است و هنوز عروسی نشده مکرر به وطن شوهر رفت و آمد دارد بدون قصد اقامه، تکلیف نماز و روزه‌اش بین راه و در وطن شوهرش چیست؟ و همچنین شوهرش که چه بسا کثیر السفر هم هست ولی این رفت و آمدها بخاطر ملاقات یکدیگر است تکلیف نماز و روزه‌اش چیست؟

ج

- در فرض سؤال قبل از انتقال عروس بوطن شوهر بعنوان عروسی و ماندن

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۰

در نزد شوهر وطن شوهر برای زوجه حکم وطن ندارد و مجرد رفت و آمد جهت دیدن موجب تمام خواندن نماز در مسافرت نمی‌شود و همچنین است حکم نسبت به شوهر.

س ۳۹۵

اشاره

- زنی که ازدواج می‌کند و از وطن اصلی خود به شهر دیگری می‌رود و در عرض سال چند مرتبه برای دیدن ارحام به وطن اصلیش بازمی‌گردد نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

ج

- در فرض سؤال که زن بنا دارد در وطن شوهر همراه با شوهر زندگی کند اعراض قهری از وطن خود اوست در بازگشت به وطن جهت صله ارحام حکم مسافر را دارد.

س ۳۹۶

اشاره

- آیا تابع بودن زن از شوهر تا چه حدّ می‌باشد مثلاً اگر شوهرش گاهی در وطن اصلیش یک شب و دو شب می‌ماند و همسرش را با خودش میبرد آیا وظیفه زن نسبت به نماز و روزه چیست؟

ج

- اگر سابقاً در وطن شوهر همراه او زندگی کرده است فعلاً هم که به وطن شوهر می‌رود نماز تمام و روزه او صحیح است و الا وطن قبلی شوهر که فعلاً شوهر در غیر آنجا زندگی میکند برای زوجه او حکم وطن ندارد.

س ۳۹۷

اشاره

- شوهر از مشهد و همسرش از بشرویه است زوجین برای زیارت و احوالپرسی به مشهد می‌آیند آیا تکلیف این زن برای نماز و

روزه‌اش چیست درحالی که از وطن اصلی پدری خود اعراض نکرده است؟

ج

- در فرض سؤال که زن هنوز بوطن همسرش (مشهد مقدس) منتقل نشده و بطور موقت برای زیارت رفته است در وطن همسرش حکم مسافر را دارد که اگر قصد اقامه ده روز نماید باید نماز را شکسته بخواند و روزه‌اش صحیح نیست هرچند تکلیف شوهرش اتمام نماز و گرفتن روزه است.

س ۳۹۸

اشاره

- تکلیف فرزندان این خانواده برای نماز و روزه در بشرویه چیست؟ بخصوص که بخاطر وجود پدر بزرگ و مادر بزرگشان و اقوام آنان در این شهر اقامت در آن را دوست می‌دارند؟

ج

- در صورتی که خود فرزندان فعلاً در زندگی مستقل نشده باشند و همراه پدر جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۱ و مادر هستند در بشرویه حکم مسافر را دارند.

س ۳۹۹

اشاره

- دختری را پس از ازدواج بشهر دیگری می‌برند و در آنجا ساکن می‌شود و اگر با شوهرش بشهر خودش (یعنی زادگاه پیش پدر و مادرش) می‌آید با توجه باینکه تابع شوهر است مثل شوهرش حکم مسافر دارد یا نه؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه زوجه بنا دارد با شوهر خود در شهر شوهرش زندگی نماید معنی این اعراض قهری از زادگاه خود می‌باشد. بنابراین زوجه مذکوره در زادگاه خود حکم مسافر دارد مگر اینکه قصد اقامه ده روز بنماید یا متردداً یک ماه در آنجا مانده باشد.

س ۴۰۰

اشاره

- زن وقتی که با شوهر خانه پدر شوهرش می‌رود آیا نمازش قصر است یا تمام چون شوهر اعراض نکرده است همچنین زن وقتی که می‌رود برای دیدن پدر و مادرش که منزل آنها جای اول نیست رفته‌اند در شهر دیگر آیا نماز زن تمام یا قصر است؟

ج

- در هر دو صورت نماز زن قصر است.

س ۴۰۱

اشاره

- این جانب متولد تهران هستم ولی پس از ۵ سال به شهرستان نجف آباد آمدم و به مدت چند سال آنجا زندگی می‌کردم. وقتی ازدواج کردم نیز به مدت ۳ سال در نجف آباد بودم ولی در حال حاضر ساکن اصفهان هستم و در اصفهان زندگی می‌کنم با این حال که محل کار همسرم در نجف آباد و خانه پدری و خانه پدر شوهرم نیز در نجف آباد می‌باشد. حال می‌خواهم بینم حکم نماز و روزه‌های من در این دو وطن (نجف آباد و اصفهان) چگونه است؟

ج

- اگر نجف آباد را به عنوان وطن اتخاذ کرده بودید و از آنجا و لو بتبع شوهر اعراض نکرده‌اید فعلاً هم نماز شما در آنجا تمام و روزه صحیح است. و اگر اصفهان را نیز برای خود وطن قرار داده‌اید، نماز شما در آنجا هم تمام و روزه صحیح است. و الله العالم.

س ۴۰۲

اشاره

- این جانب وطن پدر و مادریم و محل ولادتم در ۹۰ کیلومتری اصفهان است که منزل مسکونی هم در آن محل دارم و از آن محل اعراض نکرده‌ام و هفت فرزند دارم که در تهران متولد شده‌اند که چهار نفر آنها ازدواج

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۲

کرده‌اند و سه نفر آنها در منزل حقیر هستند و شوهر نکرده‌اند هر زمانی که به آن محل می‌رویم و چند روزی آنجا هستیم آیا نماز فرزندانم قصر یا تمام است؟ و آیا فرق می‌باشد بین فرزندان که ازدواج کرده‌اند و یا ازدواج نکرده‌اند. (و اکنون هم ساکن تهران

هستم).

ج

- در فرض سؤال، چنانچه فرزندان که هنوز در منزل هستند صغیرند و همراه شما به وطنتان می‌آیند وطن آنها محسوب می‌شود و اگر کبیر هستند و نیز آنها که ازدواج کرده‌اند اگر قبل از بلوغ همراه شما به آنجا رفت و آمد داشته و بعد از بلوغ اعراض نکرده‌اند باین معنی که بناگذاری بر عدم سکونت در آن محل نموده‌اند و در ضمن هر سال برای ماندن در آنجا به آن محل می‌روند که عرفاً گفته شود آنجا را ترک نکرده‌اند حکم وطنیت باقی است ولی اگر در صورتی که آنجا را ترک کرده‌اند و برای انجام کاری مثل رسیدگی به وضع منزل یا صلہ رحم می‌روند حکم وطن را ندارد.

قصد اقامت

س ۴۰۳

اشاره

- آیا خارج شدن از حدّ ترخص مُضَر به قصد اقامه می‌باشد یا خیر؟

ج

- اگر از اول قصد داشته که در بین ده روز از محل اقامه خارج شود نمازش قصر است.

س ۴۰۴

اشاره

- پس از قصد اقامت ده روز و خواندن نماز چهار رکعتی تصمیم گرفتم فقط سه روز توقف نمایم در همان حال متوجه شدم نمازی که خواندم (بخاطر عدم طهارت لباس) باطل بود، آیا در این سه روز نماز شکسته است یا تمام؟

ج

- در فرض سؤال قصد اقامه محقق نشده سه روزی که بنا دارید بمانید نماز شکسته است. والله العالم

س ۴۰۵

اشاره

- روحانی اعزامی از قم وارد روستایی شده و قصد اقامه ده روز کرده و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی (یا بعد از ۳ الی ۴ روز) آیا می‌تواند به روستاهای اطراف رفت و آمد کند؟
(روستاهای همسایه با روستای مرکزی
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۳
حد اقل ۴ کیلومتر فاصله دارد که رفت و برگشت ۸ کیلومتر می‌شود).

ج

- در مورد سؤال، چنانچه از اول قصد رفتن به روستاهای اطراف را نداشته و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی این قصد پیدا شده مضر به اقامه نیست و در همه آنها نماز تمام است بلی در دفعه آخر اگر از روستاهای اطراف بقصد قم حرکت می‌کند و از روستای محل اقامه عبور میکند که آن روستا در مسیر او محسوب میشود از همانجا مسافر محسوب می‌شود که بین راه و روستای محل اقامه تا قم نمازش قصر است مگر اینکه بخواهد در آن روستای محل اقامه مدتی هر چند کمتر از ده روز باشد بماند و بعد به قم سفر کند در این صورت نمازش در روستاهای اطراف و روستای محل اقامه تمام است.

س ۴۰۶

اشاره

- این جانب طلبه‌ای هستم همه‌ساله به یکی از روستاهای شهرستان خمین در ایام تبلیغی جهت تبلیغ دعوت می‌شوم و روستای دیگری در مجاورت آن هست که از بیرون مرکز دهستان تا ابتدای آن روستا ۴ کیلومتر فاصله دارد، مزرعه آنها در جوار هم و در ساعات ساکت صدای برنامه‌های مساجد بطور کامل شنیده و همچنین دیوار ساختمان‌ها دیده می‌شوند لذا با توجه به اینکه وطنم نیست آیا می‌توانم امامت جماعت و مجالس و عظ هر دو روستا را تقبل نمایم؟

ج

- در فرض سؤال که محلّ تبلیغ با روستای مورد ذکر دو محل است و از ابتدا قصد رفتن به هر دو محل دارید قصد اقامه محقق نمیشود بلی بعد از اقامه ده روز در محلّی اگر به محلّ دیگر که بین آن دو مسافت شرعی نیست رفت و آمد کند ضرری به اقامه نمی‌زند مگر اینکه انشاء سفر جدید بشود.

س ۴۰۷

اشاره

- اگر انسان در محلی برای تبلیغ در ماه محرم قصد اقامه برای ده روز کند در میان این ده روز به اطراف آن محل (یعنی در باغ و بستان زراعت‌هایشان و زمین‌هایشان و صحراهای روستا) می‌رود آیا به قصد اقامه ضرر می‌زند یا خیر؟

ج

- رفت و آمد در بساطین و صحراهای محلّ اقامه که متصل به محلّ و نزدیک است ضرر به قصد اقامه نمی‌زند. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۴

س ۴۰۸

اشاره

- اگر شخصی در سفر در مکانی معین قصد ده روز نماید و پس از ده روز بخواهد بعد از ظهر به وطن خود بازگشته و قبل از ظهر فردا به همان مکانی که قصد ده روز کرده بازگردد آیا دوباره بایستی قصد ده روز مجدد نماید؟

ج

- بلی در فرض سؤال اگر بخواهد در مکان مفروض نماز را تمام بخواند باید مجدداً قصد ده روز کند.

احکام دائم السفر و سفر شغلی

س ۴۰۹

اشاره

- ملاک دائم السفر بودن چیست؟ همچنین تکلیف معلمین و محصلینی که هفته‌ای یک بار به شهر یا روستای خود مسافرت می‌کنند چیست؟

ج

- دائم السفر یعنی کسی که بدون توقف ده روز در یکجا (وطن و یا غیر وطن) مسافرت کند و معلم و یا محصل که شغل او در سفر است و هر هفته به شهر یا روستای خود برمی‌گردد نماز او تمام و روزه او صحیح است.
و الله العالم.

س ۴۱۰

اشاره

- فرق بین من شغله السفر و من شغله فی السفر چیست؟ آیا احکام مسافر بر هر دو مترتب است؟

ج

- من شغله السفر مانند راننده و من شغله فی السفر مانند کسی که از وطنش تا محل کارش بقدر مسافت شرعی است و درآمد و رفت است بطوری که در هیچ کدام ده روز متوالی نمی ماند و هیچ کدام حکم مسافر را ندارند و نمازشان تمام و روزه آنها صحیح است. و الله العالم.

س ۴۱۱

اشاره

- نماز کسی که محل کارش از خانه بیش از حد تعیین شده فاصله دارد چگونه است؟

ج

- در مورد سؤال که فاصله بیشتر از مسافت شرعی است چنانچه شغلش حدود چهار ماه و بیشتر ادامه خواهد داشت نماز او تمام و روزه اش صحیح است.

دانش آموزان و محصلین و معلمین

س ۴۱۲

اشاره

- کلیه اساتید دانشگاه که هفته‌ای دو روز از تهران به اصفهان برای تدریس می آیند حکم نماز و روزه آنها چیست؟

ج

- افرادی که شغلشان مثل معلمی یا استادی یا مأموریت یا دانشجوئی یا

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۵

خرید جنس یا کارگری یا کشاورزی یا تجارت یا تبلیغ و امثال اینهاست اگر در مدت طولانی مثل پنج شش ماه و بیشتر برای این شغلها بصورت همه روزه یا هر هفته یک روز یا بیشتر یا هر ده روز یک بار سفر مینمایند و سفرشان حد اقل ذهاباً و اياباً هشت فرسخ باشد روزه آنها صحیح و نمازشان تمام است.

س ۴۱۳

اشاره

- معلّمی که در هفته پنج یا شش روز به مسافت شرعی می‌رود، شب و روز جمعه خانه می‌آید نماز او تمام است آیا در راه رفت و برگشت نیز وظیفه او تمام است؟

ج

- بلی در بین راه رفت و برگشت نیز تمام است. و الله العالم.

س ۴۱۴

اشاره

- کسی که برای درس خواندن هفته‌ای یک یا دو بار به بیش از مسافت شرعی سفر میکند، آیا دائم السفر محسوب می‌شود؟

ج

- در صورتی که مدتی طولانی مانند چهار ماه و بیشتر این وضع را داشته باشد نمازش تمام و روزه اش صحیح است.

س ۴۱۵

اشاره

- اگر شخصی برای تحصیل از وطن خود به شهر دیگری برود نماز و روزه اش چگونه است و اگر هفته‌ای یک مرتبه به وطن خود برود نماز و روزه اش چگونه است؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه فاصله وطنش با محلّ تحصیل به مقدار مسافت شرعی باشد در صورت اولّ که در محلّ تحصیل، ده روز یا بیشتر پشت سرهم می‌ماند نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است بلی هر وقت که قصد ده روز نکند نماز شکسته است و در صورت دوّم چنانچه همه هفته به وطن بر می‌گردد در وطن و بین راه و محلّ تحصیل، نماز تمام و روزه صحیح است و اگر اتفاقاً در وطن یا محلّ تحصیل ده روز توقف کرد تفصیلی دارد که در توضیح المسائل مسأله ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ مذکور است مراجعه نمایید. و الله العالم.

س ۴۱۶

اشاره

- ما در یک دبیرستان شبانه روزی مشغول تحصیل هستیم فاصله محلّ سکونتمان تا محلّ تحصیلمان بیشتر از هشت فرسخ است و در طول سال تحصیلی همه هفته از روز شنبه تا روز پنجشنبه در محلّ تحصیل و از ظهر پنجشنبه تا صبح شنبه در محلّ سکونتمان می‌باشیم وضعیت نماز و روزه ما در محلّ

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۶

تحصیل و بین راه محلّ تحصیل و محلّ سکونت چگونه است؟

و بطور کلی آیا سفر برای تحصیل علم سفر شغل یا مقدمه شغل محسوب می‌شود یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، نماز شما در محلّ تحصیل و محلّ سکونت و بین راه تمام و روزه صحیح است بلی چنانچه ده روز در وطن مطلقاً و در غیر وطن با تصمیم قبلی بمانید در سفر اولّ نماز شکسته است و روزه صحیح نیست و از سفر دوم دوباره نماز تمام و روزه صحیح است، و اگر در غیر وطن بدون تصمیم قبلی و بر حسب اتفاق ده روز بمانید در سفر اولّ بعد از آن ده روز هم شکسته و هم تمام بخوانید.

س ۴۱۷

اشاره

- دانش‌آموزان این دبیرستان در طول سال تحصیلی در این دبیرستان شبانه‌روزی زندگی می‌کنند و عموماً هر هفته به وطن خود مراجعت نموده و ایام تعطیلی را در آنجا می‌گذرانند. با توجه به بعد مسافت این دانش‌آموزان با محیط اصلی زندگانشان بفرمایید انجام فرایض دینی مشاّر الیهم اعم از نماز و روزه چگونه می‌باشد؟

ج

- دانش‌آموزانی که فاصله محل تحصیل آنها با وطنشان حد اقل، چهار فرسخ شرعی است چنانچه در محل تحصیل یا در وطن، ده روز متوالی توقف نمی‌کنند نمازشان در هر دو جا و در بین راه تمام و روزه هم صحیح است بلی اگر اتفاقاً ده روز متوالی در وطن توقف کردند چه از اول قصد توقف داشته باشند و چه بدون قصد باید در سفر اول بعد از ده روز نماز را شکسته بخوانند و بعد مجدداً تمام می‌خوانند و بعد از این اگر اتفاقاً در غیر وطن ده روز توقف کردند در صورتی که از اول قصد توقف ده روز را داشته باشند ولی اگر بدون قصد توقف ده روز، توقفشان به ده روز کشیده شده باید احتیاطاً در سفر اول بعد از این ده روز نماز را هم شکسته بخوانند و هم تمام و روزه را بگیرند و قضای آن را هم بگیرند و در سفرهای بعدی مجدداً نماز را تمام بخوانند و روزه هم صحیح است. و دانش‌آموزانی که فاصله بین وطن و محل تحصیل آنها کمتر از چهار فرسخ است در هر حال نمازشان تمام و روزه صحیح است. و الله العالم.

س ۴۱۸

اشاره

- حکم نماز و روزه دانشجویانی که به صورت نامرتب و نامعلوم بین

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۷

شهر خود و محل تحصیل رفت و آمد می‌کنند به طوری که در محل تحصیل گاهی یکی دو روز و گاهی مثلاً چهل روز و یا کمتر می‌مانند و در شهرهای اصلی خویش نیز به همین ترتیب گاهی در تعطیلات مثلاً سی روز و گاهی هم فقط تعطیلات آخر هفته را می‌مانند و بعضی از اوقات نیز در محل تحصیل تنها یک روز برای امتحان و یا سایر امور درسی می‌مانند، چیست؟

ج

- با فرض اینکه وضع رفت و آمد ایشان مرتب نیست که اغلب بین شهر خود و محل تحصیل هر هفته یا در بین هر ده روز در رفت و آمد نیستند، حکم مسافر را دارند که باید در بین راه و محل تحصیل با عدم قصد اقامه ده روز یا عدم توقف سی روز بدون قصد، نماز را قصر خوانده و روزه نگیرند و اگر وضع آمد و شد آنها بصورتی است که اغلب بطور مرتب همه هفته یا در بین ده روز آمد و شد به محل تحصیل دارند مثل اینکه آخر ایام هفته بوطن می‌روند وظیفه ایشان اتمام نماز و گرفتن روزه است و در این صورت اگر اتفاقاً یا بجهت تعطیلی دانشگاه ده روز و بیشتر با قصد در محل تحصیل یا ده روز در وطن چه با قصد و چه بی قصد بمانند در سفر اول بعد از آن نمازشان قصر و وظیفه ترک روزه است.

س ۴۱۹

اشاره

- این جانب برای تحصیل در دانشگاه و نیز فراگیری دروس حوزوی از اصفهان به قم آمده‌ام و هر چند وقت یک بار به اصفهان مراجعت می‌کنم مثلاً هر دو هفته یک بار، آیا قم هم وطن بنده حساب می‌شود یا خیر؟ حکم نماز و روزه چگونه است؟

ج

- در فرض مسأله اگر موقتاً و در مدّت تحصیل در قم می‌مانید وطن محسوب نمی‌شود و با قصد اقامه ده روز نماز تمام و روزه صحیح است.

سربازان و نیروهای مسلح

س ۴۲۰

اشاره

- سربازی هستم که در غیر وطن خودم مشغول خدمت هستم و در طول خدمت وظیفه‌ام رانندگی است هم رانندگی داخل شهر را انجام می‌دهم و هم مأموریتی که پیش بیاید خارج از شهر بیش از حد ترخص رانندگی می‌کنم حالا وظیفه من در طول خدمت نسبت به نماز و روزه‌ام چگونه است؟

ج

- اگر خدمت به نحو مذکور حد اقل تا چهار ماه ادامه دارد و طوری است که جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۸
ده روز پشت سرهم در شهر نمی‌مانید نماز تمام و روزه صحیح است. و الله العالم.

س ۴۲۱

اشاره

- نماز سربازی که محلّ سربازیش از خانه بیش از حد تعیین شده فاصله دارد چگونه است؟ و نیز در محلّ آموزش که ۲ ماه است اگر نماز را شکسته بخواند به دلیل اینکه تصمیم ماندن و یا مدّت آن مشخص نیست چه حکمی دارد؟

ج

- اگر سرباز مرتباً به محلّ سربازی می‌رود و به وطن برمی‌گردد و طوری است که ده روز پشت سرهم در وطن یا محلّ سربازی نمی‌ماند نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است و الا حکم مسافر را دارد بلی هر وقت در محلّ سربازی قصد ده روز اقامه کند نمازش تمام است و نسبت به محلّ آموزش چنانچه معلوم نباشد که ده روز پشت سرهم می‌ماند یا نه نماز شکسته است بلی اگر با همین حال

باقی باشد تا سی روز، از روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند مگر اینکه در اثناء سی روز به وطن برود و مجدداً برگردد که نماز شکسته است.

س ۴۲۲

اشاره

۱- اگر شغلی در داخل پادگان داشته باشم و هر چند روز یک بار بیشتر از ۴ کیلومتر از آن محل دور شویم و بعد از ظهر و یا مدت طولانی (چند ساعت) به پادگان برگردم نماز را چگونه به جای آورم آیا می‌توان با توجه به اینکه مطمئن هستم که بیش از ۱۰ روز به این طریق در پادگان هستم نماز را تمام بخوانم و اگر در مدت اقامت بیش از ده روز در پادگان هر چند روز یک بار بیشتر از ۲۳ کیلومتر از آن محل دور شده و بعد از چند ساعت به پادگان برگردم. از خداوند متعال برای شما و تمامی خدمتگزاران واقعی به اسلام طول عمر و سلامتی روزافزون خواهانم.

ج

۲- چنانچه راننده پادگان شوید و بنحو مذکور در سؤال در شهرها رفت و آمد نمایید و معلوم باشد که حد اقل تا چهار ماه این شغل ادامه دارد نماز تمام و روزه صحیح است و اگر شغل شما در داخل پادگان باشد در صورتی که مطمئن باشید ده روز متوالی در آنجا می‌مانید و با این اطمینان یک نماز چهار رکعتی بخوانید بعد از آن، دور شدن از پادگان به مقدار کمتر از مسافت شرعی ضرر ندارد و نماز تمام است و اگر مسافت به ۲۳ کیلومتر و بیشتر در هر چند روز حد اقل تا چهار ماه ادامه داشته باشد در این صورت هم نماز تمام است بشرط اینکه ده روز پی‌درپی، در

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۱۹

پادگان نمانید ان شاء الله تعالی موفق به انجام فرایض و تکالیف دینی باشید تعهد شما به احکام دین و وظایف مذهبی مورد تقدیر است ان شاء الله تعالی شما و سائر برادرانی که در پادگان انجام وظیفه می‌نمایند در ظل عنایات حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفداء موفق و سعادتمند باشید و السلام علیکم و رحمته الله و برکاته. و الله العالم.

س ۴۲۳

اشاره

۱- پاسدار هستم محل کار من تا وطنم بیش از چهار فرسخ است اگر بخوام اول هفته بیایم محل کارم و آخر هفته برگردم یا وسط هفته برگردم به وطنم نماز و روزه‌ام چگونه است؟

ج

- چنانچه بنا دارید حد اقل چهار ماه به نحو مذکور آمد و رفت داشته باشید نماز تمام و روزه صحیح است. و الله العالم.

س ۴۲۴

اشاره

- این جانب پاسدار هستم در نیروی دریایی سپاه، محل کار من تا وطنم بیش از چهار فرسخ است و کار من طوری است که حالت شیفته دارد به این معنی که هفت روز یا ده روز در محل کار هستم و در بین این چند روز ممکن است یا حتماً مأموریت دریایی برای من پیش بیاید که بیشتر از چهار فرسخ در دریا باید بروم و بعداً به همین مقدار هفت یا ده روز در حال استراحت هستم در این صورت نماز و روزه من چگونه است؟

ج

- در فرض سؤال اگر همیشه ۷ روز در محل کار و ۷ روز در وطن می‌مانید نماز تمام و روزه صحیح است و اگر همیشه ده روز می‌مانید نماز در محل کار شکسته است و روزه صحیح نیست مگر اینکه قصد اقامت ده روز داشته باشید. و الله العالم.

س ۴۲۵

اشاره

- تعدادی از برادران پاسدار تیپ مستقل ۴۸ فتح استان کهگیلویه و بویر احمد وطن اصلیشان شهر یاسوج می‌باشد و با محل کارشان ۱۶۵ کیلومتر فاصله دارد و در شهر گچساران اسکان داده شده‌اند با اینکه محل اسکان تا محل کار ۱۸ کیلومتر می‌باشد با توجه به اینکه وضعیت شغلی در یک مکان ثابت نیست و هر چند مدت ممکن است تغییر یابد نماز و روزه آنها چه حکمی دارد؟

ج

- در فرض سؤال در محل کار و اسکان و نیز در سایر مسافرت‌های شغلی جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۰ نماز تمام و روزه صحیح است. و الله العالم.

س ۴۲۶

اشاره

- پرسنل یکی از یگانهای نظامی از نیروهای هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران هفته‌ای یک بار جهت خرید از حدّ ترخص خارج می‌شوند تکلیف نماز و روزه آنان چیست؟

ج

- در فرض سؤال که جهت خرید از حدّ ترخص خارج می‌شوند چنانچه جزء خدمت و شغل آنها باشد نمازشان تمام و روزه‌شان صحیح است و اگر برای احتیاجات شخصی خود هر هفته خارج می‌شوند نمازشان قصر است و روزه هم صحیح نیست. و الله العالم.

رانندگان و ملوانان

س ۴۲۷

اشاره

- کسی که قصد دارد راننده بشود و به مسافرت می‌رود در رابطه با رانندگی و آنها که کمک راننده هستند در سفر اول حکم نماز و روزه آنها چیست؟

ج

- در سفر اول که مدتش طولانی نیست نماز آنها قصر است و روزه آنها صحیح نیست.

س ۴۲۸

اشاره

- راننده‌ای که شغلش مسافربری است (البته رفت و برگشت همه روزه کمتر از حدّ مسافت شرعی است) با انجام چه مقدار سفر شغلی در مسیری که رفت و برگشت آن تا سرحدّ مسافت شرعی یا بیشتر از آن است، نمازهای وی تمام و روزه‌هایش صحیح می‌شود؟

ج

- اگر راننده مذکور، در مدت کمتر از ده روز حدّ اقل یک مرتبه مسافرت به مقدار مسافت شرعی داشته باشد و مسافرت در حدّ

مسافت شرعی به نحوی که گفته شد ادامه داشته باشد نمازش تمام است. و الله العالم

س ۴۲۹

اشاره

- مهاجر جنگ تحمیلی می‌باشم و در محلی نزدیک شهر که حدوداً ۱۸ یا ۱۹ کیلومتر فاصله دارد زندگی می‌کنم و شغلم همیشه در سفر می‌باشد و یا به عبارت دیگر برنامه کاری من ایجاب می‌کند که همیشه در سفر باشم که ۲ روز بیشتر در ۷ یا ۸ روز در خانه نمی‌مانم بعضی وقتها مسافرت باربری بین ایران و امارات متحده و گاهی بین ایران و کویت و گاهی بین شهرهای ایران مسافرت جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۱

می‌کنم. آیا دائم السفر بحساب می‌آیم یا خیر؟ و اگر همراه سفر کاری بزیارت قوم و خویشی که در آن شهر زندگی می‌کند و یا از تهران به قم بروم نماز و روزهام چه حکمی دارد. و اگر سفری غیر محدوده‌ای که ذکر کردم برای من پیش آید در آن صورت نماز و روزهام چه حکمی پیدا می‌کند مثلاً سفر برای تنظیم پرونده به آبادان و یا ارونند کنار بروم که برای ساختن خانه در موطن اصلی باشد. در طی راه و مسافت نماز و روزهام چه حکمی پیدا می‌کند؟

ج

- در فرض مسأله تکلیف شما در سفر و محل سکونت و بین راه گرفتن روزه و تمام خواندن نماز است، بلی در هر مورد که برای غیر شغل خود مسافرت میکنید حکم مسافر را دارید. و الله العالم.

س ۴۳۰

اشاره

- اگر کسی کارش ملوانی است و لنج آنها در بندر عباس و خانه آنها در آبادان است، رفت آمد او بین آبادان و بندر عباس که جزء شغل او و از توابع شغل او می‌باشد آیا در رفت و برگشت بین بندر عباس و آبادان نماز او تمام است و روزه دارد یا نه؟

ج

- بلی نماز او در بین راه وطن و محل کار تمام و روزه صحیح است.

س ۴۳۱

اشاره

- شخصی کارش ملوانی است در لنجی که از بندر خرمشهر به کویت می‌رود، کار آنها بردن بار می‌باشد این شخص بعد از برگشت، به موتور لنج دیگری می‌رود و به ماهیگیری در مسافت شرعی مشغول می‌شود آیا این شغل دیگری است که باید در سفر اول نماز را شکسته بخواند یا اینکه ادامه همان سفر قبلی است؟

ج

- شغل دیگری است پس اگر بنا دارد حد اقل تا چهار ماه بدون اینکه ده روز پی‌درپی در جائی توقف کند این کار را ادامه دهد در سفر اول نماز شکسته و در سفرهای بعد تمام است.

س ۴۳۲

اشاره

- اگر در فرض قبلی با همان موتور لنج باشد و لنج خود را عوض نکند ولی کار آنها از بارکشی به ماهیگیری عوض شد آیا این موجب تغییر شغل است که در سفر اول شروع به کار دوم، نماز شکسته و بعد تمام است یا اینکه ادامه سفر اولی است؟

ج

- چنانچه در مسأله قبلی گفته شد این شغل دیگری است و در این جهت فرقی جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۲
نمیکند که با موتور لنج خودش برود یا دیگری.

س ۴۳۳

اشاره

- شخصی در شرکت نفت کار می‌کند ۱۵ روز در کار و ۱۵ روز در خانه می‌باشد ضمناً کار او در ۱۵ روز در کشتی یدک‌کشی در اسکله بندر بوشهر است و منزل او در آبادان آیا اگر ۱۵ روز در خانه بود و بعد به سرکار رفت بمدت ۱۵ روز نماز و روزه او چگونه است؟ (چون بعد از ده روز اگر در خانه ماند سفر اول شکسته است و حال آنکه این شخص ۱۵ روز در کار است و کلاً یک سفر است چون نه به خانه می‌آید و نه از بندر بوشهر جای دیگری می‌رود).

س ۴۳۴- اگر در فرض بالا یک سفر تصنعی در بین ۱۵ روز به محل کار خود برود و برگردد کفایت می‌کند در عدم صدق بقاء ده روز در خانه یا خیر؟

س ۴۳۵- اگر در فرض بالا- آن شخص با کشتی یدک‌کش به اسکله‌های دیگر می‌رود و به بوشهر بر می‌گردد آیا با این فرض

تعدد اسفار می‌شود یا خیر؟

س ۴۳۶- در فرض قبل اگر از اول می‌دانست به اسکله‌های متعدد خواهند رفت با علم به این مطلب آیا همه یک سفر است یا تعدد اسفار صدق می‌کند.

اگر نمی‌دانست مسأله چگونه است؟

ج

- شخص مذکور نمازش در سفر شکسته است و دائم السفر محسوب نمیشود چون علی الفرض ۱۵ روز در وطن میماند، بلی اگر در بین ۱۵ روز استراحت یک مسافرت به مسافت شرعی و لو در غیر شغل بنماید نماز او تمام و روزه صحیح است.

کارمندان و کارگران و کسبه

س ۴۳۷

اشاره

- کارکنان ادارات و مانند آن که وطن یا محلّ اقامت (سکونت) آنها جائی، و محلّ کار آنها جای دیگری است و هر روزه (مگر ایام تعطیل) قطع مسافت مینمایند آیا نمازشان تمام و روزه دارند یا خیر؟ و اگر افراد فوق الذکر یک هفته در محل کار و یک هفته برای استراحت در منزل باشند چه حکمی دارند؟

ج

- اگر چندین ماه همه هفته قطع مسافت شرعی را مینمایند نمازشان تمام و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۳

روزه‌شان صحیح است چه همه روزه رفت و آمد کنند چه یک هفته در منزل و یک هفته در محلّ کار باشند و ده روز در منزل چه با قصد چه بی‌قصد یا در محلّ کار با قصد نمانند.

س ۴۳۸

اشاره

- کارمندی که به دستور مافوق مقید است سه روز در یک شهرستان کار کند با فاصله ۱۳۰ کیلومتر، سه روز دیگر هفته را در شهرستان دیگر انجام وظیفه نماید نمازش را قصر بخواند یا تمام؟

ج

- در فرض سؤال باید نمازش را تمام بخواند.

س ۴۳۹

اشاره

- شخصی محلّ کارش در اصفهان است هفته‌ای پنج روز در محلّ کار است و دو روز برمی‌گردد به وطن در یزد هفته دیگر پنج روز در محل کار است و دو روز در قم می‌ماند که مسافر است نماز و روزه این شخص در محل کار حکمش چیست؟

ج

- در مورد سؤال نماز و روزه شخص مذکور در وطن و محل کار و در بین راه و محل کار و وطن تمام و صحیح است ولی در دو روز مسافرت به قم که جهت شغل نیست نماز شکسته است و روزه صحیح نیست.

س ۴۴۰

اشاره

- کسی شغلش کاسبی است فقط هفتگی می‌رود ۴ روز می‌ماند نماز و روزه این شخص چطور می‌باشد؟

ج

- اگر هر هفته جهت شغل می‌رود و برمی‌گردد نماز او تمام و روزه صحیح است. و الله العالم.

س ۴۴۱

اشاره

- افرادی مدت ۵ الی ۱۵ سال و بیشتر در یک شرکت کار می‌کنند بعضی از آنها محلّ کار و سکونتشان در کنار یکدیگر می‌باشد. بعضی از آنها فاصله محل سکونتشان تا محلّ کار کمتر از حد شرعی می‌باشد و بعضی از آنها محلّ کار و سکونت بیشتر از ۸ فرسخ است حکم نماز و روزه آنها را بیان فرمائید؟

ج

- کسانی که محلّ کار و سکونت آنها یکی است نمازشان تمام و روزه صحیح است مگر اینکه از آنجا به جای دیگر سفر به مقدار مسافت شرعی و خارج از شغل بنماید و وقتی برگشت، نخواهد ۱۰ روز پی در پی در محل کار بماند که در جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۴

آن موقع شکسته است و نیز افرادی که فاصله محلّ کار و سکونت آنها کمتر از چهار فرسخ است پس از تحقق اقامه در محل سکونت نمازشان در محل کار نیز تمام است و نسبت به گروه سوّم به مسأله ۱۳۲۵ توضیح المسائل مراجعه فرمایید. و الله العالم.

س ۴۴۲

اشاره

- شخصی مقلّد مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی بوده و مدت ۶ سال در ۲۵ کیلومتری محل زندگیش کار می کرده (روز می رفت و شب برمی گشت) روزه می گرفت آیا روزه‌هایش را باید قضاء نماید یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، نمازها و روزه‌های شخص مذکور، صحیح بوده و قضا ندارد، و الله العالم

س ۴۴۳

اشاره

- افرادی در محل کار با قصد ۱۰ روز می مانند ولی به علت پیش آمدی قبل از ۱۰ روز مسافرت می کنند وظیفه آنها نسبت به نماز و روزه چیست؟

ج

- در فرض سؤال اگر مسافرتی که پیش آمده بعد مسافت شرعی است نماز او در این مسافرت شکسته است ولی نمازهائی که در محلّ کار با قصد ده روز تمام خوانده صحیح است و بعد از برگشت به محلّ کار چنانچه مجدداً قصد ده روز اقامت نداشته باشد نماز او در محلّ کار نیز شکسته است، بلی اگر مسافرت مذکور کمتر از مسافت شرعی باشد در این مسافرت و در مراجعت به محل اقامه نماز تمام است. و الله العالم

س ۴۴۴

اشاره

- در فرض قبل اگر محل کار محل آسایش آنها است و از آنجا به مسافت و غیر مسافت سفر می‌کنند چه وظیفه‌ای دارند؟

ج

- با عدم قصد اقامه ده روز در یک محل نماز شکسته است. و الله العالم.

س ۴۴۵

اشاره

- و اگر از اول قصد اقامه ۱۰ روز دارند ولی در ضمن آن می‌دانند که ممکن است برای آنها مأموریتی تا حد مسافت شرعی پیش آید؟

ج

- اگر از اول می‌دانند و یا حتی احتمال عقلایی می‌دهد که در ضمن ۱۰ روز، مأموریتی به محل دیگر و لو کمتر از مسافت شرعی باشد برای او پیش می‌آید قصد اقامه او محقق نمی‌شود باید نماز را شکسته بخواند. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۵

س ۴۴۶

اشاره

- این جانب مدت بیست سال است که در شرکت ملی حفاری نفت مشغول بکار می‌باشم در طول ماه پس از ۱۴ روز متوالی کار، ۱۴ روز متوالی استراحت و مرخصی دارم. با این تناوب طبق ضوابط شرکت در پی حفر چاه نفت در خارج از شهرها فعالیت می‌نمایم و به فراخور حجم کار مدت اتمام حفاری چاهها مختلف و در نتیجه محل کارم متغیر خواهد بود بطوری که گاهی سه ماه و گاهی یک سال عملیات حفاری در یک منطقه طول می‌کشد نظر به اینکه خانواده‌ام در شهر و به فاصله دهها کیلومتر دور از محل کارم زندگی می‌کنند و پس از پایان هر ۱۴ روز کار به محل زندگی خانواده‌ام مراجعت می‌کنم و پس از ۱۴ روز استراحت دوباره برای یک دوره ۱۴ روز به محل کار بر می‌گردم مرقوم فرمائید حکم نماز و روزه این جانب در محل کار و همچنین در مدت مسافرت از منزل تا محل کار و یا بالعکس که گاهی از یک روز هم بیشتر می‌شود چگونه خواهد بود؟

ضمناً در یک سال یک ماه مرخصی دارم در پایان مرخصی که به سرکار می‌روم در مسیر راه و سرکار وضعیت نماز و روزه چگونه

است؟

و در بعضی از مواقع قبل از شروع عملیات حفاری میدانیم که کمتر از ده روز در یک مکان برای کار متوقف می‌شویم و عملیات حفاری را انجام می‌دهم در این صورت حکم نماز و روزه‌ام چگونه خواهد بود؟

ج

- در مورد سؤال، که چهارده روز در محلّ زندگی میمانید و چهارده روز در محلّ کار حکم دائم السفر ندارید یعنی هر وقت فاصله محلّ کار با محلّ سکونت بقدر مسافت شرعی باشد در بین راه حکم مسافر را دارید یعنی نماز شکسته است و روزه صحیح نیست و اما در محل کار با اینکه قصد ماندن ده روز و بیشتر دارید نماز تمام و روزه صحیح است و الا نماز قصر و روزه هم صحیح نیست و از اینجا حکم مسافرت بعد از دو ران مرخصی و نیز مواقعی که عملیات حفاری کمتر از ده روز طول میکشد هم معلوم شد که در هر دو مورد نماز شکسته است و روزه صحیح نیست.

س ۴۴۷

اشاره

- شخصی در کرج مقیم است و همه روزه در چهار فرسخی کرج در کارخانه‌ای مشغول به کار می‌باشد اگر این شخص اتفاقاً در تهران کار داشته باشد
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۶
و باین قصد مسافرت نماید. نماز و روزه او قصر است یا تمام؟

ج

- در فرض مذکور اگر از کارخانه تا تهران چهار فرسخ نباشد باید نماز را تمام بخواند و روزه را بگیرد.

مسائل متفرقه نماز مسافر

س ۴۴۸

اشاره

- اول وقت در وطن مثلاً اصفهان حاضر بودم و نماز نخواندم و مسافرت به قم کردم در بین راه هم فراموش کردم و نماز ظهر و عصر قضا شد در برگشتن از قم به اصفهان اول ظهر در قم بودم نماز نخواندم بعداً هم که باصفهان رسیدم فراموش کردم و نماز نخواندم قضای این نمازها را چگونه باید بجا آورد؟

ج

- در فرض اول باید قضای نماز را شکسته بخوانید و در فرض دوم تمام.

س ۴۴۹

اشاره

- شخصی از نظر قصر و اتمام وظیفه‌اش جمع است و با نیت قصر داخل نماز شده ولی سهواً برکعت سوم برخاسته و پس از رکوع رکعت سوم متذکر شده است آیا می‌تواند آن را به نیت تمام چهار رکعت تمام کند و بعداً قصرأ بخواند یا اینکه نماز باطل است و آن را بهم زند و از نو نماز را از سر بگیرد. و اگر چنین شخصی بعد از تمام شدن چهار رکعت متذکر شود چگونه است؟

ج

- در فرض سؤال در هر دو صورت، احتیاط اعاده نماز است.

جامع الاحکام؛ ج ۱؛ ص ۱۲۶

س ۴۵۰

اشاره

- شخصی روحانی و امام جماعت یکی از مساجد شهر می‌باشد و ضمناً عضو هیئت امناء یکی از امامزاده‌ها است که حدود سی و شش کیلومتر با شهر فاصله دارد و هر هفته روزهای جمعه برای رسیدگی به بعضی از امور امامزاده مزبور صبح می‌رود و عصر بر می‌گردد بیان فرمایید که نمازهای او در وقت رفتن به آن امامزاده قصر است یا تمام با مسافرت کردن یک روز در هفته به آن امامزاده دائم السفر محسوب می‌شود یا خیر؟

ج

- ظاهر عدم ترتب حکم من شغله السفر أو شغله فی السفر بر این شخص است زیرا رفتن برای رسیدگی به امور امامزاده- مثل رفتن همه هفته برای زیارت یا

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۷

نظافت آنجا به قصد قربت و کسب ثواب- عرفاً شغل و کار او محسوب نیست. و الله العالم.

س ۴۵۱

اشاره

- حکم نماز و روزه در سفری که برای شرکت در یک مسابقه ورزشی انجام می‌شود، چیست؟

ج

- اگر سفر حرام باشد مثل اینکه برای مسابقه بکس یا مسابقه در شطرنج باشد سفر معصیت است و نماز در آن تمام است و روزه را باید بگیرد و الا تکلیفش قصر نماز و افطار روزه است.

س ۴۵۲

اشاره

- آیا تهران بلاد کبیره است در صورتی که جواب مثبت باشد حکم آن چیست؟

ج

- بلاد کبیره با بلاد صغیره در حکم اقامه در آن وطی مسافت در داخل آن فرقی ندارند باین معنی که قصد اقامه ده روز در تمام شهر گرچه در محل واحد نباشد برای وجوب اتمام نماز کافی است وطی مسافت شرعی داخل آن موجب ترتب حکم سفر نیست.

س ۴۵۳

اشاره

- از دربند تا تجریش و تهران و حضرت عبد العظیم و بهشت زهرا متصل است از شمال به جنوب و از شرق به غرب متجاوز از ۳۰ کیلومتر ساختمان متصل است آیا این مسافت را اگر برود و برگردد از شمال بجنوب یا از شرق بغرب نماز او قصر میشود یا تمام است و روزه او صحیح است یا باطل؟

ج

- هر جا که تهران محسوب شود حکمش همان است که در سؤال قبلی گفته شد و هر جا که محلّ جدائی بوده مانند تجریش و شهر ری و بهشت زهرا که با مرور زمان به تهران متصل شده محلّ جداگانه محسوب میشود و باید میزان مسافت شرعی در آن

ملاحظه شود.

س ۴۵۴

اشاره

– اگر از شهری مانند تهران بمسافرت برود یا از سفر برگردد حدّ ترخص را باید از کجا حساب کند از ساختمانهای آخر شهر یا از محله‌ای که در آن زندگی میکنند؟

ج

– در فرض سؤال، حدّ ترخص از آخرین خانه‌های شهر محاسبه شود.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۸

س ۴۵۵

اشاره

– مسافری که در تهران قصد ۱۰ روز اقامه کرده، میتواند به شمال و جنوب و شرق و غرب تهران برود، و ضرری به قصد اقامه او وارد میشود یا نه؟

ج

– با فرض اینکه جاهائی که می‌رود از تهران محسوب شود نه مانند تجریش و غیره که حکم آن قبلاً گفته شد شخص مذکور نمازش تمام است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۲۹

احکام روزه

اشاره

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۱

روزه

رؤیت هلال – ثبوت ماه

س ۴۵۶

اشاره

- آیا با محاسبات منجمین، ماه ثابت می‌شود- مخصوصاً وقتی که آنها امروز نسبت به زمان گذشته امکانات خیلی دقیق و مجهز در اختیار دارند و اصرار می‌ورزند که نتایج دستگاه‌های علمی امروز قابل انکار نمی‌باشد.

ج

- پیشگوئی منجمین بنفسه حجت شرعی نیست، بلی اگر برای هر کس موجب علم به صحت محاسبه شود، باید به علمی که از گفته منجم حاصل شده عمل نماید.

س ۴۵۷

اشاره

- آیا تطوق و بلند بودن هلال را، دلیل بر شب دوم می‌دانید؟

ج

- بلند بودن ماه و تطوق آن، دلیل شرعی بر شب دوم نیست.

س ۴۵۸

اشاره

- اختلافات مربوط به تعیین اوقات و ازمنه چگونه مرتفع می‌گردد؟ آیا امروز واقعاً همان روزی است که تقاویم بیان داشته‌اند؟ درحالی که شیعه و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۲

سنی در این امر مختلف القول هستند.

ج

- تعیین ایام از جهت اینکه اول ماه است و یا چند روز از فلان ماه گذشته با رؤیت هلال در اول ماه یا گذشتن سی روز از رؤیت هلال ماه قبل ثابت میشود و همچنین با بینه شرعی و یقین خود مکلف.

س ۴۵۹

اشاره

– اگر ماه رمضان در شهری دیده شود، در شهرها دیگری که افق آنها یکسان و یا دو ساعت فرق دارند اول ماه ثابت می‌شود یا نه؟

ج

– اکتفا، به رؤیت ماه در یک بلد برای سایر بلاد بعید نیست.

س ۴۶۰

اشاره

– اگر ماه در کشورهای شرقی رؤیت شود آیا برای کشورهای غربی خود بخود ثابت می‌شود یا خیر؟

ج

– بطور کلی در هر نقطه از زمین که ماه رؤیت شود برای هر نقطه دیگر که بعداً روز می‌شود آن روز، روز اول ماه است.

س ۴۶۱

اشاره

– آن طور که از توضیح المسائل و کتاب هدایة العباد حضرت‌تعالی استفاده می‌شود حضرت‌تعالی در طریق ثبوت هلال اتحاد افق را شرط نمی‌داند بنابراین آیا ما می‌توانیم مثلاً به رادیو عربستان اعتماد کنیم و اگر فردا را اول ماه یا روز عید فطر اعلام کرد ما هم روزه بگیریم یا افطار کنیم در هر صورت وظیفه ما چیست؟ سؤال دیگر اینکه در ذیل عنوان طریق ثبوت هلال در کتابة هدایة العباد حضرت‌تعالی پیرامون همین مسأله فرمودید که سزاوار است که احتیاط ترک نشود، رعایت احتیاط در صورت اعلام اینکه فردا عید فطر است چگونه میسر است.

ج

– همانطوری که در توضیح المسائل و هدایة العباد ذکر شده بنظر این جانب رؤیت هلال در بلدی نسبت به بلاد دیگر نیز بعید نیست کافی باشد البته ثبوت رؤیت باید بعلم و یا بینه شرعی باشد و احتیاط باین حاصل میشود که مکلف در آن روز بمقدار مسافت شرعی مسافرت ننماید و روزه خود را در مسافرت افطار ننماید.

س ۴۶۲

اشاره

– بعضی از مراجع عظام، در رؤیت هلال در شهری شرط کفایت آن در شهر دیگر را، اتحاد افق می‌دانند تفاوت افق چه قدر باشد کافی از رؤیت در شهر دیگر نیست؟

ج

- بنظر حقیر رؤیت هلال اگر به یکی از راههایی که در رساله‌های عملیه جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۳ مذکور است ثابت شود، برای همه نقاطی که روزشان بعد از آن است کفایت می‌کند.

س ۴۶۳

اشاره

- در ماه مبارک رمضان اگر در شهر غزنی افغانستان ماه دیده نشود ولی رادیو جمهوری اسلامی ایران اعلام کند که ماه دیده شده و ثابت هم شود آیا مردم آنجا می‌توانند عید بگیرند یا نه؟
و مردمی که از چند مجتهد تقلید دارند می‌توانند در مسأله رؤیت هلال به فتوای مجتهد واحد عمل کنند یا خیر؟

ج

- بنظر حقیر بعید نیست، رؤیت هلال در هر نقطه‌ای، برای نقاط دیگر که در ساعت رؤیت هلال در آن شب یا روز باشد کافی باشد یعنی روز بعد از آن روز یا شب برای آنها روز اول ماه است ولی بنظر آقایانی که توافق افق را در کفایت رؤیت هلال برای بلد دیگر معتبر میدانند، باید این جهت مراعات شود و مقلد هر مرجعی طبق فتوای مرجع خود عمل بنماید.

س ۴۶۴

اشاره

- در شهری که اکثریت با اهل سنت می‌باشند و شیعه‌ها در اقلیت هستند، در عید قربان و عید فطر قطع بخلاف نداشته باشیم می‌توانیم با آنها عید بگیریم و اگر در نجف اشرف ماه را دیده باشند و ۲۹ روز روزه گرفته‌اند ولی در استانبول دیده نشده و سنی‌ها سی روز روزه می‌گیرند و یک روز بعد از نجف عید بگیرند وظیفه ما شیعه‌ها چیست؟

ج

- در فرض مزبور اشکالی پیش نمی‌آید فقط از تظاهر بخوردن روزه و اقامه نماز عید بجماعت خودداری شود و اگر تقیه و حفظ وحدت اقتضا بکند روز عید آنها نماز عید بخوانند.

مبطلات روزه

س ۴۶۵

اشاره

- اگر کسی در ماه مبارک رمضان، از خواب بیدار شود و بعد متوجه بشود که از وقت اذان گذشته است آیا روزه این فرد صحیح است؟

ج

- بلی صحیح است.

س ۴۶۶

اشاره

- کیفیت روزه شخص کاهل نماز، که در انجام نمازهای واجبش، کوتاهی کرده چیست؟

ج

- روزه، واجب دیگری است و شخص مذکور به جهت کاهل نماز بودن، معصیت کار است، ولی اگر روزه گرفته روزه او صحیح است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۴

س ۴۶۷

اشاره

- آیا اگر در ماه مبارک رمضان، قرآن را بطرز غلطی بخوانیم، ضرری متوجه روزه می‌شود؟
(عدم تلفظ صحیح کلمات)

ج

- اگر عمداً آیات را غلط نخواند، اشکال ندارد و رعایت تجوید در قرائت قرآن واجب نیست.

س ۴۶۸

اشاره

- مستدعی است حکم شرع مقدس را در مورد اشخاصی که کارشان غواصی در اعماق آبهاست نسبت به صوم و صلاة بیان فرمایید.

ج

- زیر آب رفتن با لباس غواصی بنا بر احتیاط واجب مبطل صوم است ولی اگر شخص داخل زیر دریائی که شبیه اطاق است و ملاصق بدن نیست زیر آب برود روزه باطل نمی‌شود و نسبت به نماز، کسی که با لباس غواصی زیر آب است اگر نمی‌تواند خارج شود و نماز بخواند و یا وقت تنگ است با همان حال مقداری که می‌تواند قرائت و سایر اذکار را بخواند و رکوع و سجود را به ایما و اشاره انجام دهد و به احتیاط واجب بعد هم قضاء آن نماز را بخواند. و الله العالم.

س ۴۶۹

اشاره

- کشیدن سیگار و استعمال قلیان آیا مبطل روزه هست؟

ج

- بنا بر احتیاط واجب، روزه‌دار نباید دود سیگار یا قلیان را بحلق برساند.

س ۴۷۰

اشاره

- کشیدن تریاک برای شخص معتاد، در ماه مبارک رمضان، مبطل روزه می‌باشد؟

ج

- احتیاط واجب در ترک آن است، چه برای معتاد و چه غیر.

س ۴۷۱

اشاره

- آیا کشیدن سیگار، بصورتی که دود آن را فرو نبرند، روزه را باطل می‌کند؟

ج

- اگر دود آن را فرو نبرند روزه را باطل نمی‌کند، ولی تظاهر به آن در این صورت، مناسب نیست و با احترام ماه مبارک ترک شود.

س ۴۷۲

اشاره

- زدن آمپول مقوی یا پنی‌سیلین برای روزه‌دار جایز است یا خیر؟

ج

- اشکال ندارد و فرقی بین اقسام آمپولها نیست، ولی احتیاط مستحب در ترک است.

س ۴۷۳

اشاره

- آیا شخص روزه دار در ماه مبارک رمضان، می تواند سُرم یا آمپول،

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۵

تزریق کند؟

ج

- احتیاط مستحب آن است که از استعمال آمپول و سرم خودداری کند و اگر لازم شد و تزریق کرد روزه اش باطل نمیشود.

س ۴۷۴

اشاره

- اگر کسی در ماه مبارک رمضان، قبل از اذان صبح، از خواب بیدار شود و در خواب محتلم شده باشد و امکان غسل کردن را

نداشته باشد، حکم روزه این فرد چه می شود؟

ج

- در فرض سؤال اگر متمکن از غسل قبل از اذان صبح نباشد، تیمم بدل از غسل کند و روزه بگیرد.

س ۴۷۵

اشاره

- شخصی در ماه رمضان با خودبازی می کند ولی منی بیرون نمی آید و علائم جنب هم در او نیست بعد از ساعتی بول می کند

مایعی سفید رنگ خارج می شود شک دارد منی هست یا نه روزه او باطل است یا نه در صورت بطلان کفاره دارد یا نه؟

ج

- اگر کاری با خود کند که بر حسب عادت موجب انزال منی می شود، هر چند منی انزال نشود، روزه اش باطل است، ولی در فرض

مذکور وجوب کفاره معلوم نیست. و الله العالم.

س ۴۷۶

اشاره

- کسی که نمی‌دانسته استمناء روزه را باطل می‌کند و حتی یک گناه کبیره است، اگر این عمل را انجام دهد آیا روزه او باطل است؟ اگر باطل است کفاره دارد یا خیر؟ اگر دارد مقدار آن چقدر است؟

ج

- در فرض سؤال، باید قضای روزه را بگیرد ولی کفاره ندارد، بلی اگر جاهل مقصیر باشد، باین معنی که در موقع ارتکاب عمل، احتمال حرمت بدهد و سؤال نکند و یا بداند استمناء حرام و معصیت است، هرچند نداند که روزه را باطل می‌کند و در روز ماه رمضان انجام دهد، کفاره جمع دارد، که در توضیح المسائل مسأله شماره ۱۶۷۴ ذکر شده است.

س ۴۷۷

اشاره

- اگر شخصی در کلاس درس بوده ناگهان متوجه گردید که لای دندان غذائی است و خود را مقداری کنترل نموده به این امید که در پایان درس آن را بیرون ریزد، ولی احتمال قوی می‌دهد که در کلاس درس همراه با آب وارد حلق جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۶ شده باشد آیا روزه باطل می‌شود یا این شخص معذور می‌باشد؟

ج

- در فرض سؤال مجرّد وجود غذا در لای دندان و یا در داخل آب دهن تا پائین نرود، مبطل روزه نیست، البته باید شخص مذکور بهر نحوی، از رفتن غذا به معده ممانعت نماید و احتمال پائین رفتن غذا موجب بطلان روزه نیست.

کفاره روزه

س ۴۷۸

اشاره

- کفاره روزه یک ماه، با نان چقدر است؟ با برنج چقدر است؟

ج

- کفاره افطار غیر عمدی، برای هر روز یک چارک طعام مانند گندم و برنج است و اگر بخواهد نان بدهد، برای هر روز یک کیلو

بدهد.

س ۴۷۹

اشاره

- آیا می‌توان پول کفاره را به فقیر داد. و به او گفته شود طعامی که روزانه می‌خوری قصد کفاره کن یا لازم است فقیر از همین پول طعام بگیرد.

ج

- در فرض سؤال، فقیر باید با همین پول، برای دهنده آن طعام بخرد و به و کالت از طرف او طعام را به عنوان کفاره بردارد. و الله العالم.

س ۴۸۰

اشاره

- کسی که از خصال کفارات اطعام را برگزیده و یا از بابت کفاره و فدیة یک مد طعام باید بدهد یا فطره عید فطر را می‌دهد آیا مجزی است که از نانوائیهای کشور نان خریداری کند و به مستحقین بدهد یا نه با آنکه می‌دانیم که دولت به نانوائیها سوبسید میدهد و یک کیلو نان که در نانوائی به سیزده تومان می‌دهند، اگر آزاد خریداری شود شاید در حدود چهل تومان باشد؟

ج

- در فرض سؤال، خریدن نان از نانوائی و به عنوان کفاره یا فطره دادن مانع ندارد.

س ۴۸۱

اشاره

- در باب کفاره روزه آیا می‌شود بمقدار پول گندم، یا برنج به فقیر داد؟

ج

- پرداخت کفاره بنحو مذکور در سؤال مجزی نیست. باید همان گندم را بدهد و یا برنج و یا اجناس دیگری که در باب کفارات مذکور است. و الله العالم.

س ۴۸۲

اشاره

- زنی مریض بوده و ماه رمضان روزه نگرفته و مرض او تا سال بعد ادامه داشته است و کفاره بر عهده او آمده ولی از خود پولی ندارد آیا کفاره زن بر عهده شوهر واجب است یا نه؟

ج

- کفاره زن بر شوهر واجب نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۷

س ۴۸۳

اشاره

- تکلیف شخصی که چندین کفاره جمع بر گردن دارد، لیکن فعلاً نه وسع مالی دارد که اطعام فقرا بدهد و نه توان جسمی دارد که چندین ماه روزه بگیرد، در حال حاضر چیست؟ (در این مورد نیز میزان دقیق در دست نیست) آیا چنین فردی از گرفتن روزه مستحبی محروم است؟

ج

- به مسأله شماره ۱۶۶۹ توضیح المسائل مراجعه نمایید و اگر چنین شخصی قدرت بر روزه گرفتن ندارد، قهراً قدرت بر روزه مستحبی هم ندارد مگر اینکه مثلاً قدرت بر دو و سه روز، روزه گرفتن دارد ولی چون روزه کفاره باید سی و یک روز آن پشت سر هم باشد، قدرت بر آن نداشته باشد، که در این صورت اگر روزه قضا نداشته باشد روزه مستحبی اشکال ندارد. و الله العالم.

س ۴۸۴

اشاره

- اگر کسی در ماه مبارک رمضان عمداً افطار به حرام کند و قبل از اداء کفاره روزه فوت نماید در صورت وصیت به بجا آوردن و انجام کفاره روزه و یا در صورت عدم وصیت اگر ولی متوفی بخواهد استیجار صوم کند، و یا خودش بخواهد عمل بوصیت کند تابع در بجا آوردن روزه در دو فرض سؤال واجب است یا خیر؟

ج

- در هر دو فرض تابع واجب است.

س ۴۸۵

اشاره

- این جانب دارای سنگ کلیه می‌باشم و قبلاً نیز هر دو کلیه‌هایم را عمل جراحی نموده‌ام و دکتر متخصص گفته است روزه نباید بگیرید و آب و مایعات زیاد بخورید، اگر این جانب فقط آب بخورم و چیز دیگری نخورم روزه‌ام درست است یا خیر، و تا کنون نیز حقیر اینگونه عمل نموده‌ام؟

ج

- در فرض مسأله که روزه گرفتن برای شما ضرر دارد و باید در اثناء روز از مایعات استفاده نمائید، روزه بر شما واجب نیست و برای هر روز یک مدّ طعام (تقریباً هفتصد و پنجاه گرم) به فقیر غیر سید در رمضان آینده کفاره بدهید.

س ۴۸۶

اشاره

- اگر در ماه مبارک رمضان بی‌سحری بمانیم و مریض هم باشیم و در روز قبل از اینکه چیزی بخوریم با زن خود جماع کردیم چه حکمی دارد؟

ج

- در صورتی که مرض مجوّز افطار نداشته‌اید در فرض سؤال کفاره واجب است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۸

س ۴۸۷

اشاره

- ملاک مریض که روزه ماه رمضان از وی ساقط است، چیست؟

ج

- اگر بدانند روزه برای او مضرّ است یا مظنه ضرر داشته باشد و یا احتمال عقلایی بدهد که مضر باشد به طوری که از آن احتمال خوف ضرر حاصل شود، روزه واجب نیست و بعد باید قضای آن را بگیرد بلی اگر مرض تا رمضان سال بعد طول بکشد قضا هم ساقط است، فقط باید کفاره مدّ بدهد. و الله العالم.

س ۴۸۸

اشاره

- اگر شخصی در ماه مبارک رمضان به مسافرت برود و قصد ده روز نماید، در بین این ده روز آیا می‌تواند در بلاد کبیره بیش از ۴

فرسخ از منزل خود دور شود؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه تمام مسافتی را که طی میکنند در داخل شهر باشد، اشکال ندارد.

س ۴۸۹

اشاره

- کفاره روزه رمضان و کفاره حث نذر، قسم و عهد آیا از اصل مال میت باید داده شود یا از ثلث اگر به آن وصیت کرده باشد؟

ج

- اگر وصیت کرده که اینها را از ثلث بدهند از ثلث برداشته می‌شود و در غیر این صورت از اصل مال برداشته می‌شود.

س ۴۹۰

اشاره

- شخصی به حدّ بلوغ رسیده است امّا ندانسته در ماه مبارک رمضان با اینکه روزه است (نعوذ بالله) عمل منافی عفت انجام داده حالا که این شخص بعد از گذشت چند سال، حکم حرام بودن این عمل را دانسته نمی‌داند که آیا باید کفاره جمع دهد یا اصلاً کفاره بدهد یا نه و روزه‌اش چگونه است، خواهشمند است حکم این شخص را بیان فرمائید و بفرمائید این چند سال که گذشته، روزه او که باطل شده، چه حکمی دارد؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه حرام بودن عمل را نمی‌دانسته و در جهل خود هم مقصر نبوده فقط قضای آن روزه‌ها واجب است و چون در انجام قضا تأخیر نموده، برای هر روز ۱۰ سیر طعام مانند گندم یا آرد بعنوان کفاره تأخیر قضا به فقیر غیر سید بدهد و اگر حرام بودن عمل را می‌دانسته هر چند وجوب کفاره را نمی‌دانسته و یا اینکه در جهل بمسأله مقصر بوده علاوه بر آنچه گفته شد کفاره عمد هم بر او واجب است و تفصیل آن در توضیح المسائل مسأله ۱۶۶۹ مذکور است مراجعه نمائید.

س ۴۹۱

اشاره

- دختری در سن ۹ سالگی از روی نادانی روزه خود را در ماه رمضان

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۳۹

افطار می‌نماید آیا کفاره تعلق می‌گیرد؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه ۹ سال قمری را تمام کرده و توانایی روزه گرفتن را دارد و با اینکه می‌داند روزه خوردن برای او حرام شده است، روزه را می‌خورد کفاره دارد هرچند نداند که روزه خوردن علاوه بر حرمت کفاره هم دارد. و الله العالم.

روزه قضا

س ۴۹۲

اشاره

- مسافر در سفر نماز تمام خوانده، روزه را هم گرفته بعداً فهمید که باید نماز را شکسته و روزه را افطار نماید. آیا نماز و روزه قبلی وی درست است یا احتیاج به اعاده دارد؟

ج

- نماز و روزه‌اش صحیح است احتیاج به قضاء ندارد.

س ۴۹۳

اشاره

- چند روز روزه ماه مبارک رمضان، از چند سال، بر ذمه دارم، و در ضمن نمی‌دانم از هر سال چند روزی بوده تکلیف چیست؟

ج

- در فرض مسأله می‌توانید بمقداری که یقیناً کمتر از آن مقدار نبوده اکتفاء نمائید و اگر مقداری روزه قضاء بگیرید که بدانید قطعاً بیشتر از آن بر ذمه شما نیست احوط است.

س ۴۹۴

اشاره

- نمی‌دانم چندساله بودم شك دارم حدود ۱۴ الی ۱۵ سالگی نماز نخوانده‌ام عمداً و روزه‌خواری هم کرده‌ام بفرمائید چه حکمی دارد وظیفه من در قبال این اعمال انجام نشده چیست؟

ج

- هر مقدار از نماز و روزه خود را که یقین دارید در حال بلوغ ترک کرده‌اید باید قضا نمائید و برای تأخیر قضای روزه کفاره غیر عمد باید بدهید و چنانچه افطار روزه بدون عذر و عمدی بوده باید برای هر روز کفاره عمد هم بدهید.

س ۴۹۵

اشاره

- آیا کسی که روزه قضا در ذمه دارد می‌تواند روزه نذری بگیرد؟ در صورتی که نذر کرده باشد تکلیف او چیست؟

ج

- کسی که روزه قضا بر ذمه دارد می‌تواند نذر کند که روزه بگیرد و صحیح است.

س ۴۹۶

اشاره

- بنده شش سال است که به سن تکلیف رسیده‌ام یعنی ۶ ماه رمضان بر من گذشته که می‌بایست روزه می‌گرفتم، چهار سال اخیر را روزه گرفته‌ام تماماً،

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۰

تماماً ۲ سال ابتدائی را نمی‌دانستم که به تکلیف رسیده‌ام، بعدها فهمیدم که قبل از ۱۵ سالگی مکلف بوده‌ام از اینرو بعضی از روزهای این دو ماه مبارک رمضان را روزه گرفته و بعضی دیگر را که حدوداً از هر دو ماه مبارک ۳۰ روز می‌شود روزه نگرفته‌ام تکلیف بنده در برابر قضای این روزه‌ها چیست؟

ج

- در فرض سؤال روزه‌های فوت شده را قضا نمائید، و برای هر کدام یک مدّ طعام کفاره بدهید و اگر التفات بوجوب صوم نداشته‌اید و غافل از سؤال کردن بوده‌اید کفاره عمد واجب نیست.

س ۴۹۷

اشاره

- شخصی ۴۲ ساله تاکنون روزه نگرفته و گفته دارای ۱۵ عائله بوده و برای تلاش و اداره خانواده‌ام در گرما و سرما کار می‌کردم طاقتم نداشتم روزه بگیرم. عذر شرعی هم نداشته خواهشمند است نظر مبارک را بیان فرمائید.

ج

- در مورد سؤال چنانچه شخص مذکور، بدون عذر شرعی روزه نگرفته، باید کفاره بدهد و نیز قضای روزه‌هایی که نگرفته انجام دهد و اگر با عذر شرعی روزه نگرفته کفاره عمد ندارد و اما نسبت بقضای موردی که با عذر افطار کرده موارد مختلف است مورد محلّ ابتلاء را بنویسید تا جواب داده شود.

س ۴۹۸

اشاره

- اگر دختری که ۹ سالگی روزه بر او واجب شده است؛ بنا به گفته والدین که توان گرفتن همه روزه‌ها را نداشته، چند روزه از روزه‌های واجب را نگرفته باشد (و تمام روزه‌های نگرفته را نیز نداند) و اکنون نیز نداند که آیا در زمان توان آن روزه‌ها را داشته است یا نه و اطرافیان هم ندانند تکلیف او چیست؟

ج

- در فرض سؤال، هر مقدار را یقین دارد که کمتر از آن نبوده قضا کند.

س ۴۹۹

اشاره

- این حقیر در سنوات ماضیه سه سال در ماه مبارک رمضان در فصل تابستان و در گرمای طاقت فرسا و در شرایطی که گرفتن روزه دشوار بود مشغول درو، جمع‌آوری زراعت و محصول بودم، لذا به اکراه بدون میل و رغبت از فضایل ماه مبارک محروم ماندم و روزه را افطار کردم که در ماههای بعد قضای آن را نمودم آیا بری الذمه شده‌ام یا نه؟

ج

- در مورد سؤال جمع‌آوری محصول مجوّز افطار روزه رمضان نیست، برای هر روزه‌ای که افطار کرده‌اید علاوه بر قضای آن روزه، کفاره عمد بشرحی که در توضیح المسائل مذکور است باید ادا نمائید.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۱

کسانی که به واسطه بیماری نمی‌توانند روزه بگیرند

س ۵۰۰

اشاره

- آیا احتمال ضرر و بیماری مجوزی برای افطار می‌باشد یا اطمینان به ضرر و بیماری لازم است؟ میزان در مقدار ضرر چیست؟

ج

- خوف ضرر مجوز بلکه موجب افطار است و اطمینان لازم نیست و نسبت به مقدار آن کافی است که عرف عقلاء اثر مترتب بر روزه را ضرر محسوب دارند. و اللّٰه العالم.

س ۵۰۱

اشاره

- کسی که مریض بوده مدت چند سال نتوانسته روزه بگیرد، اگر صحت پیدا کرد آیا آخرین سال را روزه بگیرد و آن مدت را که نتوانسته روزه بگیرد کفاره بدهد و اگر توان پرداخت کفاره را نداشته بایستی استغفار نماید؟ و یا اگر بعداً متمکن شد بایستی کفاره روزه آخرین سال را بدهد یا سالهای گذشته را هم بپردازد؟

ج

- در مورد سؤال بنابر احتیاط واجب بایستی کفاره سالهای گذشته را هم بپردازد.

س ۵۰۲

اشاره

- خانمی از ۲۷ سالگی به بعد بر اثر بیماری قادر به گرفتن روزه نبوده است حال تکلیف او چیست؟

ج

- در فرض سؤال، قضای روزه‌ها لازم نیست لکن برای هر روز یک چارک طعام مانند گندم و آرد به فقیر غیر سید بعنوان کفاره بدهد.

س ۵۰۳

اشاره

- این جانب سه ماه روزه ماه مبارک رمضان بدهکار می‌باشم ولی بعلت بیماری کلیه و دستور پزشک نمی‌توانم تا آخر عمر روزه بگیرم حکم روزه‌های قضاء چگونه است و آن را اگر عمداً افطار کرده باشم چه حکمی دارد و اگر بخاطر عذر شرعی بوده چه حکمی دارد؟

ج

- در صورتی که شخصی بواسطه مرضی معذور از گرفتن روزه باشد نباید روزه بگیرد و چنانچه تا ماه رمضان بعد بیماری او ادامه داشت و نتوانست قضاء روزه‌ها را بگیرد قضاء هم از او ساقط است فقط باید برای هر روز یک مدّ (ده سیر) طعام مثل گندم کفاره

به فقرا بدهد و اگر بدون عذر عمداً روزه را افطار کرده کفاره عمد و قضاء بر او واجب میشود و تفصیل مسأله را در توضیح المسائل ملاحظه نمائید.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۲

س ۵۰۴

اشاره

- دختری ۹ ساله می‌باشد و توان روزه گرفتن ندارد آیا وقتی که توان پیدا کرد قضای روزهای گذشته واجب است یا نه؟

ج

- در صورتی که روزه موجب حرج یا بیماری شود گرفتن جائز نیست فعلاً بمقداری که میتواند از روزه بگیرد و بقیه را در طول سال به تدریج قضاء نماید.

س ۵۰۵

اشاره

- این جانب متولد ۱۳۴۳ که تا سال ۷۰ هجری شمسی در سلامت بوده و بعلت مسافرت و عذر شرعی بعد از بلوغ تا سال ۷۰ روی هم نود روز (سه ماه) از روزهای ماه مبارک رمضان را نتوانسته‌ام بگیرم بنابراین از سال ۷۰ هجری شمسی بدلیل بیماری کلیوی و دستور پزشک بر منع روزه گرفتن تا آخر عمر از گرفتن روزه معذورم.

خواهشمندم حکم روزه‌های قضائی که در روزهای سلامتی به علت عذر شرعی (مسافرت) نگرفته‌ام بیان بفرمائید؟

ج

- کفاره روزه‌هایی که قضاء آنها را تا رمضان بعد نگرفته‌اید بپردازید (برای هر روز یک مد طعام) و چنانچه در تمام عمر از گرفتن آن عاجز باشید وصیت کنید بعد از شما قضاء آنها را بگیرند.

س ۵۰۶

اشاره

- اگر روزه موجب چشم درد نمی‌باشد ولی سوی چشم کم می‌شود آیا کسی که به این بیماری مبتلا است باید روزه بگیرد یا نه؟

ج

- اگر بطور موقت باشد که بعد از روزه بر طرف میشود مجوز افطار نیست ولی اگر روزه موجب شود که نور چشم برای همیشه کم

شود روزه واجب نیست.

س ۵۰۷

اشاره

- شخصی در ماه رمضان مریض بوده روزه نگرفته- بعد از ماه رمضان هم مریض بوده- و اول ذی القعدة فوت کرد و در حیات خود کفاره ماه رمضان را که روزی ۷۵۰ گرم باشد اطعام نداده، حالا کفاره بر عهده کیست آیا از اصل مال برداشت شود یا نه و یا اینکه بر پسر بزرگ قضا واجب است یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، اگر از اول ماه رمضان تا وقت فوت مریض بوده قضا و کفاره ندارد و اگر در ماه رمضان مریض نبوده و عمداً روزه نگرفته و بعد از ماه رمضان مریض شده باید کفاره عمد از اصل مال برداشته شود و قضا هم دارد و اگر در ماه رمضان مسافر بوده و باین جهت روزه نگرفته و بعد از ماه هم مریض شده تا فوت کرده کفاره ندارد ولی قضا دارد و در تمام صور قضا بعهد پسر بزرگ است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۳

س ۵۰۸

اشاره

- این جانب از سال‌های قبل روزه بدهکارم. کفاره‌های آنها را پرداخته‌ام ولی هنوز موفق به گرفتن آن روزه‌ها نشده‌ام. می‌خواهم بینم آیا اگر روزه از سال قبل نیز بدهکار باشم و برای اینکه نخواهم کفاره آن را بدهم و خود روزه‌ها را تا آمدن ماه رمضان امسال بگیرم. آیا این روزه‌هایی که می‌گیرم به جای روزه‌های سال قبل محسوب شده یا بجای روزه‌های سال‌های ما قبل آن که کفاره‌هایش را پرداخته‌ام؟

ج

- تیت هر کدام از روزه‌های قضا را بنمایید همان روزه محسوب می‌شود. و الله العالم.

س ۵۰۹

اشاره

- شخصی سالها قادر به روزه گرفتن نبوده تا آخر عمر هم نتوانست روزه بگیرد و همه‌ساله کفاره صوم را پرداخت نموده است. آیا قضای روزه به گردن چنین شخصی هست یا خیر؟

شخص مذکور وصیت هم کرده است چهل سال روزه برای او بدهند تکلیف وراثت و وصی او چیست؟

ج

- در فرض سؤال قضای روزه ایّامی که مریض بوده بر او واجب نیست، لکن چنانچه وصیت او زائد بر ثلث نیست و احتمال می‌دهند که قبل از بیماری روزه بدمّه او بوده، عمل به وصیت واجب است. و الله العالم.

س ۵۱۰

اشاره

- آیا زن حامله‌ای که نمی‌تواند روزه بگیرد و روزه‌هایش را می‌خورد، برای ادای روزه‌های نگرفته باید دو کفّاره بپردازد یا خیر؟

ج

- برای افطار روزه یک کفّاره بپردازد و اگر تا رمضان آینده موفق به گرفتن قضا نشد کفّاره تأخیر هم لازم است. و الله العالم.

س ۵۱۱

اشاره

- در رساله حضرت عالی مسأله ۱۷۳۰ چنین آمده اگر روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت نماید، باید روزه خود را تمام کند و در صورتی که شب نیت سفر کرده باشد احتیاطاً قضای آن را بجا آورد سؤال این است که این احتیاط واجب است یا مستحب

ج

- این احتیاط مستحبی است.

س ۵۱۲

اشاره

- روزه زنانی که در ماه مبارک رمضان برای جلوگیری از عادت ماهانه از قرص استفاده می‌نمایند صحیح است یا خیر؟

ج

- اگر عادت نشوند روزه آنها صحیح است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۴

اعتکاف

س ۵۱۳

اشاره

- در عمل اعتکاف رفتن به حیاط مسجد، آبدارخانه، دفتر مسجد و دیگر قسمت‌ها و نیز صحبت کردن و خندیدن چه حکمی دارد؟

ج

- خروج از مسجد بدون ضرورت عرفی، برای معتکف جائز نیست ولی صحبت کردن و خندیدن مانعی ندارد.

س ۵۱۴

اشاره

- اعتکاف در مسجد مقدس جمکران جایز (صحیح) است یا خیر؟

ج

- مسجد جمکران در حال حاضر، از مساجد جامع محسوب است و اعتکاف در آن صحیح است. و الله العالم.

س ۵۱۵

اشاره

- آیا معتکف می‌تواند برای شرکت در دروس حوزه از مسجد خارج شود؟

ج

- نمی‌تواند. و الله العالم.

س ۵۱۶

اشاره

- شخصی برای درک فضیلت اعتکاف در مشهد مقدس بعد از رسیدن به مشهد بدون قصد اقامت نذر کرده سه روز روزه بگیرد آیا چنین نذری صحیح است؟

ج

- حکم به صحت چنین نذری مشکل است و احتیاط در ترک آن است. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۵

احکام زکات

اشاره

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۷

زکات

زکات غلات

س ۵۱۷

اشاره

- شخصی با علم به اینکه گندم و یا جو، زکاتش پرداخت نشده، بعنوان عامل فروش و یا عامل حمل با کامیون، اجرت فروش و یا کرایه حمل می‌گیرد، آیا زکات به ذمه عامل فروش و یا به ذمه عامل حمل، می‌آید یا نه؟

ج

- ظاهر این است که عین مال زکوی که زکاتش ادا نشده تحت ید هر کسی قرار بگیرد هر چند حامل یا عامل فروش باشد ضامن زکات است و مسأله تعاقب ایادی در اینجا نیز جاری است. و الله العالم.

س ۵۱۸

اشاره

- ملکی که به رعیت، اجاره داده می‌شود، زکات زراعت آن به عهده مالک است یا رعیت و آیا رضایت زارع و عدم رضایت او موجب تفاوت در حکم می‌شود یا نه؟

ج

- زکات به عهده مستأجر است که در این فرض زارع است و رضایت و عدم رضایت او معتبر نیست. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۸

س ۵۱۹

اشاره

- زارعی از ابتداء، زکات گندم یا جو را نداده، فعلاً مقدار زیادی زکات

باید بدهد، که از نظر وضع مالی اداء آن برای او مشکل است، آیا می‌تواند کمتر از مقدار یقینی، زکات بدهد یا لازم است تمام مقدار یقینی را بپردازد؟

ج

- باید تمام مقدار یقینی را اداء نماید. و الله العالم.

س ۵۲۰

اشاره

- محصولاتی مانند گندم که بوسیله آب موتور از چاه عمیق مشروب شده، از نظر زکات حکم آب قنات را دارد یا دلو را؟

ج

- در فرض مسأله حکم دلو را دارد.

س ۵۲۱

اشاره

- تخمی که زکات آن را داده‌اند، در سالهای بعد، می‌توانند همان مقداری که در سال قبل زکات آن را پرداخته‌اند، از محصول بردارند و زکات آن را ندهند یا اینکه باید در سالهای بعد، زکات آن مقدار تخم را بدهند؟

ج

- بلی می‌توانند. و پرداخت مجدد زکاء آن لازم نیست.

س ۵۲۲

اشاره

- بعضی از اقسام انگورها، قابل کشمش شدن نمی‌باشد و اگر هم خشک شود، کشمش آن قابل استفاده نیست و هیچ ارزشی ندارد، بفرمائید اینگونه انگور زکات دارد یا نه؟

ج

- زکات ندارد.

س ۵۲۳

اشاره

- محصول زراعتی که به وسیله چاه عمیق موتوری آبیاری شده، زکاتش را از چند باید محاسبه نمود؟

ج

- زکات آن بیست یک است. و الله العالم.

س ۵۲۴

اشاره

- املاک زن و مادر که در دست شوهر و فرزند است با املاک خود مخلوط و زراعت می‌کنند و زن یا مادر، دخالتی در املاک خود ندارند، آیا غله هر کدام باید به حد نصاب برسد یا مجموع زراعت روی هم حساب می‌شود؟

ج

- اگر بذر زراعت از مال پسر یا شوهر است غله متعلق به اوست و به زن یا مادر ارتباط ندارد، بلی اگر بذر از مال هر یک از شوهر، همسر، پسر و مادر بوده به نسبت سهم آنها از بذر، نصاب سهم خودشان معیار است. و الله العالم.

س ۵۲۵

اشاره

- غلات اربعه که از ملک ثلث و یا وقفی به دست می‌آید و به

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۴۹

حد نصاب برسد، زکات دارد یا نه؟

ج

- اگر مثل وقف بر اولاد باشد که زراعت ملک آنها باشد، سهم هر که به حد نصاب برسد، زکات دارد. و الله العالم.

س ۵۲۶

اشاره

- اگر انگور را قبل از کشمش شدن بفروشد در صورتی که کشمش آن به حد نصاب می‌رسد، آیا زکات واجب است یا نه؟

ج

- بلی واجب است.

س ۵۲۷

اشاره

- مخارجی را که برای گندم، جو و انگور کرده است، اعم از شخم، تخم و خرید تراکتور و وسایل کشاورزی دیگر حتی مخارج مقدماتی آنها را می‌توان از حاصل کسر نمود یا نه؟

ج

- در مقام احتساب نصاب، احوط این است مخارج را که از عین زکوی داده می‌شود کسر کرد و بقیه مخارج مشروعه بعد از احتساب نصاب از مجموع برداشت شود یا در مقابل اشیائی که برای سنوات بعد هم مورد استفاده است مانند تراکتور، و وسایل دیگر کشاورزی بمقداری برداشت شود که برابر با استفاده از آن در آن سال باشد و بعبارت دیگر قیمت توزیع بین سنوات استفاده از آن شود، چنانکه اگر تراکتور و وسایل دیگر در زراعات دیگر هم مورد استفاده واقع شود باید آن را هم ملاحظه کرد. و الله العالم.

س ۵۲۸

اشاره

- شخصی زکات گندم بدهکار است و از طرفی هم مقروض می‌باشد، قدرت پرداخت بدهی را ندارد و یک دستگاه تراکتور هم دارد که اگر برای پرداخت بدهی‌هایش آن را بفروشد، وام او که تقریباً مساوی است با قیمت تراکتور، پرداخت می‌شود ولی پس از فروش تراکتور عائله‌اش در مضیقه زندگی قرار می‌گیرند، خواهشمند است بفرمائید آیا باید زکات بدهد یا خیر؟

ج

- گندمی که به آن زکات تعلق گرفته، اگر موجود است زکات آن مقدم بر دیون دیگر است و اگر مال مذکور را خرج کرده و زکات آن به ذمه‌اش منتقل شده حکم سایر دیون را دارد که هر وقت متمکن شد باید اداء کند، و اگر بنحوی باشد که مثل فروش تراکتور در فرض مسأله، موجب وقوع در عسر و حرج و معارض با عسر و حرج دائن نباشد جواز تأخیر اداء دین و زکات بعید نیست. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۰

س ۵۲۹

اشاره

- گندم یا جو، یا پولی که به میراب داده می‌شود، تا آب به زراعت برساند می‌توان از حاصل کسر نمود و سپس ملاحظه نصاب کرد یا نه؟

ج

- احتیاط اینست که در ملاحظه نصاب، فقط مخارجی را که از عین مال زکوی پرداخت میشود، کسر شود. و الله العالم.

س ۵۳۰

اشاره

- قیمت وقتی که تخم را برای زراعت پاشیده می‌تواند جزء مخارج حساب کند یا نه؟

ج

- می‌تواند آن را جزء مخارج حساب کند. و الله العالم.

س ۵۳۱

اشاره

- گندم را چیده و در خرمن جمع نموده‌ایم، آیا می‌شود مخارج کارگرانی را که مزد گرفته‌اند، از گندم کسر نمائیم و بعد زکات بدهیم یا خیر؟

ج

- احتیاط این است که در ملاحظه نصاب فقط مخارجی را که از عین مال زکوی پرداخت می‌شود کسر شود. و الله العالم.

س ۵۳۲

اشاره

- الف: فرض سؤال اینکه ۲۰۰ من، گندم برداشت نمودم، که ۷۰ من آن را برای هزینه‌های کشت نمودن، هزینه‌های جمع‌آوری، اجاره املاک به مالک، کرایه تراکتور، تخم بذر مورد کشت، مخارج تعمیرات قنات و کود شیمیایی و غیره که باید هزینه‌های مصرف شده را از گندم برداشت نمایم، در نتیجه پس از برداشت هزینه فقط ۱۳۰ من باقیمانده، که از حد نصاب (۱۴۴ من) کمتر باقیمانده آیا از این گندم باید زکات داده شود یا معاف است؟ (هر یک من ۶ کیلو فرض شده).

ب: هزینه‌هایی که برای کشت و برداشت زراعت گندم خرج شده و باید از گندم کسر شود، تماش متعلق به خود گندم است یا

متعلق به کاه گندم هم می‌شود؟

ج

الف: اگر هزینه‌های مذکور حسب المعمول از عین گندم داده می‌شود ۱۳۰ من باقیمانده زکات ندارد و الا باید زکات آن را بدهد. و الله العالم.

ج- ب: مخارج به نسبت ارزش کاه بین گندم و کاه تقسیم می‌شود، مثلاً اگر گندم پانصد تومان و کاه صد تومان ارزش دارد یک پنجم مخارج متعلق به کاه است. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۱

س ۵۳۳

اشاره

- آیا استهلاک تراکتور، و موتور آب، ماشین سواری و غیره، یا مزد موتورچی، آبگیر و شیار از نظر حضرت تعالی جزء مخارج است یا خیر؟

ج

- اگر منظور مخارج زکات است بلی موارد مذکور جزء مخارج است لکن مخارجی را که معمول است از خود زراعت گندم یا جو میدهند از حاصل کسر کنند، اگر باقی مانده به حد نصاب رسید زکات دارد و مخارجی را که معمولاً پول میدهند کسر نمیشود، یعنی باید ملاحظه کنند، اگر حاصل قبل از کسر مخارج به مقدار نصاب باشد زکات تعلق می‌گیرد ولی به خود آن مخارج زکات تعلق نمی‌گیرد، و اگر منظور مخارج سرمایه و تعلق یا عدم تعلق خمس است در این صورت مخارج مذکور کسر می‌شود.

س ۵۳۴

اشاره

- گندم و جو که به حد نصاب رسیده، کاه آنها چه حکمی دارد؟ آیا بر کاه هم زکات تعلق می‌گیرد؟ و یا از مخارج صرف شده برای کشت گندم و جو کسر می‌شود؟

ج

- کاه زکات ندارد ولی مخارج زراعت بالنسبه به کاه هم تقسیم می‌شود.

س ۵۳۵

اشاره

- شخصی بطور مثال مقدار ۲۰۰ من گندم برداشت مینماید که مقدار ۱۰۰ من آن را از اصل گندم یا بقیمت روز، مبلغ آن را برای هزینه‌های مصرفی از قبیل مرمت قنات، کرایه تراکتور، خرمن کوبی، شخم زمین و خرید کود شیمیائی و کارگر و غیر آنها باید برداشته و برای هزینه‌های مصرف شده پرداخت نماید، در نتیجه ۱۰۰ من، از گندم برداشته شده کاهش یافته و فقط مقدار عایدی ۱۰۰ من باقی مانده که از حد نصاب ۱۴۴ من، کاهش یافته آیا مشمول دادن زکات میشود یا خیر؟

ج

- اگر معمول باشد که بابت مخارج مذکور پول بدهند، در فرض سؤال، بنا بر احتیاط لازم، باید زکات ۱۰۰ من باقی مانده را بدهد، و اگر معمول باشد که از خود زراعت بدهند، زکاه مقدار باقی مانده که کمتر از حد نصاب است واجب نیست.

زکات حیوان (چهارپایان)

س ۵۳۶

اشاره

- شخصی حدود ۴۵۰ رأس گوسفند دارد، که شش ماه از سال علف صحرا را می‌خورند و شش ماه دیگر همراه با علوفه صحرا علوفه دستی نیز به جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۲
گوسفندان می‌دهد (از قبیل یونجه خشک شده و جو) خواهشمند است معلوم فرمائید به اینگونه گوسفندان زکات تعلق می‌گیرد یا نه، خمس چطور؟

ج

- گوسفندان مورد سؤال زکات ندارند ولی خمس دارند. و الله العالم.

س ۵۳۷

اشاره

- حضرت عالی در رساله مسأله ۱۹۱۶ فرموده‌اید: زکات گوسفند دو شرط دیگر هم دارد، شرط دوم آنکه در تمام سال از علف بیابان بچرند حال برای فرار از زکات، زمین را ۲۰ روز اجاره کند یا خود صاحب زمین مجانی بدهد و یا در مقابل یک بره بدهد و یا با صاحب زمین تبانی کنند صاحب زمین چیزی از صاحب گوسفند نگیرد، آیا بازهم زکات واجب است یا نه؟

ج

- واجب نیست. و الله العالم.

زکات طلا

س ۵۳۸

اشاره

- آیا سکه‌های قدیم از قبیل پهلوی و پوند انگلیسی و غیره جزء سکه‌های رائج است و زکات به آنها تعلق می‌گیرد یا خیر؟ در صورتی که همان سکه‌های قدیم بصورت دست بند یا خلخال باشد و سالهای قبل استفاده زینت از آنها شده، باز زکات به آنها تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- سکه‌های مذکوره رواج معامله‌ای ندارند زکات به آنها تعلق نمی‌گیرد. و الله العالم.

س ۵۳۹

اشاره

- اگر کسی در سالهای گذشته طلای مسکوک داشته و به حد نصاب هم بوده و لیکن تا به حال زکات آنها را نداده الآن پانزده مثقال آن چقدر زکات دارد؟

ج

- اگر مقدار طلا پانزده مثقال صیرفی بوده، فعلاً زکات آن را بدهد کافی است و اگر بیشتر بوده حکم دیگری دارد. و الله العالم.

س ۵۴۰

اشاره

- طلائیست مسکوک که مقدار آن بیش از حد نصاب می‌باشد، و چندین سال است زکات آن داده نشده، آیا نسبت به تأخیر در پرداخت زکات سنوات گذشته، اشتغال ذمه است یا فقط معصیت کرده و با پرداخت زکات فعلی تدارک می‌شود و اگر از چهل دینار یک دینار را که باید بدهد در صورتی که به

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۳

پول رائج، به قیمت درآورده و پرداخت نمود و آن یک دینار در ملک او باقی ماند، باز هم نصاب زکات نسبت به چهل دینار باقی است یا نه و بعد از پرداخت زکات اگر در سالهای بعد، بقیه طلا که باز هم بیش از حد نصاب است باقی مانده مجدداً مشمول حکم زکات می‌شود یا نه؟

ج

- اگر از مقدار نصاب اول بیشتر نبود، فعلاً همان زکات نصاب اول را بدهد، و اگر بیشتر بود و به حد نصاب دوم نرسیده، باید به مقدار هرچند سال بر او گذشته بقدری زکات بدهد که از نصاب اول ساقط شود، و اگر به نصاب دوم رسید به همین نحو ملاحظه نماید، و اگر زکات طلا را از عین آن نداد مادامی که در حد نصاب باقی است همه ساله باید زکات آن پرداخت شود. ضمناً لازم به تذکر است که زکات به طلای مسکوک رائج تعلق می‌گیرد و مسکوکیت تنها موجب تعلق زکات نیست و حکم سایر اموال را دارد که باید تخمیس شود.

س ۵۴۱

اشاره

- به سکه‌های طلائی که به عنوان هدیه به شخصی داده‌اند، زکات تعلق می‌گیرد؟ و در صورت شمول زکات، آیا می‌توان آن را به حساب دولت واریز نمود و از مالیات دولتی محاسبه نمود یا نه؟

ج

- در صورتی که دارای شرائط زکات باشد، باید زکات آن را پردازد و مالیات بابت زکات محسوب نمیشود. و الله العالم.

س ۵۴۲

اشاره

- جوانی هستم که بواسطه بیماری مادرزادی قادر به حرکت نمی‌باشم و در کنار خانواده زندگی می‌نمایم، در حدود یک سال است پولهای خود را تبدیل به سکه نموده‌ام تا وقت گران شدن آنها را فروخته در آمدی از آن راه داشته باشم، لطفاً بفرمائید اگر به حد نصاب برسد زکات به آن تعلق می‌گیرد یا نه، و آیا چنین معامله‌ای از نظر شرع چه صورتی دارد؟

ج

- زکات ندارد، و معامله مورد سؤال اشکال ندارد، زیرا زکات در طلای مسکوک رائج است. و الله العالم.

س ۵۴۳

اشاره

- مقداری طلا در طی سال زوج به زوجه می‌دهد، آیا زکات دارد یا خیر؟

ج

- زکات، به طلای مسکوک رائج که مانند اسکناس رواج بازاری داشته باشد، تعلق می‌گیرد و طلای غیر مسکوک و یا مسکوک غیر

رائج متعلق زکات نیست.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۴

س ۵۴۴

اشاره

- طلائی که بعنوان سرمایه کسب و کار میباشد، به آن زکات تعلق میگیرد یا خیر؟

ج

- زکات ندارد.

مصرف زکات

س ۵۴۵

اشاره

- پولی که برای وجوه شرعیّه جدا و تعیین شده، می توان آن را مصرف نمود و با پول دیگر عوض کرد؟

ج

- تبدیل زکات اموال و فطره بعد از جدا کردن، بنابر احتیاط واجب جائز نیست ولی وجوه دیگر با جدا کردن متعین و مجزاً نمی شود. و الله العالم.

س ۵۴۶

اشاره

- مستأجری که از پرداختن وجه اجاره به صاحب خانه امتناع می ورزد و اظهار فقر مینماید، اگر در بررسی معلوم شود که توانائی پرداخت نداشته، اکنون هم فوت شده، صاحب ملک می تواند بدهی او را از واجبات شرعیّه خود در سالهای آینده، محاسبه نماید و ذمه مستأجر به این وسیله آزاد گردد، (درحالی که دسترس به ورثه ایشان هم نداشته باشد)؟

ج

- اگر فقیر بمقدار بدهی خود ترکه نداشته باشد، محاسبه از بابت زکات مانعی ندارد و در غیر این فرض مشکل است. و الله العالم.

س ۵۴۷

اشاره

- شخصی مدتها از زکات بخصوص فطره، بدون اینکه فقیر باشد استفاده نموده فعلاً متوجه شده که زکات مخصوص فقراء است، فعلاً تکلیف او چیست؟ مبالغی یا اجناسی را که در حال حاضر از زکات دارد به فقراء بدهد یا به صاحبش یا به مجتهد؟ و آنچه را به مصرف رسانده مدیون است یا خیر؟

ج

- با فرض عدم فقر ضامن است، باید به صاحبانش برگرداند، و یا با اجازه آنها به نیت زکات فطره به فقراء غیر سید بدهد، و اگر آنها را نمی‌شناسد با اجازه مجتهد جامع الشرائط، از طرف صاحبانش به نیت زکات فطره به فقیر غیر سید بدهد. و الله العالم. جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۵

س ۵۴۸

اشاره

- افرادی فقیر به استناد اینکه بچه را می‌خواهیم به مدرسه یا دبیرستان بفرستیم بودجه نداریم، تقاضای کمک می‌نمایند، از وجوه بریه زکات، سهم سادات و احیاناً سهم امام (ع) کمک کردن برای نفقه موارد مذکور چه صورت دارد؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه اطمینان به استحقاق آنان داشته باشند، می‌توانند در صورت سید بودن، از سهم سادات و آلا از زکات کمک کنند و از سهم مبارک امام (ع) منوط با اجازه فقیه جامع الشرائط است. و الله العالم.

س ۵۴۹

اشاره

- آیا انسان می‌تواند وجهی را به مستحق بدهد با این نیت که اگر زکات به ذمه‌اش هست، زکات و اگر مظالم بر عهده‌اش باشد مظالم محسوب شود یا نه؟

ج

- اگر هم زکات و هم مظالم بر ذمه دارد باید تعیین نماید، و اگر علم اجمالی دارد که یا زکات یا مظالم بر عهده دارد، ظاهراً بقصد ما فی الذمه بدهد کافی است. و الله العالم.

س ۵۵۰

اشاره

- آیا انسان می‌تواند مقدار زکاتی که بر ذمه دارد، جهت عروسی به پسر خود بدهد؟

ج

- اگر پسر متمکن نباشد، بمقدار مخارج ازدواج او مانعی ندارد. و الله العالم.

س ۵۵۱

اشاره

- آیا زکات فرزند به پدر و مادرش میرسد یا نه؟

ج

- نمیرسد، مگر آنکه نیاز به چیزی داشته باشند که رفع آن بر فرزند واجب نباشد مثل اینکه پدر، زنی غیر از مادر آن فرزند داشته باشد و متمکن از مخارج او نباشد. و الله العالم.

س ۵۵۲

اشاره

- آیا انسان می‌تواند به ربیبه خود که خرج او را عهده دار شده است، از زکات خود در هزینه زندگی و رفع حوائج او بپردازد؟

ج

- اگر ربیبه فقیر و مستحق شرعی باشد میتواند زکات خود را به او بپردازد. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۶

س ۵۵۳

اشاره

- شخصی که زکات باید بپردازد، اگر فرزند یا دامادش یا یکی از بستگانش طلبه باشد، می‌تواند به صورت هدیه لوازم خانه و یا کتاب مورد نیاز او را خریده و از زکات خود محاسبه نماید یا نه؟

ج

- اداء زکات به دامادش اگر مستحق باشد جائز است و به فرزندش که فقیر است برای مخارج لازم او که غیر از نفقه واجب بر پدر

باشد جائز است ولی احتیاط اینست که زکات اگر از غلات یا از انعام است عین یا قیمت آن ادا شود.

س ۵۵۴

اشاره

- حضرت تعالی در مسأله ۱۹۵۷ توضیح المسائل فرموده‌اید: اگر پسر به کتابهای علمی و دینی احتیاج داشته باشد، پدر می‌تواند برای خریدن آنها به او زکات بدهد. حال می‌خواستیم بدانیم که اگر دانش آموز دبیرستانی و یا دانشجوی دانشگاهی، به کتابهای علمی نظیر ریاضیات، فیزیک، شیمی، مکانیک و غیره احتیاج داشته باشد یعنی این کتابها فقط علمی باشند آیا در اینگونه موارد پسر می‌تواند از پدر خودش زکات برای خریدن کتابهایی که احتیاج دارد دریافت کند؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه دانش آموز فقیر باشد، پدر می‌تواند از زکات خود به فرزندش بدهد، که فرزند صرف خرید کتاب نماید، چون تهیه کتاب جهت دانش آموز، جزء نفقه واجبه بر پدر نیست.

س ۵۵۵

اشاره

- احتراماً نظر به اینکه ما، در روستایی از روستاهای استهبان زندگی می‌کنیم که آن روستا فاقد مدارس راهنمایی پسرانه، و دخترانه و ابتدایی و همچنین خانه بهداشت و دیگر امکانات فرهنگی و بهداشتی می‌باشد لذا چون بیشتر مردم روستا به کار کشاورزی اشتغال دارند، و هر ساله مقادیری جهت زکات پرداخت می‌کنند، و با توجه به اینکه آن روستا فاقد مدارس راهنمایی و ابتدایی است خواهشمند است بیان بفرمائید که ما می‌توانیم این زکات را جهت ساخت مدارس روستای خود خرج نمائیم یا اینکه فقط باید به فقرا داده شود، چون در این مورد بعضی از افراد مخالفت می‌کنند و می‌گویند که زکات اختصاص به فقرا داده شده و در راههای دیگر نمی‌توان مصرف کرد، آیا می‌توان زکات را جمع‌آوری نمود و به اندازه فقرای محل داد و باقی را خرج امور خیریه جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۷

داد یا خیر؟ یا اینکه از محل خارج و به فقرای محل دیگر داده شود؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه بودجه دولتی جهت تأمین مخارج موارد مذکور در سؤال موجود نیست، مؤمنین می‌توانند زکات مال خود را، در موارد مذکوره مصرف نمایند، البته تأمین مخارج فقرا را در اولویت قرار دهند.

س ۵۵۶

اشاره

- اگر فقیر در منطقه مخارج سالش تأمین نشود، پرداخت زکات مال و فطره برای مساجد و مدارس دینی واجب است یا فقرا؟

ج

- پرداخت زکات مال، هم به فقراء و هم صرف آن در بناء و تعمیر مساجد و مدارس دینی جائز است و در زکات فطره احتیاط در دادن آن به فقیر است. و الله العالم.

س ۵۵۷

اشاره

- آیا زکات را در محل می‌توان جمع‌آوری و در کارهای خیریه صرف کرد؟

ج

- صرف زکات مال در امور خیریه‌ای که در شرع مقدّس از امور خیریه محسوب شود از سهم سبیل الله مانع ندارد و جمع‌آوری آن هم در این صورت اشکال ندارد.

س ۵۵۸

اشاره

- استدعا داریم نظر مبارک را در رابطه با مصرف زکات راجع به تعمیر و تبدیل حمام خزینه عمومی روستا به دوش، بیان فرمائید.

ج

- در فرض سؤال چنانچه حمام مذکور، ملک کسی نیست و برای استفاده عموم ساخته شده و متبرّعی که مخارج تعمیر و تبدیل آن را تحمل کند نیست، صرف زکات از سهم سبیل الله در مورد سؤال مانع ندارد.

س ۵۵۹

اشاره

- در روستای ما غسل‌خانه‌ای وجود دارد گاهی اوقات اشخاصی که فوت میکنند، بعلت عدم آمادگی قبلی برای کفن دچار مشکل می‌شوند.

سؤال ما این است، برای آمادگی غسل‌خانه

۱- آیا می‌شود از پول زکات، شخص یا اشخاصی، چند طاقه پارچه بخرند و در غسل‌خانه برای همه مسلمین قرار دهند؟

۲- از بدهکاری خمس میشود پارچه کفنی برای غسل‌خانه خرید یا نه؟

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۸

۳- به عنوان هدیه به مسلمین، میشود کفنی خرید در آنجا گذاشت یا نه؟

ج

- اشخاص خود، هرچه برای این موضوع اهداء کنند خیر است و صرف آن طبق نظر هدیه کنندگان برای غنی و فقیر بی اشکال است، اما از زکات فقط باید به مصرف کفن فقرا برسد.
از سهم سادات عظام جائز نیست و از سهم مبارک امام (ع) و موکول به اذن مجتهد جامع الشرائط است.

زکات فطره

س ۵۶۰

اشاره

- اینکه به فقیر اقل از یک صاع، از فطریه نمی شود داد؟ آیا می شود یک صاع و نیم یا دو صاع نیم و یا یک صاع و ربع داد یا نه؟

ج

- احتیاط آن است که صاع تمام بدهند، یا یک صاع و یا دو صاع و یا سه صاع.

س ۵۶۱

اشاره

- اگر پول فطریه کنار گذاشته شود و به خرد کردن پول نیاز باشد آیا می توانم بوسیله آن پول، پول خودم را خرد کنم، به جای آن، پول دیگری بگذارم؟

ج

- بعد از جدا کردن فطره هر چند پول باشد، نمیتوانید آن را عوض کنید هر چند به خرد کردن پول نیاز داشته باشید.

س ۵۶۲

اشاره

- در رساله در باب زکات فطره، مسأله ۲۰۱۹ فرموده‌اید: انسان اگر به عیالش از مال حرام بدهد باید زکات فطره آنان را از مال حلال بدهد، بدنبال همین فتوا بین مردم صحبت است، کسی که خمس نمی دهد یعنی حساب سال ندارد، اول باید خمس آن مقدار را بدهد، تا یقین کند که از مال حلال داده است؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه بخواهد از عین مالی که به آن خمس تعلق گرفته زکات فطره بدهد، باید اول خمس آن مال را بدهد، ولی اگر کسی که حساب سال ندارد، از مالی که به آن خمس تعلق نگرفته زکات فطره بدهد اشکال ندارد.

س ۵۶۳

اشاره

- زکات فطره رزمندگان اسلام و سربازان نظام جمهوری اسلامی که مخارج آنها را دولت یا مردم می‌دهند، در ماه مبارک رمضان به عهده چه
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۵۹
کسی است؟

ج

- هر کدام متمکن باشند بنابر احتیاط خودشان اداء کنند.

س ۵۶۴

اشاره

- اگر انسان شب عید فطر مهمان داشته باشد، صبح بفهمد که عید بوده، آیا فطره آنها بر او واجب است یا نه؟ در صورتی که موقع غروب آمده باشند، و همچنین اگر موقع غروب بیاید و چیزی نخورد آیا بازهم فطره او بر صاحب خانه است؟

ج

جامع الاحکام؛ ج ۱؛ ص ۱۵۹
اگر قبل از غروب آمده‌اند، باید فطره آنها را بدهد اگر چه عید بودن را صبح فهمیده باشد و کسی که قبل از مغرب آنجا بوده، هر چند چیزی نخورد، احتیاط آنست که فطره او را نیز بدهد. و الله العالم.

س ۵۶۵

اشاره

- نوه‌ام شب عید فطر، در خانه‌ام بوده و افطار کرد، فطریه او بر عهده من بود آیا پدر او هم باید فطریه او را بدهد یا نه؟

ج

- در فرض مذکور، فطره بر پدر او واجب نیست.

س ۵۶۶

اشاره

- شب عید فطر قبل از غروب، فقیری در خانه ما را زد، ما هم مقداری نان و خرما جهت خوراکی به او دادیم، ولی وارد خانه نشد آیا فطره او بر گردن ما می‌باشد یا نه؟

ج

- فطره فقیر مذکور بر صاحبخانه واجب نیست.

س ۵۶۷

اشاره

- اگر در یک شهر، حوزه‌ای طلاب فقیری داشته باشد که شهریه شان بقدر کافی نباشد، و در شهر عده‌ای دیگر از عموم مردم فقیر باشند، کدامیک برای کمک از زکات فطره و صدقات و نذور مطلقه، استحقاق بیشتری دارند؟

ج

- نسبت به زکات فطره، مستحب است خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم بدارد و بعد همسایگان فقیر را و بعد اهل علم را، ولی اگر دیگران با تساوی در فقر و اضطرار از جهتی برتری داشته باشند مستحب است آنها را مقدم بدارد، و نسبت به صدقات و نذور مطلقه فرقی نمیکند، مگر اینکه احتیاج بعضی بیشتر از بعض دیگر باشد، که در این صورت فرد محتاج اولویت دارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۶۰

س ۵۶۸

اشاره

- اگر جهت زکات فطره، گندم یا قیمت آن جدا شد آیا می‌شود آن را عوض کرد بجای آن خرما یا برنج و غیره داد یا نه؟

ج

- تبدیل آن، بعد از جدا کردن جائز نیست.

س ۵۶۹

اشاره

- در یکی از روستاهای میهن اسلامی مان مسجدی فاقد فرش است از طرفی نیازهای جنبی دیگری نیز برای این مسجد پیش می‌آید از قبیل: خرید نفت، بخاری، پول برق، خرید پرده و خرید لامپ، آیا مردم این روستا میتوانند زکات و زکات فطره برای خرید ما یحتاج فوق، برای مسجد بپردازند یا خیر؟

ج

- خرید اشیاء مذکور در صورت حاجت داشتن مسجد به آنها، از زکات مال مانعی ندارد ولی زکات فطره بنا بر احتیاط واجب باید به فقیر داده شود.

س ۵۷۰

اشاره

- با وجود فقیر در محل، آیا فطره را به کمیته امداد امام خمینی می‌توان تحویل داد؟

ج

- با احتیاط واجب مصرف زکات فطره، فقراء شیعه اثنا عشری هستند و دهنده فطره باید قطع به برائت ذمه پیدا کند.

س ۵۷۱

اشاره

- زکات فطره را می‌توان برای حَمَام عمومی خرج کرد؟

ج

- بنظر حقیر احتیاط لازم اینست که به فقراء شیعه اثنا عشری پرداخت شود.

س ۵۷۲

اشاره

- دختری است مسکین نیازمند اما نماز نمی‌خواند، و حجاب درستی ندارد آیا حضرت تعالی مجاز می‌دانید مظالم عباد، صدقات و زکات فطره رمضان به او بدهند یا خیر؟

ج

- بنا بر احتیاط واجب نمی‌توانند وجوه مذکوره را به او بدهند.

س ۵۷۳

اشاره

- کسی که از خصال کفّارات اطعام را برگزیده و یا از بابت کفّاره و فدیة یک مدّ طعام باید بدهد یا فطره عید فطر را می‌دهد، آیا مجزی است که از نانوائیهای کشور، نان خریداری کند و به مستحقین بدهد یا نه؟ (در حالی که بین قیمت و دولتی و آزاد آن تفاوت بسیاری است).

ج

- در فرض سؤال، خریدن نان از نانوائی و به عنوان کفّاره یا فطره دادن مانع ندارد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۶۱

س ۵۷۴

اشاره

- بابت فطره و صدقات مبلغی موجود است آیا اجازه می‌فرمایید مبلغ مذکور در مخارج مسجد منظور شود و صرف گردد؟

ج

- در فرض سؤال فطره و صدقات را نمی‌شود بنابر احتیاط واجب صرف مخارج مسجد کرد، بلی اگر فقیر غیر سید بگیرد و بدهد برای مخارج مسجد اشکالی ندارد.

رد مظالم

س ۵۷۵

اشاره

- رد مظالم چیست و آیا می‌توان آن را به حساب کمیته امداد و یا هلال احمر و یا به خزانه دولت واریز نمود؟

ج

- اداء حقوق مالی را که شناسائی ذی حق ممکن نباشد مظالم می‌گویند که بنابر احتیاط واجب باید با اجازه فقیه جامع الشرائط به

نیازمندان غیر سید داده شود. و الله العالم.

س ۵۷۶

اشاره

- اجازه می‌فرمائید مظالم برای فقرا و مساجد و مدارس مصرف شود با توجه به نیاز مبرم ملت افغانستان؟

ج

- مظالم باید به فقیر غیر سید پرداخت شود. و الله العالم.

س ۵۷۷

اشاره

- آیا جایز است شخصی از بابت رد مظالم مبلغی را در راه‌های خیر و فی سبیل الله مثل پل‌سازی و غیره بدهد؟

ج

- مصرف مظالم، فقراء شیعه غیر سید هستند و صرف آن در امور خیریه مانند پل‌سازی و یا مسجد و نظائر اینها جایز نیست. و الله العالم.

مسائل متفرقه زکات

س ۵۷۸

اشاره

- تقریباً چهل یا پنجاه سال از سنّ شخصی می‌گذرد، در این مدت کم و بیش زکات داده، ولی یقین ندارد، که تمام آنچه را که تعلق گرفته، داده باشد، اکنون می‌خواهند خود را بریء الذمه نمایند، چه اندازه از مالش را اخراج کند؟

ج

- اگر بخواهد علم به برائت ذمه پیدا کند، احتیاطاً حدّ اکثری را که احتمال می‌دهد از بابت زکات بدهکار است ادا نماید ولی مراعات این احتیاط واجب نیست

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۶۲

و بمقداری که یقین به اشتغال ذمه دارد، اگر ادا نموده یا فعلاً ادا نماید کافی است. و الله العالم.

س ۵۷۹

اشاره

- در هندوستان از چیزهای زراعی که زکات شامل آنها است فقط گندم را می‌توان نام برد و اغلب در این گونه جاها برنج و غیره مثل نیشکر می‌کارند. آیا در این گونه چیزهایی، که اغلب قابل استفاده است به جز گندم زکات واجب است یا نه؟ سرمایه‌ای که کارکنان دولتی از دولت بدست می‌آورند و نیز تجار در سرمایه‌شان زکات واجب است یا خیر؟

ج

- اشیائی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد، همان نه چیزی است که در رسائل عملیه ذکر شده و در غیر آنها زکات واجب نیست.

س ۵۸۰

اشاره

- صدقه بر سید حرام است آیا صدقه سید بر سید جایز است یا نه؟

ج

- صدقه سید بر سید حرام نیست و در صدقه مستحب اگر چه دهنده سید نباشد نیز بر سید حرام نیست.

س ۵۸۱

اشاره

- آیا در محصولات کشاورزی جدید مانند برنج، کیوی، پسته و زعفران هم باید زکات بدهند؟

ج

- زکات در اشیاء مذکور در سؤال، واجب نیست.

س ۵۸۲

اشاره

- ما یقین داریم بیشتر کشاورزان، شاید ۹۰٪ آنها گندمهای خود را بسیلوها تحویل میدهند و اهل زکات دادن نیستند و سیلو هم بصورت آرد درآورده، توسط شورای آرد و نان به نانواها تحویل و آنها نیز بعد از پخت به مردم ارائه میدهند، حالا آیا این مردم بدهکار به فقرا هستند یا نه و آیا مطلبی که در احادیث باب ۳۲ استبصار ج ۲ مربوط به خمس است: (لتطیب ولادتهم و لیزکوا

اولادهم) شامل این مردم می‌گردد یا نه؟

ج

- کلّ گندمهای مذکور مختلط نمیشود و علم به اینکه در نانی که بدست میرسد زکات باشد حاصل نمیشود و به هر حال باب زکات غیر از باب خمس است، کسی که در باب خمس بگوید که در ذمه من انتقل عنه خمس باقی می‌ماند و من انتقل الیه اشتغال ذمه پیدا نمیکند در باب زکات نمیگویند.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۶۳

س ۵۸۳

اشاره

- اگر شخصی مؤونه سالش را نتواند فراهم نماید و به عسرت بگذراند، یا قرض دارد و نتواند قرضش را اداء کند و مقداری زکات هم بر او واجب شده، باید زکات را بدهد یا لازم نیست؟

ج

- بلی باید زکات را بدهد. و الله العالم.

س ۵۸۴

اشاره

- زنی که سیده است و دارای چند بچه یتیم غیر سید است و سرپرست اطفال یتیم است، زکات به یتیم‌ها جز از طریق مادرشان میسر نیست آیا می‌تواند زکات واجب را بگیرد و به مصرف یتیم‌ها برساند؟

ج

- با اذن فقیه بی‌اشکال است ضمناً به خود آن علویه که علی الفرض فقیره است، پرداخت سهم سادات بی‌اشکال است.

س ۵۸۵

اشاره

- در روستای ما عده زیادی شغلشان کشاورزی است و بیشتر زمین آنان وقفی است که بعضی‌ها اجاره اوقاف را می‌پردازند و بعضی‌ها هم به عللی نمی‌پردازند و اکثریت اهل این روستا زکات مالشان را نمیدهند. سؤال ما این است.

۱- آیا دادن اجاره بها به اوقاف کفایت از دادن زکات می‌کند یا نه؟

۲- آنهائی که زکات نمیدهند اگر اصلاً زکات را قبول نداشته باشند چه حکمی دارند؟

۳- آنهائی که زکات نمی‌دهند اموالشان مانند غذایشان پاک است یا نجس؟

۴- با فروختن همین گندم و غیره که زکات آن را نداده‌اند بابت شیربهای عقد پول پرداخت میکنند و لباس می‌خرند لباس‌ها و عقدها چه حکمی دارد؟

۵- اگر شما دستور بدهید که زکات بدهند و آنها هم قبول کردند آیا اجازه میدهید زکاتها در همین روستا خرج شود یا نه؟

ج

- زکات یکی از فروع دین و منکر آن با علم به این که دستور اسلام و پیغمبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - است، نجس و کافر است و تصرف در زمین وقفی بدون پرداخت اجاره به متولی شرعی غصب و حرام است و پرداخت اجاره موقوفه زکات محسوب نمی‌شود، مؤمنینی که زکات میدهند مجازند در همان روستای خود در مواردی که شرعاً جائز است زکات مصرف شود، خرج کنند موفق باشید.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۶۵

احکام خمس

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۶۷

خمس

احکام خمس

س ۵۸۶

اشاره

- آیا پرداخت وجوهی تحت عنوان عشریه بجای خمس صحیح بوده و ریشه اسلامی دارد؟

ج

- گرفتن و پرداختن عشریه بجای خمس اصل شرعی ندارد و کفایت از اداء خمس نمی‌کند و عمل به چنین برنامه‌ای حرام و بدعت است.

س ۵۸۷

اشاره

- بفتوای حضرت عالی تعلق خمس به مال التجاره و سرمایه و سائر موارد به نحو اشاعه است یا از قبیل حق یا غیر این دو؟

ج

- بنظر این جانب تعلق خمس به نحو اشاعه است. و الله العالم.

س ۵۸۸

اشاره

- پدری که به علت کهنولت سن اداره املاک و مسیر درآمد را به پسرش واگذار می کند و در اداء واجبات مالی مثل خمس از خود سلب مسئولیت می کند آیا مسئولیت از او سلب می شود؟

ج

- مجرد گفتن پدر که من از خود سلب مسئولیت کردم مادام که فرزندان جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۶۸
خمس را نپرداخته اند باعث سلب مسئولیت نمی شود بلکه واجب است در صورت تعلق خمس آن را اداء کند.

س ۵۸۹

اشاره

- آیا اسکناس متعلق زکات و خمس می شود؟

ج

- خمس به آن تعلق میگیرد ولی زکات ندارد.

س ۵۹۰

اشاره

- مراد از سرمایه چیست؟ و خمس آن باید به قیمت خرید باشد یا به قیمت روز؟

ج

- سرمایه آن کالا- یا پولی است که در دست بازرگان و کاسب قرار دارد و با آن جهت امرار معاش یا تحصیل سود و دادوستد معامله مینماید و عین آن ثابت نیست و تبدیل و تعویض می شود این سرمایه که به آن راس المال هم گفته می شود (اگر از اموالی نباشد که خمس به آنها تعلق نمی گیرد) باعتبار قیمت و مالیتی که دارد خمسش ادا میشود سپس در آخر هر سال کسبی و تجارتي اگر قیمتش زیادتر شده باشد آن زیادتی فایده است و به آن خمس تعلق میگیرد و ۴۵ آن اگر کنار گذارده نشود بر سرمایه اضافه می شود و سال دیگر به مازاد بر کل خمس تعلق می گیرد و همینطور در سنوات بعد و اگر کنار گذارده شود بر سرمایه کسب و

تجارت چیزی افزوده نمیشود و احکام خاص خود را دارد، و اما اشیا‌یی که وسیله کسب و تحصیل درآمدند ولی عیناً مورد دادوستد و معامله قرار نمی‌گیرند مثل ماشین کرایه‌ای یا خانه و دکان اجاره‌ای یا کارخانه یا محل کسب یا تراکتور و امثال اینها و همچنین ابزار و وسایل تجارت و کار به این معنی سرمایه محسوب نمیشود که در آخر هر سال به ترقی قیمت آنها خمس تعلق بگیرد و همین قدر که یک بار خمس آنها ادا شود کفایت می‌کند بلی اگر اتفاقاً آنها را بقیمت بیشتر از قیمت تخمیس شده فروخت زیادتى جزء فایده سال فروش است اگر تا پایان سال صرف مؤونه نشود باید خمس آن ادا شود. و الله العالم

س ۵۹۱

اشاره

- مواد غذایی مثل برنج و روغن و حبوبات و غیر آنها که از سال خمسی اضافه می‌ماند و خمس به آنها تعلق می‌گیرد، به چه قیمتی باید حساب شود به قیمت آزاد یا به قیمت دولتی؟

ج

- در فرض سؤال، اگر عین این اشیاء ربح و فائده بوده مثل محصول مزرعه

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۶۹

شخص باشد به قیمت فعلی باید خمس آنها ادا شود و الا اگر آنها را بدمه خریداری کرده و از فواید قیمت آنها را پرداخت کرده اداء خمس پولی که پرداخت کرده کافی است و اگر از قیمت روز خرید تنزل پیدا کرده تخمیس آن به قیمت فعلی کافی است. و الله العالم.

س ۵۹۲

اشاره

- پرداخت خمس بر طبق قیمت خرید کفایت می‌کند یا باید بر اساس قیمت فعلی باشد؟

ج

- نسبت به سرمایه باید قیمت فعلی ملا-حظه شود و قیمت خرید کافی نیست ولی نسبت به ابزار کسب مثل تراکتور از اشیا‌ئی که نگاهداری آنها برای مبادله و استفاده از ترقی قیمت آنها نیست اگر آنها را به ذمه خریداری کرده و از عوائد نقداً یا باقسط پرداخته همان پولی که پرداخته کافی است.

س ۵۹۳

اشاره

- دولت در قبال تخریب منازل و نخیل در جنگ تحمیلی مبالغی میدهد که حدّ اعلاى خسارت تخریب کلی منازل ۸۵۰ هزار تومان

و خسارت هر نخل تلف شده هزار تومان میباشد در خیلی موارد اصل منزل به قیمت خیلی کمتر خریده شده و نخل در اصل قبل از جنگ به قیمتی خیلی کمتر خریده شده یا کاشته شده و قیمت فعلی آن بیش از قیمتی است که دولت می‌دهد آیا مبلغی را که دولت می‌دهد و از اصل قیمت بیشتر می‌باشد و از قیمت فعلی کمتر است زائد بر قیمت اصلی جزء ارباح است که خمس دارد یا آنکه به قیمت فعلی محاسبه شود که خمس نداشته باشد؟

ج

- زائد بر قیمت اصلی از ارباح است لکن پولی که نسبت به منازل مسکونی داده می‌شود چنانچه قبل از گذشتن سال بر آن بمصرف تهیه منزل یا مؤونه دیگر برسد خمس ندارد و نسبت به نخیل اگر مورد نخلستانی است که سرمایه می‌باشد چنانچه قبلاً خمس نخلستان داده شده بمقدار قیمت اصلی خمس ندارد و زائد بر آن را هم اگر قبل از گذشتن سال بمصرف مؤونه برساند خمس ندارد و الا باید خمس زائد را بدهد.

س ۵۹۴

اشاره

- اگر سر سال خمسی رسید و برنج یا حبوبات زیاد آمد به نرخ جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۰
خریداری شده که آن روز ارزان تر بوده حساب کند یا به نرخ فعلی؟

ج

- اگر آن را به عین عوائد نخریده و بذمه خریده و از عوائد پول آن را داده تخمیس همان پول کافی است.
الله العالم.

س ۵۹۵

اشاره

- آیا از نظر حضرت عالی خمس بین حقوق بگیر یا کاسب فرق دارد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال وجوب خمس با تحقق شرائط آن فرقی بین کاسب و حقوق بگیر نیست. و الله العالم.

س ۵۹۶

اشاره

- کسانی که سال خمس نداشته‌اند و اکنون بخواهند سال قرار دهند سرمایه و املاکی که خریده‌اند به قیمت خرید می‌توانند خمس آنها را بدهند یا به قیمت روز باید خمس آن را بدهند؟

ج

- سرمایه را باید بقیمت روز حساب کنند و نسبت به املاک و اشیایی که برای استریاح خریداری نشده اگر بعین عوائد خریداری نشده تخمیس بقیمت خرید کافی است.

س ۵۹۷

اشاره

- آیا می‌شود نسبت به تک‌تک درآمدها احتساب سال جداگانه باشد یا مجموعه آنها یک تاریخ حساب باید داشته باشند و در این صورت کسی که مثلاً دیروز حقوق معوقه چند ماه خود را دریافت کرده و امروز سال خمسی او فرا رسیده آیا باید اینها را مشمول خمس بدانند؟

ج

- برای شغل‌های متفاوت تعیین سال جداگانه مانعی ندارد و لکن چون نگهداری حساب سود هر معامله مشکل است برای درآمد ماهیانه و شغل واحد یک سال قرار دهید و تمام درآمدهای قبل از سال که صرف مؤونه نشده مشمول خمس می‌گردد.

س ۵۹۸

اشاره

- اگر مقداری از پول بانک خمس و مقداری غیر مخمس باشد آیا می‌توان به نیت غیر مخمس پولش را بگیرد و تا به اندازه پول مخمس برسد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال احتیاطاً آنچه را دریافت می‌کند از مجموع هر دو وجه محسوب دارد و خمس بقیه را به نسبت بپردازد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۱

س ۵۹۹

اشاره

- شخصی باغی خریده به مبلغ یک میلیون تومان برای تفریح خانواده، آیا این باغ جزء مؤونه است یا باید خمس بدهد؟

ج

- صرف جهت تفریح بودن عرفاً مؤونه محسوب نمی‌شود لذا باید خمس آن را بدهد.

س ۶۰۰

اشاره

- کسی که تا کنون اصلاً خمس نداده، برای دادن خمس چگونه باید عمل کند، آیا خمس تمام وسایل و لوازم ضروری (موتورسیکلت- ماشین، یخچال- خانه و غیره) را نیز بدهد؟ و اگر باید بدهد همان قیمت خرید را بدهد یا خمس قیمت فعلی را؟

ج

- اگر محتمل باشد که آنچه را برای مؤونه مورد حاجت از عوائد بین سال خریده اداء خمس آنها واجب نیست و اگر از عوائدی که سال بر آن گذشته خریده باشد در صورتی که به عین آن خریده باشد نه در ذمه و مجتهد آن معامله را اجازه کند خمس آن شیء متعلق به ارباب خمس است. و الله العالم.

س ۶۰۱

اشاره

- اگر شخصی دیه مورث خود را گرفته و سال بر آن گذشته آیا خمس باید بدهد یا نه؟

ج

- دیه خمس ندارد.

س ۶۰۲

اشاره

- شخصی برای خودش قبری بخرد و مدّت چند سال بگذرد، خمس چه سال را باید پرداخت کند؟

ج

- در موردی که خرید قبر صحیح بوده اداء خمس آن بقیمت خریداری شده کافی است. و الله العالم.

سال خمسی و خمس سرمایه

س ۶۰۳

اشاره

- آیا برای تعیین سال جهت خمس، سال شمسی بهتر است و یا قمری؟

ج

- هر یک را می‌توانید تعیین کنید.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۲

س ۶۰۴**اشاره**

- شخصی در آخر سال بابت خمس چند چک می‌دهد که به تدریج در سال آینده وصول گردد، آیا این کار صحیح است؟

ج

- در فرض سؤال، اگر مبلغی را که بعنوان خمس می‌دهد با ولّی خمس دستگردان نماید و از سرمایه کسر کند و ما بقی را سرمایه خود حساب کند و در سال بعد آنچه بر مبلغ ما بقی اضافه شده تخمیس کند مانع ندارد.

س ۶۰۵**اشاره**

- وضع کاری بنده طوری است که نمی‌توانم کلیه اجناس را در اول سال به جهت تکه تکه بودن قیمت گذاری کنم بفرمائید چگونه سرمایه‌ام را تخمیس نمایم؟

ج

- شما می‌توانید در سال خمسی حد اکثری را که ممکن است خمس به شما تعلق گرفته باشد به حدس معلوم کنید و وکالۀ از طرف حقیر دستگردان نمائید بعد که محاسبه دقیق کردید طبق آن محاسبه خمس را پردازید.

س ۶۰۶**اشاره**

- شخصی سر سالش فرارسیده است حساب می‌کند و خمس مالش را می‌دهد مبلغ پولی که در طول همین سال کار کرده الان که موقع حساب است به دستش نیامده دو ماه مثلاً بعد از حساب می‌گیرد از کار کرد سال قبل آیا به حساب کارکرد سال قبلی باید

خمس بدهد یا اینکه سال جدید که به دستش رسید به حساب سالی جدید محسوب نماید که اگر زائد آمد خمس آن بدهد؟

ج

- در فرض سؤال مبلغ مذکور ریح سال قبل محسوب است بعد از وصول باید خمس آن داده شود. و الله العالم.

س ۶۰۷

اشاره

- زنی به منظور کمک به همسر خود در بیستم اسفند ماه که ده روز به سال خمسی همسر مانده حدود بیست هزار تومان مواد خوراکی می‌خرد و بمنزل می‌آورد تا شوهر و فرزندان استفاده کنند، آیا بر این مواد خوراکی خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ و اگر تعلق بگیرد زن باید محاسبه کند یا مرد؟

ج

- اگر بر پول آن خوراکی، نزد خود زن خمس تعلق نگرفته یعنی سال بر آن نگذشته و پیش از گذشتن سال بر آن مصرف می‌شود خمس به آن تعلق نمی‌گیرد.

س ۶۰۸

اشاره

- شخصی دارای سال خمسی می‌باشد در هنگام محاسبه خمس سال مقداری پول دارد که می‌داند چه زمانی آن را بدست آورده است؛ آیا می‌تواند آن جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۳ پول را در محاسبه خمس به حساب نیاورد و بعد از گذشت یک سال از موقع کسب خمس آن را حساب کند؟

ج

- اگر پول مذکور از عوایدی است که تدریجاً بدست می‌آید مانند درآمد کسبه بازار و غیره، باید آن را موقع سال خمسی بحساب بیاورد هر چند بر خصوص آن پول سال نگذشته باشد، ولی اگر از غیر کاسبی و اتفاقاً بدست آمده باشد می‌تواند خمس آن را تا یک سال تأخیر بیندازد. و الله العالم.

س ۶۰۹

اشاره

- سرمایه‌ای که در بین سال بدستم رسیده اول فروردین مثلاً یک میلیون بدستم رسید و سال خمسی این حقیر آخر اسفند ماه می‌باشد آیا میتوانم تا پایان اسفند ماه با این پول تولید در آمد کنم بدون دادن خمس یا اینکه در شروع معاملات باید خمس آن را کنار بگذارم اگر چه تا موعد سال خمسم چند ماهی فرصت هست؟

ج

- در مورد سؤال قبل از رسیدن سال خمسی اداء خمس آن واجب نیست.

س ۶۱۰

اشاره

- آیا عمل کسانی که قبل از رسیدن سال برای فرار از خمس اموال خود را می‌بخشند صحیح است یا خیر؟

ج

- اگر بخشش آنها در حد شأن آنها باشد اشکال ندارد.

س ۶۱۱

اشاره

- اگر کسی پولی را برای خرید جنس ضروری کنار بگذارد و قبل از خرید تاریخ حساب سالش برسد آیا باید خمس این پول را بدهد یا خیر؟

ج

- بلی خمس آن واجب است.

س ۶۱۲

اشاره

- اگر شخصی پولی داشته باشد که بر آن سال گذشته یا نگذشته باشد، و برای اینکه پولش کم ارزش نشود آن را تبدیل به زمین یا جنس دیگری که مورد نیازش نیست می‌کند وضعیت خمس آن چگونه است آیا به قیمت فعلی یا قیمت خرید باید تخمیس شود؟

ج

- در صورتی که برای استفاده از ترقی قیمت آن را خریداری کرده خمس قیمت فعلی را بدهد. و الله العالم.

س ۶۱۳

اشاره

- کارگر و کارمند و حقوق‌بگیری که برای حساب وجوهات سال نگه

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۴

می‌دارد اگر فعلاً صد هزار تومان مخمس شده سر سال داشته باشد در بین سال پنجاه هزار تومان آن را به مصرف برساند سر سال بعد می‌تواند از درآمد سال پنجاه هزار تومان مصرف شده را جبران کند که صد هزار تومان سال قبل تکمیل شود و اگر پولی زیاد آمد خمس آن را بدهد یا اینکه سال بعد میزان پنجاه هزار تومان مخمس شده می‌باشد؟

ج

- در فرض سؤال پنجاه تومان مصرف شده را نمی‌توانند از درآمد سال جبران کنند.

س ۶۱۴

اشاره

- کسانی که معامله می‌کنند اگر سرمایه آنها کلاً خرج شود و سر سال خمسی آنها به اندازه همان سرمایه پول بدست آورده باشند، آیا می‌توانند جای سرمایه بگذارند یا باید خمس آن را بدهند؟ افرادی که معامله نمی‌کنند چگونه؟

ج

- در فرض سؤال، کسانی که معامله نمی‌کنند باید خمس درآمد جدید را بدهند ولی آنها که با سرمایه معامله می‌کنند چنانچه سرمایه خرج شود و قبل از سال خمسی از درآمد جدید سرمایه را جبران نمایند خمس ندارد. و الله العالم.

س ۶۱۵

اشاره

- آیا پولی که یک بار خمس آن پرداخت شده و در بین سال با پول خمس داده نشده مخلوط شده در آخر سال مبلغی موجود است باید خمس پولی که باقیمانده پرداخت شود یا خیر؟

ج

- مبلغ موجود آخر سال باید به نسبت تخمیس شود به این معنی که اگر مقدار پول مخمس بمقدار پول مخلوط شده باشد خمس نصف موجودی را باید داد و نصف دیگر را بابت پول مخمس حساب نمود که خمس ندارد.

س ۶۱۶

اشاره

- اگر قالی در خانه بافته شود و کرک و بود و دیگر لوازم آن را از پول تخمیس شده تهیه نمایند چنانچه بافتنش چند سال وقت بگیرد، آیا به پولی که از فروش قالی بدست می‌آید خمس تعلق می‌گیرد؟ و آیا میتوان از پول فروش قالی مبلغ اولیه تخمیس شده را جدا کرده مجدداً بعنوان پول تخمیس شده کرک و غیره خریداری کرد؟

ج

- در مورد سؤال بمقداری که برای خرید کرک و بود و غیره که از پول مخمس پرداخت شده خمس تعلق نمی‌گیرد و زائد بر آن مقدار اگر در سالی که جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۵ بحسب متعارف فرش بفروش می‌رسد صرف مؤونه بشود آن نیز خمس ندارد ولی اگر سال فروش فرش آن زائد و یا هر مقداری از آن صرف مؤونه نشود و سال بر آن بگذرد خمس دارد. و الله العالم.

س ۶۱۷

اشاره

- شش سال پیش مبلغی را در بانک به حساب خود واریز کرده‌ام و تا حالا به آن پول کاری نداشته‌ام و هنوز همان پول در بانک است می‌خواستم ببینم چگونه باید خمس آن را حساب کنم؟ اگر به فرض چند بار از آن پول استفاده می‌کردم آن وقت حکم چگونه بود؟

ج

- اگر مبلغ مذکور از درآمد سال بوده بهر مقدار آن که سال گذشته خمس دارد.

س ۶۱۸

اشاره

- دولت در هر ماه از هر کارمند حدود هشتاد تومان بعنوان بیمه عمر می‌گیرد و پس از فوت این کارمند مبلغ دویست هزار تومان یا بیشتر نقداً و یکجا، به وارث متوفی می‌دهد آیا وارث باید این مبلغ را تخمیس کند؟

ج

- ظاهر این است که اگر در بین سال صرف مؤونه شود تخمیس آن لازم نیست.

س ۶۱۹

اشاره

- اگر این جانب مبلغ ۴۰ هزار تومان پول داشته باشم و ۴۰ هزار تومان هم چک جهت هزینه تحصیلی داشته باشم آیا باز هم در سر سال شرعی خمس تعلق می‌گیرد؟

ج

- اگر مبلغ چهل هزار تومانی که دارید سال بر آن نگذشته و قبل از رسیدن سال خمسی مصرف هزینه تحصیل و یا مؤونه دیگر بشود خمس ندارد ولی اگر قبل از اینکه مصرف هزینه تحصیل و سائر مخارج بشود سال بر آن بگذرد خمس دارد.

س ۶۲۰

اشاره

- اگر سال شرعی پرداخت خمس به عللی بگذرد و در وقت دیگری حساب شود آیا اشکال دارد؟

ج

- باید اداء خمس از سر سال خمسی تأخیر نیفتد و در صورت تأخیر ارباب حاصل بعد از سر سال خمسی در محاسبه سال بعد ملاحظه میشود.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۶

خمس مالی که انسان به کسی قرض داده

س ۶۲۱

اشاره

- مطالباتی که بعد از گذشت سال مالی وصول می‌گردد را اجازه می‌فرمائید در سال آینده حساب شود؟

ج

- در فرض سؤال موقع حساب سال آن را به حساب بیاورد و هر وقت وصول شد بپردازد. و الله العالم.

س ۶۲۲

اشاره

- کارمند دولت هستم و مقداری پول از بابت حقوق و مزایا بر عهده دولت است باید پردازد و به علی از جمله عدم توانایی یا مشکلات اداری پرداخت نمی‌شود بعد از گذشت دو سال پرداخت می‌شود مبلغ مزبور جزو در آمد سال محسوب می‌گردد یا بر اساس اینکه مربوط به دین گذشته است و سال بر او گذشته خمس دارد؟

ج

- در فرض سؤال بعید نیست مبلغ مذکور جزء در آمد سال وصول محسوب گردد. و الله العالم.

خمس طلا

س ۶۲۳

اشاره

- طلائی که بانوان جهت زینت خریداری می‌کنند آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج

- طلا جهت زینت در حد شأن خمس ندارد.

س ۶۲۴

اشاره

- طلائی که مرد برای زن خود می‌خرد، آیا باید خممش را بدهد؟

ج

- اگر زائد بر شأنش نباشد خمس ندارد. و الله العالم.

س ۶۲۵

اشاره

- اگر زنی طلای زینتی خود را که بدان نیز احتیاج دارد برای رفع نیازمندها و مؤونه زندگی بفروشد و در سال مصرف کند: اولاً آیا متعلق خمس است یا نه؟ ثانیاً چنانچه پولش تا پایان سال به مصرف نرسید و ماند برای سال دیگر آیا خمس دارد یا خیر؟ ثالثاً و در هر صورت اگر سالهای بعد چون نیاز به زینت دارد اگر مرد بخواهد دو مرتبه از درآمد کار، طلائی برای عیال خود بخرد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۷

باید خمس آن را بدهد یا نه؟

ج

- در فرض سؤال: زینت آلات فروخته شده چنانچه در سال فروش صرف مؤونه بشود خمس ندارد. و اگر در سال فروش صرف مؤونه نشود زائد بر قیمت خرید خمس دارد. و زینت آلاتی که دوباره شخص برای عیال خود میخرد اگر زائد بر شأنش نباشد خمس ندارد. و الله العالم.

س ۶۲۶

اشاره

- طلائی که زینت زن است اگر یک سال یا دو سال از آن برای زینت استفاده نکند آیا خمس و زکات بآن تعلق میگیرد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال طلائی مذکور زکات ندارد و نسبت به خمس، چنانچه عدم استفاده بجهت این باشد که از محلّ احتیاج خارج شده تا آن را نفروخته خمس واجب نیست و هر وقت فروخته شد ترقی قیمت آن از قیمت خرید از عوائد سال فروش است که اگر بمصرف مؤونه رسید خمس ندارد و الا خمس مقدار زائد بر قیمت خرید واجب است. و الله العالم.

س ۶۲۷

اشاره

- شخصی که شغلش طلافروشی است، سرمایه وی بصورت طلائی شمش یا سکه مسکوک یا طلاهای زینتی از قبیل گوشواره، انگشتری، سینه‌ریز و غیره می‌باشد اگر مقداری از سکه‌ها همچنان بماند و سال بر او بگذرد، نسبت به پرداخت خمس و زکات تکلیف او چیست؟

ج

- باید خمس مجموع در آمد خود را پس از کسر مؤونه سال بپردازد. و الله العالم.

س ۶۲۸

اشاره

- آیا به سکه طلا (بهار آزادی) که در خانه دارم غیر از طلائی زن و فرزند خود، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج

- حکم سائر ارباح را دارد و خمس دارد.

خمس هدیه

س ۶۲۹

اشاره

- آیا به هبات خمس تعلق می‌گیرد؟

ج

- بنظر این جانب هبه با سائر درآمدها فرقی ندارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۸

س ۶۳۰

اشاره

- منظور از بخشش کم که مورد تعلق خمس نیست چه مقدار است؟ آیا نسبت به افراد متفاوت است یا خیر؟

ج

- بخشش کم و زیاد اگر تا پایان سال صرف مؤونه نشود حکمش واحد است. و الله العالم.

س ۶۳۱

اشاره

- آیا به هدیه یا جایزه‌ای که به افراد داده می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- اگر تا پایان سال صرف مؤونه نشود خمس دارد. و الله العالم.

س ۶۳۲

اشاره

- دو نفر با یکدیگر قرار می‌گذارند، که برای فرار از خمس درآمدهای خود را به یکدیگر ببخشند حکم مسأله بیان فرمائید.

ج

اگر قصد جدی در بخشش داشته باشند و این بخشش و هبه بطور متعارف در شأن آنها باشد اشکالی ندارد. و الله العالم.

س ۶۳۳

اشاره

اگر پدر یا مادری بمناسبت‌های مختلف به فرزند بالغ خود مبلغی مثلاً دو هزار تومان ببخشد، که در پایان سال به پانزده هزار تومان برسد، آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

به آن خمس تعلق می‌گیرد. و الله العالم.

س ۶۳۴

اشاره

دانش‌آموزی که پدرش فوت نموده ماهیانه‌ای که از مادرش می‌گرفته جمع‌آوری نموده و بمبلغ هفتصد تومان رسیده آن را به برادرش قرض داده و یک سال هم بر آن گذشته و قرار است پس از مدتی آن پول را دوباره به خودش برگردانند مورد تعلق خمس قرار می‌گیرد یا نه؟

ج

اگر هدیه بوده خمس دارد. و الله العالم.

س ۶۳۵

اشاره

در عروسی هدیه‌هایی که فامیل به این جانب داده‌اند آیا مشمول خمس می‌گردند یا نه؟

ج

اگر مؤونه محسوب نشود و سال بر آن بگذرد خمس دارد. و الله العالم.

س ۶۳۶

اشاره

- شخصی یک دستگاه ماشین خاور بفرزندش می‌بخشد تکلیف خمس او را بیان فرمائید.

ج

- در مورد سؤال، اگر ماشین را از درآمد بین سال خرید و در همان سال

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۷۹

بفرزندش بخشیده پرداخت خمس آن بر عهده پدر نیست و بفرزند نیز در صورتی که عین یا قیمت آن ماشین را در همان سال ببخشد و در مصرف مؤونه و احتیاجات شخصی قرار دهد خمس تعلق نمی‌گیرد بلی اگر تا پایان سال آن ماشین مورد حاجت شخصی فرزند نشد یا آن را سرمایه کسب قرار داد خمس عین یا قیمت آن را باید بدهد و چنانچه شخص مرقوم ماشین را بدمه خریده و از عوائد غیر مخمس سالهای قبل وجه آن را پرداخته باشد خمس آن وجه بر ذمه او باقی است و باید بپردازد.

س ۶۳۷

اشاره

- آیا عیدی و پاداشی که دولت به کارمندان می‌دهد و به صورت پول نقد و یا سکه طلا می‌باشد خمس دارد یا نه؟

ج

- عیدی و پاداش حکم حقوق ماهیانه را دارد اگر در عرض سال صرف مؤونه شود خمس ندارد. و الله العالم.

س ۶۳۸

اشاره

- شخصی برای خود سال شرعی دارد اگر فرد دیگری در وسط سال مبلغی بعنوان کمک مالی بصورت هدیه، به او ببخشد در صورت فرارسیدن سال شرعی مبلغ مذکور ما زاد بر مؤونه باشد، آیا مانند درآمدهای دیگر مشمول خمس می‌شود یا خیر؟

ج

- مشمول خمس است.

س ۶۳۹

اشاره

- یک باب مغازه سالها پیش از شوهر به زن مؤمنه خودش هبه شده است و حال این زن مؤمنه مغازه را فروخته است و بنا دارد منزلی بخرد، این خانم حساب سال دارد و مغازه‌ای را که فروخته، قرار است پولش را پس از حساب سال تحویلش دهند، در چنین

وضعیتی آیا خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال که زوجه در رأس سال اول هبه مغازه، خمس آن را نداده و تا حال هم ادا نکرده باید خمس قیمت فعلی مغازه را پرداخت نماید خواه پول آن را پس از حساب سال یا در بین سال دریافت نماید ارتباطی به سال خمسی آن پیدا نمی‌کند.

س ۶۴۰

اشاره

- خانمها معمولاً بر اساس احتیاج به لباس، مقداری پارچه می‌خرند که در موقع فراغت لباس تهیه کنند و به علت اشتغالات جنبی موفق به دوختن لباس نمی‌شوند و سال بر آن پارچه‌ها می‌گذرد آیا آن پارچه‌ها خمس دارد یا

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۰

خیر و چه کسی باید خمس را بدهد و قیمت فعلی باید محاسبه شود یا قیمت خرید؟

ج

- در فرض سؤال مالک آن اجناس باید خمس آنها را طبق دستوری که در مسائل قبلی بیان شد بقیمت خریداری شده بدهد. و الله العالم.

س ۶۴۱

اشاره

- آیا پارچه‌ای را که شوهر جهت تهیه لباس برای همسرش خریداری میکند و سال بر آن می‌گذرد خمس تعلق می‌گیرد یا خیر و چه کسی باید خمس بدهد؟

ج

- در مورد سؤال خمس دارد و خمس آن را باید مالک پارچه بدهد. و الله لعالم.

س ۶۴۲

اشاره

- آیا به پولی را که زن کارمند به شوهرش می‌بخشد خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- مانند سایر عوائد است که در آخر سال خمسی صرف مؤونه‌اش نشده باشد خمس دارد.

خمس سرقفلی و مغازه

س ۶۴۳

اشاره

- شخصی بین سال خمسی سرقفلی مغازه‌ای را خریده بعد از مدتی سرقفلی افزایش یافته آیا فعلاً که می‌خواهد خمس آن را بدهد قیمت خرید را حساب کند یا قیمت فعلی را که افزایش یافته است؟

ج

- اگر سرقفلی حق مشروعی برای او شده باشد خمس قیمت خرید را بدهد و هر وقت آن را بقیمت بیشتر فروخت زائد بر قیمت خریداری شده جزو فوائد سال فروش است که اگر در مؤونه صرف نشد باید خمس آن ادا شود.

س ۶۴۴

اشاره

- کسی که خمس می‌دهد بین سال خمسی سرقفلی مغازه‌ای را می‌دهد که در آن کسب کند چند سال گذشته فعلاً می‌خواهد خمس آن را بدهد قیمت خرید را باید بدهد؟

ج

- در صورتی که بعین پولی که خمس به آن تعلق گرفته یا از عوائد سال بوده

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۱

نخریده باشد و بدمه خریده باشد و بعد از فائده و درآمد آن را ادا کرده باشد اداء خمس قیمت خرید کافی است.

س ۶۴۵

اشاره

- مغازه‌ای را به عنوان سرقفلی خریداری نموده‌ام آیا خرید مغازه هم جزء سرمایه محسوب می‌شود و خمس دارد؟

ج

- بلی مبلغی را که داده‌اید باید تخمیس نمایید. به این صورت که مثلاً اگر جنابعالی صد هزار تومان پول نقد برای معامله و سرمایه

در نظر گرفته باشید و پنجاه هزار تومان سرقفلی مغازه را خریده باشید سی هزار تومان خمس به آن تعلق میگیرد که اگر از سرمایه آن را بپردازید اصل سرمایه هفتاد هزار تومان میشود. و الله العالم.

س ۶۴۶

اشاره

- اگر مغازه را به صورت قسطی بخریم آن هم خمس دارد؟

ج

- در هر سال هر مقدار از اقساط را که می‌دهید خمس آن را باید بدهید. و الله العالم.

س ۶۴۷

اشاره

- شخصی یک میلیون سرقفلی و یک میلیون جنس در مغازه بعنوان سرمایه دارد درآمد باندازه مخارج و مؤونه زندگی است آیا خمس دارد یا نه؟

ج

- خمس دارد.

س ۶۴۸

اشاره

- اگر مغازه‌ای را که چند سال در اجاره داشته با اذن مالک به دیگری واگذار کند و مبلغی را سرقفلی به او بدهند فوراً باید خمس او را بدهد یا تا سر سال خمسی میتواند تأخیر بیندازد چنانچه از خرجش زیاد آمد بدهد؟

ج

- در فرض سؤال میتواند تا سر سال تأخیر بیندازد تا در صورت عدم صرف در مؤونه خمس آن را بدهد.

س ۶۴۹

اشاره

- شخصی سرقفلی را که متداول است برای یک مغازه میدهند از پولی که خمس آن را داده است و فعلاً آن سرقفلی ترقی

کرده البته تا مادامی که به کسی واگذار نکرده میفرمائید خمس زیادی سوقیه را لازم نیست بدهد حال این شخص فوت کرده ورثه آن مغازه را با سرقفلی که چندین برابر اصل شده به دیگری فروخته و واگذار نموده‌اند آیا بر این ورثه لازم است خمس آن را که در زمان حیات مورث ترقی کرده است بدهند یا نه؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه ترقی سوقی مربوط به قبل از فوت مورث بوده بعد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۲

از فوت او به ورثه خمس آن واجب نیست و اگر ترقی آن تماماً و یا مقداری از ترقی مربوط به بعد از فوت مورث بوده مقدار ترقی بعد از فوت، ربح سال فروش محسوب است که در صورت صرف در مؤونه قبل از سال خمس ندارد و اگر صرف در مؤونه نشود و سال خمس برسد خمس دارد.

س ۶۵۰

اشاره

- اگر خمس ابزار کسب خود مثل ویتترین و میز و برق و تلفن و غیره را داده باشد در سالهای بعد اگر قیمت ترقی نماید آیا باید خمس بدهد؟

ج

- ترقی اشیاء مذکوره تا فروخته نشود خمس ندارد.

س ۶۵۱

اشاره

- کاسب، تاجر و مغازه‌داری که دائماً سرمایه و درآمدش در حال تغییر است و حساب دقیق داشتن از دخل و خرج مغازه برایش میسر نیست تکلیف او در پرداخت وجوهات چیست؟ آیا می‌تواند بطور تقریبی و حدسی سالیانه مبلغی را پردازد یا خیر؟

ج

- در حال تغییر بودن درآمد، منافات با رسیدگی حساب درآمد ندارد و اگر بعض جزئیات را بطور دقیق متعذر است رسیدگی کند، حدس و تخمین کافی است. و الله العالم.

س ۶۵۲

اشاره

- در محل کسب ملک شخصی یا اجاره ای، مخارجی می‌کند که بعضی مربوط به کسب می‌شود و بعضی مربوط به کاسب مانند تلفن و آب و برق و تهویه هوا و بعض مخارج اثری در کسب ندارد مانند بنائی و کارگری یا تعمیرات، مثل سنگفرش و ... اگر همه اینها خمس دارد چگونه قیمت گذاری کند، درحالی که بعضی نایاب شده و چندین برابر قیمت پیدا کرده مثل تلفن و وسایل تهویه. نظر مبارک را اعلام فرمائید.

ج

- در فرض سؤال خمس قیمت خرید و سائلی که در بین سال خمس جهت محل تهیه شده و عین آنها موجود است مانند تلفن و وسائل تهویه و آب و برق را باید ادا نماید ولی ترقی قیمت سوقی آنها تا نفروخته‌اند خمس ندارد و مخارج دیگر که برای تعمیر مغازه مصرف شده اگر موجب افزایش قیمت مغازه نشود خمس ندارد و در مغازه اجاره‌ای در صورت افزایش قیمت نیز خمس ندارد. و الله العالم.

س ۶۵۳

اشاره

- شخصی با پول تخمیس نشده مغازه‌ای خریده و کاسبی می‌کند آیا جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۳ می‌تواند خمس پولی را که مغازه خریده و تخمیس نشده از طریق کاسبی در این مغازه بردارد؟

ج

- اگر با پولی که سال بر آن گذشته و خمس به آن تعلق گرفته مغازه بخرد و معامله عین بعین باشد باید خمس ارزش فعلی مغازه را بدهد و اگر معامله بنحو کلی در ذمه بوده خمس قیمت خرید کافی است و چنانچه با حاکم شرع دستگردان و بدهی خود را معلوم کرده باشد پرداخت خمس از درآمد مخمس مغازه اشکال ندارد.

خمس ابزار کار و ماشین آلات

س ۶۵۴

اشاره

- شخصی دو دستگاه ماشین دارد و هر دو مورد نیاز است اما از یکی برای رفت و آمد جهت کشاورزی استفاده میکند آیا خمس به آن تعلق میگیرد یا خیر؟

ج

- ماشینی که برای استفاده شخصی خانوادگی، واقعاً مورد لزوم باشد و در بین سال و از عوائد همان سال تهیه شده باشد خمس

ندارد و ماشینی که در امور کشاورزی و لو برای آمد و رفت و رسیدگی به آن لازم باشد خمس دارد.

س ۶۵۵

اشاره

ج - اگر با ماشین سواری به طور اتفاقی مسافر سوار کند و کرایه بگیرد آیا این ماشین متعلق خمس هست یا نه؟

ج

ج - اگر ماشین مؤونه باشد یعنی برای استفاده سواری شخصی تهیه شده و به آن نیاز دارد خمس ندارد هرچند اتفاقاً در موردی کرایه بگیرد ولی اگر ماشین را بعنوان سرمایه کار و مسافرکشی تهیه نموده خمس دارد.

س ۶۵۶

اشاره

ج - راننده‌ای که تا به حال حساب سال نداشته و ماشینی دارد، که روی آن کار می‌کند و معیشتش از این راه اداره می‌شود، حالا که می‌خواهند خمسش را پردازد، آیا باید قیمت فعلیش را حساب کند یا قیمتی که موقع خرید پرداخته؟

ج

ج - اگر ماشین را بدمه خرید قیمت خرید را حساب کند. و الله العالم.

س ۶۵۷

اشاره

ج - کسی که از پول خمس داده شده، ماشینی می‌خرد تا از در آمد آن استفاده نماید و بعد از مدتی می‌فروشد و از آن سود می‌برد، آیا به سودش

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۴

خمس تعلق می‌گیرد؟

ج

ج - در فرض سؤال سود حاصله ربح سال فروش محسوب است چنانچه در سال فروش ماشین صرف مؤونه شود خمس ندارد و الا باید خمس سود را که سال بر آن می‌گذرد بدهد. و الله العالم.

س ۶۵۸

اشاره

- شخصی جنسی را مثل تراکتور و ماشین و زمین خریده به یکصد هزار تومان و ترقی قیمت پیدا کرده است آیا هنگام تعیین سال خمسی باید ترقی قیمت را هم حساب کند و یا اصل پولی را که داده حساب کند و ترقی قیمت را هنگام فروش حساب کند؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه اشیاء مذکوره را با پول مخمس خریداری نموده تا موقعی که آنها را نفروخته ترقی سوقی آنها خمس ندارد و اگر بعین در آمد سال خرید، آنها را خریده باید به قیمت فعلی خمس آنها را بدهد و اگر بدمه خریده قیمت آنها را داده باشد اداء خمس خریداری شده کافی است بلی در صورت فروش آنها ترقی قیمت ربح سال فروش محسوب است. و الله العالم.

س ۶۵۹**اشاره**

- این جانب از پول مخمس یک فروند موتور لنج خریداری نموده و با آن کار کردم و پس از مدتی کسب درآمد با آن اقدام به فروش آن کردم از این معامله سودی نصیب گردید آیا به این درآمدها خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج

- در مورد سؤال هر مبلغ که از فروش موتور لنج فائده برده‌اید ربح سال فروش محسوب است هر مقدار از آن ربح قبل از رسیدن سر سال خمسی صرف مؤونه زندگی بشود خمس ندارد و هر مقدار باقی بماند خمس دارد و درآمدی که از کار با موتور داشته‌اید اگر در بین سال صرف مؤونه نشده باشد نیز خمس دارد.

س ۶۶۰**اشاره**

- شخصی منزل اضافی داشته و فروخته جهت فرزند پیکان سواری خریده که با آن امرار معاش نماید آیا این ماشین خمس دارد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه خمس منزل اضافی را اگر از عوائد تهیه کرده داده باشد و در سال فروش آن به فرزند بخشیده باشد خود فرزند پس از گذشتن سال بر آن باید خمس آن را بدهد، و اگر به فرزند نبخشیده در این صورت که خمس آن را داده باید خمس اضافه قیمت خانه را خودش بعد از یک سال از زمان فروش بپردازد و اگر

خمس منزل در فرض مذکور داده نشده و در مالکیت پدر سال بر آن گذشته خمس قیمتی که دریافت شده باید بعنوان خمس کل پرداخت شود و خمس چهار خمس دیگر اگر بفرزند بخشیده شده بدمه فرزند است باید ادا نماید و اگر نبخشیده همان خمس کل کافی است.

س ۶۶۱

اشاره

- اگر شخصی از مجتهدی تقلید می‌کرده که می‌گفته تراکتور یا نیسان اگر برای استفاده خود کشاورز است که وسایل و بذرها سرزمین ببرد و وسائل و محصولات را بمنزل بیاورد خمس ندارد ولی الآن از مجتهدی تقلید می‌کند که می‌گوید خمس دارد وظیفه او چیست؟

ج

- چنانچه بفتوای مرجع تقلید میت باقی مانده باشد پرداخت خمس فعلاً لازم نیست.

خمس زراعت و زمین زراعی

س ۶۶۲

اشاره

- اگر شخصی با پول محمّس زمینی را برای کشاورزی خرید، و قیمت سوقیه آن بالا رفت، ولی بعداً زمین تبدیل به زمین بایر و ساختمانی شد و آن را فروخت، آیا اضافه قیمت آن در وقتی که می‌فروشد خمس دارد؟

ج

- در فرض مذکور چنانچه زمین کشاورزی محمّس از معرض استفاده جهت کشاورزی خارج شده و بایر مانده و برای ساختمان قابل استفاده بوده و بفروش رفته است ترقی قیمت آن از روز خرید جزء فوائد سال است و در صورتی که بین سال به مصرف مؤونه برسد خمس ندارد.

س ۶۶۳

اشاره

- شخصی با مبلغی پس از تخمیس بخریدن قطعه‌ای زمین و چاه آب برای زرع بخاطر گذران معیشت خود و عائله خود اقدام نمود پس از چند سال آن مزرعه را فروخت البته بمبالغی بیش از قیمت خرید اولیه سؤال این است آیا وجه بدست آمده از فروش خمس مجدّدی به آن تعلق می‌گیرد؟

ج

- در فرض سؤال ترقی قیمت بعد از فروش اگر در بین سال فروش صرف مؤونه شود خمس ندارد و اگر تا آخر سال صرف نشود و باقی بماند باید خمس باقیمانده را بدهد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۶

س ۶۶۴

اشاره

- اگر با قناعت و امساک و آینده‌نگری به مرور چندین سال از درآمد حاصله چندین قطعه زمین خریدم الآن جهت حساب خمس آیا لازم است آنها را حساب کنم و آیا به قیمت خرید و یا به قیمت روز؟

ج

- در فرض سؤال، به قیمت خرید کافی است. و الله العالم.

س ۶۶۵

اشاره

- آیا زمین کشاورزی خمس دارد یا خیر؟

ج

- حکم سرمایه را دارد اگر از درآمد سال تهیه شده خمس مبلغ خرید را پردازید. و الله العالم.

س ۶۶۶

اشاره

- شخصی که سال خمسی ندارد فقط در فصل برداشت محصولات کشاورزی هر چه از قبیل گندم، برنج، ارزن و غیره اضافه داشته آن را پرداخت می‌کرده حالا می‌خواهد سال خمسی قرار بدهد و مقداری برنج اضافه دارد آیا با توجه به اینکه وقت برداشت محصولات نرسیده می‌تواند آن برنج‌ها را حساب نکند و یا باید کل موجودی و دارایی را محاسبه کند؟

ج

- اگر سال بر برنج‌های موجود نگذشته می‌تواند به مقدار خوراک خود و عائله‌اش تا بدست آمدن محصول کسر کند و خمس بقیه را بدهد. و الله العالم.

س ۶۶۷

اشاره

- این جانب ساکن توابع شهرستان تویسرکان در دوران مالکیت کشاورز بودم، بعد از دوران مالکیت، دولت ملک را بصورت قسطی به ما فروخته است و ما هم قسطهای آنها را پرداخت نموده‌ایم، اکنون نیز همان زمینها را کشت میکنیم و امرار معاش می‌کنیم (خمس کلیه محصولات نیز هر سال در صورت زیاد آمدن مؤونه داده شده است) حال آیا خود این زمینها خمس دارند یا خیر؟

ج

- اگر زمینها را از مالک شرعی آن خریده باشید ملک شماست و اگر از مالک شرعی نخریده باشید به ملک مالک شرعی آن باقی است و در هر صورت همان خمس مبلغی را که در برابر آن زمینها پرداخته‌اید بپردازید در جهت خمس کافی است. و الله العالم.

س ۶۶۸

اشاره

- کشاورزانی هستیم که با وامی که از دولت به ما داده می‌شود، چاه عمیق حفر نموده و با اقساط، سال به سال وام آن را می‌پردازیم و سال خمس نیز داریم، آیا این چاه و موتور آب آن جزو سرمایه زراعت است که در بین هر سال جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۷ که از اقساط وام را می‌دهیم سر سال باید آن را حساب نموده و خمس آن را بدهیم؟ یا پس از تمام شدن اقساط، مجموع آن را حساب نموده خمس آن را بدهیم یا این که اصلاً به آن خمس تعلق نمی‌گیرد؟

ج

- سر هر سال خمس مبلغ قسط را بپردازید. و الله العالم.

س ۶۶۹

اشاره

- زمینهایی را خریده برای کشاورزی، آیا اصل زمین و ترقی قیمت آن خمس دارد یا نه؟

ج

- در صورتی که اصل زمین با عین عوائدی که خمس آن داده نشده خریده شده خمس قیمتی فعلی زمین را بدهید و در صورتی که بدمه خریده‌اید اداء خمس قیمت خرید کافی است و ترقی قیمت تا وقتی که زمین فروخته نشده خمس ندارد. و الله العالم.

س ۶۷۰

اشاره

- فردی است زمین مواتی را برای کشاورزی و امرار معاش خود آباد می‌کند و این زمین بخاطر آباد شدن بدون اینکه پولی خرج کند دارای ارزش می‌شود، خمس این زمین واجب است یا نه؟

ج

- بلی باید خمس آن را بدهد. و الله العالم.

س ۶۷۱

اشاره

- در وسط سال موتور آب خراب می‌شود خرج می‌کند آیا باید آخر سال خمس آن را بدهد؟ و آیا آنچه برای وسائل کشاورزی می‌خرد خمس دارد؟

ج

- اگر خرج تعمیر و تعویض موتور آب یا وسائل کشاورزی اسقاط شده می‌کند خمس ندارد و چنانچه وسیله اضافه‌ای بخرد مثل خرمن کوب برای تراکتور باید خمس مبلغ خرید را بدهد.

خمس باغداری

س ۶۷۲

اشاره

- اگر باغ یا زمین زراعی را به قیمت یک میلیون تومان خریده باشد و اینک پنج میلیون تومان می‌ارزد هنگام تخمیس آیا باید خمس قیمت زمان خرید داده شود یا خمس قیمت فعلی آن؟

ج

- اگر با عین پولی که از فایده بدستش آمده زمین زراعی را خریده خمس

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۸

قیمت فعلی آن را بدهد و اگر زمین را به ذمه خریده و قیمت آن را از پولی که خمس آن داده نشده ادا کرده باشد اداء خمس قیمت خرید کافی است. و الله لعالم.

س ۶۷۳

اشاره

- اگر باغی به ارث به کسی برسد و او در آن باغ درختهایی را غرس بنماید. آیا این درختان به محض غرس باید تخمیس شوند یا پس از مثمر شدن؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه به درختان غرس شده جهت استفاده از میوه آنها بر حسب متعارف خود و عائله‌اش حاجت داشته باشد خمس ندارد ولی اگر به منظور فروش میوه آنها غرس شده باید نهال آنها سال اول تخمیس و بعد از تخمیس در سال اول، می‌توانند جهت تخمیس نمو متصل آنها تا سال مثمر شدن صبر کنند.
و الله العالم.

س ۶۷۴

اشاره

- شخصی برای اصلاح باغی که می‌خواهد با آن امرار معاش می‌کند، مخارجی از قبیل بیل زدن، مزد چیدن میوه، مزد آبیاری پرداخت نموده است مخارج مذکور مورد تعلق خمس می‌شود یا نه؟

ج

- خمس به آن تعلق نمی‌گیرد. و الله العالم.

س ۶۷۵

اشاره

- کاری که مجانی یا توسط خود انسان در زمین و باغ انجام می‌شود و بر ارزش آن افزوده می‌شود خمس دارد یا خیر؟

ج

- تا وقتی که به فروش نرفته ترقی قیمت بازاری خمس ندارد. و الله العالم.

س ۶۷۶

اشاره

- باغی را احداث کرده هم برای کسب و امرار معاش و هم استفاده شخصی از میوه‌های آن، آیا اصل درختهای میوه خمس دارد یا نه و آیا جزء رأس المال است یا نه؟

ج

- هر مقدار برای استفاده شخصی از میوه‌جات آن مورد نیاز باشد خمس ندارد و مابقی خمس دارد. و الله العالم.

خمس چوب

س ۶۷۷

اشاره

- در دهات مردم برای پوشاندن سقف دیوار از چوب درخت چنار و درخت بید استفاده می‌نمایند آیا این چوب‌ها خمس دارد یا توجه به اینکه درب جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۸۹ و پنجره دیوار را نیز از چوب درست می‌کند؟

ج

- موارد مختلف است، چنانچه درختهای مذکوره جهت استفاده شخصی غرس شده نه برای فروش، در صورتی که نهال آنها متعلق خمس نبوده یا اگر بوده خمس آن را داده باشند و در سال قطع آنها در بنای مورد حاجت جهت سکونت از آنها استفاده شود خمس ندارد و الا پرداخت خمس آنها لازم است. و الله العالم.

س ۶۷۸

اشاره

- اگر درخت بید و چنار و مانند اینها را بدون اینکه خمس آنها را بدهد بفروشد خمس را چه کسی باید بدهد، فروشنده یا خریدار؟

ج

- بر فروشنده و هم بر خریدار اگر مطلع باشد اداء خمس آن واجب است. و الله العالم.

س ۶۷۹

اشاره

- آیا به چوب هم خمس تعلق می‌گیرد اگر می‌گیرد اکنون که هیچ کس احتیاج چندانی به آن ندارد چه باید کرد؟

جامع الاحکام؛ ج ۱؛ ص ۱۸۹

ج

- در خمسی که به عین چوب تعلق گرفته دهنده خمس مختار است که یا عین یا قیمت آن را بپردازد ولی الزام او بر پرداخت قیمت جایز نیست بنابراین اگر مالک نمی‌خواهد قیمت چوب را بدهد همین قدر که خمس چوب را افزا کند و در اختیار مجتهد جامع شرائط قرار دهد به وظیفه خود عمل نموده خواه مجتهد یا سادات آن را تصرف نمایند یا نمایند.

س ۶۸۰

اشاره

- شخصی چند عدد درخت بدون ثمره (مثل بید و صنوبر) دارد که از آن استفاده نمی‌برد مگر زمانی از چوب آن برای سوخت و غیره، آیا معاف از خمس آن میشود یا خیر؟

ج

- اگر خمس نهال آنها را داده هر وقت موقع قطع آنها شد اگر در همان سال قطع گردد و به مصرف مؤونه زندگی رسیده باشد خمس ندارد و اگر باقی ماند باید خمس آنها را با کسر نمودن مبلغی که بابت خمس نهال قبلاً داده بپردازد و اگر در ابتداء خمس نهالها را نداده باید خمس تمام آنها را بدهد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۰

خمس دامداری

س ۶۸۱

اشاره

- شخصی برای امرار معاش بزغاله‌هایی را می‌خرد و به آنها علف و جو میدهد تا رشد کنند، رشد اضافی خمس دارد یا نه؟

ج

- اگر برای استفاده شخصی از شیر و لبنیات مورد نیاز باشد خمس ندارد و اگر برای فروش و استفاده از پول آنها باشد خمس دارند. و الله العالم.

س ۶۸۲

اشاره

- در روستاهای افغانستان اکثر مردم ده رأس گوسفند و پنج رأس گاو نگه میدارند برای خوراک دامهایشان سه ماه تابستان علف بیابانی و غیره جمع مینمایند شش هفت ماه در جا نگهداری نموده و از شیر و پشم و فروش آنها امرار معاش می‌نمایند حال با توجه به مشقت آن سرزمین مسأله خمس از نظر حضرت‌تعالی چگونه می‌باشد؟

ج

- در فرض سؤال اگر نگهداری آنها برای مصرف شخصی لُبْنِیَات بر حسب متعارف باشد خمس بخود آنها و به شیر آنها تعلق نمی‌گیرد مگر آنکه اتفاقاً زائد بر مصرف سالانه باشد ولی اگر نگهداری آنها برای فروش لُبْنِیَات و پشم آنها باشد هم بخود آنها و هم به در آمد حاصل از آنها در صورتی که زائد بر مؤونه سال باشد خمس تعلق می‌گیرد. و اللّٰه العالم.

س ۶۸۳**اشاره**

- شخصی برای امرار معاش زندگی گاوی برای استفاده از شیر آن برای ارتزاق سالیانه‌اش و الاغی برای حمل و بارکشی دارد، معاف از دادن خمس هست یا خیر؟

ج

- اگر گاو را برای مصرف خوراک خانواده نگهداشته و شیر یا مشتقات آن را نمی‌فروشد خمس ندارد و الاغ نیز اگر بر حسب عرف محل برای حمل اشیاء مصرفی خانه و برای سواری شخصی مورد حاجت باشد خمس ندارد.

خمس مال به ارث رسیده**س ۶۸۴****اشاره**

- اگر به شخصی ارثی برسد و از پول آن ارث، خانه‌ای تهیه کند آیا بر وی خمس واجب است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال اگر در همان سالی که فروخته با آن خانه مورد لزوم برای

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۱

سکونت خود را خریده خمس ندارد و اگر خانه را در سال بعد خریده به مقدار ارزش مال موروثی در روز فوت مورث خمس ندارد و مقدار زائد بر آن خمس دارد. و اللّٰه العالم.

س ۶۸۵

اشاره

- اگر به قیمت ارثی که به وارث رسیده اضافه شده باشد و وارث آن را (مال موروث را) بفروشد، آیا هر وقتی که آن را فروخت خمس آن را باید بدهد یا اگر زائد بر مؤونه سال او باشد خمس آن واجب است؟

ج

- در فرض سؤال: اصل مال موروثی تا فروخته نشده خمس ندارد و بعد از فروش آنچه زائد بر قیمت روز فوت مورث است از عوائد سال فروش محسوب می‌شود که اگر قبل از رسیدن سال صرف در مؤونه شود خمس ندارد.

س ۶۸۶

اشاره

- زمینی را که برایم به ارث رسیده فروخته‌ام اگر پول آن را در سپرده‌های درازمدت بانک گذاشته و سود آن را هر ماه دریافت کنم آیا به اصل پول خمس تعلق می‌گیرد؟ در صورتی که به پول (سودی که بانک می‌پردازد) احتیاج داشته باشم آیا پول سود که بانک هر ماه می‌پردازد حلال است یا خیر؟

ج

- چنانچه قیمت روز فروش آن با زمانی که به شما به ارث رسیده تفاوت نکرده خمس به آن تعلق نمی‌گیرد و الا باید خمس تفاوت قیمت را بدهید و سپرده را در صورتی که به بانک داده باشید که طبق ضوابط شرعی بانکی با آن معاملات بنمایید و درصدی از سود آن را بشما بدهد و در صدی را خود بانک بعنوان حق الزحمه و اجرت عمل بردارد ظاهراً آنچه را ماهیانه طبق قرار داد می‌پردازد اشکال ندارد.

س ۶۸۷

اشاره

- زمین کشاورزی که از ارث به فرد برسد آیا بر او خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ و چنانچه خمس بر او تعلق بگیرد باید به قیمت فعلی حساب شود یا به قیمت سابق؟

ج

- در فرض سؤال زمین زراعتی که به ارث به شخص منتقل شده خمس ندارد مگر اینکه یقین داشته باشد که مورث در صورت تعلق خمس بعین آن، خمس آن را نداده که در این صورت باید خمس آن را بقیمت فعلی بدهد.

س ۶۸۸

اشاره

- آیا کسی که سال خمسی دارد حالا از دنیا می‌رود و هنوز سال خمسی آن شخص نرسیده و طبق وصیت هم عمل شده مقداری برنج و پول نقد
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۲
و غیره زیاد آمده آیا مال ورثه هست و آیا خمس به آنها تعلق می‌گیرد؟

ج

- باید عواید بین سال متوفی که موجود است و یا طلب دارد کلاً تخمیس شود هر چند سال خمسی متوفی نرسیده باشد فقط مخارج تا حین موت او خمس ندارد نه بعد از موت. و الله العالم.

س ۶۸۹

اشاره

- مادر یکی از دوستانم فوت کرده است و از اموالی که به جای مانده مغازه‌ای است که شوهر آن خانم پول آن را به عنوان هدیه به ایشان پرداخت کرده است آیا وارثین باید خمس بردارند یا خیر؟

ج

- در فرض مسأله اگر وارث مقلد کسی است که هدیه را متعلق خمس می‌داند باید خمس آن را بدهد.

س ۶۹۰

اشاره

- ماترک مرحوم پدر بنده در سال ۱۳۵۳ پس از پرداخت مالیات بر ارث و حقوق حقه زوجه ایشان به بنده ارث رسیده است در حال حاضر بر اثر فقدان رسید وجوهات شرعیه برای وارث پرداخت خمس واجب می‌گردد یا نه؟

ج

- در صورتی که ورثه یقین ندارند که مورث آنها بدهی خمسی دارد چیزی از لحاظ خمس بر ورثه واجب نیست. و الله العالم.

س ۶۹۱

اشاره

- شخصی زمین زراعتی به ارث برده بعد از مدتی می‌فروشد به قیمت بالاتر، خمس تفاوت قیمت را باید بدهد یا نه؟

ج

- ترقی قیمت سوبیه جزء درآمد سال فروش است که اگر تا آخر سال صرف در مؤونه نشود خمس دارد.

خمس درآمد زن

س ۶۹۲

اشاره

- زنی که درآمدی از خودش داشته باشد می‌تواند از درآمدش خمس بدهد بدون اجازه شوهر یا خیر؟

ج

- بلی واجب است و اجازه شوهر لازم نیست. و الله العالم.

س ۶۹۳

اشاره

- شوهر خرجی خانه را در اختیار همسر خود می‌گذارد همسر مخارج خانه را تأمین می‌کند ولی سالیانه از وجهی که شوهر در اختیار او گذاشته

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۳

اضافه می‌آید آیا زن می‌تواند خمس آن را بپردازد- با حفظ اینکه شوهر می‌گوید راضی نیستم- یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه وجهی که شوهر در اختیار همسر قرار داده تملیک به همسر نموده، وجه متعلق به زن است و بر خود زن واجب است خمس آن را بدهد و ربطی به شوهر ندارد و اگر تملیک نکرده و فقط اجازه داده که از آن برای مخارج خود مصرف نماید، در این صورت مقدار زاید در آخر سال، متعلق به شوهر و پرداخت خمس آن منوط به اجازه شوهر است بلی اگر امتناع نماید و به زن بگوید برای مخارج مصرف کن، زن می‌تواند با اجازه مجتهد، خمس آن را از طرف شوهر بدهد.

س ۶۹۴

اشاره

- زنی که مهر خود را فروخته و با پول آن خانه‌ای خریده است در صورتی که ازدیاد قیمت پیدا کند و آن را بفروشد، متعلق خمس هست یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال زیادی قیمت نسبت به ارزش موقعی که خانه را خریداری کرده ربح سال فروش است چنانچه آن زیادی قیمت صرف مؤونه نشود و سال بر آن بگذرد خمس به آن زیادی تعلق می‌گیرد.

س ۶۹۵

اشاره

- چندی قبل مسأله ای با مضمون ذیل از محضر آن جناب استفتاء شده «زنی که خرج او را شوهرش می‌دهد، و خود زن سال خمسی هم دارد، فیش تلفنی داشته که آن را فروخته و مقداری منفعت هم برده، ولی پول فیش را بطور ماهیانه می‌گیرد و خرج می‌کند آیا سهمین بدهکار می‌شود یا خیر»؟

جواب مرقوم فرموده‌اید: «در مورد سؤال چنانچه فیش تلفن را از پول مخمس تهیه نموده و فعلاً هم آنچه بعنوان قسط می‌گیرد صرف مؤونه زندگی می‌نماید، خمس ندارد»

بعرض می‌رسد که: با توجه به اینکه فیش از پول مخمس تهیه نشده اما قسط مذکور را صرف مؤونه زندگی می‌نماید. آیا خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه فیش را از عوائد خمس نداده خریده باشد و سال بر آن گذشته باشد و در موقع گرفتن هر قسط خمس همان قسط را بپردازد.

س ۶۹۶

اشاره

- زنی از درآمد خود بعضی از اوقات خوراکی می‌خرد و بمنزل

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۴

همسرش می‌آورد اگر پوشاک یا خوراکی آخر سال زائد باشد خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ همسر زوج باید بپردازد یا زنی که خریده است؟

ج

- اگر به زوج بخشیده باشد باید خود زوج خمس آن را بپردازد و اگر به شوهر خود بخشیده باشد خمس آن بر زوج واجب

نیست و باید خود زوج خمس آن را بدهد.

خمس مال صغیر

س ۶۹۷

اشاره

- هدیه‌ای که به صورت نقد به بچه فقیر یتیم میدهند که این پولها را جمع آوری می‌کند در سن بلوغ آیا خمس به این پولها تعلق می‌گیرد؟

ج

- بلی خمس به آن تعلق می‌گیرد.

س ۶۹۸

اشاره

- بچه صغیر مالی بدست می‌آورد یا به او بخشیده‌اند، بنابر وجوب خمس هبه آیا بر ولی واجب است خمس آن را از مال بچه بدهد یا بعد از بلوغ بر او واجب میشود؟

ج

- در فرض سؤال ولی بچه می‌تواند پیش از بلوغ او خمس آن را بدهد و اگر بعد از تمام شدن سال خمس را ندهد، نمی‌تواند در آن مال تصرف کند و در این صورت بر خود صغیر واجب است بعد از بلوغ خمس آن را بدهد.

س ۶۹۹

اشاره

- آیا حقوق سادات کثر الله نسلهم و سهم امام علیه السلام شامل در آمد صغار می‌شود یا خیر؟

ج

- بلی می‌شود. و الله العالم.

خمس فیش حج

س ۷۰۰

اشاره

- وجهی که برای ثبت نام در حج تمتع یا عمره مفرده پرداخته و در آن سال مشرف نشده و بعد از سال قرعه بنامش اصابت کرده خمس دارد یا خیر؟

ج

- خمس ندارد.

س ۲۰۱**اشاره**

- پولی که برای ثبت نام سفر حج پرداخت شده و سال خمسی بر آن جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۵ گذشته و هنوز قرعه به نام او اصابت نکرده، مشمول خمس می‌باشد یا نه؟

ج

- اگر از ارباب بین همان سالی که نام‌نویسی کرده بوده خمس ندارد.

س ۲۰۲**اشاره**

- وجهی که بابت نیابت فردی جهت انجام حج در همین امسال داده شده است آیا خمس دارد یا خیر؟

ج

- اگر از درآمد همین سال بوده خمس ندارد. و الله العالم.

س ۲۰۳**اشاره**

- فروش امتیاز فیش حج توسط افرادی که از استطاعت مالی خارج شده‌اند و تکلیف پول محصول چیست؟

ج

- در فرض سؤال واگذاری فیش حج بعنوان مصالحه و پول گرفتن در مقابل آن مانعی ندارد و پولی که میگیرد نسبت به زائد بر مبلغی که قبلاً بحساب حج ریخته بوده ربح جدید محسوب است که اگر قبل از گذشتن سال صرف مؤونه بشود خمس ندارد و به اصل پولی که به سازمان حج پرداخته، اگر خمس آن داده شده، خمس تعلق نمی‌گیرد.

خمس کتاب

س ۷۰۴

اشاره

- فردی در طول دوران تحصیل کتابهایی خریده است. برخی از این کتابها تا کنون مورد استفاده و مراجعه نبوده است (البته در آینده مورد استفاده خواهد بود) آیا به این نوع کتابها خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ حکم موارد مشکوک از لحاظ استفاده یا عدم استفاده چیست حکم دفتر و وسائل تحصیلی که زیاد می‌آید چیست؟

ج

- اگر کتابها معرض حاجت فعلیه او است خمس ندارد هر چند اتفاقاً یک سال از آنها استفاده نکرده باشد و الا خمس آنها واجب است و در موارد مشکوک استفاده خمس واجب است و دفتر و وسائل دیگر اگر زیاد بیاید بنا بر احتیاط واجب خمس آن داده شود. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۶

خمس منزل و مسکن

خمس پولی که برای تهیه مسکن پس‌انداز شده

س ۷۰۵

اشاره

- جوانی از ۱۶ سالگی شروع به کار کرده و سالی ۱۵۰ هزار تومان پس‌انداز کرده به قصد خریدن منزل مورد نیاز آیا خمس پول واجب است یا نه؟

ج

- بلی خمس دارد مگر اینکه شخصی باشد که فعلاً احتیاج بخانه داشته باشد و بجز ذخیره کردن پول آن راهی برای خرید خانه نداشته باشد که در این صورت تعلق خمس به آنچه برای خرید خانه ذخیره مینماید معلوم نیست.

س ۷۰۶

اشاره

- کارمندی برای تهیه و ساخت مسکن از روی ناچاری پولی را در بانک مسکن گذارده تا با دریافت وام اقدام به تهیه مسکن نماید
آیا پس از گذشت سال به آن پول خمس تعلق می‌گیرد؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه برای تهیه خانه مسکونی مورد نیاز فعلی و در حد شأن خودشان، راهی به جز طریق مذکور نداشته باشند
به آن خمس تعلق نمی‌گیرد. و الله العالم.

س ۷۰۷

اشاره

- مبلغی به عنوان رهن پرداخت می‌شود که مورد نیاز هم می‌باشد مثلاً خانه‌ای رهن کرده آیا با گذشت سال خمس تعلق می‌گیرد یا
خیر؟

ج

- اگر تحصیل خانه مورد نیاز بدون پرداخت این وجه (که باید بصورت شرعی و غیر ربوی انجام بگیرد) بر حسب متعارف ممکن
نباشد جزء مؤونه محسوب است و خمس به آن تعلق نمی‌گیرد ولی اگر در سال استرداد آن در تهیه خانه مورد نیاز یا مؤونه دیگر
مصرف نشد احتیاطاً در آخر سال خمس آنچه از آن در مؤونه صرف نشده پرداخت شود.

س ۷۰۸

اشاره

- اگر در آینده بخواهم ماشینی را که خمس آن را داده‌ام بفروشم و خانه بخرم آیا دیگر خمس به پول آن تعلق می‌گیرد؟

ج

- اگر خمس ماشین را داده باشید و بعد از فروش خانه مورد نیاز برای سکونت خود را در همان سال فروش ماشین، تهیه نمایید

خمس ندارد و اگر در سال

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۷

بعد از آن خانه بخرید به مقدار قیمت خرید ماشین خمس ندارد و زاید بر آن خمس دارد. و الله العالم.

س ۷۰۹

اشاره

- خانه مسکونی که جوانان قبل از ازدواج در مدت چند سال تهیه می نمایند چه حکمی دارد؟

ج

- اگر هنگام تهیه خانه بعنوان مؤونه برای او مورد حاجت باشد خمس ندارد و اگر برای احتیاج بعدی تهیه میکند و فعلاً مورد حاجت نیست خمس دارد.

خمس پولی که از فروش خانه بدست آمده

س ۷۱۰

اشاره

- کسی که خانه ای خریداری می کند و جهت اداء دین خود، خانه مسکونی قبلی خود را می فروشد، آیا به این پولی که از فروش خانه بدست می آید خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج

- اگر پول خانه مسکونی را قبل از گذشت سال بر آن صرف اداء دین خرید خانه جدید نماید چیزی بر او نیست. و الله العالم.

س ۷۱۱

اشاره

- چند سال پیش به دلایلی که مجبور بودم خانه ام را فروخته و بعد از پرداخت بدهی از مبلغ باقیمانده قسمتی را به عنوان قرض الحسنه در اختیار صاحب خانه گذاشته و فعلاً چند سالی است که مستأجرم و قسمت دیگر را جهت گرفتن وام از بانک مسکن به صورت سپرده در بانک پس انداز نمودم تا بتوانم دگر بار خانه بخرم. آیا به مبالغ فوق (هم قرض الحسنه و هم سپرده در بانک)

خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه تهیّه خانه جهت سکونت مورد حاجت باشد و با پرداخت خمس مبلغ مذکور قدرت بر تهیّه خانه نداشته باشید بعید نیست که مبلغ مذکور خمس نداشته باشد. و الله العالم.

س ۷۱۲

اشاره

- فردی منزل خود را فروخته و حالا- به علت گران شدن قیمت‌ها نمی‌تواند منزل دیگری بخرد اکنون خانه‌ای اجاره کرده و پول خانه فروخته شده را

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۸

در بانک گذاشته، آیا به پول منزل فروخته شده خمس تعلق می‌گیرد البته اگر سال بر او بگذرد؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه بنا دارد پول جمع کند و به پول خانه قبلی اضافه کند و خانه دیگری جهت سکونت خود بخرد و اگر بخواهد خمس بدهد تمکن از خرید خانه پیدا نمی‌کند خمس آن واجب نیست. و الله العالم.

س ۷۱۳

اشاره

- منزلی داشتم فروختم پس از فروش تا قبل از تهیّه منزل کوچکتی آیا میتوانم با این مبلغ تا قبل از رسیدن سال خمسی این حقیر معاملات تجاری انجام دهم یا خیر اگر احیاناً اجازه معاملات ندارم آیا باید وجهش را بدون دست زدن داشته باشم تا بوسیله آن منزل یا زمین معامله کنم؟

ج

- بلی میتوانید تا قبل از گذشتن سال بر فروش آن با پول آن معاملات تجارتي بنمائید و پس از گذشتن سال بر آن به هر مبلغ از آن که زاید بر قیمت روز خرید آن باشد و صرف مؤونه نشده باشد خمس تعلق می‌گیرد.

س ۷۱۴

اشاره

- کسی که بخاطر نیاز به خانه وسیع‌تر، خانه کوچک خود را می‌فروشد و به اضافه کردن مبلغی دیگر خانه‌ای می‌خرد، آیا به پولی که از فروش خانه بدست می‌آید و بدهی خود را اداء نموده خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- اگر پولی که از فروش خانه قبلی بدست آمده در همان سال فروش، صرف خرید خانه مسکونی جدید شود خمس ندارد. و الله العالم.

خمس خانه و مسکن اضافی

س ۷۱۵

اشاره

- منزل دو طبقه‌ای که یک طبقه آن را اجاره دادم و طبقه دیگرش را خودم بهره‌برداری می‌کنم (یعنی خودم در آن زندگی می‌کنم) آیا چنین منزلی خمس به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه طبقه دوم فعلا جهت سکونت خود و عائله‌تان مورد حاجت نیست به طبقه دوم خمس تعلق می‌گیرد.

س ۷۱۶

اشاره

- این جانب یک طبقه ساختمان به مساحت صد متر بنا کرده‌ام. و ساختمان فوق را کرایه دادم و خرجی زندگی این جانب از کرایه ساختمان تأمین

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۱۹۹

میگردد آیا به اموال یاد شده خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج

- در فرض سؤال اگر ساختمان مذکور جهت سکونت خود و عائله مورد حاجت نیست بلکه جهت اجاره و استفاده از مال الاجاره آن برای مخارج زندگی مورد حاجت است حکم سرمایه را دارد و خمس به آن تعلق میگیرد. و الله العالم.

س ۷۱۷

اشاره

- کسی که خانه مسکونی از در آمد سال جاری خریده و سالها محل سکونیش بوده و پس از چندین سال می فروشد درحالی که فعلاً به آن خانه احتیاج ندارد آیا وجه فروش آن خانه خمس دارد یا بعد از زیاد آمدن از مصرف سال خمس دارد یا اصلاً خمس ندارد؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه خانه دیگری جهت سکونت از ربح سال تهیه نموده مقدار ارزش خانه فروخته شده باید تخمیس شود. و الله العالم

س ۷۱۸

اشاره

- شخصی خدمتگزار و فزاش مدرسه است خانه شخصی داشت که در آن زندگی می کرد بعد از مدتی او را سرایدار کردند و او از منزل شخصی به مدرسه تغییر مسکن داد با توجه به اینکه بعد از ۵ یا ۶ سال او را از مدرسه بیرون می کنند، بالاخره به خانه اش بر میگردد، آیا منزل او که ۵ سال محل زندگی او نبوده خمس دارد یا خیر؟

ج

- خانه مذکور خمس ندارد. و الله العالم.

خمس زمین و مصالح ساختمانی

س ۷۱۹

اشاره

- اگر زمین را جهت ساخت خانه خریده باشد و به خاطر نداشتن پول یا مشکلات دیگر توان ساختن خانه را پیدا نکرده است و بر زمین سال گذشته است آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

ج

- اگر به غیر طریق مذکور تمکن ندارد که خانه مسکونی مورد نیاز برای سکونت خود را تهیه نماید تخمیس آن لازم نیست. و الله العالم.

س ۲۲۰

اشاره

- شخصی خانه مسکونی خود را که در شرف خرابی است خراب نمود و منافع کسبی امسال خود را برای تجدید بنا اختصاص داد هنوز بناء ناقص و ناتمام است سر سال جدید او فرا می‌رسد آیا مقداری که از منافی که در دست جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۰ او باقی مانده با اینکه بایستی این منافع در تکمیل خانه مسکونی او صرف شود- خمس به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- منافی که هنوز صرف ساختمان خانه نشده و سال بر آن گذشته خمس دارد. و الله العالم.

س ۲۲۱

اشاره

- زمینی را که انسان خریده و دیوار گذارده و درب نشانیده و مصالح دیگر هم برایش خریده و سهمین زمین و تمام مصالح را داده و بعد با زمین بزرگتری معامله نموده و مبلغی پول مخمس شده برای بزرگتر بودن زمین دوم داده آیا تا زمین دوم را نفروخته می‌تواند خمس ترقی قیمت آن را ندهد؟

ج

- در فرض سؤال تا زمین مذکور را نفروخته خمس ترقی قیمت آن لازم نیست هر وقت فروخت ترقی قیمت ربح سال فروش محسوب است که اگر تا آخر سال به مصرف مؤونه رسید خمس ندارد.

س ۷۲۲

اشاره

- شخصی خانه‌ای دارد و زمین بجهت خانه دیگری دارد که برای خود میخواست خانه بسازد و ضمناً چند عدد شاخه آهن خریداری کرده بیش از یک سال در روی آن زمین گذاشته و نتوانسته بسازد ضمناً مکه هم رفته و مقداری وقت رفتن مکه قرض نموده و بعد از آمدن از مکه شاخه‌های آهن را فروخته و قرض خود را داده آیا این پول آهن خمس دارد یا نه و آیا اگر دارد بقیمت خرید باید حساب کرد یا قیمت فروش؟

ج

- در فرض سؤال که خانه مسکونی داشته است زمین و آهن خریداری شده پس از گذشتن سال خمس دارد و پرداخت خمس قیمت خرید کافی است.

خمس تهیه مسکن برای فرزند

س ۷۲۳

اشاره

- شخصی خانه‌ای ساخته دارای دو طبقه که طبقه اول برای سکونت خودش می‌باشد ولی طبقه دوم فعلاً مورد نیاز خودش نمی‌باشد ولی بعد از ۷ یا ۸ سال دیگر پس از ازدواج فرزندش برای فرزندش در نظر گرفته است آیا به این خانه خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج

- در فرض سؤال چون تهیه منزل چندین سال قبل برای فرزندش که هنوز

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۱

ازدواج نکرده است عرفاً جزء مؤونه فعلی او محسوب نمی‌شود خمس آن باید ادا شود.

س ۷۲۴

اشاره

- زمینی ارثی جهت ساختمان منزل به پسر بزرگ خودم دادم که منزلی بسازد جهت سکونت خودش و حدود سه سال است که

نامبرده با خودم مشغول کسب و کار است از در آمد تأمین سال این منزل را ساختیم که انشاء الله زندگی تشکیل داده نامبرده مشمول خمس می‌شود یا نمیشود.
در ثانی زمینی جهت پسر نابالغ خودم از در آمد باز خریدم از بابت بدهی چه صورت دارد؟

ج

- چنانچه پسر بزرگ شما در حالی که این زمین را به او داده‌اید و ساختمان مینمائید میخواهد تشکیل عائله بدهد و نیاز به منزل دارد خمس به او تعلق نمی‌گیرد و الا باید خمس آن ادا شود و زمینی که برای پسر نابالغ خریدیده‌اید خمس دارد. و الله العالم.

س ۷۲۵

اشاره

- شخصی خانه‌ای را به اقساط خریداری نموده است چون کارگر شرکت نفت است وامی را که از شرکت گرفته است ماهیانه از حقوقش بر می‌دارند و پولی و مالی خودش نداشته است و در حال حاضر آن خانه را اجاره داده است و بعدها این خانه مورد لزوم فرزندان می‌باشد و مبلغی هم از غیر شرکت قرض نموده است آیا خمس تعلق می‌گیرد و در صورت اثبات از چه ممری و در آمدی آن را پرداخت نماید چون اجاره و مازاد بر قسط وام مخارج خود و عائله‌اش را اداره نمی‌نماید.

ج

- خانه‌ای که بعدها مورد لزوم فرزندان است از مؤونه پدر محسوب نمی‌شود و باید خمس آن را بدهد بلی مقداری را که بابت خانه مذکور بدهکار است می‌تواند کسر کند و خمس بقیه را پردازد و هر قسطی را که می‌پردازد خمس آن را بدهد.

خمس شخصی که وام گرفته و بدهکار است.

س ۷۲۶

اشاره

- اگر کسی یک میلیون تومان وام گرفت برای کشاورزی بذر و کود خرید آیا یک میلیون را باید از سرمایه کسر کند یا بعد از محصول بردارد؟

ج

- آنچه از سرمایه که در مقابل وام پرداخت نشده باشد خمس ندارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۲

س ۷۲۷

اشاره

- بعرض میرساند عده از کارمندان یک وزارتخانه بازخرید شده و مبلغی پول بعنوان بازخرید سنوات خدمتی و پاداش به آنها تعلق گرفته و آن پولها را سرمایه‌گذاری کرده و شرکتی را تشکیل داده‌اند و از اسفند ماه سال ۷۲ تا حال مشغول بکارند آیا این سرمایه خمس دارد یا نه وعده‌ای هم وام گرفته و سرمایه‌گذاری کرده‌اند قسطهائی که پرداخت کرده‌اند و در شرکت سرمایه آنها محسوب میشود آیا خمس دارد یا نه لطفاً نظر مبارکتان را مرقوم فرمائید.

ج

- در مورد سؤال سرمایه مذکور خمس دارد و همچنین نسبت به کسانی که وام گرفته و سرمایه قرار داده‌اند هر مقدار از وام که قسط آن پرداخته شده و سال بر آن گذشته خمس دارد بلی هر مبلغ از وام که قسط آن پرداخت نشده خمس ندارد.

س ۷۲۸

اشاره

- به جنسی که با پول قرض کرده بخرد و سال بگذرد خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- جنس مذکور خمس ندارد بلی اگر بعد از ادای قرض آن جنس یک سال بماند و صرف مؤونه نشود خمس دارد. و الله العالم.

س ۷۲۹

اشاره

- کسی که پایان سال خمسی بدهکاری نقدی (نه قسطی) بابت مؤونه دارد آیا از موجودی متعلق خمس کسر میشود؟ و بفرض کسر شدن آیا فرقی هست در خوراکی و پوشاکی با قرض مسکن و ماشین سواری و خرج جهیزیه دختر و سایر لوازم خانه و زندگی یا خیر؟

ج

- بطور کلی اگر دین مربوط به مؤونه زندگی باشد اداء آن قبل از رسیدن سال خمسی از مؤونه محسوب است و خمس ندارد ولی اگر صرف مؤونه نکند و سال خمسی برسد نمیتواند بمقدار دین از ربح در اداء خمس کسر کند و در سال بعد که می‌پردازد جزء مؤونه آن سال محسوب میشود.

س ۷۳۰

اشاره

- اگر شخصی در وقت حلول سال خمسی مقروض و بدهکار باشد آیا می‌تواند آن را از عوائدش کسر کند؟

ج

- اگر قرض برای سرمایه بوده و فعلاً هم در سرمایه موجود است خمس عوائد باید اداء شود و اگر هم تلف شده است و قرض را در بین سال ادا نکرده است خمس عوائد را باید بدهد در هر سال که قرض را ادا کرد جزء مؤونه سال ادا جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۳

محسوب می‌شود و اگر قرض برای سرمایه بوده و فعلاً با محاسبه قرض سرمایه زاید بر سرمایه قبل است به مقدار قرض خمس به سرمایه تعلق نمی‌گیرد و اگر قرض برای مؤونه بوده با اینکه ادا نکرده از عوائد سال استثناء نمی‌شود و خمس عوائد باید پرداخت شود. و الله العالم.

س ۷۳۱

اشاره

- آیا بدهی به اداره دارائی جهت مالیات مورد مطالبه اداره را و سایر بدهی‌های تعهدی را (تعهد به امور خیر مثل ساختن مسجد و ساختن درمانگاه و غیره را) میشود جزء بدهی رسمی و معمولی آخر حساب نموده و از سرمایه و درآمد کسر نمود؟

ج

- بدهی‌های مذکوره در سؤال را نمیشود سر سال خمس از سرمایه کسر نمود بلی چنانچه قبل از رسیدن سال خمسی آن بدهی‌ها از فوائد کسب اداء شود مؤونه محسوب است و خمس ندارد.

س ۷۳۲

اشاره

- آیا پرداخت مالیات بر درآمد به اداره دارائی جزء حقوق (خمس) محاسبه می‌شود؟

ج

- مالیات را نمی‌شود از خمس حساب کرد و خمس درآمد موجود در آخر سال واجب است پرداخت شود ولی اگر بعد از پرداخت مالیات چیزی نداشته باشید خمس به شما تعلق نمی‌گیرد.

خمس لوازم مورد احتیاج زندگی

تزینات منزل

س ۷۳۳

اشاره

اگر شخصی گذران زندگیش توسط پدرش باشد و پدرش مازاد بر نیاز به او مبالغی بدهد و شخص تمام و یا مقداری از این مبالغ را صرف خرجهای اضافی مثلاً خرید مبلمان و غیره که غیر ضروری است بنماید، آیا به مبالغ یا به وسایل خریداری شده اضافی خمس تعلق می‌گیرد؟

ج

اگر زائد بر شأن او باشد خمس دارد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۴

س ۷۳۴

اشاره

آیا به وسایل دکوری که تنها جنبه تزینتی دارند خمس تعلق می‌گیرد؟

ج

اگر زائد بر حد متعارف نباشد خمس ندارد و الا خمس آن واجب است.

س ۷۳۵

اشاره

در بعضی از منازل اشیایی به نام دکور در قفسه‌های اطاق برای تزین می‌گذارند و هیچ از این اشیاء استفاده نمی‌شود و گاهی این اشیا که بنام عتیقه است خیلی گران قیمت است آیا این اشیا مورد تعلق خمس است یا نه و آیا این دکورها به شائیت صاحب منزل بستگی دارد؟ و آیا دکور متعارف با دکور گران قیمت تفاوت دارد یا نه؟

ج

- اگر اصل دکور و اشیاء مذکوره در حد مناسب با شئون مالک آنها باشد خمس ندارد و اگر زاید بر شأن باشد به طوری که نداشتن آن عرفاً نقص و موجب کسر شأن و موقعیت نباشد مثلاً شخصی که مخارج معمولی زندگی خود را با زحمت فراهم می‌کند اشیاء گران قیمت را به عنوان تزیین منزل تهیه کند و یا دکور پرخرج بسازد در این صورت هر مقدار که عرفاً زاید بر شأن او است خمس دارد. و الله العالم.

س ۷۳۶

اشاره

- ساختمان‌هایی که زیادتر از حاجت است و در تمام سال اطاق‌ها مفروش و بدون استفاده است و حتی اطاق‌ها را اجاره نمی‌دهند یا میهمانی ندارد آیا این اطاق‌های فی المثل یک طبقه ساختمان مورد تعلق خمس است یا نه؟ و یا تزیینات ساختمان که حتی دیوار کوچک را با آئینه و امثال آن تزیین می‌کنند وجهی که در مقابل این تزیینات داده می‌شود خمس دارد یا نه؟ و آیا ملاک در زیاده‌روی و اسراف و تجمل چیست؟ و بر فرض که اطاق‌های زائد مورد تعلق خمس باشد به عنوان اشاعه است یا در قسمت‌های دیگر که خودش زندگی می‌کند مجاز است استفاده کند خلاصه تکلیف چیست و اگر میهمان با علم به اینکه صاحبخانه زاید بر احتیاج ساختمان ساخته و خود صاحب خانه تصریح می‌کند که این اطاق‌ها مورد احتیاج او نیست نماز خواندن در این خانه‌ها صحیح است؟ و آیا به عنوان نهی از منکر واجب است به آنان تذکر داده شود؟ چنانچه نقل می‌کنند بهلول به هارون الرشید گفت ان كان من مالک فقد اسرف و ان كان من مال غیرك فقد اخطیت.

ج

- هر چه زاید بر شأن است مورد تعلق خمس است و در مثل خانه به

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۵

تفصیلی که نوشته‌اید گاهی مقدار زاید موجب استطاعت و وجوب حج نیز هست و تعلق خمس به نحو اشاعه است یعنی بعد از تعلق خمس تصرف در هیچ قسمتی جایز نیست و نسبت به مهمان، لازم نیست تحقیق کند که صاحبخانه خمس داده یا نه بلی اگر یقین کند که خمس تعلق گرفته و نداده برای او هم جایز نیست تصرف کند. و الله العالم.

س ۷۳۷

اشاره

- آیا اشیاء زینتی مثل گلدان، چراغ، ساعت و امثال آنها که جنبه زینتی داشته باشد مشمول خمس می‌شود یا خیر؟ قیمت گذاری آنها مشکل و پرزحمت است چون بعضی اشیاء قدیمی است و در بازار نیست و قیمت واقعی آن هم مشخص نمی‌شود در این صورت تکلیف چیست؟

ج

- این اشیاء اگر بطور متعارف نسبت به شخصی که آنها را دارد زائد محسوب نشود خمس ندارد ولی اگر نسبت به شخص مذکور زائد محسوب بشود خمس دارد و اگر ارث باشد مادامی که آن را نفروخته‌اید خمس به آن تعلق نمی‌گیرد هر وقت فروختید زیادی قیمت آن از تاریخی که بشما رسیده اگر بین سال صرف مؤونه نشود خمس دارد و اگر این اشیاء ارث نباشد باید بقیمت روز خریداری شده خمس آن پرداخت شود.

س ۷۳۸

اشاره

- اگر کسی برای تهیه مؤونه واجب زندگی خویش ناچار به پس‌انداز مبلغی پول در طول زمان بلند باشد تا پس از گذشت چند سال توانایی خرید آن مؤونه را پیدا کند آیا این شخص باید در پایان سال، خمس این پول را محاسبه و پرداخت کند؟

ج

- اگر چیزی به عنوان مؤونه فعلاً مورد حاجت باشد و تهیه آن بدون پس‌انداز و جمع نمودن قیمت آن در عرض چند سال ممکن نباشد و خوب خمس برای پول جمع شده معلوم نیست.

س ۷۳۹

اشاره

- تلویزیون رنگی و تلفن جزء ضروریات زندگی است یا نه و خمس دارد یا نه؟

ج

- اگر جزء مؤونه شخص محسوب شود خمس ندارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۶

لوازمی که مورد استفاده قرار نمی‌گیرد

س ۷۴۰

اشاره

- آیا لوازم منزل در صورتی که در طی سال برای یک بار هم استفاده نشوند باید خمس آن را پرداخت نمود؟

ج

- اگر لوازم مذکوره مورد احتیاج فعلی است و اتفاقاً در بین سال مورد استفاده قرار نگرفته خمس ندارد مثل اینکه لحاف یا پتویی را برای مهمان تهیه کرده باشید و اتفاقاً در بین سال، مهمانی بر شما وارد نشود. و الله العالم.

س ۷۴۱**اشاره**

- اگر کسی در اواسط سال خمسی اش یک فرش بخرد ولی تا پایان سال از آن استفاده ننماید خمس آن لازم است یا خیر؟

ج

- اگر فرش واقعاً مورد نیاز بوده خمس ندارد هر چند اتفاقاً از آن استفاده نکرده باشد. و الله العالم.

س ۷۴۲**اشاره**

- آیا معیار جهت معافیت خمس استفاده کردن آنها تا مدت یک سال از تاریخ خرید است و یا استفاده کردن از آنها تا رسیدن سال خمسی؟

ج

- سر سال خمسی را باید ملاحظه نماید. و الله العالم.

خمس مخارج تحصیل فرزندان**س ۷۴۳****اشاره**

- اگر مخارج تحصیل فرزند را بدهد چیزی برای او اضافه نمی‌ماند که خمس آن را بدهد آیا باید مخارج تحصیلات فرزند را بدهد و خمس ندهد و یا اینکه مخارج تحصیل را ندهد تا پس‌انداز داشته باشد و خمس آن را بدهد؟

ج

- اختیار با پدر است اگر مخارج مذکوره را متحمل شد و چیزی در سر سال برایش نماند خمس واجب نیست و اگر مخارج را نداد و باقی ماند خمس دارد بلی باید مخارج بمقدار شأن باشد و از مخارج بی‌مورد و زیاده روی خودداری شود و الا مقدار زائد خمس دارد.

مخارج عروسی فرزند

س ۷۴۴

اشاره

- آیا اگر مادر از مال خودش وسایلی برای فرزند پسر کنار بگذارد که وقت ازدواج به ایشان بدهد خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال اگر سال بر آن وسایل بگذرد خمس دارد. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۷

س ۷۴۵

اشاره

- کسی برای مصارف عروسی پسرش پول تهیه کرده و قبل از تکمیل مراسم، سال به سر رسیده است، آیا خمس به این پول تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال آنچه تا رسیدن سر سال خمسی مصرف نشده خمس دارد. و الله العالم.

س ۷۴۶

اشاره

- جهیزیه دختر تهیه نمودن رسم است بعضی از آقایان فرموده‌اند خمس ندارد آیا خرج عروسی پسر هم اینطور است یا نه؟

ج

- نسبت به خرج عروسی پسر اگر سال بر آن گذشته باشد خمس دارد و اگر در بین سال خرج شود و بطور معتدل باشد خمس ندارد.

خمس جهیزیه

س ۷۴۷

اشاره

- پولی که برای دختر و یا پسر و نیازهای تحصیلی و یا ازدواج و جهیزه کنار می‌گذارد آیا خمس دارد یا نه- و آیا وسیله‌ای و چیزهایی که برای پسر خریداری می‌کنند و می‌گذارند آیا مانند دختر که اجناس و جهیزه‌اش خمس ندارد این هم ندارد؟

ج

- به جهیزه‌ای که برای دختر و در سالهایی که در معرض ازدواج است تهیه می‌شود خمس تعلق نمی‌گیرد ولی خمس پولی که برای جهیزه یا ازدواج مخارج تحصیلی کنار گذاشته میشود باید ادا شود.

س ۷۴۸

اشاره

- برای جهیزه دختر پول یا لوازم منزل کنار بگذاریم متعلق خمس می‌شود؟

ج

- اگر جهیزه در وقتی تهیه شود که دختر در معرض ازدواج است و اتفاقاً چند سال بگذرد و شوهر نکرده باشد خمس ندارد ولی اگر مثلاً دختر در سن پنج سالگی باشد و تدریجاً برای او جهیزه بخرند خمس دارد و همچنین اگر برای دختر چه کوچک باشد و چه بزرگ پول کنار بگذارند و یک سال بر آن بگذرد خمس دارد.

س ۷۴۹

اشاره

- مادری که با چهار فرزند دخترش قالی بافی می‌کنند بقصد خرید جهیزه اگر پول آن ذخیره شود سر سال خمس دارد یا نه؟

ج

- اگر فعلاً محتاج به جهیزیه است میتواند آن را در بین سال درآمد خریداری

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۸

نماید و خمس ندارد و اگر تهیه آن بدون ذخیره پول آن ممکن نباشد و درآمد دیگر نداشته باشد تعلق خمس به آن معلوم نیست.

س ۷۵۰

اشاره

- اگر برای جهیزیه دختر پول یا لوازم زندگی کنار بگذاریم آیا خمس دارد؟

ج

- جهیزیه برای دختری که در سنین ازدواج تهیه میشود جزء مؤونه است و خمس ندارد ولی پولی که جهت جهیزیه کنار گذاشته میشود این حکم را ندارد بلی اگر تهیّه بعض اقلام جهیزیه بدون کنار گذاشتن پول که قهراً سال هم بر آن میگردد و برای شخص یکجا خریدن ممکن نباشد در این صورت به پولی که جهت تهیه آن کنار گذاشته خمس تعلق نمیگیرد.

س ۷۵۱

اشاره

- و در مسأله ۱۷۸۶ تبیین شده اگر انسان در شهری باشد که معمولاً هر سال مقداری از جهیزه دختر را تهیّه میکنند و تهیّه آن مورد حاجت باشد خمس ندارد؛ سؤال مورد حاجت اینست که شخصی دختری دارد که حال تقریباً شانزده ساله میباشد و از سه سال قبل یک تخته فرش را بقصد جهیزیه آن دختر مشغول بافتن شده است حال میخواهد بداند آیا خمس آن را باید بدهد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه مرسوم محل این باشد که فرش بعنوان جهیزیه برای دختر مورد نظر در آن سنّ و سال تهیّه می کنند خمس ندارد و الا بعد از پایان بافت فرش اگر سال بر آن بگذرد خمس دارد.

س ۷۵۲

اشاره

- دختر جهیزیه‌ای که پدر به او داده بخانه شوهر میرد، اما از تمام آن استفاده نمیکند و از مجتهدی تقلید مینماید که خمس هبه را واجب می داند. آیا خمس چیزی که از آن استفاده ننموده واجب است؟

ج

- در فرض سؤال اگر چیزی که از آن استفاده ننموده معرض حاجت فعلی او است و اتفاقاً در بین سال مورد استفاده قرار نگرفته و یا چیزی است که جزء جهیزیه قرار دادن آن از شئون عروس است خمس ندارد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۰۹

پرداخت و مصرف خمس

س ۷۵۳

اشاره

- آیا در دادن سهم مبارک امام علیه السلام که مصارفش را بدانند و رعایت نمایند اذن مجتهد جامع الشرائط لازم است؟

ج

- بلی لازم است.

س ۷۵۴

اشاره

- آیا وجوهات شرعی را می‌توان به ولی امر مسلمین یا مجتهد جامع الشرائط دیگری که از آن تقلید نمی‌کنیم پرداخت؟

ج

- دادن وجوهات به مجتهد جامع الشرائطی که غیر از مرجع تقلید خود شخص است در صورتی که نظر هر دو در مصرف یکی باشد اشکال ندارد.

س ۷۵۵

اشاره

- اگر شخصی وصیت کند فلان مبلغ پول را به عنوان وجوهات به فلان مرجع (با قید نام مرجع) بدهید و مرجع فوق الذکر رحلت کند آیا می‌شود به مرجعی دیگر داده شود یا خیر؟

ج

- آن وجوه را باید به مرجعی که زنده است بدهد.

س ۷۵۶

اشاره

- فردی بر تقلید مجتهد میت باقی است آیا می‌تواند سهم مبارک امام علیهم السلام را در صورتی که مجتهد فوت شده کارهای در دست اقدام و احیاناً نیمه تمام داشته به وکلای مجتهد متوفی که عدالت و امانت خود را حفظ کرده‌اند پرداخت نماید؟

ج

- امر سهم مبارک امام علیه السلام با مجتهد حی است و پرداخت آن به وکیل مجتهد میت کافی نیست.

س ۷۵۷

اشاره

- اگر شخصی مقلد مجتهدی بوده و مبلغی بابت خمس که با مشار الیه حساب کرده بدهکار شد و تا کنون بدهکاری فوق را نداده، نسبت به بدهکاری به مجتهد سابق که فعلاً مقلد او نیست تکلیفش چیست؟

ج

- اگر مجتهدی که قبلاً مقلد او بوده از دنیا رفته باید مبلغ مذکور را به مجتهد حی جامع الشرائط بپردازد و در فرض حیات مجتهد سابق احتیاط آن است که با اجازه مجتهد لاحق به مجتهد قبلی بپردازد. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱۰

س ۷۵۸

اشاره

- خانه ای مدتها قبل از شخصی خریداری شده بود، و مبلغی از پول خرید خانه مانده بود، بعد از عقد و قرارداد بنگاهی، طرف معامله مقدار پول مانده را بابت خمس قبول می‌کند و معامله تمام میشود و سند خانه هم طبق قرارداد به نام حقیر میشود، اما بعد از مدت چند ماهی که گذشت شخصی که قبول خمس نموده بود پشیمان میشود. سؤال این است، آیا پشیمانی و ندامت این شخص از بابت دادن خمس و بخشش این مقدار پول، مورد قبول هست یا نه؟

ج

- در فرض سؤال کسی که خمس را بابت بدهی خریدار قبول کرده اگر بهمان مقدار، خمس بدهکار بوده و بابت بدهی خمسیش محسوب نموده، پشیمانی بعدی او اثری ندارد ولی اگر خمس بدهکار نبوده و منظورش این بوده که بعدها که بدهکار شد حساب کند و یا اگر هم بدهکار بوده منظورش وعده حساب کردن بوده، در صورت پشیمانی می‌تواند حساب نکند.

س ۷۵۹

اشاره

- شخصی خودش سید است آیا می‌تواند به فرزندش که تحصیل می‌کند و کاری ندارد از بابت سهم سادات به او بدهد یا از سهم سادات دیگران می‌تواند به او بدهد.

ج

- سهم ساداتی که به مال خودش تعلق گرفته نمی‌تواند به فرزند خودش بدهد، اما نسبت به سهم دیگران پس اگر خودش قدرت ندارد که نفقه فرزندش را بدهد و فرزندش هم فقیر است دیگران می‌توانند سهم ساداتشان را به فرزند او بدهند. و الله العالم.

س ۷۶۰**اشاره**

- به نوه دختری می‌شود خمس و زکات داد یا خیر؟

ج

- دادن خمس و زکات به نوه دختری جایز نیست. و الله العالم.

س ۷۶۱**اشاره**

- افراد سید آیا خمستان به خودشان بازمی‌گردد؟

ج

- ساداتی که خمس به مال آنها تعلق می‌گیرد باید آن را در محلش در توضیح المسائل ذکر شده مصرف نمایند و به خودشان بر نمی‌گردد. و الله العالم.

س ۷۶۲**اشاره**

- زنی که فرزندانش سادات باشند و پدرشان مخارج زندگی ایشان را ندهد این مادر می‌تواند سهم ساداتی را به بچه‌های سادات خودش بدهد یا خیر؟

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱۱

ج

- مادر نمی‌تواند سهم سادات خود را به فرزند خودش بدهد.
ولی اگر شوهرش سید و فقیر باشد می‌تواند سهم سادات را به او بدهد. و الله العالم.

س ۷۶۳

اشاره

- اگر شخصی وجوهات شرعی از قبیل سهم امام (ع) یا سهم سادات بر ذمه دارد و می‌خواهد به دیدن یک طلبه یا یک سید مستحق برود، آیا می‌تواند چیزی خریده و بعنوان هدیه منزل نو عروس به خانه آنها برده و از وجوهات خود حساب نماید یا نه؟

ج

- با اذن فقیه جامع الشرائط مانعی ندارد. و الله العالم.

س ۷۶۴

اشاره

- آیا از سهم امام می‌شود به فقرا کمک کرد یا خیر؟

ج

- امر سهم مبارک امام (ع) با مجتهد جامع الشرائط است با اذن او مانعی ندارد. و الله العالم.

س ۷۶۵

اشاره

- در یک محل سید فقیری وجود دارد که از روی حیاء و عفاف، ابراز فقر نمی‌کند و اگر هم بگویند خمس است قبول نمی‌کند، آیا می‌شود از بابت هدیه چیزی به او داد؟

ج

- لازم نیست به او بگویند که مبلغ بابت خمس است. و الله العالم.

س ۷۶۶

اشاره

- آیا دادن سهم سادات با رعایت آنچه در توضیح المسائل آمده است اذن مجتهد می‌خواهد؟

ج

- بنابر احتیاط اذن مجتهد لازم است ولی از طرف حقیر بطور عام پرداخت سهم سادات عظام به آنها که محتاجند مجاز است.

س ۷۶۷

اشاره

- آیا از سهم مبارک امام (ع) برای برپائی مراسم مذهبی خصوصاً سوگواری و یا اعیاد ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین وهم چنین تهیه کتابهای مفید و خوب مذهبی و پخش آنان جایز است؟

ج

- موارد مختلف است و باید با اذن مجتهد باشد.

س ۷۶۸

اشاره

- در بعضی منطقه‌های افغانستان مردم احتیاج به حمام دارند برای غسلهای واجب از وجه سهم مبارک امام (ع) زکات و غیره می‌شود خرج و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱۲

مصرف حمام کرد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال بابت زکات مال از سهم سیل الله اشکال ندارد صرف حمام نمایند و از سهم مبارک امام علیه السلام موقوف به اجازه فقیه است.

س ۷۶۹

اشاره

- سیادت را که شیعه معتبر دانسته و قائل به آن است آیا فقط به ذریه پیامبر اسلام (ص) اطلاق می‌شود یا اولاد هاشم بیعد را شامل می‌گردد؟ و منظور حضرت تعالی در رساله توضیح از سید فقیر چه کسی می‌باشد آیا به کسی که از ناحیه مادر منسوب به رسول (ص) است در صورت فقیر بودن می‌شود خمس داد (سهم سادات) یا نه؟

ج

- سیادت‌تی که در مسائل خمس و زکات و کفارات واجبه موضوع احکام است انتساب به جناب عبدالمطلب از طریق پدر و اجداد پدری است اختصاص به اولاد امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهراء سلام الله علیها دارد.

س ۷۷۰

اشاره

- آیا کسی می‌تواند از وجه سهمین مبالغی را پرداخت کند که بعداً اگر خواست سال خمسی قرار بدهد محاسبه کند؟

ج

- اگر یقین دارد که اموالش متعلق خمس شده مانعی ندارد و اگر یقین ندارد می‌تواند وجه را به سید فقیر قرض بدهد و یا وجه را به مجتهد جامع الشرائط قرض بدهد سپس بعد از تعلق خمس آنچه را به سید قرض داده بابت سهم سادات و آنچه را به مجتهد داده بابت سهم امام (ع) محسوب دارد لکن در این صورت باید مقداری را که به سید فقیر و به مجتهد قرض داده از سرمایه حساب کند و خمس آن را نیز بدهد. و الله العالم.

س ۷۷۱

اشاره

- والده این جانب سیده و علویه است با توجه به اینکه فعلاً معمم نیستم و استفاده از عمامه به رنگ سیاه در مورد این جانب تأثیر منفی در جامعه ندارد، آیا اجازه استفاده از عمامه به رنگ سیاه را دارم؟

ج

- کسی که فقط مادر او سیده است گرچه از اولاد رسول خدا (ص) محسوب است ولی احکام خاص سید از قبیل استحقاق خمس در صورت فقر و حرمت اخذ زکوات و مانند اینها را ندارد بهر حال این جانب استفاده از عمامه سیاه را برای چنین شخصی نظر باینکه ممکن است بعداً با سادات شرعی اشتباه شود صحیح نمی‌دانم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱۳

دستگردان

س ۷۷۲

اشاره

- با توجه روایاتی که میفرماید الخمس بعد المؤمنه که نمونه آن در جلد ۲ استبصار باب ۳۰ موجود است چرا مراجع بزرگوار و جوب خمس را فوری نمی‌دانند و مهلت دستگردان می‌دهند آیا مهلت را از (من ذلک فی حل لیزکوا) استنباط می‌فرمایند و آیا مهلت یک سال، با آن مقدار خمسی که به بعد از مؤونه تعلق گرفته و تا مدت یک سال از بین می‌رود منافات ندارد؟

ج

- استناد به روایت محمد بن سنان از عبد الصمد بن بشیر که در ذیل آن میفرماید (الا أن أبی جعل شیعتنا فی ذلک فی حل لیزکوا) بر ولایت فقیه بر امهال و دستگردان بجهت ضعف سند آن تمام نیست ولی به روایات دیگر مثل صحیحہ فضلاء عن أبی جعفر (ع) استناد ممکن است به این بیان که تحلیل امام (ع) بر حسب ولایت بر خمس بوجه و به اصطلاح حکم ولایتی و نظامی است و اگر ولایت فقیه نیز بر خمس ثابت شود چنانکه در اخذ و مصرف آن ثابت میدانند فقیه هم در موارد و اقتضاء مصلحت میتواند در اداء آن مهلت بدهد مع ذلک اثبات این ولایت که مأخذ تحقیق باشد برای فقیه خالی از اشکال نیست ولی در مواردی که من علیه الخمس بطور عرف و عادت متمکن از اداء نباشد و مصلحت از باب خمس هم امهال باشد ولایت بر آن موجه است بلی اذن در تأخیر اداء بدون مصلحت ارباب خمس و تمکن من علیه الخمس از اداء خالی از اشکال نیست و مقصود از بخش دوم سؤال کاملاً معلوم نشد زیرا بفرض صحت مهلت و انتقال خمس بدمه شخص چیزی از مال خمس تضييع و تفويت نمیشود.

س ۷۷۳

اشاره

- آیا می‌توان مبلغ خمس را به صورت اقساط پرداخت نمود؟

ج

- بدهی خودتان را باید دست گردان بکنید بعد از دستگردان در صورتی که متمکن از پرداخت دفعی آن نباشید می‌توانید به اقساط بپردازید. و الله العالم.

س ۷۷۴

اشاره

- آیا می‌توان وجوهات شرعیّه را به شماره حساب دفتر جنابعالی واریز نمود و از دست گردان وجوه مستغنی است؟

ج

- اگر بخواهید همه وجوهات متعلقه به اموال خود را در سر سال خمسی دفعهً بپردازید دست گردان لازم نیست ولی اگر بخواهید تدریجاً بپردازید باید بدهی خود را دست گردان نمائید.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱۴

س ۷۷۵

اشاره

- با سند منزلت و مقداری وجه نقد سه دانگ از یک ماشین را خریدم بعد از درآمد آن اقساط وام را پرداختم و یک دانگ دیگر هم خریدم و اگر بخواهم وجوهات را حساب کنم مجبورم سهمی از آن را بفروشم و زندگی من تأمین نگردد آیا خمس بر آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه ماشین را جهت کار خریده‌اید خمس دارد، باید خمس آن را دستگردان کنید و به تدریج بدهی خود را بپردازید. و الله العالم.

س ۷۷۶

اشاره

- اگر کسی فعلاً نتواند خمس را بپردازد می‌تواند بتأخیر بیندازد و یا اینکه قرض کند و خمس را پرداخت نماید؟

ج

- با مجتهد یا مأذون از طرف او دستگردان کند و تدریجاً بپردازد. و الله العالم.

تصرف در مالی که خمس آن پرداخت نشده

س ۷۷۷

اشاره

- حضرت عالی در رساله مسأله ۸۸۴ فرموده‌اید: تصرف در ملک کسی که خمس یا زکات بدهکار است حرام و نماز در آن باطل است تا آخر، حال خمس و زکات یا کفاره رمضان و دیه و رد مظالم و نظایر اینها هم اگر بعهده شخص باشد همین حکم را دارد و اگر یکی از وراثت که یک هکتار زمین ارث برده به اندازه سهم خودش خمس و زکات و رد مظالم و دیه و کفاره را بدهد تصرف این شخص که به اندازه خودش داده حرام و نماز باطل است یا نه؟

ج

- در مورد سؤال با پرداخت وجوه مذکور به مقدار سهم خود میتواند در بقیه سهم خود تصرف کند. و الله العالم.

س ۷۷۸

اشاره

- کسی خانه‌ای را از پول خمس نداده خریده و در آن نماز می‌خواند، نماز و غسل او چه صورت دارد؟ آیا غسل باطل است یعنی جنابتش باقی است؟

ج

- اگر معامله را به ذمه انجام داده نماز و غسل اشکال ندارد البته واجب است خمس را هم بدهد و اگر عین بعین انجام داده تا موقعی که خمس آن را نپرداخته هر گونه تصرف در آن خانه اشکال دارد. و الله العالم.

س ۷۷۹

اشاره

- کسی که منزل مسکونی خویش را اضطراراً برای خرید منزل مسکونی ضروری در محل انتقال جدید می‌فروشد، آیا در فاصله ایام بیع و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱۵

شراء، وجه بهای منزل فروخته شده مشمول خمس می‌شود؟ و با فرض شمول خمس و عدم پرداختن در منزل مسکونی ابتیاعی جدید از وجه تخمیس نشده نماز و تصرفات دیگر جائز است؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه در سال فروش قیمت منزل صرف خرید منزل مسکونی جدید و یا مؤونه دیگر شده چیزی بر او نیست ولی اگر پول خانه بماند تا سال بعد، بمقداری که زائد بر قیمت خرید، فروخته خمس تعلق می‌گیرد و اما نسبت به خرید منزل با پول تخمیس نشده چنانچه ذمه ای بوده نماز و تصرفات در آن منزل اشکال ندارد.

س ۷۸۰

اشاره

- شخصی که خمس نمیدهد اگر هنگام حج مقداری از مال خود را جدا کند و خمس آن را بدهد و صرف امور حج کند آیا تا این اندازه تصرف جایز و حج او صحیح است؟

ج

- در فرض سؤال، تصرف جایز نیست چون خمس بنحو اشاعه است و باید همه مال متعلق خمس را تخمیس کند لکن اگر لباس احرام و سایر لباسهایش را که در حین انجام اعمال از آنها استفاده میکند در موقع خریدن بنحو کلی و ذمه‌ای خریده باشد نه عین به

عین حجّش صحیح است.

س ۲۸۱

اشاره

- فرش مسجدی را از پول خمس نداده خریداری کرده‌اند نماز خواندن و سائر تصرفات در آن چه صورت دارد؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه معامله و خرید و فروش به ذمه بوده که معمولاً چنین است معامله صحیح است و نماز خواندن و سائر تصرفات در آن فرش اشکال ندارد. و الله العالم.

س ۲۸۲

اشاره

- شخصی درختی را بدون اینکه خمس آنها را بدهد وقف مسجد می‌کند و شبستان آن را که در روستاها معمول است از آن درخت می‌سازد نسبت به خمس وظیفه چیست و آیا نماز در پشت بام و شبستان مسجد صحیح است یا نه؟

ج

- اگر درخت متعلق خمس شده وقف آن و نماز خواندن روی آنها برای کسانی که اطلاع دارند اشکال دارد مگر آنکه خمس آنها داده شود.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱۶

س ۲۸۳

اشاره

- زید قبلاً خمس اموالش را به مرجع تقلید خودش و سایر مراجع می‌داد حالا مدتی است که سهم مبارک را نمی‌دهد با چنین شخص آیا می‌توانم شریک معامله‌ای باشم و یا برایش اجیر شوم و کار کنم؟

ج

- شرکت با شخص مذکور در صورتی که یقین دارید که اموال مورد ابتلاء شما از شخص مذکور متعلق خمس شده و ادا نکرده اشکال دارد ولی اجیر شدن و کار کردن برای او مانعی ندارد و اجرتی که به شما می‌دهد اگر یقین ندارید که متعلق خمس واقع شده گرفتن آن مانعی ندارد و اگر یقین دارید پولی که به شما به عنوان اجرت می‌دهد متعلق خمس شده و خمس آن را نداده باید

آن را قبول نکنید و از او بخواهید تا پول حلال به شما بدهد.
و الله العالم.

س ۷۸۴

اشاره

- غذا خوردن در خانه‌ای که اهل آن تارک الصلاة بوده و خمس و زکات نمی‌دهند چگونه است؟ اگر پدرم خمس و زکات مالش را نداده، تکلیف من که نان او را می‌خورم و از لوازم خانواده استفاده می‌کنم چیست؟

ج

- هر چه را یقین ندارید که به خصوص آن خمس تعلق گرفته تصرف در آن جایز است.

س ۷۸۵

اشاره

- بعضی مؤمنین می‌پرسند، جاهائی دعوت می‌شویم که یقین داریم حساب سال ندارند، آیا غذا خوردن و یا تصرف دیگر ما، در منزل آنان چه صورت دارد؟

ج

- اگر یقین ندارند که به عین آنچه مورد ابتلاء آنها است خمس تعلق گرفته باشد ظاهراً اشکال ندارد. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۱۹

نذر

از بین رفتن موضوع نذر

س ۷۸۶

اشاره

- مبلغی پول بعنوان مناطق جنگی است و مبلغی بعنوان بازسازی با این پول مناطق جنگی چه کار بکند میتواند برای زلزله زده خرج کند و یا در سپاه و یا پایگاه مصرف کند؟

ج

- در مورد سؤال مبلغی که مربوط به بازسازی مناطق جنگی است باید صرف همان قسمت بشود و مقداری که مربوط به مناطق جنگی است صرف نیروهائی که فعلاً در همان منطقه بعنوان مرزبان و غیره هستند بشود و صرف آن در زلزله زده و غیره جائز نیست.

س ۷۸۷

اشاره

- نذر جبهه جنگ یا بطور کلی وجهی را که بابت کمک بجبهه جنگ میدهند و سابقه دارد، در وضع موجود آن را در چه مواردی صرف کنیم؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه چیزی را برای جبهه با خواندن صیغه شرعی نذر

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۰

نموده فعاله که جنگی نیست، صرف مرز داران کشور بنماید و اگر بدون نذر شرعی، اشخاصی برای جبهه وجهی پرداخته‌اند و شناسائی آنها مقدور نباشد، آن وجوه را به نیت مظالم از طرف صاحبانش احتیاطاً به فقراء از مرزداران بدهند.

س ۷۸۸

اشاره

- این جانب مغازه ای به این قصد دارم که هر چه پس انداز کنم از هزار تومان پنجاه تومان متعلق به حضرت أبو الفضل العباس (ع) باشد، در صورت امکان ببرم به کربلا فعلاً راه مسدود است، تا به حال مبلغ دو میلیون سرمایه شده است، طبق تئیم صد هزار تومان باید بدهم، فعلاً امکانش هم ندارم آیا میتوانم مبلغ فوق را تدریجاً بوسیله روحانی هیئت در شعائر مذهبی اعم از روضه خوانی و سینه زنی در ایام محرم و صفر در مساجد و تکیه‌ها خرج کنم و یا بقم ارسال کنم، هر چه صلاح میدانید مصرف کنید؟ در غیر این دو صورت چه باید بکنم ضمناً آیا میتوانم آن قصد را لغو کنم یا نه؟

ج

- در مورد سؤال مجرد قصد مذکور موجب تکلیف نمی‌شود، اگر صیغه نذر و عهد به عربی یا بفارسی نخوانده‌اید چیزی بر شما نیست، مع ذلک اگر بخواهید رشته توشل خود را به مقام حضرت أبو الفضل علیه السلام ادامه دهید میتوانید این مبلغ را که در نظر گرفته‌اید در خیرات عامه مخصوصاً تشکیل مجالس عزاداری و سوگواری برای آن حضرت و سائر شهداء بزرگوار کربلا، مخصوصاً حضرت سید الشهداء علیهم السلام بمصرف برسانید و ثواب آن را به آن حضرت هدیه نمائید.

س ۷۸۹

اشاره

- کسی نذر کرده که مادام العمر در دهه عاشورا عزاداران را اطعام نماید و مدتی هم باین نذر عمل کرده است ولی اکنون برایش مقدر نیست وظیفه او چیست.

ج

- در فرض سؤال، تا حدی که مقدر نیست تکلیفی ندارد و اگر مجدداً قدرت پیدا کرد، از تاریخ حصول قدرت به بعد بر طبق نذر باید عمل کند.

تغییر دادن مصرف نذر

س ۷۹۰

اشاره

- شخصی نذر کرده بطور اطلاق که یک ربع عایدی وسیله نقلیه خود را در راه حضرت عباس علیه السلام صرف کند، بفرمائید اگر بمصرف

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۱

روضه خوانی برساند، هر روزه که خوانده شود مکفی است، یا باید روزه حضرت عباس علیه السلام خوانده شود و نیز اگر با آن پول کتاب بخرد در اختیار اهل علم و ارباب استحقاق قرار دهد در راه آن بزرگوار کفایت می کند یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال لازم نیست خصوص روزه حضرت عباس علیه السلام باشد و خریدن کتب مفیدی که اطمینان به صحت آن داشته باشند و اهداء آن به اشخاص نیز اشکال ندارد خصوصاً اگر در صفحه اول کتاب هم قید شود که از محل نذر حضرت عباس علیه السلام است و بهر حال باید این کارها را بقصد اهداء ثواب بحضرت عباس علیه السلام انجام دهند.

س ۷۹۱

اشاره

- کسی نذر کرده که در روز عاشورا مقدار معینی طعام به فقرا بدهد آیا می تواند پس از چندین سال که باین ترتیب عمل نموده مبلغی را که صرف طعام می نموده، جهت روزه خوانی حضرت سید الشهداء صرف نماید یا خیر؟

ج

- اگر صیغه نذر نخوانده باشد مختار است و الا باید طبق نذرش عمل نماید، البته حفظ برنامه های اطعام در ایام عاشورا قطع نظر از نذر خوب و تعظیم شعائر است.

س ۷۹۲

اشاره

- در دهه اول محرم نذوراتی بابت هیئت و دستجات که به مناسبت شهادت سالار شهیدان ابا عبد الله الحسین (ع) در این دهه برپا می‌شود آورده‌اند، الان مقداری برنج، ۲ رأس گوسفند مقداری چای، قند و شکر اضافه آمده است و هیئت مبلغ حدوداً ۳۰۰ هزار تومان بدهکاری دارد خواهشمندم مسأله شرعی این هیئت را توضیح دهید، لازم بتذکر است که واقفین اجناس (نذرکنندگان) مشخص نمی‌باشد و اینکه آیا می‌شود اجناسی که اضافه آمده است به نرخ روز فروخته شود و بدهکاریهای هیئت که اعم از خرید برنج، حبوبات، کرایه فرش و کرایه پوش، کرایه داربست و غیره می‌باشد با فروختن این اجناس پرداخت شود.

ج

جامع الاحکام؛ ج ۱؛ ص ۲۲۱

اشیاء مذکور باید در مواردی که اهداء کنندگان آن در نظر داشته‌اند حسب معمول محلّ و برنامه سالهای گذشته صرف شود و چنانچه موضوع آن بر حسب معمول منتفی باشد و صاحبان آنها هم مجهول و تحصیل اذن از آنها میسر نباشد احتیاطاً آنها را بفقییر غیر سید از باب مظالم بدهند و فقیر به اختیار خودش برای اداء قروض هیئت می‌تواند آن را اهداء نماید.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۲

س ۷۹۳

اشاره

- در ایام تاسوعا و عاشورا رسم شده، در یک محل یا در یک خانه خیمه گاه درست کرده، مردم در اطراف آن مشغول عزاداری می‌شود، و بر مصیبت‌های حضرت سید الشهداء هفتاد و دو یار و انصارش گریه می‌کنند و عده‌ای از ارادتمندان ائمه اطهار (ع) نذورات از قبیل نقد، لباس و پارچه می‌آورند که مقداری از آن نذورات برای پذیرائی از مهمانان در همان محل خرج میشود و مقدار زیادی می‌ماند، لطفاً حضرت عالی محل مصرف نذورات باقی مانده را معین فرمائید که در کجا مصرف شود؟

ج

- در مورد سؤال نذورات مذکور را در همان مواردی که قبلاً مصرف میشده مصرف نمائید، لباس و پارچه‌های نذری را نیز مجازید با نظارت امناء محل بفروشید و در موارد مذکور مصرف نمائید موفق باشید.

س ۷۹۴

اشاره

- من در ابتدای تکلیف برای اینکه فعل حرام خاصی را ترک کنم عهد یا نذر شرعی با بیان صیغه آن کردم که در مقابل هر دفعه ارتکاب آن عمل مدت زمان مشخصی مثلاً ده شب نماز شب بخوانم و ده جزء قرآن و زیارت عاشورا هم بخوانم تا آمدم آن فعل حرام را ترک کنم تعداد بسیار زیادی بدهی بر عهده‌ام قرار گرفت که البته سالهاست مشغول ادای این بدهیها هستم ولی می‌ترسم عمرم کفاف ندهد و از عهده ادای دین بر نیایم و می‌ترسم بعد از من هم، کسی آنها را برایم انجام ندهد البته در بین سالهایی که هنوز موفق به ترک آن گناه نشده بودم، چند بار خودم تصمیم گرفتم آن عهد را از عهده‌ام خارج کنم، اما می‌دانستم این نحوه شرعی نیست. سؤال بنده این است چطور می‌توانم این بدهیها را شرعاً از عهده خود خارج کنم تا اگر مردم، لازم نباشد دیگران باقی آنها را برایم انجام دهند؟ آیا این کار با پرداخت کفاره میسر است و اگر میسر است چند کفاره‌ای باید پردازم؟

ج

- در مورد سؤال هر مقدار که متمکن هستید از تکلیف خود انجام دهید و نسبت به بقیه وصیت کنید که در صورت امکان ورثه انجام دهد ولی می‌توانید به مقداری که یقین به اشتغال ذمه دارید اکتفا کنید. و الله العالم.

س ۷۹۵

اشاره

- اگر انسان چیزی را نذر کند و فراموش کند یا نداند که چند بار (مثلاً جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۳ زیارت عاشورا) باید بخواند چه باید بکند؟

ج

- اگر تعداد آن را فراموش کند اکتفا به مقدار یقینی کافی است. و الله العالم.

س ۷۹۶

اشاره

- اگر کسی نذر کند که چنانچه منزلم را تجدید بنا کنم سالی چند جلسه توسل به اهل بیت (ع) در آن منزل برپا می‌کنم، چنانچه این منزل را بعد از چند سال بفروشد تکلیف او چیست؟

ج

- در فرض مذکور بعد از فروختن منزل نسبت به نذر مذکور تکلیفی ندارد. و الله العالم.

نذر زن

س ۷۹۷

اشاره

- آیا نذر و سایر تصرفات زوجه در مال خودش بدون اذن زوج جایز است یا خیر؟

ج

- نذر زوجه بدون اذن زوج صحیح نیست ولی تصرفات او در اموال خودش اشکال ندارد اگر چه نسبت به صدقه دادن به غیر ذی رحم خوب است از زوج اذن بگیرد. و الله العالم.

س ۷۹۸

اشاره

- چهل سال قبل، وضع زندگی من خوب نبوده، همسرم نذری کرد که آشی در آخر ماه صفر پخته به همسایگان بدهد، و خداوند متعال محبت فرموده کارم رو براه شده، چند سال هم آن آش را مطابق نذر پخته و دادیم ولی بواسط ضعف و پیری پختن و توزیع آش برای ما مشکل بوده از یک نفر روحانی محترم راهنمایی خواستیم دستور فرمودند مبلغ پولی را در صندوق ایتم محل باین نیت بپردازید لذا از حدود تقریباً ۱۵ سال قبل مبلغ یک هزار و پانصد ریال در ماه صفر باسم آش نذری بصندوق میدادم ولی تازگی بفکر رسید که توڑم قیمت جنس برای نذرم اشکال پیش می‌آورد و ضمناً از لحاظ قدرت مالی هم توانائی پرداخت بیش از این مبلغ را ندارم لذا استدعا دارم حضرتعالی حکم مسأله را بیان فرمائید.

ج

- نذر زوجه بدون اینکه قبل از نذر از شوهر خود اذن گرفته باشد صحیح نیست و بر فرض اینکه اذن گرفته باشد اگر صیغه نذر نخوانده باشد عمل بآن نذر واجب نیست و در این صورت بهر نحوی که خواستید عمل کنید مختارید.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۴

س ۷۹۹

اشاره

- زنی نذر کرده که اگر شوهرش سیگار را ترک کند خرج هر هفته سیگار کشیدن او را صدقه بدهد. اگر شوهر چند هفته سیگار را ترک کرد آیا صدقه دادن بر زن از اولین هفته ترک، واجب است یا شرعاً میتواند صبر کند و صدقه را تأخیر بیندازد تا از ترک سیگار مطمئن شود.

ج

اگر با اذن شوهر نذر کرده ظاهراً باید مدتی از کشیدن سیگار خودداری کند که عرفاً گفته شود سیگار را ترک کرده است.

س ۸۰۰

اشاره

- در صورتی که در نظر زن ترک موقت، یا همیشگی نبوده باشد، از این جهت در ضمن نذر غفلت شده باشد، اگر شوهر بعد از چند هفته مجدداً شروع به سیگار کشیدن کرد تکلیف زن چه می‌شود آیا نذرش به هم می‌خورد و صدقه دادن بر او واجب نمی‌شود یا اینکه هر هفته که نکشید صدقه واجب است و هر هفته که کشید صدقه لازم نیست؟

ج

- ظاهر این نذر ترک عرفی سیگار است، نه ترک یک روز و چند روز و چند دفعه ولی اگر نذر مطلق بود که شامل ترک یک دفعه و یا چند دفعه می‌شد همان ترک در آن مدت کفایت می‌کند، باید به نذر عمل شود و این صورت هم نذر ترک بعد از ترک اول را شامل نمی‌شود مگر اینکه از صیغه استفاده عموم شود.

س ۸۰۱

اشاره

- اگر در نذر اذن شوهر لازم باشد و بعد از چند هفته شوهر بگوید گمان من در اذن چند هفته بیشتر نبوده که شما صدقه بدهید در این صورت تکلیف زن چه می‌شود؟

ج

- اعتبار اذن شوهر در انعقاد نذر بنا بر احتیاط است لذا در فرض مرقوم احتیاط وفاء به نذر است بلکه رعایت این احتیاط لازم است.

مسائل متفرقه نذر

س ۸۰۲

اشاره

- اگر پدری نذر کرد که دختر خود را بکسی بدهد و آن دختر راضی باین ازدواج نشد، این نذر چه صورتی دارد؟

ج

- در فرض سؤال، نذر پدر صحیح نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۵

س ۸۰۳

اشاره

- اگر شخصی برای انجام کار مهم نذری را به زبان آورد، اما به دل آن را نپسندد (از لحاظ مبلغ و یا از نظر چیزهای نذر شده مثل دعا) تصمیم بگیرد نذر را عوض کند آیا امکان دارد؟ و یا اگر قبل از تعویض نذر خواسته او برآورده شود باید نذر را اداء کند؟

ج

- وفاء به نذر در صورتی واجب است که به زبان یا صیغه عربی یا فارسی نذر کند مثل این که بگوید برای خدا بر من یا بدمه من است اگر فلان حاجتم برآورده شد این مبلغ را به فقراء بدهم، و اگر فقط در دل قرار گذاشته باشد و بر زبان نیاورده باشد، یا فقط گفته باشد نذر کردم، و خود را برای خدا عهده‌دار و مدیون خدا نکرده باشد، اختیار با خود اوست می‌خواهد عمل کند می‌خواهد ترک کند یا آن را عوض نماید.

عهد و قسم

س ۸۰۴

اشاره

- خداوند متعال در قرآن کریم به چیزهایی قسم خورده آیا قسم خوردن به آنها صحیح می‌باشد؟

ج

- قسم خوردن بآنها اثر شرعی ندارد.

س ۸۰۵

اشاره

- بنده زمانی با خود عهد کردم که یکی از کارهایی که حرام است را انجام ندهم و اگر انجام دادم مدتی روزه بگیرم اما متأسفانه پس از مدتی دوباره مرتکب این فعل حرام شدم و تاکنون بارها این فعل حرام را انجام داده‌ام. در این مورد وظیفه من چیست؟ اما هم‌اکنون نمی‌دانم که صیغه عهد را همانطوری که در رساله فرموده‌اید جاری کرده‌ام یا نه؟ در این صورت وظیفه من چیست؟

ج

- از آنچه تا بحال کرده‌اید جداً توبه کنید و نسبت به گذشته اگر نمیدانید که عهد بنحوی که شرعاً معتبر است و در رساله ذکر شده واقع شده یا نه غیر از توبه چیزی بر شما نیست. والله العالم

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۷

احکام وقف

اشاره

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۲۹
وقف

متولی وقف

س ۸۰۶

اشاره

- در مواردی که واقف در وقفنامه امر تولیت را به اولاد خود نسلاً بعد از نسل تفویض نموده است آیا متصرف بودن متولی از اولاد بصفات عمومی کفایت و امانت و احیاناً عدالت نیز در اداره امور موقوفه بنظر مبارک حضرت تعالی لازم است یا خیر؟

ج

- ظاهر این سستکه اگر واقف شرط امانت و عدالت نکرده باشد جواز تصدی متولی مشروط به این صفات نیست و عمل او طبق دستور مقرّر در وقف نافذ و صحیح است بلی اگر خیانت و تخلف او از شرائط مقرّر در وقف محرز شود حاکم شرع جامع شرائط باید مداخله و ضم امین نماید و اما نسبت به کفایت، اگر مطلقاً فاقد باشد حق تصدی ندارد و اگر با داشتن کفایت، بالمباشره متمکن از انجام امور موقوفه نیست ولی با تعیین وکیل متمکن از اداره وقف است و در وقف هم شرط مباشرت متولی نشده باشد متولی با تعیین وکیل باید اعمال تولیت نماید. والله العالم

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۰

س ۸۰۷

اشاره

- آیا اداره اوقاف شهرستان میتواند از تجدید اجاره‌نامه ملک موقوفه خاص که سالهاست در اجاره این جانب است و ممر در آمدم می‌باشد بدون رضایت این جانب خودداری نماید؟

ج

- بعد از پایان مدت اجاره متولی شرعی ملک موقوفه میتواند ملک را بهر کس که بخواهد اجاره دهد.

س ۸۰۸

اشاره

- در مدت هفت سالی که بنای پروژه عظیم کتابخانه و مجتمع فرهنگی را داشته‌ایم هیچ‌یک از هیئت امناء و اجرائی با بنده که متولی این پروژه بوده‌ام همکاری ننموده بلکه استهزاء و مسخره داشتند و باورشان نمیشد که روزی این پروژه به ۶۰٪ از بنا برسد و در پنج طبقه ساخته شود قبل از وقف در بدو تأسیس هیأت امناء و اجرائی منحل شده و بنده دنبال ساخت و ساز بودم و در وقفنامه نوشته‌ایم که بعد از بنده تولیت با اکبر اولادم مییابد آیا باز هم هیأت امناء لازم است تشکیل شود یا خیر؟

ج

- تعیین متولی و کیفیت اداره وقف با واقف است اگر در وقف معین کرده باشد تغییر آن جائز نیست ولی واقف باید محلی را که وقف می‌کند یا مالک باشد یا از طرف مالک و کالت یا وصایت داشته باشد که باید حسب الوکاله یا وصایه عمل کند.

س ۸۰۹

اشاره

- آیا جایز است واقف که خود متولی بوده و در سند مالکیت برای خود اختیار تام داشته زیرزمین و سه باب مغازه را با هزینه شخصی خود ساخته در آمد اعیانی آنها را برای خود بردارد؟

ج

- اگر واقف قبل از تحقق قبض در زیر زمین مذکور احداث مغازه نموده باشد اشکال ندارد و عمل او محمول بر صحت است.

س ۸۱۰

اشاره

- وقفنامه‌ای متعلق بسال ۱۳۲۱ هجری قمری که فتوکی آن ضمیمه این نامه است واقف آن زمینی را وقف نموده تا مال الاجاره در عزاداری صرف شود و تولیت هم با واقف ما دام الحیوة و بعد از او با ارشد اولاد ذکور بطناً و نسلاً بعد بطن و نسل در هر طبقه با تقدم ذکور بر اناث باشد آیا ارشد اولاد ذکور اکبر اولاد ذکور است یا خیر و آیا با بودن یک نفر از طبقه سابق به لاحق میرسد جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۱

یا نه و آیا عین موقوفه بین ورثه تقسیم میشود یا فقط تولیت بارث است و در فرضی که متولی عمل بوقفنامه ننموده تولیت بدیگری منتقل میشود یا به حاکم شرع مراجعه شود؟

ج

- در مورد سؤال کلمه ارشد ظهور در کمال عقل و درایت دارد نه تنها در کبر سن و با بود یک نفر از طبقه سابق تولیت به لاحق

نمیرسد و در صورتی که متولّی بوظایف شرعی عمل نکند به حاکم شرع مراجعه میشود تا ضم امین نماید و ملک وقف بین وراثت تقسیم نمیشود بلکه اختیار آن با متولّی شرعی است که طبق مقررات وقف عمل نماید.

س ۸۱۱

اشاره

- موقوفه‌ای که معلوم التولیه و در قید حیات است آیا شرعاً جایز است دیگران در آن دخالت یا تصرف نمایند؟

ج

- بطور کلی در صورتی که متولّی منصوص به وظیفه شرعی خود عمل می‌کند دیگران حق دخالت در آن ندارند و اگر بوظیفه شرعی خود عمل نمی‌کند باید به حاکم شرع جامع الشرائط مراجعه شود.

خرید و فروش موقوفه

س ۸۱۲

اشاره

- این جانب نیت کردم پنج درخت گردو را بمصرف روضه‌خوانی برسانم اولادی ندارم که بعد از من عمل کند و خودم هم پیر شده‌ام آیا می‌توانم آنها را بفروشم؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه درخت‌های مذکور را وقف نموده‌اید و قبض وقف هم محقق شده فروختن آنها جائز نیست. و الله العالم.

س ۸۱۳

اشاره

- خرید و فروش موقوفه و تبدیل به احسن طبق نظر واقف، چه حکمی دارد؟

ج

- خرید و فروش موقوفه جهت تبدیل به احسن جایز نیست.

س ۸۱۴

اشاره

- نیم دانگ زمین مزروعی را از یک نفر مسیحی خریداری نموده‌ام. هم اکنون سازمان اوقاف زمین مذکور را بتصرف خود درآورده و اجاره چند سال پیش را از این جانب طلب نموده و قادر به پرداخت اجاره چند ساله‌ای که اوقاف جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۲ از ما طلب نموده نیستم حکم شرعی را بیان فرمائید.

ج

- در مورد سؤال، اگر وقفیت زمین از طریق شرعی به ثبوت برسد یا شما علم بآن حاصل کرده باشید خرید آن باطل بوده است و مبلغی را که بفروشنده به عنوان بهای زمین داده‌اید می‌توانید از او استرداد نمائید و اجرة المثل مدتی که زمین وقف را متصرف بوده‌اید ضامن هستید و باید به متولی شرعی وقف بدهید و اگر وقفیت آن به ثبوت شرعی نرسیده علی الظاهر چیزی بر شما نیست.

س ۸۱۵

اشاره

- شخصی مقداری زمین وصیت نموده است که بعد از مرگش، از محصول آن زمین در راه خدا، خرج شود- حالا- ورثه حساب کرده که خرج و مخارج زمین مذکور، بیش از درآمدش هست (یعنی بعد از مخارج چیزی باقی نمی‌ماند، که در راه خدا مصرف شود- بلکه ضرر هم می‌کند آیا ورثه می‌تواند آن زمین را در راه خدا مصرف نماید؟

ج

- مورد سؤال، حکم وقف را دارد و چون یقین به عدم قابلیت آن از جهت درآمد و لو در آینده حاصل نمی‌شود فروش آن جایز نیست. و الله العالم.

س ۸۱۶

اشاره

- می‌توان شرعاً مکان نامناسب و غیر قابل استفاده کتابخانه را فروخته و پول حاصله را صرف ساخت مکان جدید نمود که از درآمد آن مخارج حسینیه و کارهای فرهنگی تأمین شود؟

ج

- در فرض سؤال که محلّ مذکور وقف برای کتابخانه شده و به تصرف موقوف علیهم داده شده است، فروش و تبدیل آن جایز نیست. و الله العالم

س ۸۱۷

اشاره

- مرحوم پدرم ده زمین بی آب در ده وقف نموده که از درآمد آن ده مجلس روضه در ماه محرم خوانده شود حال آنکه این زمین را میخواهند سالی دو هزار تومان اجاره کنند و با این دو هزار تومان بیشتر از یک مجلس نمی شود روضه خواند این جانب تصمیم گرفتم که زمین را بفروشم (که حدود ۱۲۰ الی ۱۵۰ هزار تومان قیمت کرده‌اند) و با پولش تعدادی درخت گردو بخرم که لله تبدیل به احسن شده باشد و درآمدی هم از این راه داشته باشد که بتوانیم ده مجلس روضه بخوانیم، آیا میشود این پول را به حساب سپرده بانک گذاشت و سود سپرده را برای روضه‌خوانی مصرف کرد یا خیر؟

ج

- فروش و تبدیل زمین وقفی جایز نیست و در فرض سؤال، میتوانید بمقدار
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۳

درآمدی که فعلاً دارد مجلس روضه بگیرید و لو یک مجلس باشد و جائز نیست وجه مذکور را در بانک بحساب سپرده بگذارید.

س ۸۱۸

اشاره

- به استحضار می‌رساند باغچه‌ای با دو من آب وقف حمام بوده که حمام کوچکی نیز در این باغچه بوده است که حمام تبدیل به احسن گردیده است و چون باغچه هم از چندین سال پیش از آب استفاده نمی کرده است و احتیاج هم نداشته آب مصرف زراعت دشت می شده است آیا این آب را میشود فروخت یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال به همان نحوی که باغچه و آب جهت حمام وقف شده باید طبق آن عمل شود و لو به اجاره دادن موقوفه و صرف مال الاجاره در احتیاجات حمام، و فروختن آن جائز نیست.

س ۸۱۹

اشاره

- ساختمانی که برای حسینیته خریداری شده و به قبض و سند در آمده و مالکان اصلی آن مبلغ قابل توجهی برای حسینیته شدن مکان به حضرت سید الشهداء علیه السلام بخشیده‌اند و مردم نیز کمک مالی نموده‌اند و مدت دو سال حتی مبالغ اجاره مغازه‌های موقوفه آن اخذ شده و در آن مکان مجلس توسل و عزاداری و اطعام برگزار شده آیا قابل تبدیل و تغییر است یا خیر؟

ج

- بطور کلی در فرض سؤال ظاهر این است که وقف حسینیته محقق شده و فروش و تبدیل و تغییر آن جائز نیست. و الله العالم.

تصرف بر خلاف وقف

س ۸۲۰

اشاره

- چیزی که در گذشته وقف شده است و امروز جزء اشیاء تاریخی و گران بهاست آیا می‌توان آن را در موزه یا محل دیگر مخصوص این اشیاء نگاهداری کرد؟

ج

- برای هر جهتی که وقف شده باید در همان جهت مورد استفاده قرار گیرد و حفظ آن در موزه بصورت تعطیل آن جائز نیست.

س ۸۲۱

اشاره

- آیا می‌توان با توجه به شرایط روز و در جهت مصالح دولت و امت اسلامی و با ملحوظ داشتن نیت اصلی واقف و در جهت هماهنگی با سایر جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۴ برنامه‌های مدون و جاری دولت در کاربرد نظرات واقف تغییراتی بعمل آورد؟

ج

- تغییر در مصرف وقف جایز نیست بلی در صورتی که مصرف معین شده از طرف واقف منتفی شده باشد می‌شود در مصرفی که اقرب بنظر واقف است صرف نمود.

س ۸۲۲

اشاره

- قرآن یا کتابی که بصورت نسخه خطی می‌باشد و توسط نگارنده وقف خواندن شده است، آیا می‌توان برای استفاده احسن آن را حفظ نمود و به جای آن قرآن یا کتاب دیگری را وقف نمود؟ (یا معادل قیمت آن کتاب یا قرآن وقف نمود).

ج

- جائز نیست.

س ۸۲۳

اشاره

- قرآن‌های خطی سند و تاریخ علمی و فرهنگی و مذهبی نجم‌آباد به شمار می‌آیند، حضرت‌عالی کدام یک از موارد ذیل را صلاح می‌دانید عمل شود:

تعمیر شود و در منزل یکی از افراد معتمد آبادی نگهداری شود.

و یا چون که وقف است بهتر است این قرآن‌ها تعمیر شوند و مجدداً به مسجد آبادی منتقل شود و یا به یکی از کتابخانه‌های معتبر از طرف ورثه واقف هدیه شود تا بنحو احسن با داشتن تجهیزات لازم نگهداری شود؟

ج

- در مورد سؤال اگر متبرعی باشد که قربه الی الله مخارج اصلاح و ترمیم اوراق دو شصت پاره را بپردازند یا از زکوات تأمین آن ممکن باشد باید متولی شرعی آنها که در وقف‌نامه تعیین شده آنها را ترمیم و اصلاح نماید و بطوری که در معرض از بین رفتن نباشد نگهداری نماید و طبق متعارف و دستور وقف‌نامه آنها را برای استفاده اهالی نجم‌آباد در اختیار آنها قرار دهد و انتقال آن به محل دیگر غیر از نجم‌آباد جایز نیست.

س ۸۲۴

اشاره

- وجوهی را که اهل خیر بعنوان کمک به مخارج حسینیّه و حیدریه یا امثال اینها می‌دهند می‌توان در موارد دیگر مثل مخارج یا کرایه سفر هیأت به زیارات یا غیر آن مصرف نمود؟

ج

- وجوهی که مردم بعنوان مصارف حسینیّه و مانند آن می‌دهند صرف آن در غیر مورد ذکر شده جایز نیست. و الله العالم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۵

س ۸۲۵

اشاره

- مبالغی که بعنوان کمک به مخارج حسینیّه یا حیدریه جمع‌آوری شده را می‌توان بعنوان سپرده بلند مدت در بانک قرار داد؟

ج

- گذاشتن پول حسینیّه در حساب سپرده جایز نیست ولی چنانچه مصرف وجوه حسینیّه وقت خاصی داشته باشد بر متولی واجب است تا آن موقع وجوه را در محل امنی حفظ نماید چنانچه با گذاشتن در بانک اطمینان به حفظ آن پیدا می‌کند گذاشتن در

حساب قرض الحسنه اشکال ندارد. و الله العالم

س ۸۲۶

اشاره

- امامزاده‌ای است که ساختمان آن رو به ویرانی است از مردم پول می‌گیرند بنام تعمیر ساختمان امامزاده و آن پول را خرج هموار کردن کوهی که در مجاورت آن است می‌کنند آیا این کار جایز است؟

ج

- پول به هر عنوان جمع‌آوری شده باید در همان جهت مصرف شود و صرف آن در غیر آن جهت جائز نیست مگر با اذن دهندگان پول.

س ۸۲۷

اشاره

- قطعه زمینی است موقوفه که قسمتی از آن مشجر و باغ مرکبات است و قسمتی مزروعی شالی واقع در قریه درون کلابی از قراء شهرستان بابل استان مازندران که بیش از صد سال مرد خیری آن را وقف نموده و مصرف آن به شرح وقف‌نامه می‌باشد. آیا می‌توان در موقوفه مذکور مبادرت به احداث سقالاتار نمود یا خیر؟ هرگاه بدون تحصیل مجوز شرعی و قانونی سقالاتاری ساخته شود می‌توان از آن استفاده نمود یا از موارد تصرف نامشروع و غصب است؟

ج

- اگر زمین موقوفه مذکور کما فی السابق زراعت می‌شود و درآمد آن صرف در مورد وقف می‌شود ساختن سقالاتار در آن جایز نیست بلی چنانچه زمین مذکور قابل کشت نباشد متولی شرعی با مصلحت وقف می‌تواند قسمتی از آن را برای ساختمان سقالاتار اجاره دهد و مال الاجاره را به مصرف موقوفه برساند و هر گونه تصرف در امر موقوفه بدون مجوز شرعی و اجازه واقف غصب و حرام و موجب ضمان اجرة المثل است توضیحاً چنانچه اجاره مذکوره واقع شد باید مدارک معتبره تهیه و تنظیم گردد و به امضاء معتمدین برسد تا در طول زمان و مرور ایام وقفیت آن متروک و منسی نگردد. و الله العالم

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۶

س ۸۲۸

اشاره

- حسیه‌ای است که در حال حاضر جهت برگزاری مراسم مذهبی نیاز به توسعه و تجدید بناء دارد (زمینی هم برای این منظور آماده گردیده) در یک سمت آن خانه‌ها ایست که راه عبور آنها در حسیه است. اجازه می‌فرمایید که در طرح توسعه آن کوچه

برای عبور همسایگان از زمین حسیّیه جدا و ساختمان حسیّیه مستقل و مجزاً و بدون شریک باشد و موجبات استفاده مشروع بیشتری فراهم گردد؟

ج

- در مورد سؤال، جدا کردن قسمتی از زمین حسیّیه و راه مستقل قرار دادن آن جایز نیست. و الله العالم

س ۸۲۹

اشاره

- استحضار دارند که موقوفات بسیاری در سطح کشور وجود دارد که یا شناسائی نشده و یا به مرور زمان از بین رفته است که هر دو گروه موقوفات مزبور در صورت شناسائی و احیاء، درآمدهای فوق العاده‌ای برای میهن اسلامی ایجاد خواهند نمود و منبع جدید درآمدی برای کشور فراهم می‌شود، در این صورت آیا می‌توان با تغییرات جزئی در نحوه استفاده از درآمد موقوفات موجود برای شناسائی موقوفات مزبور (ناشناخته) اقدامی بعمل آورد؟

ج

- صرف درآمد موقوفات موجود در شناسائی و احیاء موقوفات دیگر که مربوط به موقوفات موجود نباشد جایز نیست مخارج شناسائی و احیاء از وجوه بزیه دیگر تأمین شود.

س ۸۳۰

اشاره

- زمینی بر ابناء السبیل وقف است که مساحت تقریبی آن ۶۴۰ متر مربع است اکنون زمینهای مجاور ساختمان شده و طبق نظر کارشناس اگر ۴۰ متر مربع آن را به کوچه عام بدهند علاوه بر اینکه کوچه عام اصلاح خواهد شد بر ارزش زمین مذکور هم افزوده خواهد شد و اگر این عمل صورت نگیرد این زمین در بُن بست واقع شده و تقریباً بلا استفاده خواهد ماند با این شرایط آیا مجاز به تصرف در آن زمین هستند یا خیر در هر صورت ارشاد فرمائید! ضمناً ورثه واقف بعنوان متولیان موقوفه می‌باشند.

ج

- در مورد سؤال چنانچه استفاده از زمین وقفی موقوف و منحصر باشد باینکه مقداری از آن زمین معبر شود معبر قرار دادن آن با اجازه متولی شرعی مانعی ندارد و لی قلت منافع مجوز این عمل نمیشود. و الله العالم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۷

س ۸۳۱

اشاره

- زمینی است جنب مغازه این جانب تقریباً بمساحت ۶ متر مربع در بازار شهرضا که سابقاً سقاخانه بوده و فعلاً بلااستفاده گردیده و مالک معینی ندارد از طرف دیگر به اداره اوقاف مراجعه شده و قفنامه در دست رس کسی نیست و کسی هم بوقف بودن آن اطلاع ندارد و از طرف دیگر مورد نیاز این مغازه می‌باشد و اداره اوقات شهرضا هم گفته چنانچه از مجتهد جامع الشرائط استجازه شود تصرف آن بلامانع می‌باشد مستدعی نظر خود را در مورد زمین فوق الذکر مرقوم فرمائید.

ج

- در فرض سؤال مقتضی است اهل خیر بعنوان صدقه جاریه آن را تجدید بنا نموده و با وسائل جدید برای استفاده عموم مجهز نمایند.

س ۸۳۲

اشاره

- شخصی زمینی را وقف نموده که اجاره آن به مقدار معین صرف روضه‌خوانی شود و یک ختم قرآن خوانده شود و بقیه اجاره آن وقف حَمّام شود در حالی که نزدیک بیست سال است که حَمّام مخروبه و به کلی صاف شده در مصرف موجودی وقف حَمّام چه دستور می‌فرمایید؟

ج

- بطور کلی اگر مقصود این باشد که بقیه عوائد زمین بمصرف تعمیر و دائر نگاه داشتن حَمّام معینی برسد و فعلاً آن حَمّام از بین رفته صرف عوائد در آن بی‌موضوع شده آن عوائد را در همان جهات در حَمّام دیگر صرف نمایند. بلی اگر با آن مقدار از عوائد تجدید بنای حَمّام در همان محل اول ممکن است بمصرف تجدید بناء آن برسانند.

س ۸۳۳

اشاره

- در مواردی که دستگاههای دولتی بدون اذن متولی شرعی موقوفات و بدون پرداخت حقوق وقف مبادرت به حفر چاه و ایجاد شبکه لوله‌گذاری در اراضی و املاک موقوفه می‌نمایند، آیا ضمانت شرعی پرداخت حقوق وقف متوجه مصرف‌کنندگان است یا دستگاه مجری طرح؟
با علم به عدم پرداخت حقوق وقف انجام وضو و غسل با چنین آبی چه صورت دارد؟

ج

- تصرف در ملک وقف بدون اذن متولی شرعی غصب و حرام است و بر حسب موارد موجب ضمان خسارت وارده و اجرة المثل

می‌شود و در مورد سؤال حفرکننده چاه اگر موجب تضرر وقف شده علاوه بر ضمان آن ضامن قیمت آب

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۸

چاه نیز می‌باشد و استفاده کنندگان از آب نیز ضامن هستند که متولی وقف از هر کدام از آنها می‌تواند قیمت آب را مطالبه نماید ولی باطل بودن وضوء و غسل با آب مرقوم در صورتی است که استفاده کنندگان عالم به غصبی بودن آب باشند.

تعویض موقوفه

س ۸۳۴

اشاره

- آیا اشیاء وقفی را می‌توان تبدیل به أحسن نمود؟

ج

- جازز نیست.

س ۸۳۵

اشاره

- شخصی زمینی را وقف عزاداری سید الشهداء صرف چای و روضه‌خوانی نموده در یک مسجد مدت ۷۰ الی ۸۰ سال اولیای آن زمین وقف را خرج نموده حال یک مسجد جامع نزدیکی آن مسجد درست شده دیگر به آن مسجد کسی نمی‌رود آیا در مسجدهای دیگر می‌توانیم خرج کنیم و در ضمن صاحب آن زمین وارثی ندارد و در وقف‌نامه هم به آن مسجد قید نشده است ولی زبانی می‌گویند وقف این مسجد است.

ج

- در فرض سؤال، اگر سیره و عمل بر صرف عوائد وقف در مسجد خاص بوده تغییر آن مورد اشکال است بلی اگر صرف آن در مسجد مرقوم متعذر باشد در هر مسجدی که اقرب بآن مسجد و بنظر واقف باشد صرف شود.

س ۸۳۶

اشاره

- زمینی بود که در زمانهای قبل از میوه‌های درختان آن روضه‌خوانی می‌شده الان ورثه می‌گویند درختهای زمین وقف بوده و خوف این هست که زمین را کسی تملک کند و بفروشد، آیا اگر این زمین فروخته شود صرف تعمیر مسجد یا صرف حسینیه بشود یا باید روضه‌خوانی بشود؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه درختها بلا استفاده مانده در صورتی که اجازه دادن آن ممکن باشد و درختها هم بار دهند اجازه بدهند و مال الاجاره را بمصرف روضه‌خوانی برسانند.

س ۸۳۷

اشاره

- مقداری وسائل از قبیل لباس و چکمه و شمشیر که در تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی حضرت امام حسین (ع) استفاده می‌شده اکنون فرسوده و قابل استفاده نمی‌باشد و استفاده نکردن آن بهتر است آیا اجازه هست و وسائل ذکر شده را جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۳۹ بطور ضایعات بفروش برسانیم و نو بخریم و یا اینکه در محل مناسب دفن کنیم؟

ج

- در صورتی که بعثت فرسودگی قابل استفاده نباشد مجازید آنها را تبدیل نمائید، لکن توجه داشته باشید که خرید آلات لهُو حرام است و در تعزیه هم نباید مورد استفاده قرار گیرد.

س ۸۳۸

اشاره

- آیا پارچه‌های مشکی که در مساجد یا حسینیه‌ها به جهت عزاداری سرور شهیدان زده می‌شود پس از مدتی کهنه شده یا رنگ مشکی آن تغییر کرده و می‌خواهند آن را تعویض نمایند برای نظافت یا تمیز کردن دست یا اشیاء به کار بردنش اشکال دارد یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، اگر آن را در امور مسجد یا حسینیه بکاربرند اشکال ندارد و الا می‌توانند بفروشند و وجه آن را صرف خرید پارچه سیاه بنمایند. و الله العالم

س ۸۳۹

اشاره

- زمین‌هایی که نسلًا بعد نسل وقف کرده‌اند که از عواید بدست آمده نصف آن مال کسی که زمین را کشت می‌کند و نصف دیگر جهت روضه‌خوانی و امام جماعت در ماه مبارک رمضان و در مسجد معین روضه و جماعت برگزار گردد ولی به عللی از قبیل مخروبه بودن مسجد و اجتماع نکردن مردم آیا می‌شود در مسجد دیگر که جمعیتی هستند روضه و جماعت خواند یا خیر؟

ج

اگر به هیچ وجه امکان تشکیل مجلس در مسجد مذکور فراهم نیست می‌توانند عواید آن را در مسجد دیگر صرف جهت مذکور در وقف نمایند. و الله العالم

س ۸۴۰

اشاره

در دهات ما از توابع آبادان درخت خرما وقف می‌کنند جهت حسینیه آیا زمین هم داخل وقف است اگر درخت از بین رفت وظیفه متولی چیست؟

ج

مجرد وقف درخت شامل زمین درخت نمیشود بلی اگر متعارف محل این باشد که معمولاً درخت را با زمین آن وقف میکنند شامل زمین نیز می‌شود و در صورت شک باید طبق متعارف رفتار شود.

س ۸۴۱

اشاره

حسینیه‌ای موقوفه در زمین موقوفه بوده در اثر جنگ تخریب شد بعد از شروع بازسازی مردم کمی دورتر از محل خانه ساختند متولی حسینیه دیگری جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۰ به آن نام و عنوان در جای نزدیک محل سکونت مردم ساخت زمین قبل و حسینیه قبل به همان حال باقی مانده است آیا اشکال دارد که حسینیه را در جای دیگر ساختند؟

ج

در مورد سؤال، حسینیه قبلی که تخریب شده بحال وقفیت و حسینیه بودن باقی است و حسینیه جدید هم محکوم بوقفیت است.

س ۸۴۲

اشاره

در فرض بالا اگر از حسینیه اول مصالحی که قابل استفاده باشد باقی مانده باشد می‌شود در ساختمان حسینیه دوم که در زمین دیگر به جای آن حسینیه ساخته شده استفاده کرده یا نه؟

ج

- چنانچه مصالح مذکور در حسیتیه تخریب شده مورد استفاده نمیباشد مصرف نمودن آن در حسیتیه جدید مانعی ندارد.

س ۸۴۳

اشاره

- در فرض بالا اگر حسیتیه اول موقوفات داشته حالا که حسیتیه را در جای دیگر ساخته‌اند، می‌شود آن موقوفات را صرف حسیتیه دوم کرد یا نه؟

ج

- اگر امکان صرف در حسیتیه قبلی نباشد صرف آن در حسیتیه جدید مانعی ندارد.

س ۸۴۴

اشاره

- یک حوض (آب انبار) که آب مشروب برای عموم وقف و مقصداری زمین و درخت برای مخارج آن حوض وقف شده لکن در شرائط فعلی آن حوض از بین رفته و دیگر لزومی ندارد آیا این زمین و درختها و منافع را چه کنیم؟

ج

- در مورد سؤال عوائد موقوفه مذکور را صرف پول آب شرب در اماکن عمومی از قبیل مسجد و حسیتیه بنمائید.

س ۸۴۵

اشاره

- زمین مشاعی است در جنب مسجد که جهت احداث حسیتیه خریداری گردیده شرکاء سهم خود را قبلاً تملک نموده و احداث بنا نموده‌اند، اخیراً جهت تفکیک به مراجع قانونی مراجعه شده از آن جایی که قسمتی از زمین حسیتیه در پلاک ساختمان آنها واقع گردیده و به عکس قسمتی از سهم آنان در پلاک زمین حسیتیه واقع شده، چاره‌ای جز معاوضه این قسمت از نظر قانونی نیست به نحوی که به هیچ کدام از طرفین خسارتی وارد نمی‌گردد و در حال

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۱

حاضر شرکا خانه احداث نموده و در سهم خود سکونت دارند و زمین حسیتیه نیز در اختیار هیأت امنای مسجد می‌باشد در صورت معاوضه نیز هیچ‌گونه دخل و تصرفی در متراژ زمین حسیتیه ایجاد نخواهد شد آیا معاوضه جایز است؟

ج

- در صورتی که زمین مذکور مشاعاً برای حسیتیه خریداری شده است افراز آن با موافقت سایر شرکا در هر قسمتی از زمین که مصلحت حسیتیه است اشکال ندارد و اگر مقصود تعویض با زمین دیگر است مورد اشکال است.

س ۸۴۶

اشاره

- زمین موقوفه‌ای است که همسایه مجاور آن بعضی مواقع مقداری از زمین را ضمیمه زمین خود می‌سازد و این عمل چند مرتبه تکرار شده است آیا می‌توان زمین مذکور را با زمینی به همان مساحت و یا بیشتر تعویض نمود که از خیانت محفوظ باشد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال تعویض موقوفه جائز نیست و همسایه زمین نباید خیانت کند. و الله العالم

س ۸۴۷

اشاره

- حوض انبار قدیمی است که حدود ۳۰ سال است بلا استفاده مانده است و مدتی است که مردم خاکروبه خود را در آن می‌ریزند و فعلاً هم از طرف بهداشت درب آن را با آجر مسدود کرده‌اند و بطور کلی از آن هیچ استفاده‌ای نمی‌شود، از طرفی پهلوی آن حسیتیه‌ای قدیمی است که خانه‌های اطرافش خریداری شده برای توسعه حسیتیه آیا می‌توان این حوض انبار را هم ضمیمه حسیتیه ساخت یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه حوض مذکور مورد استفاده جهت ذخیره آب نیست می‌توانند با اجازه حاکم شرع آنجا را با تعیین مدت اجاره کنند و بعنوان حسیتیه استفاده نمایند و وجه الاجاره را مصرف پول آب فقراء نمایند.
و الله العالم

س ۸۴۸

اشاره

- زمینی وقفی بمقدار سیصد متر که قبلاً در آن زراعت می‌شد و طبق نظر واقف آن بمصرف امور خیریه می‌رسانیدند فعلاً از نظر موقعیت مکانی طوریت که قابل کشت و زرع نمی‌باشد و زمین معطل مانده و در کنار همین زمین کارخانه ایست که حاضرند با قیمت خوب این زمین را بخرند و ملحق به آن نمایند مستدعی ایست بفرمائید که تکلیف این زمین چیست در صورتی که
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۲

اجازه بفرمائید متولی زمین فوق الذکر را به کارخانه مجاورش بفروشد و در جای مناسب زمین تهیه نماید و از عوائد آن طبق نظر واقف عمل شود.

ج

- در فرض سؤال، فروش و تبدیل آن جائز نیست چنانچه استفاده کشاورزی از زمین مذکور ممکن نیست می‌توانند زمین مذکور را جهت استفاده دیگری مثل بناء ساختمان و امثال آن اجاره دهند و مال الاجاره را بمصرف وقف برسانند.

س ۸۴۹

اشاره

- بنیاد ازدواج جهت رسیدگی به خانواده‌های بی‌بضاعت در امر ازدواج تأسیس گردید که پس از مدتی با مشکل بودجه روبرو و تعطیل گردید. آیا می‌توان وسایل و موجودی آن را به دارالایتام که اکنون فعال است تحویل نمود؟

ج

- در صورت مذکور که مؤسسه نامبرده تعطیل شده و امکان فعالیت ندارد با اجازه از صاحبان وجوه، موجودی را برای صرف در ازدواج به مستمندان پردازید. و الله العالم

س ۸۵۰

اشاره

- واقف قید نموده که از درآمد موقوفه هر سال دو من گندم بمصرف قرائت قرآن در شبهای جمعه سال برسد و تتمه آن بمصرف عزاداری ابا عبد الله الحسین (ع) برسد لذا استدعا دارد نسبت به دو من گندم که در زمان ما برای قرائت تمام شبهای جمعه قبول نمی‌کنند تکلیف چیست؟

ج

- در مفروض سؤال همان دو من گندم در شبهای جمعه سال مصرف قرائت قرآن بشود هر چند بقرائت یک سوره کوثر یا توحید باشد.

س ۸۵۱

اشاره

- این جانب بعلت ناراحتی اعصاب از مدتها قبل تحت درمان در یک مرکز روانپزشکی بوده‌ام در سال ۷۳ در یک حمله بیماری و

عود علائم آن کتابهای درسی دانشگاهی خود را به یک کتابخانه اهداء نموده‌ام از آنجا که در آن زمان احتمالاً بر اعمال خود تسلط نداشته‌ام لذا بدین وسیله تقاضای عود کتابهایم را نموده‌ام مسئول کتابخانه، کتابهایم را به این جانب عودت نمی‌دهد و می‌گوید وقف است و مهر وقف خورده و قابل عودت نیست آیا این وقف از لحاظ شرعی چه صورت دارد؟

ج

- بطور کلی اگر ناراحتی اعصاب واقف در حدّ جنون و یا سفه بوده وقف آن

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۳

صحیح نیست ولی اگر مجنون و یا سفیه نبوده و کتابها را وقف نموده و لو بنحو معاطات و بقبض داده وقف محقق شده و پس گرفتن جائز نیست.

س ۸۵۲

اشاره

- شخصی حمامی را وقف نموده که پس از مرور زمان متروکه و بدون استفاده مانده است آیا می‌تواند آن را بفروشد و خودش پول را مصرف نماید؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه از محل مذکور بعنوان حمام استفاده ممکن نیست آنجا را با نظر متولی منصوص و اگر متولی منصوص ندارد با نظر مجتهد جامع الشرائط بفروشید و با پول آن در محل دیگر حمام و یا زمین جهت احداث حمام عمومی تهیه نمایید و در هر صورت واقف نمیتواند آنجا را بفروشد و پولش را خود مصرف نماید.

نزاع در وقف

س ۸۵۳

اشاره

- افرادی که با هماهنگی حاکم شرع (اداره اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران) و موقوف علیهم حکم تولیت ایشان صادر شود آیا متولی شرعی هستند یا خیر؟

ج

- اگر بین موقوف علیهم اختلاف و تشاحی نباشد و موقوفه متولی نداشته باشد هر ترتیبی که موقوف علیهم بدهند جایز است و مجتهد جامع الشرائط هم نمیتواند آن را ردّ کند و در صورت تشاح و اختلاف اگر وقف منفعت باشد باید برای رفع اختلاف به فقیه جامع الشرائط رجوع نماید و اگر وقف انتفاع باشد در صورتی که وافی بانتفاع همه نباشد یا تفاوتی بین اجزاء آن باشد اگر

استفاده معینی ممکن است به آن عمل شود و الا رجوع به قرعه میشود.

س ۸۵۴

اشاره

- زمین موقوفه‌ای را از طرف شهرداری جهت پارک در نظر گرفته‌اند و اداره اوقاف هم اگر دخالت کند نه اجاره لازم را می‌پردازد و نه نظر واقف را عملی می‌کند. صاحبان و متولیان وقف آیا مجازند زمین وقف را برای جلوگیری از تلف شدن بفروشند به شهرداری و در جای دیگر زمین بخرند و به نظر واقف عمل کنند یا خیر؟

ج

- در صورتی که ممکن باشد موقوفه را حفظ کنند و اگر احیاناً شهرداری

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۴

متصرف شد و مبالغی را که به عنوان قیمت زمین داد مراجعه به حاکم شرع نماید تا دستور شرعی آن را صادر کند. و الله العالم

س ۸۵۵

اشاره

- آیا شرعاً جایز است به بهانه اصلاحات ارضی وقف را باطل نمایند؟

ج

- ابطال سند وقف باستناد قوانین غیر مشروع جایز نیست خداوند همه را از شرور و فتن آخر الزمان حفظ فرماید.

س ۸۵۶

اشاره

- برخی از اشخاص متصرف در املاک موقوفه بدون موافقت متولی شرعی موقوفه، اقدام به ساخت و ساز و سرمایه‌گذاری بر روی املاک موقوفه نموده‌اند، اکنون که متولی شرعی به استرداد حقوق وقف اقدام نموده، متصرفین موصوف بدون داشتن رابطه استیجاری به استناد اینکه چندین سال است املاک وقف را در اختیار دارند از واگذاری املاک موقوفه به متولی خودداری و مدعی دریافت هزینه‌های انجام داده و خسارت وارده به خود می‌باشند. درحالی‌که اصل تصرف و انجام عملیات موصوف بجهت اینکه بدون اجازه و رضایت متولی انجام یافته ظاهراً عاری از وجاهت شرعی به نظر می‌رسد.

مستدعی است تکلیف شرعی و الهی هر یک از طرفین (متولی و متصرف) را در فرض مرقوم بیان فرمائید؟

ج

- در فرض سؤال، که بدون اجازه متولی شرعی اقدام به هزینه نموده‌اند و تصرفات آنها مشروع نبوده بابت هزینه‌های مربوطه حق مطالبه چیزی ندارند فقط اعیانی را که در آنجا صرف کرده‌اند مثل در و آهن و آجر و غیره می‌توانند ببرند ولی حق ابقا ندارند. و الله العالم.

س ۸۵۷

اشاره

- به استحضار می‌رساند از سالیان قبل مغازه‌های وقفی بدون دریافت هیچ‌گونه سرقفلی بصورت اجاره توسط متولیان قبل به افراد واگذار گردیده اینک که موقوفه قصد تخریب و بازسازی مجدد املاک موصوف را دارد مستأجرین مزبور مدعی دریافت حق کسب و پیشه و یا سرقفلی مغازه از متولی وقف می‌باشند.

مستدعی است اعلام فرمائید شرعاً پرداخت و دریافت وجه مورد درخواست در این رابطه برای طرفین چه حکمی دارد؟

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۵

فرضاً چنانچه وجهی به مستأجرین قبلی بعنوان سرقفلی پرداخته باشند، آیا موقوفه هنگام تخلیه ملک خود مدیون به پرداخت آن به مستأجر فعلی می‌باشند یا خیر؟

ج

- در هر دو فرض سؤال، متولی ملزم به پرداخت وجهی در این خصوص نیست و دریافت وجه از او برای رفع ید از موقوفه مشروع نیست. و الله العالم.

س ۸۵۸

اشاره

- شخصی در زمان حیاتش زمینی را برای هیئت ابا عبد الله الحسین (ع) وقف نموده و کراراً اعلام داشته تا همگان نیز بدانند و عده‌ای از مؤمنین و موثقین آن را شنیده و گواهی می‌کنند، در حالی که ورثه پس از فوت واقف انکار وقفیت ملک مزبور را نموده و اصرار دارند که هر کدام سهم الارث خود را از این ملک ببرند ضمناً از ملک مزبور حدود ۱۰ سال بمنظور عزاداری حضرات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بهره‌برداری شده و واقف نیز مسئولیت و مدیریت هیئت را عهده دار بوده است حکم مسأله را بیان فرمائید.

ج

- در فرض سؤال، چنانچه از شهادت موثقین، اطمینان به وقفیت ملک مزبور حاصل شود ورثه حقی ندارند.

س ۸۵۹

اشاره

- این جانب منزل مسکونی داشتم و چند سال قبل وقف عزاداری امام حسین علیه السلام نمودم بنام زینبیه که مدت چند سال است که روضه‌خوانی مردانه و زنانه در آنجا برگزار می‌گردد، آیا ورثه‌ام از آن منزل موقوفه ملکی‌ام به عنوان میراث سهم می‌برند یا نه؟

ج

- در فرض سؤال که خانه وقف شده و از آن جهت وقف استفاده شده ورثه حقی در آن ندارند. و الله العالم

س ۸۶۰

اشاره

- این جانب کارمند بازنشسته و ساکن بابل منزلی را از طریق پدرم به ارث بردم و سکونت دارم که دو دانگ آن را مادر پدرم وقف نموده و چهار دانگ دیگرش ملکی است و در ابتدا تأسیس اداره ثبت اسناد در موقعی که خواستم ملک مزبور را به ثبت برسانم اداره مزبور حاضر به ثبت ملک بر اساس دو دانگ وقف و چهار دانگ ملک نشد لذا این جانب یک دانگ از ملک خود را به دو دانگ موقوفه بدون تنظیم وقفنامه‌ای اضافه نمودم تا اداره ثبت حاضر شد ملک

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۶

را به نحو سه دانگ وقف و سه دانگ ملک به ثبت برساند از تاریخ ثبت، سه دانگ موقوفه را با اداره اوقاف اجاره می‌پردازم ولی اکنون ساختمان ملک به علت فرسودگی بنا در حال خراب شدن هست و اداره اوقاف هم حاضر به تعمیرات کلی بعلت مشاع بودن نیست از طرفی می‌خواهم سهم خودم را (سه دانگ) بفروشم خریداران بعلت مشاع بودن با موقوفه حاضر به خرید نمی‌شوند برای حل مشکل تقاضای راه حل شرعی دارم مسأله دیگر اینکه این جانب به فرزندانم اعتماد ندارم که بعد از فوتم به وقف عمل کنند لذا می‌خواهم در زمان حیاتم وسائل موقوفه را از قبیل سماور بزرگ و قوری شکسته و سالم و استکان و نعلبکی و منقل و غیره را در اختیار یکی از مساجد قرار دهم که احتمالاً بعد از فوتم از بین نرفته و در این زمینه مسئول نباشم.

ج

- در مورد سؤال اول اگر خانه مشترک با وقف قابل افراز است که با جدا کردن سهم هر یک از مالک، و وقف مورد استفاده و انتفاع است شما می‌توانید تقاضای افراز سهم خود را بنمائید و الا- ممکن است سهم وقف را اجاره نمائید و با مال الاجاره آن تعمیرات لازم را در آن بنمائید یا اینکه شخصی که سهم شما را خریداری می‌کند سهم وقف را اجاره نماید که در هر حال در مورد وقف هر تصمیمی که گرفته می‌شود اگر متولی منصوص دارد باید از طرف متولی با ملاحظه مصلحت و غبطه وقف اتخاذ شود و اگر مجهول التولیه است با مراجعه به مجتهد جامع الشرائط یا وکیل او مشکل طبق مصلحت وقف و حفظ حق شرعی شما حلّ شود. و اما در مورد سؤال دوم چنانچه اثاث مذکور برای روضه‌خوانی و مورد خاص دیگر وقف شده باشد و شما متولی شرعی آن باشید قرار دادن آن در مسجد جایز نیست همین مقدار که بطور متعارف از آنها نگهداری نمائید و بورثه و کسان خود هم اعلام کنید کافی است. و الله العالم

س ۸۶۱

اشاره

یک دستگاه اکو خریداری نمودند به مبلغ یکصد و هفتاد هزار تومان برای هیئت عزاداران حضرت أبو الفضل که از این مبلغ سی هزار تومان را یک نفر داده که در روز عاشورا هیئت را بهم زده و اکو را به تعزیه برده مرقوم بفرمائید که تکلیف وقف کنندگان چیست؟

ج

در مورد سؤال دستگاه (اکو) خریداری شده برای هر جهتی که وقف شده جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۷ باید در آن جهت مورد استفاده قرار گیرد و استفاده از آن در غیر جهت وقف جائز نیست.

س ۸۶۲

اشاره

شخصی دو دانگ مفروز از هشت دانگ ملک دیگران را تصرف و به نام خود به ثبت رسمی می‌رساند. مالکین اصلی در وقت مقرر نسبت به این ثبت اعتراض قانونی نموده و در سال ۱۳۲۵ دادخواست و شکایتی را نسبت به ثبت ملک غیر و خلع ید از آن شخص تسلیم مراجع قضائی می‌نمایند. در حالی که این دعوا مراحل قانونی خود را می‌گذرانده شخص متصرف در سال ۱۳۳۱ طی یک اقرارنامه دود انگ فوق را وقف می‌نماید. بعد از آن با ثبوت عدم مالکیت واقف سرانجام در سال ۱۳۳۵ طرفین در دفتر اسناد رسمی مصالحه نموده و رقباتی از جانب مالکین شرعی و قانونی از بابت خرج به شخص واقف صلح می‌گردد و پس از فوت وی نیز در تصرف مالکانه ورثه قرار می‌گیرد و هیچ‌گاه عمل به وقف صورت نمی‌پذیرد. سؤال این است: با توجه به اینکه هنگام وقف، واقف مالکیتی نداشته و مالکیت وی پس از عقد وقف از طرف مالکین شرعی و قانونی تحقق یافته، آیا وقف شرعاً و قانوناً محقق گردیده است یا خیر؟

ج

چنانچه واقف در حین وقف مالک رقبه مورد وقف نبوده، وقف باطل است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعی لازم است.

س ۸۶۳

اشاره

حضرت تعالی با عنایت به اینکه کل شش دانگ قریه سوهان از بلوک طالقان در سنه ۹۱۴ ه ق وقف خاص گردیده بر قاضی امیر نجم الدین محمود طالقانی و اولاد ذکور سادات آن قریه نسلماً بعد نسل که علمای دوره صفویه همچون مرحوم شیخ بهائی، میر

داماد، و قاضی جهان صحت و قنیت را تأیید نموده‌اند، سالیان سال به وقف عمل شده و موقوف علیهم اجاره از مستأجرین می‌گرفتند که اجاره نامه‌های موجود گواه این است. با توجه به تمامی مدارک بعضاً مستأجرین مطالبی را ابراز میدارند از جمله وقف بر اولاد ذکور سادات را بر مقاصد نامشروع بیان داشته‌اند. آیه هفتم سوره مبارکه نساء را تفسیر به رد وقف نموده. مستدعی است با توجه به مدارک موجود و اشکال تراشی بعضی که ذکر شد فتوای مبارک را مرقوم فرمایید.

ج

- وقف بر اولاد ذکور خواه اولاد ذکور خود واقف باشند یا اولاد ذکور

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۸

دیگری جایز و صحیح است و اگر موقوف علیهم سادات عظام باشند اکرام و احسان و احترام ذریه طیبه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و از افضل صدقات جاریه و خیرات و میراث است و آیه کریمه سوره مبارکه نساء (آیه هفتم) للرجال نصیب مما ترک الوالدان و الأقربون و للنساء نصیب مما ترک الوالدان و الأقربون) مربوط به وقف نیست و بر حسب بعض تفاسیر به رد و لغو عرف عصر جاهلیت که زنان را از ارث محروم میدانستند مربوط است و نظر باثبات ارث برای بانوان دارد.

س ۸۶۴

اشاره

- زمینی را وقف نموده که منافع آن از کسی باشد که در قمرود متصدی غسل اموات است و فعلاً هم زمین مزبور در دست آن کس است که میت را غسل می‌دهد. شخص غسل در زمین وقف درخت‌های مثمر و غیر مثمر غرس نموده و فعلاً درخت‌های غیر مثمر آن که معروف به چنار و سفیده هست جهت سقف پوشی قابل استفاده است آیا شخص غسل می‌تواند درخت‌های مرقوم را بریده و به مصرف زندگی خود برساند.

ج

- در مورد سؤال غسل می‌تواند آن درخت‌ها را بریده و به مصرف برساند.

احکام مسجد

احداث مسجد

س ۸۶۵

اشاره

- روی زمین اصلاحات ارضی، ساختن مسجد و سایر اماکن عمومی از قبیل حمام و مدرسه و سایر تصرفات جایز است یا خیر؟

ج

- اگر مالکین شرعی راضی به تقسیم نشده‌اند هرگونه تصرفی در آن بدون اذن مالک شرعی جایز نیست.

س ۸۶۶

اشاره

- زمین موات از دولت به عنوان اینکه مسجد در آن بسازند گرفته شد در حالی که هدف از گرفتن زمین ساختن حسینیته است و می‌خواهند حسینیته بسازند اشکال دارد یا خیر؟

ج

- اگر زمین موات است اشکال ندارد.

س ۸۶۷

اشاره

- این جانب چند سال قبل، قطعه زمینی را برای مسجد واگذار کردم تا

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۴۹

اهالی مجاور، اقدام به ساختن مسجد نمایند از آن زمان تا حال حدود هفت سال گذشته، ولی آنها آن زمین را نساختند فقط مقداری حدود دو سه متر خاکبرداری نمودند و اکنون آن زمین به همان وضع افتاده با توجه به اینکه پروانه آن زمین را برای مسجد نیز گرفته‌اند اکنون می‌خواهم آن زمین را جهت ساختمان‌سازی برای خودم که نیاز دارم بردارم، زیرا هنوز بانی برای ساختن مسجد پیدا نشده است، آیا جایز است برای بنده این کار را بکنم با توجه به اینکه به آن احتیاج دارم.

ج

- در فرض سؤال اگر زمین را بعنوان مسجد تحت اختیار مؤمنین قرار داده‌اید و آنها بهمین عنوان چند متر خاکبرداری کرده و پروانه هم گرفته‌اند بعید نیست عنوان مسجدیت محقق شده باشد، بنابراین نمیتوانید آن را برای خودتان بردارید.

س ۸۶۸

اشاره

- شخصی یک قطعه زمینی وقف مسجد نموده است. چون در محل مسجد موجود است نیازی به احداث مسجد نیست بیشتر به حسیتیه نیاز داریم آیا احداث حسیتیه در زمین فوق اشکال شرعی دارد یا خیر؟

ج

- اگر صیغه وقف خوانده شده باشد و زمین تحویل به متولی یا مؤمنین داده شده باشد و یا آنکه مالک، زمین را برای ساختن مسجد در اختیار مؤمنین قرار داده باشد و نماز در آن بعنوان مسجدیت خوانده شده باشد وقف محقق شده و قابل تبدیل نیست و در غیر این صورت اختیار با مالک است.

س ۸۶۹

اشاره

- بعد از تقسیم اراضی، کشاورزان این قریه کلاً ملک و اراضی را طبق عرف قبلی ما بین خودشان تقسیم کردند بمدت ۵۰ ساله که بعد از ۵۰ سال مجدداً تقسیم نمایند زمین‌ها از بی‌آبی دیمی بوده تماماً بوسیله چاه عمیق مبدل به باغ انگوری و درخت کاری و اشجار دیگر و ساختمان مسکونی شده که در ساختمان‌ها ساکن هستند فعلاً محلی که بیش از چهار صد خانوار ساکن است و به مسجدهای دیگر دور است در وسط این ساختمان‌ها بنده زمینی دارم بمساحت ۴۰۰ متر مربع واگذار کردم برای اینکه مسجد بناء کنیم در صورتی که قبلاً با ارباب و صاحب اصلی ملک بتوافق رسیده و رضایت حاصل کردم که از جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۰

مالک هم رضایت‌نامه دارم اکنون که بیاری ایزد یکتا و بکمک امام زمان (عج) و بعد بکمک اهالی مسجد را بناء و به ساختن آن مشغول هستیم بعضی از مردم اظهار میدارند این زمین برای مسجد صحیح نیست در صورتی که تقسیم ملک این قریه هیچ ممکن نیست و نمیشود باین دلیل که از سال ۴۲ به بعد ساختمان و باغ درست کرده و اشجار کاشته‌اند لذا استدعا دارم حضرتعالی در این مورد نظر مبارک را بیان فرمائید؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه زمین مذکور، مشاع نبوده و مفروز و معین بوده و مالک شرعی آن رضایت داده باشد مسجد نمودن آن بی‌اشکال است و اگر این زمین و زمینهای دیگر مشاعاً متعلق به چند مالک باشد باید همه مالکینی که در آن سهم دارند رضایت بدهند و رضایت یکی از آنها کافی نیست چه برای مسجد قرار دادن و چه سایر تصرفات.

س ۸۷۰

اشاره

- چندی پیش دانشگاهی مبلغی به عنوان همیاری به اجبار از دانشجویان جمع می‌کند. پول به صندوق دانشگاه واریز می‌شود و حساب خاصی برای همیاری وجود نداشته بعد از آن نماز خانه‌ای با پول صندوق دانشگاه که مخلوط با پول همیاری بود ساخته می‌شود و این در حالست که بعضی از صاحبان پول یعنی بعضی از دانشجویان راضی به دادن این مبلغ نبودند (و این مبلغ اجباراً جمع شده بود) نماز خواندن در این نماز خانه چه حکمی دارد؟

ج

- گرفتن وجه از دانشجویان تابع مقررات اداری دانشگاه است و نباید خلاف مقررات انجام گیرد و لکن نماز خواندن در مسجد که مصالح آن بنحو کلی خریداری شده است اشکال ندارد.

س ۸۷۱

اشاره

- در محل سرآورد یک مسجد قدیمی است مخروبه شده است مشغول تجدید بنا شدیم چون پشت مسجد زمین بایری است که سابقاً محل هرانج یعنی هرز آب بوده و قسمتی از آن هم جای حمام کهنه و قدیمی بوده است که به صورت بایر افتاده است آیا اجازه می‌فرمایید که این زمین به صورت مغازه در آید و بفروش برسد و به مصرف دیوار مسجد برسد یا نه؟

ج

زمین بایر را مجازید به نفع مسجد بسازید و بفروشید ولی زمین جای حمام قدیمی اگر ساخته شود اجازه آن مصرف حمام جدید شود.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۱

س ۸۷۲

اشاره

- در روستایی از توابع شازند اراک کنار مسجد این روستا سالن غذاخوری درست کرده بودند و به علت کم بود فضای مسجد این سالن را داخل مسجد نموده‌اند. بعضی از اهالی می‌گویند چون در این روستا زمینهای مزروعی وقفی وجود دارد لذا نمی‌شود در این قسمت مسجد نماز خواند و بعضی می‌گویند اصلاً این قسمت زمین وقفی نبوده، در ضمن در زمان حیات متولی موقوفه از ایشان اجازه گرفته بودند که مسجد را توسعه دهند و ایشان اجازه داده بود. لطفاً حکم نماز خواندن در این قسمت از مسجد را بفرمایید.

ج

– اگر وقفیت زمین مذکور، ثابت باشد و لو از جهت شهرت، محکوم به وقف بودن است و در این صورت چنانچه متولی شرعی منصوص دارد می‌توانند زمین را از او به مدت معین اجاره کنند و آن را داخل مسجد کنند و مال الاجاره را به مصرف مقرر موقوفه برسانند و اگر متولی منصوص ندارد با اجازه مجتهد جامع الشرائط به نحوی که ذکر شده زمین را اجاره نمایند و در هر حال با تنظیم مدرک اجاره، کاری کنند که معلوم باشد این قسمت در اجاره مسجد و محدود به مدت اجاره است نه همیشه. و الله العالم

توسعه و تعمیر مسجد

س ۸۷۳

اشاره

– مسجدی به نام حضرت أبو الفضل (ع) در روستای ملک‌آباد حومه کرج واقع شده است مسجد مذکور نسبت به جمعیت محل خیلی کوچک و قدیمی است بزرگ کردن ضرورت دارد ما بین آقایان ریش سفیدان اختلاف نظر است عده‌ای می‌گویند مسجد مذکور خراب نمائید و مقدار لازم هم از حیاط مسجد به آن اضافه کنیم همان جای مسجد اول باز هم مسجد بشود حیاطی هم باز باقی بماند و عده‌ای نظرشان این است مسجد قدیمی بماند حیاط مسجد را مسجد درست کنیم در این صورت حیاطی برای مسجد باقی نمی‌ماند از محضر حضرت‌عالی تقاضا می‌نمائیم از جهت شرع و مصلحت کدام یک نظریه را انتخاب کنیم؟

ج

– در مورد سؤال موافق احتیاط این است که حیاط مسجد بصورت قبلی باقی باشد چنانچه بزرگ کردن مسجد مذکور ضرورت دارد از خانه‌ها و یا زمین مجاور مسجد اگر باشد خریداری و به مسجد اضافه شود. و الله العالم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۲

س ۸۷۴

اشاره

– مسجدی چند متر از سطح زمین بالاتر است و زیرزمین هم ندارد آیا می‌توان زیرزمین مسجد مغازه بسازیم و پس از فروش مغازه مخارج آن را صرف مسجد نمائیم؟

ج

– جایز نیست. و الله العالم

س ۸۷۵

اشاره

- مبلغ پولی جمع‌آوری شده از نمازگزاران مسجد امام سجاد (ع) جهت خریدن خانه‌ای جنب مسجد مذکور ولی با پول جمع‌آوری شده نمی‌شود خانه را خریداری کرد امانت مسجد می‌خواهند زمینی را خریداری کنند و بعداً بفروش برسانند اگر ممکن شد جهت توسعه مسجد به مصرف برسانند آیا این کار جایز است یا نه؟

ج

- پول جمع‌آوری شده برای خرید خانه جهت مسجد را نمی‌توان بدون اجازه تمام دهندگان وجه در تجارت به کار گرفت هر چند بخواهند درآمد آن را صرف مسجد نمایند. و الله العالم

س ۸۷۶

اشاره

- نظر به اینکه شبستان مسجد بواسطه کثرت جمعیت نمازگزار کفایت نمی‌کند، آیا می‌توانیم قسمتی از صحن مسجد را جزء شبستان قرار دهیم؟

ج

- چنانچه مسجد احتیاج به توسعه داشته باشد توسعه آن بلامانع است لکن در فرض سؤال اگر صحن مسجد به این عنوان وقف شده که به صورت صحن مسجد باشد تغییر آن اشکال دارد. و الله العالم

س ۸۷۷

اشاره

- مسجدی است بنام مسجد قنبر علی بعضی اشخاص پول نقد و اشیاء دیگر نذر این مسجد میکنند و این مسجد متولی ندارد و ۳۰ سال بلکه بیشتر است چنین بوده و کسی هم اطلاعی ندارد نذورات چطور مصرف شده این جانب با دو نفر دیگر با نظر بعضی اشخاص این محل متصدی شدیم که این نذورات را جمع کنیم و مصرف این مسجد کنیم و مقداری پول نقد جمع شده در بانک گذاشتیم و بنا داریم صرف مسجد کنیم یعنی برای تعمیر مسجد و اشیائی که این مسجد احتیاج دارد مصرف شود و ما نمیدانیم این کار و این عمل که ما بنا داریم انجام دهیم شرعی است یا نه و ما نمیدانیم این مختصر پولی که نذر کردند آیا صیغه شرعی خوانده

شده یا نه و تا بحال کسی بما نگفته ما صیغه شرعی

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۳

خواننده‌ایم آیا این نذرها را فقط برای خود مسجد و تعمیر آن مصرف کنیم یا جهت اقامه روضه خوانی و بیان احکام الهی هم می‌شود.

ج

- اگر دهندگان وجوه مصرف خاصی را در نظر نگرفته‌اند و وجوه را در اختیار شما گذارده‌اند که بمصرف مسجد برسانید باید صرف تعمیرات مسجد و آماده بودن آن برای نماز و عبادت بنمائید و اگر برسم گذشته در محلی میگذارند بهمان نحو که در گذشته معمول بوده مصرف شود.

س ۸۷۸

اشاره

- نماز خواندن در مکانی که قسمتی از آن به روایت قدیمی‌ها مسجد بوده و قسمتی از آن با تصرف در قبرستان و نیش قبور به دست آمده، چه حکمی دارد؟

ج

- اگر چه تخریب و نیش قبور مؤمنین و تبدیل آن به مسجد جایز نیست لکن نماز خواندن در محلّ مذکور فعلاً اشکال ندارد. و الله العالم

س ۸۷۹

اشاره

- مسجدی که برای اهلس گنجایش نداشت به منظور توسعه آن را تخریب و مقداری زمین از همسایه مسجد خریداری نموده و ضمیمه مسجد ساختند و در بنای مسجد جدید مقداری از همان مکان ضمیمه شده را نه به قصد مسجد بودن بنا کرده‌اند تا زنان معذور برای استماع مواظ در آنجا بنشینند. حالا عده‌ای می‌گویند ما به قصد مسجد بودن در اینجا نماز می‌خوانیم که اینجا هم مسجد شود آیا با نماز خواندن آنها به قصد مسجدیت آنجا مسجد می‌شود یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، با نماز خواندن در مکانی که بدون قصد مسجدیت و برای امر دیگری ساخته شده مسجدیت محقق نمی‌شود.

س ۸۸۰

اشاره

- ساختمان مسجد قبلی را تخریب نموده و با مصالح جدید احداث کرده‌اند ولی یک سالن از حسیته به علت کمبود زمین به مسجد اضافه شده. آیا شرعاً ما می‌توانیم بدون به کار بردن دیوار یا نرده فلزی این سالن را جزء ساختمان مسجد قرار دهیم؟

ج

- الحاق سالن حسیته به مسجد جایز نیست و باید آن قسمت را با علائم و مشخصات به عنوان حسیته طوری محفوظ نگهدارند که برای آیندگان هم اشتباه نشود و بدانند که آنجا جزء مسجد نیست و حسیته است.

و الله العالم

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۴

س ۸۸۱

اشاره

- مسجدی است در محل که نوساز است و برای نمازگزاران محل خوب و هیچ وقت نمی‌شود که برای نمازگزاران کوچک باشد فقط گاهی بر بعضی از افراد که از دنیا می‌روند در این مسجد مجلس برپا می‌شود و از مردم دعوت می‌شود در این مسجد اجتماع نموده برای فاتحه و غذا خوردن آن موقع برای مردم مشکل می‌آفریند آیا می‌شود این مسجد را خراب کرد و بزرگتر نمود؟

ج

- در فرض سؤال، جایز نیست مسجد مذکور، تخریب شود. و الله العالم

س ۸۸۲

اشاره

- با توجه به توسعه شهر و استقبال عظیم مردم متدین در مراسم مسجد جامع قروه اعم از نماز جمعه و جماعات و دیگر اجتماعات مذهبی و شعائر دینی، نیاز به توسعه و نامسازی مسجد از قسمت جنوبی آن است. با عنایت به سند خرید زمین مسجد که در سند

قید شده است که زمین و یک باب دکان در زمین‌های فوق‌الذکر جهت احداث ساختمان مسجد می‌باشد. و با توجه به اینکه مغازه‌های فعلی در قسمت جنوبی مسجد جزء زمین مسجد است و پس از سالهای بعد از خرید زمین ساخته شده است، آیا شرعاً تخریب دکاکین برای توسعه و نماسازی جایز است؟

ج

– اگر زمین برای مسجد و تعلق به مسجد وقف شده و فعلاً مصلحت مسجد اقتضاء دارد که برای توسعه مسجد و رفع نیاز نمازگزاران ضمیمه مسجد شود تخریب دکاکین اگر موجب تفویض حق شرعی از کسی نشود جایز است.

س ۸۸۳

اشاره

– مسجدی است که خود این مسجد محقر در وسط قطعه زمین مسجد قرار دارد و این قطعه زمین فعلاً قسمتهائی از آن دارای درخت نیست و این قطعه زمین موقوفه همین مسجد است، و لکن فعلاً این قسمت غیر مشجر درآمدی برای مسجد ندارد و مؤمنین از نظر محقر بودن مسجد در زحمت هستند. مسأله این است که آیا جایز است قسمت غیر مسجد آن را داخل در مسجد نمایند تا مسجد توسعه پیدا کند یا خیر؟

ج

– در مورد سؤال چنانچه زمین مذکور وقف شده که عوائد آن صرف در مخارج مسجد بشود تبدیل آن بمسجد جایز نیست.

س ۸۸۴

اشاره

– مسجدی است که در جنب جنوبی آن کوچه‌ای واقع شده که مورد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۵

عبور و مرور ساکنین دو قلعه که در طرف شرق و غرب مسجد است می‌باشد و در جنب کوچه سه باب منزل است که هیأت امناء مسجد برای توسعه پیدا کردن مسجد و از غربت بیرون آمدن و استفاده مدام از مسجد خریداری نموده‌اند که چنانچه این عمل انجام بگیرد مسجد وسعت پیدا می‌کند و کشیده میشود تا لب خیابان اصلی آیا می‌شود این کوچه را جزء مسجد نموده یا نیاز برضایت ساکنین دو قلعه دارد؟

ج

- در صورتی که کوچه بن بست و متعلق به ساکنین دو قلعه باشد باید با رضایت آنها باشد و اگر بن بست نیست و شارع عمومی برای همه است جائز نیست جزء مسجد شود.

س ۸۸۵

اشاره

- مسجد کوچکی وجود دارد که سنوات متمادی است مخروبه و غیر قابل استفاده می‌باشد بعضی از اهالی محل در نظر دارند نسبت به تعمیر و بازسازی آن اقدام نمایند که در حد امکان مورد استفاده بعضی از برنامه‌های مذهبی قرار گیرد در جلو مسجد مذکور قسمتی از کوچه قدیمی وجود دارد که پس از احداث خیابان بکلی متروک گردیده و به هیچ وجه مورد استفاده عابرین و اهالی محل نمی‌باشد و با دیواری که اطراف آن کشیده شده به صورت محوطه مسجد در آمده چنانچه از لحاظ موازین شرعی تصرف و استفاده از محوطه مذکور جهت ساختمان مرافق مورد احتیاج مسجد بلا اشکال می‌باشد اجازه فرمائید اقدامات لازم به عمل آید؟

ج

- در صورتی که زمین مذکور متروکه و مورد انتفاع احدی جهت عبور و مرور نباشد، ضمیمه کردن آن به مسجد اشکالی ندارد.

س ۸۸۶

اشاره

- مسجدی است که نسبت به کثرت جمعیت الآن کوچک است در حالی که اطراف مسجد زمینی دست نخورده و دور مسجد محصور و جزء محوطه مسجد می‌باشد، آیا اجازه می‌فرماید کفش کن و آب دار خانه مسجد را جزء مسجد قرار دهیم و آنگاه کفش کن و آب دار خانه دیگری را در آن زمین عقب مسجد احداث نمائیم؟

ج

- در فرض سؤال، جواز تخریب کفش کن و آبدارخانه و جزء مسجد قرار دادن آنها و احداث کفش کن و آبدارخانه در زمین مذکور بعید نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۶

س ۸۸۷

اشاره

- شخصی مسجدی را از بودجه خود و مقداری از کمک مردم ساخته است که حدود ۲۵ سال از آن می‌گذرد و در حال حاضر مسجد جوابگوی همه عزاداران حسینی نیست لذا زمینی را که در پشت آن واقع است خریداری و صیغه مسجد بر آن جاری شده است از طرفی بانی مسجد قلباً راضی نیست که مسجد را خراب کنیم لطفاً مرقوم بفرمایید آیا خراب کردن مسجد قدیمی (البته با توجه به اینکه هنوز قابل استفاده است) و تبدیل کردن آن به یک مسجد بزرگ چه حکمی دارد؟

ج

- اگر ضمیمه نمودن زمین مذکور به مسجد بدون تخریب کلی آن ممکن باشد که توسعه و تعمیر آن محسوب شود و تخریب و تجدید بنا نباشد ظاهراً اشکال ندارد ولی جواز تخریب آن با اینکه در معرض انهدام نیست محل اشکال است.

س ۸۸۸

اشاره

- مقداری از زمین مدرسه‌ای را جزء مسجدی قرار داده‌اند آیا باید این قسمت تخریب شود و به مدرسه واگذار گردد یا اینکه چون ساخته‌اند اشکالی ندارد؟

ج

- فی حدّ نفسه زمینی را که متعلّق به مدرسه است جایز نیست جزء مسجد قرار دهند مگر اینکه کیفیت وقفیت زمین مجهول باشد.

س ۸۸۹

اشاره

- مسجدی فاقد وضوخانه و دستشویی می‌باشد و این در حالی است که جهت تطهیر نمازگزاران به ساخت موارد ذکر شده سخت نیاز است، آیا اجازه می‌فرمایید بجای حوض خانه قدیم که فعلاً متروک است وضوخانه و دستشویی جدید احداث گردد؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه محلّ حوض خانه مذکور را دو طبقه بسازند به این نحو که طبقه زیر را دستشویی و توالت و طبقه بالا یعنی محلّ حوضخانه را جهت وضو خانه آماده نمایند ظاهراً اشکالی ندارد. و الله العالم

س ۸۹۰

اشاره

- مسجدی در محل است حوضی در وسط آن بود که مرد وزن با ناراحتی از آن وضو می گرفتند مدتی است خراب شده دو ایوانچه مختصر در دو طرف مسجد بوده (که ندیده‌ایم کسی در آنها نماز خوانده باشد و نمی‌دانیم برای مسجد هم وقف شده یا نه) که فعلاً مؤمنین به صورت دو وضوخانه زنانه و مردانه

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۷

در آورده‌اند. آیا این کار جائز است یا نه و لازم است برگردد بحال اول و مردم هم بزحمت بیفتند؟

ج

- تبدیل دو ایوان ذکر شده که احیاناً مؤمنین جهت خواندن نماز از آنها استفاده می‌کرده‌اند به وضوخانه مشکل است.

س ۸۹۱

اشاره

- مسجدی را در دو طبقه ساخته‌اند و لوله فاضلاب را با پولیکا از زیر مسجد عبور داده‌اند آیا جایز است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، اگر بعد از ساخته شدن مسجد مذکور لوله فاضلاب را از زیر آن عبور داده‌اند جائز نیست باید مسیر لوله را عوض کنند و اگر در موقع ساختن مسجد از ابتداء محلی را که زیر مسجد واقع میشده برای عبور فاضلاب قرار داده‌اند با این قصد که بمقدار مسیر لوله جز مسجد نباشد اشکال ندارد.

س ۸۹۲

اشاره

- در زیر زمین مسجد توالت احداث کرده‌اند که خود زیر زمین بدون استفاده و بلا تکلیف بوده است و این توالت جدید الاحداث است و ضمناً این بخش که توالت مسجد در آن واقع شده است قبل از احداث توالت به نیت مسجد بعداً خریداری شده و به مسجد اولی ضمیمه شده است آیا احداث توالت در چنین زیر زمینی جایز است یا خیر؟

ج

- از مورد شخصی اطلاعی نداریم بطور کلی محلی که بعنوان مسجد وقف و در آن اقامه نماز شده احداث توالی در قسمت زیر زمین مسجد جایز نیست و چنانچه جهلاً توالی احداث شده باید تخریب و محل از نجاست تنظیف و تطهیر شود بلی چنانچه از اول موقع وقف کردن زمین جهت مسجد قسمت زیر زمین آن جهت دست‌شویی و توالی در نظر واقف بوده احداث توالی در آن محل اشکال ندارد.

س ۸۹۳

اشاره

- مسجدی بنا گردیده است که در حیاط آن مسجد، سرداب ساخته شده که برای توالی و وضوخانه و انبار که طبقه دوم را برای خانم‌ها مسجد ساخته‌اند که نماز جماعت بخوانند و عزاداری نمایند آیا آن طبقه دوم در حکم مسجد است یا اینکه در حکم مسجد نیست؟ (چون در سرداب آن توالی و وضوخانه و انبار قبلاً ساخته شده است)؟

ج

- در فرض سؤال اگر واقف ابتداءً سرداب زیر صحن مسجد را برای توالی جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۸

و طبقه دوم را برای مسجد قرار داده باشد طبقه دوم حکم مسجد را دارد و اگر طبقه تحتانی را توالی و فوقانی را جدا از معبد مسجد و صحن مسجد قرار داده ظاهراً حکم مسجد را ندارد و جواز تغییر عنوان آن محل اشکال است و به هر حال نماز خواندن خانمها در آن مکان جایز است.

س ۸۹۴

اشاره

- اگر مسجد را تخریب کنند و یا بواسطه زلزله تخریب شود و چون جای وضو و انباری و غیره نداشت آن مسجد را دو طبقه بسازند و زیر زمین آن را برای استفاده انباری و جای وضو و غیره قرار بدهند آیا جایز است یا خیر؟

ج

- استفاده از طبقه تحتانی معبد مسجد بعنوان امور مذکوره جایز نیست.

س ۸۹۵

اشاره

- زمینی را از پول اهل محل خریداری نموده که بعداً مسجد بسازند اکنون که هیأت امناء مسجد تشکیل شده قصد دارند فقط طبقه فوقانی را مسجد قرار دهند و زیر زمین را چند قسمت نموده، هر قسمت را برای کاری سالن سخنرانی کتابخانه دستشویی توالت و غیره تا احکام مسجد بر آن جاری نباشد آیا بنظر مبارک صحیح است.

ج

- در مورد سؤال: راجع به کیفیت بناء طبقه تحتانی مسجد از اهل محل که با پول آنها زمین مذکور خریداری شده اجازه بگیرند.

تصرف در وسایل مسجد

س ۸۹۶

اشاره

- مسجد قدیمی که سقف آن چوب بوده حال سقف آن را به آهن تبدیل کرده‌اند و چوبها که سالم و قابل استفاده است و تعداد قابل ملاحظه ای هم هست موجود است آیا اجازه میفرمایند این چوبها به اشخاص فروخته شود و پول آن را برای مسجد بمصرف برسانند و آن اشخاص نیز اجازه داشته باشند این چوبهایی که سابقاً وقف مسجد بوده بخرند و در منازل شخصی بکار ببرند؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه چوبها در همین مسجد و در سایر مساجد محل نیاز نباشد فروش آن اشکال ندارد و برای خریدار هم بی اشکال است و باید پول آن صرف احتیاجات همین مسجد شود ولی اگر چوبها و لو در مسجد دیگر برای سقف زدن و مانند آن محل نیاز باشد باید به آن مسجد داده شود بلا عوض و در این صورت فروش جایز نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۵۹

س ۸۹۷

اشاره

- مسجدی داریم که در طرف شمال آن ساختمان حسینیّه قدیمی است که مورد استفاده دوستداران حسین ابن علی علیه السلام قرار

می‌گیرد فاقد فرش است و مسجد مذکور که نوسازی شده فرش نو بقدر کافی دارد و تعدادی فرش کهنه قدیمی دارد آیا شرعاً می‌توانیم از فرش‌های کهنه و قدیمی مسجد که مورد لزوم آن نباشد در حسیّته مذکور مورد استفاده قرار دهیم؟

ج

- شایسته است مؤمنین برای حسیّته مذکور فرش تهیه نمایند و نسبت به سالار شهیدان حضرت ابی عبد الله الحسین (ع) بیشتر ابراز علاقه نمایند و فرش‌های مسجد را بمسجد دیگر هم نمی‌توان داد بلکه باید در صورت مفروضه از فرشها بطور تناوب در خود مسجد مذکور استفاده شود.

س ۸۹۸

اشاره

- امام جماعت مسجدی برحمت الهی پیوسته است ایشان در حال حیات زحمات این مسجد را سالیانی بعهدہ داشته است و خود مسجد هم درآمدهائی از قبیل اجاره خانه و زیرزمین و غیره دارد که برای امام جماعت و دیگر خرج‌های مسجد مصرف شود و چیزی در این رابطه از مردم جمع‌آوری نمیشود با توجه باین امور آیا می‌شود از درآمد این مسجد به خانواده پیشنماز متوفای این مسجد کمک کرد؟

(توضیح اینکه مبالغی در فوت آن مرحوم در تدفین و شب هفت و غیر خرج شده حکمش چیست؟)

ج

- اگر مصرف درآمدهای مذکور مسجد، امام جماعت مسجد است فعلاً که امام جماعت مرحوم شده باید به مصرف امام جماعت فعلی برسد و دادن آن به خانواده آن مرحوم وجه شرعی ندارد بلی شایسته است مؤمنین برای قدردانی از آن مرحوم از طرق دیگر مساعدت کنند و مخارجی را که بعد از فوت امام جماعت در مراسم تدفین و غیره شده اگر از درآمدهای مذکور بوده باید کسانی که خرج کرده‌اند جبران کنند و مصرفی که برای امام جماعت تعیین شده از اینگونه مصارف انصراف دارد.

س ۸۹۹

اشاره

- مسجدی اثاث‌هایی از قبیل آفتابه لگن و غیره دارد که در حال حاضر از آن وسائل استفاده نمیشود روی هم انباشته و جا را اشغال نموده است

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۰

آیا اجازه می‌دهید آنها را به وسائلی که فعلاً مسجد نیازمند است تبدیل نمود؟

ج

- اثاث مذکور اگر در مساجد دیگر هم قابل استفاده نیست مجازید آنها را بفروشید و با بهای آن لوازم مورد نیاز مسجد را تهیه نمائید.

س ۹۰۰

اشاره

- مدتی است که مسجدی در یکی از روستاهای حومه اراک بخاطر مهاجرت مردم در فصل زمستان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد در حال حاضر خبر رسیده است مقداری از اجناس مسجد را از قبیل مهتابی، پنکه سقفی و بعضی اساسهای دیگر مسجد را از مسجد سرقت کرده‌اند آیا می‌شود به مسجد دیگر بدهیم یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه اثاثیه مسجد مذکور، در معرض سرقت است باید بطور امانت در نزد کسی و یا در مسجد دیگر گذارده شود تا محفوظ بماند و در تابستان که به محل می‌روند به مسجد مذکور برگردانند و از آن استفاده کنند و اگر این کار ممکن نباشد به مسجد مجاور بدهند تا مورد استفاده قرار بگیرد ولی در این صورت نیز هر وقت ایمن از سرقت شدند لازم است برگردانند.

س ۹۰۱

اشاره

- اخیراً اهالی روستائی از توابع اراک این ده را تخلیه کرده‌اند و مصلحت در این بوده که ما وسایلی را که مربوط به مسجد بوده تخلیه کرده و به ده دیگری که در آنجا سکونت داریم ببریم تکلیف این وسایل چیست؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه وسایل مذکور به هیچ وجه در مسجد مذکور مورد استفاده نیست و لو از این جهت که محل خالی از سکنه است آن وسایل را به مسجد محل دیگری که نزدیک به آنجا است و وسایل در مسجد آن محل مورد استفاده قرار می‌گیرد، منتقل نمایید. و الله العالم

س ۹۰۲

اشاره

- سه تخته فرش از مسجدی سائیده و نخ نما شده است که در شأن مسجد نمی‌باشد، فردی پیدا شده است که پنجاه هزار تومان بالاتر از قیمت می‌خرد آیا این کار جایز است؟

ج

- در صورتی که فرشها وقف بر مسجد شده باشند مادامی که انتفاع از آنها در آن مسجد یا مسجد دیگر ممکن باشد فروش آنها جایز نیست ولی اگر ملک مسجد جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۱ باشد مثل اینکه تملیک مسجد شده باشد یا برای اینکه ملک مسجد باشد، خریداری شده باشد در صورتی که تبدیل آنها بمصلحت مسجد باشد جواز تبدیل بعید نیست.

س ۹۰۳**اشاره**

- چراغ توری مسجد که قابل استفاده نیست، یا خیلی کم از آن استفاده می‌شود آیا می‌شود فروخت و پولش را خرج چراغ لامپ و غیره که مربوط به مسجد است نمود یا نه؟

ج

- اگر استفاده از آن چراغ در مسجد و لو کم ممکن باشد فروش و تبدیل آن جائز نیست بلی اگر به هیچ وجه قابل استفاده در آن مسجد و یا مسجد دیگر نباشد فروش و تبدیل آن به لامپ و لوازم روشنایی دیگر مانعی ندارد.

س ۹۰۴**اشاره**

- مسجدی فرشهای کهنه و قدیمی و بعضی ارزشمند دارد که نگهداری آنها تقریباً مشکل شده است آیا متولی می‌تواند با فروختن آنها فرشهایی نو و جدید تهیه نمایند یا خیر؟

س ۹۰۵- بعضی از اهالی فرشهای کوچک در حد یک متر و یا بیشتر را که عموماً ارزشمند می‌باشند وقف بر مسجد کرده‌اند آیا تبدیل این فرشها را با فروختن به فرشهای بزرگتر اجازه می‌فرمائید یا خیر؟

ج

- تا موقعی که حفظ و استفاده از آنها مقدور است تبدیل و یا فروش آنها جائز نیست هر چند استعمال موجب تنزل قیمت آنها شود.

س ۹۰۶

اشاره

- در روستای چوگان از توابع سنقر مسجدی است که دارای قرآن‌های قدیمی و کتابهای دعای قدیمی است و در معرض دستبرد می‌باشند چون جنبه تاریخی دارند لذا نظر شما در این مورد و خروج قرآن‌ها از مسجد چیست؟

جامع الاحکام؛ ج ۱؛ ص ۲۶۱

ج

- در مورد سؤال، قرآنهای مذکور و همچنین کتب دعا را باید از دستبرد محافظت نمایند تا در مواقع مقتضی مؤمنین از آنها استفاده نمایند فروختن و تبدیل و یا کنار گذاشتن آنها که بکلی از دسترس و استفاده مردم خارج بشود جائز نیست.

س ۹۰۷

اشاره

- در مسجدی چند عدد زیلو میباشد که مؤمنین میگویند قابل استفاده نیست آیا میشود فروخت و با پول آنها برای مسجد فرش خرید؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه زیلوهای مذکور وقف مسجد است اگر در آن

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۲

مسجد به هیچ وجه قابل استفاده نیست باید ببرند به مسجدی که میشود در آن مسجد از آنها استفاده کرد بلی چنانچه زیلوها در هیچ مسجدی قابل استفاده نباشد جایز است آنها را بفروشند و با پول آن برای مسجد مذکور فرش تهیه کنند.

س ۹۰۸

اشاره

- آیا وسایل مسجد و حسیته را می‌توان به جاهای دیگر برای استفاده عمومی انتقال داد یا نه؟

ج

- در صورتی که اشیاء و وسائل مسجد یا حسیته‌ای وقف بر خصوص همان مسجد یا حسیته باشد جایز نیست بجای دیگر انتقال داده شود.

س ۹۰۹

اشاره

- بمرور زمان وطی سالیان گذشته با تلاش در این مسجد وسائل منقولی که در جهت بزرگداشت هر چه باشکوهتر جشن میلاد امام زمان «ارواح العالمین له الفداء» به هر نحوی بکار می‌آید جمع‌آوری گردیده است که وجوه وسائل یاد شده از طریق کمکهای مردمی که جهت بزرگداشت جشن نیمه شعبان جمع‌آوری میگردد، پرداخت شده است
 «۱» آیا اجازه میدهید از وسائل مذکور در غیر بزرگداشت جشن نیمه شعبان مثلاً در برپائی ایام موالید ائمه اطهار «علیهم السلام»، غدیر و محافل قرآنی ایام شهادت معصومین و مراسم ملی در این مسجد استفاده گردد؟
 «۲» گاهی بعضی از مساجد و مراکز مختلف بجهت نیازشان از وسایل یاد شده طلب مینمایند، در این مورد نیز حکم شرعی را بیان فرمائید.

ج

- «۱ و ۲» در هر دو مورد میزان نظر کمک کنندگان است و اگر دسترسی به آنها بعلت عدم شناخت آنها یا هر جهت دیگری ممکن نباشد فقط باید در مراسم بزرگداشت نیمه شعبان از آنها در همان مسجد استفاده شود بلی بقرینه حال مؤمنین میتوان شمول نظر آنها را نسبت به موالید سائر ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین و عید سعید غدیر و مراسم سوگواری و روزهای شهادت آن بزرگواران که در آن مسجد برگزار می‌شود استفاده نمود ولی به هر حال در غیر این موارد اسلامی و مذهبی استفاده از آنها جایز نیست.

س ۹۱۰

اشاره

- آیا اساسی که وقف مسجد شد برای جشن عروسی یا جشنهای دیگر می‌شود استفاده کرد؟

ج

- با فرض اینکه اثاث وقف مسجد شده استفاده از آن در جشن عروسی

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۳

جایز نیست بلی اگر جشن مذهبی جهت تولد ائمه: و مانند آن در مسجد برگزار شود استفاده از اثاث مسجد اگر وقف به جهت خاصی نباشد مانعی ندارد. و الله العالم

س ۹۱۱

اشاره

- آیا فرش یا موکت مسجد را جهت استفاده در منزل برای مجالس ختم یا عروسی و غیره میتوان از مسجد خارج نمود یا خیر و آیا خادم مسجد چنین اجازه ای را برای آن کار دارد یا خیر؟

ج

- بطور کلی استفاده از فرش و سایر لوازم مسجد در خارج از مسجد جایز نیست و خادم مسجد حق ندارد با خارج کردن لوازم از مسجد موافقت نماید.

س ۹۱۲

اشاره

- با مرور زمان وسائلی در مسجد جمع شده که از مایحتاج آن اضافه است آیا می‌شود آن وسایل قبلی را فروخت و با پول آن وسایل مورد نیاز دیگر را خریداری نمود؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه عین وسایل مذکور در آن مسجد و لو در زمان آینده قابل استفاده نباشد باید عین آنها را بدهند که در مسجد دیگر از عین آنها استفاده نمایند و اگر در هیچ مسجدی قابل استفاده نباشند مجازید آنها را بفروشید و وسایل دیگری از نوع آن وسایل جهت همان مسجد تهیه نمایید بلی اگر بتوانند به تناوب از آنها استفاده کنند یعنی گاهی از قسمتی از آنها و گاهی از قسمت دیگر باید نگهدارند و حق فروش یا دادن به مسجد دیگر را ندارند. و الله العالم

س ۹۱۳

اشاره

- مجلس فاتحه که در مسجد برگزار می‌شود آیا از استکانها و میکروفون و بلندگو و قالی مسجد می‌شود استفاده کرد و آیا مسجد می‌تواند از آنها اجرت بگیرد؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه وسائل مذکور باین نحو وقف شده باشد که در مسجد از آنها استفاده شود و لو بعنوان مجلس فاتحه اشکال ندارد لکن بهای برق مصرف شده را صاحب مجلس باید بدهد و اگر وقف بنحوی بوده که شامل مجالس فاتحه نمیشده استفاده از آن برای مجالس فاتحه جائز نیست هر چند بعنوان اجرت مبلغی از صاحب مجلس بگیرند.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۴

تبدیل و تخریب مسجد

س ۹۱۴

اشاره

- مسجدی است در شهرستان یزد به طول و عرض ۵*۵ مسجد قدیمی بوده و در زیر زمین واقع شده بطوری که سقف قسمتی از آن با کف کوچه همسان است. به دلیل اینکه بد مسیر بوده و انصافاً موجبات محرومیت اهالی شده و مورد بی توجهی کامل قرار گرفته بود و نزدیک به ۱۵ سال متروکه و محل ارتکاب انواع کارهای خلاف شرع و اخلاق (از قبیل اعتیاد، مسائل اخلاقی مفسده‌دار و مخفیگاه دزدان) گشته بود در سال ۱۳۷۰ با همت ۴ نفر از جوانان محل تعمیر جزئی و افتتاح گردید که تا کنون نماز جماعت و دعای ندبه و جلسات قرآن در آن برپاست لکن چون مسجد تقریباً به صورت مخروبه درآمده است و ترکهای متعدد دارد و از طرفی فاقد دستشویی و توالت و فضای مناسب می‌باشد با تلاش پیگیر، زمینی در حدود ۴۰۰ متر مربع چسبیده به محل مسجد تهیه شده است اکنون می‌خواهیم چنانچه شرع مقدس اجازه دهد قسمتی از مسجد را به کوچه بیفزائیم تا هم برای مسجد بهتر شود و هم برای اهالی رفع مشکل شود. و در مقابل چند برابر به وسعت مسجد افزوده و با یاری خداوند متعال یک مجموعه فرهنگی جامع که مورد رضای حضرت مهدی (ع) باشد ایجاد نمائیم بدیهی است ضمن مساعدت همه جانبه حضرت عالی در این زمینه، ما نیز در مقابل شرع مقدس خاضع و فرمانبرداریم.

ج

- خداوند به شما در مقابل خدماتی که کرده‌اید پاداش مضاعف عنایت فرموده و شما را همیشه به امور خیر موفق بدارد و البته کار

خیر کاری است که در نظر شرع مقدس خیر محسوب شود ترمیم بعضی نواقص مسجد مذکور، و ضمیمه نمودن زمین مجاور به آن همه خیر است ولی مسجد تا ابد مسجد است و قابل تبدیل نیست حتی نسبت بمقدار بسیار مختصر بنابراین جایز نیست چیزی از آن به کوچه افزوده شود ان شاء الله همیشه موفق باشید.

س ۹۱۵

اشاره

- شخصی زمینی جهت مسجد واگذار نموده و صیغه عربی جاری نشد و به اندازه دو متر دیوار مسجد ساخته شد اما هنوز مسجدیت بر آن ثابت نشد اتفاقاً جایش بسیار ناهموار است حتی جائی واقع شد که زباله‌های همسایگان در آن ریخته میشود آیا میشود این مسجد را بفروشد و جای مناسبی جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۵ دیگر برای آن مسجد مشخص کند لطفاً جواب را مرقوم فرمائید تا اینکه اهالی محله بدون مسجد نمانند.

ج

- در فرض سؤال، که زمین را جهت مسجد در اختیار مؤمنین قرار داده و مقداری هم از دیوار مسجد بنا شده فروش و تبدیل آن محل اشکال است و لو اینکه هنوز نمازی بعنوان مسجد در آن محل خوانده نشده باشد.

س ۹۱۶

اشاره

- مسجدی چندین سال می‌باشد که ساخته شده فعلاً می‌خواهند مقداری از مسجد به حیاط و مقداری را هم به کوچه بدهند آیا صحیح است یا اشکال دارد؟

ج

- آنچه بعنوان مسجد ساخته شده و در اختیار مردم بوده و در آن نماز خوانده‌اند واگذاری آن به کوچه و یا حیاط مسجد جائز نیست.

س ۹۱۷

اشاره

- مسجدی در این محل بوده قدیمی و با خشت و گل ساخته شده بود و در حال حاضر بکلی خراب شده و مسجدی نیز در محل وجود ندارد و در ضمن مسجد محل کوچک بوده و از طرفی اشخاص خیری زمین خوب برای ساختمان مسجد واگذار کرده‌اند که برای ساختمان مسجد خیلی مناسب‌تر از جای قبلی است.

سؤال از محضر مبارک این است که آیا اجازه میفرمائید که مسجد در زمین مناسب‌تر ساخته شود و چون هزینه ساختمان تقریباً سنگین است لااقل در زمین مناسب‌تر ساخته شود؟

ج

- مسجد قبلی و لو خراب شده باشد از مسجد بودن خارج نمیشود سزاوار است اهالی محترم همان مسجد قبلی را تعمیر کنند البته بزرگ نمودن آن مسجد اگر محل دارد و همچنین ساختمان مسجد دیگر مانعی ندارد.

س ۹۱۸

اشاره

- روستای ما بیش از سه هزار جمعیت دارد و فعلاً شش مسجد وجود دارد، شخصی زمینی را وقف مسجد کرده و الآن هم به آن مسجد نیازی نیست و اطراف آن زمین مذکور هم دیواری کشیده نشد و نمازی هم در آن خوانده نشد و فعلاً محل رفت و آمد و ریختن زباله شده و در ضمن آن شخصی که این زمین را وقف کرده از دنیا رفته، سؤال ما این است. آیا اجازه میدهید آن زمین را جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۶

بفروشیم؟ و اگر اجازه فروش دادید آیا پولش را می‌توانیم خرج عمران روستا از جمله آسفالت کنیم؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه در زمین مذکور بعنوان مسجدیت آن محلّ نمازی خوانده شده و یا اگر نماز خوانده نشده مسلمین آن زمین را از واقف بعنوان زمین مسجد تحویل گرفته و دور زمین دیوار مختصری و یا علامت دیگری قرار داده باشند فروش و تبدیل آن جائز نیست ولی اگر نمازی در آن محلّ بعنوان مسجد خوانده نشده و مسلمین هم بنحو مذکور آن را تحویل نگرفته‌اند قبض محقق نشده و وقف باطل است و زمین متعلّق بورثه واقف زمین است میتوانند بفروشند و پول آن را در هر موردی که خواستند مصرف کنند.

س ۹۱۹

اشاره

- زمینی را صیغه وقف خوانده‌اند برای مسجد و فعلاً بصورت مسجد می‌باشد و تقریباً شانزده متر از آن زمین بر خیابان می‌باشد و مناسب یک باب مغازه می‌باشد از جهتی هم این مسجد موقوفه ندارد آیا برای هزینه حقوق خادم و آب و برق و گاز اجازه می‌فرمائید این زمین مغازه شود و مال الاجاره آن را برای تأمین هزینه مسجد بمصرف برسانند؟

ج

- در فرض مذکور تبدیل زمین مسجد به مغازه جائز نیست.

س ۹۲۰

اشاره

- در روستائی آرامنه زندگی میکردند زمانی که از آنجا رفتند مسلمانان آنجا را خریدند و ساکن شدند و کلیسای آنها را به مسجد تبدیل کردند حالا شخصی حاضر شده آن مسجد را خریداری کند و جای آن را منزل مسکونی بسازد برای خودش و با پول آن در جای دیگری مسجد بسازند و مردم هم کمک می‌کنند حالا بفرمائید:

۱- زندگی کردن در آن منزلی که در جای مسجد ساخته شده است آیا جایز و صحیح است یا خیر؟

۲- نماز خواندن در آن مسجدی که با پول آن مسجد اولی ساخته شده است صحیح میباشد یا خیر؟

ج

۱ و ۲- در فرض سؤال که کلیسا را قبلاً خریداری و تبدیل به مسجد نموده‌اند دیگر خرید و فروش و تبدیل آن بخانه و غیره جائز نیست یعنی کلیسای قبلی فعلاً مسجد است و احکام مسجد بر آن مرتب است مثلاً تنجیس آن و توقف جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۷

جنب در آن حرام است و منزل کردن آنجا غضب و حرام است و نماز خواندن در محلی که با پول مسجد قبلی خریدار شده و مسجد ساخته شده اگر معامله بصورت عین به عین بوده معامله باطل و نماز خواندن در آنجا اشکال دارد ولی اگر معامله بدمه بوده نماز اشکال ندارد.

س ۹۲۱

اشاره

- چنانچه چند نفر به علت عدم توجه به مسأله شرعی مسجدی را به بهانه تعریض خیابان بکلی خراب کرده باشند و حال آنکه بودن مسجد ضروری به خیابان نداشته اکنون وظیفه آن چند نفر و سایر مسلمانان نسبت به زمین و مصالح آن مسجد چیست؟

ج

- حکم مسأله واضح است تخریب مسجد مذکور جایز نبوده، کسانی که مسجد را تخریب نموده‌اند باید دوباره مسجد را بسازند و زمین آن هم و لو ساختمان آن تخریب شده باشد حکم مسجد را دارد و تنجیس آن حرام است و همچنین سایر احکام مسجد بر آن مرتب می‌شود. و الله العالم

س ۹۲۲

اشاره

- تخریب بعضی از مساجد به علت واقع شدن آنها در عقب‌نشینی خیابان به نظر حضرت‌عالی جایز است؟

ج

- تخریب مسجد جایز نیست. و الله العالم

س ۹۲۳

اشاره

- مسجدی وقف در زمین وقف است آیا می‌شود آن را به حسیّته تبدیل کرد و اگر قابل تبدیل باشد آیا احکام مسجدیت از بین می‌رود یا خیر؟

ج

- تبدیل مسجد به حسیّته جائز نیست و احکام مسجد باقی است.

س ۹۲۴

اشاره

- عکس مسأله بالا چطور است حسیّته موقوفه در زمین موقوفه را به مسجد تبدیل کرد؟

ج

- تبدیل حسیته نیز به مسجد جائز نیست.

س ۹۲۵

اشاره

- اطاق مخروبه‌ای است کنار نهر آب که آنجا غسلخانه بوده و برای رفع سرما و گرما اطاقی ساخته بودند بعد از مدتی در لسان بعضی‌ها گفته شده مسجد بابائی و مدتی داخل آن کوزه‌گری می‌کردند و گاهی هم محل بلیطفروشی شده و استفاده مسجدیت نداشته با این سابقه آیا می‌شود این اطاق جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۸ مخروبه را فروخت و بمصرف مسجد دیگری در آورد یا خیر؟

ج

- از وضع اطاق مذکور اطلاعی نداریم بطور کلی اگر مسجد باشد قابل فروش نیست و همچنین اگر وقف باشد و مجوز شرعی برای فروش آن نباشد و شهرت محلی برای اثبات وقفیت کافی است.

انجام کارهای متفرقه در مسجد

س ۹۲۶

اشاره

- آیا در اطاقهای مربوط به مسجد، دائر کردن کلاسهای آموزشی علوم جدید توسط معلمان و مربیان مسلمان و مؤمن با رعایت شئونات مسجد جایز است یا نه؟

ج

- اطاقهایی که از مرافق مسجد است و برای جهات و نیازهای مربوط به مسجد وقف شده باید برای همان جهات استفاده شود الوقوف حسب ما یوقفها اهلها. و الله العالم

س ۹۲۷

اشاره

- تعدادی دست به کار شدند و با جمع‌آوری اعانه از مردم محل و مؤمنین مسجدی را بنا نموده‌اند الحال مسجد تکمیل است و نماز جماعت همیشه در طول سال اقامه میگردد و در کنار نماز جماعت فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی و دینی نیز انجام میشود به سرپرستی امام جماعت مسجد محل، و حالا آن افرادی که در بنا مسجد شرکت کرده بودند مانع فعالیت‌های فرهنگی دینی در مسجد هستند افرادی خاص میباشند که ادعا می‌کنند مسئولیت مسجد متعلق به آنها میباشد از حضرت‌عالی تمنا دارم بفرمائید آیا صحیح است نماز خواندن در آن مسجد یا خیر؟ و آیا امام جماعت میتواند در امر هیئت امنا و تعیین یا برکناری آنها دخالت نماید؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه فعالیت‌های مذکور بر خلاف شرع نباشد و مزاحمت با اقامه نماز و شئون کلی مسجد نداشته باشد مانع ندارد و در هر حال نماز در آنجا بی‌اشکال است و نسبت به تعیین یا برکناری امنا، موارد مختلف است و بطور کلی امور مسجد قابل اختصاص به اشخاص معین نیست.

س ۹۲۸

اشاره

- نظر مبارک شما پیرامون نمایش فیلم و برگزاری کلاسهای آموزش جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۶۹

ورزشهای رزمی و کاراته جهت جذب نوجوانان به سمت مساجد علاوه بر تدریس قرآن و احکام چیست؟

ج

- اگر معرض ایذاء و یا مجروح نمودن دیگری و یا آنچه دیه دارد مانند سیاه شدن یا سرخ یا کبود شدن عضو نباشد فی حد نفسه اشکال ندارد ولی اجرای این برنامه‌ها در مساجد اگر موجب گریز مردم از مسجد نشود سبب جذب واقعی اشخاص به مسجد نمی‌شود. و الله العالم

س ۹۲۹

اشاره

- مسجد جامع جهرم دارای شبستانی قدیمی است که از ۱۳ آن بعنوان انبار مسجد استفاده میشود و دو قسمت دیگر آن استفاده مؤثری نمیشود و درب آن بسته است در این مسجد پایگاه مقاومتی دارای یکصد نفر جوان فعال بسیجی وجود دارد که به سبب نبودن جا اجرای برنامه‌های پایگاه (شامل برنامه‌های فرهنگی، عقیدتی، سیاسی، مذهبی، نظامی، فوق برنامه و تقویتی) و کلاس‌های

مربوطه با مشکل مواجه است. حال با توجه به مراتب فوق این سؤال مطرح است که:

- ۱- آیا امکان اینکه دو قسمت دیگر شبستان مسجد در اختیار پایگاه مسجد قرار بگیرد، هست یا خیر؟
- ۲- از شبستان مسجد میتوان بعنوان اجرای برنامه‌های فرهنگی، مذهبی، عقیدتی سیاسی و نظامی و فوق برنامه استفاده کرد یا خیر؟
- ۳- در صورت مثبت بودن جواب‌های فوق آیا امکان دارد بمنظور استفاده بهینه از شبستان آنجا را با تیغه‌های آجری به قسمت‌های مختلف جهت کلاسهای یاد شده تقسیم نمود یا خیر؟

ج

- مسجد پایگاه عموم مسلمانان برای عبادت و خداپرستی و معبد عام و مرکز و محل حضور و اجتماع همگان برای نماز و اداء جمعه و جماعات و تبلیغ اسلام و بیان معارف و احکام و تکالیف آنان است تعلیم و تعلم فرهنگ و عقیده و اصول و فروع دین و مذهب و هدایت‌های اخلاقی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی همه در پرتو تعالیم اسلامی از صدر اسلام و بوسیله شخص پیغمبر اسلام (ص) در مسجد برقرار گردیده و تشکیل حلقات و حوزه‌های درس تا امروز هم در مساجد ادامه دارد، ولی در بنیاد مساجد آنچه اصل و جامع تمام این فوائد است نماز و اقامه جمعه و جماعات است باید اجراء برنامه‌های دیگر مزاحم جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۰

با این برنامه و سبب کم رنگی آن نشود تدریس و تعلیم قرآن مجید و معارف اسلام و رسیدگی بامور مسلمانان و جمع‌آوری اعانات و تعظیم شعائر و جلسات خیریه و همکاری‌های بسیجی و امر بمعروف و نهی از نمکر و کارهای دیگر از این قبیل مربوط به شئون اسلام و اصلاح امور مسلمین همه در مسجد بشرط عدم مزاحمت با اقامه نماز و عدم تغییر عنوان مسجد و عدم اختصاص کل یا بعض آن بگروه معین، یا اقدام خاص مانع ندارد ولی تصرف مسجد و اختصاص آن بعنوان مرکز درس یا کلاس رسمی هر چند درس قرآن باشد یا مرکز خیرات و اعانه‌رسانی یا پایگاه بسیج و جهاد که در حیطه خاص این امور قرار بگیرد جایز نیست. و الله العالم.

س ۹۳۰

اشاره

- در یک مسجد دو باب حجره به همیاری مردم و مؤمنین برای وسائل و ضروریات مسجد در صحن مسجد ساخته‌ایم آیا می‌توانم اثاثیه مسجد را خارج و پایگاه بسیج نمایم؟

ج

- در مورد سؤال خارج کردن اثاثیه مسجد از حجره‌های مذکور و هرگونه تصرف در آن در غیر جهت وقف جایز نیست در صورت نیاز مناسب است مردم و یا مسئولین اقدام کنند و محلی برای پایگاه بسیج تهیه نمایند.

س ۹۳۱

اشاره

- زمینی را وقف مسجد نموده‌اند زیر زمین مسجد ساخته شده است هنوز همکف ساخته نشده است در ضمن محل نیاز به کتابخانه هم دارد و از طرف دیگر درخواست نموده‌اند برای کانون فرهنگی و ورزشی آیا جهت اجاره دادن به کانون درست است یا خیر؟

ج

- زیر زمین مسجد حکم مسجد را دارد و اجاره دادن آن صحیح نیست و بطور کلی استفاده از موقوفه در غیر عنوانی که برای آن وقف شده مطلقاً جائز نیست.

س ۹۳۲**اشاره**

- این جانب زمینی واقع در کوی پاسداران جهت مسجد واگذار کردم و گفتم به شرط اینکه در این زمین پایگاه بسیج زده نشود زمین را برای مسجد می‌دهم و الا نمی‌دهم آیا بسیج سپاه می‌تواند بدون رضایت در این مسجد پایگاه بزند؟

ج

- احداث پایگاه در زمین واگذار شده برای مسجد جایز نیست.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۱

س ۹۳۳**اشاره**

- رسم است مجالس ترحیم در مساجد برگزار میشود و اگر مجلس ترحیم مزاحم نمازگزاران و یا کسانی که بنوافل و تعقیب اشتغال دارند بشود آیا برگزاری مجلس ترحیم شرعاً چه صورت دارد؟

ج

- حرام است.

مسائل متفرقه مسجد

س ۹۳۴

اشاره

- در حدود چهارصد سال پیش شخصی مسجدی را بنام خود بنیان گذاشته و تولیت آن را نسلماً بعد نسل به فرزندان ذکور سپرده از آن زمان تاکنون تمام امورات مسجد حتی تعیین امام جماعت مسجد بعهدہ نایب التولیه بوده است و امام جماعت مسجد هیچ گونه دخالتی در امورات مسجد نداشته است. در حدود ۱۰ سال پیش قسمت اعظم مسجد بصورت مخروبه درآمده و با کمک اهالی محل بازسازی گردیده آیا اکنون که مسجد توسط اهالی محل بازسازی شده نایب التولیه می‌تواند خود به تنهایی هیئت امناء تعیین و در امورات مسجد همچون قبل دخالت نماید؟

ضمناً جهت برگزاری مجالس ترحیم مبالغی بی حساب بعنوان کمک به مسجد دریافت می‌شود با توجه به مسأله فوق الذکر نظر مبارک حضرتعالی چیست؟

ج

- در امور مربوط به حفظ شئون و عمران مسجد همه مؤمنین مساویند و اختصاص به شخص خاصی ندارد و نماینده واقف حق منع دیگران را ندارد بلی اگر برای مسجد موقوفاتی باشد باید زیر نظر متولی منصوص که از طرف واقف معین شده بمصرف برسد و برگزاری مراسم ترحیم در صورتی در مسجد جایز است که مضرّ بمسجد و مانع نماز در آن نباشد توصیه می‌شود که مؤمنین و فرزندان واقف مسجد همه با هماهنگی و وحدت نظر عمل کنند و از اختلاف نظر جداً پرهیز نمایند. و الله العالم.

س ۹۳۵

اشاره

- مسجدی است از قدیم الایام به نام شخص معروفی و در آن مسجد نماز جماعت و عزاداری حضرت سید الشهداء (ع) برگزار می‌گردد اکنون با بازسازی آن می‌توان نام آن را تغییر داد؟

ج

- مقتضی است مؤمنین از تغییر نام مسجد و حسینیه که موجب فراموش

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۲

شدن نام بانی اولی است خودداری کنند تا افراد خیر بی‌رغبت نشوند و با باقی گذاشتن نام افراد خیر موجبات تشویق مؤمنین به تأسیس بناهای خیر و عام المنفعه را فراهم نمایند. و الله العالم

س ۹۳۶

اشاره

- آیا می‌توان در یک مسجد وضو گرفت و در مسجدی دیگر نماز خواند؟

ج

- مربوط به کیفیت وقف محلّ وضوء مسجد است.

س ۹۳۷

اشاره

- حکم رفتن به مسجد جامع و وا گذاشتن مسجد محل را بیان فرمائید.

ج

- نماز در مسجد جامع افضل از مسجد محل است ولی ملاحظه تعطیل نشدن مسجد محل نیز موجب مزید اجر نماز در آن است.

س ۹۳۸

اشاره

- شخصی در کنار منزلش مسجد است نماز جماعت هم در آن برگزار می‌شود ولی این شخص به مسجد دیگری می‌رود آیا این عمل او باعث بی‌حرمتی به مسجد نزدیک به منزلش محسوب نمی‌شود؟

ج

- فی نفسه نماز در آن مسجد برای همسایه مسجد اولی و مستحب مؤکد است و بدون جهت رجحان مسجد دیگر، ترک آن سزاوار نیست این در صورتی است که مسأله جهت خودمان باشد ولی اگر برای عمل شخص دیگر است اعتراض به او یا پرسش از علت عمل او موجه نیست.

س ۹۳۹

اشاره

- مساجدی است که در ملاء عام نیست و در کوچه پس کوچه می‌باشد گاهی صدها هزار تومان خرج کاشی و محراب و مناره آن می‌شود آیا این کار صحیح است؟

ج

- موارد مختلف است هرگاه در نظر عرف زیاده روی نباشد اشکال ندارد و با شکوه بودن مساجد فی الجمله موجب تعظیم شعائر و ظهور شوکت اسلام است. و الله العالم

س ۹۴۰

اشاره

- مسجدی در زمین مشاعی که بین مالکین مسلمان و ارمنی است بنا شده با اجازه خودشان اما شخص اهل کتاب مراسم ختم پدرش را در مسجد مسلمان برگزار نموده است و واعظ مسلمان در آن مجلس سخنرانی نموده و خود ایشان هم در مجلس حضور داشته است و ضمناً در مراسم مسلمین که در جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۳ مسجد منعقد میشود شرکت میکند آیا حضور شخص ارمنی در مسجد هتک مقام مسجد محسوب میشود یا خیر؟

ج

- دخول اهل کتاب بمسجد جایز نیست چه برای برگزاری مراسم باشد و چه غیر آن و خوب است چنین شخصی اسلام اختیار کند تا از همه مزایای اسلام بهره‌مند شود.

س ۹۴۱

اشاره

- مسجدی را به عنوان مقاطعه به پیمانکاری دادند که بسازد پیمانکار قسمتی از ساختمان مسجد را به شخص مسیحی که تمام کارگران او هم مسیحی هستند واگذار کرده است آیا دخول مسیحی به مسجد و کار کردن آنها مجوز شرعی دارد یا نه؟

ج

- ورود غیر مسلم به مسجد جایز نیست در فرض سؤال کار را تعطیل نمایند و ظاهر بنایی که غیر مسلم با آن تماس داشته احتیاطاً تطهیر نمایند. خداوند همه را از شرور و فتن آخر الزمان محفوظ بدارد. و الله العالم

س ۹۴۲

اشاره

- آیا بلند کردن صدای اذان از مسجد خصوصاً اذان صبح در صورتی که همسایگان مسجد اعتراض می‌کنند و اظهار می‌کنند صدای اذان موجب آزار و اذیت آنها می‌شود جایز است یا نه؟

ج

- از بلندگو اگر موجب اذیت و آزار همسایگان است در اذان صبح استفاده نکنند اما مستحب است که مؤذن صدایش بلند باشد مع ذلک به این آیه کریمه توجه داشته باشند «و إذا ذکر الله وحده اشمأزت قلوب الذين لا يؤمنون بالآخرة و إذا ذکر الذين من دونه اذا هم يستبشرون» حکایتی از حضرت ابراهیم خلیل علی نبینا و آله و علیه السلام نقل می‌کنند که برای آنکه بانگ دلنواز سبوح قدوس رب الملائکة و الروح را بشنود عاقبت همه گوسفندان خود را بخشید.

س ۹۴۳

اشاره

- مسجدی وصل به مدرسه دینی طلاب می‌باشد و مدرسه دارای سالنی است که تمام وقت مسجدها از آن استفاده می‌کنند و می‌گویند چندان مورد نیاز طلاب نیست و بعلت قفل بودن مورد بهره‌برداری طلاب قرار نمی‌گیرد آیا استفاده اهل مسجد جایز است یا خیر؟

ج

- چنانچه استفاده اهل مسجد از آن مزاحم با استفاده طلاب از آن نباشد و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۴

موجب نشود که به مرور زمان جزء مرافق مسجد شود استفاده اهل مسجد از آن اشکال ندارد.

س ۹۴۴

اشاره

- مساجد از موقوفات عامه مسلمین است با تزئین مساجد درب‌های مسجد اکثراً بسته است آیا ممانعت از بهره‌برداری موقوفات عامه گناه نیست؟

ج

- جمع بین مقاصد صحیح در مورد مساجد این است که برای مساجدی که در تمام ساعات یا اوقات نماز معرض مراجعه مؤمنین برای نماز و عبادت است خادم معین شود تا هم برای استفاده نمازگزاران آماده باشد و هم از هتک احترام و بعضی اعمال خلاف شئون مسجد محفوظ باشد.

س ۹۴۵

اشاره

- آیا کسانی که مثل شب عاشورا برای تهیه غذای ظهر عاشورا در مسجد کار می‌کنند شب خسته می‌شوند و آخر شب کارها سبک می‌شود می‌توانند در مسجد استراحت یا احیاناً بخوابند؟

ج

- خوابیدن در مسجد کراهت دارد ولی حرام نیست. و الله العالم

مدارس علمیه

س ۹۴۶

اشاره

- آیا از درآمد موقوفاتی که اختصاص به اداره حوزه علمیه دارد علاوه بر حق التدریس اساتید می‌توان مصرف هزینه‌های جنبی بمانند آب و برق و سرویس ایاب و ذهاب اساتید و حقوق خدمتگزار و غیره که لازم و ملزوم یکدیگرند نمود؟

ج

- به طور کلی عواید موقوفه باید در مواردی که واقف معلوم کرده صرف شود و چون ترتیبات مقرر در موقوفات یکسان نیست اظهار نظر کلی در آن میسر نمی‌باشد باید در هر مورد با ملاحظه وقفنامه اظهار نظر شود. و الله العالم.

س ۹۴۷

اشاره

- آیا تشکیل جلسه درس طلاب علوم دینی در اطاقی از حسینیه جایز است یا نه؟

ج

- با فرض عدم مزاحمت با مراسم عزاداری مانعی ندارد.

س ۹۴۸

اشاره

- شخصی که در محل عمومی تدریس می‌کند و رضایت شرکت

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۵

بعضی از افراد را درس خود ندارد و شخصی را شخصاً از آمدن و شرکت در درسش نهی می‌کند آیا این نهی حرمت تکلیفی بر آن فرد دارد یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه تدریس برای استفاده عموم بلامانع باشد شرکت شخص مفروض در مجلس درس اشکال ندارد.

س ۹۴۹

اشاره

- آیا استفاده اندک از حجرات و معطل کردن آن در بخش عمده ایام با توجه به نیاز طلاب به این حجرات، جایز است یا خیر؟ آیا صرف سابقه حضور در حجره‌ای مجوز بسته نگاه داشتن یا استفاده ناچیز (یکی دو ساعت در روز) و محروم کردن طلاب بدون حجره از استفاده شبانه روزی می‌باشد یا نه؟

ج

- اگر در وقف کیفیتی و ترتیب خاصی برای استفاده از حجرات مدرسه معین شده باشد همان کیفیت و برنامه برای باید معمول گردد، و هم چنین اگر از گذشته سیره بر استفاده بنحو خاصی مستقر بوده مثل آنکه بعضی از علماء و فضلاء با وجود نیاز طلاب حجره خاصی اختصاصی برای تدریس و مباحثه داشته باشند، فعلاً نیز همان سیره در همان محدوده قابل اجراء است و اگر کسی باین صورت حجره داشته باشد مزاحمت با او جائز نیست و ظاهراً این برنامه را که با این عنوان که بزرگان و افراد مهذب در مدرسه آمد و شد داشته باشند، متولیان در هر زمان به مصلحت وقف و لازم میدانستند، و در واقع نظارت ایشان را بر امور اخلاقی طلاب جلب

میکردند، مع ذلک چون مدارس در سابق و بیشتر در زمان حال برای اسکان طلاب وقف شده در صورتی که کیفیتی جهت اداره آنها معین نشده باشد، باید متولی جهت نیاز طلاب را بحجره و سکونت در مدرسه رعایت نماید و بدون مصلحت مرقوم صرفاً بعنوان مباحثه و تدریس، کسی مزاحم سکونت طلاب در حجرات نشود، علی هذا ظاهر این است که در مورد مدارس قسم دوم اختصاص حجره بمجرد تدریس و مباحثه منوط بنظر و صلاحدید متولی منصوص یا منصوب از طرف فقیه میباشد.

س ۹۵۰

اشاره

- در صورت عدم مراجعه ساکنین قبلی حجرات برای تخلیه و بردن وسایل خود، حکم کتب و سائر وسایل آنان چه می باشد؟

ج

- اگر با اعلام و اخطار و سلب مسئولیت در موعد مقرر برای تحویل گرفتن کتب و وسایل خود نیامد با نظر متولی شرعی وسایل و اثاث ساکن قبلی جمع میشود و در محل مناسبی برای او نگهداری میشود.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۶

س ۹۵۱

اشاره

- اگر مدرسه‌ای متولی خاص یا عام نداشته باشد تکلیف استفاده طلاب از حجرات آن چگونه است؟

ج

- اگر متولی منصوص نداشته باشد یا مجهول التولیه باشد تولیت آن با مجتهد جامع الشرائط است و در نحوه استفاده طلاب به سیره‌ای که معمول بوده عمل شود.

س ۹۵۲

اشاره

- اگر مدرسه مخروبه‌ای از محل وجوهات شرعیّه زیر نظر فرد مأذون از سوی مجتهد جامع الشرائط تعمیر شود، فرد ناظر بر صرف وجوهات نسبت به این مدرسه و نحوه استفاده آن جهت طلاب تولیت عام یا خاص پیدا می کند و آیا اصولاً حقی پیدا می کند مبنی بر اینکه مانع از استفاده طلابی گردد که برای سکونت خود جائی ندارند و مجبورند شبها را در مسجد یا خانه استیجاری بسر برند؟

ج

- امر آن با مجتهد جامع الشرائط است اگر فرد ناظر خود مجتهد باشد یا از طرف مجتهد مأذون در تصرف باشد و امر مدرسه زیر نظر او باشد در اداره مدرسه مزاحمت با او جایز نیست و کیفیت استفاده تابع مقررات وقف است.

قبرستان

س ۹۵۳

اشاره

- اینکه مکروه است زن به قبرستان برود آیا هنگام تشییع و دفن است یا همیشه حتی شبهای جمعه را هم شامل می‌شود؟

ج

- آنچه مکروه است شرکت زنان در تشییع جنازه است بنابراین مورد سؤال مکروه نیست بلکه رجحان دارد.

س ۹۵۴

اشاره

- قبرستانی است موقوفه قبور آن مندرس شده آیا می‌شود به جای آن قبور دوباره اموات جدید دفن کرد؟

ج

- اگر جنازه قبلی بکلی از بین رفته باشد حتی استخوانهای آن هم بکلی از بین رفته باشد مانعی ندارد و الا جائز نیست.

س ۹۵۵

اشاره

- مکانی است در روستای اسلام‌آباد که از قدیم می‌گویند قسمتی از آن مسجد بوده که به مرور ایام به صورت مخروبه در آمده و اطراف آن قبرستان مسلمین بوده است. اکنون عده‌ای مسجد را توسعه داده و تجدید بنا کرده‌اند.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۷

سؤال اهالی این است که نماز خواندن در این مکان که قسمتی از آن به روایت قدیمی‌ها مسجد بوده و قسمتی از آن با تصرف در قبرستان و نبش قبور به دست آمده، چه حکمی دارد؟

ج

- اگر چه تخریب و نبش قبور مؤمنین و تبدیل آن به مسجد جایز نیست لکن نماز خواندن در محلّ مذکور فعلاً اشکال ندارد. و الله

العالم

خرید و فروش قبر

س ۹۵۶

اشاره

- چه می‌فرمائید در مورد اینکه فردی برای خود و همسرش در بلد طیبه قم قبر خریداری نموده پس از مدتی خودش در طبقه زیرین آن دفن گردید و پس از مدتی در طبقه فوقانی آن که مال همسرش بود اشتبهاً شخص دیگری دفن گردیده که حالا صاحب قبر و تنها وارث آنان که دو دختر می‌باشد راضی نیستند و اصرار دارند که جنازه باید از قبر آنان در آورده شود؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه قبری که خریده ملک شخصی بوده باید جسد میت خارج شود و در جای دیگر مدفون شود و اگر قبر در ملک وقفی بوده چون خرید و فروش آن جایز نیست دختران متوفی حقی نسبت به آن ندارند و جایز نیست جسد میت مدفون در آنجا از قبر خارج شود.

س ۹۵۷

اشاره

- قبرستانی وقف شده که عموم مسلمین در آن دفن شوند اگر کسی بخواهد قبر خود را در آنجا معین کند که هر وقت فوت شد بخاک سپرده شود در صورتی که منع کند که دیگری در آن مکان معین دفن گردد آیا جایز است یا نه؟

ج

- محلی که برای عموم وقف شده کسی نمیتواند بخود اختصاص دهد و مانع دفن دیگران شود.

س ۹۵۸

اشاره

- زمینی خریداری شده بعنوان دفن اموات سپس در آن زمین قبر درست کرده‌اند میگویند این مکان دفن مثلاً پنجاه هزار تومان و مکان دیگر صد هزار تومان این مبلغ را هم باید بعنوان هزینه قبرستان بدهی صاحب عزا میگوید خودم میت را در یک گوشه‌ای دفن میکنم مبلغی نیز بشما می‌دهم این عمل مشروع هست یا خیر؟

ج

- زمینی که بعنوان قبرستان وقف شده باشد پول گرفتن برای دفن میت در آن

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۸

و نیز پول گرفتن در مقابل غسل میت در آن جایز نیست بلی اگر پولی بعنوان کندن قبر یا مقدمات غسل بگیرند اشکال ندارد البته مقتضی است اجحاف نشود و بصورت فعلی که در فلان موضع فلان مبلغ در فلان جا فلان مبلغ عمل نشود.

س ۹۵۹

اشاره

- موکلم دارای بقعه در قبرستان بوده و به نام آرامگاه خاندان آنها ثبت و در اداره اوقاف نیز دارای پرونده و سابقه می باشد در چند سال قبل این بقعه در حال تخریب بوده با اعلام کتبی اداره اوقاف به عنوان حقیر ساختمان بقعه تجدید بنا و با هزینه گراف از بودجه موکلم بازسازی و مرمت شد و برابر اعلام اداره اوقاف و موافقت صاحب بقعه درب آن جهت مباحثات علمی طلاب باز گذارده شد. شخصی بدون اطلاع مالک دو فقره قبر از اداره اوقاف داخل بقعه خریداری و پدر و مادر خود را در آن مکان دفن نموده لذا صاحب بقعه عدم رضایت خود را اعلام و نسبت به غصبی بودن محل توسط حقیر به وراثت تذکر داده شده لیکن آنها مشروعیت مسأله را بنا به فتوای حضرت عالی واگذار نموده اند از محضر مبارک تقاضا می شود فتوای خود را مرقوم فرمایید.

ج

- به طور کلی قبرستان موقوفه قابل خرید و فروش نیست و کسی مالک آن نمی شود. و الله العالم

س ۹۶۰

اشاره

- شخصی در زمان حیات خود حدود ۲۰ سال قبل مبادرت به خریداری زمین و قبری در محل امام زاده جهت محل دفن خود نمود و آن را آجرکاری و آماده سازی با نصب سنگ قبر نمود اما موقع فوت مانع از دفن وی در قبر خودش شدند درحالی که قبر مذکور شرعاً متعلق بوارث وی می باشد لیکن اداره اوقاف می خواهد قبر مذکور را تخریب و قبر دیگری در زیر آن احداث کرده و آن را تبدیل به دو طبقه نماید و بفروشد و می گوید وراثت اگر قبر زیر را نخرند اداره اوقاف آن را می فروشند. حالا برای روشن شدن مسأله حکم شرعی آن را که آیا اداره اوقاف مجاز است مانع کار آنها شود یا خیر و آیا می تواند قبری را که صاحب شرعی دارد بفروشد یا نه بیان فرمائید.

ج

- اگر زمین مذکور وقف است خرید آن بی مورد بوده و خریدار مالک آن نشده و متولی وقف هم نمی تواند آن را بفروشد و اگر وقف نیست و خریدار زمین

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۷۹

قبر را از مالک شرعی آن خریده در این صورت قبر ملک خریدار است و دیگری حق تصرف آن را ندارد.

تخریب قبرستان

س ۹۶۱

اشاره

- قبرستانی است در محل قدیمی که ۳۵ یا ۴۰ سال یا بیشتر از آن گذشته و کسی دیگر در آن دفن نمی‌شود و محل زیاله و کثافات حیوانات شده آیا می‌شود این قبرستان را حسیّتیّه برای عزاداری ابا عبد الله علیه السلام نمایند؟

ج

- اگر قبرستان وقف است جایز نیست حسیّتیّه شود. و اگر وقف نیست و نبش قبر نمی‌شود مانع ندارد. و الله العالم

س ۹۶۲

اشاره

- آیا قبرستان مسلمین را می‌توان تخریب نمود و به فضای سبز تبدیل کرد؟

ج

- بطور کلی نبش قبور و تبدیل قبرستان مسلمین به فضای سبز و غیره جائز نیست.

س ۹۶۳

اشاره

- شخص خیری زمین بایری را که در اطراف قبرستان کهنه بوده در حدود بیست سال پیش خریداری نموده و وقف قبرستان کرده و با قبرستان کهنه یکجا هموار کرده دور قبرستان کهنه و زمین خریداری شده را حصار نمود و آن واقف فوت کرده است الان چند نفر از اهالی محل آن زمین نامبرده را گرفته و تبدیل به زمین زراعتی نموده‌اند مقداری از سود حاصله را صرف مسجد می‌نمایند آیا از نظر شرعی می‌توانند یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال که زمین مذکور وقف قبرستان شده تبدیل آن بزمین زراعتی جائز نیست.

س ۹۶۴

اشاره

- تلی بنام قبرستان در میان این روستا واقع گردیده که باعث ناراحتی مردم در این تلّ آخرین میت ۴۲ سال قبل دفن شده است که وراث آن مرحوم هم در حال حیات هستند لذا چون در وسط روستا است زمین هم جهت درمانگاه لازم داریم و این قبرستان وقف نیست همین طور در زمان قدیم مرده دفن میکردند و قبرستان جدیدی نیز داریم که ۴۰ سال است در آن مرده دفن میشود.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۰

اگر اجازه بفرمائید چون زمین نیاز داریم تلّ جهت درمانگاه این روستا به عنوان خیرات برای متوفی ساخته شود؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه تلّ مذکور وقف نباشد و موات بوده و اهالی یقین داشته باشند که اموات مدفون در آنجا پوسیده و خاک شده‌اند ساختن درمانگاه در آن مانع ندارد و الا جائز نیست.

احداث بنا و توسعه قبرستان

س ۹۶۵

اشاره

- زمین مواتی است که بعضی افراد در سالهای قبل از انقلاب روی آن سند مالکیت گرفته‌اند ولی بعد از گذشت چندین سال به شهادت معتمدین شهر و شواهد موجود همچنان بصورت موات باقی است اکنون شهرداری شهر قصد دارد زمین مزبور را جهت گورستان آماده سازد آیا دفن اموات در آن بی اشکال است؟

ج

- بطور کلی زمین موات بالاصاله بصرف گرفتن سند، بدون تحجیر و یا احیاء، متعلق حق کسی نمیشود و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و دفن اموات در زمین موات اشکال ندارد.

س ۹۶۶

اشاره

- آیا می‌توان جنب دیوار قبرستان که قبری در آن محل وجود ندارد و نداشته و حدود پنج الی شش متر به قبر مؤمنین فاصله دارد جهت رفاه اشخاصی که برای قرائت فاتحه و غیره در قبرستان رفت و آمد می‌نمایند دستشویی و توالت احداث نمود یا خیر؟ ضمناً چاه فاضلاب خارج از قبرستان می‌باشد.

ج

- اگر زمینی که می‌خواهند در آن دستشویی بسازند موقوفه قبرستان نباشد و ملک کسی هم نباشد اشکال ندارد. و الله العالم

س ۹۶۷

اشاره

- قبرستانی است قدیمی که از چند قرن پیش اموات مؤمنین در آنجا دفن شده و حالا- نیز دفن می‌شود در آن حوالی غسل خانه مرسوم نبوده اموات را در خانه‌ها غسل می‌دادند حالا- مؤمنین و علماء محل تصمیم گرفته‌اند که در جای مناسب آن قبرستان که اموات دفن نشده غسلخانه درست نمایند آیا جایز می‌باشد یا نه؟

ج

- بناء غسلخانه در محل قبرستان و لو در قسمتی که هنوز میت دفن نشده جائز
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۱
نیست بلی اگر محل قبرستان موات است در قسمتی که میت دفن نشده بناء غسلخانه در آن قسمت مانعی ندارد.

س ۹۶۸

اشاره

- غسلخانه که جزء قبرستان است و مورد استفاده عموم مردم می‌باشد اجازه می‌فرمائید تخریب کنند و جای آن را حسینیه بسازند و مغازه‌هایی جهت اجاره دادن ساخته شود؟ و اگر شخصی چنین کاری کرده باشد آیا شرعاً جایز است یا خیر؟

ج

در فرض سؤال، تخریب غسلخانه و تبدیل آن به حسینیه و مغازه جایز نیست و کسی که چنین کاری کرده باید محل مذکور را بصورت اولی برگرداند.

تخریب و نبش قبر

س ۹۶۹

اشاره

- قبرستانی در طرح جاده قرار گرفته آیا جاده قرار دادن آن جایز است یا نه؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه قبرستان مذکور وقف است جاده قرار دادن آن جایز نیست البته شهرت محلی جهت اثبات وقفیت کافی است و بر فرض عدم اثبات وقفیت هم نبش قبور مؤمنین حرام است. و الله العالم.

س ۹۷۰

اشاره

- در شهرستان رودبار زیتون ساختمان امامزاده محل بواسطه زلزله سال ۶۹ ویران شده است اکنون مشغول بازسازی و در قسمت شرقی بیرون دیوار بقعه مذکور بخاطر محوطه‌سازی خاکبرداری شده یک قبر به ارتفاع بیش از یک متر که حدود ۱۰ سال از زمان دفنش گذشته در وسط باقی مانده است حال این قبر مرتفع مانع بازسازی و عبور دسته و هیأت می‌باشد لذا اهالی و صاحبان قبر از این منظره ناراحت هستند اگر بخواهند یک طرف قبر زیر قبر را گود کنند و خاک برداری کنند و قبر در آن گودی نشست کند که نبش نشده باشد جایز است یا خیر؟ یا اینکه اطراف و زیر قبر را بتون نموده قبر را با جنازه با جرثقیل بلند کنند و در جای دیگر که گود کرده‌اند بگذارند چه صورت دارد؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه خاکبرداری اطراف قبر مذکور نشست کردن قبر موجب

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۲

نبش قبر و آشکار شدن جنازه نشود و یا بهمان نحوی که مرقوم شده با بتون‌ریزی قبر جنازه را به محل دیگر منتقل کنند ظاهراً اشکالی ندارد و احتیاطاً این عمل باید با موافقت ورثه میت باشد و اگر ورثه نداشته باشد با جلب نظر فقیه جامع الشرائط باشد.

س ۹۷۱

اشاره

- با ساختن سدی بیش از ۳۰ تا ۴۰ امامزاده به زیر آب می‌روند، آیا بردن قبور شهدا و امامزاده‌ها به زیر آب جایز است؟

ج

- اگر باعث هتک و توهین به امامزاده شود یا سبب از بین رفتن آنها بشود جایز نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۳

احکام خرید و فروش

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۵

احکام خرید و فروش و مشاغل

شغل‌های حرام

س ۹۷۲

اشاره

- کسی که برای اهل کتاب که ذبیحه اهل کتاب را حلال می‌دانند و به کسانی که بین حلال و حرام فرق نمی‌گذارند از گوشت ذبیحه غیر اسلامی کباب درست می‌کند و می‌فروشد چه حکمی دارد و در صورت حرام بودن با قصد نان و سالاد کباب بفروشد چه حکمی دارد و کار کردن در این مغازه چه طور است؟

س ۹۷۳- کسی که به اهل کتاب شراب می‌فروشد به قصد این که من شیشه می‌فروشم این چه حکمی دارد و کار کردن چه حکمی دارد؟

ج

- ذبیحه اهل کتاب حکم میته را دارد و فروختن میته و لو به اهل کتاب اشکال دارد و قصد نان و سالاد مجوز آن نیست و همچنین فروختن شراب و لو به اهل کتاب جائز نیست و قصد شیشه مجوز برای قرار دادن شراب در اختیار شراب‌خوار نمی‌شود.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۶

س ۹۷۴

اشاره

- آیا خرید و فروش خرچنگ و کوسه جایز است یا نه؟ و خوردن آنها حلال است یا نه؟

ج

- خوردن خرچنگ و کوسه ماهی که ظاهراً فلس ندارد حرام است و فروش آنها نیز برای خوردن و لو به کافر جائز نیست ولی چنانچه گوشت آنها منافع دیگری داشته باشد مانند خوراک دام و طیور فروختن آنها و لو به مسلمانان اشکال ندارد.

س ۹۷۵

اشاره

- دلّالهای معاملات ربوی که از مراجعین مضطر جهت این دلّالی و جوهی را دریافت می‌کنند آیا این وجوه حرام است؟ در صورت حرام بودن توسط حاکم شرع قابل استرداد است یا خیر؟

ج

- دلّالی گرفتن برای معاملات ربوی حرام است و پول گرفته شده باید به مالک پول مسترد شود.

س ۹۷۶

اشاره

- حکم استفاده از ماهواره و خرید و فروش آن را بیان فرمائید.

ج

- خرید و فروش و استفاده مشروع - اگر مجتهد جامع الشرائط به ملاحظه مصالح مهمه‌ای آن را ممنوع نکرده باشد - اشکال ندارد.

س ۹۷۷

اشاره

- خرید و فروش وسایل سرگرمی منچ، شطرنج و کارت بازی (که در آن مشخصات بعضی از چیزها ذکر شده) چه حکمی دارد؟

ج

- شطرنج آلت قمار است و خرید و فروش آن جایز نیست ولی سایر اشیاء سرگرمی اگر آلت قمار و فساد و لهو نباشد مانعی ندارد.

س ۹۷۸

اشاره

- حکم آلات موسیقی از جهت خرید و فروش و استعمال و نیز استماع را بیان فرمایید؟

ج

- خرید و فروش آلات موسیقی باطل و حرام است و استعمال آلات موسیقی نیز مانند استماع آن حرام است.

س ۹۷۹

اشاره

- خرید و فروش مجسمه یا نقاشی، بعنوان آثار هنری، چه حکمی دارد؟

ج

- نسبت به نقاشی اشکال ندارد و نسبت به مجسمه ذی روح احتیاط در ترک است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۷

س ۹۸۰

اشاره

- خرید و فروش مجسمه انسان و حیوان جهت تزئین کمد و صندلی و غیره و بکار بردن آن در منبت کاری چه صورتی دارد؟

ج

- به نظر این جانب خرید و فروش مجسمه ذی روح بنا بر احتیاط لازم حرام است.

س ۹۸۱

اشاره

- آیا کار کسی که سحر ساحر را باطل می کند و شخصی را نجات می دهد حرام است یا خیر؟

ج

- ابطال سحر اشکال ندارد. و الله العالم.

س ۹۸۲

اشاره

- افرادی در شهر ما هستند که می گویند دعانویس هستیم و بیماران و افرادی که دستشان از همه جا بریده شده است پیش این گروه میروند اولاً آیا چنین چیزی در اسلام وجود دارد؟ ثانیاً اگر کارشان بی اصل است وظیفه مسلمانان در قبال آنها چیست؟

ج

- شما در بر نامه های دعائی به کتابهای معتبر مثل مصباح شیخ طوسی - علیه الرحمه - و کتابهای سید بن طاوس و خصوصاً صحائف سجادیه (صحیفه کامله و صحیفه ثانیه و ثالثه و رابعه) و کتاب دعاء بحار و مفاتیح الجنان مراجعه نمائید.

س ۹۸۳

اشاره

- زنان یا مردانی کنار خیابانها و پیاده روها نشسته برای مردم فال می گیرند و به اشخاص می گویند گذشته شما چه بوده و آینده شما چگونه خواهد بود آیا کار آنها مشروعیت دارد یا نه و آیا مراجعه به آنها و پول دادن به آنها جایز است یا نه؟

ج

- عمل مذکور جائز نیست و پول دادن در مقابل آن تضييع مال و گرفتن پول هم اكل مال به باطل و حرام است.

س ۹۸۴

اشاره

- بعضی اشخاص جهت جلب رزق (افتادن ماهی در تور ماهیگیری) از طریق سحر وارد می‌شوند آیا این کار جایز است یا نه؟

ج

- سحر کردن شرعاً حرام است.

س ۹۸۵

اشاره

- حکم احضار ارواح را بیان فرمائید؟

ج

- احضار ارواح حرام است. و الله العالم

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۸

س ۹۸۶

اشاره

- نظر حضرت عالی در مورد شعبده‌بازی چیست؟

ج

- شعبده‌بازی عبارت است از این که شعبده‌باز غیر واقع را بسبب سرعت حرکات بصورت واقع نشان می‌دهد و این عمل شرعاً حرام است. و الله العالم

س ۹۸۷

اشاره

- در مجالس عروسی اشخاصی به عنوان شعبده‌باز و تردست عمل غیر واقعی را واقعی نشان می‌دهند بوسیله حرکات سریع دست، ساعتی مردم را به خود مشغول نموده و در مقابل مبالغی دریافت می‌کنند. آیا وجهی را که آنها می‌گیرند مالکند؟

ج

- عمل اشخاص مذکور و وجهی که در مقابل این عمل می‌گیرند و همچنین پول دادن در مقابل اینگونه اعمال اشکال دارد و احتیاط در ترک آنها است.

س ۹۸۸

اشاره

- اشخاصی که در این مجالس می‌نشینند و این بازیها را تماشا می‌کنند نشستن و تماشا کردن آنها جایز است؟

ج

- اگر به منظور تماشای شعبده‌باز باشد اشکال دارد و اگر برای شرکت در مجلس غرض مشروع عقلانی داشته باشند و اتفاقاً این عمل را مشاهده کنند اشکال ندارد مگر این که صدق مجلس معصیت کند که در این صورت هم اشکال دارد و باید مجلس را ترک کنند.

س ۹۸۹

اشاره

- گاهی تلویزیون اقدام به پخش این حرکات می‌نماید تماشای آن جایز است یا خیر؟

ج

- چنانچه از مصادیق شعبده باشد حکم مسأله قبل را دارد.

س ۹۹۰

اشاره

- در بازیهای سیرک و بندبازی پول دادن به بهای بلیط جهت تماشا جایز است یا نه؟

ج

- اتلاف مال و تبذیر است جایز نیست.

س ۹۹۱

اشاره

- در بازیهای موتور سواری مانند کره مرگ و دیوار مرگ خرید بلیط جهت تماشا جایز است یا نه؟

ج

- اتلاف مال و تبذیر است جایز نیست.

س ۹۹۲

اشاره

- زن آرایشگر می‌داند اگر عروس را آرایش کند، او حتماً خودش را به

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۸۹

نامحرم نشان می‌دهد آیا آرایشگر کار حرامی مرتکب شده و اجرت را مالک نمی‌شود آیه شریفه تعاون بر اثم «و لا تعاونوا علی الاثم و العدون» شامل او می‌شود؟

ج

- کار او حرام نیست و اجرت را مالک می‌شود.

س ۹۹۳

اشاره

- استفاده از نام هنریشه‌های مبتذل یا غیر مسلمان برای تبلیغ کالا چه حکمی دارد؟ خرید این نوع کالاها جایز است یا نه؟

ج

- جائز نیست ولی خرید آن نوع کالا اشکال ندارد یادآوری می‌شود اکثر این امور که مانند گذشته بنام هنر معرفی می‌شود با متانت و کرامت انسانی منافات دارد و یک انسان با هدف اعم از زن و مرد بتقلید از دنیای امروز وقت خود را در این کارها که غالباً منفک از تبعات مضره اخلاقی هم نیست صرف نمی‌کند.

موسیقی و آلات لهو

ملاک حرمت موسیقی

س ۹۹۴

اشاره

- مبانی فقهی حلیت و حرمت انواع موسیقی و کیفیت تعیین مصداق موسیقی و مطرب چیست؟

ج

- مبانی حلیت و حرمت آیات شریفه قرآن و روایات ائمه معصومین (ع) است و مصداق موسیقی را خود عرف تشخیص می‌دهد و از کثرت وضوح توضیح دادن آن باعث ابهام می‌شود.

س ۹۹۵

اشاره

- مقصود از غنا چیست؟

ج

- آوازی است مشتمل بر ترجیع، طرب‌بخش، مناسب با مجالس لهُو این آواز اگر در غیر مجالس لهُو خوانده شود نیز حرام است.

س ۹۹۶

اشاره

- حکم وسائل طرب از قبیل تار، سه تار، سنتور، عود، تنبور، قانون، قیچک، کمانچه، نی، تنبک، دف، پیانو، ویولون، ویلا، کلارینت، فلوت، هورن، ترومپت و سازهای کوبه‌ای را بیان فرمائید؟

ج

- استفاده و خرید و فروش و ساختن و تعلیم و تعلم آنها حرام و خانه‌ها و مؤسساتی

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۰

که برای اجراء این برنامه‌ها تأسیس می‌شود همه خانه فساد است و پولی که از این راه کسب می‌شود و اشتغال در این مراکز همه حرام است و هیئت‌های آنها باید شکسته شود و هر کس که آن را بشکند ضامن نیست.

س ۹۹۷

اشاره

- تشخیص معیار لهُو بودن غنا بر عهده کیست؟

ج

- آلات لهُو که بیشتر شناخته شده هستند و آواز غنا را هم بیشتر تشخیص می‌دهند بلی اگر در موردی شک کرد که آواز غنا است یا نه برای کسی که معنی غنا و لهُو را میدانند شنیدن آن حرام نیست ولی خلاف احتیاط است.

س ۹۹۸

اشاره

- آیا به طور کلی استماع موسیقی حرام است؟ اگر جواب منفی است، معیار شناختن موسیقی حرام از موسیقی حلال چیست؟

ج

- منظور و متفاهم عرفی موسیقی همان الحان مناسب با مجالس لهُو است که خود عرف اکثر مصادیق آن را تشخیص می‌دهد و استماع آن حرام است بلی استماع مورد مشکوک که آیا از مصادیق لهُو است یا خیر اشکال ندارد مشروط به اینکه مستمع معنی لهُو را بداند.

س ۹۹۹

اشاره

- این جانب در خانواده‌ای مذهبی زندگی می‌کنم و به مسائل دینی و اسلامی پایبندی کامل دارم و مدت ۵ سال است که به هنر موسیقی سنتی ایرانی علاقه داشته و با توجه به جنبه‌های اخلاقی و هنری به فراگیری و نواختن این هنر پرداخته‌ام و تنها در جلسات آموزشی و یا مجالس هنری بطور جزئی شرکت کرده‌ام و در جاهای دیگر بطور کامل خودداری ورزیده‌ام لذا خواهشمندم مرا در مسائل زیر راهنمایی فرمایید؟

الف موسیقی و غنا چیست؟ و چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

ب- آیا موسیقی دارای انواع متفاوتی است یا خیر و کدامیک حلال هستند؟

ج- آیا اگر موسیقی برای هنر نواخته شود حرام است یا خیر؟

د- آیا از لحاظ شرعی راهی برای ادامه دادن و فراگیری بیشتر این هنر بطور حلال برای بنده وجود دارد یا خیر؟

ج

الف- غناء عبارت از آوازی است که مشتمل بر ترجیع و صوت و طرب‌انگیز و مناسب با مجالس طرب باشد و موسیقی گاه بر غناء و گاه بر آلات مختلف موسیقی مانند
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۱
تار، سنتور، دف و غیره اطلاق می‌شود.

ج ب- موسیقی را اگر بهمان معنای غناء و آوازه‌ها و سازها و بکار گرفتن آنها بدانیم، فرا گرفتن موسیقی که از قدیم الایام بین اهل لهو و بزم متداول بود و در کشورها و مناطق مختلف انواعی از آن بکار برده می‌شده و می‌شود همه حرام است.
ج ج- نواختن موسیقی حرام بهر منظوری باشد حرام است هر چند غرض هنرنمایی باشد.

ج د- راهی جز ترک این شغل و تسلط بر نفس و پرهیز از حرام نیست سعی کنید با توفیق خداوند متعال و با اراده و همت خط مسیر خود را طوری قرار دهید که از وضع شغل و کار خود ناراحتی وجدانی نداشته باشید و بدانید با علاقه‌ای که به این فن دارید و با اطلاع و معلوماتی که کسب کرده‌اید و تلاشی که در ترک آن می‌نمائید جهاد اکبر است و یقیناً پا بر روی خواسته دل و هوای نفس گذاشتن موجب جلب توفیقات و مزید معرفت و بصیرت و کسب فیوضات بزرگ و ترقی معنوی و روحی می‌شود (الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین) موفقیت جنابعالی را از خداوند متعال مسألت می‌نمائیم.

س ۱۰۰۰

اشاره

- آیا موسیقی آرام می‌تواند مطرب باشد؟

ج

- مراد از موسیقی اگر غنا است مطلقاً حرام است و اگر آلات لهو و طرب است نیز مطلقاً استفاده از آنها حرام است.

س ۱۰۰۱

اشاره

- خواهشمندیم مسائلی را که حضرتعالی لازم می‌دانید بیان شود و از قلم افتاده‌اند، بصورت جداگانه مرقوم فرمایید.

ج

- راجع به این مسائل و موضوعاتی که از حکم شرعی آن سؤال شده یک مطلب قابل توجه این است که بشهادت تاریخ و علماء علم الاجتماع گرایش جامعه به لهو و لعب و طرب و خوشگذرانی و کارهای مهیج شهوات و بازیهای لغو فی حدّ نفسه خطرناک و

موجب سقوط اجتماع و مانع از توجه به امور اصیله و اصلیه‌ای است که برای تمدن و ترقی هر قوم لازم است اشتغال به ملاحی اگر فقط فی الجمله هم آزاد باشد برای اینکه فرهنگ کار و ابتکار و سعی و تلاش یک جامعه را ضعیف سازد کافی است و خود بخود اگر جهات بازدارنده، مثل تعالیم مذهبی نباشد گسترش پیدا می‌کند و کار بسیار خطرناک اینست که از این برنامه‌ها ترویج شود و به اشخاص در این عرصه‌های نوازندگی یا خوانندگی و بازیهای مثل شطرنج جایزه و امتیازات داده شود و این ترویجات در برنامه‌های فرهنگی قرار بگیرد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۲

تاریخ به ما نشان می‌دهد که در هر ملت این جریان و رغبت به این امور شیوع یافت آن ملت رو بزوال و انحطاط می‌گذارد وقتی یک کشاورز و یک صنعتگر و یک کارگر یا آموزگار که در روستا با تحمل ناملائمات بسیار به شغل خود مشغول است ببیند که شطرنج‌بازها جوایزی دریافت میدارند بجای آن مشاغل پرزحمت و مرارت به شطرنج و بازیهای دیگر علاقه‌مند می‌شوند که هم بازی و سرگرمی و اقتناع جنبه‌های نفسانی است و هم مشمول تشویقات و جوایز و شرکت در مسابقات آنچنانی است ما مسلمانها باید از تاریخ اندلس (اسپانیا) اسلامی عبرت بگیریم کشوری که بوسیله طارق بن زیاد غلام موسی بن نصیر یکی از شیعیان اهل بیت علیهم السلام فتح شد و به آن تمدن بزرگ رسید در اثر شیوع لهو و لعب آن عزتی که در اثر خودسازی اسلامی و تجنب از ملاحی داشتند مبدل به ذلت شد و دشمن از طریق فتح باب مجالس لهو و طرب و فحشاء و خوانندگی و نوازندگی و محافل عیش و عشرت وارد عمل شد و همت و عزائم و غیرت و مردانگی جامعه را سست و آنان را برای قبول نفوذ دشمن در ابعاد مختلف آماده کرد و موجب شد که تمدن اسلامی در آن منطقه پایمال غفلت و اشتغال بملاحی و بی‌تفاوتی آنها نسبت به مجد و عزت و استقلال اسلامی گردد بهر حال ترویج از این برنامه‌ها و ترغیب جوانان از دختر و پسر به نوازندگی و آموزش دادن و آموختن استفاده از انواع آلات لهو و طرب و تأسیس اماکنی بنام هنرسرا یا فرهنگسرا و به صحنه آوردن زنان و مردان بنام همخوانی و غیره همه خلاف مصلحت یک جامعه رشید و ترقی‌خواه مثل جامعه بزرگ ماست که بر اساس الهام از تعالیم اسلام این انقلاب بزرگ را بوجود آورد و جهان را به اسلام و کارسازی تعالیم آن متوجه کرده است و میخواهد در میدان علم و صنعت و قدرت با اتکاء به اخلاق در برابر دشمنان قوی پنجه استقامت کند و مواضع انسانی و استقلال خود را بیش از پیش محکم و استوار سازد آوردن این برنامه‌ها در متن اهداف بعضی مؤسسات و ترویج از به اصطلاح هنرمندان و بزرگداشت کسانی که در این معاصی در گذشته و حال عمر خود را ضایع کرده‌اند اشتباه است و محصول آن انحطاط اخلاقی و بازداشتن جوانان با استعداد از تحصیل علوم و صنایع می‌باشد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۳

حرمت تمام انواع موسیقی

س ۱۰۰۲

اشاره

- آیا موسیقی سنتی با موسیقی نوین در معیار حرمت تفاوت دارد؟

- تفاوت ندارد.

س ۱۰۰۳

اشاره

- چنانچه اشعار و سرودهای آموزنده که مضامین آن نصایح و پند و اندرز دارد با آلات موسیقی خوانده شود و مهیج و شهوت‌انگیز نباشد آیا جایز است؟

ج

- اگر همراه با استفاده از آلات موسیقی باشد حرام است.

س ۱۰۰۴

اشاره

- موسیقی در پزشکی ممکن است برای درمان بکار رود در موسیقی درمانی آیا لازم است از معیار حرمت گفته شده تجاوز نشود؟

ج

- این فرض نادر است و علاقه‌مندان به موسیقی آن را مطرح می‌نمایند بهر حال اگر در موردی علاج بیماری منحصر به استفاده از موسیقی باشد مثل موردی که علاج و دوا منحصر به شراب شود استفاده از آن جایز میشود.

س ۱۰۰۵

اشاره

- آیا در آموزش موسیقی برای مقاصد مختلف (مثلاً هنر، طبابت، افزایش شیر دام، افزایش رشد گیاه و ...) می‌توان از معیار حرمت تجاوز نمود؟

ج

- این مقاصد هیچ‌کدام مجوز نمی‌شود.

س ۱۰۰۶

اشاره

- آیا موسیقی غیر مطرب و دف زدن و غنا در مجالس عروسی جایز است؟

ج

- همه مذکورات در سؤال مطلقاً حرام است و ملائک حرمت در عروسی هم وجود دارد فقط در خصوص شب عروسی برخی استثناء نموده‌اند و آنهم احوط ترک است.

س ۱۰۰۷

اشاره

- نظر حضرتعالی در مورد موسیقی چیست و چه نوع موسیقی اشکال ندارد؟

ج

- همه انواع موسیقی حرام است. و الله العالم.

س ۱۰۰۸

اشاره

- اخیراً مشاهده می‌شود در برخی روزنامه‌ها، از بعضی نوازندگان حرفه‌ای و حرفه آنها به تعبیراتی مثل استاد توانا و نوازنده برجسته فلان نوع از آلات لهو و یا با درج عکس آنها در صفحه اول روزنامه، از آنان تجلیل به عمل جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۴ می‌آورند و یا با برگزاری برنامه‌ها و مراسم ویژه، آنان را مورد تشویق قرار می‌دهند. مستدعی است نظر مبارک را از لحاظ حکم شرعی جهت رفع شبهه مرقوم فرمائید.

ج

- این تجلیلات و تشویقات شرعاً حرام و ترویج باطل و معارضه با احکام و سنن اسلامی و اهانت بشئون نظام جمهوری اسلامی

است همکاری و شرکت در این برنامه‌ها و مجالسی که برای تجلیل از این حرفه‌ها بعنوان یادبود و غیره برگزار می‌شود حرام و موجب بروز مفسد و شیوع ملامتی و مناهی است أعاذنا الله تعالی من هذه الشرور و عصمنا و ایاکم مما یوجب سخطه و غضبه.

س ۱۰۰۹

اشاره

- مطرب زدن و دایره زدن در مجالس شادی اشکال دارد یا خیر؟

ج

- حرام است. و الله العالم.

شرکت و حضور در مجلسی که آلات لهو در آن استعمال می‌شود

س ۱۰۱۰

اشاره

- آیا در موارد اضطرار می‌توان در مجلسی که فحشا و منکر رواج دارد نشست و بلند نشویم مثلاً مجلسی که در آن آلات لهو و موسیقی استعمال می‌شود؟

ج

- اگر منظور از موارد اضطرار این است که مثلاً بلند شدن از آن مجلس باعث فتنه و فساد است در صورتی که قبلاً نمی‌دانسته و بعد از ورود بمجلس فهمیده بمقدار رفع اضطرار اشکال ندارد ولی اگر منظور این است که مثلاً اهل مجلس یا صاحب مجلس ناراحت می‌شود این اضطرار نیست باید از آن مجلس خارج شود.

س ۱۰۱۱

اشاره

- ما دو خواهر ۱۹ ساله هستیم با توجه به اینکه مجالس عقد و عروسی و از این قبیل که در آنها از نوارهای موسیقی و رقص زنان برای زنان بکار برده می‌شود و این مورد حرام است از شرکت در این مجالس خودداری می‌کنیم این مسأله تا اندازه‌ای باعث مخالفت پدر و مادر و اطرافیان شده است و حتی بسیاری از آنها با گفتن مواردی مثل کناره‌گیری از مردم یا دوری از اجتماع و

مسخره کردن ما و اینکه به ما می‌گویند شما همیشه نمی‌توانید این طور ادامه دهید و با توجه به اینکه ما مجرد هستیم و در تمامی مجالس دعوت شده موارد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۵

فوق وجود دارد از نظر اجتماعی با مشکلاتی روبرو شده‌ایم با این وجود نمی‌خواهیم به هیچ عنوان بر خلاف اسلام عمل کنیم و به ما پیشنهاد می‌شود که راه تقیه را پیش بگیریم و یا اینکه شما در این مجالس بیایید و نظری ندهید و در گوشه‌ای بنشینید این نظرها برای ما قابل قبول نیست چون دلیلی بر تأیید آنها نمی‌دانیم و در ضمن روبرو با صداها و لهو و لعب‌های آنها هستیم و فکر می‌کنیم شرکت در این مجالس باعث عادی شدن این گناه شود خواهشمندیم در این مورد ما را راهنمایی فرمائید؟

ج

- شرکت در مجلس معصیت جائز نیست و مورد سؤال از موارد تقیه محسوب نمی‌شود خداوند بشما توفیق بدهد شما در این گونه مجالس شرکت نکنید تا دیگران از استقامت شما را در این امر پند بگیرند.

س ۱۰۱۲

اشاره

- شرکت در مجالس عروسی یا مراسمی که در آن برنامه‌های موسیقی اجرا می‌شود چگونه است؟

ج

- جایز نیست.

س ۱۰۱۳

اشاره

- حضور در مجالس زنانه مانند عروسی که در آن به نوعی از آلات لهو استفاده می‌شود (البته بدون همکاری یا موافقت با کار آنها- صرف حضور) چه حکمی دارد، آیا باید مجلس را ترک کرد؟

ج

- حضور در مجالس مذکور که مستلزم شنیدن موسیقی حرام است جائز نیست.

استفاده از آلات لهو در مجلس جشن عروسی

س ۱۰۱۴

اشاره

- بنا بر قول بعضی از فقهاء غنا در مجالس عروسی استثناء شده؛ نظر مبارک حضرت عالی، چیست؟

ج

- جواز غنا در عروسی ثابت نیست بلی در صورتی که مغنیه مملوکه باشد و آلات لهو استعمال نشود و مرد هم صدای او را نشنود و نکاح دائمی باشد غنا آن مملوکه استثناء شده اگر چه ترک آن هم احوط است. و الله العالم.

س ۱۰۱۵

اشاره

- در عقد و عروسی‌ها مرسوم شده است که آلات نوازندگی می‌آورند آیا در صورتی که زنها بدون اینکه مردها صدای آنها را بشنوند ترانه‌خوانی کنند
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۶
یا دایره بزنند اشکال دارد؟

ج

- استعمال آلات لهو و نوازندگی جایز نیست و ترانه‌خوانی هم اگر غنا باشد حرام است بلی جواز آن برای زنان در مجالس عروسی اگر همراه با آلات لهو و طرب نباشد بعید نیست. هر چند احتیاط در ترک است.

س ۱۰۱۶

اشاره

- اگر خواهر و برادر در خانه نوارهای موسیقی و ترانه‌های مبتذل روشن کرده و من مجبور به گوش کردن آنها باشم وظیفه چیست و گناه گوش کردن این نوارها بالاخص در ماه محرم و صفر بر عهده کیست و خواهشمندم راهنمایی فرمائید که این جانب باید چگونه عکس العملی را نشان بدهم. با توجه به اینکه آنها با نهدی از منکر، خود ما را مسخره می‌کنند؟

ج

- گوش دادن به نوارهای موسیقی حرام است و شما باید آنها را تا میتوانید نهی از منکر نمائید بلکه انشاء الله مؤثر شود و بهر حال چنانچه مجبور بشوید به زندگی در چنین خانه‌ای، اگر خودتان مخصوصاً گوش ندهید و قهراً به گوش شما بخورد برای شما اشکال ندارد.

س ۱۰۱۷

اشاره

جامع الاحکام؛ ج ۱؛ ص ۲۹۶

آیا گوش کردن به موسیقی مطرب اگر خود گوش دهنده آن حالت به او دست ندهد، حرام است یا نه؟

ج

- حرام است.

س ۱۰۱۸

اشاره

- دخترم به سن ۹ سالگی رسیده و به عنوان مرجع به شما رجوع کرده است آیا آهنگهایی رادیو و تلویزیون و همچنین نواختن آلات موسیقی مانند ارگ اشکال دارد یا خیر؟

ج

- هر آهنگ و آوازی که طبعاً طرب آور و مناسب مجالس لهو و لعب باشد بنحوی که عرفاً به آن صورت لهوی و باطل گفته شود خواندن و گوش دادن به آن جائز نیست و همچنین آلاتی که عرفاً به آنها آلات لهو و لعب گفته می‌شود استعمال و گوش دادن بصدای آن جائز نیست.

س ۱۰۱۹

اشاره

- در مورد استماع نوارهای ترانه خواننده زن و مرد و بلند نمودن صدای آن طوری که عابرین کوچه و همسایگان بشوند و موجب اذیت همسایه‌ها باشد، چه می‌فرمائید؟

ج

- استماع ترانه و بلند نمودن صدای آن اگر موجب آزار کسی هم نشود حرام است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۷

س ۱۰۲۰

اشاره

- استماع موسیقیهای صدا و سیما، ساخت و تعلیم و فروش ابزار آلات موسیقی چه حکمی دارد؟

ج

- آنچه را عرف مردم موسیقی می‌دانند استماع آن و ساخت و تعلیم و تعلّم و فروش آلات آن حرام است.

رقص

س ۱۰۲۱

اشاره

- آیا رقص کردن را جایز می‌دانید؟

ج

- رقص حرام است مگر رقص زن برای شوهر خود تنها.

س ۱۰۲۲

اشاره

- آیا جایز است مرد به مرد دیگر رقص یاد بدهد یا زن به شوهر خود رقص یاد بدهد اگر؟
زن در میان زنان برقصد و پول بگیرد این پول حلال است یا نه و یا آنکه قرار داد پول نکرده ولی خود زنان باو پول بدهند؟

ج

- در هیچ یک از موارد مذکوره رقص و تعلیم رقص جائز نیست و پول گرفتن در مقابل آن جائز نیست و اکل مال به باطل است.

س ۱۰۲۳

اشاره

- در مجالس عقد و عروسی کف زدن و رقصیدن مردان برای مردان و زنان برای زنان جایز است یا حرام؟

ج

- فقط رقص زن برای شوهرش تنها جایز است و بقیه اقسام حرام است و کف زدن اگر مجرد دست بهم زدن باشد اشکال ندارد ولی اگر کیفیت خاص که مناسب مجالس لهو است باشد جایز نیست هر چند در مجلس عقد و عروسی.

س ۱۰۲۴

اشاره

- کف زدن و رقصیدن در مجالس عروسی چه حکمی دارد بخصوص که بعضاً زنان کف می‌زنند و برادران یا اقوام مرد داماد، در عروسی برقصند؟

ج

- رقصیدن مطلقاً چه زن و چه مرد و همچنین کف زدن آنها بصورت لهوری اشکال دارد. بلی رقصیدن زوجه فقط برای زوج اشکال ندارد. و الله العالم.

س ۱۰۲۵

اشاره

- آیا مادر می‌تواند برای فرزند خود برقصد (در صورتی که فرزند خوانده داشته باشد چطور)؟

ج

- رقص او برای فرزندان خودش هم جایز نیست چه جای اینکه برای فرزند خوانده باشد.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۸

س ۱۰۲۶

اشاره

- رقص مرد برای مرد، زن برای زن (در عروسی و غیره) چه حکمی دارد؟

ج

- جایز نیست.

س ۱۰۲۷

اشاره

- نگاه کردن به رقص اشکال دارد یا خیر؟

ج

- اگر حاضر در مجلس رقص باشد و نگاه کند چون مجلس معصیت است جایز نیست بلی رقص زن برای شوهر اشکال ندارد. و الله العالم.

س ۱۰۲۸

اشاره

- رقص یعنی کارها و حرکات موزون و مطرب و مهیج که در نفس همان تأثیر را دارد که الحان غنا و آوازخوانی‌های مطرب دارد. خواه همراه با آهنگ موسیقی باشد یا نباشد و انواع آن به صورتهای گوناگون انجام می‌شود خصوص مثل رقص شکم که رقص‌ها به پیچ و تاب درآوردن و لرزندان منظم قسمت کمر و شکم، آن را انجام می‌دهد یا به وسیله ناف و عضلات و جنبانیدن سرین عمل رقص را انجام می‌دهد غرض بیان حکم الله شرعی این موضوع است؟

ج

- اعمال مذکور خواه همراه با آهنگ موسیقی باشد یا نباشد حرام است و حضور در مجالس آن جائز نیست و ترک آن واجب است و از خیلی از گناهان تأثیرات فاسد آن بیشتر است بلی در مورد رقص زن برای شوهر بدون آهنگ موسیقی حکم بجوازش هست همچنین بعض حرکات که جنبه الهاء و بلهو انداختن ندارد مثل پایکوبیها و حرکات تنظیمی نظامی یا حرکت دادن کودکان و بوجد و نشاط انداختن آنها یا بالا و پایین انداختن آنها حرام نیست.

س ۱۰۲۹

اشاره

- ما جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی طی بحث‌های خوابگاهی پیرامون بسیاری از مسائل، سعی داریم که دلایل عقلانی بسیاری از احکام الهی را دریابیم عقیده بیشتر این جمع بر این است که باید به مسائل از این دید نگاه کرد که اگر تأویل آن بر ما واضح نشود آن را نمی‌پذیریم. از این لحاظ خواهشمندیم ما در مورد یکی دو سؤال راهنمایی فرمایید (لازم به ذکر است در این جمع هم افراد مذهبی و هم غیر مذهبی وجود دارند). دلیل حرام بودن رقص

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۲۹۹

زن برای زن چیست؟ (اگر هیچ حالتی بین طرفین بوجود نیاید).

ج

- رقص چنانکه در تعریف آن گفته شده است حرکات موزون و لرزش‌های محرک و مهیجی است که به وسیله بعضی بخش‌های مورد توجه اندام انجام میشود، و مانند غنا غرائز حیوانی و شهوانی را تحریک می‌کند و عفت و پارسایی شخص را خدشه‌دار و به فساد و انحراف و رذائل اخلاقی گرایش می‌دهد و به وجود نیامدن حالتی برای طرفین یک فرض نیست مگر اینکه شخص فاقد گزینه مربوطه باشد و علاوه تحریمات شرعی و قانونی بر اساس مفاسد نوعی است و کسی نمی‌تواند به استناد اینکه از مفسده فلان حرام مثل رقص و قمار و شراب و غنا مصونیت دارم مرتکب حرام شود همه باید حتی پارساترین افراد معاصی را ترک کنند علاوه بر اینکه از نظر فقهی ما تابع دستور شرع هستیم و اگر حکمت و فلسفه یک حکم را هم درک نکنیم موظف به اطاعتیم و اسلام و تسلیم معنایش قبول احکام خدا است. و الله العالم.

س ۱۰۳۰

اشاره

- دست زدن، بازیهای محلی، نوارهای لری کردی بندری فارسی و رقص زن در مقابل زن در موقع عروسی و غیر عروسی باید تا چه حدود باشد؟

ج

- رقص حرام است مگر رقص زن برای شوهرش تنها و غنا و موسیقی مطلقاً حرام است بهر زبان که باشد و دست زدن اگر با وزن مخصوص و مناسب با مجلس لهو باشد محل اشکال است و بقیه امور مذکوره چنانچه مشتمل بر فعل حرام نباشد میزان معینی ندارد و موکول بنظر عرف است.

س ۱۰۳۱

اشاره

- به استحضار می‌رساند که در عروسیهای بعضی از طوائف معمولاً گروهی نوازنده سنتی حضور پیدا نموده و اقدام به نوازندگی و خوانندگی سنتی می‌نمایند که معمولاً میهمانان به دو گروه موافق و مخالف درآمده و مشاجراتی صورت می‌گیرد حال از محضر آن مقام عظمی استدعا دارد که حکم شرعی و نظر شریف را در خصوص سؤالات مطرح شده بصورت بند بند مرقوم فرمائید.

ج

- جایز نیست.

ج

- در مورد سؤال رضایت و عدم رضایت صاحب مجلس و کم یا زیاد شدن پول عروسی اثری در حرمت و عدم حرمت ندارد.

ج

- اینگونه امور که شرعاً حرام است فرقی بین سنتی و غیر سنتی آن نیست.

ج

- اگر در نوارها موسیقی و غنا ضبط شده استفاده از آنها حرام است و خرید و فروش آن نیز حرام است و داشتن مجوز در این امر اثری ندارد.

۱

- آوردن ساز و دهل یا چگور (عاشق) در مجالس عروسی توسط صاحب مجلس چه حکمی دارد؟

۲

- در صورتی که صاحب مجلس راضی به آوردن این آلات نباشد و اینها

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۰

توسط عده‌ای میهمان یا فامیلها یا غیره آورده شده چه حکمی برای صاحب مجلس دارد در صورتی که با تأکید و جبر بر نواختن، مجلس بهم خورده و پولی را که آخر مجلس جمع آوری می‌شود بسیار کم خواهد بود که از آن باب زیانی متوجه صاحب مجلس خواهد شد؟

۳

- رقصیدن سنتی بصورت گروهی توسط مردان در حین نواختن ساز و دهل چه حکمی دارد (پخش از تلویزیون مجوز شرعی برای ارتکاب معصیت نیست اینگونه مسائل را از تلویزیون نیز نمایش داده و از آن تبلیغ مینماید).

۴

- با توجه به اینکه نوازندگان و خوانندگان سنتی معمولاً نوارهای کاست بصورت رسمی یا با مجوز اداره فرهنگ پر می‌نمایند و باعث ترویج اینگونه افکار در بین عموم افراد جامعه می‌باشد استفاده از این نوارها چه حکمی دارد؟

کف زدن

س ۱۰۳۲

اشاره

- دست زدن (به صورت مطلق) در هر مجلسی اعم از عروسی و مولودی و مهمانی بدون آلات لهو چه حکمی دارد؟

ج

- اگر دست زدن بنحو لهوی باشد اشکال دارد.

س ۱۰۳۳

اشاره

- حکم کف زدن (در مجالس عروسی، یا برای تشویق) چیست؟

ج

- اگر با وزن مناسب با مجالس لهو باشد حرام است و اگر مجرد دست بهم زدن باشد اشکال ندارد لکن چون ریشه اسلامی و مذهبی ندارد اگر در اینگونه مجالس از مدائح ائمه (ع) و صلوات بر آن بزرگواران استفاده شود بهتر و اوفق به احتیاط است.

س ۱۰۳۴

اشاره

- دست زدن و کف زدن در مجالس جهت تشویق چه حکمی دارد؟

ج

- بهترین تشویق فرستادن صلوات یا تکبیر یا احسنت است هر چه در این برنامه‌ها جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۱
از روش بیگانگان و سنتهای آنها دورتر باشیم با استقلال اسلامی و قوت شخصیت موافق تر است.

شعر

س ۱۰۳۵

اشاره

- خواندن اشعار هجو، لغو یا دارای مضامین فاسد چه حکمی دارد؟

ج

- خواندن اشعاری که مضامین منحرف‌کننده و فسادانگیز و تأثیرات سوء اخلاقی روحی دارد، مثل مقالاتی که این مفاسد را داشته باشد و مصونیت اخلاقی فرد و اجتماع را در خطر اندازد، با آواز یا ساده حرام است.

قمار

تعریف قمار و آلات قمار

س ۱۰۳۶

اشاره

- تعریف قمار از نظر حضرت‌عالی چیست؟

ج

- قمار بازی برد و باخت و شرط‌بندی است در عرف مفهوم آن معلوم است و غالب مصادیقش مشخص است.

س ۱۰۳۷

اشاره

- آلت قمار به چه آلاتی گفته می‌شود؟

ج

- آلاتی است که از آن برای قمار و برد و باخت استفاده می‌شود مثل نرد و شطرنج و پاسور و غیره اگر چه با آن بی‌برد و باخت نیز بازی کنند.

س ۱۰۳۸

اشاره

- آیا امکان دارد آلت قمار از آلت خارج شود؟

ج

- خروج از آلت با شکستن و محو هیئت آن می‌شود ولی ترک قمار با آن و شیوع قمار با آلات دیگر آن را از آلت برای قمار خارج نمی‌کند بلی اگر طوری فرض شود که آلتی که برای قمار بوده منافع محلله معتد بهائی پیدا کند که آن را برای آن منافع خرید و فروش نمایند حکم به جواز خرید و فروش آن موجه است ولی قمار و بازی با آن هر چند بی‌برد و باخت باشد جایز نیست و تشخیص اینکه منافع محلله معتد بها پیدا کرده یا نه با عرف است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۲

س ۱۰۳۹

اشاره

- شرط برد و باخت در مسابقه چه معنایی دارد و حکم آن چیست؟

ج

- شرط برد و باخت به این صورت که برنده چیزی را از بازنده بگیرد خواه پول یا هر شیء قیمتی دیگر باشد جایز نیست و مالی که برنده می‌برد حرام است.

شطرنج، نرد و پاسور

س ۱۰۴۰

اشاره

- بازی کردن با شطرنج بدون برد و باخت چه حکمی دارد و خرید و فروش آن و نگاه کردن به افرادی که بازی می‌کنند چگونه؟

ج

- بازی با شطرنج و لو بدون برد و باخت باشد اشکال دارد و حضور در مجلسی که شطرنج بازی میکنند نیز اشکال دارد. و الله العالم.

س ۱۰۴۱

اشاره

- هم اکنون در کشور اسلامی ما عموماً بازی با ورق مانند شطرنج بعنوان سرگرمی و گاهی جهت تقویت حافظه و بدون برد و باخت عموماً انجام می‌شود، نظر حضرت‌عالی در این مورد چیست؟

ج

- بازی با شطرنج و ورق و هر آلت قمار دیگر و لو بدون برد و باخت باشد، بنظر این جانب حرام است.

س ۱۰۴۲

اشاره

- در مورد بازی با شطرنج همراه با شرط‌بندی که جای سؤال نیست و مسلماً حرام است اما بازی به عنوان یک سرگرمی سالم و کاملاً فکری نیز حرام است؟ من به نوبه خود این وسیله را دارای شرایط زیر می‌دانم.

- ۱- یک سرگرمی است که چون به مغز را به کار می‌گیرد اوقات بازی تلف نمی‌شود.
- ۲- چون در این بازی نباید اشتباه کرد، بنابراین باعث افزایش دقت و توان تصمیم‌گیری افراد می‌گردد.
- ۳- چون در این بازی باید جوانب هر حرکت سنجید، پس در زندگی عادی نیز می‌تواند بهره‌برداری شود.
- ۴- این بازی برخلاف برخی دیگر بر اساس شانس و اتفاق نیست و در قیاس یا بازیهای الکترونیکی و از این قبیل دارای برتری‌هاییست.
- ۵- دارای ابعاد کوچک و قیمت کم است و برای عموم قابل استفاده می‌باشد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۳

بنده از حضور جنابعالی درخواست می‌دارم که نظر خود را بفرمائید، اگر پاسخ شما مثبت است که هیچ‌ا‌ما در صورتی که منفی است خواهشمند است بفرمائید چرا؟ و بنابراین چرا در کشور ما مسابقات سراسری شطرنج به مناسبت‌های گوناگون برگزار می‌گردد؟

ج

- شطرنج آلت قمار است و بازی با آن و لو بدون برد و باخت باشد بنظر این جانب جائز نیست و روایاتی که نهی از بازی با شطرنج دارد برد و باخت در آن ذکر نشده ممکن است شارع مقدس به جهت آلوده نشدن باین گونه امور و دوری از مفسد آن مطلقاً نهی نموده باشد، فوایدی که برای شطرنج از قبیل سرگرمی و افزایش دقت و تصمیم‌گیری و غیره ذکر کرده‌اید نمی‌تواند مجوز عمل حرام بشود با توجه به اینکه امور مذکوره را می‌توان با انجام اعمال حلال واجب و مستحب تحصیل نموده و برگزاری مسابقات

سراسری شطرنج، مجوز شرعی نیست.

و الله العالم.

س ۱۰۴۳

اشاره

- بازی شطرنج با کامپیوتر اگر برد و باخت مطرح نباشد چه حکمی دارد؟

ج

- در حرمت شطرنج فرقی بین بازی با کامپیوتر و غیر آن نیست.

س ۱۰۴۴

اشاره

- شخصی از مرجعی تقلید می‌نموده که شطرنج بازی بدون برد و باخت را تجویز نموده در حال حیات آن مرجع عمل نموده فعلاً به اجازه جنابعالی باقی بر تقلید است آیا مجاز است شطرنج بازی نماید، و آیا ورق بازی (پاسور) از نظر جنابعالی جایز است یا خیر؟

ج

- بازی با شطرنج و لو بدون برد و باخت بنظر این جانب حرام است و پاسور نیز حکم شطرنج را دارد و حکم بقاء بر تقلید در رساله ذکر شده است. و الله العالم.

س ۱۰۴۵

اشاره

- بازی با ورق و پاسور چه حکمی دارد و آیا معاشرت با کسانی که بازی می‌کنند جایز است؟

ج

- بازی با ورق و پاسور حتی بدون برد و باخت حرام است و معاشرت با اشخاص مذکور چنانچه همراه با امر به معروف و نهی از

منکر باشد و احتمال تأثیر بدهد اشکال ندارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۴

س ۱۰۴۶

اشاره

- بنده اوقات فراغت خود را یا مطالعه و یا با بازی شطرنج پر می‌کردم و این بازی را خیلی دوست دارم و سرگرمی و بازی فکری خوبی برای خود می‌دانم که مرا از پرداختن به امور غیر اخلاقی باز می‌دارد و در این بازی پیشرفت خوبی داشته‌ام و بدین منظور می‌خواستم بدانم که می‌توانم به این بازی بپردازم (نظر خود را ابراز دارید) و اگر نمی‌توانم به نظر جنابعالی آیا می‌توانم در این مسأله به مرجع دیگری رجوع کنم؟

ج

- بنظر حقیر بازی با شطرنج اگر چه برد و باخت هم در آن نباشد حرام است و رجوع به غیر برای کسی که از حقیر تقلید می‌کند در این مسأله جایز نیست. و الله العالم.

جایزه در مسابقات

س ۱۰۴۷

اشاره

- در مسابقاتی مثل فوتبال چند تیم مقداری پول در میان قرار میدهند تا برای تیم یا تیمهای برنده جوایزی تهیه شود، آیا این کار جایز است؟
اگر این امر از سوی مرکزی چون فدراسیون ورزش انجام پذیرد چگونه است؟

ج

- حرمت دایر مدار اینست که کسانی که پول می‌دهند در این کار برنده یا بازنده شوند.

س ۱۰۴۸

اشاره

- گاهی دو نفر یا دو تیم مسابقه‌ای را انجام داده و قرار می‌گذارند که تیم بازنده مثلاً مخارج شام را متحمل شود، حکم چیست؟

ج

- جاضر نیست.

س ۱۰۴۹

اشاره

- اگر از طرف فرد ثالث جازه‌ای برای تیم برنده قرار داده شود، بازی بقصد برد چه حکمی دارد (مفروض به اینکه تیم بازنده مخارج مصروفه جهت کسب آمادگی را از دست می‌دهد)؟

ج

- اگر اصل بازی مشروع باشد اشکال ندارد.

س ۱۰۵۰

اشاره

- اگر برد و باخت بین مریبان یا بعضی از بازیکنان باشد، بازی برای بازیکنانی که برد و باخت شامل حال آنها نمی‌شود چگونه است؟

ج

- اشکال دارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۵

س ۱۰۵۱

اشاره

- یاری قمارباز خواه بشکل تشویق یا ارائه طریق چه حکمی دارد؟

ج

- جایز نیست.

بازی و سرگرمی

س ۱۰۵۲

اشاره

- بازیهایی که هیچ گونه فایده معقولی ندارند و صرفاً سرگرمی محسوب می‌شوند، چه حکمی دارند؟

ج

- اگر عرفاً لهو و باعث بازداری انسان از خدا و انجام تکالیف شرعی میشود جایز نیست.

س ۱۰۵۳

اشاره

- بفرمایید کسب درآمد از وسایل سرگرمی همچون میزهای فوتبال دستی چگونه است؟

با توجه به اینکه سازمان تربیت بدنی کشور مجوز تأسیس باشگاه جهت استفاده از این گونه وسایل را می‌دهد.

میز فوتبال دستی یک میز گود با هشت عدد میله و تعدادی آدمک پلاستیکی و یک توپ کوچک می‌باشد که استفاده کنندگان با چرخاندن میله و زدن ضربه با آدمک‌ها به توپ پلاستیکی و فرستادن توپ به داخل محفظه مربوطه مشغول بازی میشوند و حق استفاده از این میز که به دو نفر بازیکن واگذار می‌شود یک سکه ۵ تومانی یا ۱۰ تومانی می‌باشد که داخل قلمک مربوطه جهت دریافت توپ انداخته می‌شود که آن درآمد صاحب باشگاه یا میز می‌باشد.

استفاده از دستگاه آتاری و کسب درآمد از آن چگونه است؟ دستگاه آتاری وسیله الکترونیکی است که به تلویزیون وصل می‌باشد آن هم به مدت محدود در این بازی‌ها معمول شامل جنگ هوایی یا دریایی و مسابقات موتور سواری و ... می‌باشد.

ج

- ظاهراً اشکال ندارد لکن اگر بازی کنندگان با یکدیگر شرطبندی و بر پایه آن بازی کنند درآمد آن برای صاحب باشگاه یا میز یا آتاری هم حلال نیست. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۶

مجسمه‌سازی و نقاشی

س ۱۰۵۴

اشاره

- در حال حاضر نقاشی و مجسمه‌سازی چه حکمی دارد؟ خصوصاً ساختن مجسمه و کشیدن شمایل معصومین، نگهداری آنها در موزه‌ها (به عنوان آثار هنری) و منازل (به عنوان دکور) چگونه است؟

ج

- ساختن مجسمه ذی روح مطلقاً جایز نیست و کشیدن صورت ذوات ارواح نیز خلاف احتیاط است اگر چه جواز آن بعید نیست اما کشیدن شمائل حضرات معصومین (ع) بر حسب اختلاف سلیقه‌ها و بلکه عقائد و آراء چون موجب ارائه ذهنیت‌های گوناگون و معارض با یکدیگر و خلاف واقع از آن بزرگواران میشود و شناخت صحیح از آنها را که فقط با مطالعه در سیره صحیح ایشان حاصل می‌شود مخدوش می‌نماید و در مواردی هم هتک و خلاف احترام است بنظر حقیر باید ترک شود و نگهداری از آنها بعنوان اثر هنری و یا دکور و تشویق از کسانی که این نقشها را می‌کشند و ترویج از آن راجح نیست و خلاف محافظت از حریم مقدسات بلکه عقائد است. و الله العالم.

س ۱۰۵۵

اشاره

- آیا حکم ساختن عروسکهای اسباب بازی و نمایشی برای بچه‌ها همان حکم مجسمه است؟

ج

- خلاف احتیاط است.

س ۱۰۵۶

اشاره

- نقاشی کردن صورت شخصیت‌های اسلامی معاصر و مراجع معظم (ایدهم الله تعالی) جهت تبلیغات اسلامی به چه صورت است؟

ج

- مکروه است.

س ۱۰۵۷

اشاره

- آیا بین مجسمه‌های نیم‌تنه و ناقص با مجسمه‌های تمام قد و کامل فرقی از نظر حکم شرعی قائلید یا خیر؟ و تصاویر فرشته و جن به صورت مجسمه و به صورت منقوش دارای چه حکمی است؟

ج

- اگر مجسمه بعضی بدن باشد اشکال ندارد. ولی مجسمه کامل بدن در حالت مثلاً نشسته یا نیم‌رخ حکم مجسمه تمام قد را دارد و ساختن آن حرام است و در حرمت ساختن مجسمه و اخذ اجرت فرقی بین صورت فرشته و جن و آدمی نیست و امّا نقش آنها جوازش بعید نیست اگر چه احتیاط در ترک آن است. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۷

س ۱۰۵۸**اشاره**

- ساختن مجسمه ناقص انسان یا حیوان، بعنوان اثر هنری، چه حکمی دارد؟

ج

- اگر مشتمل بر سر و صورت و سینه باشد که از اعضای رئیسه بدن می‌باشد اشکال دارد ولی ساختن مجسمه دست و پا یا سر و صورت تنها اشکال ندارد.

س ۱۰۵۹**اشاره**

- ساختن مجسمه کامل انسان یا حیوان با امعاء و احشاء داخلی، جهت استفاده آموزشی در مراکز آموزشی چه حکمی دارد؟

ج

- اگر بصورت قطعات متعدده باشد مثل اینکه مجسمه سر و گردن تنها و یا مجسمه شکم و امعاء و احشاء تنها دست‌ها و پاها تنها که هر سه قسمت در یک مجموعه بصورت انسان کامل به هم وصل نشود اشکال ندارد.

س ۱۰۶۰**اشاره**

- نقاشی انسان یا حیوان به عنوان اثری هنری یا در کتب علمی یا تابلوهای آموزشی چه حکمی دارد؟

ج

- نقاشی انسان یا حیوان که اشکال ندارد.

س ۱۰۶۱

اشاره

- خرید و فروش مجسمه یا نقاشی، بعنوان آثار هنری، چه حکمی دارد؟

ج

- نسبت به نقاشی اشکال ندارد و نسبت به مجسمه ذی روح احتیاط در ترک است.

س ۱۰۶۲

اشاره

- آموزش مجسمه‌سازی و نقاشی چه حکمی دارد؟

ج

- آموزش نقاشی اشکال ندارد ولی آموزش مجسمه‌سازی ذی روح حرام است.

س ۱۰۶۳

اشاره

- حکم سازنده مجسمه، مسلمان و غیر مسلمان، چیست؟

ج

- سازنده مجسمه ذی روح مرتکب فعل حرام میشود و باید توبه کند.

س ۱۰۶۴

اشاره

- ساختن مجسمه یا نقاشی برای معابد غیر مسلمین چه حکمی دارد؟

ج

- حرام است.

س ۱۰۶۵

اشاره

- عده‌ای مردم از شهرستان ما (مبارکپور اعظم گومه هند) کار بافتندگی انجام میدهند و بر روی آن پارچه بوسیله زری نقش و نگار و با عکس حیوانی یا

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۸

انسانی می‌بافتند پس حکم بافتن و هر نقش و نگار و بالخصوص حکم بافتن عکس حیوانی یا انسانی از نظر حکم شرعی چیست؟

ج

- در فرض سؤال، اگر نقاشی باشد جایز است هر چند نقاشی انسان و حیوان کراهت دارد ولی اگر مجسمه باشد حرام است.

س ۱۰۶۶

اشاره

- احتراماً به استحضار می‌رساند: ما تعدادی از نقاشان و هنرمندان رشته‌های مختلف تجسمی هستیم که مایلیم از قصص و داستانهای اسلامی بعنوان موضوع کار در تابلوهایمان استفاده کنیم با توجه به سبکها و تکنیکهای مختلفی که هنرهای تجسمی از آنها بهره می‌برد و تنوعی که به لحاظ روحیات هنرمندان در برخورد با موضوعات مختلف فوق الذکر وجود دارد، استدعا داریم تکلیف ما را به لحاظ شرعی روشن بفرمائید که آیا مجاز هستیم از راه داستانهای قرآنی برای آفرینشهای تجسمی استفاده کنیم یا خیر؟ و اگر مجاز هستیم، آیا این اجازه مشروط است؟

ج

- در مورد سؤال، نسبت به ذوات ارواح چنانچه بصورت مجسمه باشد جائز نیست، تذکراً نظر هنرمندان متعهد و عزیزمان را به این نکته جلب می‌نمایم که دین مبین اسلام در ارائه کل استعدادات انسانی و استفاده از آنها ارشادات و هدایت‌هایی دارد که با پیروی هنرمندان مسلمان از این راهنمایی‌ها هنر اسلامی بشکل خاص و ممتاز خود در آمد، و هنرها در آن رشته‌ها که مجاز است شکوفا و پیشرفت کرد لذا رشته مجسمه‌سازی که در جوامع دیگر مثل بت پرستان که هنوز پیکرهائی را می‌سازند و آنها را پرستش مینمایند در جوامع اسلامی متروک شد و در عوض در رشته‌های دیگر هنرمندان مسلمان اعم از ایرانی و غیر ایرانی ترقی و تکامل چشم گیر پیدا کرد و در عصر حاضر یکی از باجاذبه‌ترین مظاهر تمدن اسلامی که جلب نظر بیگانگان را می‌نماید و برای دیدن آنها و مطالعه در

آنها به کشورهای مسلمان سفر می‌کنند همین هنرهای ظریف و زیبای اسلامی است که حتی کشوری مثل اسپانیا که فعلاً اسلامی نیست بمناسبت سوابق تمدن اسلامی در آنجا و وجود بقایای آثار مهم هنرهای مسلمانان میلیاردها درآمد دارد و با اینکه بیشترین آثار بزرگ را از روی تعصب محو و تخریب نمودند، اخیراً در دوره طاغوت بتقلید از غربیها برای ساختن پیکره‌ها در میادین و بعضی اماکن گرایشی به مجسمه‌سازی پیدا شد و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۰۹

برنامه‌هایی در برابر این پیکره‌ها که جلوه بشرپرستی داشت انجام می‌شد که از برکت پیروزی انقلاب اسلامی همه از بین رفت و امید این است که این رسم غیر اسلامی و نصب پیکره‌ها در میادین و اماکن به هر عنوان که باشد در این کشور اسلامی تجدید نشود و با همت هنرمندان مؤمن و آگاه در همان رشته‌هایی که هنر اسلامی تبلور و تجلی داشت در جمهوری اسلامی بیشتر و کاملتر ظاهر شود.

س ۱۰۶۷

اشاره

- لطفاً نظر مبارک را نسبت به ساختن مجسمه و خریدوفروش آن و بخصوص نصب آن در میادین و مراکز شهرها، بیان فرمائید. اگر هدف از نصب مجسمه تجلیل از مقام علمی و سیاسی افراد باشد چه حکمی دارد؟

ج

- ساختن مجسمه ذی روح از انسان و غیر انسان و شغل و کسب مجسمه‌سازی و گرفتن اجرت برای ساختن آن حرام است و نصب آن در میادین و مراکز دیگر خلاف شئون و شخصیت اسلامی جامعه و سیره مسلمین است. و الله العالم.

س ۱۰۶۸

اشاره

- ساختن مجسمه‌های پلاستیکی که فعلاً دایر است مانند مجسمه اسب، گوسفند و سگ و مانند اینها چه صورتی دارد و خریدوفروش آنها چه حکمی؟

ج

- ساختن مجسمه ذی روح جائز نیست ولی خریدوفروش آن اشکالی ندارد.

خریدوفروش طلا

س ۱۰۶۹

اشاره

- آیا معامله و تجارتی بین المللی مانند خرید یکصد ساعت مچی طلا از کشور سوئیس توسط تاجر ایرانی در مقابل فی المثل یک هزار دلار یا در مقابل ظرفی از نقره به وزن پانصد مثقال مشمول بیع صرف می‌باشد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ آیا شرط قبض عوضین در مجلس عقد تابع عرف تجارت بین الملل می‌باشد و یا بنحو دیگری است؟

ج

- خرید ساعت طلا با دلار از مصادیق صرف نیست و نیز خرید آن با نقره غیر ظرف بی‌اشکال است ولی ثمن و یا مثن قرار دادن ظرف بقصد خوردن و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱۰

آشامیدن و سایر استعمالات محرم جائز نیست و پول و عوضی هم که فروشنده می‌گیرد حرام است و این ربطی به معامله صرف ندارد و قبضی که در معامله صرف معتبر است لازم است در مجلس معامله باشد و تابع عرف بین الملل نیست و یادآوری می‌شود که بستن ساعت طلا برای مرد حرام و نماز با آن باطل است. و الله العالم.

س ۱۰۷۰

اشاره

- تعویض طلا با طلا باید چگونه باشد؟

ج

- طلای خود را بفروشید و طلای او را به قیمت بخرید تا خالی از اشکال باشد.

س ۱۰۷۱

اشاره

- اگر طلائی را به کارگر سازنده بدهیم که آن را بسازد و طلای ساخته شده از او بگیریم چه صورتی دارد؟

ج

- اگر همان طلا را از او بگیرید اشکال ندارد.

س ۱۰۷۲

اشاره

- کارگری طلا- ساز طلا-یی را که از آن خودش بوده می‌سازد و می‌فروشد و معامله فقط روی اجرت کار انجام می‌شود چون

هموزن طلای ساخته شده خودش طلای نساخته می‌گیرد و با رضایت طرفین معامله انجام می‌پذیرد این معامله از نظر شرع چه صورتی دارد؟

ج

اگر طلای ساخته شده خود را به قیمت بفروشد و طلای طرف را هم به قیمتی بخرد بی‌اشکال است و اگر طلای خود را به طلای دیگری که حسب فرض وزن آنها مساوی است بفروشد و برای اجرت ساخت طلای خودش که بعد از انجام معاوضه آن را میسازد اجرت بگیرد نیز اشکال ندارد.

س ۱۰۷۳

اشاره

آیا طلای ساخته شده را به وعده دو ماه یا سه ماه به بیشتر از قیمت نقد می‌شود معامله کرد یا نه مثلاً اگر طلای نقد مثقالی ۱۵۰۰ تومان است به وعده دو یا سه ماه ۱۶۰۰ تومان معامله شود؟

ج

- اشکال ندارد.

س ۱۰۷۴

اشاره

اگر شخصی ۲/۵ مثقال طلا برای عوض کردن بیاورد و قیمتش بر فرض ۵۰۰ تومان باشد و در عوض ۲ مثقال طلا بگیرد به قیمت ۵۰۰ تومان در

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱۱

این صورت قیمت یکی است ولی مزد تفاوت می‌کند آیا اشکال دارد یا نه؟

ج

- چنانچه به قیمت فروخته شود و به قیمت بخرد اشکال ندارد.

س ۱۰۷۵

اشاره

- شخصی طلا فروش با شخصی که طلا را تعویض می‌کند و طلا را با طلا مقابل می‌گذارد اگر کالای تعویض کننده اضافه شد

پولش را می‌دهد و اگر کالای طلا فروش اضافه شد پولش را می‌گیرد ولی نسبت به مقدار مساوی به طرف می‌گوید که من مبلغی دستمزد داده‌ام و تقریباً مقداری هم منفعت بر می‌دارم آیا جایز است یا خیر؟

ج

۱- اگر هر یک را جداگانه به قیمت خرید و فروش کنند اشکال ندارد.

س ۱۰۷۶

اشاره

در بازار تهران و سایر نقاط ایران طلای شکسته یا آب‌شده را به بنکدار یا به کارگر می‌دهند و در مقابل طلای ساخته شده با اجرت می‌گیرند مثلاً ۵۰۰ گرم طلای شکسته را می‌دهند و ۵۰۰ گرم طلای ساخته شده را می‌گیرند به اضافه ۵۰۰۰۰ ریال اجرت آیا این کار صحیح می‌باشد یا خیر؟

ج

معامله به صورت مذکوره اشکال دارد اگر بخواهند شرعی عمل کنند ممکن است طلای شکسته را به قیمت خودش به زرگر بفروشد و طلای ساخته شده را هم به بهای خودش از او خریداری کند یا طلای شکسته را بدهد به زرگر که عین آن را برای او بسازد و مزد معین دریافت کند.

س ۱۰۷۷

اشاره

در مبادلات کلی که بین طلافروش‌های جزء و کلی‌فروش‌ها و بنکدارهای بازار طلا صورت می‌گیرد شخص کلی‌فروش مقداری طلای ساخته شده عرضه کرده و در مقابل بعد از چند روز طلای شکسته و متفرقه به علاوه اجرت ساخت طلاهای ساخته شده می‌گیرد گاهی هم به جای مقداری از طلای شکسته شده وجه آن را دریافت می‌دارد، لازم به یادآوری می‌باشد غالباً زرگرها عیار طلای شکسته را کمتر از طلای ساخته شده می‌دانند و به جهت برابر شدن ارزش طلای شکسته و طلای ساخته شده مقداری از حیث وزن اضافه می‌گیرند این مبادلات از جهت شرعی چه صورتی دارد؟

ج

معامله بنحو مذکور جائز نیست و راه صحیح اینست که طلای ساخته را با وزن و به قیمت خودش بفروشند و طلای شکسته را با وزن و به قیمت خودش بخرند یعنی دو معامله انجام گیرد. والله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱۲

س ۱۰۷۸

اشاره

- طلای ساخته شده (آماده) را می‌شود با همکار تعویض نموده و اجرت آن را دریافت یا پرداخت نمود یعنی فرضاً یک کیلو طلای ساخته شده ۱۸ عیار (آماده) را در مقابل یک کیلو طلای مستعمل شکسته شده با عیار مشخص تعویض نموده و اجرت آن پرداخت یا دریافت شود؟

ج

- معامله بنحو مذکور در سؤال، بنظر این جانب اشکال دارد موافق احتیاط این است که طلای خود را به پول بفروشد و طلای طرف را نیز به پول بخرد.

س ۱۰۷۹

اشاره

- آیا خرید و فروش طلا بصورت مدت دار صحیح می‌باشد یا خیر طلای یک ماهه را مثقالی ۷۰۰۰ ریال به قیمت طلای نقدی اضافه نموده و می‌فروشند؟

ج

- اگر معامله به طور منجز به مبلغ معین واقع شود اشکال ندارد.

س ۱۰۸۰

اشاره

- آیا دست گردان کردن طلا- به شکل نقد و نسیه صحیح می‌باشد یا خیر یعنی طلائی را به مدت دو ماه به خریدار بفروشند و خریدار طلا را تحویل گرفته و در همان زمان طلا را به شخص فروشنده و یا غیر، نقداً بفروشد و پول آن را دریافت نماید؟

ج

- اگر جداً قصد معامله و خرید و فروش داشته باشید اشکال ندارد.

س ۱۰۸۱

اشاره

- اگر مقداری طلا یا سکه به صورت نقد خریداری کنیم و با چک یک ماهه بفروشیم چنانچه موقع تاریخ سررسید چک، قبل از

اینکه به بانک رفته و چک را وصول کنیم با توافق طرفین معامله یعنی خریدار و فروشنده آیا می‌توانیم مقداری مبلغ چک مذکور را بالا برده و چک دیگری به تاریخ دو ماه دیگر بگیریم که در واقع این عمل را می‌گویند (نو کردن چک) یا خیر؟

ج

- جایز نیست و فروشنده بیشتر از ثمن معین که در چک ذکر شده حق مطالبه ندارد. و الله العالم

س ۱۰۸۲

اشاره

- شغل زرگری از نظر اسلام چه صورتی دارد؟

ج

- اگر طلافروش آشنایی کامل به مسائل معاملات داشته باشد که ندانسته مبتلا به معاملات ربوی نشود اشکال ندارد. جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱۳

س ۱۰۸۳

اشاره

- مقدار ۳۰ گرم طلای کهنه از مشتری می‌گیریم اگر مشتری بخواهد همین ۳۰ گرم را تعویض نماید باید مبلغ هجده هزار تومان پرداخت نماید حال همین ۳۰ گرم طلا را مدت نه ماه دست طلافروش امانت می‌گذارد و بعد از مدت نه ماه مقدار ۳۰ گرم طلای نو دریافت می‌کند و هیچگونه مبلغی را پرداخت نمی‌کند و طلا فروش مبلغ فوق را می‌پردازد تا کار کهنه را به نو تبدیل نماید و با طلای مشتری کاسبی می‌کند آیا شرعاً اشکال دارد و اگر دارد راه حل آن را مشخص فرمائید.

ج

- طریق صحیح آنست که طلای کهنه را به قیمت بخرید و طلای ساخته شده را بنحو مدت دار بفروشید.

خرید و فروش پول، ارز و چک

س ۱۰۸۴

اشاره

- اسکناس مال مثلی است یا قیمی و اگر هیچ‌یک از اینها نیست مالیت آن به چه نحوی است؟

ج

- اسکناس در حکم اجناس مثلی است.

س ۱۰۸۵

اشاره

- چنانچه به کسی وامی را که می‌دهند، بفروشند یعنی مبلغ نوزده هزار تومان را به مبلغ بیست هزار تومان بفروشند و قید هم بکنند که ما این مبلغ را به این قدر به شما فروختیم آیا حکم ربا را دارد و یا خیر؟

ج

- اگر نوزده هزار تومان اسکناس را به بیست هزار تومان مثلاً یک ساله بفروشند و جداً قصد خرید و فروش داشته باشند اشکال ندارد.

س ۱۰۸۶

اشاره

- آیا اسکناس را با قیمت ارزانتر یا گرانتر از ارزشش می‌توان خرید و فروش نمود؟

ج

- اگر غرض عقلانی در بین باشد اشکال ندارد

س ۱۰۸۷

اشاره

- آیا می‌تواند صد هزار تومان را بفروشد در مقابل صد و بیست هزار تومان به عنوان قرض؟

ج

- خرید و فروش اسکناس با قصد جدی در معامله و غرض عقلایی به نقد یا نسیه بیشتر مانعی ندارد. ولی قرض دادن با شرط زیادی، ربا و حرام است. و الله العالم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱۴

س ۱۰۸۸

اشاره

- کارگر افغانی یکصد هزار تومان پول ایرانی را طبق پول رایج کشور خودش به یک میلیون پول افغانی به دست شخصی بصورت حواله می‌دهد که پس از شش ماه به پدرش پرداخت کند.

امانت دار طی این مدت دچار خسارت شده و ورشکست می‌شود صاحب پول بابت دیرکرد، پول اضافی می‌خواهد درحالی که در سند بابت دیرکرد و خسارت حواله دار چیزی ذکر نشده حواله دار حاضر است پس از دو سال یک میلیون افغانی بپردازد ولی صاحب پول نسبت به بالا رفتن ارزش تومان می‌گوید یا صد هزار تومان یا یک میلیون و چهار صد هزار پول افغانی بپردازد آیا شرعاً پول اضافی حلال است در صورتی که هیچ کدامشان برای حواله دار مقدور نباشد؟

ج

- در فرض سؤال اگر یکصد هزار تومان پول ایرانی را به یک میلیون پول افغانی فروخته که راس شش ماه خریدار بپردازد فروشنده بیشتر از یک میلیون افغانی طلبکار نیست. و الله العالم

س ۱۰۸۹

اشاره

- اگر بگویند من این مبلغ صد هزار تومان را به شما در عوض ماهی پنج هزار تومان فروختم و طرف مقابل هم بگوید قبول کردم آیا این مسأله از نظر شرع جایز است یا نه و آیا ربا محسوب می‌شود؟

ج

- بنحوی که در سؤال ذکر شده صحیح نیست و باطل است.

س ۱۰۹۰

اشاره

- آیا اجازه می‌فرمائید مثلاً مبلغ یک میلیون تومان را نقداً به یک میلیون و صد هزار تومان بفروشیم؟

ج

- در فرض سؤال، خرید یک میلیون تومان نقد به یک میلیون و یکصد هزار تومان نقد عند العرف سفهی است و عقلانی نیست حتی در فروش یک میلیون تومان نقد به یک میلیون تومان نقد نیز همین اشکال هست بلی اگر در مثل این معامله غرض عقلانی عرفی باشد مثل اینکه شخصی که اسکناس یک میلیونی دارد و نیاز به یک میلیون اسکناس خرد دارد یک میلیون خرد یا کمتر را به یک میلیون بفروشد اشکال ندارد یا اگر نیاز به یک اسکناس یک میلیونی دارد آن را به یک میلیون و یکصد هزار تومان خریداری نماید.

س ۱۰۹۱

اشاره

- نظر مبارک را در حکم شغل صرافی و خرید و فروش ارز بیان فرمائید؟

ج

- با رعایت احکام شرعیه اشکال ندارد. و الله العالم

س ۱۰۹۲

اشاره

- در تاریخ ۷۴/۴/۹ به شخصی مبلغ دویست هزار تومان تحویل دادم که ایشان تا تاریخ ۱/۱/۷۵ در افغانستان معادل آن را که مبلغ دو میلیون و چهار صد هزار افغانی می‌شود به پدرم تحویل دهد متأسفانه تا حال تحویل نداده است خدمت ایشان مراجعه نموده و درخواست دویست هزار تومان خود را نمودم ایشان در جواب من گفت که من معادل دویست هزار تومان که دو میلیون و چهار صد هزار افغانی می‌شود به شما میدهم این جانب می‌گویم که شما باید اصل پول را به من بدهید و اگر بخواهید معادل تومان را به من بدهید ضرر می‌کنم چون آن زمان تومان زیاد ارزش نداشت و الآن که تومان ارزش پیدا کرده است ایشان می‌گویند که من به شما تومان نمی‌دهم بلکه پول افغانی میدهم از محضر مبارک سؤال می‌گردد که آیا حق دارم که اصل مبلغ دویست هزار تومان را مطالبه نمایم یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال، که بین متعاملین شرط شده که طرف معامله دو میلیون و چهار صد هزار افغانی را در افغانستان به پدر خریدار بدهد و او به شرط عمل نکرده خریدار می‌تواند معامله را فسخ کند و دویست هزار تومان خود را بگیرد.

س ۱۰۹۳

اشاره

- خرید و فروش ارزهای خارجی چه صورتی دارد؟

ج

- فی حدّ نفسه اشکال ندارد.

س ۱۰۹۴

اشاره

- آیا کسی پول این کشور را در مقابل پول کشورهای دیگر مثلاً ریال را در مقابل دلار یا در مقابل پول افغان در صرف بالا و پائین مثلاً یک هزار تومان در مقابل ۲۰ یا ۲۵ هزار افغان خرید و فروش کند در مدت معین آیا این معامله از نظر اسلام حلال است یا خیر؟

ج

- خرید و فروش اسکناس بنحو مذکور در سؤال اشکال ندارد.

س ۱۰۹۵

اشاره

- آیا خرید و فروش چک، سفته و اسکناس جایز است؟

ج

- خرید و فروش اسکناس اشکال ندارد ولی فروش و یا خرید چک صحیح

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱۶

نیست بلی اگر کسی که چک در دست اوست از کسی طلبکار باشد می تواند طلب خود را به شخص ثالث به قیمت نقدی کمتر از وجه مذکور در چک بفروشد.

س ۱۰۹۶

اشاره

- گرفتن هزینه دادرسی از کسی که چک آن برگشت خورده و خسارت دیرکرد جایز نمی باشد آیا گیرنده چک می تواند، چک را به مبلغ خود چک یا کمتر به کس دیگر واگذار کند و شخص دوم چک را از روال قانونی اقدام و هزینه دادرسی و خسارت وارده را دریافت نماید یا خیر، البته شخص اول هیچ گونه دخالتی در امور گرفتن هزینه و خسارت وارده ندارد آیا عمل شخص اول جایز است یا خیر؟

ج

- چک حکم حواله را دارد و فروش آن صحیح نیست و آنچه صحیح است اینست که چک در مقابل طلب باشد و انسان طلبی را که برد ذمه کسی دارد به شخص ثالث بفروشد نه خود چک را و در هر حال، گرفتن خسارت مذکوره نه برای شخص اول جایز است و نه برای شخص دوم و اگر شخص اول طلب خود را که از کسی دارد به کمتر از آن یا بهمان مقدار به شخص دوم بفروشد و مسأله گرفتن دیرکرد یا سایر هزینه‌ها در بین آنها مطرح و منظور نباشد و بعد از انجام شخص دوم به فکر بیفتد که خسارت بگیرد

معامله شخص اول اشکال ندارد. و الله العالم.

س ۱۰۹۷

اشاره

- آیا خرید و فروش چک مدت دار با کم و زیاد مثلاً نه هزار تومان نقداً بدهد و چک ده هزار تومانی مؤجل شش برج بخرد یا چک ده هزار تومانی که مدت دارد بفروشد به نه هزار تومان نقد آیا جائز است یا خیر؟

ج

- خرید و فروش خود چک صحیح نیست ولی اگر چک صوری نباشد طلبکاری که از مدیون چک دارد می‌تواند طلب خود را که در ذمه مدیون دارد به نقد کمتر بفروشد.

س ۱۰۹۸

اشاره

- افرادی در مقابل انجام دادن کاری مثلاً در ازای دست مزد کارگری یا دوختن لباس و کارهای خدماتی چک وعده دار (مدت دار) می‌گیرند برای ۶ ماه بیشتر یا کمتر، و در موقع احتیاج داشتن به پول، آن چکهای وعده‌دار را به اشخاص داده و آن اشخاص برای مدت چک مقداری کم کرده و پول میدهند آیا

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱۷

چنین عملی حرام است مثلاً مانند نزول و ربا است که هم دهنده و هم گیرنده کار حرام می‌کنند؟

ج

- کسی که طلبکار است می‌تواند طلب خود را به کمتر از آنچه در چک نوشته شده بفروشد ولی فروختن خود چک صحیح نیست طلبکار شده مراجعه کند.

س ۱۰۹۹

اشاره

- زید از عمرو طلبی دارد به میزان ۱۰۰ هزار تومان، و عمرو هم چکی به همان مبلغ برای ۲ ماه دیگر می‌دهد، زید هم قبل از رسیدن مدت به پول محتاج شده و این چک را به مبلغ ۷۰ هزار تومان به شخص ثالثی می‌فروشد حال نزول پول تا این اندازه برای طرفین مشروع است یا خیر، تکسب به این عمل و ارتزاق نمودن از این راه جایز است یا خیر؟

ج

- در صورتی که طلب خود از عمرو را که بر ذمه عمرو است به شخص ثالث بفروشد (نه چک را) اشکال ندارد و این نزول پول نیست، خرید و فروش است مانند اینکه انسان یک متاع مثلاً پنج هزار تومان را در موقع احتیاج به سه هزار تومان بفروشد یا در معامله نسیه اگر آنچه را خریده مکیل و موزون نباشد بکمتر از آنچه خریده نقداً بفروشد.

احکام خیارات

س ۱۱۰۰

اشاره

- آیا ماده ۴۰۱ قانون مدنی ایران که مقرر می‌دارد:
«اگر برای خیار شرط مدت معین نشده باشد هم شرط خیار و هم بیع باطل است»
منطبق موازین شرعی است یا خیر؟

ج

- بلی شرط مذکور فاسد و مفسد عقد است.

س ۱۱۰۱

اشاره

- آیا حق خیارات شرعی به ورثه می‌رسد یا خیر؟

ج

- بلی حق خیار به ورثه منتقل می‌شود.

س ۱۱۰۲

اشاره

- آیا برای بهم زدن معامله بغیر از حق خیارات شرعی و خیار شرط و اقاله راههای دیگری نیز وجود دارد؟

ج

- راه مشروع همان است که در سؤال ذکر شده.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱۸

س ۱۱۰۳

اشاره

- معامله ماشینی با اسقاط کافه اختیارات توسط واسطه‌ای بین خریدار و فروشنده انجام گردیده پس از تبادل اسناد و تحویل ماشین به خریدار، خریدار با ابراز این نکته که در حین معامله به وجود و معنی جمله اسقاط اختیارات هیچ گونه توجهی نداشتم انصراف خود را اعلام کرده است آیا خریدار چنین حقی دارد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن جواب فروشنده چه تکلیفی دارد؟

ج

- چنانچه شرعاً ثابت شود که خریدار در حال معامله توجهی به معنی و مفهوم اسقاط اختیار نداشته است، حق خیار با وجود شرایط خیار، مثل غبن و غیره برای او باقی است. و الله العالم

س ۱۱۰۴

اشاره

- شرایط اقاله را بیان فرمائید؟

ج

- اجمالاً اقاله فسخ معامله با رضایت طرفین است و به کمتر یا زیاده‌تر از ثمن معامله، اقاله صحیح نیست و تفصیل مطلب را در کتب فقهی ملاحظه نمائید.

س ۱۱۰۵

اشاره

- اگر در معامله نقدی اختیارات را ساقط کنند آیا خیار تأخیر ثمن و خیار حیوان را هم شامل میشود.

ج

- بلی اگر در حین معامله، طرفین تمام اختیارات را ساقط کنند، شامل دو خیار مورد سؤال نیز میشود.

س ۱۱۰۶

اشاره

- حیوان در زمن خیار می‌زاید و می‌میرد و قیمت آن از بایع به مشتری بر می‌گردد می‌شود و یا بعد از زائیدن در زمین خیار معامله

فسخ می‌شود آیا در این دو صورت بچه حیوان تالف از آن مشتری است یا بایع؟

ج

- در فرض سؤال، اگر حمل هم جزء مبیع بوده نسبت به حمل که متولد شده و زنده است قاعده (التلف فی زمن الخيار ممن لا خيار له) جاری نیست و خیاری که ثابت بوده نسبت بحمل باضافه خيار تبعض صفة باقی است پس اگر مشتری معامله را نسبت به بچه حیوان فسخ کند و تمام ثمن را از بایع بگیرد بچه حیوان متعلق به بایع است.

و چنانچه ذی الخيار فسخ نماید می‌تواند تفاوت قیمت حیوان با حمل و حیوان بی‌حمل را ملاحظه نمایند و به همان نسبت از ثمن برگردانند و در این صورت بچه حیوان متعلق به مشتری است و اگر حمل جزء بیع نبوده باید ببایع مسترد شود بلی چنانچه حمل حیوان بعد از بیع و در ملک مشتری متکون شده باشد ظاهراً حمل به مشتری تعلق دارد. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۱۹

خيار غبن

س ۱۱۰۷

اشاره

- پدر این جانبان یک نفر پیرمرد و عاجز است که از دو چشم نابینا است و به علت فوت ناگهانی برادر جوانمان حالت عادی و طبیعی ندارد و بدون کسب نظریه خانه خود را معامله نموده بعداً آگاه شده است که به شدت مغبون شده به دلیل غبن فاحش اعلام فسخ نموده خریدار که به قیمت روز واقف بوده و غبن معامله را قبول داشته با تزویر عمل نموده و به مادرم پول یک دستبند طلا معادل دویست هزار تومان را داده پدرم را وادار نموده است که سند رسمی تنظیم نماید بعد از تنظیم سند به او تفهیم نموده‌اند که غبن معامله غیر قابل تحمّل بوده مجدداً اعلام فسخ نموده است از طرفی تعادل روحی ندارد و قادر به انجام چنین معامله‌ای نبوده و معامله بدون مشورت و بدون اطلاع این جانبان صورت گرفته است سؤال شرعی بنده این است که اولاً از نظر شرعی معامله پدرم چه صورتی دارد در ثانی این جانبان که اولاد ارشد پدرمان هستیم به دلیل نابینا بودن و نامناسب بودن وضع جسمانی و روحی پدرم معامله را می‌توانیم فسخ نماییم یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه عدم تعادل روحی او به اندازه‌ای است که تشخیص سود و زیان نمی‌دهد معامله باطل است هر چند غبنی در بین نباشد و اگر در این حد نبوده ولی مغبون شده خودش می‌تواند معامله را فسخ نماید ولی اولادش حق فسخ ندارند و در نزاع موضوعی مرافعه شرعی لازم است. و الله العالم

س ۱۱۰۸

اشاره

- شخصی قطعه زمینی خرید به مبلغ ۵ میلیون و دویست هزار تومان و طرفین توافق کرده‌اند که زمین هر چقدر بود به همین مبالغ باشد و مدتی از معامله گذشته است و حالا فروشنده میگوید زمین بیشتر از آن متراژی است که مورد نظر من بوده و مبلغ دیگری اضافه می‌خواهم، آیا چیزی به او تعلق میگیرد یا نه؟

ج

- در مورد سؤال اگر زمین بعنوان قطعه و بمشاهده معامله شده نه بعنوان متراژ، طرفین بعد از معامله از لحاظ کم و زیاد بودن متراژ حق فسخ و یا مطالبه قیمت زیادترو یا کمتر را ندارند ولی اگر به متراژ معامله شده حکم دیگری دارد و نزاع موضوعی محتاج به مرافعه شرعیه است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۰

س ۱۱۰۹

اشاره

- این جانب در سال گذشته قطعه زمینی را بدون نظر کارشناس و بدون هیچ گونه آگاهی به قیمت روز به شخصی فروختم و بعد از دو هفته متوجه غبن فاحش در معامله شده و بلافاصله به خریدار اعلام نمودم که من مغبون شده‌ام و به اصل معامله راضی نیستم ولی ایشان خود را مالک می‌داند و بر این امر اصرار می‌ورزد مستدعی است نظر مبارک خود را در مورد معامله مزبور بیان فرمائید.

ج

- بطور کلی چنانچه بعد از انجام معامله هر یک از متعاملین بفهمد که در حین معامله مغبون بوده در صورتی که خیار غبن خود را اسقاط نکرده باشد می‌تواند معامله را فسخ کند. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و الله العالم

س ۱۱۱۰

اشاره

- شخصی ملکی را فروخته و وجه آن را تماماً دریافت داشته و کلیه اختیارات را و لو فاحش باشد از خود ساقط نموده و با نظر کارشناس به قیمت روز که مرضی الطرفین نیز بوده فروخته است آیا حق خیار غبن برای وی باقی است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، اگر در حین وقوع غبنی نباشد خیار غبن نیست و اگر در حین معامله مغبون بوده خیار غبن ثابت است ولی اگر ساقط کرده باشد اختیار فسخ ندارد بلی اگر غبن به مقداری باشد که اسقاط آن از آن مقدار منصرف باشد اگر چه اسقاط غبن فاحش هم شده باشد با این انصراف خیار غبن ثابت است. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و الله العالم.

خیار عیب

س ۱۱۱۱

اشاره

- در بازار پشمی معامله شده است بعد از تحویل معلوم می‌شود که مقداری حدود صدی ده مواد خارجی از قبیل خاک و شن و ماسه و کاه مخلوط آن بوده است آیا فروشنده پشم مدیون هست یا خیر و آیا خریدار شرعاً حق مطالبه میزان مواد خارجی پشم را به عنوان (ارش) دارد یا خیر؟

ج

- در مفروض سؤال، چنانچه پشم خریداری شده بر خلاف توصیف فروشنده باشد خریدار می‌تواند معامله را فسخ کند و جای ارش نیست بلی اگر طرفین توافق کنند که فروشنده معادل اشیاء مخلوط با پشم را پشم بدهد اشکال ندارد ولی هیچ‌یک ملزم به این کار نیستند. و الله العالم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۱

س ۱۱۱۲

اشاره

- کسانی که شغل آنها خرید و فروش می‌باشد و اجناسی که می‌خرند از جمله گندم و پنبه در صورتی که این اجناس به صورت مختلف مثلاً گندم خوب مرغوب و بد مخلوط می‌شود و یکجا به سیلوهای دولتی فرستاده می‌شود چه صورتی دارد آیا غش در معامله هست یا خیر؟

ج

- اگر جنس غیر مرغوب را به جنس مرغوب مخلوط کند و به اسم مرغوب به خریدار بدهد غش و حرام است ولی اگر به خریدار بگوید که مبیع مخلوط است و خریدار با آگاهی بخرد مانعی ندارد.

س ۱۱۱۳

اشاره

- کسی حیوانی را خریده و به کشتارگاه داده و بعد از ذبح معلوم شده که حیوان مریض بوده و گوشتش قابل استفاده نمی‌باشد و آن را بدستور دکتر به چاه انداخته و دفن کرده‌اند. و کشتارگاه به این شخص نامه داده که حیوانی که با این مشخصات است دفن گردیده آیا این شخص با آن نامه می‌تواند به فروشنده مراجعه کند و پولش را بگیرد یا نه؟
(و آیا فروشنده می‌تواند به مشتری بگوید که چون تصرف کرده‌ای و به کشتارگاه داده‌ای لذا حق استرداد پول را نداری و اگر ذبح نمی‌شد آن را با معالجه و نگهداری می‌توانستم مرضش را بر طرف کنم).

آیا این ادعا از فروشنده بدون تصدیق متخصص پذیرفته می‌شود یا نه؟

ج

- در مورد سؤال مشتری می‌تواند تفاوت قیمت صحیح و معیب را از فروشنده بگیرد.

س ۱۱۱۴

اشاره

- زمینی بمساحت تقریبی ۵۰ متر به شخصی فروخته شده و خریدار احداث مغازه نموده و پس از ده سال طرحی در روستا پیاده می‌شود بنام طرح هادی که بعلت توسعه معابر مقداری از آن در معبر و در معرض خرابی قرار گرفته آیا فروشنده در این موقع ضامن هست یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال که طرح بعد از وقوع معامله به میان آمده خریدار از این جهت حق فسخ معامله را ندارد و فروشنده هم ضمانتی نسبت به ضرر وارد بر خریدار بر اثر طرح ندارد. و الله العالم.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۲

س ۱۱۱۵

اشاره

- شخصی زمین یا خانه ای از کسی بوسیله واسطه (یعنی بنگاه دار) خریداری نموده که مخارج بنام کردن آن به عهده خریدار باشد و پس از انجام معامله معلوم شده که زمین یا ساختمان از طریق قانون دولتی یا در طرح بوده و یا تخلف غیر مجاز ساختمانی داشته یعنی مشمول ماده ۱۰۰ شهرداری و یا بدون پروانه ساخته شده در صورتی که نه واسطه و نه فروشنده هیچ گونه ابرازی از تخلفات ننموده و طرف خریدار هم بدون اطلاع خریده آیا مبلغی که بخاطر تخلف باید پرداخت شود با خریدار است یا فروشنده؟

ج

- در صورتی که این امور در نظر عرف و اهل خبره از عیوب مورد معامله محسوب شوند و خریدار بی اطلاع باشد خریدار خیار عیب دارد و می‌تواند معامله را فسخ کند. و الله العالم.

س ۱۱۱۶

اشاره

- خانه ام را فروخته‌ام به شخصی به مبلغ ۳ میلیون و پانصد و پنجاه هزار تومان تمام و مبلغ ۲ میلیون را به من دادند و مابقی را قرار شد در محضر بدهند بنام کردیم و مبلغ پانصد هزار تومان طلب من شد حالا میگویند من پانصد هزار تومان را نمیدهم برای اینکه شهرداری میگوید در مسیر خرابی است من باقی پول شما را نمیدهم آیا خریدار می‌تواند چنین بگوید که پول شما را نمیدهم یا خیر؟ آنچه حکم الله است بیان فرمائید.

ج

- چنانچه خانه مذکور در موقع وقوع معامله در طرح بوده و خریدار اطلاع نداشته احتیاط این است که خریدار در صورت عدم رضایت معامله را فسخ نماید و جواز اخذ ارش با امکان فسخ و ردّ مبیع به فروشنده بنظر حقیر محلّ اشکال است. و اگر بعد از انجام معامله و تحقق قبض در طرح قرار گرفته، حق فسخ ندارد. و الله العالم.

س ۱۱۱۷

اشاره

- مرحوم پدر این جانب قطعه زمینی بمساحت یکصد و هفتاد و پنج متر مربع کنار خیابان ۴۵ متری را به شخصی واگذار نموده و سند وکالت زمین مذکور را نیز بنام خریدار انتقال داده‌اند ولی متأسفانه چون در زمان معامله زمین بعلت وجود خاک در زمین امکان مترائز دقیق زمین وجود نداشته و زمین فقط طبق نقشه به فروش رفته است اکنون طبق نقشه شهرداری که حدود ۹ ماه از معامله زمین می‌گذرد تعداد ۱۸ متر مربع از زمین موصوف در مسیر خیابان قرار گرفته
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۳

از از محضر مبارک استدعا دارد این جانب را ارشاد فرمائید تا هم مرحوم پدرم زیر دین نباشند وهم حقی از محقی پایمال نگرود.

ج

- در مورد سؤال، چنانچه موقع انجام معامله ۱۸ متر از زمین مذکور در طرح بوده و خریدار اطلاع نداشته باید به نسبت ۱۸ متر ثمن به مشتری برگردانده شود و اگر موقع انجام معامله در طرح نبوده بلکه بعد از وقوع معامله در طرح قرار گرفته خریدار حقی بفروشنده ندارد.

س ۱۱۱۸

اشاره

- شخصی یک قطعه زمین شخصی که به ارث به او انتقال یافته و از قدیم الایام هم در آنجا مشغول کشت و کار بوده است فروخته، مشتری نیز تصرفات مالکانه در آن نموده و به عنوان تصرف ستونهایی از سنگ در زمین زده است چندی پیش همین زمین و زمینهای همجوار آن از طرف دولت منابع طبیعی اعلان شده وقتی که مشتری اطلاع پیدا کرده پس از گذشت پنج سال از این معامله آمده و ادعا می‌کند که پشیمان شده‌ام آیا شرعاً این مشتری می‌تواند زمین را پس بدهد و معامله را فسخ کند؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه در هنگام وقوع معامله به هیچ عنوان معلوم نبوده که اداره منابع طبیعی، زمین مورد معامله را می‌خواهد تصرف کند و هیچ یک از متعاملین اطلاعی در این خصوص نداشته‌اند و پنج سال بعد آنجا را بعنوان منابع طبیعی اعلام کرده‌اند خریدار حق فسخ ندارد و چنانچه نزاع موضوعی باشد مرافعه شرعی لازم است.

خسارت به هم زدن معامله

س ۱۱۱۹

اشاره

- هنگام خرید یک باب منزل مسکونی قرار شد مشتری در صورت پشیمان شدن مبلغ پنجاه هزار تومان بپردازد حال که مشتری پشیمان شده آیا فروشنده حق گرفتن این مبلغ را دارد؟

ج

- در فرض سؤال، قرار مذکور باطل است و در معامله مورد سؤال، چنانچه با صیغه بیع بوده باینکه فروشنده بگوید فروختم و خریدار بگوید خریدم هیچ یک از طرفین حق فسخ ندارند و اگر معاطاتی یعنی بدون صیغه بوده بنابر احتیاط باید طرفین مصالحه نمایند، و اگر نزاع موضوعی در بین است مرافعه شرعی لازم است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۴

س ۱۱۲۰

اشاره

- منزلی را در بنگاه می‌فروشد به طرف به دو میلیون تومان مثلاً و قولنامه می‌نویسند و در آن ذکر می‌کنند تا ۱۰ روز دیگر هر کس آماده معامله نشد ده هزار تومان به دیگری بپردازد دادن این ده هزار تومان و گرفتن آن چه صورت دارد؟

ج

- مجرد ذکر و نوشتن اینکه هر کس آماده معامله نشد ده هزار تومان به دیگری بپردازد در قولنامه الزام آور و لازم الوفا نیست مگر اینکه در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد.

س ۱۱۲۱

اشاره

- امروزه شاهد قراردادهایی بنام قولنامه یا بیع‌نامه و یا غیره هستیم که در این گونه قراردادهای مبلغی بعنوان خسارت یا التزام یا

پشیمانی در قرار داد شرط می‌شود. در صورتی که ضرر و زیانی به طرفین از نظر عرف وارد نشده باشد اخذ این مبلغ از لحاظ شرع به چه صورت می‌باشد آیا اینگونه قراردادها لازم الوفاء هستند یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه در بیع اینطور شرط شود که در مدت معین هر یک از طرفین در صورتی که فلان مبلغ بدهد حق فسخ دارد در این صورت اگر مبلغ تعیین شده را بدهد می‌تواند فسخ کند هر چند هیچ‌گونه خسارتی هم نباشد و اگر ندهد حق فسخ ندارد ولی اگر باین نحو شرط شود که هر یک از طرفین چنانچه فسخ کند باید فلان مبلغ بدهد این نحو شرط کردن باطل است و هیچ‌یک حق فسخ ندارند.

س ۱۱۲۲

اشاره

- شخصی خانه را فروخته و مبلغ یکصد هزار تومان بعنوان بیعانه از خریدار دریافت نموده است و قرار شد بقیه را تا شش ماه پرداخت نماید و منزل را تحویل بگیرد و ضمناً شرط کرده‌اند چنانچه خریدار تا شش ماه پشیمان شود حقی در بیعانه ندارد و اگر فروشنده به مدت شش ماه پشیمان شد علاوه بر بیعانه مبلغ صد هزار تومان هم از خود به خریدار پرداخت نماید و لکن خریدار پشیمان نشده و در مدت فوق نتوانست پول تهیه کند و خانه را خریداری نماید و فروشنده هم بعد از شش ماه خانه خود را فروخته آیا می‌تواند بیعانه را به خریدار ندهد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال فروشنده باید بیعانه را به مشتری پس بدهد و حق امتناع ندارد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعی لازم است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۵

احکام شرط در بیع

س ۱۱۲۳

اشاره

- شخصی گرها و اجباراً متعهد می‌شود قطعه زمینی را به اشخاص دیگری تملیک و واگذار نماید قطع نظر از آنکه تسلیم زمین از طرف شخص متعهد به متعهد لهم عن طیب نفسه نبوده است علی فرض که تعهد متعهد طائعاً و راغباً ایجاد شده باشد با توجه به اینکه:

اولاً تنها عقود و معاملات منعقدہ فیما بین متعاقدين و متعاملین لازم الوفاء بوده آن هم در صورتی که در عقد و معامله منعقدہ کلیه شرائط و ارکان و عناصر اساسی صحت تحقق یافته باشد.

ثانیاً تعهد یک جانبه بر طبق آراء و فتاوی علمای عظام شیعه برای متعهد لازم الوفاء نبوده مگر آنکه تعهد معهود ضمن عقدی از

عقود لازمه ایجاد و ایقاع شده باشد و به شرحی که فوقاً معروض افتاد تعهد مزبور بطور یکجانبه ایجاد گردیده ذیلاً مرقوم فرمائید در چنین وضعی برای شخص متعهد شرعاً عدول از تعهد جایز و سائق خواهد بود یا خیر؟

ج

- بطور کلی مجرّد تعهد اگر در ضمن عقد لازم شرط نشده باشد واجب الوفا نیست و سبب نقل و انتقال ملک نمی شود بلی چنانچه حسب وعده و تعهد با رضایت با یکی از اسباب شرعی نقل و انتقال از قبیل بیع و شراء و یا صلح و یا هبه مال مورد تعهد را تملیک طرف کرده باشد فسخ آن معاملات بعنوان اینکه تعهد یک جانبه بوده لزوم وفا نداشته، صحیح نیست و در صورت نزاع بین طرفین در جهات مذکوره مرافعه شرعیّه لازم است.

س ۱۱۲۴

اشاره

- ملکی معامله شده و خریدار مخارجی در ملک انجام داده و ملک مصادره گردیده است اگر از اول خریدار یا فروشنده می دانسته اند که ملک مصادره ای می باشد تکلیف خریدار یعنی خرید ملک و مخارج یک ساله در ملک چیست؟ ضرر و زیان شامل می شود یا خیر؟ و اگر مشکوک بوده چطور؟ (زیرا بعد از انجام معامله مراجعه به محضر جهت وکالت می کنند به آنها می گویند ملک به نام دیگری بوده حتی فروشنده گفته هنوز پول شما را خرج نکرده و جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۶ حاضرم برگردانم ضمناً خریدار مطالبه نماء و خسارت می نماید).

ج

- از قضیه شخصیه اطلاع ندادم به طور کلی چنانچه بعد از معامله معلوم شود که فروشنده قدرت تسلیم مبیع را نداشته آن معامله باطل است و باید فروشنده ثمن را (اگر گرفته) برگرداند و اگر فروشنده خریدار را مغرور نموده باشد باید مخارجی را هم که خریدار متحمل شده پردازد ولی در هر صورت خساراتی را که به خاطر بهم خوردن معامله تصوّر می کند از قبیل اینکه اگر معامله واقع نشده بود با پولی که داده ام فلان نفع را می بردم فروشنده ضامن نیست و چنانچه نزاع موضوعی باشد مرافعه شرعیّه لازم است. و الله العالم.

س ۱۱۲۵

اشاره

- معامله ای انجام گردیده قرار شده طبق توافق طرفین چک مبلغ معامله تا زمان محضر، پیش واسطه باشد ولی واسطه معامله با نظر و امضاء خریدار قبل از زمان موعود چک را به فروشنده داده است آیا واسطه خیانت نموده و از نظر اخلاقی و شرعی مسئول است یا خیر؟

ج

- عبارت سؤال وافی نیست اگر مقصود این است که واسطه معامله با نظر و موافقت خریدار چک را به فروشنده داده در این صورت فرض خیانت صحیح نیست و اگر مقصود این است که بدون رضایت خریدار چک به فروشنده داده است چنانچه از این جهت خسارتی بر خریدار وارد شود واسطه ضامن است و الا فقط مرتکب معصیت عمل خلاف امانت شده و باید توبه کند. و الله العالم

س ۱۱۲۶

اشاره

- شخصی جنسی را به پول نقد می‌خرد و نمی‌تواند تا مدت دو ماه بپردازد آیا بایع می‌تواند از نسبت دو ماه تأخیر چیزی اضافه از قیمت اصلی بخواهد؟

ج

جامع الاحکام؛ ج ۱؛ ص ۳۲۶

در فرض سؤال، بایع بیشتر از ثمنی که برای مبیع معین کرده و معامله بر آن واقع شده نمی‌تواند چیزی مطالبه کند.

س ۱۱۲۷

اشاره

- شخصی جنسی را بی‌پول می‌خرد، و بعد از دو ماه که نمی‌تواند پول بدهد اصل همان جنس یا مشابه آن را برای بایع بازمی‌گرداند و در این مدت قیمت سوقی آن جنس پائین می‌آید آیا آن تفاوت قیمت بعهد بایع است یا مشتری؟

ج

- مشتری باید ثمن تعیین شده در حین معامله را به بایع بدهد و بایع ملزم به

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۷

قبول عین یا مثل مبیع نیست بلی اگر بایع رضایت به اقاله معامله داشته باشد اقاله مانعی ندارد.

س ۱۱۲۸

اشاره

- در سال گذشته تاریخ ۷/۳/۷۴ در نجف آباد اصفهان با شخصی دو هزار جفت تخت لاستیکی معامله کردم از قرار هر جفت تخت لاستیکی به مبلغ ۱۱۵ تومان، ۱۱۵ هزار تومان نقد داده‌ایم و قرار شد هر موقع هزار دومی تمام شد ۱۱۵ هزار تومان دومی را

بپردازیم در همین تاریخ ۳۰۰ جفت تخت تحویل گرفتیم ۷۰۰ جفت نزد فروشنده است به بنده تلفن کرده در حال حاضر تخت شده هر جفت ۲۵۰ تومان بفرمائید آیا حق گرفتن چنین مبلغی را دارد؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه در معامله تاریخ معینی برای پرداخت بقیه قیمت جنس خریداری شده تعیین کرده باشید فروشنده حق ندارد زاید بر قیمت تعیین شده چیزی بگیرد ولی اگر به نحوی که در سؤال ذکر شده تاریخ به این صورت باشد که (هر موقع هزار دومی تمام شد ۱۱۵ هزار تومان دومی را بپردازم) بایع نسبت به تعدادی که پول آن را گرفته نمی‌تواند زیادتر بگیرد و نسبت به آنچه بنا بوده بعد بدهد می‌تواند گرانتر بدهد چون معامله نسبت به اجناسی که پول آن را نگرفته از جهت معین نبودن تاریخ پرداخت ثمن و مثن باطل بوده است.
والله العالم.

س ۱۱۲۹

اشاره

- اگر فروشنده نتواند کالای مورد معامله را پس از دریافت وجه تحویل مشتری نماید و بخواهد از معامله منصرف و وجه را مسترد نماید بدون رضایت خریدار جایز است یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه معامله نقدی و کلی بوده باید هر وقت متمکن شد تسلیم نماید و اگر سلف بوده مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند و می‌تواند صبر کند تا موقع قدرت بر تسلیم و اگر معامله روی عین شخصی بوده با فرض عدم قدرت بر تسلیم باطل است هر چند در حین معامله قدرت بر تسلیم داشته و بعد متعذر شده باشد.

س ۱۱۳۰

اشاره

- کسی که معامله‌ای انجام داده و از متعامل وجه آن را به صورت چک دریافت نموده پس از رسیدن زمان چک متعامل وجه را پرداخت نموده حال آیا شخص بایع می‌تواند معامله قبل را فسخ کند یا خیر و در صورت توانستن آیا جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۸

می‌تواند همان جنس فروخته شده قبلی را به مبلغ بالاتر به همان شخص قبل بفروشد با یک قرار داد جدید و بیع جدید دیگر؟

ج

- اگر در حین معامله، شرط کرده که چنانچه مشتری ثمن را در موعد تعیین شده نپردازد بایع حق فسخ معامله را داشته باشد در

فرض سؤال می‌تواند فسخ کند و بعد به قیمت بیشتر به همان مشتری یا غیر او بفروشد و اگر چنین شرطی نکرده و معامله به صورت نسیه بوده و مشتری در تاریخ تعیین شده ثمن را نداده بایع حق فسخ ندارد. و الله العالم

س ۱۱۳۱

اشاره

- شخصی خانه‌ای را می‌فروشد و پولی را از بابت فروش دریافت مینماید، و قرار می‌شود مابقی پول خود را پس از آمادگی مدارک ثبت در موعد مقرر دریافت نماید، اما بدلیل نبودن مدارک خانه و عدم آمادگی در ثبت دفترخانه ناچار وجه مابقی خانه به تعویق می‌افتد، آیا از جهت این عدم آمادگی مدارک و تأخیر در صورت عدم انصراف خریدار، فروشنده می‌تواند معامله را فسخ و یا بدلیل افزایش بهاء خانه وجهی اضافه بر قیمت اولیه از خریدار دریافت کند؟

ج

- در فرض سؤال، اگر تاریخ پرداخت بقیه ثمن کاملاً معلوم بوده مثلاً اول برج فلان و چنانچه در حین وقوع معامله غبنی در بین نبوده، مجرد افزایش قیمت بعد از آن، موجب حق خیار نیست بلی اگر بایع در ضمن عقد بیع، شرط کرده باشد که اگر خریدار تا تاریخ معینی بقیه ثمن را نپردازد حق فسخ داشته باشد و خریدار تا آن تاریخ بقیه ثمن را نپردازد بایع خیار تخلف شرط دارد و الا مجرد تأخیر ثمن موجب خیار نمی‌شود ولی اگر قرار بر این بوده که وقتی در محضر به ثبت رسید بقیه ثمن پرداخت گردد چون تعیین مدت محسوب نمی‌شود معامله نسبت به مقدار بقیه ثمن باطل است و نسبت به آن مقدار بایع و مشتری خیار تبعض صفقه دارند.

س ۱۱۳۲

اشاره

- خانه‌ای را در مقابل قولنامه در چند ماه قبل به شخصی فروخته‌ام بمدت ۴ ماه که خریدار وجه آن را طی چند فقره چک ماهیانه مبلغ ۷ میلیون تومان بپردازد. با توجه به اینکه اولین چک با مدتی تأخیر و بقیه نیز که مبلغ ده میلیون تومان می‌باشد حدوداً با سه ماه تأخیر وصول گردید و نیز با توجه به وضع اقتصادی موجود و بموقع وصول نشدن چکها ضرر و زیان زیادی متوجه گردیده است، ضمناً تاکنون سند به نام خریدار انتقال نیافته با عنایت به مراتب

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۲۹

فوق خواهشمند است نظر مبارک را از نظر شرعی اعلام فرمائید؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه بیع شرعی بین متعاملین واقع شده و قبض حاصل شده بدون مجوز شرعی فسخ آن جایز نیست و همچنین جایز نیست وجهی در برابر تأخیر در اداء از خریدار بگیرد و نزاع موضوعی مرافعه شرعی لازم است.

س ۱۱۳۳

اشاره

- دو نفر پس از توافق طرفین معامله ای را امضاء می نمایند و بیعانه لازم هم از طرف خریدار به فروشنده داده می شود تا در مهلت معین در محضر حاضر و معامله را بطور کامل انجام دهند فروشنده هم به اعتبار قرار داد منعقد شده با کس دیگری معامله نمی نماید پس از انقضای مدت معینه خریدار از انجام معامله منصرف شده و انصراف خود را کتبا به محضر اعلان می نماید و در اثر خلف وعده و نقض قرار داد، فروشنده متضرر می شود آیا فروشنده شرعا حق دارد زیان حاصله از تخلف وعده را از خریدار بگیرد یا نه؟

ج

- بعد از انجام معامله هیچ یک از طرفین بدون مجوز شرعی حق فسخ معامله را ندارند و با مجوز فسخ، متضرر شدن یک طرف نمی تواند مانع فسخ شود.

س ۱۱۳۴

اشاره

- در تاریخ ۱۳۷۲/۵/۸ یک باب منزل فروخته ام به شخصی به مبلغ ششصد هزار تومان که قرار شد که در طول ۱۲ ماه مبلغ ذکر شده را بپردازد ولی ایشان در طول ۸ ماه مبلغ دو بیست و نود هزار تومان داده است و تا به امروز ۳ سال از آن تاریخ می گذرد که مبلغ سیصد و ده هزار تومان آن مانده است و حال آنکه در ابتدا معامله شرط شده که اگر خریدار ثمن را در موعد مقرر ندهد فروشنده حق فسخ دارد، خواهشمند است حکم شرعی را بیان فرمائید.

ج

- در فرض سؤال، که فروشنده شرط کرده که اگر خریدار ثمن را در موعد مقرر نپردازد حق فسخ داشته باشد و خریدار تخلف نموده، فروشنده حق فسخ دارد. و الله العالم

س ۱۱۳۵

اشاره

- آپارتمانی را که آموزش و پرورش به نام من تحویل داده با شراکت شوهرم خریداری نموده به شرطی که تا آخر عمر در آن باشیم ایشان مقداری از اقساط بانک را پرداخت نموده بعد از مدتی تصمیم به فروش آن داشته آیا چنین

جامع الاحكام، ج ۱، ص: ۳۳۰

حقی را دارد؟ حال که قریب دو ماه است فوت کرده تکلیف ورثه چیست؟

ج

۱- اگر شما قرار داد شرعی با شوهرتان در مورد آپارتمان مذکور منعقد کرده باشید و او تخلف از شرایط کرده باشد اختیار فسخ معامله را دارید و در این صورت همسران فقط پولهایی را که پرداخت نموده طلبکار است و حال که او فوت شده به ورثه او از جمله خود شما طبق تقسیمات شرعی میرسد.

نقد و نسیه

س ۱۱۳۶

اشاره

۱- جنابعالی در رساله عملیه فرموده‌اید که در معاملات نسیه مدت باید معلوم باشد اگر مثلاً بگویید سر خرمن اشکال دارد؟ آیا مغازه دار که معمولاً با مردم حساب دارد و مردم از او مواد خوراکی و غیره را خریداری می‌کنند به صورت نسیه و مدت معلوم نیست چه صورتی دارد؟

ج

۱- معاملات مذکوره صحیح نیست باید مدت را معلوم کنید.

س ۱۱۳۷

اشاره

۱- آیا می‌توان اجناس را که بصورت نسیه فروخته می‌شود با اطلاع مشتری به مبلغی گرانتر فروخت؟

ج

۱- اشکال ندارد ولی سعی کند اجحاف نشود.

س ۱۱۳۸

اشاره

۱- فردی درب آهنی دست دوم را به فرد دیگری فروخته بدون اینکه وزن درب و یا قیمت معین شود فقط فروشنده هنگام فروش گفته است قیمت روز هر چقدر می‌باشد شما کیلویی ۱۰ تومان ارزانتر پولش را پرداخت کنید در آن موقع قیمت کرده و آهن ۹۰ تومان بوده سه سال از این قضیه می‌گذرد در طول این سه سال نه خریدار بنا بر سوابق دوستی که داشته پول درب را پرداخت کرده و نه فروشنده سراغ پولش را گرفته است الان که سه سال گذشته فروشنده ادعا می‌کند که باید قیمت امسال را پردازی نه سه سال قبل را لطفاً حکم شرعی مسأله را مرقوم فرمائید.

ج

- در فرض سؤال معامله باطل است و آن درب آهنی به ملکیت فروشنده باقی است خریدار اگر بخواهد درب را نگهدارد به قیمت فعلی باید پولش را بدهد و در نزاع موضوعی مراجعه شرعیه لازم است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۱

س ۱۱۳۹

اشاره

- در معامله نسیه که فرموده‌اند اگر مدت معین نشد باطل است آیا مراد این است که نسیه باطل است و معامله نقدی می‌شود و یا اصل معامله باطل است؟

ج

- اصل معامله باطل است.

س ۱۱۴۰

اشاره

- ماشینی که قیمت آن مشخص شده و ارزش آن یک میلیون تومان می‌باشد و خریدار می‌خواهد یک سال بعد پول آن را بپردازد آیا جایز است که فروشنده برای هر ماه ۴۰ هزار تومان بعنوان سود بگیرد، و در مورد کالای دیگر نیز اگر این مسأله صادق باشد آیا جایز است؟

ج

- اگر بعد از تعیین قیمت و انجام معامله شرعی خریدار بخواهد چیزی بعنوان سود، از جهت تأخیر پرداخت بگیرد حرام است ولی اگر قبل از انجام معامله، فروشنده بگوید اگر ثمن را نقد می‌دهی مثلاً یک میلیون تومان و اگر بوعده یک ساله می‌دهی (معامله نسیه) مثلاً یک میلیون و پانصد هزار تومان و خریدار معامله نسیه را اختیار کند سپس معامله نسیه انجام دهند اشکال ندارد در هر صورت باید ثمن مقطوع و معین باشد.

س ۱۱۴۱

اشاره

- خریدار و فروشنده‌ای خانه‌ای را معامله کرده‌اند بعض ثمن نقد و بعض دیگر مدت دار بوده است و مدت مجهول است زمان تحویل مابقی ثمن پس از انجام مراحل قانونی و هنگام تنظیم سند در محضر است و هیچ یک از طرفین توجه نداشته‌اند که می‌شود

معامله را بطور نقد و بصورت نسیه انجام داد بنابراین نمیدانند کدامیک از دو شکل معامله را قصد کرده‌اند البته مشتری خود را ذی حق در تأخیر ثمن تا مدت مذکور می‌داند. فروشنده نیز این حق را انکار نمی‌کند مستدعی است بفرمائید:

س ۱: آیا معامله تماماً حکم نقد را دارد و یا قسمت مدت دار آن نسیه است؟

س ۲: آیا در فرض نسیه بودن معامله فوق با توجه به جهل به مدت معامله باطل است یا صحیح؟

س ۳: در فرض بطلان آیا معامله رأساً باطل است و یا نسبت به مقدار نقدی

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۲

آن صحیح است؟

س ۴: چنانچه معامله نسبت به مقدار نقدی آن صحیح باشد آیا طرفین یا یکی از آنها حق فسخ معامله را نسبت به آن مقدار دارد یا خیر؟

س ۵: در صورت صحت معامله مذکور چنانچه مشتری نتواند مابقی ثمن را در زمان مقرّر تحویل دهد آیا فروشنده حق فسخ معامله را دارد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال معامله نسبت به مبلغ مدت دار نسیه است و چون مجهول بوده نسبت به همان مقدار باطل است و نسبت به بقیه صحیح است ولی هر یک از فروشنده و خریدار خيار تبعض صفقه دارند.

س ۱۱۴۲

اشاره

- فروشنده یک فرش یا یک جنس معین به خریدار می‌گوید سه ماه وعده ۵۰ هزار تومان، نقد ۴۵ هزار تومان و کاسبی دیگر همین جنس معین را می‌گوید نقد ۴۵ هزار تومان، سه ماه وعده ۵۰ هزار تومان کدامیک از این دو صحیح است؟

ج

- اگر نقد و یا نسیه بودن معامله هنگام انجام معامله معلوم باشد هر دو صورت صحیح است.

س ۱۱۴۳

اشاره

- این جانب برای خرید چند دستگاه مختلف از فروشندگان استعمال نمودم و با یکی از آنها به توافق رسیدم و دستگاههای مذکور را به قیمت معینی از او خریداری نمودم نقداً قسمتی از ثمن معامله، به در خواست فروشنده پرداخت گردید، و قرار بر آن شد که: دستگاهها، حد اکثر در مدت سه ماه تحویل گردد، و در این مدت نیز طبق در خواست فروشنده بقیه ثمن نیز تحویل داده شد، الحال فروشنده ادعا می‌کند که:

اولاً: به لحاظ افزایش قیمت‌ها باید مبلغی به ثمن معامله افزوده شود.

ثانیاً: بعضی از دستگاهها به صورت ناقص تحویل داده شده است.

ثالثاً: بعضی از آنها را هم تحویل نداده است.

لطفاً حکم شرعی مسأله را بیان فرمائید.

ج

- در فرض سؤال اگر دستگاههای مذکور را بنحو کلی خریداریده‌اید فروشنده نسبت به مقداری از مبیع که قیمت آن حین معامله نقداً پرداخت شده حق مطالبه افزایش قیمت را ندارد و اما نسبت به بقیه مبیع کلی که پرداخت قیمت آن موکول به جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۳

بعد شده و تحویل بقیه مبیع نیز مدت دار بوده معامله باطل است لذا فروشنده ملزم به تحویل آن نیست مگر با تراضی و معامله جدید ولی اگر دستگاههای معین شخصی را خریداریده‌اید نه کلی فروشنده حق مطالبه افزایش قیمت را ندارد و در صورت معیوب بودن مبیع در معامله شخصی خریدار حق فسخ دارد و در معامله کلی حق دارد که فروشنده را ملزم نماید که مبیع معیوب را عوض کند و مبیع سالم تسلیم کند، و در نزاع موضوعی مرافعه شرعی لازم است. و الله العالم.

س ۱۱۴۴

اشاره

- حدود ۱۲ سال پیش یک قطعه زمین به مبلغ ۷۵ هزار تومان مورد معامله قرار گرفته مبلغ ۵۰ هزار تومان آن پس از معامله و تصرف زمین به فروشنده پرداخت گردید و الباقی که مبلغ ۲۵ هزار تومان می‌باشد با توافق طرفین متعاملین مقرر گردید که ۴ سال بعد در قبال انتقال سند، خریدار تسلیم فروشنده نماید و قبل از موعد مقرر فروشنده از خریدار تقاضای مبلغی نموده ولی چون موعد نرسیده بوده خریدار از پرداخت امتناع ورزیده و بعد موعد مقرر که رسیده خریدار جهت تأدیه و تقاضای سند به فروشنده مراجعه نموده فروشنده حاضر به انتقال نشده که هنوز قضیه به همین صورت باقیمانده و زمین مورد تصرف خریدار قرار گرفته و مدت ۱۰ سال است که بصورت منزل مسکونی در آمده اکنون فروشنده آیا استحقاق همان ۲۵ هزار تومان الباقی را دارد یا بیش از آن استدعا می‌شود در مورد فوق حکم الله را بیان فرمائید.

ج

- در مورد سؤال که برای پرداخت بقیه ثمن موعد معین شده است خریدار بیش از مبلغ ۲۵ هزار تومان مدیون نیست، و در نزاع موضوعی مرافعه شرعی لازم است. و الله العالم.

س ۱۱۴۵

اشاره

- شخصی مقداری جنس از شخص دیگری خریداریده و نصف قیمت آن را داده است بعلت اختلاف در اصل جنس تا مدت انتقال اجناس قیمت پائین آمده است شخص بایع بدون اجازه مشتری همه اجناس را به ضرر فروخته است آیا ضرر این جنس بر عهده بایع

است یا مشتری؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه معامله بطور صحیح بر عین شخصی واقع شده فروش بایع فضولی بوده و با رد مشتری معامله دوّم باطل است و مشتری می‌تواند عین جنس را بگیرد و اگر بایع فضولی جنس را تحویل خریدار دوّم داده و جنس از جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۴
بین رفته باید مثل جنس را اگر مثلی است یا قیمت آن را اگر قیمی است به قیمت یوم التلف به مشتری اول بدهد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.

س ۱۱۴۶

اشاره

- این جانب در سال ۵۸ زمینی به متراژ ۱۴۴ متر از قرار هر متر ۴۵ تومان از شخصی خریداری نمودم و قرار ما در معامله این بود که نصف قیمت را نقداً و نصف دیگر را پس از یک ماه دیگر بپردازم نیمی از قیمت را طبق قرار همان زمان پرداخت نمودم بعد از یک ماه که ما بقی را خواستم بدهم سند درخواست نمودم جواب داد با این مبلغ سند را نمی‌دهم و بنده هم بخاطر اینکه ترسیدم پولم بکلی از بین برود بقیه پول را ندادم در این مدّت ۱۶ سال نه من تقاضای سند کردم و نه او پول از من مطالبه کرد و حال که زمین گران شده می‌گویند یا نصف زمین را بده و یا قیمت فعلی را مستدعی است حکم شرعی را بیان فرمائید.

ج

- بطور کلی در فرض سؤال اگر خریدار بر طبق قرار داد عمل کرده و بقیه قیمت زمین را در موعد تعیین شده تحویل فروشنده داده و او قبول نکرده خریدار بیش از همان مبلغ بدهکار نیست و فروشنده نمی‌تواند بیشتر مطالبه کند و چنانچه نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیّه لازم است.

س ۱۱۴۷

اشاره

- در معاملات تجاری نقدی معمولاً در بازار با رضایت طرفین صدی یک کسر می‌شود و یا اینکه قبلاً موضوع بیان می‌شود نظر حضرت‌عالی چیست؟

ج

- اشکال ندارد.

س ۱۱۴۸

اشاره

- گوسفندی که امروز به نرخ مثلاً پانزده هزار تومان است برای یک سال نسیه می‌خرد هیجده هزار تومان آیا این شرعاً صحیح است یا خیر؟ (در صورتی که خودشان این گوسفند را بعداً (سه چهار روز بعد) به قیمت ۱۴ هزار تومان می‌فروشند).

ج

- فروش نسیه گوسفند به قیمتی بیشتر از قیمت نقد اشکال ندارد و همچنین پس از انجام معامله فروش نقدی آن به کمتر مانعی ندارد. و الله العالم

س ۱۱۴۹

اشاره

- شخصی معامله نسیه می‌کند در معامله نه نوشته‌ای می‌گیرد و نه شاهدهی و سود بیشتری روی جنس می‌کند گاهی هم در بعضی از مشتریان اصل
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۵
سرمایه هم می‌سوزد آیا آن سود زیادی بابت اجناس چه صورتی دارد؟

ج

- در صورتی که معامله با رضایت طرفین انجام شود معامله صحیح است البته در صورت غبن خیار برای مغبون ثابت است.

بیع به شرط

س ۱۱۵۰

اشاره

- آیا بیع به شرط جایز است؟

ج

- اشکال ندارد.

س ۱۱۵۱

اشاره

- آیا برای تخلص از ربا بیع بشرط و اجاره صحیح است؟ مثلاً زید دو دانگ ماشین خود را به مشتری می‌فروشد بیع به شرط و سپس همین دو دانگ ماشین فروخته شده را از او اجاره میکند ماهی به ۴۰ هزار تومان آیا صحیح است و مقصود آنها از بیع به شرط آن است که تا مدت سه ماه صاحب ماشین حق فسخ داشته باشد.

ج

- بیع بشرط در صورتی که صاحب ماشین جداً قصد خرید نماید به همان نحو که در سؤال ذکر شده صحیح است لکن فروشنده بگوید دو دانگ از این ماشین را می‌فروشم به فلان مبلغ و شرط کند که از تاریخ فلان تا تاریخ فلان در صورت ردّ ثمن حق فسخ داشته باشم و در این صورت هرگاه در مدت تعیین شده پولی را که گرفته به خریدار داد و فسخ کرد معامله بهم می‌خورد و اگر فسخ واقع نشود تا مدت بگذرد دیگر حق مطالبه دو دانگ ماشین را ندارد.

س ۱۱۵۲

اشاره

- شخصی چهار دانگ از ماشین خود را در دو نوبت به فاصله پنج ماه به بیع به شرط فروخته است زمان انقضای حق فسخ بایع در هر دو معامله در یک زمان می‌باشد اکنون بایع پول دو دانگ را داده نسبت به دو دانگ دیگر که نتوانسته پولش را بدهد مشتری می‌گوید دو دانگ ماشین مال من است یا خود شما بخرید یا به دیگری می‌فروشم بایع می‌گوید فقط پولی که برای خرید داده‌ای می‌دهم با اجاره مدت بعد از انقضاء، لطفاً نظر مبارک را در مورد مسأله فوق بیان فرمائید.

ج

- در فرض سؤال در صورتی که معامله بنحو صحیح و شرعی واقع شده

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۶

است بعد از انقضاء مدت خیار نسبت به دو دانگ، معامله لازم است و اختیار فروش این دو دانگ با مشتری است و فروشنده حق اجبار نسبت به خریدار ندارد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعی لازم است.

س ۱۱۵۳

اشاره

- زید نیاز به پول دارد و عمرو، بادام دارد زید بادام را از عمرو کیلویی ۴۶۰ تومان می‌خرد تا پول را پس از ۳ ماه به عمرو، بدهد و در همان مجلس عمرو بادام را از زید کیلویی ۴۳۰ تومان می‌خرد و پول را به زید می‌دهد، حکم این مسأله چیست؟

ج

- اگر معامله اول مشروط به معامله دوم باشد صحیح نیست. و الله العالم

س ۱۱۵۴

اشاره

- بعرض میرساند این جانب فرشی داشتم فروختم بمدت و خریدار تحویل گرفت و بعد از سه روز رفتم سه تا فرش از او خریدم و پول فرشها را نقداً به او دادم آیا اشکالی هست در این معامله، توضیح آنکه دو تا از سه عدد فرش مذکور همان فرشهایی بود که به او قبلاً فروخته بودم.

ج

- چنانچه در معامله اول شرط نکرده‌اند که فرش را مجدداً به مالک اول بفروشند، معامله دوم اشکال ندارد.

خرید و فروش و واگذاری اجزاء بدن

س ۱۱۵۵

اشاره

- شخصی مبتلاء به سرطان است اطباء متخصص و به اتفاق تشخیص می‌دهند که امید حیات برای این شخص باقی نیست و خود مریض هم یقین دارد که چند صباحی بیش عمر نخواهد کرد. اگر این شخص بخواهد در آخرین لحظات حیات خود کلیه، چشم یا سایر اعضا خود را مثلاً در مقابل ده میلیون تومان بفروشد تا وراثت بتوانند با این پول امرار معاش نمایند درحالی که قطع اعضا، هیچ گونه تسریع در مرگ شخص نداشته باشد فروش اعضا جایز می‌شود یا خیر؟

ج

- اما واگذاری عضو اگر موجب تسریع موت شود بلا اشکال جایز نیست و اگر موت مستند به آن باشد مباشر در حکم قاتل است که بحسب موارد محکوم می‌شود و اگر خطر جسمانی نداشته باشد در این صورت نیز حکم به جواز واگذاری در نهایت اشکال است و معاوضه آن با پول باطل است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۷

س ۱۱۵۶

اشاره

- خرید و فروش عضو بدن انسان زنده جهت پیوند به بیماران چه حکمی دارد؟

ج

- در صورتی که حفظ جان بیمار معیناً فعلاً موقوف به آن عضو باشد و برای صاحب عضو هیچ گونه ضرری نداشته باشد، بعید

نیست واگذاری عضو اشکال نداشته باشد ولی در هر حال جواز خرید و فروش آن مشکل است و می‌توانند به صورت مصالحه عمل نمایند.

س ۱۱۵۷

اشاره

- خرید و فروش کلیه در حال حیات و چشم بعد از فوت جایز است یا نه؟

ج

- جائز نیست.

س ۱۱۵۸

اشاره

- کسی که وصیت می‌کند که پس از مرگم کلیه مرا برای محتاجین خارج کنید آیا این وصیت قابل اجرا است یا نه دیگر اینکه خارج کننده کلیه از بدن میت مسلمان باید دیه پردازد یا نه؟

ج

- در صورت توقف حفظ نفس محترمه بر آن، جواز قابل توجیه است. و الا وصیت شخص، مجوز نیست و دیه هم در هر حال ساقط نمی‌شود و بر عهده خارج کننده کلیه است.

س ۱۱۵۹

اشاره

- کسی در حال احتضار است و دکتر از حیات او قطع امید میکند آیا وارث و یا ولی می‌تواند از اعضاء او اجازه پیوند به یک مریض دیگر بدهد یا نه؟ و یا کسی وصیت میکند در حال احتضار من دکتر حق دارد از اعضاء سالم من به مریض دیگر که احتیاج دارد پیوند بزند آیا صحیح است یا نه؟

ج

- قبل از فوت مریض وارث و یا ولی چنین حقی ندارد و همچنین خود مریض حق ندارد وصیت کند که قبل از فوت من عضوی از بدن من جدا شود و به کسی داده شود بلی بعد از فوت مریض چنانچه حیات مؤمنی بستگی به پیوند عضوی داشته باشد جواز دادن عضوی از میت قابل توجیه است ولی باید دیه آن داده شود که مصرف خیرات جهت میت بشود.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۸

سود عادلانه در فروش کالا

س ۱۱۶۰

اشاره

- کسی که کاسبی می‌کند چه مبلغی از جنس را باید سود ببرد که مالش حرام نشود؟

ج

- با تراضی طرفین و رعایت شرائط معامله و اجتناب از غش و دروغ و محرمات دیگر به هر قیمت بفروشد در صورتی که حاکم شرع جامع الشرائط و منصوبین او نرخ برای آن جنس تعیین نکرده باشند حرام نیست ولی اجحاف بسیار مذموم است. و الله العالم

س ۱۱۶۱

اشاره

- بعضی از اجناس مدت یک یا دو سال و یا مدتی در فروشگاه می‌ماند بعد از مدتی قیمت آنها بالا می‌رود آیا فروشنده حق دارد آن را به قیمت روز بفروشد؟

ج

- مانعی ندارد ولی سعی کند بی‌انصافی نشود که آثار سوء دارد.

س ۱۱۶۲

اشاره

- بعضی از اجناس تلفات دارد آیا فروشنده حق دارد آن جنس را قبل از فروختن بخاطر جلوگیری از زیان چند درصد گرانتر بفروشد؟

ج

- اشکال ندارد.

س ۱۱۶۳

اشاره

- این جانب در تاریخ ۱۶/۱۲/۷۲ مقدار سه هزار کیلو چای بسته‌بندی شده از قرار هر کیلو ۲۶۰۰ ریال از سازمان چای خریداری نموده‌ام که چای مذکور در تاریخ ۱۶/۱/۷۳ به حقیر تحویل شده و بنده نیز چای مذکور را به قیمت هر کیلو عمده‌فروش ۲۶۵۰ ریال و خورده‌فروش ۲۷۰۰ ریال توزیع نموده‌ام و در تاریخ ۱۵/۲/۷۳ مجدداً به سازمان چای مراجعه و همان چای را از قرار هر کیلو ۳۷۰۰ ریال خریدم چنانچه مقدار یکصد کیلو چای خرید قبلی نزد این جانب موجود بوده باشد ترقی و تفاوت قیمت آن متعلق به کیست؟

ج

- در مورد سؤال از باب ترقی قیمت چیزی به سازمانی که چای را بشما فروخته تعلق نمی‌گیرد فقط اگر شرط بر شما کرده باشد که چای را به قیمت معینی بفروشید تخلف از آن شرط جایز نیست. و الله العالم.

س ۱۱۶۴

اشاره

- کاسب و مغازه دار، کالا و اجناس را که در چند سال پیش خریداری

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۳۹

و تا کنون به فروش نرفته از جمله کالاهائی مانند ظروف استیل، چینی، بخاری و سایر مایحتاج، می‌تواند به نرخ روز به فروش برساند و از نظر شرع مقدس اشکال دارد یا خیر؟

ج

- بطور کلی هر کس می‌تواند کالای خود را به هر قیمتی بفروشد البته سزاوار است رعایت انصاف و ترک اجحاف به مؤمنین را بنماید بلی چنانچه کالای مذکور را بشرط فروش به قیمت معینی به مغازه دار داده‌اند و تخلف کرده و آن را به مردم نفروخته است فعلاً هم باید بشرط عمل کرده به همان قیمت در اختیار مصرف‌کننده قرار دهد.

س ۱۱۶۵

اشاره

- آیا میوه‌فروش میوه را کیلوئی ۲۰ تومان بخرد و کیلوئی ۳۰ تومان بفروشد اشکال دارد یا خیر؟

ج

- اشکال ندارد ولی سعی شود که بی‌انصافی نشود که آثار سوء دارد.

نزاع در خرید و فروش

س ۱۱۶۶

اشاره

- زید مثلاً شتری را به عمرو می‌فروشد و تحویل می‌دهد مدتی از این خرید و فروش می‌گذرد که ثالثی مدعی می‌شود که شتر از من است و زید که فروشنده شتر بوده ادعای ثالث را قبول می‌کند، ولی عمرو که خریدار شتر و تحویل‌گیرنده بوده ادعای ثالث و قبول زید را رد مینماید، آیا اظهارات فروشنده اثری تحت عنوان اقرار و یا شهادت علیه خریدار ندارد؟

ج

- در فرض سؤال، بعد از اینکه زید شتر را بعنوان ملک خود به عمرو فروخته معامله محکوم به صحت است و بعد از معامله اقرار او به اینکه شتر مال شخص ثالث است نسبت به عمرو (مشتري) بلااثر است بنابراین شتر متعلق به عمرو است لکن اقرار زید بر علیه به خودش مسموع است و باید قیمت شتر را به شخص ثالث بدهد، بلی در صورتی که به دلیل شرعی ثابت شود که شتر ملک شخص ثالث بوده معامله فضولی است و منوط به اجازه مالک شتر است.

س ۱۱۶۷

اشاره

- اگر شخصی موتوری را بفروشد و چندین سال از آن موضوع گذشته باشد و همچنین چندین بار هم به افراد مختلف دست به دست فروخته شده باشد و نفر اول به گفته خودش مبلغ ۱۰ هزار تومان از پول موتور را نگرفته و می‌خواهد جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۰

از من که آخرین نفر هستم مبلغ ۵۰ هزار تومان بگیرد در صورتی که من از این موضوع اطلاع نداشتم و همچنین افراد قبلی که قبل از من موتور را خریده‌اند نمی‌شناسم و شخص اول که مبلغ پنجاه هزار تومان از من طلب می‌کند هیچ مدرکی از نفر اول مبنی بر اینکه از او ۱۰ هزار تومان می‌خواهد ندارد آیا اصلاً این از نظر شرعی درست است که او این مبلغ طلب را از من بگیرد و نیز آیا درست است که به جای ۱۰ هزار تومان از من پنجاه هزار تومان بگیرد؟

ج

- بطور کلی در مثل مورد سؤال، مالک اولیه موتور نمی‌تواند از خریدار آخر طلب خود را وصول کند و چنانچه طلبی هم داشته باشد باید به خریدار اول مراجعه نماید، و در نزاع موضوعی مرافعه شرعی لازم است.

س ۱۱۶۸

اشاره

- شخصی قطعه زمینی خرید به مبلغ ۵ میلیون و دویست هزار تومان و طرفین توافق کرده‌اند که زمین هر چقدر بود به همین مبلغ

باشد و مدتی از معامله گذشته است و حالا فروشنده میگوید زمین بیشتر از آن متراژی است که مورد نظر من بوده و مبلغ دیگری اضافه می‌خواهم آیا چیزی به او تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج

- در مورد سؤال اگر زمین بعنوان قطعه و بمشاهده معامله شده نه بعنوان متراژ طرفین بعد از معامله از لحاظ کم و زیاد بودن متراژ حق فسخ و یا مطالبه قیمت زیادتر و یا کمتر را ندارند ولی اگر به متراژ معامله شده حکم دیگری دارد و در نزاع موضوعی محتاج به مرافعه شرعیه است.

س ۱۱۶۹

اشاره

- پدری به ولایت، سهم پسر نابالغش را می‌فروشد پسر پس از بلوغ ادعای غبن می‌کند و پدر می‌گوید من در آن زمان طبق مصلحت تو معامله نموده‌ام اکنون که پدر مرحوم شده حکم شرع چیست؟

ج

- در فرض سؤال معامله شرعی و ممضی است و مولی علیه حق فسخ را بعد از بلوغ ندارد بلی اگر شرعاً ثابت شود که ولی شرعی خیانت نموده یا واقعاً در هنگام وقوع معامله مغبون بوده و جاهل بموضوع یا حکم بوده مولی علیه می‌تواند معامله را فسخ کند و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و الله العالم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۱

س ۱۱۷۰

اشاره

- اگر شاخه‌های درخت زید عمرو را زحمت می‌رساند و از استفاده نمودن از بام خود مانع می‌شود بلکه شاخه‌های درخت بر سر و روی عمرو برخورده نقصان می‌رساند و بام از استفاده نمودن معطل شده است حکم شرع را بیان فرمائید.

ج

- در فرض سؤال عمرو می‌تواند از زید که مالک درخت است بخواهد که شاخه‌های درخت خود را از فضای ملک زید خارج کند و یا قطع کند و اگر زید که صاحب درخت است امتناع کرد خود عمرو می‌تواند اگر ممکن است بدون قطع کردن شاخه را برگرداند به ملک خود عمرو و اگر برگرداندن ممکن نیست می‌تواند آن را قطع کند. و الله العالم

س ۱۱۷۱

اشاره

- معامله‌ای در خصوص فروش کارخانه‌ای به صورت قطعی انجام پذیرفته است فرضاً ده میلیون تومان که از پرداخت پول تا دو ماه خودداری شده است خریدار به فروشنده که نیاز پولی داشت تحمیل نمود که اجباراً قولنامه دیگری به مبلغ هشت میلیون تومان تنظیم نماید آیا خریدار دو میلیون را به فروشنده مدیون و بدهکار است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه بر طبق قولنامه دوم طرفین با رضایت معامله را انجام داده‌اند به معنی اقاله معامله اول و تجدید معامله است و صحیح است و خریدار فقط مدیون ثمن دوم یعنی هشت میلیون تومان هست و در نزاع موضوعی مرافعه شرعی لازم است.

س ۱۱۷۲

اشاره

- شخصی خانه‌ای را جهت تأسیس حسینیّه خریداری می‌کند بعد از خرید آن را جهت حسینیّه اختصاص داده و صیغه وقف خوانده شده و سالیان دراز مراسم عزاداری و مجالس مشابه دیگر در آن اقامه می‌نماید پس از چندی برخی مالکین اولیه منکر فروش میشوند و ادّعاء مالکیت آن را می‌نمایند. آیا متصدی حسینیّه حق دارد از افرادی که انجام معامله را انکار نموده‌اند تقاضای قسم نماید؟ و اگر جواب منفی است هرگاه چنین کاری انجام شده باشد آیا اتیان سوگند می‌تواند ملاک حکم قرار گیرد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال اگر خریدار بینه شرعی اقامه کند که ملک را خریده قسم

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۲

مالکین اولیه مبنی بر عدم فروش اثری ندارد بلی اگر خریدار نتواند خرید ملک را شرعاً اثبات کند نوبت به قسم مالکین به عدم فروش میرسد ولی به هر حال فصل منازعه و اقامه بینه و قسم باید با مرافعه شرعی انجام شود.

س ۱۱۷۳

اشاره

- منزلی را خریدم از قرار اینکه مقداری از پول هنگام نوشتن قولنامه تحویل فروشنده شود و بقیه مبلغ را بعد از دو ماه پردازم، فروشنده هم گفت که در این مدت دوماهه، سند و کلید منزل در تصرف من می‌ماند، ما هم موافقت کردیم، مبلغ باقیمانده را تا دو روز قبل از تاریخ تحویل، آماده و به فروشنده بدهیم، فروشنده گفت چون آن مقدار باقیمانده از مبلغ که حق من است در اختیار مشتری بود، لذا من سود آن مبلغ را در این مدت دوماهه می‌خواهم، حالا با توجه به اینکه خریدار در هنگام نوشتن قولنامه مقداری از پول را به فروشنده تحویل داده و جز کاغذ قولنامه و امضای فروشنده چیز دیگری تحویل نگرفت، حکم شرعی این سودی که فروشنده می‌خواهد چیست؟

ج

- در فرض سؤال بایع زائد بر اصل ثمن معامله چیزی طلبکار نیست و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۱۷۴

اشاره

- زید مقدار معین از باغ مشجر معین از عمرو خریده است و به صورت باغ معامله شده و در قولنامه و سند هم به صورت باغ مشجر معامله شده و از معامله تقریباً ده سال می‌گذرد و در این مدت از جوئی که از باغ فروشنده می‌گذرد این باغ مشروب می‌شده چون این جوی قبل از معامله بوده الآن صاحب باغ یعنی عمرو می‌خواهد مسیر آن جوی را که باغ زید از آن مشروب می‌شود عوض نماید و با عوض کردن به مشتری ضرر می‌رسد آیا فروشنده این حق را دارد که مسیر جوی را بدون رضایت عوض کند؟

ج

- در مورد سؤال با فرض اینکه زید جهت مشروب ساختن باغ خریداری شده از عمرو قبلاً حق داشته که از جوی معینی که در ملک فروشنده واقع شده استفاده نماید فروشنده باغ (عمرو) حق ندارد بدون رضایت زید مسیر آن را عوض کند. و الله العالم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۳

س ۱۱۷۵

اشاره

- شخصی مقداری از باغ خود را به شخص دیگری فروخته و پس از فروش واخذ قیمت مقدار فروخته شده را که پانصد متر بوده از سهم خود جدا و دیوارکشی و تحویل خریدار داده و چون خریدار برای مشروب کردن سهم خریداری شده نه آب برکه داشته و نه حق آبه پس از مدّت مدیدی از فروشنده خواهش کرده که به او اجازه دهد یک نوبت که باغ خودش را مشروب میکند به اندازه نیم ساعت هم آب از باغ خودش به سهم او عبور بدهد فروشنده هم بر حسب احترام همسایگی قبول کرده تا زمانی که برای باغ خودش آب می‌گیرد این کمک را به او بکند منتهی چون آب از چاه شخص دیگری خریداری می‌شده ایشان یعنی خریدار به قدر نیم ساعتی که به او داده می‌شود وجهش را پردازد اکنون به علت فعل و انفعالاتی که در آن منطقه بطور کلی به عمل آمده و انهار و مجاری قسمت عمده‌اش از بین رفته نتیجتاً باغ فروشنده هم از آب افتاده است و در صدد فروش زمین آن برآمده اکنون خریدار آمده و از فروشنده مطالبه حق می‌کند و می‌گوید من از باغ شما حق آبه و راه آب دارم در صورتی که به شرح مذکور بالا و طبق بیع نامه‌ای که در دست است هیچ گونه حق آبه و راه آبی نداشته و آنچه عمل شده ارفاق و کمکی از طرف خریدار بوده. خواهشمند است با توجه به معروضات بالا رأی و نظر خودتان را برای رفع غائله مرقوم نمائید.

ج

- از قضیه شخصیه اطلاع ندارم بطور کلی اگر محلی که بعنوان باغ خریداری شده با حق مجرای آب خریده شده فعلاً هم آن حق

محفوظ است و اگر بدون این حق خریداری شده هر چند فروشنده موافقت کرده باشد که هر وقت باغ خود را مشروب نمود باغ خریدار را نیز مشروب نماید در این صورت خریدار حقی به زمین مجاور برای آب گرفتن ندارد، بلی چنانچه زمین فروخته شده بعنوان باغ بوده و راهی برای شرب آن غیر از بقیه باغ ملکی فروشنده نباشد ظاهر معامله فروش زمین با راه آب است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۱۷۶

اشاره

- شخصی اشیائی آهنی را حدود سه سال قبل در اختیار کسی قرار داده و قرارشان بر این بوده که طرف وزن کرده و به قیمت روز وجه آن را بپردازد. و لکن آن شخص پس از قبض آن اشیاء آنها را در خانه مسکونی مصرف کرده بدون اینکه وزن نماید و سپس آن خانه را فروخته. الآن از او مطالبه قیمت آن

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۴

اشیاء به قیمت فعلی در بازار شده و او قبول نمی کند بلکه می خواهد قیمت سه سال قبل را بپردازد. حکم مسأله چیست؟

ج

- در مورد سؤال، که بدون توزین و انجام معامله مصرف شده مصرف کننده ضامن مثل آهن آلات مصرف شده است و با رضایت مالک قبلی آهن آلات می تواند قیمت فعلی آن را بدهد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

مسائل متفرقه خرید و فروش

س ۱۱۷۷

اشاره

- استدعا دارم فتوای مبارک در موارد ذیل به اطلاع مقلدین برسد:

۱

اشاره

- آیا قبض و اقباض در قطعیت و نفوذ بیع مؤثر بوده و ضروری است؟

ج ۱

- با اجراء صیغه، قبض و اقباض در تحقق بیع معتبر نیست بلی در بیع صرف تقابض در مجلس و در بیع سلم قبض ثمن قبل از تفرق

از مجلس عقد معتبر است و معاطاه بقبض و اقباض محقق می‌شود تفصیل این مسائل را در کتابهای فقهی ملاحظه نمائید. و الله لعالم

۲

اشاره

- و آیا در این امر بین معاملات کوچک و عرفی و بزرگ فرقی است؟

ج ۲

- فرقی نیست. و الله العالم

۳

اشاره

- و در صورت مثبت بودن پاسخ آیا قبض و اقباض تمامی ثمن و مثن شرط است یا چنانچه قسمتی از ثمن تأدیه شود، معامله بیع محقق می‌گردد، و قبض و اقباض کل ثمن و مثن از آثار و الزامات ناشی از عقد بیع می‌باشد؟

ج ۳

- در مواردی که قبض و اقباض شرط است به نسبت آنچه قبض و اقباض شده معامله محقق می‌شود.
و الله العالم

س ۱۱۷۸

اشاره

- فروش یک ملک به صورت زمانی به چند نفر چه حکمی دارد؟ (مثلاً ملکی به چهار نفر فروخته شده و این ملک در هر فصل سال در اختیار مالک همان فصل باشد که خودش استفاده کند یا اجاره دهد و یا ...)

ج

- فروش ملک به صورت مذکور شرعی نیست ولی اجاره اشکال ندارد. و الله لعالم

س ۱۱۷۹

اشاره

- این جانب در سال ۶۶، منزلی در تهران خیابان ظفر به قیمت عادلانه

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۵

آن روز خریداری نمودم که مساحت آن ۱۰۵۳ متر می‌باشد که تا سال ۶۶ چند دست معامله شده اکنون متوجه شده ام قسمتی از آن، سند رسمی دارد و قسمتی ندارد ولی معامله بطور شرعی انجام و بیع‌نامه با تراضی طرفین انجام شده است؛ آیا این معامله صحیح بوده است؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه منزل مذکور در تصرف شخصی بوده و متصرف بعنوان مالک بلا-منزاع آن منزل را به شما فروخته و مدعی دیگری با مدرک شرعی بعنوان مالکیت همه و یا بعض آن منزل در بین نیست اکتیاع شما شرعاً محکوم به صحت است و هر گونه تصرف در آن منزل برای شما شرعاً محکوم به حیثیت است و سند رسمی نداشتن قسمتی از آن منزل ضرر ندارد. و الله العالم.

س ۱۱۸۰

اشاره

- بیع کالی بکالی چه نوع بیعی است و حکم آن در شرع و حقوق موضوعه به چه صورت می‌باشد؟

ج

- اگر جنسی را بفروشد و قرار بگذارد که بعد از مدتی تحویل دهد و پول آن را هم بعد از مدتی بگیرد معامله کالی بکالی و باطل است.

س ۱۱۸۱

اشاره

- قصد انشاء در عقد را شرح دهید.

ج

- انشاء بمعنی ایجاد کردن در مقابل اخبار که بمعنی خبر دادن است و در آن احتمال صدق و کذب می‌رود بر خلاف انشاء که صدق و کذب در آن معنی ندارد مثلاً اگر انسان بگوید فلان چیز را فروختم دو معنی ممکن است داشته باشد یکی اینکه خبر دهد از اینکه جنس خود را فروخته‌ام که این اخبار است و دیگر اینکه در هنگام معامله به مشتری بگوید این جنس را بشما فروختم و با این جمله (فروختم) قصد ایجاد بیع معین داشته باشد.

س ۱۱۸۲

اشاره

اگر در معامله‌ای، فروشنده توسط فاکس پیشنهاد کامل فروش مکتوب خود را ارسال و خریدار نیز قبولی خود را توسط فاکس برای فروشنده ارسال نماید آیا ایجاب و قبول و نتیجتاً، عقد بیع محقق می‌گردد یا حتماً قرارداد مبیعه نامه حضوری لازم است؟ و در صورتی که انجام معامله توسط ارسال فاکس نافذ باشد، چنانچه طرفین پس از اجرای عقد بیع توسط فاکس پس از مدتی یکدیگر را ملاقات نمایند و حضوراً نیز مبیعه نامه کتبی تنظیم نمایند که

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۶

کاملاً مطابق با مفاد فاکسهای قبل باشد، آیا عقد انجام شده از زمان صدور فاکسهای ایجاب و قبول واقع و محقق شده است یا از زمان صدور مبیعه‌نامه که فرضاً در ۳ ماه بعد نوشته شده است؟

ج

تحقق بیع و خرید و فروش بصورت مذکوره محل اشکال است اگر چه وقوع بشرط عدم تاخیر جواب (قبول) از زمانی که معرض انصراف بایع از معامله نباشد و پیشنهاد هم اعلام فروش باشد بعید نیست بنابراین تاریخ وقوع عقد، زمان وصول فاکس جواب به فروشنده است. و الله العالم.

س ۱۱۸۳

اشاره

شخصی ۵۰۰ بسته چای خارجی فروخته به وزن هر کدام یک کیلو گرم و قیمت هم تعیین کرده هر کیلو ۲۳۲۰ تومان و کل وجه را هم دریافت نموده حال وزن هر بسته ۱۰ مثقال کم است به فروشنده می‌گویم که این مقدار از وزن کسری دارد می‌گوید چای خارجی است و بسته‌بندی شده از خارج بوده و کسری مربوط به من نیست با وجود اینکه ۲۵ کیلو کم است و علی‌هذا پنجاه و هشت هزار تومان ضرر برای من می‌باشد و من از ایشان هر بسته‌ای یک کیلو خریدم در این رابطه نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

ج

در فرض سؤال، چنانچه معامله را به وزن معلوم انجام داده‌اید، آن مقدار را که کم است طلبکارید و حق مطالبه دارید و اگر بسته‌ای معامله کرده‌اید و بنحو مصالحه بوده و وزن دقیق مطرح نبوده فقط معامله روی بسته‌های معروف به یک کیلوئی انجام شده هر چند شما تصور می‌کرده‌اید که یک کیلو تمام است حق مطالبه ندارید و اگر نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعی لازم است. و الله العالم

س ۱۱۸۴

اشاره

- در بازار معمول شده عمده‌فروشان اجناس را با ظرف وزن و خرید و فروش می‌کنند مثلاً می‌گویند یک کیسه برنج میخواهم فروشنده با گونی وزن و به قیمت برنج پول ظرف را می‌گیرد در صورتی که وزن ظرف هم معلوم نیست و خریدار هم می‌داند و از موضوع اطلاع دارد و در خرده‌فروشی هم چیزهایی با پاکت وزن می‌شود و نانهای شیرینی که با جعبه فروخته می‌شود نظر مبارک را در این معاملات چیست؟

ج

- خرید و فروش بنحو مذکور در سؤال اشکال ندارد.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۷

س ۱۱۸۵

اشاره

- این جانب از طرف شخصی وکیل شده‌ام که یک تانکر فلزی را به مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال بفروشم ولی پس از مراجعه به مشتری، مشتری حاضر شد که تانکر را به مبلغ هیجده هزار الی نوزده هزار تومان خریداری نماید. این جانب به صاحب تانکر اطلاع دادم ولی او گفت تانکر را خودم نیاز دارم و آن را نفروشید، ولی بنده به لحاظ اینکه خیال کردم صاحب تانکر بخاطر ما به التفاوت در قیمت بیست و نوزده هزار تومان حاضر به فروش نشد. پس از صحبت با مشتری او را راضی به پرداخت بیست هزار تومان نمودم و تانکر را به او فروختم ولی پس از دو ساعت از وقوع معامله صاحب تانکر به بنده اطلاع داد که راضی به فروش تانکر نیستم و نبوده‌ام. مشتری می‌گوید من تانکر را به شخص ثالثی فروخته‌ام و حاضر به بازگرداندن آن نیستم. لذا از حضرت تعالی تقاضا داریم که حکم شرعی را در خصوص موضوع بیان فرمائید که آیا معامله قابل فسخ است و یا صور دیگری وجود دارد؟

ج

- در فرض سؤال ظاهر گفته موکل که (نفروشید) عزل شما از وکالت است علی‌هذا معامله فضولی است و با رد مالک باطل و بی‌اثر است.

س ۱۱۸۶

اشاره

- شخصی بنام زید به شخص دیگری مبلغ صد و یا دویست هزار تومان می‌دهد و آن را برای خریدن جنسی مانند برنج و غیره وکیل میکند و سپس همان جنس را به قیمتی که وکیل و موکل هر دو بر آن قیمت راضی باشند به وکیل می‌فروشد لطفاً فرمائید که این گونه بیع و شراء از نظر اسلام صحیح است یا نه؟
ثانیاً: اینکه اگر موکل ثمن بیع فوق‌الذکر را بطور اقساط یک ساله از وکیل وصول کند به این صورت که چند هزار تومان هر برج (از وکیل که مشتری همان جنس می‌باشد) وصول کند و ما بقی ثمن را هم در پایان سال وصول کند چه حکمی دارد؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه مبیع را وکیل از طرف موکبل قبض نموده و یا خود موکل قبض نموده بعد از قبض فروش آن به وکیل، قسطی و یا نقدی اشکال ندارد.

س ۱۱۸۷

اشاره

- شخصی واسطه شده و پول را داده از طرف یکی از تجار مقدار زیادی موم و عسل خریده پس از خرید، معلوم شده مورد معامله (موم-عسل) مال دیگری بوده که سرقت کرده بودند الآن پول واسطه پا در هوا مانده و طرف جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۸ حساب پول آن را نمی‌دهد لطفاً حکم شرعی را بیان بفرمایید.

ج

- اگر واسطه وکیل از طرف خریدار بوده و کوتاهی در تحقیق نکرده است و جنس مذکور را با اطلاع موکل خریداری نموده، موکل باید طلب وکیل را بپردازد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعی لازم است. و الله العالم

س ۱۱۸۸

اشاره

- این جانب حدود ۸ ماه قبل مقدار معینی فاستونی با قیمت تعیین شده و با محاسبه ۱٪ عوارض شهرداری طی قرارداد رسمی از شرکتی نقداً خریداری نمودم که قرار شد بعد از دریافت تمام وجه پارچه، در ظرف حد اکثر یک ماه، شرکت به قرارداد خود عمل نماید. نه تنها شرکت در تحویل جنس به تعهدات خود پایبند نبوده هر چندگاه به بهانه‌های واهی از قبیل نوسان قیمت ارز و مواد اولیه و یک مرتبه (از روی نارضایتی) ۲۰۰۰ ریال در هر متر و مرتبه دیگر نیز ۱۵۰۰ ریال در هر متر ما به التفاوت گرفت و بعد از مدت حدود ۲۵۰ روز جنس را تحویل داده است و چون مبالغ دریافتی اضافی (جمعاً ۳۵۰۰ ریال در متر) از روی نارضایتی و بالاجبار بوده است و با توجه به اینکه در ابتدا قیمت و مدت معامله شرعاً تعیین گردیده بوده است از نظر شرعی این معامله چه تکلیفی دارد و آن مدت اضافی که پول این جانب نزد شرکت بوده است آیا این جانب حقی بر ادعای خسارت دارم. خواهشمند است نظر خود را اعلام فرمائید.

ج

- بطور کلی بعد از انجام معامله، فروشنده حق ندارد بجهت نوسان قیمت و غیره چیزی زائد بر قیمت تعیین شده در هنگام معامله بگیرد و اگر بدون رضایت خریدار چیزی از او بگیرد ضامن است و اما خریدار برای دیر تحویل دادن جنس از طرف فروشنده حق مطالبه چیزی ندارد گرچه اگر فروشنده بدون عذر جنسی را در موقع مقرّر تحویل ندهد مرتکب معصیت شده است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۴۹

احکام اجاره

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۱

اجاره

احکام اجاره

س ۱۱۸۹

اشاره

- در اجاره، فقهاء میفرمایند: «و تملك الاجرة بالعقد و يجب تسليمها بتسليم العين الموجهة و إن كانت علی عمل فبعده».
آیا اینکه الآن متداول است که در پایان ماه کرایه را می‌پردازند خلاف ضوابط شرعی است و اگر موجر و صاحب خانه اول ماه بعد از تحویل خانه مطالبه کرایه کرد آیا حق دارد یا مثلاً در معامله‌ای که خانه را یک ساله یا دو ساله کرایه داده در ابتدای اجاره کرایه یک ساله و دو ساله را می‌تواند مطالبه کند؟

ج

- بلی در فرض سؤال موجر مالک تمام مال الاجاره در ذمه مستأجر می‌شود و با تسلیم عین مورد اجاره حق مطالبه اجرت تمام مدت را دارد بلی اگر مستأجر بر او شرط کرده باشد که بطور اقساط بپردازد قبل از رسیدن موعد هر قسط حق مطالبه آن را ندارد.

س ۱۱۹۰

اشاره

- اینکه فقهاء فرموده‌اند: «و لو ظهر فيها (فی الأجرة) عيب فلا أجير

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۲

الفسخ أو الأرش مع التعيين و مع عدمه يطالب بالبدل و قيل له الفسخ».

آیا پس از پایان کار که قاعده در همان زمان اجرت را دریافت می‌کند اگر مواجه با عیب در اجرت شد می‌تواند فسخ کند؟ آیا در وقتی که کار پایان گرفته فسخ اجاره چه معنی دارد؟

و اگر قبل از انجام کار بوده خوب طبق فرموده خود فقهاء هنوز اجرت را دریافت نکرده یعنی اجیر حق تحویل گرفتن آن را ندارد تا مواجه با معیوب بودن اجرت گردد؟

ج

- بنظر حقیر جواز اخذ ارش در صورت مفروضه محل اشکال است بنابراین اجیر میتواند اگر چه بعد از انجام کار باشد معامله را فسخ نماید و اجرة المثل عمل خود را دریافت کند و اگر قبل از انجام عمل نیز عیب اجرت معلوم شد اجیر می‌تواند اجاره را فسخ

نماید یا به همان اجرت عمل را انجام دهد.

س ۱۱۹۱

اشاره

- اگر مؤسسه و یا شخص دیگری، حق کسی را مثل کارگر و یا کسی که کار دیگری انجام داده باشد، ندهد، درحالی که قبلاً شرط کرده بودند که فلان مقدار اجرت بگیرد، آیا شخص طلبکار می‌تواند به جای آن مبلغ، جنس و یا پولی از آن محل بردارد؟

ج

- اگر شرعاً طلب دارد و نمی‌تواند آن را وصول کند باید به حاکم شرع مراجعه نماید تا با عدم امکان وصول، با اجازه حاکم شرع از مال مدیون تقاص نماید.

س ۱۱۹۲

اشاره

- مؤسس یک مدرسه غیر انتفاعی بموجب قرار دادی دستنویس مدیریت دبستان را به شخصی واگذار و مبلغی را ماهیانه بعنوان اجرت تعیین می‌نماید و برای اطمینان بیشتر از صحت کار، قرار داد دوساله تعیین می‌کند با آغاز سال تحصیلی مؤسس توانائی لازم را در مدیر ندیده و موارد ضعف را از قبیل چگونگی انتخاب معلمان- حضور و غیاب- میزان حقوق پرسنل و ... را به او تذکر داده و از آقای مدیر می‌خواهد که در سال تحصیلی دوم متعهد گردد موارد ضعف تکرار نگردد آقای مدیر حاضر به پذیرفتن نکات ذکر شده نگردیده و مدرسه را رها و خود اقدام به تأسیس مدرسه جدید نموده و بخشی از دانش‌آموزان را برای ثبت نام به مدرسه خود برده و استعفاء خود را کتباً اعلام داشته با

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۳

توجه به صورت مسأله فوق لطفاً اعلام فرمائید ۱- تأسیس مدرسه جدید و بردن دانش‌آموزان موجب خسارت و ضرر مالی سنگین به مؤسس گردیده آیا جبران ضرر وارده بعهدہ آقای مدیر می‌باشد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، تأسیس مدرسه جدید برای مدیر مذکور شرعاً اشکالی ندارد و دانش‌آموزان هم چنانچه به اختیار اولیائشان به مدرسه جدید رفته باشند اشکال ندارد بنابراین چنانچه بخاطر این امر بعضی منافع مؤسس مدرسه اول، منتفی شود ضمانتی بر عهده مدیر نیست.

س ۱۱۹۳

اشاره

- در بعضی روستاها معامله‌ای به قرار زیر صورت می‌گیرد:

شخصی چند گوسفند را به قول خودشان از دیگری اجاره کرده و تا مدت مثلاً یک سال خرج حیوانات را داده و از منافعشان بهره‌مند میشود و پس از اتمام مدت گوسفندانی را با همان خصوصیات به صاحب آنها رد نموده و به ازای هر یک هم مبلغی می‌پردازد. لطفاً بفرمائید این چه نوع معامله‌ای است؟ و چه حکمی دارد؟

ج

- معامله بنحو مذکور در سؤال، باطل است و یکی از راههای صحیح این است که دهنده گوسفند، گوسفند را به گیرنده آن صلح کند در مقابل گوسفندی با همان خصوصیات پس از یک سال دیگر بدهد و در ضمن شرط کند که علاوه بر آن مبلغ معینی پول هم بدهد و گیرنده گوسفند هم قبول کند.

س ۱۱۹۴

اشاره

- نظر اسلام را پیرامون مسأله ذیل که در بانکها یا شرکتها اشخاص حقوقی و بعضاً توسط اشخاص حقیقی صورت می‌گیرد بیان فرمایید. ملکی با مشارکت مدنی خریده می‌شود و آن را به دیگری اجاره به شرط تملیک می‌دهند که پس از پرداخت مبلغ مورد قرارداد- که طبعاً بیش از مبلغی است که ملک با آن خریده شده- مال او شود.

ج

- معامله مذکوره اشکال ندارد و موقعی که مدت اجاره تمام شد بر موجد واجب است ملک را مجاناً به مستأجر بدهد. و الله العالم.

س ۱۱۹۵

اشاره

- چنانچه شخصی برای انجام حاجتش هزینه راه و غذای فردی را بدهد و یا اینکه بگوید پس از بازگشت هزینه‌های مذکور را می‌پردازم ولی فرد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۴

اجیر شده در مسیر به دوستی برخورد و به دنبال تعارفات، کرایه راه و غذا و یا یکی از این دو را این دوست پرداخت کرد آیا در هر دو حالت، فرد اجیر شده می‌تواند هزینه یک نفر (یعنی خودش) را مطالبه و مالک شود؟

ج

- بلی مطالبه هزینه راه در هر دو صورت بی‌اشکال است. و الله العالم.

شرط در اجاره

س ۱۱۹۶

اشاره

۱- اگر ضمن عقد اجاره شرط شود که مال الاجاره با تورم سطح زندگی به تناسب در مدت اجاره افزایش یابد چنین شرط ضمن العقدی مشروع و لازم الاجراء است یا خیر؟

ج

این شرط مجهول و لازم الوفاء نیست.

س ۱۱۹۷

اشاره

- شخصی زیرزمین مسکونی خود را بعنوان قرارداد اجاره از تاریخ ۱/۱۰/۱۳۶۰ به مدت سه سال از قرار ماهی ۱۲۰۰۰ ریال اجاره می‌دهد و در قرارداد ذکر می‌شود الف) پس از سه سال با توافق طرفین حد اکثر تا مبلغ ۲۰۰۰ ریال به اجاره فوق اضافه می‌شود. ب) البته هر سه سال یک بار اجاره به همین ترتیب افزایش خواهد یافت. آیا ذکر بند اول و دوم (الف و ب) جنبه شرعی دارد یا خیر و اصولاً صحیح و معتبر و ضمانت اجرائی دارد یا خیر و آیا موجر حق دارد با توجه به سطح زندگی و تورم آن بند مذکور را نادیده و در خواست اجاره بها را طبق نظر کارشناس یا بیش از ۲۰۰۰ ریال بنماید.

ج

- در مورد سؤال که شرط مذکور در ضمن عقد اجاره شرط شده است شرط لازم الوفا است.

س ۱۱۹۸

اشاره

۱- اگر موجر، ملک خود را مشاعاً به دو نفر اجاره داد و ضمن العقد، شرط نمود که مستأجرین حق انتقال به غیر ندارند ولی یکی از مستأجرین، بدون اذن موجر، سهم خود را به مستأجر دیگر منتقل نمود، آیا این کار جایز است؟

ج

- در فرض سؤال که شرط مباشرت هر دو را در اجاره شرط کرده‌اند انتقال سهم یکی از مستأجرین به دیگری جائز نیست. جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۵

س ۱۱۹۹

اشاره

- یک واحد مسکونی به شخصی به عنوان سکونت اجاره داده شد مستأجر بر خلاف رضایت موجر از پارکینگ خانه که به منظور پارک کردن وسائل نقلیه در آن می‌باشد استفاده تجاری (انبار کردن اجناس به منظور فروش می‌نماید) خواهشمند است بفرمائید که مستأجر شرعاً مجاز به چنین کاری می‌باشد؟

ج

- در مورد سؤال اگر برای ملک مورد اجاره موقع اجاره دادن استفاده خاصی ذکر نشده مستأجر حق دارد به هر نحوی که بخواهد استفاده کند ولی چنانچه مستأجر بخواهد استفاده غیر متعارفی که باعث ضرر و زیان مورد اجاره است بنماید بدون رضایت مالک جائر نیست. و الله العالم.

س ۱۲۰۰

اشاره

- متعارف است در شهرستانها مغازه‌ای را که به اجاره میدهند مستأجر با اجازه مالک یا بدون اجازه مالک مغازه مزبور را به دیگران با اخذ وجوهی واگذار کرده موجر طبق عرف محل مبلغی از مستأجر اول دریافت میکند آیا گرفتن این مبلغ از مستأجر اول جایز است یا خیر؟

ج

- مسأله چند صورت دارد:

۱- اینکه مدت اجاره تمام نشده باشد و شرط انتفاع شخص مستأجر نشده باشد مستأجر می‌تواند مدتی را که باقی مانده به دیگری به همان مبلغی که اجاره کرده یا مبلغ کمتر اجاره بدهد.

۲- در فرض قبل بنابر احتیاط واجب، بیش از مبلغی را که اجاره کرده دکان و مغازه و خانه را اجاره ندهد مگر اینکه در آن تعمیری مانند سفیدکاری انجام داده باشد.

۳- اینکه مستأجر پیش از انقضای مدت پولی از موجر بگیرد که دکان را به موجر واگذار کند یعنی معامله را با او نسبت به بقیه مدت اقاله نماید در این صورت نیز اشکال ندارد چنانکه اگر از شخص ثالث پول بگیرد و دکان را به موجر واگذار کند تا او به شخص ثالث اجاره بدهد نیز بی‌اشکال است.

۴- این صورت است که مدت اجاره منقضی شده باشد و مستأجر از شخص ثالث وجهی بگیرد و ملک را به او واگذار نماید که وجه صحت ندارد زیرا اختیار ملک بعد از مدت اجاره با مالک است. بلی اگر در ضمن عقد اجاره شرط کرده

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۶

باشند که موجر پس از انقضای اجاره، ملک را به خود مستأجر یا به کسی که او پیشنهاد می‌کند اجاره بدهد در این صورت می‌تواند

از شخص ثالث وجهی بگیرد و او را پیشنهاد نماید ولی مالک در صورتی حق مطالبه چیزی از این پول را از او دارد که قرارداد معین و معلومی بین آنها شده باشد، مسأله علاوه بر این صور دیگری نیز دارد.

س ۱۲۰۱

اشاره

- شخصی مغازه‌ای را به اجاره داده پس از پایان مدت اجاره مستأجر جهت تخلیه و تحویل آن به موجر مدعی است که در مقابل تحویل آن وجهی را باید به مستأجر بپردازند آیا چنین حقی بر ذمه موجر ثابت است یا نه و با عدم رضایت صاحب ملک بعد از انقضای مدت اجاره مراجعه دیگران به آن مغازه چه صورت دارد؟

ج

- در مورد سؤال مستأجر باید با عدم رضایت صاحب ملک برای ادامه اجاره، ملک را تخلیه و در اختیار مالک قرار دهد و حق مطالبه چیزی هم از مالک ندارد. و هرگونه تصرف در آن ملک بدون رضایت مالک برای مستأجر قبلی و دیگران که اطلاع از عدم رضایت مالک دارند غصب و حرام است.

س ۱۲۰۲

اشاره

- زمینی را شخصی از عمرو، اجاره می‌کند که در آن زمین کارخانه برنج و غیره درست کند که این کار را می‌کند ساختمان به اتمام می‌رسد با همدیگر شرط نکردند چند سال زمین در اختیار شما باشد، لذا پس از چندین سال یکی از ورثه زمین می‌گوید من وصی هستم وسائل کارخانه ات را بکن و زمینم را تحویل بده، می‌گوید اینهمه خرج کردم اگر این کار را بکنم کلی ضرر باید بنمایم، من این کار را نمی‌کنم آیا حق با صاحب زمین است و یا صاحب کارخانه؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه اجاره دادن زمین جهت احداث کارخانه برنج یا هر چیز دیگری که زمین را مستأجر جهت احداث آن زمین اجاره کرده در عرف محل ملازم با التزام بقاء ساختمان احداثی تا موقع خراب شدن آن و یا مدت معتد به باشد باید طبق التزام ضمنی عمل شود یعنی صاحب زمین در مدت مذکور باید توافق با اجاره زمین نماید و نمی‌تواند از صاحب کارخانه بخواهد که ساختمان را تخریب و کارخانه را منتقل به جای دیگر کند و اما اگر اجاره زمین التزام مذکور را در نظر

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۷

عرف محل در برنداشته باشد مالک زمین بعد از پایان مدت اجاره می‌تواند از صاحب کارخانه بخواهد که کارخانه را بجای دیگر منتقل کند.

س ۱۲۰۳

اشاره

- به استناد کپی سند اجاره مورخ ۲۵/۱۲/۷۵ پیوستی، یک باب مغازه موقوفه به وسیله متولی، با قید ضمانت به شخصی به مدت یک سال به اجاره واگذار شده، در بند ۸ و ۹ از بندهای دوازده گانه شروط سند اجاره مقرر گردیده که پس از انقضای مدت اجاره، در صورت عدم توافق طرفین به تنظیم سند اجاره جدید مستأجر موظف به تخلیه و تحویل مغازه وقفی به متولی می‌باشد و تا زمانی که مستأجر تخلیه را به تعویق اندازد موظف است تا زمان تخلیه تا سه برابر اجاره بهای تعیین شده را بپردازد، و در ذیل سند اجاره آمده در صورت تخلف، مستأجر ضامن طبق شروط عمل نموده، و تا سه برابر اجاره بهاء تعیین شده را بپردازد سؤال اینک:

۱- آیا پس از انقضای مدت اجاره، مستأجر بدون رضایت متولی میتواند به تصرف خود ادامه دهد و لو اجاره تعیین شده قبلی را بپردازد؟

۲- پس از انقضای مدت اجاره تا زمان تخلیه مغازه وفق قرارداد بر مستأجر واجب یا موظف است تا سه برابر اجاره بهای تعیین شده را بپردازد؟

اگر مستأجر مغازه را بر خلاف قرارداد تخلیه نکرده و تا سه برابر اجاره بهای تعیین شده را نپردازد، بر ضامن واجب است تا سه برابر اجاره تعیین شده را بر اساس تعهد بپردازد، یا خیر؟
اعلام نظر فقهی مورد استدعاست.

ج

۱- در فرض سؤال، پس از انقضای مدت اجاره، مستأجر باید مغازه را تخلیه کند و تصرف او غاصبانه و موجب ضمان است.

ج ۲- در فرض سؤال، مستأجر ضامن اجرة المثل مدت تصرف است که بنظر خبره امین تعیین شود.

ج ۳- ضمانت مذکوره صحیح نیست و شخصی که ضامن شده چیزی بر عهده‌اش نیست.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۸

اجاره طلا

س ۱۲۰۴

اشاره

- آیا اجاره دادن طلا صحیح است یا خیر چون این کار در بازار طلا باب شده است؟

ج

- اجاره دادن طلا اگر با حفظ عین آن، منفعتی داشته باشد مثل اینکه آن را برای استفاده از آن، جهت زینت به مدت معین و مبلغ معین اجاره دهند جائز است ولی اجاره دادن برای فروش و معامله با آن باطل است و اجاره دهنده مالک مال الاجاره نمی‌شود و معامله‌ای که با آن طلا انجام شده فضولی است و احکام معامله فضولی بر آن مرتب است.

رهن و اجاره

س ۱۲۰۵

اشاره

اگر خانه را صاحب خانه به کسی رهن و اجاره داد مثلاً یک میلیون تومان از شخصی گرفت و خانه خود را به او داد که یک سال از آن استفاده کند و ماهی دو هزار تومان اجاره بپردازد آیا شرعاً صحیح است یا نه و خواهشمندم با مثال بیان فرمائید که انسان به چه نحوی خانه خود را رهن دهد که اشکال شرعی نداشته باشد؟

ج

این عمل شرعاً رهن محسوب نمی‌شود و طریقه صحیح این است که صاحب خانه را اجاره دهد به همان مبلغ کمی که خودشان تعیین می‌کنند و لکن در ضمن اجاره که باید مدت آن هم کاملاً معلوم باشد با مستأجر شرط کند که مثلاً مبلغ یک میلیون تومان هم به او قرض بدهد.

س ۱۲۰۶

اشاره

در معامله امروزی که اکثر صاحبخانه‌ها قبلاً مبلغ زیادی پول می‌خواهند تا فرضاً دو اطاق در اختیار مستأجر قرار دهد مثلاً در ازای ۲ اطاق ۱۵۰۰ تومان کرایه و ۱۰۰۰۰ تومان پول نقد است صاحب منزل می‌گوید اگر شما فلان مبلغ را بدهید بنده دو اطاق را مثلاً به هزار و سیصد تومان در اختیار شما قرار میدهم بفرمائید این موضوع چه صورتی دارد کم شدن پول نقد جهت کرایه چگونه است؟

ج

بصورت مذکور در سؤال صحیح نیست بلی چنانچه این شرط از طرف

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۵۹

موجر در ضمن عقد اجاره بشود به این معنی که موجر بگوید اجاره میدهم دو اطاق را مثلاً به فلان مبلغ بشرط آنکه فلان مبلغ هم به من قرض الحسن بدهی و مستأجر هم قبول کند اشکال ندارد.

س ۱۲۰۷

اشاره

اگر بنده یک درب اتاق با آشپزخانه‌ام را اجاره بدهم به این شرط که مبلغ دویست هزار تومان پول از موجر بگیرم تا اتمام قرارداد اجاره، وقتی که خانه‌ام را تخلیه کرد مبلغ فوق را به او پس بدهم این شرط از نظر اسلام چه صورتی دارد که در ازای آن اجاره‌ای دریافت نمی‌کنم؟

ج

- اجاره دادن بنحو مذکور در سؤال صحیح نیست و راه صحیح این است که مال الاجاره کمی مثلاً صد تومان در هر ماه قرار داده شود البته با تعیین مدت اجاره سپس موجر به مستأجر بگوید این مکان را به شما اجاره میدهم در مدت مثلاً یک سال از قرار ماهی صد تومان و در ضمن اجاره شرط می‌کنم که دویست هزار تومان هم به من قرض الحسنه بدهی و مستأجر قبول کند.

س ۱۲۰۸

اشاره

- مسأله رهن یا رهن و اجاره که بین مردم و دلالها معمول است و پولشان را به صاحب خانه یا صاحب مغازه میدهند و در آن ساکن می‌شوند بی‌مال الاجاره یا اجاره مختصر راه صحیح و فرار از ربا دارد یا خیر؟

ج

- راه صحیح آن این است که موجر به مستأجر منزل خود را با مدت معین و مال الاجاره معین، اجاره دهد و شرط کند که مستأجر فلان مبلغ را قرض الحسنه به او بدهد و مستأجر هم قبول کند اشکال ندارد.

س ۱۲۰۹

اشاره

- رهن کردن خانه بدون اجاره و یا با اجاره چه حکمی دارد؟

ج

- اگر خانه را اجاره کند به مبلغی معین و در ضمن عقد اجاره شرط کند که مستأجر مبلغی مثلاً صد هزار تومان به موجر قرض الحسنه بپردازد اشکال ندارد ولی اگر قرض به شرط اجاره باشد باطل است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶۰

وثیقه

س ۱۲۱۰

اشاره

- آیا در اخذ عین مرهون همین مقدار که در این زمان مرسوم است یعنی سند را از طریق اداره ثبت اسناد توقیف می‌کنند کافی است یا خیر؟

ج

- اگر منظور این است که وقتی می‌خواهند عینی را بعنوان وثیقه نزد طلبکار بگذارند بجای تحویل دادن به او سند آن را از طریق اداره مذکور توقیف می‌کنند بطوری که اگر طلبکار بخواهد در موعد مقرر، طلب خود را از آن استیفا کند ممکن باشد کافی است و الا مجرد توقیف کافی نیست.

س ۱۲۱۱

اشاره

- یکی از مباحث لازم در اسناد تجارتي چک، سفته و برات و ظهرنویسی آنان است که بوسیله ظهرنویسی انتقال آنها صورت می‌گیرد امّا نظر به اینکه اینها در بین تجار و بازرگانان ارزش تجارتي دارند و حتی بجای وجه نقد معامله و معاوضه می‌شوند آیا می‌توان این اسناد را به طور مستقل (نه اینکه بصورت قرار دادی با بانک) وثیقه و گرو گذاشت و این در حالی است که ماده ۷۷۴ قانون مدنی دارد «مال مرهونه باید عین معین باشد و الا رهن دین و منفعت باطل است» پس با توجه به مطالب فوق الذکر پاسخ فرمائید که اولاً این اسناد عین معین اند یا خیر و ثانیاً آیا می‌توان اینها را به صورت مستقل در نزد مالک سند در قبال اخذ مبلغی وام از بانک وثیقه و گرو گذاشت یا خیر؟

ج

- وثیقه گذاشتن اشیاء مذکوره در سؤال محل اشکال است.

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶۱

س ۱۲۱۲

اشاره

- آیا بدهکار می‌تواند بابت وثیقه دین خود، چک یا سفته‌ای را نزد طلبکار به رهن بگذارد به عبارت دیگر آیا چک یا سفته، وصف مالیت را برخوردار است تا بتواند به عنوان رهینه به رهن گذاشته شود؟

ج

- چک و سفته بنفسه مالیت ندارد. لذا سپردن آنها به عنوان رهن صحیح نیست بلی اگر چک یا سفته‌ای را که از دیگری دارد و از او طلبکار باشد، به طلب کار خود بدهد که رأس موعد اگر بدهیش را نداد بستانکار وکیل باشد بر حسب آن چک یا سفته مبلغ طلب خود را از دهنده چک یا سفته دریافت نماید مانعی ندارد و همچنین اگر بستانکار خود را به بدهکارش حواله نماید نیز طبق احکام حواله اشکال ندارد. و الله العالم.

سرقفلی و حق کسب

س ۱۲۱۳

اشاره

- هم اکنون مستأجر اگر در ملکی سه سال بنشیند نسبت به مالک حق کسب پیدا می‌کند و از مالک حق کسب مطالبه می‌کند آیا شرعاً جایز است؟

ج

- مجرد استیجار و سکونت سه سال و بیشتر در ملک کسی شرعاً برای مستأجر ایجاد حق نمی‌کند.

س ۱۲۱۴

اشاره

- مغازه‌ای در چند سال قبل بر اساس پرداخت مال الاجاره ماهیانه توسط ورثه یک متوفی به شخصی اجاره داده شده و مبلغی بعنوان سرقفلی و امثال اینها از مستأجر گرفته نشده آیا: بدون رضایت وارثان ادامه کسب پس از انقضای مدت اجاره، شرعاً جایز است و درآمد حاصله از این کسب برای مستأجر خالی از اشکال است؟

ج

- در فرض سؤال، پس از انقضای مدت اجاره، بر مستأجر واجب است فوراً مغازه را تخلیه نماید و بقاء او در مغازه، تصرف غاصبانه و علاوه بر معصیت موجب ضمان اجرة المثل در مدت تصرف است ولی کسب در مکان غصبی موجب بطلان آن و حرمت درآمد آن نمیشود. و الله العالم.

س ۱۲۱۵

اشاره

- مستأجر بنا بر فرض فوق می‌تواند مبلغی بابت سرقفلی و حق پیشه و امثال اینها شرعاً مطالبه و اخذ کند؟

ج

- مستأجر شرعاً حق مطالبه وجهی تحت عناوین مذکوره در سؤال یا غیر آنها را ندارد. و الله العالم.

س ۱۲۱۶

اشاره

- اگر مستأجر وجهی بابت سرقتی و امثال آن از موجران (وراث) و با عدم رضایت ایشان وصول کند و آن وجه را به امر خیر اختصاص دهد این عمل جایز است؟ و او نزد خداوند مأجور است؟ و در قیامت مستأجر به موجران بدهکار نیست؟

ج

- در فرض مذکور مستأجر علاوه بر اینکه اجر و ثوابی ندارد ضامن آنچه را که گرفته نیز هست و باید به دهنده برگرداند. و الله العالم.

جامع الاحكام، ج ۱، ص: ۳۶۲

س ۱۲۱۷

اشاره

- اگر شخص حقیقی یا حقوقی صاحب سرقتی باشد و صاحب عین ملک، دیگری باشد و مدتی صاحب سرقتی مستأجر صاحب عین بوده است ولی بعداً صاحب سرقتی حق خود را به نفر سوم صلح می‌کند و صاحب عین هم به همان نفر سوم ملک را اجاره می‌دهد و نفر سوم به علتی قرارداد با هر دو را فسخ می‌نماید آیا مجوزی از نظر شرعی برای صاحب سرقتی داریم که بدون اجازه و بدون اذن و بدون تملک عین و یا حتی بدون اطلاع به صاحب عین در آن ملک تصرف کند و اگر تصرف آن اشکال دارد نظر شرع را بیان فرمایید. آیا تصرف صاحب سرقتی غضب و تصرف عدوانی است یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال بدون اجازه و رضایت مالک، تصرف در آن ملک غضب و حرام است. و الله العالم.

س ۱۲۱۸

اشاره

- اگر تصرف عدوانی و غضب است منافع مغصوبه باید اعلی القیم اخذ شود یا خیر؟

ج

- در تصرف عدوانی متصرف ضامن اجرة المثل متعارف مدتی است که ملک را تصرف نموده (و اینجا مورد اخذ بأعلی القیم نیست).

س ۱۲۱۹

اشاره

- در صورتی که تصرف غصبی و عدوانی باشد آیا متصرف مستحق تعزیرات شرعی می‌باشد یا خیر؟

ج

- حاکم شرع می‌تواند غاصب را تعزیر نماید. و الله العالم.

س ۱۲۲۰

اشاره

- در صورتی که مالک برای رسیدن به منافع مغضوبه مخارجی را متحمل شده باشد می‌تواند به حکم «المغرور یرجع إلی من غرّ» از غاصب و متصرف عدوانی اخذ نماید یا خیر؟

ج

- غاصب ضامن مخارج مذکوره نیست. اینجا (المغرور یرجع إلی من غرّ) مورد ندارد. و الله العالم.

س ۱۲۲۱

اشاره

- شخصی طی عقد قراردادی به مدت یک سال مغازه‌ای را ماهیانه در مبلغی معین اجاره نموده و دیناری هم به عنوان سرقفلی پرداخت نموده است و در همان قرارداد شرایط ذیل را کتباً پذیرفته است:
الف- موجر از بابت سرقفلی دیناری از مستأجر اخذ نکرده و مستأجر در جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶۳
موقع واگذاری حق مطالبه دیناری را نخواهد داشت.
ب- مورد اجاره منحصراً برای جهت خاصی در نظر گرفته شده است و تغییر شغل بایستی با نظر و موافقت کتبی موجر یا وکیل ایشان بوده باشد.

ج

- مستأجر حق واگذاری مورد اجاره را به دیگری به هیچ عنوان نخواهد داشت.

س ۱۲۲۲

اشاره

- استفاده مستأجر از مغازه مزبور بیش از مدت تعیین شده بدون رضایت مالک چه صورتی دارد؟

ج

- در مورد سؤال بعد از پایان مدت تعیین شده در عقد اجاره تصرف مستأجر در مغازه بدون رضایت مالک غصب و حرام و موجب ضمان است. و الله العالم.

س ۱۲۲۳

اشاره

- آیا مستأجر میتواند در زمان تخلیه، مطالبه سرقفلی یا وجهی بابت حق کسب و پیشه نماید؟

ج

- در مورد سؤال مستأجر حق مطالبه چیزی بعنوان سرقفلی و یا حق کسب و پیشه ندارد. و الله العالم.

س ۱۲۲۴

اشاره

- آیا مستأجر می‌تواند بدون اجازه مالک مغازه مزبور را به فرد دیگری واگذار کند؟

ج

- مستأجر حق ندارد مغازه را بدون اجازه مالک به دیگری واگذار کند. و الله العالم.

س ۱۲۲۵

اشاره

- آیا مستأجر می‌تواند بدون اجازه مالک تغییر شغل دهد؟

ج

- در مورد سؤال، مستأجر نمی‌تواند در مغازه مذکور بدون اجازه مالک تغییر شغل دهد. و الله العالم.

س ۱۲۲۶

اشاره

- با توجه به استفاده مستأجر از مورد اجاره پس از انقضای مدت بدون اذن مالک آیا مالک می‌تواند ضمن درخواست تخلیه،

درخواست اجرة المثل یا تعدیل اجاره بهای مورد توافق سابق جهت مدت اضافی بنماید؟

ج

- در مورد سؤال مستأجر ضامن اجرة المثل مدت تصرف مغازه بعد از انقضاء مدت اجاره است، این مسائل همه از احکام واضحه اسلام است. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶۴

س ۱۲۲۷

اشاره

- احتراماً این جانب آهنگری هستم که در سال ۱۳۵۶ مغازه محل کار خویش را از فردی بصورت سرقفلی (از قرار ۴۰ هزار تومان نقد و اجاره ماهیانه ۳۰۰ تومان) گرفته‌ام و در قرارداد کتبی بین طرفین قید نموده‌ایم که این اجاره بصورت ثابت می‌باشد و قابل افزایش نیست و تا بحال مرتباً اجاره ماهانه را پرداخته‌ام. اکنون که ۲۰ سال از تاریخ عقد قرار داد فوق می‌گذرد موجر (کسی که مغازه را سرقفلی داده) ادعا می‌کند که قرارداد سرقفلی صورت شرعی ندارد و من راضی به کسب و کار شما نیستم. حال استدعا دارد بفرمائید که آیا سرقفلی صورت شرعی دارد یا نه؟

ج

- فروختن یا خریدن سرقفلی محل اشکال است و اجاره مذکوره هم چون مدت آن تعیین نشده باطل است بنابراین مالک مغازه نسبت به اجرة المثل مدتی که مغازه، در اختیار شما بوده حق مطالبه دارد پس اگر چنانچه بعنوان مال الاجاره، در این مدت از شما گرفته بمقدار اجرة المثل بوده فعلاً چیزی طلبکار نیست و اگر کمتر بوده می‌تواند بقیه را مطالبه کند و چهل هزار تومانی را که گرفته اگر بعنوان سرقفلی گرفته و شما هم بعنوان سرقفلی داده‌اید شما می‌توانید آن را مطالبه کنید و در هر حال در صورتی که از شما درخواست تخلیه مغازه را بکند باید تخلیه کنید و تصرف شما در آن جایز نیست موجب ضمان نیز هست. و الله العالم.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶۵

خسارت و ضمان

اشاره

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶۷
خسارت و ضمان

خسارت حمل و نقل کالا

س ۱۲۲۸

اشاره

- کامیون حامل کالای تجارتي از تهران بمقصد دزفول در حرکت بود در نزدیکی شهر خرم‌آباد هنگام شب و در ساعتی که باران می‌آمده مورد دستبرد سارقین قرار گرفته و چند کارتن لوازم بهداشتی بمبلغ ۷۸ هزار تومان بسرقت رفته است گیرنده مدعی دریافت خسارت میباشد.

تقاضا دارد اولاً بفرمائید چه کسی مسئول خسارات وارده میباشد و ثانیاً آیا شما اجازه میدهید بابت ردّ مظالم وجهی پرداخت شود؟ (که هم صاحب کالا زیاد ضرر نکند و هم کمکی براننده میشود).

ج

- در مورد سؤال چنانچه راننده در حفظ کالای تجارتي تقصیر نکرده باشد ضامن کالای مسروقه نیست و اما نسبت به پرداخت مظالم به راننده چنانچه تقصیرش در حفظ بطور شرعی ثابت شود و فقیر شرعی باشد و سید هم نباشد مجازید. جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶۸

س ۱۲۲۹

اشاره

- تاجر قمی از تاجر تهرانی جنسی می‌خرد و به فروشنده میگوید که جنس را بارنامه نموده برایم بفرستید اگر در این فرض جنس تلف شود تلف از بایع است یا از مشتری؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه خریدار جنس را از فروشنده تحویل گرفته و سپس بفروشنده دستور داده که جنس را برای او بفرستد و فروشنده هم در بارنامه و ارسال کردن جنس سهل انگاری نکرده فروشنده ضامن نیست.

ضمان قبل از خرید

س ۱۲۳۰

اشاره

- مقبوض به سوم آیا ضامن هست یا خیر؟ چرا، آیا مانند ودیعه است مثلاً شخصی رفت داخل مغازه جنسی را بخرد قبل از خرید در حین انتخاب از دستش افتاد شکست چه کسی ضامن است؟ البته تفریط صورت نگرفته، با اجازه و یا از دست خود صاحب مغازه گرفته است.

ج

جامع الاحکام؛ ج ۱؛ ص ۳۶۸

مقبوض به سوم حکم ودیعه ندارد، بلکه قابض ضامن است و لو با اجازه صاحب مغازه اخذ کرده باشد.
و الله العالم.

س ۱۲۳۱

اشاره

- یک دستگاه ماشین سواری در معرض فروش قرار می‌گیرد. مشتری جهت اطلاع کامل از سالم بودن ماشین، آن را مورد آزمایش قرار می‌دهد که در نتیجه، سالم بودن ماشین از هر نظر مورد تأیید قرار می‌گیرد. مشتری برای خریدن این وسیله نقلیه اعلام آمادگی می‌نماید. اما بعداً فرزند مشتری نیز تصمیم می‌گیرد دوباره ماشین را مورد آزمایش قرار دهد، آزمایشی که نیازی به آن نبوده است، اما در این آزمایش مجدد، فرزند مشتری، در حین رانندگی، رعایت احتیاط و ضوابط رانندگی را نمی‌کند و لذا در اثر بی‌توجهی منشأ خسارت قابل توجهی می‌گردد، خسارت وارده بر عهده کیست بائع، مشتری یا فرزند مشتری که عامل خسارت است؟

ج

- در فرض سؤال، فرزند مشتری ضامن خسارت است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعی لازم است. و الله العالم
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۶۹

خسارت حوادث و سوانح

س ۱۲۳۲

اشاره

- اگر کارگری در حین انجام وظیفه دچار حادثه گردید الف- کارفرما ضامن است یا نه؟
ب- کارفرما ضامن مداوای او تا بهبودی کامل است یا نه؟
ج- کارفرما از نظر تأمین زندگی او ضامن است یا نه؟
د- اگر کارگر حادثه دیده بهبودی کامل نیافت تکلیف چیست؟
ه- در مدتی که کارگر حادثه دیده خسارات مالی و روانی بسیاری به او وارد آمده تکلیف چیست؟
و- اگر جائی که چند نفر عهده‌دار مدیریت کاری هستند و عده‌ای با تأمین درمان و مسائل دیگر کارگر حادثه دیده موافقت جز مثلاً یک نفر، مقصر همه هستند یا همان یک نفر؟

ج

- بطور کلی اگر در اثر حادثه کارگر، مجروح یا مبتلا به نقص عضو شده باشد و به تقصیر خودش مستند نباشد کسی که بمباشرت

و فعل او جنایت واقع شده ضامن دیه است و اگر وقوع جنایت به شخص دیگر غیر از مباشر مستند شود و سبب عند العرف اقوی از مباشر باشد دیه بر کسی است که سبب وقوع حادثه شده است و اگر جنایت خطائی محض واقع شده دیه با عاقله جانی است، و اگر در ارتباط با پیش آمد حوادث قراردادی داشته باشند، در صورتی که با ضوابط شرعی تطبیق دارد باید به آن عمل شود.

س ۱۲۳۳

اشاره

- شخصی در نیمروز در هنگام چرانیدن گوسفندان خود در بیابان اقدام به درست کردن چای و افروختن آتش با هیزم میکند که بعلت وزیدن باد زمین درو شده که با کمباین چیده شده بود آتش می‌گیرد. سپس دامنه آتش زیاد گشته و بعلت نبود وسایل خاموش‌کننده، زمین گندمی که در مجاورت زمین چیده شده بوده آتش می‌گیرد و محصول گندم بطور کلّ از بین می‌رود سؤال این است: آیا از نظر شرع اسلام صاحب زمین میتواند ادّعی خسارت نماید؟

ج

- در مورد سؤال چوپان ضامن خسارت حاصله از آتش‌سوزی مذکور است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعی لازم است.
جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۷۰

س ۱۲۳۴

اشاره

- زیدی خارج از منزل خودش در محل تردد حیوانات در روستا گازوئیل تراکتور خود را تعویض نموده است و مقدار باقی مانده گازوئیل را در ظرف باقی گذاشته و رفته و چند حیوان از باقیمانده گازوئیل خوردند و تلف شدند آیا زید ضامن حیوانات تلف شده هست یا خیر حکم الله را بیان فرمائید.

ج

- در فرض سؤال که زید در معبر عمومی و محلّ تردد حیوانات گازوئیل را گذاشته و سبب تلف حیوانات مردم شده ضامن است و باید خسارت حیوانات تلف شده را بدهد.

خسارت اضرار به دیگران

س ۱۲۳۵

اشاره

- اگر چند نفر بطرف ماشین شخصی سنگ پرتاب نمایند و شیشه ماشین بشکند یا خسارتی به ماشین وارد شود درحالی که معلوم

نباشد سنگ کدامیک از این افراد به ماشین اصابت نموده جبران خسارت و یا ضمان قیمت شیشه ماشین بعهده کدامیک از این افراد خواهد بود لطفاً حکم مسأله را بیان فرمائید؟

ج

- تضمین افراد مذکور بطور توزیع یا یکی از آنها از طریق قرعه محلّ اشکال است هر چند طبق نظر حاکم شرعی مستوجب تعزیرند. و الله العالم.

س ۱۲۳۶

اشاره

- آب از منزل شخصی به علت باز گذاشتن شیر آب به منزل همسایه سرایت کرده و خسارت وارد شده آیا شخصی که از منزلش آب آمده ضامن پرداخت خسارت است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، همسایه ضامن خسارت است.

س ۱۲۳۷

اشاره

- در جویی که از آن جوی باغات مشروب می‌شده و بعد افرادی آمده، در کنار جوی زمین خریده و خانه ساخته‌اند و حال صاحب خانه‌ها جلو آب ریز جوی را می‌گیرند و نمی‌گذارند باغات پایین آب ببرند مگر اینکه این جوی با سیمان درست شود و با گرفتن جلو جوی آب خساراتی به کشاورزان و باغداران وارد شده آیا آن خانه‌دارها حق جلوگیری و مطالبه پول را دارند و دیگر آیا ضامن ضرر و زیان می‌باشند؟

ج

- در فرض سؤال کسانی که در کنار جوی آب زمین خریده و خانه ساخته‌اند

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۷۱

حق ندارند از بردن آب جهت مشروب ساختن باغ‌های مذکور ممانعت نمایند و چنانچه در اثر ممانعت خساراتی متوجه صاحبان باغ شود ضامن هستند و چنانچه رطوبت آب به ساختمان آنها ضرر بزند مالکین باغ ضمانتی از این جهت ندارند. و الله العالم

س ۱۲۳۸

اشاره

- قطعه زمین متعلق بشخص مقداری از آن مورد تجاوز واقع شده که این تجاوز موجب نقصان ساختمان در آن زمین از طرف مالک زمین شده است و نیز موجب نقصان قیمت کل آن بنا گردیده بنحوی که اگر بخواهند پس از رفع تجاوز رفع نقصان ساختمان کنند مبالغی طبق نظر کارشناس باید صرف شود شرعاً چه مقدار از نقصان ساختمان و نقصان قیمت کل بنا یا هزینه رفع نقصان را متجاوز ضامن است؟

ج

- در مورد سؤال متجاوز فقط نسبت بمقدار زمینی که تجاوز نموده ضامن است و نسبت به نقصان قیمت کل بناء ضامن ندارد و نسبت بنقصان ساختمان اگر مقصود این است که در اثر آن تجاوز، بساختمان ضرر وارد شده است متجاوز مذکور ضامن آن نیز میباشد.

مسائل متفرقه ضمان

س ۱۲۳۹

اشاره

- شخصی از محلی صد رأس گوسفند خریده و می‌خواهد برای فروش به تهران بیاورد و در راه در اثر تصادف ماشین تعدادی از گوسفندان تلف می‌شود لطفاً بیان فرمائید آیا ضمان بعهده بایع است یا مشتری؟

ج

- در مورد سؤال ضمان بعهده بایع نیست.

س ۱۲۴۰

اشاره

- شخصی جنسی شکستی را به فردی فروخت و مشتری کل پول را یکجا به بایع داد و بایع چندین بار به مشتری تذکر اکید داده که بیا جنس را ببر، ولی مشتری کوتاهی نمود و آن جنس بدون افراط و تفریط شکست آیا بایع باید پول را به مشتری را بپردازد؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه قبل از آنکه بایع مبیع را به قبض مشتری بدهد مبیع تلف شده ضمان آن به عهده بایع است ولی اگر مبیع را به قبض مشتری داده و

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۷۲

مشتری بعد از قبض مبیع را به طور امانت پیش بایع گذاشته و بدون تقصیر بایع تلف شده ضامن نیست. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و الله العالم

س ۱۲۴۱

اشاره

- اگر شخصی ببیند خانه همسایه آتش گرفته و کسی نیست که اطفاء حریق نماید، و خاموش کردن آتش مستلزم این است که یا در خانه را بشکند و یا دیوار خانه را خراب کند در حالی که قصد اطفاء حریق علی سبیل الاحسان است، آیا در این فرض اتلاف مال غیر موجب ضمان می‌شود یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال حکم به ضمان مشکل است بلی اقل ضررین را باید انتخاب کند. و الله العالم

س ۱۲۴۲

اشاره

- دو نفر با هم یک باب مغازه مشترک داشته‌اند بمدت ۱۵ سال در خرید و فروش مغازه‌ای جزئی و کلی مشارکت و مشورت داشته‌اند و یک فقره دسته چک برای مغازه بعنوان حساب جاری باز نموده‌اند که بامضاء یک نفر از آنها که سواد داشته است بوده و هر چه قدر که در مغازه خرید صورت می‌گرفته است بوسیله همین دسته چک بوده است در خلال این مدت یک نفر که با این دو شریک دوستی و آمد و رفت داشته است یک برگ چک بانکی از آنها دریافت و بعنوان ضمانت جهت وام به بانک داده و فعلاً ورشکست شده و حال آن شخص که سواد ندارد فوت نموده است سؤال: ممکن است با شرح بالا برای دریافت این مبلغ از ضامن، چک به اجرا گذاشته شود آیا شخص امضاکننده مسئول است این وجه را پردازد یا مغازه مشترک این دسته چک مسئول پرداخت آن می‌باشد؟

ج

- در ضمان شرائطی معتبر است که بدون آنها ضمان صحیح نیست از جمله مثلاً به ضامن بگوید اگر فلانی بدهی خود را تا فلان مدت نداد من ضامنم ضمانت صحیح نیست و مضمون نمی‌تواند از او مطالبه نماید علاوه مفهوم ضمان انتقال حق از ذمه مضمون عه بذمه ضامن و برائت ذمه مضمون عه است و اگر به این صورت ضامن شود که حق مطالبه مضمون به از مضمون عه باقی باشد ضمان صحیح نیست بنابراین اگر ضمانت برای بانک به این نحو بوده که با ضمانت ضامن ذمه مضمون عه بدهکار بانک باشد و بانک حق مطالبه از او و ضامن را داشته باشد یا اگر بدهکار بدهی خود را نداد ضامن بدهد باز هم ضمان صحیح نیست و در مورد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۷۳

مفروض شریک و امضاکننده چک هیچ کدام نه به تنهایی و نه مشترکاً ضامن نیستند ولی اگر ضمان با شرائط صحت واقع شده باشد و شریک با وکالت از شریک دیگر که در کل امور مربوط شرکت داشته در ارتباط با امور این شرکت چک را امضاء کرده و ضامن شده باشد در این صورت ظاهر این است که وجه الضمان از شرکت پرداخت می‌شود و اگر خارج از امور شرکت بوده خود امضاکننده چک مسئول است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۲۴۳

اشاره

- ماشین حسابی را از یک نفر قرض گرفته بودم و چون راهم دور بود نتوانستم آن را فوراً پس بدهم شخص دیگری که برای داشتن ماشین حساب اضطرار داشت آن را قرض گرفت و پیش او گم شد و من چون نمی‌توانستم آن را گیر بیاورم و ضمناً قیمت آن هم نسبتاً بالا بود و خودش (شخص سوم) نیز اصرار داشت که ماشین را برایم تهیه کنید ولی مثل آن در بازار گیر نمی‌آمد و یک چیزی تقریباً شبیه به آن پیدا کردیم و قیمت را پرسیده و چند ماه بعد آن پول را به من داد وقتی رفتم که آن ماشین را بخرم دیدم ۲۰۰ تومان گران‌تر شده آیا شرعاً جایز بود آن پول را از او بگیرم من نیز ۲۰۰ تومان ضرر کرده بودم اگر جایز نبوده آن را برمی‌گردانم؟

ج

- مورد سؤال، امانت است نه قرض بنابراین برای شما جائز نبوده بدون اجازه صاحبش آن را بدیگری بدهید به هر حال شما باید مثل همان ماشین حساب را تهیه نموده و به شخص اول بدهید، اگر نشد قیمت آن را بر طبق روزی که اداء مثل متعذر میشود بپردازید و میتوانید همین قیمت را از شخص سوم بگیرید.

س ۱۲۴۴

اشاره

- شخصی فرش را در منزل بنده به امانت گذاشته و پس از تحویل آن بعد از چند روزی مدعی خسارت شده که بخاطر رطوبت فرش خراب شده است در صورتی که بنده قسم می‌خورم که به خوبی از آن مراقبت نموده‌ام حال تکلیف ما چیست؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه امانت دار در حفظ فرش کوتاهی و مسامحه کرده مانند اینکه مثلاً فرش را در جای مرطوب یا جایی که آب ریخته گذاشته ضامن خسارت است و اگر مسامحه نکرده و بدون اطلاع او از جایی که احتمال نمی‌داده اتفاقاً رطوبت به فرش رسیده ضامن نیست بطور کلی اگر امانت‌دار خیانت و تقصیر

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۷۴

در حفظ امانت نکرده در صورتی که عیبی در امانت پیدا شده امانت دار ضامن نیست و اگر مالک امانت مدعی تقصیر و خیانت او باشد باید نزد حاکم شرعی ثابت نماید و اگر نمی‌تواند ثابت نماید فقط می‌تواند امانت دار را قسم بدهد که خیانت نکرده است.

س ۱۲۴۵

اشاره

- اگر کسی دیگری را توقیف غیر قانونی کند یا کس دیگری را آسیب رساند و او را راهی بیمارستان کند یا اگر کسی مال دیگری را تخریب یا تصرف غیر قانونی یا غصب کند.

به نظر حضرت تعالی منافع کاری که مجنی علیه در مدت توقیف یا بستری شدن در بیمارستان از آن محروم شده یا منافع مالی که تا مدت ترمیم مال تخریب شده و با تصرف غیر قانونی یا غصب از بین رفته و مالک از آن منتفع نشده است قابل جبران است یا نه؟ (در فرض اخیر متصرف غیر قانونی یا غاصب از منافع آن مال منتفع نشده است).

با توجه به مسائل فوق آیا از دست دادن این منافع قابل جبران است بر اساس کدام قاعده قابل جبران هست و استدلال حضرت تعالی در این مورد چیست؟

با توجه به مسائل آیا از دست دادن منافع ممکن الحصول (عدم نفع) ضرر است یا نه؟

آیا از دست دادن منافع ممکن حصول (عدم نفع) قابل جبران است یا نه؟

و اگر از دست دادن این منافع قابل جبران است بر اساس کدام قاعده قابل جبران است و استدلال حضرت تعالی در این مورد چیست؟

آیا قاعده لا ضرر شامل عدم نفع هم می شود؟

ج

- بطور کلی اگر کسی شخص آزادی را حبس کند یا از کار کردن منع نماید معصیت بزرگی مرتکب شده و تحت نظر حاکم شرع قابل تعزیر است ولی ضامن منافی که از او در اثر تعطیل شغل و کار فوت می شود نیست بلی اگر او را ملزم به کار نماید ضامن اجرت المثل عمل او است و همچنین اگر شخصی را که اجیر دیگری است به این صورت که کار و عملش را به دیگری تملیک کرده باشد از کار و عملش بازدارند بازدارنده ضامن اجرة المثل کار او برای صاحب کار می باشد

جامع الاحکام، ج ۱، ص: ۳۷۵

و وجه ضمان در دو صورت اخیر معلوم است زیرا در صورت دوم از او کار کشیده و بعمل واداشته و در صورت سوم نیز چون کار و عمل او به اعتبار عرفی ملک مستأجر شده کسی که مانع شده ضامن تفویت ملک او شده است اما در صورت اول توانایی کار و شغل عرفاً مال و ملک اعتبار نمی شود و لذا شخص کارگری را که در ظرف سال می تواند میلیونها پول مزد بگیرد صاحب میلیونها و میلیونر نمی دانند ولی اگر کار یک ساله خود را بدیگری تملیک کرد هم دیگری مالک آن می شود و هم خودش مالک اجرتی که معین شده است می باشد اما نسبت به اشیاء و اعیان که عرفاً منافی دارند مثل خانه، ماشین، اثاث خانه و غیره اگر کسی آنها را بدون اذن از صاحبشان در اختیار بگیرد و مانع از استفاده صاحبشان از آنها بشود اگر چه خودش هم از آنها استفاده نکند مثلاً در خانه ننشیند یا سوار ماشین نشود ضامن اجرة المثل آنها است بنابراین یک وجه مهم ضمان و عدم ضمان اعتبار مالیت منافع در صورتی است که حکم بضمن می شود و عدم اعتبار مالکیت آن در صورتی است که حکم بعدم ضمان می نمایم. و الله العالم.

س ۱۲۴۶

اشاره

- تاوان مال حلال است یا حرام؟

ج

- مورد تاوان جائی است که چیزی به عنوان امانت به کسی سپرده شود و امین مواظبت کامل برای حفظ آن نموده و اتفاقاً تلف شده باشد، که در این صورت صاحب آن چیز حق ندارد مثل یا قیمت آن چیز را از امین مطالبه نماید و گرفتن مثل یا قیمت در این مورد حرام است. و الله العالم.

[۱] (۱) انبیاء/۷، نحل/۴۳.

[۲] (۲) کمال الدین: ۲/۴۸۵.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

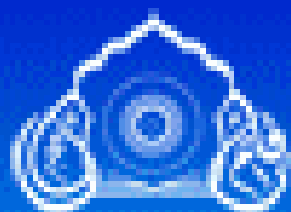
الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

